نهج الذکر

با

ترجمه فارسی

محمدی ری شهری

جلد سوم

با همکاری

رسول افتقی

ترجمه

حمید رضایی

بسم الله الرحمن الرحیم



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر

نهج الذکر

فارسی - عربی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمدی ری شهری

جلد سوم

باهمکاری
رسول افقی

ترجمه
حمیدرضا شیخی

پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۱۵۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمّدی ری‌شهری، محمّد، ۱۳۲۵ ـ
نهج الذکر. ترجمهٔ فارسی / تالیف محمّد محمّدی ری‌شهری با همکاری رسول افقی؛ ترجمهٔ حمیدرضا شیخی. ـ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق = ۱۳۸۶ ـ
ج. ـ (پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث؛ ۱۵۴)
ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8
ISBN : 978 - 964 - 493 - 305 - 9
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ج ۴.ص. ۵۷۷ ـ ۵۹۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. ذکر ـ احادیث ۲. احادیث شیعه ـ قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت ـ قرن ۱۴. الف. افقی، رسول، ۱۳۴۵ ـ ، نویسنده همکار. ب. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۴۵ ـ ، ج. مترجم. د. عنوان.
BP ۱۴۱/۵/ذ۷م۳ ۱۳۸۶
۲۹۷/۲۱۸
فهرست‌نویسی پیش از انتشار، توسّط کتابخانهٔ تخصّصی حدیث / قم

نهج الذکر همراه با ترجمه / ج۳

محمّد محمّدی ری‌شهری

همکار: رسول افقی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: عبد الهادی مسعودی، محمّد احسانی‌فر، حیدر مسجدی

بازبین ترجمه: محمّد مرادی

بازبین نهایی: حیدر مسجدی، دکتر ناصر حکمت

مصدریاب احادیث: عبد الحسین کافی، محمود کریمیان، علی نجفی، سیّد مهدی حسینی، داوود اُفقی

اعراب‌گذار: رسول اُفقی

مقابله‌گر با مصادر: رعد یهبانی، عبد الکریم مسجدی

مجری آماده‌سازی پیش از نشر: محمّد باقر نجفی

سرویراستار فارسی: محمّدهادی خالقی

ویراستار فارسی: محمّد باقری‌زادهٔ اشعری، سیّد محمّد دلال موسوی، مرتضی بهرامی خشنودی

سرویراستار عربی: حسنین دباغ

ویراستار عربی و شرح لغات: نعمان نصری، ماجد میمری، عبد الکریم مسجدی

فهرست‌ساز: محمّد ضیاء سلطانی، رعد یهبانی

نمونه‌خوان فارسی: علیرضا نگران، سیّد هاشم شهرستانی، محمود سپاسی، مصطفی اوجی، محمّد محمودی، مهدی جوهرچی

نمونه‌خوان عربی: عبد الکریم حلّی، حیدر وائلی

خوش‌نویس: حسن فرزانگان

حروفچین: حسین افخمیان، علی اصغر دُرباب

صفحه‌آرا: محمّد ضیاء سلطانی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۷

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۲۵۰۰۰ تومان

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۷۷۸۲
تاریخ ثبت:

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نبش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ ۰۲۵۱ / ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۷۷۴۰۵۴۵ ۰۲۵۱ - فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینهٔ کتاب، طبقهٔ هم‌کف) تلفن: ۳ـ ۲۲۴۰۰۶۲ ۰۵۱۱

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، ترسیده به چهار راه پل خاکی، دست چپ، ساختمان کوثر) تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

http://www.hadith.net

hadith@hadith.net

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8

ISBN : 978 - 964 - 493 - 305 - 9

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *

9789644933028

فهرست اجمالی

بخش ششم: تکبیر (گفتنِ «الله أکبر»)

درآمد ۹
فصل یکم: تفسیر «الله أکبر» ۱۷
فصل دوم: فضیلت «الله أکبر» گفتن و تشویق به آن ۲۷
فصل سوم: جایگاه‌های گفتن «الله أکبر» ۳۳
فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز ۶۹
فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت ﷺ ۷۵

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتنِ «لا حول و لا قوة إلّا بالله» و «إن شاء الله»)

درآمد ۸۳
فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّة الّا بالله» ۸۹
فصل دوم: ویژگی‌های «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» ۹۵
فصل سوم: برکت‌های «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» ۱۰۹
فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا ۱۴۱
فصل پنجم: مهم‌ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» ۱۴۷
فصل ششم: «لا حول ولا قوّة إلّا بالله»های رسیده از اهل بیت ﷺ ۱۵۵

فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد» ۱۶۵
فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن ۱۷۷
فصل نهم: گوناگون ۱۸۳

بخش هشتم: استعاذه (گفتنِ «أعوذ بالله»)

درآمد ۱۹۱
فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او ۱۹۷
فصل دوم: آداب پناه بردن ۲۱۱
فصل سوم: برکت‌های پناه بردن به خدا ۲۳۹
فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد ۲۸۳
فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا ۳۹۱
فصل ششم: پناه خواهی‌های نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام ۴۹۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش ششم

تکبیره (گفتنِ «الله اکبر»)

شامل:

درآمد

فصل یکم : تفسیر «الله اکبر»

فصل دوم : فضیلت «الله اکبر» گفتن و تشویق به آن

فصل سوم : جایگاه‌های گفتن «الله اکبر»

فصل چهارم : آداب تکبیر گفتن در نماز

فصل پنجم : تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «تکبیر»

کلمهٔ «تکبیر»، مصدر است از ریشهٔ «کبر». این مادّه به معنای بزرگی، اعم از مادّی و معنوی است[1] و هنگامی که به باب إفعال، تفعیل و یا استفعال برود، به معنای بزرگ شمردن، بزرگ یافتن، بزرگ دیدن و به بزرگی یاد کردن می‌آید.

ابن فارس، در این باره می‌گوید:

مادّهٔ «کبر»، یک اصل صحیح معنایی دارد به معنای خلاف «صِغَر (کوچکی)»... و از همین باب است «کِبَر» به معنای سال‌خوردگی. «کِبر» یعنی عظمت... و گفته می‌شود: «أکبرتُ الشیء (آن چیز را بزرگ یافتم)».[2]

ابن منظور، گفته است:

«استکبر الشیءَ»، یعنی: آن چیز را بزرگ دید و در نظرش عظیم آمد... و «کبّر الأمرَ»، یعنی: آن کار را بزرگ قرار داد، یا آن را بزرگ گردانید. تکبیر

---

۱. به نظر می‌رسد که مادّهٔ «کبر»، در اصل به معنای بزرگیِ مادّی وضع شده؛ لیکن از باب توسّع، در معانی متناسب با آن، از جمله پیری و بزرگی معنوی نیز به کار رفته است.

۲. معجم مقاییس اللغة: ج ۵ ص ۱۵۳.

به معنای بزرگداشت است.[۱]

راغب نیز گفته است:

و «أکبرتُ الشیءَ» یعنی: آن چیز را بزرگ دیدم. خدای متعال می‌فرماید: **﴿فَلَمَّا رَأَیْنَهُ أَکْبَرْنَهُ﴾**[۲] **وچون او را دیدند، بزرگش یافتند﴾**. تکبیر، به همین معنا گفته می‌شود و برای بزرگداشت خداوند متعال می‌گویند: «الله أکبر» و همچنین برای عبادت خدا و حال تعظیم به خود گرفتن در برابر او.[۳]

تکبیر، در قرآن و حدیث

در قرآن، واژهٔ «تکبیر»، فقط یک بار به کار رفته است:

﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُن لَّهُ شَرِیكٌ فِی ٱلْمُلْكِ وَلَمْ یَکُن لَّهُ وَلِیٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا﴾[۴]

و بگو: «ستایش، خدایی راکه نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری، شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد» و او را بسیار بزرگ بشمار﴾.

این واژه در قرآن و حدیث نیز مانند لغت، به معنای یاد کردن خداوند متعال به بزرگی و عظمت و نیز گفتن «الله أکبر» است.

---

۱. لسان العرب: ج ۵ ص ۱۲۶.

۲. یوسف: آیهٔ ۳۱.

۳. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۶۹۸.

۴. اسراء: آیهٔ ۱۱۱. نیز، ر.ک: بقره: آیهٔ ۱۸۵، حج: آیهٔ ۳۷ و مدّثّر: آیهٔ ۳.

تفسیر «تکبیر»

احادیثی که «تکبیر» را تفسیر کرده‌اند، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. احادیثی که در تفسیر این ذکر، تنها به یکتایی و بی‌نظیر بودن حضرت حق در عظمت اشاره کرده‌اند، مانند آنچه از پیامبر خدا روایت شده که در معنای تکبیر می‌فرماید:

يَعني أنَّهُ لَيسَ شَيءٌ أكبَرَ مِنهُ.[۱]

یعنی چیزی بزرگ‌تر از او نیست.

۲. احادیثی که بزرگ‌تر بودن خداوند را به معنای والاتر بودن او از توصیف می‌دانند. این احادیث، در واقع، تأکیدی هستند بر این که خداوند متعال، قابل مقایسه با هیچ چیز دیگر (مادّی باشد یا معنوی) نیست؛ زیرا هر چیزی جز خداوند متعال، محدود است، چنان که امام صادق﵇ به شخصی که در حضور ایشان، «أکبر» را به «بزرگ‌تر از هر چیز» معنا کرد، فرمود: «[با این معنا] خداوند را محدود کردی» و هنگامی که آن شخص از تفسیر صحیح «الله أکبر» پرسید، فرمود:

قُل: اللهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ.[۲]

بگو: خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود.

۳. احادیثی که «تکبیر» را به تنزیه خداوند متعال از صفات سلبی تفسیر کرده‌اند، مانند حدیثی که از امام علی﵇ نقل شده که در تفسیر «تکبیر» فرمود:

---

۱. ر.ک: ص ۱۶ ح ۱۵۷۴.

۲. ر.ک: دانش‌نامهٔ عقاید اسلامی: ج ۵ ص ۱۶۵ (معنای الله اکبر).

خدا بزرگ‌تر از آن است که به ایستادن یا نشستن وصف شود، به حرکت یا سکون وصف شود، به جسم بودن وصف شود یا به چیزی مانند شود یا با اندازه‌ای سنجیده شود، محلّ اَعراض واقع شود و یا دست‌خوش بیماری‌ها گردد، به جوهر یا عرض بودنْ وصف شود یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند، [و بزرگ‌تر از آن است که] آنچه بر موجوداتِ حادثْ رواست (مثل زایل گشتن، جا به جایی و دگرگونی از حالی به حالی)، بر او روا باشد، و یا آن که به حواس پنجگانه درآید.[۱]

۴. احادیثی که «تکبیر» را به توصیف کردن خداوند متعال به صفات ثبوتی تفسیر نموده‌اند، مانند این که امام علی﵇ در تفسیری دیگر از این ذکر می‌فرماید:

«الله أکبر»، یعنی: دانا و آگاه است. آنچه را بوده است و آنچه را خواهد بود، پیش از آن که پدید آید، می‌داند.

«الله أکبر»، یعنی بر هر چیزی تواناست. آنچه بخواهد، می‌تواند، به قدرتش نیرومند است. بر آفریدگانش تواناست. به ذات خویش تواناست. توانایی او بر همهٔ موجودات، حاکم است. هرگاه چیزی را بخواهد، به او می‌گوید: «هست شو» و آن، هست می‌شود.[۲]

تأمّل در این احادیث، نشان می‌دهد که «تکبیر»، در واقع، تجلّی جلال و جمال حضرت حق در دل ذاکر است. از این رو، هر چه جلال و جمال خداوند متعال، جلوهٔ بیشتری در دل داشته باشد، ذکر زبانی کامل‌تر خواهد بود.

---

۱. ر.ک: ص ۱۹ ح ۱۵۷۶.

۲. ر.ک: ص ۲۱ ح ۱۵۷۸.

اهمّیت ذکر «تکبیر»

در اهمّیت این ذکر، همین بس که بزرگ‌ترین مصداق ذکر یعنی «نماز»، با تکبیر آغاز و با تکبیر، پایان می‌یابد. افزون بر این، از پیامبر خدا روایت شده که می‌فرمود:

لِكُلِّ شَيءٍ صَفوَةٌ، وَصَفوَةُ الصَّلاةِ التَّكبيرَةُ الأُولىٰ.[۱]

هر چیزی گُزیده‌ای دارد و گزیدهٔ نماز، تکبیر آغازین [آن] است.

این سخن، بدان معناست که توجّه به عظمت جلال و جمال الهی در آغاز نماز، عصاره و شهد نماز است که اگر همراه با جاری شدن ذکر تکبیر بر زبان نمازگزار تحقّق یابد، وی را در برابر خداوند متعال، خاضع و خاشع می‌سازد و زمینهٔ حضور قلب در نماز را فراهم می‌سازد.

همچنین، معادل شمردن ارزش «تهلیل» و «تکبیر» در شماری از احادیث، نشانهٔ دیگری از اهمّیت بالای ذکر «الله أکبر» است، چنان که از امام علی﵇ در تفسیر ﴿كَلِمَةَ ٱلتَّقْوَىٰ﴾[۲] روایت شده است که:

مقصود، «لا إلٰهَ إلّا اللهُ» و «اللهُ أكبَرُ» است.[۳]

نیز از امام صادق﵇ روایت شده:

لَمَنُ الجَنَّةِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ و اللهُ أكبَرُ.[۴]

---

۱. ر.ک: ص ۳۲ ح ۱۵۹۷.
۲. فتح: آیهٔ ۲۶.
۳. ر.ک: ص ۳۰ ح ۱۵۹۳.
۴. ر.ک: ص ۳۰ ح ۱۵۹۵.

بهای بهشت، «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر».

و از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام روایت شده:

أکثِروا مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ، فَإنَّهُ لَیسَ شَیءٌ أحَبَّ إلَی اللهِ ﷻ مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ.[1]

«لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» بسیار بگویید؛ زیرا هیچ چیزی نزد خداوند، محبوب‌تر از «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» نیست.

جایگاه تکبیر

هر چند «تکبیر» و یاد کردن خداوند متعال به عظمت و بزرگی، در هر حال و در همه جا نیکوست، لیکن تأمّل در نصوص اسلامی نشان می‌دهد که گفتنِ این ذکر، هنگامی که انسان با اموری برخورد می‌کند که یادآور عظمت خدا هستند و یا توجّه به عظمت الهی نقش خاصّی در آنها ایفا می‌نماید، از اهمّیت بیشتری برخوردار است. مثلاً: توجّه به عظمت الهی هنگام اذان و نماز، موجب حضور قلب و خضوع و خشوع در نماز است.

یا توجّه به عظمت الهی در جهاد، به رزمنده روحیهٔ مقاومت می‌دهد و به هنگام پیروزی، از آفات غرور، پیشگیری می‌کند.

یا توجّه به عظمت الهی هنگام زفاف و اعیاد، سبب می‌شود که خوشی‌ها موجب غفلت نگردند.

توجّه به عظمت الهی هنگام دیدن هلال نیز از این باب است که نظام حکیمانهٔ

---

۱. ر.ک: ص ۳۰ ح ۱۵۹۴.

حاکم بر گردش ماه و زمین، یکی از نشانه‌های بزرگ عظمت آفریدگار حکیم جهان است. همچنین سایر مواردی که ذکر «تکبیر» در آنها توصیه شده نیز حکمت خاصّ خود را دارند، که با تأمّل، قابل فهم است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الأوَّل

تَفسيرُ التَّكبيرِ

١٥٧٤ . رسول الله ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عَن تَفسيرِ: سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ للهِ ولا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ ـ: ... وأمّا قَولُهُ: «اللهُ أكبَرُ»، فَهِيَ كَلِمَةٌ أعلَى الكَلِماتِ وأحَبُّها إلَى اللهِ ﷻ، يَعني أنَّهُ لَيسَ شَيءٌ أكبَرَ مِنهُ، ولا تَصِحُّ الصَّلاةُ إلّا بِها لِكَرامَتِها عَلَى اللهِ ﷻ، وهُوَ الاِسمُ الأعَزُّ الأكرَمُ.[١]

١٥٧٥ . الإمام عليّ ﷺ ـ في بَيانِ مَعنىٰ «اللهُ أكبَرُ» فِي الأذانِ ـ: فَمَعنىٰ «اللهُ»: أنَّهُ يُخرِجُ الشَّيءَ مِن حَدِّ العَدَمِ إلىٰ حَدِّ الوُجودِ، ويَختَرِعُ الأشياءَ لا مِن شَيءٍ، وكُلُّ مَخلوقٍ دونَهُ يَختَرِعُ الأشياءَ مِن شَيءٍ إلّا اللهَ، فَهٰذا مَعنىٰ «اللهُ»، وذٰلِكَ فَرقٌ بَينَهُ وبَينَ المُحدَثِ. ومَعنىٰ «أكبَرُ»: أي أكبَرُ من أن يوصَفَ فِي الأوَّلِ، وأكبَرُ مِن كُلِّ شَيءٍ لَمّا خَلَقَ الشَّيءَ.[٢]

١٥٧٦ . بحار الأنوار عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ: كُنتُ مَعَ مَولانا أميرِ المُؤمِنينَ ﷺ فَرَأىٰ رَجُلاً قائِماً يُصَلّي، فَقالَ لَهُ: يا هٰذا أتَعرِفُ تَأويلَ الصَّلاةِ؟

---

١. علل الشرايع: ص ٢٥١ ح ٨، الأمالي للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ كلاهما عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٩٣ ح ٥.

٢. بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٠ ح ٧٣ نقلاً عن العلل لمحمّد بن عليّ بن إبراهيم.

فصل یکم
تفسیر «الله اکبر»

۱۵۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از تفسیر: «پاکا خدا، و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است» ـ:... و سخن او «خدا بزرگ‌تر است»، عالی‌ترین سخنان و محبوب ترین آنها نزد خداوندﷻ است؛ یعنی هیچ چیز، بزرگ‌تر از خدا نیست. این سخن نزد خداوندﷻ چندان گرامی است که نماز، جز با آن، درست نیست. آن، ارجمندترین و گرامی ترین نام است.

۱۵۷۵ . **امام علی**ؑ ـ در بیان معنای «خدا، بزرگ‌تر است» در اذان ـ: «خدا»، یعنی آن که چیز را از مرز نیستی به مرز هستی می‌آورد و چیزها را از ناچیز، می‌آفریند. امّا غیر او، هر مخلوقی چیزها را از چیز می‌سازد. این است معنای «خدا»، و این است فرق میان او و موجود حادث. معنای «بزرگ‌تر است» هم، یعنی بزرگ‌تر از آن است که گفته شود در آغاز، چون بوده است، و نیز پس از آن که عالم را آفرید، بزرگ‌تر از هر چیزی است.

۱۵۷۶ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری ـ: با سَروَرمان امیر مؤمنان بودم که دید مردی به نماز ایستاده است. به او فرمود: «ای مرد! آیا تأویل نماز را می‌دانی؟».

فَقالَ: يا مَولايَ؟ وهَل لِلصَّلاةِ تَأويلٌ غَيرُ العِبادَةِ؟

فَقالَ: إي وَالَّذي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّةِ، وما بَعَثَ اللهُ نَبِيَّهُ بِأَمرٍ مِنَ الأُمورِ إلّا ولَهُ تَشابُهٌ وتَأويلٌ وتَنزيلٌ، وكُلُّ ذٰلِكَ يَدُلُّ عَلَى التَّعَبُّدِ.

فَقالَ لَهُ: عَلِّمني ما هُوَ يا مَولايَ؟

فَقالَ عليه السلام: تَأويلُ تَكبيرَتِكَ الأُولىٰ إلىٰ إحرامِكَ أن تُخطِرَ في نَفسِكَ إذا قُلتَ: اللهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ بِقِيامٍ أو قُعودٍ، وفِي الثّانِيَةِ: أن يوصَفَ بِحَرَكَةٍ أو جُمودٍ، وفِي الثّالِثَةِ: أن يوصَفَ بِجِسمٍ أو يُشَبَّهَ بِشِبهٍ أو يُقاسَ بِقِياسٍ، وتُخطِرَ فِي الرّابِعَةِ: أن تَحُلَّهُ الأَعراضُ أو تُوْلِمَهُ الأَمراضُ، وتُخطِرَ فِي الخامِسَةِ: أن يوصَفَ بِجَوهَرٍ أو بِعَرَضٍ أو يَحُلَّ شَيئاً أو يُحَلَّ فيهِ شَيءٌ، وتُخطِرَ فِي السّادِسَةِ: أن يَجوزَ عَلَيهِ ما يَجوزُ عَلَى المُحدَثينَ مِنَ الزَّوالِ وَالاِنتِقالِ وَالتَّغَيُّرِ مِنَ حالٍ إلىٰ حالٍ، وتُخطِرَ فِي السّابِعَةِ: أن تَحُلَّهُ الحَواسُّ الخَمسُ.[1]

١٥٧٧. **الإمام علي** عليه السلام ـ في بَيانِ مَعنىٰ «اللهُ أكبَرُ» في تَكبيرَةِ الاِفتِتاحِ ـ: هُوَ أكبَرُ مِن أن يُلمَسَ بِالأَخماسِ، ويُدرَكَ بِالحَواسِّ. ومَعنَى «اللهُ»: هُوَ الَّذي ذَكَرناهُ أنَّهُ يُخرِجُ الشَّيءَ مِن حَدِّ العَدَمِ إلَى الوُجودِ. و«أكبَرُ»: أكبَرُ مِن أن يوصَفَ.[2]

١٥٧٨. **الإمام الحسين** عليه السلام: كُنّا جُلوساً فِي المَسجِدِ، إذ[3] صَعِدَ المُؤَذِّنُ المَنارَةَ، فَقالَ: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، فَبَكىٰ أميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام، وبَكَينا بِبُكائِهِ، فَلَمّا فَرَغَ المُؤَذِّنُ

---

١. بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٥٣ ح ٥٢ نقلاً عن خطّ الشيخ محمّد بن عليّ الجبعي نقلاً من خطّ الشيخ الشهيد رحمه الله.

٢. بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٨٠ ح ٣٥ نقلاً عن العلل لمحمّد بن عليّ بن إبراهيم.

٣. في المصدر: «إذا»، والتصويب من معاني الأخبار.

مرد گفت: سَرورَم! آیا نماز، تأویلی جز عبادت دارد؟

فرمود: «آری؛ سوگند به آن که محمّد را به پیامبری برانگیخت! خداوند، پیامبر خود را به هیچ کاری از کارها نفرستاد، مگر این که برای آن کار، تشابه و تأویل و تنزیلی است، و همهٔ اینها، نشان از تعبّد دارد».

مرد گفت: سَروَرم! تأویل آن را به من بیاموز.

فرمود: «تأویل نخستین تکبیرت، این است که هرگاه گفتی: "الله أکبر"، در دلت بگذرانی که او بزرگ‌تر از آن است که به ایستادن یا نشستن، وصف شود. و در تکبیر دوم، [یعنی] بزرگ‌تر از آن است که به پویایی یا ایستایی وصف شود.

و در تکبیر سوم، [یعنی] بزرگ‌تر از آن است که به جسم بودن، وصف شود یا به مانندی همانند شود، یا با میزانی سنجیده شود.

و در تکبیر چهارم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ‌تر از آن است که اعراض، در او جای گیرند یا بیماری‌ها دردمندش کند.

و در تکبیر پنجم، [یعنی] از ذهنت بگذرانی که: او، بزرگ‌تر از آن است که به جوهر یا عَرَض بودن، وصف گردد یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او، حلول نماید.

و در تکبیر ششم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ‌تر از آن است که زوال و جا به جایی و دگرگونی (از حالی به حالی دیگر که بر موجودات حادث رواست). بر او روا باشد.

و در تکبیر هفتم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ‌تر از آن است که حواس پنجگانه، ادراکش کند».

۱۵۷۷. امام علیﷺ ـ در بیان معنای «خدا، بزرگ‌تر است» در «تکبیرة الإحرام»[1] ـ: یعنی او بزرگ‌تر از آن است که با پنجه‌ها[2] (انگشتان) لمس گردد و با حواس، ادراک شود. معنای «خدا» هم همان است که گفتیم، یعنی کسی که چیزها را از مرز نیستی به هستی می‌آورد. و «بزرگ‌تر است»، یعنی بزرگ‌تر از آن است که در وصف آید.

۱۵۷۸. امام حسینﷺ: در مسجد نشسته بودیم که مؤذّن، بالای مناره رفت و گفت: «خدا، بزرگ‌تر است. خدا، بزرگ‌تر است».

امیر مؤمنان علی بن ابی طالبﷺ گریست و ما هم با گریهٔ او گریستیم. چون

---

۱. منظور از «تکبیرة الاحرام» یا «تکبیرة الافتتاح»، تکبیری است که نمازگزار با آن، وارد نماز می‌گردد. چون با این تکبیر، نماز آغاز می‌شود.

۲. شاید مراد از «اخماس»، حواسّ پنجگانهٔ ظاهری باشد و مراد از «حواس»، «حواس باطنی».

قالَ: أتَدرونَ ما يَقولُ المُؤَذِّنُ؟ قُلنا: اللهُ ورَسولُهُ ووَصِيُّهُ أعلَمُ!

فَقالَ: لَو تَعلَمونَ ما يَقولُ لَضَحِكتُم قَليلاً ولَبَكَيتُم كَثيراً، فَلِقَولِهِ: «اللهُ أكبَرُ» مَعانٍ كَثيرةٌ، مِنها:

إنَّ قَولَ المُؤَذِّنِ: «اللهُ أكبَرُ» يَقَعُ عَلىٰ قِدَمِهِ، وأزَلِيَّتِهِ، وأبَدِيَّتِهِ، وعِلمِهِ، وقُوَّتِهِ، وقُدرَتِهِ، وحِلمِهِ، وكَرَمِهِ، وجودِهِ، وعَطائِهِ، وكِبرِيائِهِ. فَإذا قالَ المُؤَذِّنُ: «اللهُ أكبَرُ» فَإنَّهُ يَقولُ: اللهُ الَّذي لَهُ الخَلقُ وَالأَمرُ، وبِمَشِيَّتِهِ كانَ الخَلقُ، ومِنهُ كانَ كُلُّ شَيءٍ لِلخَلقِ، وإلَيهِ يَرجِعُ الخَلقُ، وهُوَ الأَوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَيءٍ لَم يَزَل، وَالآخِرُ بَعدَ كُلِّ شَيءٍ لا يَزالُ، وَالظّاهِرُ فَوقَ كُلِّ شَيءٍ لا يُدرَكُ، وَالباطِنُ دونَ كُلِّ شَيءٍ لا يُحَدُّ، فَهُوَ الباقي وكُلُّ شَيءٍ دونَهُ فانٍ.

وَالمَعنَى الثّاني «اللهُ أكبَرُ»: أي العَليمُ الخَبيرُ، عَلِمَ ما كانَ وما يَكونُ قَبلَ أن يَكونَ.

وَالثّالِثُ: «اللهُ أكبَرُ» أي القادِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ، يَقدِرُ عَلىٰ ما يَشاءُ، القَوِيُّ لِقُدرَتِهِ، المُقتَدِرُ عَلىٰ خَلقِهِ، القَوِيُّ لِذاتِهِ، قُدرَتُهُ قائِمَةٌ عَلَى الأَشياءِ كُلِّها، إذا قَضىٰ أمراً فَإنَّما يَقولُ لَهُ: كُن، فَيَكونُ.

وَالرّابِعُ: «اللهُ أكبَرُ» عَلىٰ مَعنىٰ حِلمِهِ، وكَرَمِهِ، يَحلُمُ كَأنَّهُ لا يَعلَمُ، ويَصفَحُ كَأنَّهُ لا يَرىٰ، ويَستُرُ كَأنَّهُ لا يُعصىٰ، لا يَعجَلُ بِالعُقوبَةِ كَرَماً وصَفحاً وحِلماً.

وَالوَجهُ الآخَرُ في مَعنىٰ «اللهُ أكبَرُ»: أي الجَوادُ، جَزيلُ العَطاءِ، كَريمُ الفَعالِ.

وَالوَجهُ الآخَرُ: «اللهُ أكبَرُ» فيهِ نَفيُ كَيفِيَّتِهِ [1]، كَأنَّهُ يَقولُ: اللهُ أجَلُّ مِن أن يُدرِكَ الواصِفونَ قَدرَ صِفَتِهِ الَّتي هُوَ مَوصوفٌ بِها، وإنَّما يَصِفُهُ الواصِفونَ عَلىٰ قَدرِهِم لا

---

١. في معاني الأخبار: «نفي صفته وكيفيّته».

مؤذّن، اذانش را تمام کرد، امام﵇ فرمود: «آیا می‌دانید مؤذّن چه می‌گوید؟».

گفتیم: خدا و پیامبرش و وصیّ او بهتر می‌دانند.

فرمود: «اگر بدانید که او چه می‌گوید، هر آینه، کم می‌خندید و بسیار می‌گِریید. جملهٔ "خدا، بزرگ‌تر است"، معانی بسیار دارد، از جمله: گفتهٔ «خدا، بزرگ‌تر است» مؤذّن، نشان از دیرینگی و أزَلی بودن و ابدی بودن و دانش و نیرو و توانایی و بردباری و بزرگواری و بخشندگی و دَهِش و کبریایی خداوند دارد. پس وقتی مؤذّن می‌گوید: «خدا، بزرگ‌تر است»، در واقع می‌گوید: خدا، همان کسی است که آفرینش و فرمایش، ویژهٔ اوست و با خواست او، آفرینش، صورت می‌پذیرد و هر چیزی، از آفرینش از او سر می‌زند و آفرینش، به او باز می‌گردد و او، نخستین است و پیش از هر چیزی، پیوسته بوده است و واپسین است و پس از هر چیزی، همواره خواهد بود و آشکار است و برتر (/آشکارتر) از هر چیزی است و ادراک نمی‌شود، و نهان است و نهان‌تر از هر چیزی است و محدود نمی‌گردد. پس او ماناست و هر چیزی جز او، نابود شدنی است.

معنای دوم «خدا، بزرگ‌تر است»، یعنی دانا و آگاه است، آنچه را بوده و آنچه را که بود شود، پیش از آن که بود گردد، می‌داند.

معنای سوم «خدا، بزرگ‌تر است»؛ یعنی او بر هر چیزی تواناست. در آنچه بخواهد، توانایی دارد، به توانِ خویش، نیرومند است. بر آفریدگانش اقتدار دارد. نیرومندی‌اش، ذاتیِ اوست. قدرتش بر همهٔ موجودات، سایه افکنده است و چون چیزی را اراده کند، فقط می‌فرماید: «هست شوا» و آن، [بی‌درنگ،] هست می‌شود.

معنای چهارم «خدا، بزرگ‌تر است»، یعنی بردبار و بزرگوار است، چنان بردباری می‌ورزد که گویا نمی‌داند [گناه و معصیتی شده است]، و چنان گذشت می‌کند که گویا نمی‌بیند، و چنان می‌پوشانَد که گویا اصلاً نافرمانی نمی‌شود، از سرِ بزرگواری و گذشت و بردباری، در کیفر دادن، شتاب نمی‌ورزد.

معنای دیگر «خدا، بزرگ‌تر است»، یعنی بخشندهٔ بی چشمداشت است، پُرداد و دَهِش است، رفتارش بزرگوارانه است.

معنای دیگر «خدا، بزرگ‌تر است»، نفی چگونگی از اوست. گویا [مؤذّن] می‌گوید: خدا، بزرگ‌تر از آن است که وصف کنندگان، به اندازهٔ اوصاف او ـ که بدانها موصوف است ـ، دست یابند. وصف کنندگان، در حقیقت، به فراخور

عَلىٰ قَدرِ عَظَمَتِهِ وجَلالِهِ، تَعالَى اللهُ عَن أن يُدرِكَ الواصِفونَ صِفَتَهُ عُلُوّاً كَبيراً.

وَالوَجهُ الآخَرُ: «اللهُ أكبَرُ» كَأَنَّهُ يَقولُ: اللهُ أعلىٰ وأجَلُّ، وهُوَ الغَنِيُّ عَن عِبادِهِ، لا حاجَةَ بِهِ إلىٰ أعمالِ خَلقِهِ...

وأمّا قَولُهُ: «اللهُ أكبَرُ»[1]، فَإِنَّهُ يَقولُ: اللهُ أعلىٰ وأجَلُّ مِن أن يَعلَمَ أحَدٌ مِن خَلقِهِ ما عِندَهُ مِنَ الكَرامَةِ لِعَبدٍ أجابَهُ وأطاعَهُ وأطاعَ وُلاةَ أمرِهِ، وعَرَفَهُ وعَبَدَهُ وَاشتَغَلَ بِهِ وبِذِكرِهِ، وأحَبَّهُ وأنِسَ بِهِ، وَاطمَأَنَّ إلَيهِ ووَثِقَ بِهِ، وخافَهُ ورَجاهُ وَاشتاقَ إلَيهِ، ووافَقَهُ في حُكمِهِ وقَضائِهِ ورَضِيَ بِهِ.

وفِي المَرَّةِ الثّانِيَةِ: «اللهُ أكبَرُ»، فَإِنَّهُ يَقولُ: اللهُ أكبَرُ وأعلىٰ وأجَلُّ مِن أن يَعلَمَ أحَدٌ مَبلَغَ كَرامَتِهِ لِأَولِيائِهِ، وعُقوبَتِهِ لِأَعدائِهِ، ومَبلَغَ عَفوِهِ وغُفرانِهِ ونِعمَتِهِ لِمَن أجابَهُ وأجابَ رَسولَهُ، ومَبلَغَ عَذابِهِ ونَكالِهِ وهَوانِهِ لِمَن أنكَرَهُ وجَحَدَهُ.[2]

١٥٧٩. الكافي عن ابن محبوب عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قالَ رَجُلٌ عِندَهُ: «اللهُ أكبَرُ»، فَقالَ: اللهُ أكبَرُ مِن أيِّ شَيءٍ؟ فَقالَ: مِن كُلِّ شَيءٍ.

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: حَدَّدتَهُ!

فَقالَ الرَّجُلُ: كَيفَ أقولُ؟

قالَ: قُل: اللهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ.[3]

---

١. أي التي في أواخر الأذان.

٢. التوحيد: ص ٢٣٨ ح ١، معاني الأخبار: ص ٣٨ ح ١ كلاهما عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

٣. الكافي: ج ١ ص ١١٧ ح ٨، التوحيد: ص ٣١٣ ح ١، معاني الأخبار: ص ١١ ح ٢، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٢.

[درک و گنجایش] خودشان، او را وصف می‌کنند، نه به فراخور بزرگی و شکوه او. خداوند، بسی برتر و بزرگ‌تر از آن است که وصف کنندگان، به اوصاف او برسند.

معنای دیگر «خدا، بزرگ‌تر است»، این است که گویا [مؤذّن] می‌گوید: خدا، برترین و شکوهمندترین است، از بندگانش بی‌نیاز است، به کردارهای بندگانش نیازی ندارد....

گفتهٔ «خدا، بزرگ‌تر استِ»[1] مؤذّن، یعنی این که می‌گوید: خدا، برتر و بزرگ‌تر از آن است که احدی از آفریدگانش بداند چه ارج و پاداشی دارد نزد او، آن بنده‌ای که پاسخش دهد و از او و اولیای امرِ او فرمان ببرد و او را بشناسد و بندگی‌اش کند و به او و به یاد او سرگرم شود، و دوستش بدارد و با او همدم شود، و به او اطمینان و اعتماد کند، و از او بترسد و به او امید بندد و مشتاق او باشد، و فرمان و قضای او را بپذیرد و بدان، راضی باشد.

در «خدا، بزرگ‌تر استِ» دوم، می‌گوید: خدا، بزرگ‌تر و برتر و بِشکوه‌تر از آن است که کسی بداند چه اندازه کرامت برای دوستانش و کیفر برای دشمنانش فراهم آورده است، و برای کسی که او را و پیامبرش را اجابت کند، چه مقدار بخشش و آمرزش و نعمت، و برای آن که او را انکار و نفی کند، چه اندازه عذاب و کیفر و خواری در نظر گرفته است.

۱۵۷۹. **الکافی** ـ به نقل از ابن محبوب، از کسی که نامش را برد ـ: مردی در حضور امام صادق﵇ گفت: «خدا، بزرگ‌تر است».

امام فرمود: «خدا، بزرگ‌تر از چیست؟».

مرد گفت: از هر چیزی.

امام صادق﵇ فرمود: «او را محدود کردی!».

مرد گفت: پس، چه بگویم؟

فرمود: «بگو: "خدا، بزرگ‌تر از آن است که به وصف درآید"».

---

۱. یعنی «الله اکبر»های آخر اذان.

١٥٨٠ . **الكافي عن جميع بن عمير:** قالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام : أيُّ شَيءٍ «اللهُ أكبَرُ»؟ فَقُلتُ : اللهُ أكبَرُ مِن كُلِّ شَيءٍ.

فَقالَ : وكانَ ثَمَّ شَيءٌ فَيَكونُ أكبَرَ مِنهُ؟

فَقُلتُ : وما هُوَ؟

قالَ : اللهُ أكبَرُ مِن أن يوصَفَ.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . الكافي : ج ١ ص ١١٨ ح ٩، التوحيد : ص ٣١٣ ح ٢ عن جميع بن عمرو، معاني الأخبار : ص ١١ ح ١، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢١٨ ح ١.

۱۵۸۰ . **الکافی** ـ به نقل از جمیع بن عمیر ـ : امام صادق﵇ فرمود: «"خدا، بزرگ‌تر است"، یعنی چه»؟

گفتم: یعنی خدا، بزرگ‌تر از همه چیز است.

فرمود: «مگر اساساً چیزی وجود دارد که خدا، بزرگ‌تر از آن باشد؟».

گفتم: پس به چه معناست؟

فرمود: «[یعنی] خدا، بزرگ‌تر از آن است که وصف شود».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الثّاني

فَضلُ التَّكبيرِ والحَثُّ عَلَيهِ

١٥٨١ . رسول الله ﷺ: مَنَّ عَلَيَّ رَبّي وقالَ: يا مُحَمَّدُ... جَعَلتُ لَكَ ولِأُمَّتِكَ الأَرضَ كُلَّها مَسجِداً، وتُرابَها طَهوراً، وأعطَيتُ لَكَ ولِأُمَّتِكَ التَّكبيرَ، وقَرَنتُ ذِكرَكَ بِذِكري، حَتّىٰ لا يَذكُرَني أحَدٌ مِن أُمَّتِكَ إلّا ذَكَرَكَ مَعَ ذِكري، طوبىٰ لَكَ يا مُحَمَّدُ ولِأُمَّتِكَ.[١]

١٥٨٢ . عنه ﷺ: مَن كَبَّرَ تَكبيرَةً عِندَ غُروبِ الشَّمسِ عَلىٰ ساحِلِ البَحرِ رافِعاً صَوتَهُ، أعطاهُ اللهُ مِن الأَجرِ بِعَدَدِ كُلِّ قَطرَةٍ فِي البَحرِ عَشرَ حَسَناتٍ، ومَحا عَنهُ عَشرَ سَيِّئاتٍ، ورَفَعَ لَهُ عَشرَ دَرَجاتٍ، ما بَينَ الدَّرَجَتَينِ مَسيرَةُ مِئَةِ عامٍ بِالفَرَسِ المُسرِعِ.[٢]

١٥٨٣ . عنه ﷺ: مَن هَبَطَ وادِياً فَقالَ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ واللهُ أكبَرُ» مَلَأَ اللهُ الوادِيَ حَسَناتٍ، فَليَعظُمِ الوادي بُعداً أو لِيَصغُر.[٣]

١٥٨٤ . المستدرك على الصحيحين عن أبي سعيد الخدريّ: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ قالَ: إستَكثِروا مِنَ

---

١ . الخصال: ص ٤٢٥ ح ١، علل الشرايع: ص ١٢٨ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٥١ ح ١ كلّها عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٩٣ ح ٢٧.

٢ . المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٩ ح ٦٢، حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٢٥ كلاهما عن إياس بن معاوية بن قرّة عن أبيه عن جدّه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٣٣٥ ح ١٠٧٧١.

٣ . المحاسن: ج ١ ص ١٠١ ح ٧٥ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٤.

فصل دوم

فضیلت «الله اکبر» گفتن و تشویق به آن

۱۵۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: پروردگارم بر من منّت نهاد و فرمود: «ای محمّدا... همهٔ زمین را برای تو و امّتت، سجده گاه و خاک آن را پاک کننده، قرار دادم و به تو و امّتت "الله أکبر" را عطا کردم و نام تو را در کنار نام خودم نهادم، تا این که هیچ یک از امّت تو نام مرا نبرد، مگر آن که نام تو را با نام من، یاد کند. ای محمّدا خوشا به حال تو و امّتت!».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۵۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هنگام غروب آفتاب، در کنار دریا، یک بار با صدای بلند «الله أکبر» بگوید، خداوند به تعداد هر قطرهٔ دریا، ده ثواب به او مزد می‌دهد و ده گناه از او پاک می‌کند و او را ده درجه بالا می‌برد که فاصلهٔ هر درجه تا درجهٔ دیگر، صد سال راه است که با اسب تیزتگ، پیموده می‌شود.

۱۵۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس وارد وادی‌ای شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ‌تر است»، خداوند، آن وادی را پُر از نیکی و ثواب می‌کند، خواه آن وادی بزرگ و دراز باشد یا کوچک.

۱۵۸۴ . **المستدرک علی الصحیحین** ـ به نقل از ابوسعید خُدْری ـ: پیامبر خدا فرمود: «ماندگارهای نیک خود را زیاد کنید».

الباقِياتِ الصّالِحاتِ.

قيلَ: وما هُنَّ يا رَسولَ اللهِ؟

قالَ: المِلَّةُ. قيلَ: وما هِيَ؟

قالَ: التَّكبيرُ، وَالتَّهليلُ، وَالتَّسبيحُ، وَالتَّحميدُ، و«لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ».[١]

١٥٨٥. رسول الله ﷺ: ما كَبَّرَ مُكَبِّرٌ في بَرٍّ ولا بَحرٍ، إلّامَلَأَ تَكبيرُهُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ.[٢]

١٥٨٦. عنه ﷺ: إذا كَبَّرَ العَبدُ سَتَرَت تَكبيرَتُهُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ مِن شَيءٍ.[٣]

١٥٨٧. عنه ﷺ: كَلِمَتانِ إحداهُما لَيسَ لَها نِهايَةٌ دونَ العَرشِ، وَالأُخرىٰ تَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ.[٤]

١٥٨٨. عنه ﷺ: التَّسبيحُ نِصفُ الميزانِ، وَالحَمدُ يَملَؤُهُ، وَالتَّكبيرُ يَملَأُ ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ، وَالصَّومُ نِصفُ الصَّبرِ، وَالطُّهورُ نِصفُ الإيمانِ.[٥]

١٥٨٩. عنه ﷺ: إذا قالَ العَبدُ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ واللهُ أكبَرُ»، يَقولُ اللهُ ﷻ: صَدَقَ عَبدي، لا إلٰهَ إلّا أنَا وأنَا أكبَرُ.[٦]

---

١. المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣ نحوه، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤.

٢. كنز العمّال: ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٦ نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي الدرداء.

٣. تاريخ بغداد: ج ١١ ص ٨٦ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٣٠ ح ١٩٦٣٧.

٤. المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٦٠ ح ٣٣٤ عن معاذ بن جبل، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧٩٨.

٥. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٧ ح ٢٣١٣٥ وص ٤٢ ح ٢٣١٦٠؛ الجعفريّات: ص ١٦٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه ﷺ، الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليه السلام، الدعوات: ص ٥٤ ح ١٣٦ وفيهما إلى «والأرض»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢٢.

٦. سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٤، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٤٩ ح ٨ كلاهما عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨٥٨ ح ٤٢١٦٨.

گفته شد: ماندگارهای نیک، چیستند ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آیین».

گفته شد: آیین چیست؟

فرمود: «[گفتن] الله أکبر، و لا إله إلّا الله، و سبحان الله، و الحمد لله، و لا حول و لا قوّةَ إلّا بالله».

۱۵۸۵. **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ تکبیرگویی در خشکی و دریا تکبیر نگفت، مگر آن‌که تکبیر او میان آسمان و زمین را پُر کرد.

۱۵۸۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه بنده، تکبیر بگوید، تکبیر او هر چیزی را میان آسمان و زمین، فرو می‌پوشانَد.

۱۵۸۷. **پیامبر خدا**ﷺ: دو جمله‌اند که یکی از آنها را پایانی جز عرش نیست، و دیگری، بین آسمان و زمین را پُر می‌کند: «معبودی جز خدا نیست» و «خدا، بزرگ‌تر است».

۱۵۸۸. **پیامبر خدا**ﷺ: «سبحان الله»، نیمی از ترازو[ی اعمال] را می‌گیرد، و «الحمد لله»، آن را پُر می‌کند، و «الله أکبر»، از زمین تا آسمان را آکنده می‌سازد. روزه، نیمی از شکیبایی است و وضو، نیمی از ایمان است.

۱۵۸۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه بنده بگوید: «معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ‌تر است»، خداوندﷻ می‌فرماید: «بنده‌ام راست گفت. معبودی جز من نیست. من، بزرگ‌ترم [از آن که وصف شوم]».

١٥٩٠ . المعجم الأوسط عن أبي هريرة عن رسول الله ﷺ: ما أهَلَّ مُهِلٌّ قَطُّ إلّا بُشِّرَ، ولا كَبَّرَ مُكَبِّرٌ قَطُّ إلّا بُشِّرَ. قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، بِالجَنَّةِ؟ قالَ: نَعَم.[١]

١٥٩١ . رسول الله ﷺ: ما كَبَّرَ الحاجُّ مِن تَكبيرَةٍ ولا هَلَّلَ مِن تَهليلَةٍ، إلّا بُشِّرَ بِها تَبشِيرَةً.[٢]

١٥٩٢ . عنه ﷺ: ما مِن عَبدٍ يَقولُ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ» إلّا أعتَقَ اللهُ رُبعَهُ مِنَ النّارِ، فَإن قالَها مَرَّتَينِ أعتَقَ اللهُ شَطرَهُ مِنَ النّارِ، فَإن قالَها ثَلاثاً أعتَقَ اللهُ ثَلاثَةَ أرباعِهِ مِنَ النّارِ، فَإن قالَها أربَعاً أعتَقَهُ اللهُ مِنَ النّارِ.[٣]

١٥٩٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في قَولِهِ عزّ وجلّ: ﴿وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوىٰ﴾[٤]، قالَ ـ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ.[٥]

١٥٩٤ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: أكثِروا مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ، فَإنَّهُ لَيسَ شَيءٌ أحَبَّ إلَى اللهِ عزّ وجلّ مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ.[٦]

١٥٩٥ . الإمام الصادق عليه السلام: ثَمَنُ الجَنَّةِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٧٩ ح ٧٧٧٩، كنز العمّال: ج ٥ ص ٧ ح ١١٨٠٦.

٢. تاريخ دمشق: ج ٥٢ ص ٤٧ ح ١٠٩٣٤ عن ابن عمر، كنز العمّال: ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٥.

٣. المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٣٨٢ ح ٨٩٤١، مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٩٧ ح ١٦٨٣٣، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٤٢ ح ١٩٠٩ كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير نحوه وكلّها عن أبي الدرداء.

٤. الفتح: ٢٦.

٥. المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣٧١٧ عن عباية بن ربعي، كنز العمّال: ج ٢ ص ٥٠٥ ح ٤٦٠٢.

٦. الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٢ عن فضيل، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٩ ح ٣.

٧. الكافي: ج ٢ ص ٥١٧ ح ١ عن يعقوب القمّي.

۱۵۹۰ . **المعجم الأوسط** ـ به نقل از ابوهُرَیره ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هیچ "لا إله إلّا الله" گویی "لا إله إلّا الله" نگفت، مگر آن که به او نوید داده شد، و هیچ تکبیرگویی، تکبیر نگفت، مگر آن که به او نوید داده شد».

گفته شد: ای پیامبر خدا! نوید بهشت؟

فرمود: «آری».

۱۵۹۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: برای هر تکبیر و «لا إله إلّا الله» که حاجی بگوید، یک نوید به او داده می‌شود.

۱۵۹۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ‌تر است»، مگر آن که خداوند، یکْ چهارم او را از آتش می‌رَهانَد، و اگر بار دوم آن را بگوید، خداوند، نیمی از او را از آتش می‌رَهاند، و اگر بار سوم بگوید، خداوند، سه چهارمش را از آتش می‌رهانَد، و اگر بار چهارم بگوید، خداوند، او را [به طور کامل] از آتش می‌رهاند.

۱۵۹۳ . **امام علی** ﷺ ـ دربارهٔ این سخن خداوند ﷻ: ﴿و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت﴾ ـ: یعنی این گفته را که «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ‌تر است».

۱۵۹۴ . **امام باقر یا امام صادق** ﷺ: «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» را بسیار بگویید؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند ﷻ دوست داشتنی‌تر از «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» نیست.

۱۵۹۵ . **امام صادق** ﷺ: بهای بهشت، «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» است.

الفَصلُ الثّالِثُ

مَواضِعُ التَّكبيرِ

١/٣

الأذانُ

١٥٩٦ . رسول الله ﷺ ـ لَمّا سَألَهُ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام عَن تَفسيرِ الأذانِ ـ : يا عَلِيُّ، الأذانُ حُجَّةٌ عَلىٰ أُمَّتي، وتَفسيرُهُ: إذا قالَ المُؤَذِّنُ: «اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ» فَإنَّهُ يَقولُ: اللّٰهُمَّ أنتَ الشّاهِدُ عَلىٰ ما أقولُ، يا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ قَد حَضَرَتِ الصَّلاةُ فَتَهَيَّؤُوا، ودَعوا عَنكُم شُغلَ الدُّنيا.[1]

راجع: موسوعة ميزان الحكمة: ج ٢ (الأذان).

٢/٣

الصَّلاةُ

١٥٩٧ . رسول الله ﷺ: لِكُلِّ شَيءٍ صَفوَةٌ، وَصَفوَةُ الصَّلاةِ التَّكبيرَةُ الأُولىٰ.[2]

---

١ . جامع الأخبار: ص ١٧١ ح ٤٠٥، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٥٣ ح ٤٩.

٢ . مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٤٢٢ ح ٦١١٧ عن أبي هريرة، حلية الأولياء: ج ٥ ص ٦٧ عن عبد الله بن أبي أوفى، كنز العمّال: ج ٧ ص ٢٩٢ ح ١٨٩٣٧ نقلاً عن شعب الإيمان.

فصل سوم

جایگاه‌های گفتن «الله اکبر»

۱/۳
اذان

۱۵۹۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در پاسخ پرسش امیر مؤمنان در بارهٔ تفسیر اذان ـ : ای علی! اذان، حجّت [خدا] بر امّت من است و تفسیر آن، این است که: هرگاه مؤذّن گفت: «خدا، بزرگ‌تر است؛ خدا، بزرگ‌تر است»، بدان وسیله می‌گوید: بار خدایا! تو خود بر آنچه می‌گویم، گواهی. ای امّت محمّد! وقت نماز، رسیده است. پس آماده شوید و کار دنیا را رها کنید.

ر. ک: دانش‌نامهٔ میزان الحکمه: ج ۲ (اذان).

۲/۳
نماز

۱۵۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر چیزی، خلاصه و گزیده‌ای دارد و خلاصهٔ نماز، نخستین تکبیر است.

١٥٩٨ . عنه ﷺ: إنَّ لِكُلِّ شَيءٍ أنفَةً[١]، وإنَّ أنفَةَ الصَّلاةِ التَّكبيرَةُ الأُولىٰ، فَحافِظوا عَلَيها.[٢]

١٥٩٩ . علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلتُ لَهُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صارَ التَّكبيرُ فِي الاِفتِتاحِ سَبعَ تَكبيراتٍ أفضَلَ؟ ولِأَيِّ عِلَّةٍ يُقالُ فِي الرُّكوعِ: «سُبحانَ رَبِّيَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ»، ويُقالُ فِي السُّجودِ: «سُبحانَ رَبِّيَ الأَعلىٰ وَبِحَمدِهِ»؟

قال: يا هِشامُ، إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ خَلَقَ السَّماواتِ سَبعاً، وَالأَرَضينَ سَبعاً، وَالحُجُبَ سَبعاً، فَلَمّا أُسرِيَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وكانَ مِن رَبِّهِ كَقابِ قَوسَينِ أو أدنىٰ، رُفِعَ لَهُ حِجابٌ مِن حُجُبِهِ، فَكَبَّرَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وجَعَلَ يَقولُ الكَلِماتِ الَّتي تُقالُ فِي الاِفتِتاحِ، فَلَمّا رُفِعَ لَهُ الثّاني كَبَّرَ، فَلَم يَزَل كَذٰلِكَ حَتّىٰ بَلَغَ سَبعَ[٣] حُجُبٍ، وكَبَّرَ سَبعَ تَكبيراتٍ، لِتِلكَ العِلَّةِ يُكَبَّرُ فِي الاِفتِتاحِ فِي الصَّلاةِ سَبعَ تَكبيراتٍ.

فَلَمّا ذَكَرَ ما رَأىٰ مِن عَظَمَةِ اللهِ ارتَعَدَت فَرائِصُهُ، فَابتَرَكَ عَلىٰ رُكبَتَيهِ وأخَذَ يَقولُ: «سُبحانَ رَبِّيَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ»، فَلَمّا اعتَدَلَ مِن رُكوعِهِ قائِماً نَظَرَ إلَيهِ في مَوضِعٍ أعلىٰ مِن ذٰلِكَ المَوضِعِ، خَرَّ عَلىٰ وَجهِهِ وجَعَلَ يَقولُ: «سُبحانَ رَبِّيَ الأَعلىٰ وبِحَمدِهِ»، فَلَمّا قالَ سَبعَ مَرّاتٍ سَكَنَ ذٰلِكَ الرُّعبُ، فَلِذٰلِكَ جَرَت بِهِ السُّنَّةُ.[٤]

١٦٠٠ . الإمام الرضا عليه السلام ـ فيما رَواهُ عَنهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن عِلَلِ الفَرائِضِ ـ: إن قالَ [قائِلٌ]: فَلِمَ جُعِلَتِ التَّكبيرُ فِي الاِستِفتاحِ سَبعَ تَكبيراتٍ؟ قيلَ: إنَّما جُعِلَ ذٰلِكَ لِأَنَّ التَّكبيرَ فِي الرَّكعَةِ الأُولَى الَّتي هِيَ الأَصلُ سَبعُ تَكبيراتٍ: تَكبيرَةُ الاِستِفتاحِ، وتَكبيرَةُ

---

١. أنفَةُ الشيء: ابتداؤه، هكذا رُوي بضمّ الهمزة، قال الهروي: والصحيح بالفتح (النهاية: ج ١ ص ٧٥ «أنف»).

٢. المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٤٠ ح ٣ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٣٠ ح ١٩٦٣٥.

٣. كذا في جميع المصادر، والقياس: «سبعة».

٤. علل الشرائع: ص ٣٣٢ ح ٤، المناقب لابن شهرآشوب: ج ٤ ص ٣١٤، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٥٥ ح ٤.

۱۵۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر چیزی، آغازی دارد و آغاز نماز، نخستین تکبیر است. پس آن را پاس بدارید.

۱۵۹۹ . **علل الشرائع** ـ به نقل از هشام بن حکم ـ: به امام کاظم‌ؑ گفتم: به چه علّت، گفتن هفت تکبیر در آغاز نماز، فضیلت بیشتری دارد؟ و به چه علّت، در رکوع گفته می‌شود: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را!»، و در رکوع، گفته می‌شود: «پاکا پروردگار برین من و ستایش، او را!»؟

فرمود: ای هشام! خداوند ـ تبارک و تعالی ـ آسمان را هفت تا آفرید و زمین را هفت تا و حجاب‌ها را هفت تا. شبی که پیامبرﷺ به معراج رفت و تا یک قدمی و بلکه کمتر از آن به پروردگارش نزدیک شد، یکی از حجاب‌ها برایش کنار زده شد. پیامبر خدا، تکبیر گفت و شروع به گفتن کلماتی کرد که در آغاز [نماز] گفته می‌شود. چون حجاب دوم برایش کنار زده شد، باز تکبیر گفت و همین طور تا کنار زده شدن هفت حجاب، هفت تکبیر گفت. به همین علّت، در آغاز نماز، هفت تکبیر گفته می‌شود.

چون آنچه را که از عظمت خدا دید، یادآور شد، لرزه بر اندامش افتاد و به زانو درآمد و شروع به گفتن «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را!» کرد و چون از رکوعش راست شد و ایستاد، خداوند را در جایگاهی برتر و بالاتر از آن جایگاه [قبل] دید. پس به رو، در افتاد و شروع کرد به گفتن «پاکا پروردگار برین من و ستایش، او را!». چون هفت مرتبه گفت، آن وحشت، فرو نشست. و این، سنّت [و قاعده] شد.

۱۶۰۰ . **امام رضا**ؑ ـ در بیان علل واجبات، به نقل از فضل بن شاذان ـ: اگر گوینده‌ای گفت: «چرا تکبیرهای هفتگانه، در آغاز [نماز] مقرّر گشته است؟». پاسخ داده می‌شود که: این هفت تکبیر، مقرّر شده است، چون در رکعت اوّل نماز ـ که اصل است ـ، هفت تکبیر گفته می‌شود: تکبیر آغازین (تکبیرة الإحرام)، تکبیر [قبل از] رکوع، دو تکبیر سجده [ی اوّل، یکی قبل از آن و یکی بعد از آن]، تکبیر

الرُّكوعِ، وتَكبيرَتانِ لِلسُّجودِ، وتَكبيرَةٌ أيضاً لِلرُّكوعِ، وتَكبيرَتانِ لِلسُّجودِ؛ فَإذا كَبَّرَ الإنسانُ أوَّلَ الصَّلاةِ سَبعَ تَكبيراتٍ فَقَدَ أحرَزَ التَّكبيرَ كُلَّهُ، فَإن سَها في شَيءٍ مِنها أو تَرَكَها لَم يَدخُل عَلَيهِ نَقصٌ في صَلاتِهِ...

فَإن قالَ: فَلِمَ يَرفَعُ اليَدَينِ فِي التَّكبيرِ؟ قيلَ: لِأَنَّ رَفعَ اليَدَينِ هُوَ ضَربٌ مِنَ الابتِهالِ وَالتَّبَتُّلِ وَالتَّضَرُّعِ، فَأَحَبَّ اللهُ ﷻ أن يَكونَ العَبدُ في وَقتِ ذِكرِهِ لَهُ مُتَبَتِّلاً مُتَضَرِّعاً مُبتَهِلاً، ولِأَنَّ في رَفعِ اليَدَينِ إحضارَ النِّيَّةِ، وإقبالَ القَلبِ عَلىٰ ما قالَ وقَصَدَهُ.[1]

١٦٠١ . سنن الدارمي عن عبد الله بن مسعود: رَأَيتُ رَسولَ اللهِ ﷺ يُكَبِّرُ في كُلِّ رَفعٍ ووَضعٍ، وقِيامٍ وقُعودٍ.[2]

٣/٣
الجِهادُ

١٦٠٢ . رسول الله ﷺ: ثَلاثَةُ أصواتٍ يُباهِي اللهُ بِهِنَّ المَلائِكَةَ: الأَذانُ، وَالتَّكبيرُ في سَبيلِ اللهِ، ورَفعُ الصَّوتِ بِالتَّلبِيَةِ.[3]

١٦٠٣ . المناقب لابن شهرآشوب عن ابن عبّاس: كانَ جَبرَئيلُ ﷺ جالِساً عِندَ النَّبِيِّ ﷺ عَن يَمينِهِ إذ أقبَلَ أميرُ المُؤمِنينَ ﷺ، فَضَحِكَ جَبرَئيلُ ﷺ فَقالَ: يا مُحَمَّدُ، هٰذا عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ قَد أقبَلَ.

---

١. عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ٢ ص ١٠٨ ح ١، علل الشرايع: ص ٢٦١ ح ٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٦٢ ح ١٥.

٢. سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٠٢ ح ١٢٢٩، سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٣٣، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٧ ح ٣٧٣٦، كنز العمّال: ج ٨ ص ٢٢٢ ح ٢٢٦٥٨.

٣. الجامع الصغير: ج ١ ص ٥٣٨ ح ٣٤٩٢، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٨١٤ ح ٤٣٣٣٧ كلاهما نقلاً عن ابن النجّار والفردوس عن جابر.

دیگری برای رکوع [پس از برخاستن از رکوع]، دو تکبیر دیگر برای سجده‌ای دوم، یکی قبل و یکی بعد از آن]. پس هرگاه انسان در آغاز نماز، هفت تکبیر بگوید، همهٔ تکبیرات [نماز] را به جا آورده است. از این رو، اگر یکی از آنها را فراموش کرد یا ترک نمود، نقصی در نمازش وارد نمی‌شود....

اگر [گوینده‌ای] گفت: «چرا در هنگام گفتن تکبیر، نمازگزار دست‌ها را بلند می‌کند؟»، پاسخ داده می‌شود که: چون بلند کردن دست‌ها، نوعی التماس و درخواست و زاری کردن است، پس خداوندﷻ دوست دارد که بنده، در هنگام نیایش و یادکرد او به حال زاری و التماس و درخواست باشد، علّت دیگر آن است که در بالا بردن دست‌ها، حضور ذهن و روی کردن دل است به آنچه می‌گوید و آهنگ آن کرده است.

۱۶۰۱ . **سنن الدارمی** ـ به نقل از عبد الله بن مسعود ـ: پیامبر خدا را دیدم که در هر برداشتن و نهادنی، و هر برخاست و نشستی، تکبیر می‌گفت.

۳/۳
جهاد

۱۶۰۲ . **پیامبر خداﷺ**: سه بانگ است که خداوند، به آنها بر فرشتگان، مباهات می‌کند: اذان، تکبیر گفتن در راه خدا [جهاد]، و بلند کردن صدا به لبّیک گویی [در حج].

۱۶۰۳ . **المناقب**، ابن شهرآشوب ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: جبرئیلؑ در سمت راست پیامبرﷺ نشسته بود که امیر مؤمنان، نمایان شد. جبرئیلؑ خندید و گفت: ای محمّد! این، علی بن ابی طالب است که می‌آید.

قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: يا جَبرَئيلُ، وأهلُ السَّماواتِ يَعرِفونَهُ؟

قالَ: يا مُحَمَّدُ، وَالَّذي بَعَثَكَ بِالحَقِّ نَبِيّاً، إنَّ أهلَ السَّماواتِ لَأَشَدُّ مَعرِفَةً لَهُ مِن أهلِ الأَرضِ، ما كَبَّرَ تَكبيرَةً في غَزوَةٍ إلّا كَبَّرنا مَعَهُ، ولا حَمَلَ حَملَةً إلّا حَمَلنا مَعَهُ، ولا ضَرَبَ بِسَيفٍ إلّا ضَرَبنا مَعَهُ.[1]

١٦٠٤. **المناقب لابن شهرآشوب عن ابن عبّاس** ـ في نَقلِ ما رَأىٰ رَسولُ اللهِ ﷺ لَيلَةَ المِعراجِ ـ: ثُمَّ دَخَلَ الجَنَّةَ ورَأىٰ ما فيها، وسَمِعَ صَوتاً: آمَنّا بِرَبِّ العالَمينَ، قالَ: هٰؤُلاءِ سَحَرَةُ فِرعَونَ. وسَمِعَ: لَبَّيكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيكَ، قالَ: هٰؤُلاءِ الحُجّاجُ. وسَمِعَ التَّكبيرَ، فَقالَ: هٰؤُلاءِ الغُزاةُ. وسَمِعَ التَّسبيحَ، قالَ: هٰؤُلاءِ الأَنبِياءُ.[2]

٣/٣
الظَّفَرُ

١٦٠٥. **المغازي** ـ في أخبارِ غَزوَةِ أُحُدٍ ـ: وصاحَ طَلحَةُ بنُ أبي طَلحَةَ: مَن يُبارِزُ؟ فَقالَ عَلِيٌّ عليه السلام: هَل لَكَ فِي البِرازِ؟ قالَ طَلحَةُ: نَعَم. فَبَرَزا بَينَ الصَّفَّينِ ورَسولُ اللهِ ﷺ جالِسٌ تَحتَ الرّايَةِ؛ عَلَيهِ دِرعانِ ومِغفَرٌ وبَيضَةٌ، فَالتَقَيا، فَبَدَرَهُ عَلِيٌّ عليه السلام فَضَرَبَهُ عَلىٰ رَأسِهِ، فَمَضَى السَّيفُ حَتّىٰ فَلَقَ هامَتَهُ حَتّىٰ انتَهىٰ إلىٰ لِحيَتِهِ، فَوَقَعَ طَلحَةُ وَانصَرَفَ عَلِيٌّ عليه السلام.

فَقيلَ لِعَلِيٍّ عليه السلام: ألا ذَفَّفتَ[3] عَلَيهِ؟ قالَ: إنَّهُ لَمّا صُرِعَ استَقبَلَتني عَورَتُهُ، فَعَطَفَني عَلَيهِ الرَّحمُ، وقَد عَلِمتُ أنَّ اللهَ تَبارَكَ وتَعالىٰ سَيَقتُلُهُ؛ هُوَ كَبشُ الكَتيبَةِ...

---

١. المناقب لابن شهرآشوب: ج ٢ ص ٢٣٥، بحار الأنوار: ج ٣٩ ص ٩٨ ح ١٠.

٢. المناقب لابن شهرآشوب: ج ١ ص ١٧٨، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٨٢ ح ٨٦.

٣. تَذفيف الجَريح: الإجهاز عليه وتحرير قتله (النهاية: ج ٢ ص ١٦٢ «ذفف»).

پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! اهل آسمان‌ها هم او را می‌شناسند؟».

جبرئیل﵇ گفت: ای محمّد سوگند به آن که تو را به حق پیامبر کرد، اهل آسمان‌ها بیشتر از اهل زمین، او را می‌شناسند. در هیچ نبردی تکبیری نگفت، مگر آن که ما نیز هم صدا با او تکبیر گفتیم؛ و هیچ یورشی نبرد، مگر آن که ما نیز همراه با او یورش بردیم، و هیچ شمشیری نزد، مگر آن که ما نیز با او ضربت زدیم.

۱۶۰۴. **المناقب**، ابن شهرآشوب از ابن عباس ـ در نقل آنچه پیامبر خدا در شب معراج دید ـ: سپس وارد بهشت شد و آنچه را در آن بود، دید و آوازی شنید که می‌گوید: «به پروردگار جهانیان، ایمان آوردیم». [خداوند] فرمود: «اینها جادوگرانِ فرعون‌اند» و آوازی شنید که می‌گوید: «لبّیک! بار خدایا، لبّیک!». فرمود: «اینان، حج‌گزاران‌اند» و تکبیری شنید. [خداوند] فرمود: «اینان، رزمندگان‌اند» و آواز تسبیح شنید. [خداوند] فرمود: «اینان، پیامبران‌اند».

۴/۳
کسب پیروزی

۱۶۰۵. **المغازی** ـ در اخبار نبرد اُحد ـ: طلحة بن ابی طلحه، فریاد زد و مبارز طلبید. علی﵇ فرمود: «مبارز می‌خواهی؟».

طلحه گفت: آری.

آن دو به میدان آمدند. پیامبر خدا، در زیر پرچم، نشسته بود. علی﵇ دو زره و کلاه‌خودی بر تن داشت. علی﵇ و طلحه، رو یا روی شدند. علی﵇ پیش‌دستی کرد و ضربتی بر سرِ طلحه فرود آورد که شمشیر، فرق سر او را تا چانه‌اش شکافت. طلحه بر زمین افتاد و علی﵇ باز گشت. به علی﵇ گفته شد: چرا کار او را تمام نکردی؟

فرمود: «چون بر زمین افتاد، عورتش را به من نمود. دلم بر او رحم آمد و دانستم که خداوند ـ تبارک و تعالی ـ به زودی او را می‌کشد. او، قوچِ سپاه بود...».

فَلَمّا قُتِلَ طَلحَةُ سُرَّ رَسولُ اللهِ ﷺ وأظهَرَ التَّكبيرَ، وكَبَّرَ المُسلِمونَ.[١]

١٦٠٦ . مجمع البيان: قالَ الزُّهريُّ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ حينَ سَأَلوهُ [بَنو قُرَيظَةَ] أن يُحَكِّمَ فيهِم رَجُلاً: إختاروا مَن شِئتُم مِن أصحابي، فَاختاروا سَعدَ بنَ مَعاذٍ، فَرَضِيَ بِذٰلِكَ رَسولُ اللهِ ﷺ؛ فَنَزَلوا عَلىٰ حُكمِ سَعدِ بنِ مَعاذٍ.

فَأَمَرَ رَسولُ اللهِ ﷺ بِسِلاحِهِم فَجُعِلَ في قُبَّةٍ، وأمَرَ بِهِم فَكُتِّفوا وأُوثِقوا وجُعِلوا في دارِ أُسامَةَ، وبَعَثَ رَسولُ اللهِ ﷺ إلى سَعدِ بنِ مَعاذٍ فَجِيءَ بِهِ، فَحَكَمَ فيهِم بِأن يُقتَلَ مُقاتِلِيهِم، وتُسبىٰ ذَرارِيُّهُم ونِساؤُهُم، وتُغنَمَ أموالُهُم، وأنَّ عِقارَهُم لِلمُهاجِرينَ دونَ الأَنصارِ، وقالَ لِلأَنصارِ: إنَّكُم ذَوو عِقارٍ ولَيسَ لِلمُهاجِرينَ عِقارٌ.

فَكَبَّرَ رَسولُ اللهِ ﷺ وقالَ لِسَعدٍ: لَقَد حَكَمتَ فيهِم بِحُكمِ اللهِ ﷻ.[٢]

٥ / ٣
لَيلَةُ الزِّفافِ

١٦٠٧ . كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر بن عبد الله الأنصاري: لَمّا زَوَّجَ رَسولُ اللهِ ﷺ فاطِمَةَ مِن عَلِيٍّ ﷺ ... فَلَمّا كانَت لَيلَةُ الزِّفافِ أتَي النَّبِيُّ ﷺ بِبَغلَتِهِ الشَّهباءِ، وثَنىٰ عَلَيها قَطيفَةً[٣]، وقالَ لِفاطِمَةَ ﷺ: اِركَبي، وأمَرَ سَلمانَ أن يَقودَها، وَالنَّبِيُّ ﷺ يَسوقُها، فَبَينا هُوَ في بَعضِ الطَّريقِ، إذ سَمِعَ النَّبِيُّ ﷺ وَجبَةً[٤]؛ فَإِذا هُوَ بِجَبرَئيلَ ﷺ في سَبعينَ ألفاً، وميكائيلَ في سَبعينَ ألفاً.

---

١. المغازي: ج ١ ص ٢٢٥؛ بحار الأنوار: ج ٢٠ ص ١٢٧ ح ٥٠.

٢. مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٥٢، بحار الأنوار: ج ٢٠ ص ٢١١.

٣. القَطيفة: كِساءٌ له خَمْل (النهاية: ج ٤ ص ٨٤ «قطف»).

٤. الوَجْبَة: السَّقْطَة مع الهَدَّة (الصحاح: ج ١ ص ٢٣٢ «وجب»).

چون طلحه کشته شد، پیامبر خدا، شادمان شد و تکبیر گفت و مسلمانان، تکبیر گفتند.

۱۶۰۶. **مجمع البیان**: زُهری می‌گوید: هنگامی که بنی قریظه از پیامبر خدا خواستند که یک نفر را دربارهٔ آنان، حَکَم قرار دهد. فرمود: «هر یک از یاران مرا که خود می‌خواهید، انتخاب کنید».

آنها سعد بن مُعاذ را انتخاب کردند. پیامبر خدا هم قبول کرد. بنی قریظه به داوری سعد بن مُعاذ، تن دادند.

پیامبر خدا، دستور داد سلاح‌های آنها را گرفتند و در سرا پرده‌ای نهادند و فرمود تا دست‌های آنها را از پشت، بستند و به خانهٔ اُسامه بردند. آن گاه، پیامبر خدا، در پی سعد بن مُعاذ فرستاد و او را آوردند. سعد حکم کرد که جنگجویانشان، کشته و زنان و فرزندانشان، اسیر شوند و اموالشان، به غنیمت گرفته شود و املاکشان، به مهاجران داده شود و به انصار، چیزی داده نشود. به انصار گفت: شما زمین دارید و مهاجران، زمینی ندارند.

پیامبر خدا، تکبیر گفت و به سعد فرمود: «تو در بارهٔ آنها به حکم خداوند ﷻ حکم کردی».

۵/۳
شب عروسی

۱۶۰۷. **کتاب من لا یحضره الفقیه** ـ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری ـ: هنگامی که پیامبر ﷺ فاطمه ﷺ را به همسری علی ﷺ درآورد...، شب زفاف که شد، استر خاکستری‌اش را آورد و رانداز مخملی خویش را برپشت آن انداخت و به فاطمه ﷺ فرمود: «سوار شو» و به سلمان، دستور داد که افسار آن را بکشد و خود پیامبر ﷺ آن را می‌راند. در بین راه، صدای فرو افتادن چیزی را شنید. جبرئیل و میکائیل ﷺ بودند که هر یک با هفتاد هزار [فرشته] فرود آمدند.

فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: ما أهبَطَكُم إلَى الأَرضِ؟ قالوا: جِئنا نَزُفُّ فاطِمَةَ ﷺ إلىٰ زَوجِها، وكَبَّرَ جَبرَئيلُ ﷺ، وكَبَّرَ ميكائيلُ ﷺ، وكَبَّرَتِ المَلائِكَةُ، وكَبَّرَ مُحَمَّدٌ ﷺ، فَوُضِعَ التَّكبيرُ عَلَى العَرائِسِ مِن تِلكَ اللَّيلَةِ.[1]

١٦٠٨ . **الإمام الباقر ﷺ:** حَدَّثَني جابِرُ بنُ عَبدِ اللهِ الأَنصارِيُّ، قالَ: لَمّا كانَتِ اللَّيلَةُ الَّتي أهدىٰ فيها رَسولُ اللهِ ﷺ فاطِمَةَ ﷺ إلىٰ عَلِيٍّ ﷺ، دَعا بِعَلِيٍّ ﷺ فَأَجلَسَهُ عَن يَمينِهِ، ودَعا بِها ﷺ فَأَجلَسَها عَن شِمالِهِ، ثُمَّ جَمَعَ رَأسَيهِما، ثُمَّ قامَ وقاما وهُوَ بَينَهُما يُريدُ مَنزِلَ عَلِيٍّ ﷺ، فَكَبَّرَ جَبرَئيلُ فِي المَلائِكَةِ، فَسَمِعَ النَّبِيُّ ﷺ التَّكبيرَ فَكَبَّرَ، وكَبَّرَ المُسلِمونَ، وهُوَ أوَّلُ تَكبيرٍ كانَ في زِفافٍ، فَصارَت سُنَّةً.[2]

٦/٣ الأعيادُ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الكتاب

﴿وَلِتُكْمِلُواْ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.[3]

الحديث

١٦٠٩ . **الكافي عن سعيد النقّاش:** قالَ أبو عَبدِ اللهِ ﷺ لي: أما إنَّ فِي الفِطرِ تَكبيراً ولٰكِنَّهُ مَستورٌ، قالَ: قُلتُ: وأينَ هُوَ؟ قالَ: في لَيلَةِ الفِطرِ فِي المَغرِبِ وَالعِشاءِ الآخِرَةِ، وفي صَلاةِ الفَجرِ، وفي صَلاةِ العيدِ، ثُمَّ يُقطَعُ. قالَ: قُلتُ: كَيفَ أقولُ؟

---

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٠١ ح ٤٤٠٢، الأمالي للطوسي: ص ٢٥٥ ح ٤٦٤ عن موسىٰ بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه ﷺ عن جابر بن عبد الله، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٥٤٧، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ١٠٤ ح ١٥.

٢. دلائل الإمامة: ص ١٠٢ ح ٣١ عن عليّ بن مهدي عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه ﷺ.

٣. البقرة: ١٨٥.

پیامبرﷺ فرمود: «چه باعث شد که به زمین فرود بیایید؟».

گفتند: آمده‌ایم که فاطمه‌ؑ را به خانهٔ شوهرش ببریم. جبرئیل و میکائیلؑ و فرشتگان، تکبیر گفتند و محمّدﷺ تکبیر گفت. از آن شب، تکبیر گفتن در عروسی‌ها رسم شد.

۱۶۰۸. **امام باقرؑ**: جابر بن عبد الله انصاری برایم چنین نقل کرد: شبی که پیامبرﷺ فاطمهؑ را به خانهٔ علیؑ برد، علیؑ را صدا زد و او را در سمت راست خود، نشانید و فاطمهؑ را نیز صدا زد و در سمت چپ خود نشاند. سپس سرهای آن دو را به هم چسبانید. آن گاه، هر سه برخاستند و در حالی که پیامبرﷺ در بین آن دو بود، ره سپار خانهٔ علیؑ شدند. جبرئیلؑ در میان فرشتگان، آواز تکبیر سر داد پیامبرﷺ صدای تکبیر را شنید و تکبیر گفت و مسلمانان هم تکبیر گفتند. این، نخستین تکبیری بود که در یک شب زفاف گفته شد و از آن پس، رسم شد.

۶/۳
اعیاد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

قرآن

﴿و تا شماره [ی مقرّر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن که هدایتتان کرد، به بزرگی بستایید، و باشد که سپاس‌گزاری کنید﴾.

حدیث

۱۶۰۹. **الکافی** ـ به نقل از سعید نقّاش ـ: امام صادقؑ به من فرمود: «[عید] فطر، تکبیر دارد؛ امّا پوشیده (/ مستحب) است».

گفتم: وقتش کِی است؟

فرمود: «پس از نماز مغرب و عشای شب [عید] فطر و پس از نماز صبح و در نماز عید. سپس قطع می‌شود».

گفتم: چگونه بگویم؟

قالَ: تَقولُ: «اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وللهِ الحَمدُ، اللهُ أكبَرُ عَلىٰ ما هَدانا»، وهُوَ قَولُ اللهِ ﷻ: ﴿وَلِتُكْمِلُواْ ٱلْعِدَّةَ﴾ يَعنِي الصِّيامَ ﴿وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ﴾.[1]

۱۶۱۰. رسول الله ﷺ: زَيِّنوا أعيادَكُم بِالتَّكبيرِ.[2]

۱۶۱۱. عنه ﷺ: زَيِّنُوا العيدَينِ بِالتَّهليلِ وَالتَّقديسِ وَالتَّحميدِ وَالتَّكبيرِ.[3]

۱۶۱۲. سنن ابن ماجة عن سعد المؤذّن: كانَ النَّبيُّ ﷺ يُكَبِّرُ بَينَ أضعافِ[4] الخُطبَةِ، يُكثِرُ التَّكبيرَ في خُطبَةِ العيدَينِ.[5]

۱۶۱۳. شعب الإيمان عن عبد الله: إنّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَخرُجُ مِنَ العيدَينِ رافِعاً صَوتَهُ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ.[6]

۱۶۱۴. المستدرك على الصحيحين عن عبد الله بن عمر: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يُكَبِّرُ يَومَ الفِطرِ مِن حينَ يَخرُجُ مِن بَيتِهِ حَتّىٰ يَأتِيَ المُصَلّىٰ.[7]

۱۶۱۵. الإمام الباقر ﷺ: كانَ عَليٌّ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ يُكَبِّرُ لَيلَةَ الفِطرِ إلىٰ أن يَرِدَ المُصَلّىٰ.[8]

---

۱. الكافي: ج ۴ ص ۱۶۶ ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۱۳۸ ح ۳۱۱، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۱۶۷ ح ۲۰۳۴ وفيهما «مسنون» بدل «مستور»، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۱۶ ح ۲.

۲. المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۳۳۹ ح ۴۳۷۳، المعجم الصغير: ج ۱ ص ۲۱۵ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ۸ ص ۵۴۶ ح ۲۴۰۹۴.

۳. حلية الأولياء: ج ۲ ص ۲۸۸ عن أنس، كنز العمّال: ج ۸ ص ۵۴۶ ح ۲۴۰۹۵.

۴. أضعاف: أثناء (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۱۶۵ «ضعف»).

۵. سنن ابن ماجة: ج ۱ ص ۴۰۹ ح ۱۲۸۷، المستدرك على الصحيحين: ج ۳ ص ۷۰۳ ح ۶۵۵۴، كنز العمّال: ج ۷ ص ۸۹ ح ۱۸۱۰۳.

۶. شُعب الإيمان: ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۳۷۱۴، كنز العمّال: ج ۷ ص ۸۸ ح ۱۸۱۰۱ عن عبد الله بن عمر.

۷. المستدرك على الصحيحين: ج ۱ ص ۴۳۸ ح ۱۱۰۵، السنن الكبرى: ج ۳ ص ۳۹۵ ح ۶۱۳۱، كنز العمّال: ج ۷ ص ۸۹ ح ۱۸۱۰۴.

۸. النوادر للراوندي: ص ۱۹۷ ح ۳۶۷ عن الإمام الصادق ﷺ، الجعفريات: ص ۴۶ عن الإمام الكاظم عن أبيه عنه ﷺ وفيه «حتّى يغدو» بدل «إلى أن يرد» وليس فيه «عليّ صلوات الله عليه».

فرمود: «می‌گویی: "بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا، و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود!"، و این [تکبیر]، سخن خداوند ﷻ است که: ﴿و تا مدّت را کامل گردانید﴾، یعنی روزه را ﴿و خدا را برای آن که شما را هدایت فرمود، به بزرگی یاد کنید﴾».

۱۶۱۰. **پیامبر خدا ﷺ**: عیدهایتان را با تکبیر، زینت ببخشید.

۱۶۱۱. **پیامبر خدا ﷺ**: دو عید [فطر و قربان] را با ذکرهای «لا إله إلّا الله» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله أکبر» بیارایید.

۱۶۱۲. **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از سعد مؤذّن ـ: پیامبر ﷺ به طور کلّی در اثنای خطبه، تکبیر می‌گفت؛ ولی در خطبهٔ دو عید، بسیار تکبیر می‌گفت.

۱۶۱۳. **شعب الإیمان** ـ به نقل از عبد الله ـ: پیامبر خدا، دو عید را با سر دادن بانگ «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر»، پشتِ سر می‌نهاد.

۱۶۱۴. **المستدرک علی الصحیحین** ـ به نقل از عبد الله بن عمر ـ: پیامبر خدا، در روز [عید] فطر، از زمانی که از خانه‌اش بیرون می‌آمد تا به نمازگاه می‌رسید، پیوسته تکبیر می‌گفت.

۱۶۱۵. **امام باقر ﷺ**: علی ـ که درودهای خدا بر او باد ـ، در شب [عید] فطر، تا زمانی که وارد نمازگاه می‌شد، تکبیر می‌گفت.

۱۶۱۶ . **كتاب من لا يحضره الفقيه:** خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام في عيدِ الأَضحىٰ، فَقالَ: اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ واللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وللهِ الحَمدُ، اللهُ أكبَرُ عَلى ما هَدانا، ولَهُ الشُّكرُ فيما أولانا، وَالحَمدُ للهِ عَلىٰ ما رَزَقَنا مِن بَهيمَةِ الأَنعامِ.

وكانَ عَليٌّ عليه السلام يَبدَأُ بِالتَّكبيرِ إذا صَلَّى الظُّهرَ مِن يَومِ النَّحرِ، وكانَ يَقطَعُ التَّكبيرَ آخِرَ أيّامِ التَّشريقِ عِندَ الغَداةِ، وكانَ يُكَبِّرُ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ فَيَقولُ: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ واللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وللهِ الحَمدُ.

فَإِذَا انتَهىٰ إلَى المُصَلّىٰ تَقَدَّمَ فَصَلّىٰ بِالنّاسِ بِغَيرِ أذانٍ ولا إقامَةٍ، فَإذا فَرَغَ مِنَ الصَّلاةِ صَعِدَ المِنبَرَ، ثُمَّ بَدَأَ فَقالَ: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ زِنَةَ عَرشِهِ ورِضىٰ نَفسِهِ، وعَدَدَ قَطرِ سَمائِهِ وبِحارِهِ، لَهُ الأَسماءُ الحُسنىٰ، وَالحَمدُ للهِ حَتّىٰ يَرضىٰ، وهُوَ العَزيزُ الغَفورُ، اللهُ أكبَرُ كَبيراً مُتَكَبِّراً، وإلٰهاً مُتَعَزِّزاً، ورَحيماً مُستَحَنِّناً، يَعفو بَعدَ القُدرَةِ، ولا يَقنَطُ مِن رَحمَتِهِ إلَّا الضّالّونَ، اللهُ أكبَرُ كَبيراً، ولا إلٰهَ إلَّا اللهُ كَثيراً، وسُبحانَ اللهِ حَنّاناً قَديراً.[1]

۱۶۱۷ . **الكافي عن زرارة:** قُلتُ لِأَبي جَعفَرٍ عليه السلام: التَّكبيرُ في أيّامِ التَّشريقِ في دُبُرِ الصَّلَواتِ؟ فَقالَ: التَّكبيرُ بِمِنىً في دُبُرِ خَمسَ عَشرَةَ[2] صَلاةً، وفي سائِرِ الأَمصارِ في دُبُرِ عَشرِ صَلَواتٍ، وأوَّلُ التَّكبيرِ في دُبُرِ صَلاةِ الظُّهرِ يَومَ النَّحرِ؛ يَقولُ فيهِ:

اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وللهِ الحَمدُ، اللهُ أكبَرُ عَلىٰ ما هَدانا، اللهُ أكبَرُ عَلىٰ ما رَزَقَنا من بَهيمَةِ الأَنعامِ.[3]

---

۱ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۵۱۷ ح ۱۴۸۳ وح ۱۴۸۴، مصباح المتهجّد: ص ۶۶۲ ح ۷۳۰ عن عبد الرحمٰن بن جندب عن أبيه نحوه، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۹۹ ح ۴.

۲ . في المصدر: «خمسة عشر»، وما أثبتناه هو الصحيح كما في بحار الأنوار.

۳ . الكافي: ج ۴ ص ۵۱۶ ح ۲، تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۱۳۹ ح ۳۱۳ وج ۵ ص ۲۶۹ ح ۹۲۱، الخصال: ص ۵۰۲ ح ۴، علل الشرايع: ص ۴۴۷ ح ۱ نحوه، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۰۷ ح ۱۳ وح ۱۵.

۱۶۱۶ . **کتاب من لا یحضره الفقیه**: امیر مؤمنان، در عید قربان، خطبه خواند و گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! ستایش، او را که به ما نیکی نمود! ستایش، خدای را برای روزی کردن دام‌های زبان بسته به ما».

علی﵇ هر گاه نماز ظهر عید قربان را می‌خواند، تکبیر را آغاز می‌کرد و هنگام نماز صبح آخرین روز ایّام تشریق، تکبیر گفتن را قطع می‌کرد. پس از هر نمازی، تکبیر می‌گفت و می‌گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را!».

و چون به نمازگاه می‌رسید، جلو می‌ایستاد و بدون گفتن اذان و اقامه، نماز جماعت را بر پا می‌داشت. پس از نماز بر منبر می‌رفت و سخن خود را چنین آغاز می‌کرد: «بزرگا خدا، بزرگا خدا، بزرگا خدا به وزن عرشش و چندان که خشنود شود! و به شمارِ قطرات باران و دریاهایش، برای او نیکوترین نام‌هاست. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. او ارجمند و آمرزگار است. بزرگا خدا که بزرگ و با کبریاست! معبودی سربلند است، مهربانی مهرورز است، با آن که [بر کیفر دادن و انتقام] تواناست، می‌بخشد و از رحمت او، جز گم‌راهان، کسی نومید نمی‌شود!». بزرگا خدای بزرگ! فراوان می‌گویم که معبودی جز او نیست. پاکا خدا که مهرورز و تواناست!».

۱۶۱۷ . **الکافی** ـ به نقل از زُراره ـ: از امام باقر﵇ دربارهٔ تکبیر گفتن پس از نمازها در ایّام تشریق[1] پرسیدم. فرمود: «در مِنا، پس از پانزده نماز، تکبیر گفته می‌شود و در سایر جاها پس از ده نماز. نخستین تکبیر، پس از نماز ظهر روز قربان است که در آن می‌گوید: "بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای روزی کردن دام‌های زبان بسته به ما!».

---

۱ . روزهای مِنا، شامل روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجّه.

١٦١٨ . **تهذيب الأحكام عن أبي الصباح:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَنِ التَّكبيرِ فِي العيدَينِ، فَقالَ: إثنَتا عَشرَةَ؛ سَبعٌ فِي الأُولىٰ وخَمسٌ فِي الأَخيرَةِ، فَإذا قُمتَ فِي الصَّلاةِ فَكَبِّر واحِدَةً، تَقولُ:

أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ، اللّٰهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَةِ، وأهلُ الجودِ وَالجَبَروتِ، وَالقُدرَةِ وَالسُّلطانِ وَالعِزَّةِ، أسأَلُكَ في هٰذَا اليَومِ الَّذي جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزيداً، أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تُصَلِّيَ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ وأنبِيائِكَ المُرسَلينَ، وأن تَغفِرَ لَنا ولِجَميعِ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ عِبادُكَ المُرسَلونَ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عاذَ مِنهُ[1] عِبادُكَ المُخلِصونَ.

اللهُ أكبَرُ، أوَّلُ كُلِّ شَيءٍ وآخِرُهُ، وبَديعُ كُلِّ شَيءٍ ومُنتَهاهُ، وعالِمُ كُلِّ شَيءٍ ومَعادُهُ، ومَصيرُ كُلِّ شَيءٍ إلَيهِ ومَرَدُّهُ، ومُدَبِّرُ الأُمورِ، وباعِثُ مَن فِي القُبورِ، قابِلُ الأَعمالِ، مُبدِي الخَفِيّاتِ، مُعلِنُ السَّرائِرِ.

اللهُ أكبَرُ، عَظيمُ المَلَكوتِ، شَديدُ الجَبَروتِ، حَيٌّ لا يَموتُ، دائِمٌ لا يَزولُ، إذا قَضىٰ أمراً فَإنَّما يَقولُ لَهُ كُن فَيَكونُ.

اللهُ أكبَرُ، خَشَعَت لَكَ الأَصواتُ، وعَنَتْ[2] لَكَ الوُجوهُ، وحارَت دونَكَ الأَبصارُ، وكَلَّتِ الأَلسُنُ عَن عَظَمَتِكَ، وَالنَّواصي كُلُّها بِيَدِكَ، ومَقاديرُ الأُمورِ كُلُّها إلَيكَ، لا يَقضي فيها غَيرُكَ، ولا يَتِمُّ مِنها شَيءٌ دونَكَ.

---

١ . في المصدر: «به»، والصواب ما أثبتناه كما في «كتاب من لا يحضره الفقيه».

٢ . عَنا: خَضَع وذَلّ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٤٠ «عنا»).

۱۶۱۸ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از ابوالصباح ـ: از امام صادق﵇ دربارهٔ تکبیر گفتن در عیدهای فطر و قربان پرسیدم. فرمود: «دوازده تکبیر است، هفت تا در رکعت اوّل و پنج تا در رکعت دوم، بدین ترتیب که چون به نماز ایستادی، یک تکبیر گوی و بگو: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی‌انباز. گواهی می‌دهم که محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست.

بار خدایا! تو اهل کبریا و عظمت، و اهل بخشندگی و جَبَروت، و اهل قدرت و سلطنت و عزّتی. در این روز که آن را برای مسلمانان، عید قراردادی و برای محمّد ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ اندوخته و مایهٔ فزونی [بر مقام و منزلتش]، از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و بر فرشتگان مُقرَّبت و پیامبران مُرسَلت نیز درود فرستی، و ما و همهٔ مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را، از زنده و مُرده‌شان، بیامرزی.

بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم هر آن خوبی‌ای را که بندگان فرستاده‌ات (پیامبران) از تو درخواست کردند، و پناه می‌برم به تو از هر آن بدی که بندگان بااخلاصت از آن، به تو پناه بردند.

بزرگا خدا که آغاز و انجام هر چیزی است و آغازگرو پایان هر چیز و دانای هر چیز و بازگشتگاه آن است و همه چیز به سوی او می‌رود و رجوع می‌کند. گردانندهٔ کارهاست و برانگیزانندهٔ هر آن که در گورهاست، پذیرندهٔ کردار، آشکارکنندهٔ پوشیده‌ها و هویدا کنندهٔ نهان‌ها [و باطن‌ها] است.

بزرگا خدا که پادشاهی‌اش باعظمت است، پُرشوکت و توان است، زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، پاینده‌ای که زوال نمی‌پذیرد، هر گاه خواهد که چیزی تحقّق یابد، فقط به آن می‌گوید: «هست شو!» و آن، هست می‌شود.

بزرگا خدا که صداها در برابرت به خاموشی گرایند و چهره‌ها در پیشگاهت، خوارند و نگاه‌ها در تو حیران‌اند و زبان‌ها از بیان عظمتت، فرو مانده‌اند و پیشانی‌ها، همه در دست توست[1] و مقدّرات امور، تمام در چنگ توست. جز تو، هیچ کس در آنها حکم نمی‌کند و بدون [خواست] تو، چیزی از آنها انجام نمی‌پذیرد.

---

۱ . کنایه از «پیشانی‌نوشت» یا «زمام اختیار» است.

اللهُ أكبَرُ، أحاطَ بِكُلِّ شَيءٍ حِفظُكَ، وقَهَرَ كُلَّ شَيءٍ عِزُّكَ، ونَفَذَ كُلَّ شَيءٍ أمرُكَ، وقامَ كُلُّ شَيءٍ بِكَ، وتَواضَعَ كُلُّ شَيءٍ لِعَظَمَتِكَ، وذَلَّ كُلُّ شَيءٍ لِعِزَّتِكَ، وَاستَسلَمَ كُلُّ شَيءٍ لِقُدرَتِكَ، وخَضَعَ كُلُّ شَيءٍ لِمُلكِكَ. اللهُ أكبَرُ.

ويَقرَأُ الحَمدَ و«سَبِّحِ اسمَ رَبِّكَ الأَعلىٰ»، ويُكَبِّرُ السّابِعَةَ ويَركَعُ ويَسجُدُ، ويَقومُ ويَقرَأُ الحَمدَ و«الشَّمسِ وضُحاها»، ويَقولُ:

اللهُ أكبَرُ، أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وأنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ، اللّٰهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرِياءِ ـ تُتِمُّهُ كُلَّهُ كَما قُلتَ أوَّلَ التَّكبيرِ ـ يَكونُ هٰذا القَولُ في كُلِّ تَكبيرَةٍ حَتّىٰ يَتِمَّ خَمسُ تَكبيراتٍ.[1]

٧/٣
رُؤيَةُ الهِلالِ

١٦١٩. رسول الله ﷺ ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ، إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَكَبِّر ثَلاثاً وقُل: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي خَلَقَني وخَلَقَكَ، وقَدَّرَكَ مَنازِلَ، وجَعَلَكَ آيَةً لِلعالَمينَ.[2]

١٦٢٠. عنه ﷺ ـ كانَ إذا رَأَى الهِلالَ قالَ ـ: اللهُ أكبَرُ، الحَمدُ لِلّٰهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا الشَّهرِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ القَدَرِ ومِن سُوءِ الحَشرِ.[3]

١٦٢١. الإمام علي عليه السلام ـ أيضاً ـ: اللهُ أكبَرُ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا الشَّهرِ وفَتحَهُ ونَصرَهُ

---

١. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٢ ح ٢٩٠، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٢ ح ١٤٨١ وص ٥٢٣ ح ١٤٨٧ نحوه وراجع الإقبال: ج ٢ ص ٢٠٢.

٢. تحف العقول: ص ١٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٤ ح ٥.

٣. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٢٤ ح ٢٢٨٥٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٢٠ ح ١ كلاهما عن عبادة بن الصّامت، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٨ ح ١٨٠٤٣.

بزرگا خدا که نگهداری تو، همه چیز را در میان گرفته است و همه چیز، مقهور عزّت توست و فرمان تو، در هر چیزی نافذ است و هر چیزی قائم به توست و همه چیز در برابر عظمت تو، کوچکی می‌کند و همه چیز، در برابر عزّت تو، خوار است و همه چیز، تسلیم قدرت توست و همه چیز، در برابر پادشاهی تو، سر به فرمان است. بزرگا خدا!».

آن گاه، سورهٔ حمد و ﴿سبّح اسم ربّك الاعلی﴾ را می‌خواند و تکبیر هفتم را می‌گوید و رکوع و سجود، به جا می‌آورد و بر می‌خیزد و سورهٔ حمد و ﴿والشمس وضحاها﴾ را می‌خواند و می‌گوید: "بزرگا خدا! گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انباز است. [گواهی می‌دهم که] محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. بار خدایا! تویی اهل کبریا" و آن را همچنان که در تکبیر اوّل گفتی می‌خوانی.

این جملات را در هر تکبیری می‌گویی تا پنج تکبیر، تمام شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۷/۳
دیدن ماه نو

۱۶۱۹. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سفارش ایشان به امیر مؤمنان**ؑ** ـ: ای علی! هرگاه ماه نو را دیدی، سه تکبیر بگو و بگو: «ستایش، خدایی را که هم من و هم تو را آفرید و برایت، منزلگاه‌هایی معیّن کرد و تو را نشانه‌ای برای مردمان، قرارت داد».

۱۶۲۰. **پیامبر خدا**ﷺ ـ هرگاه ماه نو را می‌دید، می‌فرمود ـ: بزرگا خدا، ستایش، خدای را! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. بار خدایا! خوبی این ماه را از تو درخواست می‌کنم و از بدیِ تقدیر و از گزند محشر، به تو پناه می‌برم.

۱۶۲۱. **امام علی**ؑ ـ نیز ـ: بزرگا خدا! بار خدایا! خوبی این ماه را و گشایش و پیروزی و نورانیت و روزی در این ماه را از تو درخواست می‌کنم و از بدی آن و بدی پس

ونورَهُ ورِزقَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ.[١]

٨/٣
الرُّكوبُ

١٦٢٢ . صحيح مسلم عن ابن عمر: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ إذَا استَوىٰ عَلىٰ بَعيرِهِ خارِجاً إلىٰ سَفَرٍ كَبَّرَ ثَلاثاً، ثُمَّ قالَ: ﴿سُبْحَانَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَـٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ﴾...[٢].[٣]

١٦٢٣ . الإمام الصادق ﷺ: إذا جَعَلتَ رِجلَكَ فِي الرِّكابِ فَقُل: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، بِاسمِ اللهِ وَاللهُ أكبَرُ.[٤]

٩/٣
الصُّعودُ

١٦٢٤ . الإمام الصادق ﷺ: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ في سَفَرِهِ إذا هَبَطَ سَبَّحَ، وإذا صَعِدَ كَبَّرَ.[٥]

١٦٢٥ . المعجم الكبير عن سعيد بن العاص: إنَّ عُثمانَ بنَ مَظعونٍ قالَ: يا رَسولَ اللهِ، ائذَن لي

---

١. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٧١، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ٣٨٢ ح ٨؛ كنز العمّال: ج ٨ ص ٥٩٦ ح ٢٤٣١٠ نقلاً عن ابن النجّار.

٢. الزخرف: ١٣ و ١٤.

٣. صحيح مسلم: ج ٢ ص ٩٧٨ ح ٤٢٥، سنن أبي داوود: ج ٣ ص ٣٣ ح ٢٥٩٩، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠١ ح ٣٤٤٧، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٣٤ ح ١٧٦٢٣؛ بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٣ ح ١٩ نقلاً عن عوالي اللآلي.

٤. الكافي: ج ٤ ص ٢٨٥ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥١ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمّار.

٥. الكافي: ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤٢٠ كلاهما عن معاوية بن عمّار، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨.

از آن، به تو پناه می‌برم.

۸/۳
هنگام سوار شدن

۱۶۲۲ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از ابن عمر ـ: پیامبر خدا، هرگاه بر شتر خویش می‌نشست و برای سفری بیرون می‌رفت، سه بار تکبیر می‌گفت و سپس می‌فرمود: «﴿پاکا آن خدایی که این را برای ما رام ساخت، در حالی که ما بر این کار، توانا نبودیم. و ما به سوی پروردگار خویش، باز می‌گردیم﴾ ...».

۱۶۲۳ . **امام صادق**ؑ: هرگاه پایت را در رکاب نهادی، بگو: ﴿به نام خدای مهرگسترِ مهربان. به نام خدا. خدا، بزرگ‌تر است﴾.

۹/۳
هنگام بالا رفتن بر بلندی

۱۶۲۴ . **امام صادق**ؑ: پیامبر خدا، در سفرش هرگاه از سرازیری پایین می‌رفت، تسبیح می‌گفت و هر گاه بر بلندی بالا می‌رفت، تکبیر می‌گفت.

۱۶۲۵ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از سعید بن عاص ـ: عثمان بن مظعون گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده خودم را خواجه سازم.

فِي الاِختِصاءِ، فَقالَ لَهُ: يا عُثمانُ، إنَّ اللهَ قَد أبدَلَنا بِالرَّهبانِيَّةِ الحَنيفِيَّةَ[١] السَّمحَةَ وَالتَّكبيرَ عَلىٰ كُلِّ شَرَفٍ[٢]، فَإن كُنتَ مِنّا فَاصنَع كَما نَصنَعُ.[٣]

١٦٢٦ . سنن الترمذي عن أبي هريرة: إنَّ رَجُلاً قالَ: يا رَسولَ اللهِ، إنّي أُريدُ أن أُسافِرَ فَأَوصِني، قالَ: عَلَيكَ بِتَقوَى اللهِ، وَالتكبيرِ عَلىٰ كُلِّ شَرَفٍ.[٤]

١٦٢٧ . صحيح البخاري عن عبد الله بن عمر: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ إذا قَفَلَ[٥] مِن غَزوٍ أو حَجٍّ أو عُمرَةٍ يُكَبِّرُ عَلىٰ كُلِّ شَرَفٍ مِنَ الأَرضِ ثَلاثَ تَكبيراتٍ، ثُمَّ يَقولُ: لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ، وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، آيِبونَ تائِبونَ عابِدونَ ساجِدونَ لِرَبِّنا حامِدونَ، صَدَقَ اللهُ وَعدَهُ، ونَصَرَ عَبدَهُ، وهَزَمَ الأَحزابَ وَحدَهُ.[٦]

١٦٢٨ . رسول الله ﷺ: وَالَّذي نَفسُ أبِي القاسِمِ بِيَدِهِ، ما هَلَّلَ اللهَ مُهَلِّلٌ، ولا كَبَّرَ اللهَ مُكَبِّرٌ عَلىٰ شَرَفٍ مِنَ الأَشرافِ، إلّا هَلَّلَ ما خَلفَهُ وكَبَّرَ ما بَينَ يَدَيهِ بِتَهليلِهِ وتَكبيرِهِ حَتّىٰ يَبلُغَ مَقطَعَ التُّرابِ[٧].[٨]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . في المصدر: «الحنفيّة»، وما أثبتناه من كنز العمّال.

٢ . الشَّرَف: المكان العالي (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٧٩ «شرف»).

٣ . المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٢ ح ٥٥١٩، كنز العمّال: ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤١٩.

٤ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٠ ح ٣٤٤٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٨٣١٧، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦١٤ ح ١٦٣٣، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ٩٢٦ ح ٢٧٧١، كنز العمّال: ج ٣ ص ٩٠ ح ٥٦٣٣.

٥ . قَفَل من سَفَرِه: رَجَعَ (المصباح المنير: ص ٥١١ «قفل»).

٦ . صحيح البخاري: ج ٢ ص ٦٣٧ ح ١٧٠٣، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٨٨ ح ٢٧٧٠، الموطّأ: ج ١ ص ٤٢١ ح ٢٤٣، كنز العمّال: ج ٧ ص ٩٩ ح ١٨١٥٤.

٧ . مقطع التراب: أي منتهى الأرض (أنظر روضة المتّقين: ج ٢ ص ٢١٤).

٨ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٤٢٢، المحاسن: ج ٢ ص ٩٤ ح ١٢٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٤ ح ١٩١٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨؛ كنز العمّال: ج ٥ ص ١٩ ح ١١٨٦٧ نقلاً عن أبي الشيخ عن ابن عمر.

پیامبرﷺ به او فرمود: «خداوند، به ما به جای رهبانیّت، آیین یکتاپرستیِ آسان و تکبیر گفتن بر هر فرازی را عطا کرده است. پس، اگر از ما هستی، چنان رفتار کن که ما می‌کنیم».

۱۶۲۶ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: مردی به پیامبرﷺ گفت: ای پیامبر خدا! می‌خواهم به سفر بروم. مرا سفارشی فرما.

فرمود: «بر تو باد پروای الهی و تکبیر گفتن بر هر بلندی‌ای».

۱۶۲۷ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از عبد الله بن عمر ـ: پیامبر خدا، هر گاه از جنگ یا حج و یا عمره باز می‌گشت، به هر بلندی‌ای که می‌رسید، سه بار تکبیر می‌گفت. سپس می‌فرمود: «معبودی جز خدای یگانه و بی‌انباز نیست. او راست، پادشاهی و او راست، ستایش، و او بر هر چیزی تواناست.

باز می‌گردیم، در حالی که توبه‌کنانیم و پرستنده و سجده‌کننده و ستایندهٔ پروردگارمان. خداوند، وعده‌اش را تحقّق بخشید و بنده‌اش را یاری داد و به تنهایی، گروه‌ها[ی مشرک] را درهم شکست».

۱۶۲۸ . **پیامبر خداﷺ**: سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست، هیچ کس بر فراز هیچ بلندی‌ای، خدا را به یگانگی و بزرگی یاد نمی‌کند، مگر این که با «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» گفتنِ او، هر آنچه پشت سرِ اوست، تا آن جا که خاک تمام می‌شود،[1] «لا إله إلّا الله» می‌گوید، و هر آنچه پیش روی اوست، تا آن جا که خاک تمام می‌شود، «الله أکبر» می‌گوید.

---

۱ . مراد از خاک، خشکی و یا کرهٔ زمین است. یعنی موجودات سرتاسر کرهٔ زمین با او هم‌نوا می‌شوند.

١٦٢٩ . عنه ﷺ: الحُجّاجُ وَالعُمّارُ وَفدُ اللهِ، إن سَألوا أُعطوا، وإن دَعَوا أُجيبوا، وإن أنفَقوا أُخلِفَ لَهُم، وَالَّذي نَفسُ أبِي القاسِمِ بِيَدِهِ، ما كَبَّرَ مُكَبِّرٌ عَلىٰ نَشَزٍ[١] ولا أهَلَّ مُهِلٌّ عَلىٰ شَرَفٍ مِنَ الأَشرافِ، إلّا أهَلَّ ما بَينَ يَدَيهِ وكَبَّرَ حَتّىٰ يَنقَطِعَ بِهِ مُنقَطَعُ التُّرابِ.[٢]

١٠ / ٣
رَمْيُ الجِمارِ

١٦٣٠ . الكافي عن يعقوب بن شعيب: سَألتُ أبا عَبدِ اللهِ ﷺ عَنِ الجِمارِ[٣]، فَقالَ: قُم عِندَ الجَمرَتَينِ ولا تَقُم عِندَ جَمرَةِ العَقَبَةِ، قُلتُ: هٰذا مِنَ السُّنَّةِ؟ قالَ: نَعَم، قُلتُ: ما أقولُ إذا رَمَيتُ؟ فَقالَ: كَبِّر مَعَ كُلِّ حَصاةٍ.[٤]

١٦٣١ . الإمام الصادق ﷺ: كَبِّر مَعَ كُلِّ حَصاةٍ تَكبيرَةً إذا رَمَيتَها، ولا تُقَدِّم جَمرَةً عَلىٰ جَمرَةٍ، وقِف بَعدَ الفَراغِ مِنَ الرَّمي وَادعُ بِما قُسِمَ لَكَ.[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١١ / ٣
أيّامُ التَّشريقِ

١٦٣٢ . الإمام الصادق ﷺ ـ في قَولِ اللهِ ﷻ: ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾[٦] ـ: هِيَ أيّامُ

---

١. النَّشَزُ من الأرض: هو ما ارتفع وظهر (لسان العرب: ج ٥ ص ٤١٧ «نشز»).

٢. شُعب الإيمان: ج ٣ ص ٤٧٥ ح ٤١٠٤ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، كنز العمّال: ج ٥ ص ٩ ح ١١٨١٧.

٣. الجِمار: جمع جَمْرة من الحصى، ومنه جِمار المناسك للحجّ. والجَمَرات: مجتمع الحصى بمنىً، فكلّ كُومة من الحصى جمرةٌ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٠٩ «جمر»).

٤. الكافي: ج ٤ ص ٤٨١ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٦١ ح ٨٨٩.

٥. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢٣، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٧٦ ح ٢٣.

٦. البقرة: ٢٠٣.

۱۶۲۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: حاجیان و عمره گزاران، میهمانان خدای‌اند. اگر [از او] بخواهند، به آنها عطا می‌شود و اگر بخوانند، پاسخ می‌شنوند و اگر انفاق (/خرج) کنند، برایشان جایگزین می‌شود. سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست، هیچ تکبیرگویی بر بلندایی تکبیر نگفت و هیچ «لا إله إلّا الله» گویی، بر ارتفاعی از ارتفاعات، خدا را به یگانگی یاد نمی‌کند، مگر این که هر آنچه فرا پیش اوست، تا انتهای خاک (/زمین)، «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» می‌گوید.

۱۰ / ۳
هنگام رمی جمرات

۱۶۳۰ . **الکافی** ـ به نقل از یعقوب بن شعیب ـ: از امام صادق‌ؑ در بارهٔ رَمْی جَمَرات پرسیدم. فرمود: «نزد دو جَمَره[ی اوّلی و وسطی] توقّف کن و نزد جَمَرهٔ عَقَبه، توقّف نکن».

گفتم: این، از سنّت است؟

فرمود: «آری».

گفتم: وقتی سنگ می‌اندازم، چه بگویم؟

فرمود: «با هر ریگی [که می‌اندازی]، تکبیر بگو».

۱۶۳۱ . **امام صادق**ؑ: با هر ریگی که می‌اندازی، یک تکبیر بگو، و جَمَره‌ای را بر جَمَره‌ای، مقدّم مدار [و در رَمْی آنها، ترتیب را رعایت کن] و پس از پایان رَمْی، توقّف کن و آن مقدار که قسمتت شده است، دعا کن.

۱۱ / ۳
روزهای تشریق

۱۶۳۲ . **امام صادق**ؑ ـ در بارهٔ این سخن خدایﷻ: ﴿و در روزهایی تعیین شده، خدا را یاد

التَّشريقِ[١]، كانوا إذا أقاموا بِمنىٰ بَعدَ النَّحرِ تَفاخَروا، فَقالَ الرَّجُلُ مِنهُم: كانَ أبي يَفعَلُ كَذا وكَذا، فَقالَ اللهُ جَلَّ ثَناؤُهُ: ﴿فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَٰتٍ... فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَآءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾[٢]، قالَ: وَالتَّكبيرُ: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وللهِ الحَمدُ، اللهُ أكبَرُ عَلىٰ ما هَدانا، اللهُ أكبَرُ عَلىٰ ما رَزَقَنا مِن بَهيمَةِ الأَنعامِ.[٣]

١٦٣٣ . **الإمام عليّ عليه السلام**: كانَ [النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله] يُكَبِّرُ مِن يَومِ عَرَفَةَ صَلاةَ الغَداةِ، ويَقطَعُها صَلاةَ العَصرِ آخِرَ أيّامِ التَّشريقِ.[٤]

١٦٣٤ . **صحيح البخاري عن مالك عن محمّد بن أبي بكر الثقفي**: أنَّهُ سَأَلَ أنَسَ بنَ مالِكٍ وهُما غادِيانِ مِن مِنىً إلىٰ عَرَفَةَ: كَيفَ كُنتُم تَصنَعونَ في هٰذَا اليَومِ مَعَ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله؟

فَقالَ: كانَ يُهِلُّ مِنَّا المُهِلُّ فَلا يُنكِرُ عَلَيهِ، ويُكَبِّرُ مِنَّا المُكَبِّرُ فَلا يُنكِرُ عَلَيهِ.[٥]

١٦٣٥ . **كنز العمّال عن عبيدة**: قَدِمَ عَلَينا عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام فَكَبَّرَ يَومَ عَرَفَةَ مِن صَلاةِ الغَداةِ إلىٰ صَلاةِ العَصرِ مِن آخِرِ أيّامِ التَّشريقِ، يَقولُ: اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ وَللهِ الحَمدُ.[٦]

١٦٣٦ . **مستطرفات السرائر عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام**: كَبِّر أيّامَ التَّشريقِ عِندَ كُلِّ

---

١. هي ثلاثة أيّام تلي عيد النحر، سُمّيت بذلك من تشريق اللحم؛ وهو تقديده [أي تقطيعه] وبسطه في الشمس ليجفّ؛ لأنّ لحوم الأضاحي كان تُشرّق فيها بمنى. وقيل: سُمّيت به لأنّ الهدي والضحايا لا تُنحر حتّى تشرق الشمس؛ أي تطلُع (النهاية: ج ٢ ص ٤٦٤ «شرق»).

٢. البقرة: ١٩٨ ـ ٢٠٠.

٣. الكافي: ج ٤ ص ٥١٦ ح ٣ عن منصور بن حازم.

٤. المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٤٣٩ ح ١١١١ عن أبي الطفيل، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٤٢٠ ح ٦٢٧٨ عن جابر، كنز العمّال: ج ٧ ص ٩٣ ح ١٨١٢١.

٥. صحيح البخاري: ج ٢ ص ٥٩٧ ح ١٥٧٦، صحيح مسلم: ج ٢ ص ٩٣٣ ح ٢٧٤، سنن الدارمي: ج ١ ص ٤٨٥ ح ١٨١٨، سنن النسائي: ج ٥ ص ٢٥١، الموطّأ: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٤٣.

٦. كنز العمّال: ج ٥ ص ٢٤٠ ح ١٢٧٥٤ نقلاً عن ابن أبي الدنيا.

کنید» ـ: مقصود، روزهای تشریق[1] است. [در جاهلیت] وقتی پس از قربانی کردن در مِنا توقّف می‌کردند، به فخرفروشی بر یکدیگر می‌پرداختند و هر یک می‌گفت: «پدر من، چنین و چنان می‌کرد». خداوند، که ثنای او بزرگ است، فرمود: **«پس چون از عرفات کوچیدید... همان گونه که از پدران خود یاد می‌کنید و بلکه با یادکردنی بیشتر، خدا را یاد کنید»**. نحوهٔ تکبیر گفتن هم چنین است: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست و بزرگا خدا! بزرگا خدا و ستایش، خدای راست! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای آن که از دام‌های زبان‌بسته روزی‌مان نمود!».

۱۶۳۳ . **امام علی**ﷺ: پیامبرﷺ از هنگام نماز صبح روز عرفه، تکبیر می‌گفت و در نماز عصر آخرین روز از روزهای تشریق، آن را پایان می‌داد.

۱۶۳۴ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از مالک، از محمّد بن ابی بکر ثقفی ـ: او (محمّد بن ابی بکر) صبحگاهان، با اَنَس بن مالک از مِنا به عرفه می‌رفت. از اَنَس پرسید: در این روز، با پیامبر خدا که بودید، چه می‌کردید؟

گفت: اگر یکی از ما «لا إله إلّا الله» می‌گفت، ایشان به او اعتراضی نمی‌کرد و اگر کسی «الله أکبر» می‌گفت، به او ایراد نمی‌گرفت.

۱۶۳۵ . **کنزالعمّال** ـ به نقل از عبیده ـ: علی بن ابی طالبﷺ بر ما وارد شد. او از نماز صبح روز عرفه تا نماز عصر آخرین روز تشریق، تکبیر گفت. می‌گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا، و ستایش، خدای راست!»

۱۶۳۶ . **مستطرفات السرائر** ـ به نقل از محمّد بن مسلم ـ امام باقرﷺ فرمود: «روزهای تشریق، هنگام هر نمازی، تکبیر بگو».

گفتم: چند تا؟

---

۱ . روزهای تشریق یا روزهای گوشت‌خشکانی، عبارت‌اند از: سه روزِ پس از عید قربان، وجه تسمیه ایّام التشریق، از «تشریق اللّحم» گرفته شده است؛ چون در این روزها گوشت‌های قربانی را در مِنا، قطعه قطعه می‌کردند و در آفتاب، پهن می‌نمودند تا خشک شود. بعضی گفته‌اند که وجه تسمیه‌اش این است که قربانی‌ها را زمانی ذبح می‌کردند که آفتاب از شرق برآید و طلوع کند.

صَلاةٍ. قُلتُ لَهُ: كَم؟ قالَ: كَم شِئتَ، إنَّهُ لَيسَ بِمَفروضٍ.[١]

١٢ / ٣
رُؤيَةُ الجِنازَةِ

١٦٣٧ . رسول الله ﷺ: مَنِ استَقبَلَ جِنازَةً أو رَآها فَقالَ: «اللهُ أكبَرُ، هٰذا ما وَعَدَنَا اللهُ ورَسولُهُ، وصَدَقَ اللهُ ورَسولُهُ، اللّٰهُمَّ زِدنا إيماناً وتَسليماً، الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي تَعَزَّزَ بِالقُدرَةِ، وقَهَرَ العِبادَ بِالمَوتِ»، لَم يَبقَ فِي السَّماءِ مَلَكٌ إلّا بَكىٰ رَحمَةً لِصَوتِهِ.[٢]

١٦٣٨ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا رَأَيتَ الجِنازَةَ فَقُل: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، هٰذا ما وَعَدَنَا اللهُ ورَسولُهُ، وصَدَقَ اللهُ ورَسولُهُ، كُلُّ نَفسٍ ذائِقَةُ المَوتِ، هٰذا سَبيلٌ لابُدَّ مِنهُ، إنّا لِلّٰهِ وإنّا إلَيهِ راجِعونَ، تَسليماً لِأَمرِهِ، ورِضاءً بِقَضائِهِ، واحتِساباً لِحُكمِهِ، وصَبراً لِما قَد جَرىٰ عَلَينا مِن حُكمِهِ، اللّٰهُمَّ اجعَلهُ لَنا خَيرَ غائِبٍ نَنتَظِرُهُ.[٣]

١٣ / ٣
الخَوفُ

١٦٣٩ . رسول الله ﷺ: إذا وَقَعَت كَبيرَةٌ[٤] أو هاجَت ريحٌ مُظلِمَةٌ فَعَلَيكُم بِالتَّكبيرِ؛ فَإنَّهُ يُجلي العَجاجَ الأَسوَدَ.[٥]

---

١. مستطرفات السرائر: ص ٣٠ ح ٢٧، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٢٦ ح ٢١.

٢. الكافي: ج ٣ ص ١٦٧ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٤٧١ كلاهما عن عنبسة بن مصعب، الدعوات: ص ٢٥٩ ح ٧٣٩ كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٦ ح ٢٤.

٣. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٧٦، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٢ ح ١٤.

٤. هي صفة لموصوف محذوف، تقديره: حادثة ـ مثلاً ـ.

٥. مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ١٩٤٣، كنز العمّال: ج ٧ ص ٨٣٠ ح ٢١٥٨١ نقلاً عن ابن السني وكلاهما عن جابر.

فرمود: «هر تعداد که خواستی. تعیین شده نیست».

۱۲ / ۳
هنگام دیدن جنازه

۱۶۳۷. **پیامبر خدا ﷺ**: هر کس با جنازه‌ای رو به رو شود یا آن را ببیند و بگوید: «بزرگا خدا! این، همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبر او، راست گفته‌اند. بار خدایا! بر ایمان و تسلیم ما بیفزای. ستایش، خدایی را که پُرتوان و نیرومند است و بندگان را با مرگ، درهم شکست»، هر فرشته‌ای که در آسمان است، از مِهر به صدای او گریه می‌کند.

۱۶۳۸. **الفقه المنسوب للإمام الرضا ﷺ**: هرگاه جنازه‌ای را دیدی، بگو: «بزرگا خدا! بزرگا خدا! این، چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبر او، راست گفته‌اند. هر جانی، چشندهٔ مرگ است. این، راهی است که گریزی از آن نیست. ما از خداییم و به سوی او باز گردیم. به فرمان او تسلیم هستیم و به قضایش، راضی و به حکمش، خشنود و بر هر حکمی که بر ما رانده است، شکیبا. بار خدایا! او را برای ما، بهترین سفر کرده‌ای که منتظرش هستیم، قرار ده».

۱۳ / ۳
هنگام ترس

۱۶۳۹. **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه حادثه بزرگی اتّفاق افتاد یا باد سیاهی برخاست، تکبیر بگویید؛ زیرا تکبیر گفتن، غبار سیاه را برطرف می‌سازد.

١٦٣٠ . كتاب من لا يحضره الفقيه عن كامل بن العلاء: كُنتُ مَعَ أبي جَعفَرٍ عليه السلام بِالعُرَيضِ[١] فَهَبَّت ريحٌ شَديدَةٌ، فَجَعَلَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يُكَبِّرُ، ثُمَّ قالَ: إنَّ التَّكبيرَ يَرُدُّ الرّيحَ.[٢]

١٦٣١ . الإمام الباقر عليه السلام: ما بَعَثَ اللهُ عزوجل ريحاً إلّا رَحمَةً أو عَذاباً، فَإذا رَأَيتُموها فَقولوا: «اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ خَيرَها وخَيرَ ما أُرسِلَت لَهُ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما أُرسِلَت لَهُ»، وكَبِّروا وَارفَعوا أصواتَكُم بِالتَّكبيرِ فَإنَّهُ يَكسِرُها.[٣]

١٦٣٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ لِعَليٍّ عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ، إذا رَأَيتَ أسَداً وَاشتَدَّ بِكَ الأَمرُ فَكَبِّر ثَلاثاً، وقُل: «اللهُ أكبَرُ وأجَلُّ وأعظَمُ مِن كُلِّ شَيءٍ، وأكبَرُ وأعَزُّ مِن خَلقِهِ وأقدَرُ، أعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ»، تُكفَ شَرَّهُ إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[٤]

١٦٣٣ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا رَأَيتَ الأَسَدَ فَكَبِّر في وَجهِهِ ثَلاثَ تَكبيراتٍ، وقُل: «اللهُ أعَزُّ وأكبَرُ وأجَلُّ مِن كُلِّ شَيءٍ أعوذُ بِاللهِ مِمّا أخافُ وأحذَرُ».[٥]

١٤/٣
زِيارَةُ مَراقِدِ أهلِ البَيتِ عليهم السلام

١٦٣٤ . تهذيب الأحكام عن موسى بن عبد الله النخعي: قُلتُ لِعَليِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَليِّ بنِ موسَى بنِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَليِّ بنِ الحُسَينِ بنِ عَليِّ بنِ أبي طالِبٍ عليهم السلام: عَلِّمني يَابنَ رَسولِ اللهِ قَولاً أقولُهُ بَليغاً كامِلاً إذا زُرتُ واحِداً مِنكُم.

فَقالَ: إذا صِرتَ إلَى البابِ فَقِف وَاشهَدِ الشَّهادَتَينِ وأنتَ عَلىٰ غُسلٍ، فَإذا دَخَلتَ

---

١. العُرَيض: وادٍ بالمدينة (معجم البلدان: ج ٤ ص ١١٤).

٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٨، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٦ ح ٢.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٩، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٦ ح ٢.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٢ ح ٢٣٧٣، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٥ ح ١٦.

٥. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٤٠٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ٩.

۱۶۴۰ . **کتاب من لا یحضره الفقیه** ـ به نقل از کامل بن علاء ـ : با امام باقر علیه السلام در عُرَیض[1] بودم که باد سختی وزیدن گرفت. ایشان، شروع به تکبیر گفتن کرد. سپس فرمود: «تکبیر، باد را دفع می‌کند».

۱۶۴۱ . **امام باقر** علیه السلام: خداوند عزوجل هیچ بادی بر نینگیخت، مگر از سر مِهر یا عذاب. پس هر گاه آن را دیدید، بگویید: «بار خدایا! ما خیر این باد را و خیر آنچه را این باد برایش فرستاده شده است، از تو درخواست می‌کنیم و از شرّ این باد و از شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌بریم» و صدایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا که آن، باد را درهم می‌شکند.

۱۶۴۲ . **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله ـ به علی علیه السلام ـ : ای علی! هرگاه با شیری مواجه شدی و کار بر تو سخت شد، سه بار تکبیر گوی و بگو: «خدا، بزرگ‌تر و با شکوه‌تر و با عظمت‌تر از هر چیزی است، و بزرگ‌تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه از آن می‌ترسم و حذر می‌کنم». به خواست خدا، از گزند آن، محفوظ خواهی ماند.

۱۶۴۳ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا** علیه السلام: هرگاه شیری را دیدی، سه مرتبه در روی او تکبیر گوی و بگو: «خداوند، نیرومندتر و بزرگ‌تر و شکوهمندتر از هر چیز است، و به خدا پناه می‌برم از آنچه می‌ترسم و حذر می‌کنم».

۱۴ / ۳
هنگام زیارت آرام‌گاه‌های اهل بیت علیهم السلام

۱۶۴۴ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از موسی بن عبد الله نخعی ـ : به علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (امام هادی علیه السلام) گفتم: ای پسر پیامبر خدا! گفتاری رسا و کامل به من بیاموز که در هنگام زیارت یکی از شما، آن را بگویم.

فرمود: «قبلاً غسل کن و چون به درگاه رسیدی، بِایست و شهادتین بگو.

---

۱ . العریض: وادیی است در مدینه.

فَقِف وقُل: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ ثَلاثينَ مَرَّةً، ثُمَّ امشِ قَليلاً، وعَلَيكَ السَّكينَةُ وَالوَقارُ، وقارِب بَينَ خُطاكَ، ثُمَّ قِف وكَبِّرِ اللهَ ﷻ ثَلاثينَ مَرَّةً، ثُمَّ ادنُ مِنَ القَبرِ وكَبِّرِ اللهَ أربَعينَ تَكبيرَةً؛ تَمامَ المِئَةِ تَكبيرَةٍ، ثُمَّ قُل: السَّلامُ عَلَيكُم يا أهلَ بَيتِ النُّبُوَّةِ....[1]

١٥ / ٣
الإعجاب

١٦٣٥ . **الإمام الصادق**ﷺ: مَن أعجَبَهُ شَيءٌ مِن أخيهِ المُؤمِنِ فَليُكَبِّر عَلَيهِ، فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ.[2]

راجع: ص ١٢٦ (بركات الحوقلة / دفع العين).

١٦ / ٣
النَّظَرُ في المِرآةِ

١٦٣٦ . **رسول الله**ﷺ ـ مِن وَصِيَّةٍ أوصىٰ بِها عَلِيّاً ﷺ ـ: يا عَلِيُّ، إذا نَظَرتَ فِي مِرآةٍ فَكَبِّر ثَلاثاً وقُل: اللّٰهُمَّ كَما حَسَّنتَ خَلقي فَحَسِّن خُلقي.[3]

١٧ / ٣
شِراءُ المَتاعِ

١٦٣٧ . **الإمام الباقر أو الإمام الصادق**ﷺ: إذَا اشتَرَيتَ مَتاعاً فَكَبِّرِ اللهَ ثَلاثاً، ثُمَّ قُل: «اللّٰهُمَّ إنِّي اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن خَيرِكَ فَاجعَل لي فيهِ خَيراً، اللّٰهُمَّ إنِّي اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن فَضلِكَ فَاجعَل لي فيهِ فَضلاً، اللّٰهُمَّ إنِّي اشتَرَيتُهُ ألتَمِسُ فيهِ مِن رِزقِكَ فَاجعَل لي فيهِ

---

١ . تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٩٥ ح ١٧٧، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦٠٩ ح ٣٢١٣، عيون أخبار الرضاﷺ: ج ٢ ص ٢٧٢ ح ١، بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٢٧ ح ٤.

٢ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٢١ عن الحلبي، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٢٧ ح ٦.

٣ . تحف العقول: ص ١١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٥ ح ٥.

چون داخل شدی، باز بِایست و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس با آرامش و وقار و با برداشتن گام‌های کوچک، اندکی پیش برو. آن گاه، توقّف کن و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا مجموعاً صد تکبیر شود. آن گاه بگو: «درود بر شما، ای خاندان نبوّت...!».

۱۵ / ۳
هنگام به چشم آمدن چیزی

۱۶۴۵ . **امام صادق**ﷺ: هر کس چیزی از برادر مؤمنش نظر او را گرفت، برای آن، تکبیر بگوید؛ چرا که چشم زدن، حقیقت دارد.

ر.ک: ص ۱۲۷ (برکت‌های لا حول و لا قوّة إلّا بالله / دفع چشم زخم).

۱۶ / ۳
هنگام نگریستن در آینه

۱۶۴۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سفارش ایشان به علیؑ ـ: ای علی! هرگاه در آینه نگریستی، سه مرتبه تکبیر گو و بگو: «بار خدایا! همان گونه که خلقتم را نیکو قرار دادی، اخلاقم را نیز نیک گردان».

۱۷ / ۳
هنگام خرید کالا

۱۶۴۷ . **امام باقر یا امام صادق**ؑ: هرگاه کالایی خریدی، سه مرتبه خدا را به بزرگی یادکن. سپس بگو: «بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای خیر [و برکت] تو هستم. پس برایم در آن، خیر قرار ده. بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای فضل تو هستم. پس برایم در آن فضل [و فزونی] قرار ده. بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای روزی تو هستم. پس برایم در آن، روزی

رِزقاً»، ثُمَّ أعِد كُلَّ واحِدَةٍ مِنها ثَلاثَ مَرّاتٍ.[۱]

۱۸ / ۳
الخُروجُ مِنَ المَنزِلِ

۱۶۳۸ . الكافي عن أبي حمزة: رَأَيتُ أبا عَبدِ اللهِ ﷺ يُحَرِّكُ شَفَتَيهِ حينَ أرادَ أن يَخرُجَ وهُوَ قائِمٌ عَلَى البابِ، فَقُلتُ: إنّي رَأَيتُكَ تُحَرِّكُ شَفَتَيكَ حينَ خَرَجتَ، فَهَل قُلتَ شَيئاً؟

قالَ: نَعَم، إنَّ الإنسانَ إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ قالَ حينَ يُريدُ أن يَخرُجَ: «اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ ـ ثَلاثاً ـ بِاللهِ أخرُجُ وبِاللهِ أدخُلُ وعَلَى اللهِ أتَوَكَّلُ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ اللّهُمَّ افتَح لي في وَجهي هٰذا بِخَيرٍ وَاختِم لي بِخَيرٍ، وقِني شَرَّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ» لَم يَزَل في ضَمانِ اللهِ ﷻ حَتّىٰ يَرُدَّهُ اللهُ إلَى المَكانِ الَّذي كانَ فيهِ.[۲]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۲۰۰ ح ۳۷۵۷ عن محمّد بن مسلم.

۲. الكافي: ج ۲ ص ۵۴۰ ح ۱.

قرار ده» و هر یک از این جملات را سه بار تکرار کن.

۱۸/۳
هنگام خارج شدن از خانه

۱۶۴۸ . **الکافی** ـ به نقل از ابو حمزه ـ: امام صادق﵇ را دیدم که چون خواست از خانه خارج شود، بر درِ خانه ایستاد و لبانش را می‌جنبانْد. گفتم: شما را دیدم که چون بیرون آمدی، لبت را می‌جنبانیدی. آیا چیزی گفتی؟

فرمود: «آری. هرگاه انسان، وقتی می‌خواهد از خانه‌اش خارج شود، سه مرتبه بگوید: "خدا، بزرگ‌تر است. خدا، بزرگ‌تر است. خدا بزرگ‌تر است" و سه مرتبه بگوید: "به یاریِ خدا، خارج می‌شوم و به یاری خدا، داخل می‌شوم و بر خدا، توکّل می‌کنم" [سپس بگوید] "بار خدایا! این [در] را به خوبی بر من، بگشای و به خوبی بر من، ببند و مرا از گزند هر جنبنده‌ای که کاکُل [و مهار] آن در دست توست، نگه‌دار. همانا پروردگار من بر راه راست است" خداوندﷻ ضامن حفظ او باشد تا آن گاه که وی را به جایی که بوده است، برگردانَد.

الفَصلُ الرّابِعُ

أدَبُ التَّكبيرِ في الصَّلاةِ

١٦٤٩ . **الإمام عليّ عليه السلام**: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله: ﴿إِنّا أَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾[1] قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يا جَبرَئيلُ ما هٰذِهِ النَّحيرَةُ الَّتي أمَرَني بِها رَبّي؟

قالَ: إنَّها لَيسَت بِنَحيرَةٍ، ولٰكِنَّهُ يَأمُرُكَ إذا تَحَرَّمتَ لِلصَّلاةِ أن تَرفَعَ يَدَيكَ إذا كَبَّرتَ وإذا رَكَعتَ وإذا رَفَعتَ رَأسَكَ مِنَ الرُّكوعِ؛ فَإنَّها صَلاتُنا وصَلاةُ المَلائِكَةِ الَّذينَ في السَّماواتِ السَّبعِ.

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: رَفعُ الأَيدي مِنَ الاِستِكانَةِ الَّتي قالَ اللهُ عزّ وجلّ: ﴿فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾[2].[3]

١٦٥٠ . **سنن ابن ماجة عن أبي حُمَيد الساعدي**: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إذا قامَ إلَى الصَّلاةِ استَقبَلَ القِبلَةَ، ورَفَعَ يَدَيهِ وقالَ: اللهُ أكبَرُ.[4]

---

١. الكوثر: ١ و ٢.

٢. المؤمنون: ٧٦.

٣. المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٣٩٨١ عن الأصبغ بن نباتة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٥٥٧ ح ٤٧٢١؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٣٧ عن الأصبغ بن نباتة.

٤. سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٦٤ ح ٨٠٣، سنن أبي داوود: ج ١ ص ١٩٨ ح ٧٤٤ عن عبيد الله بن أبي رافع عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، سنن النسائي: ج ٣ ص ٣ كلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ٩٦ ح ٢٢٠٦٧.

فصل چهارم

آداب تکبیر گفتن در نماز

۱۶۴۹ . **امام علی**ﷺ: چون این آیه بر پیامبر خدا فرود آمد: ﴿ما به تو کوثر دادیم. پس برای پروردگارت، نماز گزار و قربانی کن﴾، پیامبرﷺ فرمود: «ای جبرئیل! این قربانی که پروردگارم مرا به آن فرمان داده است، چیست؟».

جبرئیلؑ گفت: آن قربانی نیست؛ بلکه به تو می‌فرماید که هرگاه تکبیرة الإحرام نماز را گفتی، هنگامی که تکبیر می‌گویی و هنگامی که به رکوع می‌روی و هنگامی که سر از رکوع بر می‌داری، دستانت را بالا ببر؛ زیرا این [نحوهٔ] نماز ما و نماز فرشتگانِ آسمان‌های هفتگانه است.

پیامبرﷺ فرمود: «بالا بردن دست‌ها، نشانهٔ همان فروتنی‌ای است که خداوندﷻ فرموده است: ﴿نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند﴾».

۱۶۵۰ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از ابو حُمَید ساعدی ـ: پیامبر خدا، هرگاه به نماز می‌ایستاد، رو به قبله می‌کرد و دستانش را بالا می‌برد و می‌گفت: «الله أکبر».

١٦٥١ . **الأُصول الستّة عشر:** عَن زَيدٍ عَن أبِي الحَسَنِ الأَوَّلِ عليه السلام أنَّهُ رآهُ يُصَلّي، فَكانَ إذا كَبَّرَ فِي الصَّلاةِ ألزَقَ أصابِعَ يَدَيهِ: الإبهامَ وَالسَّبّابَة وَالوُسطىٰ وَالَّتي تَليها، وفَرَّجَ بَينَها وبَينَ الخِنصَرِ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ بِالتَّكبيرِ قُبالَةَ وَجهِهِ، ثُمَّ يَلقُمُ رُكبَتَيهِ كَفَّيهِ، ويُفَرِّجُ بَينَ الأَصابِعِ....[1]

١٦٥٢ . **سنن الترمذي عن أبي هريرة:** كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إذا كَبَّرَ لِلصَّلاةِ نَشَرَ أصابِعَهُ.[2]

١٦٥٣ . **علل الشرائع عن المفضّل بن عمر:** قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام: لِأَيِّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ المُصَلّي بَعدَ التَّسليمِ ثَلاثاً يَرفَعُ بِها يَدَيهِ؟

فَقالَ: لِأَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله لَمّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلّىٰ بِأَصحابِهِ الظُّهرَ عِندَ الحَجَرِ الأَسوَدِ، فَلَمّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيهِ وكَبَّرَ ثَلاثاً وقالَ: لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ وَحدَهُ، أنجَزَ وَعدَهُ، ونَصَرَ عَبدَهُ، وأَعزَّ جُندَهُ، وغَلَبَ الأَحزابَ وَحدَهُ، فَلَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ، يُحيي ويُميتُ ويُميتُ ويُحيي، وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.

ثُمَّ أقبَلَ عَلىٰ أصحابِهِ فَقالَ: لا تَدَعوا هٰذَا التَّكبيرَ وهٰذَا القَولَ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ مَكتوبَةٍ، فَإِنَّ مَن فَعَلَ ذٰلِكَ بَعدَ التَّسليمِ، وقالَ هٰذَا القَولَ، كانَ قَد أدّىٰ ما يَجِبُ عَلَيهِ مِن شُكرِ اللهِ تَعالىٰ ذِكرُهُ عَلىٰ تَقوِيَةِ الإِسلامِ وجُندِهِ.[3]

١٦٥٤ . **تهذيب الأحكام عن صفوان الجمّال:** رَأَيتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام إذا كَبَّرَ فِي الصَّلاةِ يَرفَعُ يَدَيهِ حَتّىٰ تَكادَ تَبلُغُ أُذُنَيهِ.[4]

---

١. الأُصول الستّة عشر: ص ٥٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٢٥ ح ١٢.

٢. سنن الترمذي: ج ٢ ص ٥ ح ٢٣٩، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٢ ح ٢٣١٨، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥٥ ح ١٧٩٢٧.

٣. علل الشرائع: ص ٣٦٠ ح ١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٢ ح ٢١.

٤. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٥.

۱۶۵۱ . **الأُصول الستّة عشر**: از زید روایت شده است که دید امام کاظم﵇ نماز می‌خواند و هرگاه در نماز تکبیر می‌گوید، انگشتان دست‌هایش، یعنی شصت و نشانه و میانی و کناری آن را به هم می‌چسباند و انگشت کوچک را از آنها جدا می‌ساخت. سپس دست‌هایش را تا برابر صورتش بالا می‌برد و تکبیر می‌گفت. آن گاه [به رکوع می‌رفت و] کف دستانش را بر زانوهایش می‌گذاشت و انگشتانش را از هم باز می‌کرد....

۱۶۵۲ . **سنن ترمذی** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: پیامبرﷺ هرگاه برای نماز، تکبیر می‌گفت، انگشتانش را از هم باز می‌کرد.

۱۶۵۳ . **علل الشرائع** ـ به نقل از مفضّل بن عمر ـ: به امام صادق﵇ گفتم: به چه علّت، نماز گزار، پس از سلام دادن، سه مرتبه دست‌هایش را بالا می‌برد و تکبیر می‌گوید؟

فرمود: «چون پیامبرﷺ هنگامی که مکّه را فتح کرد، نماز ظهر را با یارانش در کنار حجرالأسود برگزار کرد و سلام که داد، دست‌هایش را سه مرتبه بلند کرد و تکبیر گفت و گفت: "معبودی جز خدا نیست، یگانه است یگانه، وعده‌اش را تحقّق بخشید و بنده‌اش را یاری داد و سپاهش را قدرت داد و یک‌تنه، گروه‌ها[ی مشرک] را درهم شکست. پس او راست، فرمان‌روایی و او راست، ستایش. زنده می‌کند و می‌میرانَد، و می‌میراند و زنده می‌گردانَد، و او بر هر چیزی تواناست"».

سپس به یارانش رو کرد و فرمود: "گفتنِ این تکبیر و این جملات را پس از هر نماز واجبی، ترک مگویید؛ زیرا هر کس پس از سلام دادن نماز، چنین کند و این جملات را بگوید، وظیفهٔ خود را در سپاس‌گزاری از خداوندﷻ برای تقویت اسلام و سپاهیانش، به جا آورده است"».

۱۶۵۴ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از صفوان جمّال ـ: امام صادق﵇ را دیدم که هرگاه در نماز، تکبیر می‌گفت، دستانش را تا نزدیک گوش‌هایش بالا می‌برد.

١٦٥٥ . الإمام الصادق عليه السلام: إذَا افتَتَحتَ الصَّلاةَ فَارفَع كَفَّيكَ، ولا تُجاوِز بِهِما أُذُنَيكَ، وَابسُطهُما بَسطاً ثُمَّ كَبِّر.[١]

١٦٥٦ . الإمام عليّ عليه السلام: إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كانَ يَرفَعُ يَدَيهِ حينَ يُكَبِّرُ تَكبيرَةَ الإِحرامِ حِذاءَ أُذُنَيهِ، وحينَ يُكَبِّرُ لِلرُّكوعِ، وحينَ يَرفَعُ رَأسَهُ مِنَ الرُّكوعِ.[٢]

١٦٥٧ . الأُصول الستّة عشر عن أبي بصير: رَأَيتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام يُصَلّي، فَإِذا رَفَعَ يَدَيهِ بِالتَّكبيرِ لِلإِفتِتاحِ وَالرُّكوعِ وَالسُّجودِ يَرفَعُها قُبالَةَ وَجهِهِ أو دونَ ذٰلِكَ بِقَليلٍ.[٣]

١٦٥٨ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا كُنتَ إماماً فَكَبِّر واحِدَةً تَجهَرُ فيها، وتُسِرُّ السِّتَّةَ.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٧، الكافي: ج ٣ ص ٣١٠ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٤٤ كلاهما عن الحلبي عنه عليه السلام وليس فيهما «ولا تجاوز بهما أُذنيك»، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٦ ح ٣٠.

٢ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٢ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٧ ح ٣٠.

٣ . الأُصول الستّة عشر: ص ٥٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٨٢ ح ٣٩.

٤ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١١٢، بحار الأنوار: ج ٨٨ ص ٦٨ ح ٢٠.

۱۶۵۵ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه نماز را آغاز کردی، دو دستت را بالا ببر؛ امّا آنها را از گوش‌هایت فراتر مبر، و انگشتانت را از هم بگشا. سپس تکبیر بگو.

۱۶۵۶ . **امام علی**ﷺ: پیامبر خدا، هنگامی که تکبیرة الأحرام می‌گفت، دست‌هایش را تا برابر گوش‌هایش بالا می‌برد؛ همچنین هنگامی که برای رفتن به رکوع تکبیر می‌گفت، یا هنگامی که از رکوع بر می‌خاست.

۱۶۵۷ . **الأُصول الستّة عشر** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: امام صادقﷺ را دیدم که نماز می‌خواند و هرگاه دست‌هایش را برای آغاز نماز و رکوع و سجود به تکبیر بلند می‌کرد، آنها را تا برابر صورتش یا اندکی پایین‌تر، بالا می‌برد.

۱۶۵۸ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا**ﷺ: هرگاه امام [جماعت] بودی، یک تکبیر را بلند بگو و شش تای دیگر را آهسته.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الخامِسُ

التَّكبيراتُ المأثورَةُ

١٦٥٩ . البلد الأمين: دُعاءُ التَّهليلِ مَرويٌّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ : بَسمِل وقُل : لا إلٰهَ إلَّا اللهُ ـ ثَلاثاً ـ... وَاللهُ أكبَرُ ـ ثَلاثاً ـ بِعَدَدِ كُلِّ تَكبيرٍ كَبَّرَهُ المُكَبِّرونَ.[١]

١٦٦٠ . رسول الله ﷺ: اللهُ أكبَرُ في عِلمِهِ مُنتَهىٰ رِضاهُ، اللهُ أكبَرُ بَعدَ عِلمِهِ مُنتَهىٰ رِضاهُ، اللهُ أكبَرُ مَعَ عِلمِهِ مُنتَهىٰ رِضاهُ... وَاللهُ أكبَرُ تَكبيراً لا يُحصيهِ غَيرُهُ قَبلَ كُلِّ أحَدٍ، ومَعَ كُلِّ أحَدٍ، وبَعدَ كُلِّ أحَدٍ.[٢]

١٦٦١ . الإمام عليّ عليه السلام: اللهُ أكبَرُ القاهِرُ لِلأَضدادِ، المُتعالي عَنِ الأَندادِ، المُتَفَرِّدُ بِالمِنَّةِ عَلىٰ جَميعِ العِبادِ، وَاللهُ أكبَرُ المُحتَجِبُ بِالمَلَكوتِ وَالعِزَّةِ، المُتَوَحِّدُ بِالجَبَروتِ وَالقُدرَةِ، المُتَرَدّي بِالكِبرِياءِ وَالعَظَمَةِ، وَاللهُ أكبَرُ المُتَقَدِّسُ بِدَوامِ السُّلطانِ، وَالغالِبُ بِالحُجَّةِ وَالبُرهانِ، ونَفاذِ المَشِيَّةِ في كُلِّ حينٍ وأوانٍ.[٣]

١٦٦٢ . كنز العمّال عن عبد الله بن يسار: كانَ عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ قالَ: اللهُ أكبَرُ

---

١ . البلد الأمين: ص ٣٧٤.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ١٧٠ عن إبراهيم بن أبي يحيى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام بأسانيد أُخرى، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٨٦ ح ٢٨.

٣ . البلد الأمين: ص ٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧.

فصل پنجم

تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام

۱۶۵۹ . البلد الأمین: دعای «لا إله إلّا الله» از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده [و در آن آمده است]: "بسم الله" گوی و بگو: "معبودی جز خدا نیست" (سه مرتبه) و "خدا، بزرگ‌تر است" (سه مرتبه)، به تعداد هر تکبیری که تکبیرگویان گفته‌اند.

۱۶۶۰ . پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: خدا بزرگ‌تر است، در علم او، تا نهایت خشنودی‌اش. خدا، بزرگ‌تر است پس از علم او تا نهایت خشنودی‌اش. خدا بزرگ‌تر است، با علم او، تا نهایت خشنودی‌اش... و خدا، بزرگ‌تر است، چندان که جز او، کسی آن را شماره نمی‌تواند بکند، پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس.

۱۶۶۱ . امام علی علیه‌السلام: بزرگا خدایی که بر حریفان، چیره است، از داشتن همتایان، برتر است، بندگان، همه تنها رهینِ منّت اویند! بزرگا خدایی که در حجاب پادشاهی و عزّت[1] است، در شکوهناکی و قدرت، یگانه است، ردای کبریا و عظمت، در پوشیده است! بزرگا خدایی که به پایندگی سلطنت، مقدّس است، دلیل و برهانش چیره است و مشیّتش، همیشه و هر دم جاری است!

۱۶۶۲ . کنزالعمال ـ به نقل از عبد الله بن یسار ـ: علی بن ابی طالب علیه‌السلام هرگاه شب بر

---

۱. دائماً او پادشاه مطلق است در حجاب عزّ خود مستغرق است

أهلٌ أن يُكَبَّرَ، وأهلٌ أن يُذكَرَ، وأهلٌ أن يُشكَرَ، مَن نَفعُهُ نَفعٌ وضَرُّهُ ضَرٌّ.[١]

١٦٦٣ . **الإمام الباقر عليه السلام**: اللهُ أكبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللهَ شَيءٌ، وكَما يُحِبُّ اللهُ أن يُكَبَّرَ.[٢]

١٦٦٤ . **الإمام الصادق عليه السلام**: اللهُ أكبَرُ مِدادَ كَلِماتِهِ، وَاللهُ أكبَرُ مِلءَ عَرشِهِ، وَاللهُ أكبَرُ عَدَدَ ما أحصىٰ كِتابُهُ.[٣]

١٦٦٥ . **الكافي عن محمّد بن خالد البرقي عن بعض أصحابه رفعه، قال**: تَقولُ بَعدَ الفَجرِ قَبلَ أن تَتَكَلَّمَ: الحَمدُ لِلّهِ مِلءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ، وسُبحانَ اللهِ مِلءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ، وَاللهُ أكبَرُ مِلءَ الميزانِ ومُنتَهَى الرِّضا وزِنَةَ العَرشِ....[٤]

١٦٦٦ . **بحار الأنوار** ـ مِن دُعاءِ الإِخلاصِ ـ: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ أهلُ الجَبَروتِ وَالعِزَّةِ، اللهُ أكبَرُ وَلِيُّ الغَيثِ وَالرَّحمَةِ، اللهُ أكبَرُ مَلِكُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، اللهُ أكبَرُ عَظيمُ المَلَكوتِ، اللهُ أكبَرُ شَديدُ الجَبَروتِ، اللهُ أكبَرُ عَزيزُ القُدرَةِ لَطيفٌ لِما يَشاءُ، اللهُ أكبَرُ مُدَبِّرُ الأُمورِ، اللهُ أكبَرُ يُحيِي العِظامَ وهِيَ رَميمٌ، اللهُ أكبَرُ مُبدِئُ الخَفِيّاتِ، اللهُ أكبَرُ مُعلِنُ السَّرائِرِ.

اللهُ أكبَرُ أوَّلُ كُلِّ شَيءٍ وآخِرُهُ، اللهُ أكبَرُ بَديعُ كُلِّ شَيءٍ ومُنتَهاهُ، اللهُ أكبَرُ مُدرِكُ كُلِّ شَيءٍ ومَصيرُهُ إلَيهِ، اللهُ أكبَرُ خالِقُ كُلِّ شَيءٍ ومَولاهُ، اللهُ أكبَرُ أمامَ كُلِّ شَيءٍ وخَلفَ كُلِّ شَيءٍ، اللهُ أكبَرُ مُبتَدِئُ كُلِّ شَيءٍ ووارِثُهُ، اللهُ أكبَرُ بَدءُ كُلِّ شَيءٍ ومُعيدُهُ،

---

١ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٥١١ ح ٤١٩٩٣ نقلاً عن الخرائطي.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، مُهج الدعوات: ص ٢١٦ كلّها عن أبي حمزة الثمالي، الإقبال: ج ٢ ص ١٢٤ عن سلمة بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣.

٣ . الإقبال: ج ٢ ص ١٤٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٩.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٥٤٧ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٩١ ح ٥٢.

می‌خاست، می‌گفت: بزرگا خدایی که شایسته است بزرگ دانسته شود و شایسته است که یاد شود و شایسته است که سپاس گزاری شود! کسی که سودش، سود است و زیانش، زیان.

۱۶۶۳ . **امام باقر**ﷺ: خدا بزرگ‌تر است، هر زمان که چیزی خدا را به بزرگ‌تری یاد کند، و آن سان که خدا، خود، دوست دارد که به بزرگ‌تری یاد شود.

۱۶۶۴ . **امام صادق**ﷺ: خدا بزرگ‌تر است، به گسترهٔ کلماتش. خدا بزرگ‌تر است، به گنجایی عرشش. خدا بزرگ‌تر است، به شمارِ آنچه کتاب او شماره کرده است.

۱۶۶۵ . **الکافی** ـ به نقل از محمّد بن خالد برقی، از یکی از یارانش که سند حدیث را به اهل بیت ﷺ رسانده است ـ: بعد از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگویی، می‌گویی: «ستایش، خدای را به پُریِ ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزنِ عرش. پاکا خدا به پُری‌ترازو تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش! خدا، بزرگ‌تر است به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش...».

۱۶۶۶ . **بحارالأنوار** ـ بخشی از «دعای اخلاص» ـ: خدا، بزرگ‌تر است، خدا، بزرگ‌تر است. معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدایی که اهل جبروت و عزّت است! بزرگا خدایی که صاحب باران پُرخیر و برکت و صاحب رحمت است! بزرگا خدایی که پروردگار دنیا و آخرت است! بزرگا خدایی که پادشاهی‌اش باعظمت است! بزرگا خدایی که پُرجبروت است! بزرگا خدایی که قدرتش شکست‌ناپذیر است و به آنچه خواهد، صاحب لطف است! بزرگا خدایی که گردانندهٔ امور است! بزرگا خدایی که استخوان‌های پوسیده را زنده می‌گرداند! بزرگا خدایی که آشکار کنندهٔ پوشیده‌هاست! بزرگا خدایی که هویدا کنندهٔ نهان‌هاست!

بزرگا خدایی که آغاز و فرجامِ هر چیزی است! بزرگا خدایی که ابداع کنندهٔ هر چیز و مُنتهای آن است! بزرگا خدایی که دریابندهٔ هر چیز است و حرکت هر چیز به سوی اوست! بزرگا خدایی که آفرینندهٔ هر چیز و سرپرست آن است! بزرگا خدایی که پیش هر چیز و پس از هر چیز است! بزرگا خدایی که پدیدآورندهٔ هر چیز و وارث آن است! بزرگا خدایی که آغازکنندهٔ هر چیز و اعاده کنندهٔ آن است! بزرگا خدایی که روزی دهندهٔ هر چیز و کمک کنندهٔ آن است!

اللهُ أكبَرُ رازِقُ كُلِّ شَيءٍ ومُغيثُهُ، اللهُ أكبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيءٍ ومُحصيهِ، اللهُ أكبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيءٍ ومُنجيهِ، اللهُ أكبَرُ لَم يَكُ قَبلَهُ شَيءٌ، اللهُ أكبَرُ كُلُّ شَيءٍ بِيَدِهِ، اللهُ أكبَرُ كُلُّ شَيءٍ هالِكٌ إلّا وَجهَهُ، اللهُ أكبَرُ لا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ، اللهُ أكبَرُ لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَداً، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِي المُلكِ ولَم يَكُن لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيراً.

اللهُ أكبَرُ لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُواً أحَدٌ، اللهُ أكبَرُ مُكَبَّراً مُعَظَّماً مُقَدَّساً كَبيراً، اللهُ أكبَرُ ولا شَريكَ لَهُ في تَكبيري إيّاهُ، بَل أقولُ مُخلِصاً: وَجَّهتُ وَجهِيَ لِلَّذي فَطَرَ السَّماواتِ وَالأَرضَ حَنيفاً مُسلِماً وما أنَا مِنَ المُشرِكينَ، اللهُ أكبَرُ لا نِدَّ لَهُ ولا ضِدَّ، ولا شَبيهَ لَهُ ولا شَريكَ، ذُو الجَلالِ وَالإكرامِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[1]

راجع: ص ٣٢ (مواضع التكبير /الأعياد).

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤١٩ ح ٤٣ نقلاً عن أصل قديم من مؤلّفات قدماء الأصحاب.

بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و شمارندهٔ آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و نجات دهندهٔ آن است! بزرگا خدایی که پیش از او چیزی نبوده است! بزرگا خدایی که همه چیز، در دست [قدرت و اختیار] اوست! بزرگا خدایی که هر چیز، نابود می‌شود، جز روی او! بزرگا خدایی که غیر او، آنچه می‌خواهد انجام دهد، نمی‌تواند! بزرگا خدایی که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهانداری، شریکی ندارد و خوار و ضعیف نبوده که حمایتگری داشته باشد! او را بزرگ و بزرگ بشمار.

بزرگا خدایی که نه زاده است و نه زادهٔ کسی است و هیچ کس همتای او نیست! بزرگا خدایی که بسی بزرگ و باعظمت و مقدّس و کبیر است! بزرگا خدا! و در این بزرگداشتم، کسی شریک او نیست؛ بلکه از سر اخلاص می‌گویم: روی خود را به سوی کسی کردم که آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است، در حالی که یکتاپرست و مسلمانم و از مشرکان نیستم. بزرگا خدایی که او را همتا و رقیبی و مانند و شریکی نیست! پروردگار باشکوه و پُر ارج است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا مرتبه و باعظمت.

ر.ک: ص ۴۳ (جایگاه‌های گفتن الله اکبر / اعیاد).


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش هفتم

حوقله و استثناء. (گفتنِ «لاحول ولاقوة الا بالله» و «ان شاءالله»)

شامل:

درآمد

فصل یکم : تفسیر «لاحول ولاقوة الا بالله».

فصل دوم : ویژگی های «لاحول ولاقوة الا بالله».

فصل سوم : برکت های «لاحول ولاقوة الا بالله».

فصل چهارم : خطر پرانت جستن از نیرو و توان خدا

فصل پنجم : مهمترین اوقات گفتن «لاحولَ ولاقوة إلا بالله».

فصل ششم : «لاحول ولاقوة الا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام

فصل هفتم : تشویق به گفتن «ان شاءالله» اگر خدا بخواهد

فصل هشتم : فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و تأخیر گفتن آن

فصل نهم : گوناگون


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «حَوقَله»

واژهٔ «حَوقَلَة»، به معنای گفتن یا نوشتنِ «لا حولَ و لا قُوَّةَ إلّا بِالله» است و گاه به معنای خود این ذکر شریف (با ساخت اسم مصدری) به کار می‌رود که در اصطلاح علوم عربی، به این ساختار و نظایر آن (مانند: «بَسمَله» و «حَمدَله»)، مصدر جعلی یا منحوت می‌گویند.

گفتنی است که بیشتر لغت‌شناسان، مصدر جعلی «لا حَولَ و لا قوَّةَ إلّا بالله» را تنها «حوقله» می‌دانند؛ ولی شماری از آنها «حولقه» را نیز مصدر جعلی این ذکر دانسته‌اند.[1]

حوقله، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، ذکر «حوقله» نیامده و آنچه آمده، ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾[2] است؛ لیکن در احادیث اسلامی، غالباً کلمهٔ «لا حول» به جملهٔ «لا قوّة إلّا بالله»

---

۱. ر.ک: ترتیب اصلاح المنطق: ص ۷۸، الصحاح: ج ۴ ص ۱۴۶۴ و ج ۵ ص ۱۸۵۴، النهایة: ج ۱ ص ۴۴۶، لسان العرب: ج ۱ ص ۶۷.

۲. کهف: آیهٔ ۳۹.

افزوده شده است که در حقیقت تأکیدی است بر «لا قوّة»ای که در قرآن آمده است.

در ارتباط با احادیثی که در این بخش می‌آیند، چند نکته قابل توجّه است:

۱. معانی «حوقله»

در احادیث، ذکر «لا حَولَ ولا قُوّةَ إلّا بِالله»، به سه گونه تفسیر شده است:

تفسیر اوّل، این که: مبدأ توان و قدرت انسان، خداست و او بدون کمک خداوند، نه می‌تواند از معصیت پروردگار، خودداری کند و نه می‌تواند اوامر او را اطاعت نماید. متن حدیث نبوی در این باره چنین است:

لا حَولَ[1] عَن مَعصِيَةِ اللهِ إلّا بِقُوَّةِ اللهِ، ولا قُوَّةَ عَلىٰ طاعَةِ اللهِ إلّا بِعَونِ اللهِ.[2]

هیچ بازدارنده‌ای از معصیت خدا نیست مگر به نیروی خدا، و هیچ توانی بر طاعت خدا نیست مگر به کمک خدا.

تفسیر دوم، سلب مالکیت عرضی از انسان در همهٔ امور اعم از افعال و املاک است؛ بدین معنا که مالکیت انسان، در طول مالکیت خداوند متعال است، نه در عرض او، و در مالکیت طولی نیز خدا به مالکیت، اولی است تا انسان؛ زیرا مالکیت انسان، حدوثاً و بقاءً، وابسته به مشیّت الهی است. از امام علی‌ؑ در تبیین معنای «حوقله» روایت شده است که:

إنّا لا نَملِكُ مَعَ اللهِ شَيئاً، ولا نَملِكُ إلّا ما مَلَّكَنا، فَمَتىٰ مَلَّكَنا ما هُوَ أملَكُ بِهِ مِنّا

---

۱. فرق بین حول و قوّه، طبق قولی، در این است که حول، توان تصرّف (تغییر) است، در حالی که قوّه، منشأ افعال دشوار است و از مولا یمان امیر مؤمنان در تفسیر «لا حولَ و لا قوّة إلّا بالله» روایت شده است که یعنی: «هیچ مانعی از معاصی و هیچ توانی بر عبادت نیست، مگر به خدا» یعنی: به یاری خدا و توفیق او (معجم الفروق اللغویة: ص ۲۰۴).

۲. ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۶۶۷.

كَلَّفَنا، ومَتىٰ أخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَكليفَهُ عَنّا.[۱]

ما در کنار خدا مالک چیزی نیستیم، و تنها مالک آن چیزی هستیم که او به مالکیت ما درآورده است. پس تا آن گاه که او چیزی را که به مالکیت آن اولی از ماست در اختیار ما نهاده است، ما را مکلّف نموده و آن گاه که آن را از ما بگیرد، تکلیف خود را نیز از عهدهٔ ما بر می‌دارد.

تفسیر سوم، تفسیر به لازم است، بدین معنا که وقتی انسان باور کند که توان و مالکیت او در طول قدرت و مالکیت خداست و بدون ارادهٔ تکوینی خداوند متعال، هیچ کاری از هیچ کس ساخته نیست و او تواناترین و بهترین کارگزار است، همهٔ کارهای خود را به او واگذار می‌نماید. پیامبر خدا می‌فرماید:

إذا قالَ العَبدُ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَقَد فَوَّضَ أمرَهُ إلَى اللهِ، وحَقٌّ عَلَى اللهِ أن يَكفِيَهُ.[۲]

هر گاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست مگر به مدد خداوند»، در واقع، کار خود را به خدا واگذاشته است و بر خداست که برایش کارسازی کند.

بنا بر این، تنها کسی می‌تواند این ذکر نورانی را حقیقتاً بر زبان، جاری نماید که همهٔ توان خود را در مسیری که خدا می‌خواهد، به کار گیرد و البتّه تکیه‌گاه اصلی او برای رسیدن به مقصد، خدا باشد؛ چرا که او کارساز حقیقی و مسبّب الأسباب است.

به سخن دیگر، کسی حقیقتاً شایستگی گفتن «لا حول و لا قوّة إلّا بالله» را دارد که به مرتبهٔ توحید أفعالی رسیده باشد؛ زیرا تا به این پایه از توحید نرسد،

---

۱. ر.ک: ص ۹۲ ح ۱۶۷۳.

۲. ر.ک: ص ۹۲ ح ۱۶۷۴.

نمی‌تواند به طور مطلق، توان را از خود، سلب و به خداوند متعال منسوب نماید.

۲. استثنا به مشیّت الهی[۱]

کسی که به مرتبهٔ توحید اَفعالی رسید، انجام شدن هر کاری را منوط به خواست الهی می‌داند. از این رو، ادب عبودیّت، اقتضا می‌کند که موحّد، وقتی می‌خواهد بگوید: «فلان کار را انجام می‌دهم»، آن را منوط به مشیّت الهی نماید، چنان که قرآن کریم در اشاره به این ادب می‌فرماید:

﴿وَلَاتَقُولَنَّ لِشَاْیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ۞ إِلَّا أَن یَشَاءَ اللَّهُ.[۲]

و زنهارا در مورد چیزی مگو که: «من آن را انجام خواهم داد»، مگر آن که خدا بخواهد﴾.

همچنین پیامبر خدا ضمیمه کردن ذکر «استثنا» (یعنی گفتنِ إن شاء الله) به هر گونه سخن را نشانهٔ کمال ایمان ـ که همان توحید افعالی است ـ می‌شمارد:

إنَّ مِن إتمامِ إیمانِ العَبدِ أن یَستَثنِیَ فی کُلِّ حَدیثٍ.[۳]

از کمال ایمان بنده است که در هر سخنی، «إن شاء الله» بگوید.

در احادیث اهل بیت، ضمیمه کردن استثنا به نوشته‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است.[۴]

---

۱. استثنا گفتن یا مشروط کردن إجرای هر قصدی به مشیّت خدا، در عرف شرع و منشرّعه، عبارت است از: گفتن جملهٔ «إن شاء الله». این اصطلاح، از آیه‌های ۲۳ و ۲۴ سورهٔ کهف اخذ شده است.

۲. کهف: آیهٔ ۲۳ و ۲۴.

۳. ر.ک: ص ۱۶۴ ح ۱۷۸۶.

۴. ر.ک: ص ۱۷۱ (نوشتن «اگر خدا بخواهد» در نوشتار).

۳. نقش ذکر «حوقله» در زندگی

ذکر مبارک «لا حول و لا قوّة إلّا بالله»، برکات فراوانی برای زندگی مادّی و معنوی انسان دارد. مهم‌ترینْ برکات این ذکر ـ که در احادیث فصل سوم بدانها تصریح شده ـ عبارت‌اند از: دوام یافتن نعمت‌های الهی، زوال فقر، پاک شدن از گناهان، دفع وسوسه، فرو خُفتن خشم، پیشگیری از اندوه، دفع چشم‌زخم و انواع بلاها.

بدیهی است که گفتن این ذکر، هر چه با حقیقت آن (توحید اَفعالی) بیشتر همراه باشد، برکات بیشتری برای زندگی خواهد داشت. به دلیل اهمّیت این ذکر و نقش مؤثّر و سازندهٔ آن، احادیث اسلامی، از آن با تعبیرهای بلندی (مانند: گنج سخن، گنج بهشت، گنج عرش، تسبیح حاملان عرش و کلام اهل آسمان‌ها) یاد نموده، مسلمانان را به بهره‌برداری از برکات آن، تشویق کرده‌اند. همچنین بر گفتن این ذکر به هنگام شنیدن حَیَّعَلات («حَیَّ عَلی»ها) در اذان و نیز بعد از نماز صبح و هنگام خروج از منزل و هنگام وارد شدن به مسجد و بازار، تأکید نموده‌اند.

۴. خطر برائت از حول و قوّهٔ الهی

نقطهٔ مقابل «حوقله» ـ که نشان دهندهٔ توحید افعالی است و برکات فراوانی برای زندگی مادّی و معنوی انسان دارد ـ، ابراز برائت از حول و قوّهٔ الهی است که فوق‌العاده خطرناک است. از این رو، در واقعه‌ای، کسی که امام صادق﵇ را متّهم کرده بود، هنگامی که به دروغ گفت: «از نیرو و توان خدا برائت می‌جویم و به نیرو و توان خودم تکیه می‌کنم که در آنچه می‌گویم، راست و درستم» هنوز سخنش تمام نشده، هلاک شد.[1]

---

۱. ر.ک: ص ۱۴۱ ح ۱۷۶۴.

الفصل الأول

تفسير الحوقلة

١/١

لا حول عن المعصية ولا قوة على الطاعة إلا بالله

١٦٦٧ . رسول الله ﷺ ـ لِمَعاذٍ ـ : يا مَعاذُ، أتَدري ما تَفسيرُ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ؟ لا حَولَ عَن مَعصِيَةِ اللهِ إلّا بِقُوَّةِ اللهِ، ولا قُوَّةَ عَلىٰ طاعَةِ اللهِ إلّا بِعَونِ اللهِ.[١]

١٦٦٨ . مجمع الزوائد عن عبد الله بن مسعود: كُنتُ عِندَ النَّبِيِّ ﷺ فَقُلتُ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : تَدري ما تَفسيرُها؟ قُلتُ: اللهُ ورَسولُهُ أعلَمُ!

قالَ : لا حَولَ عَن مَعصِيَةِ اللهِ إلّا بِعِصمَةِ اللهِ، ولا قُوَّةَ عَلىٰ طاعَةِ اللهِ إلّا بِعَونِ اللهِ.[٢]

١٦٦٩ . الإمام علي عليه السلام ـ حينَ سُئِلَ عَن تَأويلِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ ـ : لا حَولَ لَنا عَن

---

١ . الفردوس : ج ٥ ص ٣٧٥ ح ٨٤٧٨ عن ابن مسعود، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٤ وج ٢ ص ٢٥١ ح ٣٩٤٦.

٢ . مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ١٢١ ح ١٦٩٠٧ نقلاً عن البزّار، كنزالعمّال : ج ٢ ص ٢٥١ ح ٣٩٤٧ نقلاً عن ابن النجّار نحوه.

فصل یکم

تفسیر «لاحول ولاقوة الا بالله»

۱/۱

خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت جز با یاری خود خدا نیست

۱۶۶۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به مُعاذ ـ : ای مُعاذ! آیا می‌دانی تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» چیست؟ [این است که:] خودداری از معصیت خدا، جز با یاری خدا نیست و توانایی بر طاعت خدا نیز، جز با یاری خدا نیست.

۱۶۶۸ . **مجمع الزوائد** ـ به نقل از عبد الله بن مسعود ـ : در محضر پیامبرﷺ بودم و جملهٔ «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» را بر زبان آوردم. پیامبر خدا فرمود: «می‌دانی تفسیر آن چیست؟»

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «یعنی تنها با نگهداشتِ خداست که از معصیت خدا، می‌توان خودداری کرد و فقط با یاری خداست که بر طاعت خدا، تواناییم.

۱۶۶۹ . **امام علی**ؑ ـ در پاسخ به سؤال از تأویل «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» ـ : یعنی از نافرمانی خدا، خودداری نمی‌توانیم کرد، مگر با نگهداشتِ

مَعاصِي اللهِ إلّا بِعِصمَةِ اللهِ، ولا قُوَّةَ لَنا عَلىٰ طاعَةِ اللهِ إلّا بِعَونِ اللهِ.[١]

١٦٧٠ . تاريخ دمشق عن الحارث: جاءَ رَجُلٌ إلىٰ عَليِّ بنِ أبي طالِبٍ عليه السلام فَقالَ: يا أميرَ المُؤمِنينَ، أخبِرني عَنِ القَدَرِ، قالَ :... أيُّهَا السّائِلُ، أَلَستَ تَسأَلُ رَبَّكَ العافِيَةَ؟ قالَ : نَعَم، قالَ: فَمِن أيِّ شَيءٍ تَسأَلُهُ العافِيَةَ؟ أمِنَ البَلاءِ الَّذِي ابتَلاكَ بِهِ غَيرُهُ؟ قالَ : مِنَ البَلاءِ الَّذِي ابتَلاني بِهِ.

قالَ : أيُّهَا السّائِلُ، تَقولُ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِمَن؟ قالَ : إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.

قالَ : فَتَعلَمُ ما تَفسيرُها؟ قالَ : تُعَلِّمُني مِمّا عَلَّمَكَ اللهُ يا أميرَ المُؤمِنينَ.

قالَ : إنَّ تَفسيرَها : لا يَقدِرُ[٢] عَلىٰ طاعَةِ اللهِ، ولا تَكونُ لَهُ قُوَّةٌ في مَعصِيَةٍ فِي الأَمرَينِ جَميعاً إلّا بِاللهِ.[٣]

١٦٧١ . التوحيد عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام قال: سَأَلتُهُ عَن مَعنىٰ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَقالَ : مَعناهُ لا حَولَ لَنا عَن مَعصِيَةِ اللهِ إلّا بِعَونِ اللهِ، ولا قُوَّةَ لَنا عَلىٰ طاعَةِ اللهِ إلّا بِتَوفيقِ اللهِ عزّ وجلّ.[٤]

١٦٧٢ . المحاسن عن الحسين بن علوان الكلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلتُهُ عَن تَفسيرِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، قالَ : لا يَحولُ بَينَنا وبَينَ المعاصي إلّا اللهُ، ولا يُقَوّينا عَلىٰ أداءِ الطّاعَةِ وَالفَرائِضِ إلّا اللهُ.[٥]

---

١ . الاحتجاج: ج ٢ ص ٤٩٤ ح ٣٢٨ عن الإمام العسكري عليه السلام في رسالته إلى أهل الأهواز حين سألوه عن الجبر والتفويض، تحف العقول: ص ٤٦٨، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٤ ح ٣٠.

٢ . في المصدر: «ولا تقدر»، والتصويب من كنز العمّال. وفي دستور معالم الحكم: «إنّ العبد لا يقدر...».

٣ . تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥١٢، دستور معالم الحكم: ص ٨٨، كنز العمّال: ج ١ ص ٣٤٦ ح ١٥٦١.

٤ . التوحيد: ص ٢٤٢ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٢١ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١١.

٥ . المحاسن: ج ١ ص ١١٣ ح ١١٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٤.

خدا، و بر فرمان‌بُرداری از خدا، توانا نخواهیم بود، مگر با یاری خدا.

۱۶۷۰. **تاریخ دمشق** ـ به نقل از حارث ـ: مردی نزد علی بن ابی طالب﵇ آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! مرا از قَدَر، آگاه فرما.

فرمود: «... ای پرسنده! آیا نه این است که تو از پروردگارت عافیت می‌طلبی؟».

گفت: چرا.

فرمود: «عافیت از چه چیز، از او می‌طلبی؟ آیا از بلایی که غیر او، تو را به آن گرفتار کرده است؟».

مرد گفت: از بلایی که او خود، مرا بدان گرفتار کرده است.

فرمود: «ای پرسنده! می‌گویی: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری چه کسی؟».

گفت: مگر به یاری خداوند بلندمرتبه و باعظمت.

فرمود: «می‌دانی تفسیر آن چیست؟».

گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه خدایت به تو آموخته است، به من می‌آموزی؟

فرمود: «تفسیرش این است که: [بنده،] جز با یاری خدا، نه بر طاعت خداوند قادر است و نه بر [ترکِ] معصیتی تواناست».

۱۶۷۱. **التوحید** ـ به نقل از جابر جُعْفی ـ: از امام باقر﵇ دربارهٔ معنای «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» پرسیدم. فرمود: «معنایش این است که ما از معصیت خدا، باز نتوانیم ایستاد، مگر به یاری خود خداوند، و بر انجام دادن طاعت خدا، توانایی نداریم، جز با توفیق‌دهی خود خداوندﷻ».

۱۶۷۲. **المحاسن** ـ به نقل از حسین بن علوان کلبی ـ: از امام صادق﵇ دربارهٔ تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پرسیدم. فرمود: «یعنی میان ما و معاصی حایل نمی‌گردد، مگر خداوند، و ما را بر انجام دادن طاعت و وظایف، نیرومند نمی‌گرداند، مگر خداوند».

٢ / ١
لانملك مع الله الا ما ملكنا

١٦٧٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ وقد سُئِلَ عَن مَعنىٰ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ ـ : إنّا لا نَملِكُ مَعَ اللهِ شَيئاً ، ولا نَملِكُ إلّا ما مَلَّكَنا ، فَمَتىٰ مَلَّكَنا ما هُوَ أملَكُ بِهِ مِنّا كَلَّفَنا ، ومَتىٰ أخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَكليفَهُ عَنّا .[1]

٣ / ١
تفويض الأمر إلى الله

١٦٧٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا قالَ العَبدُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَقَد فَوَّضَ أمرَهُ إلَى اللهِ ، وحَقَّ عَلَى اللهِ أن يَكفِيَهُ .[2]

١٦٧٥ . الإمام زين العابدين عليه السلام : مَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَوَّضَ الأَمرَ إلَى اللهِ عزّ وجلّ .[3]

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

---

١ . نهج البلاغة : الحكمة ٤٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٢٠٩ ح ٤٩ .

٢ . المحاسن : ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٨ عن محمّد بن عمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٢ .

٣ . الخصال : ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٩ وص ١٩٣ ح ٥ .

۲/۱
تنها مالک چیزی هستی که خداوند ما را مالک آن کرده است

۱۶۷۳ . امام علیﷺ ـ در پاسخ به سؤال از معنای «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به کمک خدا» ـ: یعنی ما در کنار خداوند، مالک چیزی نیستیم[1] و تنها مالک آن چیزی هستیم که او، به مالکیت ما درآورده است. پس هرگاه او ما را مالک چیزی گردانید که خود به مالکیت آن، اُولی از ماست. دربارهٔ آن به ما تکلیف می‌دهد، و هرگاه آن را از ما بگیرد، تکلیف آن را نیز از دوش ما برمی‌دارد.

۳/۱
واگذاشتن کار به خدا

۱۶۷۴ . پیامبر خداﷺ: هرگاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در واقع، کار خود را به خدا واگذاشته است و بر خداست که برایش کارسازی کند.

۱۶۷۵ . امام زین العابدینﷺ: هر کس بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، کار را به خداوندﷻ سپرده است.

---

۱ . یعنی مالکیت ما نسبت به اشیا، در عرضِ مالکیت خداوند نیست؛ بلکه در طول آن و حاصل تملیک او به ماست.

الفَصْلُ الثَّاني

خَصائِصُ الحَوقَلَةِ

١ / ٢

كَنزُ الحَديثِ

١٦٧٦ . رسول الله ﷺ: مَن أرادَ كَنزَ الحديثِ فَعَلَيهِ بِـ«لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ».[١]

١٦٧٧ . عنه ﷺ: أحَبُّ الكَلامِ إلَى اللهِ: سُبحانَ اللهِ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ وبِحَمدِهِ.[٢]

٢ / ٢

كَلامُ أهلِ السَّماواتِ

١٦٧٨ . رسول الله ﷺ: كَلامُ أهلِ السَّماواتِ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٣]

---

١ . معاني الأخبار: ص ١٣٩ ح ١ عن فضالة بن عبيد، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١٢؛ التاريخ الكبير: ج ٣ ص ٢٨٣ ح ٩٧٠، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٣٠١ ح ٧٧٣ كلاهما عن فضالة بن عبيد، مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ١٢٢ ح ١٦٩٠٨، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٢ كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير وفيهما «الجنّة» بدل «الحديث».

٢ . الأدب المفرد: ص ١٩١ ح ٦٣٨ عن أبي ذرّ، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٦٥ ح ٢٠٢٢.

٣ . تاريخ بغداد: ج ٨ ص ٣٣٣ عن أنس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٤.

فصل دوم

ویژگی های «لاحول ولاقوة الا بالله»

۱ / ۲

گنج سخن

۱۶۷۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس گنج سخن[۱] را می خواهد، بر او باد [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»!

۱۶۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: محبوب‌ترین سخن در نزد خداوند، این است: «پاکا خدایی که بی‌انباز است! پادشاهی و ستایش، از آنِ اوست. او بر هر چیزی تواناست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا و با ستایش او».

۲ / ۲

سخن اهل آسمانها

۱۶۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: سخن اهل آسمان‌ها این است: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

---

۱ . شاید هم مراد، همان حدیث، به معنای مصطلح آن، باشد.

١٦٧٩ . عنه ﷺ: ما نَزَلَ مِنَ السَّماءِ مَلَكٌ ولا صَعِدَ إلَى السَّماءِ مَلَكٌ حَتّىٰ يَقولَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[١]

٣ / ٢
بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّةِ

١٦٨٠ . سنن الترمذي عن قيس بن سعد بن عبادة: مَرَّ بِيَ النَّبِيُّ ﷺ ... وقالَ : ألا أدُلُّكَ عَلىٰ بابٍ مِن أبوابِ الجَنَّةِ؟ قُلتُ : بَلىٰ، قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

٤ / ٢
غَرسٌ مِن غِراسِ الجَنَّةِ

١٦٨١ . رسول الله ﷺ: إنَّ اللهَ ﷻ لَمّا خَلَقَ الجَنَّةَ جَعَلَ غَرسَها : سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلَّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٣]

١٦٨٢ . عنه ﷺ: لَمّا أُسرِيَ بي مَرَرتُ بِإبراهيمَ ﷺ، فَقالَ لِجَبرَئيلَ ﷺ : مَن هٰذا؟ قالَ : مُحَمَّدٌ ﷺ، فَرَحَّبَ بي وسَلَّمَ عَلَيَّ، وقالَ : مُر أُمَّتَكَ يُكثِروا مِن غِراسِ الجَنَّةِ، فَإنَّ تُربَتَها طَيِّبَةٌ، وأرضَها واسِعَةٌ ـ قالَ : ـ قُلتُ : وما غِراسُ الجَنَّةِ؟ قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٤]

---

١ . الفردوس : ج ٤ ص ٧٧ ح ٦٢٣٧ عن أبي هريرة، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٩٨٣.

٢ . سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٧١ ح ٣٥٨١، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٢٢١٦٠ عن معاذ بن جبل، المستدرك على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٢٣ ح ٧٧٨٧، المعجم الكبير : ج ١٨ ص ٣٥١ ح ٨٩٣ و ٨٩٤، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٥٧ ح ١٩٧٣.

٣ . كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٦٩ ح ٢٠٤١ نقلاً عن الشيرازي في الألقاب عن أنس.

٤ . شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٤٤ ح ٦٥٨ عن أبي أيّوب الأنصاري، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٥٧ ح ١٩٧٤؛ الدعوات : ص ٤٦ ح ١١٣، روضة الواعظين : ص ٦٩ كلاهما نحوه، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢١.

۱۶۷۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ فرشته‌ای از آسمان، فرود نیامد و هیچ فرشته‌ای به آسمان بالا نرفت، مگر آن که گفت: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

۳/۲
دری از درهای بهشت

۱۶۸۰ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از قیس بن سعد بن عباده ـ: پیامبر ﷺ به من برخورد ... فرمود: «آیا تو را به دری از درهای بهشت، راهنمایی نکنم؟

گفتم: چرا.

فرمود: [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا!!».

۳/۲
نهالی از نهال‌های بهشت

۱۶۸۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند ﷻ چون بهشت را آفرید، نهال‌های آن را: «پاکا خدا!!»، و «ستایش، خدای را!!» و «معبودی جز خدا نیست»، و «خدا، بزرگ‌تر است»، و «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» قرار داد.

۱۶۸۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: شبی که به آسمان برده شدم، بر ابراهیم ﷺ گذشتم. به جبرئیل ﷺ گفت: این کیست؟ گفت: محمّد.

ابراهیم ﷺ به من خوشامد گفت و سلام کرد و گفت: به امّتت بفرما که بر نهال‌های بهشت، بیفزایند؛ زیرا که خاک بهشت، پاک [و حاصلخیز] است و زمینش، پهناور.

من گفتم: نهال‌های بهشت، چیست؟

گفت: «[ذکر] هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

٥ / ٢
كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ

١٦٨٣ . رسول الله ﷺ: أربَعَةٌ مِن كَنزِ الجَنَّةِ : إخفاءُ الصَّدَقَةِ، وكِتمانُ المُصيبَةِ، وصِلَةُ الرَّحِمِ، وقَولُ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[١]

١٦٨٤ . عنه ﷺ: أكثِر مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَإنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[٢]

١٦٨٥ . عنه ﷺ: أكثِروا مِن ذِكرِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَإنَّها مِن كَنزِ الجَنَّةِ، ومَن أكثَرَ مِنهُ نَظَرَ اللهُ إلَيهِ، ومَن نَظَرَ اللهُ إلَيهِ فَقَد أصابَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ.[٣]

١٦٨٦ . الإمام عليّ ﷺ: قالَ لي رَسولُ اللهِ ﷺ : يا عَلِيُّ، ألا أدُلُّكَ عَلىٰ كَنزٍ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ؟ قُلتُ : بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ. قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٤]

١٦٨٧ . مستطرفات السرائر عن سلمان الفارسيّ: أوصاني خَليلي رَسولُ اللهِ ﷺ بِسَبعٍ لا أدَعُهُنَّ عَلىٰ كُلِّ حالٍ... أوصاني أن أُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» فَإنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[٥]

---

١ . تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٨٦ عن الحارث بن عليّ، كنزالعمّال: ج ١٥ ص ٨٥٩ ح ٤٣٤٢٠.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٨٠ ح ٣٦٠١، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٣١ ح ٨٤١٤ كلاهما عن أبي هريرة، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٥٧ ح ٣٨٢٦ عن حازم بن حرملة، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١٣٣ ح ٣٩٠٠ عن أبي أيّوب وليس فيهما «كنز»، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ١٥٥ ح ٢٠١٨٦ عن أبي ذرّ وليس فيه «من كنوز»، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٧ و ١٩٥٨.

٣ . تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ١٢٥ ح ٤٢٠٦، معجم السفر: ص ١٨٤ ح ٥٨٧ نحوه وكلاهما عن أبي بكر، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦٢؛ بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلاً عن البلد الأمين.

٤ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٠ ح ٣٠.

٥ . مستطرفات السرائر: ص ١٦٤ ح ٩، المحاسن: ج ١ ص ٧٥ ح ٣٤، بشارة المصطفى: ص ٢٢٢، مشكاة الأنوار: ص ١٥٤ ح ٣٧٨، روضة الواعظين: ص ٤٠٧ وفيهما «أن أقول» بدل «أن أكثر»، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣٩٩ ح ٩٠.

۵/۲
گنجی از گنج‌های بهشت

۱۶۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: چهار چیز از گنج‌های بهشت است: پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن مصیبت، صِلهٔ رحِم، و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

۱۶۸۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن، گنجی از گنج‌های بهشت است.

۱۶۸۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید؛ زیرا آن، یکی از گنج‌های بهشت است. هر کس این ذکر را بسیار بگوید، خداوند به او نظر می‌کند، و هر کس که خدا به او نظر کند، به خیر دنیا و آخرت رسیده است.

۱۶۸۶ . **امام علی**ﷺ: پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا تو را به گنجی از گنج‌های بهشت، راه نمایی نکنم؟».

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا.

فرمود: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

۱۶۸۷ . **مستطرفات السرائر** ـ به نقل از سلمان فارسی ـ: عزیزم پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش کرد که در هیچ حال، آنها را ترک نمی‌گویم... به من سفارش فرمود که ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویم؛ زیرا گنجی از گنج‌های بهشت است.

١٦٨٨ . **الخصال عن أبي ذرّ:** أوصاني رَسولُ اللهِ ﷺ بِسَبعٍ :... أوصاني أن أستَكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» فَإنَّها مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[١]

١٦٨٩ . **مسند ابن حنبل عن أبي هريرة:** كُنتُ أمشي مَعَ رَسولِ اللهِ ﷺ في نَخلٍ لِبَعضِ أهلِ المَدينَةِ... فَقالَ : يا أبا هُرَيرَةَ، ألا أدُلُّكَ عَلىٰ كَنزٍ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ؟ فَقُلتُ : بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ، قالَ : قُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، ولا مَلجَأَ مِنَ اللهِ إلّا إلَيهِ.[٢]

١٦٩٠ . **المستدرك على الصحيحين عن أبي هريرة:** إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ قالَ : ألا أُعَلِّمُكَ ـ أو قالَ : ألا أدُلُّكَ ـ عَلىٰ كَلِمَةٍ مِن تَحتِ العَرشِ مِن كَنزِ الجَنَّةِ؟ تَقولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، فَيَقولُ اللهُ ﷻ : أسلَمَ عَبدي وَاستَسلَمَ.[٣]

١٦٩١ . **عدّة الداعي:** قالَ النَّبِيُّ ﷺ : ألا أُعَلِّمُكُم خَمسَ كَلِماتٍ، خَفيفاتٍ عَلَى اللِّسانِ ثَقيلاتٍ فِي الميزانِ، يُرضينَ الرَّحمٰنَ ويَطرُدنَ الشَّيطانَ، وهُنَّ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ مِن تَحتِ العَرشِ، وهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ؟ قالوا: بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ.

فَقالَ : قولوا : سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.

وقالَ ﷺ : خَمسٌ بَخٍ بَخٍ لَهُنَّ، ما أثقَلَهُنَّ فِي الميزانِ.[٤]

١٦٩٢ . **المحاسن عن الحسن البصري عن الإمام الباقر ﷺ:** ألا أُخبِرُكُم بِخَمسِ خِصالٍ هِيَ مِنَ

---

١ . الخصال : ص ٣٤٥ ح ١٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٩.

٢ . مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٨٠ ح ٨٠٩١ ، المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠١ ، كنز العمّال : ج ٣ ص ٧٣٠ ح ٨٥٩٦.

٣ . المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٧١ ح ٥٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٣٤ ح ٨٤٣٤ نحوه ، كنز العمّال : ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٩٥١ ؛ مستدرك الوسائل : ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٦١٢٧ نقلاً عن ابن أبي الجمهور في درر اللآلي نحوه.

٤ . عدّة الداعي : ص ٢٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢٢.

۱۶۸۸ . **الخصال** ـ به نقل از ابو ذر ـ: پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش فرمود: ... به من سفارش فرمود که ذکر: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای بلند مرتبه و بزرگ» را فراوان بگویم؛ زیرا که آن، از گنج‌های بهشت است.

۱۶۸۹ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: در نخلستان یکی از اهالی مدینه با پیامبر خدا راه می‌رفتم .... به من فرمود: «ای ابو هُرَیره! آیا تو را به گنجی از گنج‌های بهشت راهنمایی نکنم؟».

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا.

فرمود: «بگو: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا، و از خدا جز به خود او، پناه نمی‌توان بُرد"».

۱۶۹۰ . **المستدرک علی الصحیحین** ـ به نقل از ابوهُرَیره ـ: پیامبر خدا فرمود: «آیا به تو نیاموزم» یا فرمود: «آیا تو را راه‌نمایی نکنم» به کلمه‌ای از زیر عرش که از گنج‌های بهشت است؟ می‌گویی: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا". پس [چون این را بگویی] خداوند ﷻ می‌فرماید: "بنده‌ام تسلیم شد و سر [در قدرت من] سپرد"».

۱۶۹۱ . **عدّة الداعی**: پیامبر ﷺ فرمود: «آیا پنج جمله به شما نیاموزم که بر زبان، سبُک هستند و در ترازو[ی اعمال] سنگین‌اند، خدای مهربان را خشنود می‌سازند و شیطان را می‌رانند و از گنج‌های بهشت، در زیر عرش هستند و ماندگارهای نیک‌اند؟».

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگویید: "پاکا خدا! ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ"».

و فرمود: «به به از این پنج سخن! چه سنگین‌اند در ترازو[ی اعمال]!».

۱۶۹۲ . **المحاسن** ـ به نقل از حسن بصری ـ: امام باقر ﷺ فرمود: «آیا شما را از پنج چیز، آگاه نگردانم که از نیکی (یا: طاعت) اند و نیکی و طاعت هم به بهشت می‌رساند؟».

البِرِّ، وَالبِرُّ يَدعو إلَى الجَنَّةِ؟ قُلتُ: بَلىٰ! قالَ:... وَالإكثارُ مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ» فَإنَّهُ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[١]

٦ / ٢
كَنزٌ مِن كُنوزِ العَرشِ

١٦٩٣ . رسول الله ﷺ: لَمّا فَرَغتُ مِمّا أمَرَنِيَ اللهُ بِهِ مِن أمرِ السَّماواتِ وَالأَرضِ، قُلتُ: يا رَبِّ، إنَّهُ لَم يَكُن نَبِيٌّ قَبلي إلّا وقَد كَرَّمتَهُ؛ جَعَلتَ إبراهيمَ خَليلاً، وموسىٰ كَليماً، وسَخَّرتَ لِداوُدَ الجِبالَ، ولِسُلَيمانَ الرّيحَ وَالشَّياطينَ، وأحيَيتَ لِعيسَى المَوتىٰ، فَما جَعَلتَ لي؟

قالَ: أوَلَيسَ قَد أعطَيتُكَ أفضَلَ مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ؟ أنّي لا أُذكَرُ إلّا ذُكِرتَ مَعِيَ، وجَعَلتُ صُدورَ أُمَّتِكَ أناجيلَ[٢] يَقرَؤونَ القُرآنَ ظاهِراً، ولَم أُعطِها أُمَّةً، وأعطَيتُكَ كَنزاً مِن كُنوزِ عَرشي: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[٣]

١٦٩٤ . الدرّ المنثور عن أبي هريرة: سُئِلَ عُثمانُ بنُ عَفّانٍ عَن مَقاليدِ السَّماواتِ وَالأَرضِ، فَقالَ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» مِن كُنوزِ العَرشِ.[٤]

١٦٩٥ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِيِّ ﷺ ـ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: يا رَبِّ، أعطَيتَ أنبِياءَكَ فَضائِلَ فَأَعطِني.

---

١. المحاسن: ج ١ ص ٧٢ ح ٢٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٧.

٢. إنجيل إفعيل من النجل ... وعين نجلاء أي واسعة وجمع الإنجيل: أناجيل (معاني القرآن للنحّاس: ج ١ ص ٣٤٣). فالمراد أنّ قلوبهم واسعة مشروحة تسع القرآن فيحفظونه.

٣. تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٤٥٢، البداية والنهاية: ج ٦ ص ٢٨٣ كلاهما نقلاً عن أبي نعيم في دلائل النبوّة عن أنس.

٤. الدرّ المنثور: ج ٧ ص ٢٤٤ نقلاً عن الحارث بن أبي أُسامة وابن مردويه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٤٥٨٩.

گفتم: بفرما.

فرمود: «... و بسیار گفتنِ جملهٔ "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ"؛ زیرا که این جمله از گنج‌های بهشت است».

۶ / ۲

گنجی از گنج‌های عرش

۱۶۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: چون از مأموریتی که خداوند در بارهٔ آسمان‌ها و زمین به من داده بود، فراغت یافتم، گفتم: خداوندا! هیچ پیامبری پیش از من نبود، مگر آن که او را کرامتی بخشیدی: ابراهیمؑ را دوست خود قرار دادی و موسیؑ را همسخن خود، برای داوودؑ کوه‌ها را مسخّر ساختی و برای سلیمانؑ باد و دیوان را، و برای عیسیؑ مُردگان را زنده ساختی. برای من، چه قرار دادی؟

خداوند فرمود: «آیا نه این است که بهتر از همهٔ اینها را به تو داده‌ام؟ از من یاد نمی‌شود، مگر آن که در کنار من، از تو نیز یاد شود، سینه‌های امّت را اناجیل[1] قرار داده‌ام که قرآن را از بَر می‌خوانند، در حالی که چنین چیزی را به هیچ امّتی نداده‌ام، و گنجی از گنج‌های عرشم را به تو داده‌ام [و آن عبارت است از]: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ"».

۱۶۹۴ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: از عثمان بن عفّان، دربارهٔ کلیدهای آسمان‌ها و زمین، سؤال شد. گفت: پیامبر خدا فرمود: «"پاکا خدا! ستایش خدای را! معبودی جز خدا نیست؛ خدا، بزرگ‌تر است؛ و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ" از گنج‌های عرش‌اند».

۱۶۹۵ . **امام صادق**ؑ ـ در بیان حدیث معراج پیامبرﷺ ـ: پیامبر خدا گفت: خداوندا! به پیامبرانت، مزایایی دادی. پس به من نیز عطا فرما.

---

۱ . اناجیل جمع انجیل است و مقصود آن است که سینه‌های امت تو را وسیع و گشاده قرار دادیم تا قرآن را بتوانند حفظ کنند.

فَقالَ اللهُ : قَد أعطَيتُكَ فيما أعطَيتُكَ كَلِمَتَينِ مِن تَحتِ عَرشي : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» و«لا مَنجىٰ مِنكَ إلّا إلَيكَ».[١]

راجع: ص ١٢٠ (بركات الحوقلة / أمان من الهمّ).

٧ / ٢
تَسبيحُ حَمَلَةِ العَرشِ

١٦٩٦ . رسول الله ﷺ ـ وقَد تَلا هٰذِهِ الآيَةَ : ﴿اَلرَّحْمَـٰنُ عَلَى اَلْعَرْشِ اَسْتَوَىٰ﴾[٢] ـ : ما تَحمِلُهُ الأَملاكُ إلّا بِقَولِ : لا إلٰهَ إلّا اللهُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٣]

١٦٩٧ . الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ حَمَلَةَ العَرشِ لَمّا ذَهَبوا يَنهَضونَ بِالعَرشِ لَم يَستَقِلّوهُ[٤]، فَألهَمَهُمُ اللهُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَنَهَضوا بِهِ.[٥]

٨ / ٢
النَّوادِرُ

١٦٩٨ . الإمام الصادق عليه السلام : كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ في مَلَإٍ مِن أصحابِهِ فَقالَ : خُذوا جُنَّتَكُم.[٦]

فَقالوا : يا رَسولَ اللهِ حَضَرَ عَدُوٌّ؟

قالَ : لا، جُنَّتَكُم مِنَ النّارِ.

---

١. تفسير القمّي : ج ٢ ص ١١ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٦ ح ٧.

٢. طه : ٥.

٣. التوحيد : ص ٢٧٧ ح ١ عن الحسين بن زيد الهاشمي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ٢.

٤. استقلّه : حَمَلَه ورَفَعَه (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٤٠ «قلل»).

٥. المحاسن : ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٧، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢١.

٦. الجُنَّة : الدِّرع. وكلُّ ما وقاك جُنَّةٌ (لسان العرب : ج ١٣ ص ٩٤ «جنن»).

خداوند فرمود: «در میان آنچه به تو داده‌ام، دو کلمه از [کلمات] زیر عرشم را هم دادم: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا" و "و از تو نتوان رهید، مگر با گریختن به سوی خود تو"».

ر.ک: ص ۱۲۱ (برکت‌های «لا حول ولا قوّة إلاّ بالله» / ایمن ماندن از غم و اندوه).

۷/۲
تسبیح حاملان عرش

۱۶۹۶. **پیامبر خدا**ﷺ - پس از تلاوت این آیهٔ ﴿[خدای] رحمان که بر عرش قرار گرفته است﴾ -: فرشتگان، آن [عرش] را حمل نمی‌کنند، مگر با گفتهٔ: «معبودی جز خدا نیست، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاریِ خدا».

۱۶۹۷. **امام صادق**ؑ: حاملان عرش، چون رفتند که عرش را بردارند، نتوانستند آن را بلند کنند. پس خداوند به ایشان «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را الهام فرمود. پس آن را برداشتند.

۸/۲
گوناگون

۱۶۹۸. **امام صادق**ؑ: پیامبر خدا، در جمعی از یارانش فرمود: «سپرهایتان را برگیرید».

گفتند: مگر دشمنی آمده است، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «نه. سپرهایتان در برابر آتش را.

قالَ : قولوا : «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» فَإنَّهُنَّ يَومَ القِيامَةِ مُقَدِّماتٌ مُنجِياتٌ ومُعَقِّباتٌ، وهُنَّ عِندَ اللهِ الصّالِحاتُ الباقِياتُ.[١]

١٦٩٩ . عنه ﷺ: مَن بَخِلَ مِنكُم بِمالٍ أن يُنفِقَهُ، وبِالجِهادِ أن يَحضُرَهُ، وبِاللَّيلِ أن يُكابِدَهُ، فلا يَبخَل بِـ: سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

١٧٠٠ . تفسير فرات عن جعفر بن محمّد الفزاري معنعناً عن الحسين بن عبد الله بن جندب، قال:

أخرَجَ إلَينا صَحيفَةً، فَذَكَرَ أنَّ أباهُ كَتَبَ إلىٰ أبِي الحَسَنِ ﷺ : جُعِلتُ فِداكَ إنّي قَد كَبِرتُ وضَعُفتُ وعَجَزتُ عَن كَثيرٍ مِمّا كُنتُ أقوىٰ عَلَيهِ، فَأُحِبُّ ـ جُعِلتُ فِداكَ ـ أن تُعَلِّمَني كَلاماً يُقَرِّبُني مِن رَبّي، ويَزيدُني فَهماً وعِلماً.

فَكَتَبَ إلَيهِ : قَد بَعَثتُ إلَيكَ بِكِتابٍ فَاقرَأهُ وتَفَهَّمهُ، فَإنَّ فيهِ شِفاءً لِمَن أرادَ اللهُ شِفاهُ، وهُدىً لِمَن أرادَ اللهُ هُداهُ، فَأكثِر مِن ذِكرِ : بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[٣]

---

١ . الأمالي للطوسي : ص ٦٧٧ ح ١٤٣٥ عن بشير الدهّان، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢٠.

٢ . المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٣ عن داوود بن الحصين، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٦.

٣ . تفسير فرات : ص ٢٨٣ ح ٣٨٤، بحار الأنوار : ج ٢٣ ص ٣١٣ ح ٢٠.

بگویید: "پاکا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست خدا، بزرگ‌تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ"؛ زیرا که این جملات، در روز قیامت، از پیش و از پس [آدمی] می‌روند و او را نجات می‌دهند، و در نزد خداوند، ماندگارهای نیک‌اند».

۱۶۹۹. **امام صادق**ﷺ: هر یک از شما از انفاق کردن مالی، یا حاضر شدن در صحنه جهاد، و یا تحمّل شب زنده‌داری، دریغ ورزد، [لااقل] از گفتن این جملات، دریغ نورزد: "پاکا خدا و ستایش، خدای را! و معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا".

۱۷۰۰. **تفسیر فرات** ـ به نقل از جعفر بن محمّد فزاری، با ذکر نام یکایک راویان، از حسین بن عبد الله بن جندب ـ: گفت: حسین بن عبد الله بن جندب نوشته‌ای به ما نشان داد و گفت که پدرش به ابوالحسنﷺ نوشت: قربانت گردم! من، سالخورده و ناتوان گشته‌ام و دیگر نمی‌توانم بسیاری از اعمالی را که در گذشته توانایی انجام دادنشان را داشتم، به جا آوردم. از این رو ـ فدایت شوم ـ دوست دارم سخنی به من بیاموزی که مرا به پروردگارم نزدیک گردانَد و بر فهم و دانش من، بیفزاید.

امامﷺ به او نوشت: «نامه‌ای برایت می‌فرستم. آن را بخوان و نیک، آن را دریاب؛ زیرا که در آن، برای کسی که خداوند شفایش را بخواهد، شفاست، و برای کسی که خداوند، هدایتش را بخواهد، هدایت است. پس، این ذکر را بسیار بگو: "به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ"».

الفَصلُ الثّالِث

بَرَكاتُ الحَوقَلَةِ

١ / ٣
بَقاءُ النِّعَمِ

الكتاب

﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾.[١]

الحديث

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٧٠١ . **المعجم الكبير عن عقبة بن عامر:** قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : مَن أنعَمَ اللهُ عَلَيهِ بِنِعمَةٍ فَأرادَ بَقاءَها، فَليُكثِر مِن قَولِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.

ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللهِ ﷺ : ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾.[٢]

١٧٠٢ . **المعجم الصغير عن أنس عن رسول الله ﷺ:** ما أنعَمَ اللهُ عَلىٰ عَبدٍ نِعمَةً في مالٍ أو أهلٍ أو وَلَدٍ، فَقالَ: «ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَيَرىٰ فيها آفَةً دونَ المَوتِ. وقَرَأَ : ﴿لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾.[٣]

---

١ . الكهف : ٣٩.

٢ . المعجم الكبير : ج ١٧ ص ٣١١ ح ٨٥٩، الدرّ المنثور : ج ٥ ص ٣٩٢ نقلاً عن ابن مردويه، كنزالعمّال : ج ٣ ص ٢٦٥ ح ٦٤٧٦.

٣ . المعجم الصغير : ج ١ ص ٢١٢، شُعب الإيمان : ج ٤ ص ١٢٤ ح ٤٥٢٥ وليس فيه ذيله، كنزالعمّال : ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٦٤٠٨ نقلاً عن مسند أبي يعلى.

فصل سوم

برکت های «لاحول ولاقوة الا بالله»

۱/۳
پایندگی نعمت ها

قرآن

﴿و چرا آن گاه که به باغت درآمدی، نگفتی: «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست»، اگر مرا از نظر مال و فرزند، کمتر از خود می‌بینی؟﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

حدیث

۱۷۰۱. **المعجم الکبیر** ـ به نقل از عقبة بن عامر ـ: پیامبر خدا فرمود: «هر کس که خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است و می‌خواهد آن نعمت، پایدار بماند، بسیار بگوید: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"».

پیامبر خدا، سپس این آیه را برخواند: «﴿و چرا آن گاه که به باغت درآمدی، نگفتی: "هر چه خدا خواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست؟﴾»».

۱۷۰۲. **المعجم الصغیر** ـ به نقل از أنَس ـ: پیامبر خدا فرمود: «خداوند، به هر بنده‌ای، نعمتی، از مال یا زن و یا فرزند، ارزانی دارد و او بگوید: «هر چه خدا خواهد! نیرویی نیست، جز به قدرت خدا»، در آن نعمت، آسیبی نمی‌آید، بجز مرگ».[1]

آن گاه پیامبرﷺ این آیه را خواند: **﴿چرا آن گاه که به باغت درآمدی، نگفتی: هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدا؟﴾**.

---

۱. یا: تا زنده است، به آن نعمت، آسیبی و آفتی نمی‌رسد.

١٧٠٣ . **الإمام الصادق**ﷺ: عَجِبتُ لِمَن أرادَ الدُّنيا وزينَتَها كَيفَ لا يَفزَعُ إلىٰ قَولِهِ تَعالىٰ : ﴿مَا شَاءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾؟ فَإِنّي سَمِعتُ اللهَ ﷻ يَقولُ بِعَقِبِها : ﴿إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا * فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ﴾ الآيَةَ ، و«عَسىٰ» مُوجِبَةٌ .[1]

١٧٠٤ . **تفسير القمّي**: قَولُهُ : ﴿وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَٰهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا﴾[2]، قالَ : نَزَلَت في رَجُلٍ كانَ لَهُ بُستانانِ كَبيرانِ عَظيمانِ كَثيرَا الثِّمارِ ـ كَما حَكَى اللهُ ﷻ ـ وفيهِما نَخلٌ وزَرعٌ، وكانَ لَهُ جارٌ فَقيرٌ، فَافتَخَرَ الغَنِيُّ عَلىٰ ذٰلِكَ الفَقيرِ ، وقالَ لَهُ : ﴿أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا * وَدَخَلَ جَنَّتَهُ﴾ أي بُستانَهُ وقالَ : ﴿مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِ أَبَدًا * وَمَا أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا﴾ ، فَقالَ لَهُ الفَقيرُ : ﴿أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلًا * لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ .

ثُمَّ قالَ الفَقيرُ لِلغَنِيِّ : ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ ، ثُمَّ قالَ الفَقيرُ : ﴿فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ ٱلسَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا﴾ أي مُحتَرِقاً ﴿أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا﴾ ، فَوَقَعَ فيها ما قالَ الفَقيرُ في تِلكَ اللَّيلَةِ ، وأصبَحَ الغَنِيُّ ﴿يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا * وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا﴾[3]، فَهٰذِهِ عُقوبَةُ البَغيِ[4].[5]

---

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٩٣ ح ٥٨٣٥، الخصال : ص ٢١٨ ح ٤٣ كلاهما عن أبان بن عثمان وهشام بن سالم ومحمّد بن حمران ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ١ .

٢ . الكهف : ٣٢ .

٣ . الآيات من سورة الكهف : ٣٤ ـ ٤٣ .

٤ . في بحار الأنوار : «الغني» بدل «البغي» .

٥ . تفسير القمّي : ج ٢ ص ٣٥، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ٣ .

۱۷۰۳ . **امام صادق**ﷺ: درشگفتم از کسی که دنیا و زیور آن را می‌خواهد، چگونه به این سخن خداوند متعال پناه نمی‌برد: ﴿هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست﴾؟ چرا که می‌شنوم خداوندﷻ در دنبالهٔ آن می‌فرماید: ﴿اگر مرا از نظر مال و فرزند، کمتر از خود می‌بینی، باشد که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد﴾ تا آخر آیه، تعبیر «باشد»، دلالت بر قطعیّت دارد.

۱۷۰۴ . **تفسیر القمی**: این سخن خداوند متعال: ﴿و برای ایشان، آن دو مرد را نمونه بیاور که به یکی از آنها، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم﴾. فرمود: «دربارهٔ مردی فرود آمد که به فرمودهٔ خداوندﷻ، دارای دو باغ بزرگ پهناور و پُر میوه بود که در آنها، نخلستان و کشتزاری وجود داشت. آن مرد را همسایهٔ نیازمندی بود. صاحب آن باغ‌ها بر آن مرد نیازمند، فخر فروخت. گفت: ﴿مال من، از تو بیشتر است و از حیث افراد، از تو نیرومندترم. و داخل باغ خود شد﴾ و گفت: ﴿گمان نمی‌کنم که این نعمت، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی‌کنم که رستاخیز، بر پا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، قطعاً بهتر ازاین‌را در بازگشت، خواهم‌یافت﴾.

مرد نیازمند به او گفت: آیا به آن کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آن گاه، تو را به صورت مردی درآورد، کافر شدی؟ امّا من [می‌گویم:] اوست خدا، پروردگار من، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌گردانم﴾.

سپس، مرد نیازمند به آن مرد توانگر گفت: ﴿چرا آن گاه که به باغت درآمدی، نگفتی: "آنچه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست"، اگر مرا از حیث مال و فرزند، کمتر از خود می‌بینی؟﴾.

مرد نیازمند ادامه داد: ﴿امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من دهد و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان‌بفرستد تا به زمین‌هموار و لغزنده، تبدیل‌شود﴾، یعنی بسوزد، ﴿یا آب آن [در زمین] فروکش‌کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری﴾.

پس آنچه نیازمند، آن شب دربارهٔ باغ او گفته بود، به وقوع پیوست. صبحگاهان، مرد توانگر ﴿برای [از کف دادن] آنچه در آن باغ، هزینه کرده بود دست‌هایش را بر هم می‌زد، در حالی که داربست‌های آن، فرو ریخته بود، و می‌گفت: ای کاش، هیچ کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم! و او را در برابر خدا، گروهی نبود تا یاری‌اش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند؟﴾. این است کیفر سرکشی.

٢ / ٣
غُفرانُ الذُّنوبِ

١٧٠٥ . رسول الله ﷺ: أكثِروا مِن قَولِ : «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»؛ فَإنَّهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ، وهُنَّ يَحطُطنَ الخَطايا كَما تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَها، وهُنَّ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[١]

١٧٠٦ . عنه ﷺ: مَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ أُمُّهُ، ووُقِيَ سَبعينَ باباً مِنَ الفَقرِ.[٢]

١٧٠٧ . عنه ﷺ: مَن قالَ كُلَّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنوبَهُ، وقَضىٰ لَهُ مِئَةَ حاجَةٍ، وبَنىٰ لَهُ فِي الجَنَّةِ مِئَةَ قَصرٍ.[٣]

١٧٠٨ . عنه ﷺ: ما عَلَى الأَرضِ أحَدٌ يَقولُ : «لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» إلّا كُفِّرَت عَنهُ خَطاياهُ، ولَو كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ[٤].[٥]

١٧٠٩ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يَنصَرِفُ مِن صَلاتِهِ : «سُبحانَ اللهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ، قامَ مَغفوراً لَهُ.[٦]

---

١ . كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٣١ نقلاً عن الرامهرمزي في الأمثال عن أبي الدرداء.
٢ . مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٣ ح ٦١٢٣ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
٣ . مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٥ ح ٦١٣٢ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
٤ . الزَّبَد من البحر وغيره: كالرغوة (المصباح المنير: ص ٢٥٠ «زبد»).
٥ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٩ ح ٣٤٦٠، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٥١ ح ٦٤٨٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨٢ ح ١٨٥٣ كلاهما بزيادة «وسبحان الله والحمد لله» بعد «والله أكبر» وكلّها عن عبد الله بن عمرو، كنزالعمّال: ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦٣؛ بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٥ ح ٢ نقلاً عن خطّ الشهيد.
٦ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٥٠ ح ١٢٩ عن أنس، كنزالعمّال: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٣٤٨٣.

۲/۳
آمرزش گناهان

۱۷۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: گفتار: «پاکا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است؛ و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویید؛ زیرا اینها ماندگارهای نیک‌اند و گناهان را همچون برگ‌های درخت، فرو می‌ریزند و از گنج‌های بهشت‌اند.

۱۷۰۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خدای والا و بزرگ»، همانند روزی که از مادر، متولّد شده است از گناهانش پاک گردد و از هفتاد نوع فقر محفوظ مانَد.

۱۷۰۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس روزی صدمرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند، گناهانش را بیامرزد و صد حاجت از او برآوَرَد و صد قصر در بهشت، برایش بنا کند.

۱۷۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ کس در روی زمین نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، جز آن که گناهانش بخشوده می‌شود، اگر چه به اندازهٔ کف دریا باشد.

۱۷۰۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس پس از پایان نمازش سه مرتبه بگوید: «پاکا خدای بزرگ و ستایش، او را! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، در حالی که آمرزیده شده است، از جای خود برمی‌خیزد.

١٧١٠ . سنن الترمذي عن أبي سعيد وأبي هريرة عن رسول اللهﷺ: مَن قالَ : «لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ» صَدَّقَهُ رَبُّهُ... وإذا قالَ : «لا إلٰهَ إلّا اللهُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» قالَ ﷻ : لا إلٰهَ إلّا أنَا، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بي.

وكانَ يَقولُ : مَن قالَها في مَرَضِهِ ثُمَّ ماتَ، لَم تَطعَمهُ النّارُ.[١]

٣ / ٣
قَضاءُ الحَوائِجِ

١٧١١ . الإمام الصادقؑ: إذا قالَ العَبدُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» قالَ اللهُ ﷻ لِلمَلائِكَةِ : اِستَسلَمَ عَبدي، اِقضوا حاجَتَهُ.[٢]

١٧١٢ . عنهؑ: إذا دَعَا الرَّجُلُ فَقالَ بَعدَما دَعا: «ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» قالَ اللهُ ﷻ : اِستَبسَلَ[٣] عَبدي وَاستَسلَمَ لِأَمري، اِقضوا حاجَتَهُ.[٤]

١٧١٣ . عنهؑ: ما مِن رَجُلٍ دَعا فَخَتَمَ بِقَولِ : «ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» إلّا أُجيبَت حاجَتُهُ.[٥]

١٧١٤ . رسول اللهﷺ: مَن دَعا بِهٰؤُلاءِ الكَلِماتِ الخَمسِ لَم يَسأَلِ اللهَ شَيئاً إلّا أعطاهُ :

لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَاللهُ أكبَرُ، لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ،

---

١ . سنن الترمذي : ج ٥ ص ٤٩٢ ح ٣٤٣٠، كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٣٢ ح ٣٨٩٥.

٢ . المحاسن : ج ١ ص ١١٣ ح ١٠٩ عن هشام بن سالم وح ١١١ عن يحيى بن أبي بكر عن بعض أصحابه نحوه، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٣.

٣ . في القاموس : استبسل : طرح نفسه في الحرب يريد أن يَقتل أو يُقتَل . وهو كناية عن غاية التسليم والانقياد وإظهار العجز في كلّ ما أراد بدون تقدير ربّ العباد (مرآة العقول : ج ١٢ ص ٢١٤).

٤ . الكافي : ج ٢ ص ٥٢١ ح ١ عن هشام بن سالم.

٥ . ثواب الأعمال : ص ٢٤ ح ١، الأمالي للصدوق : ص ٢٦٦ ح ٢٨٧ نحوه وكلاهما عن عمران الزعفراني، روضة الواعظين : ص ٣٥٧، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣٠٨ ح ٦.

۱۷۱۰ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابو سعید و ابو هُرَیره ـ پیامبر خداﷺ فرمود: «هر کس بگوید: "معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ‌تر است"، پروردگارش او را تصدیق می‌کند... و هر گاه بگوید: "معبودی جز خدا نیست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"، خداوندﷻ می‌فرماید: "[آری!] معبودی جز من نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری من"».

و می‌فرمود: «هر کس در بیماری خود، این جملات را بگوید و سپس بمیرد، خوراک آتش نمی‌شود».

۳/۳
برآوردن حوایج

۱۷۱۱ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوندﷻ به فرشتگان می‌فرماید: «بنده‌ام سرِ تسلیم فرود آورد. حاجتش را بر آورید».

۱۷۱۲ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه بنده دعا کند و پس از دعایش بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوندﷻ می‌فرماید: «بنده‌ام از خود، گذشت و تسلیم امر من شد. حاجتش را بر آورید».

۱۷۱۳ . **امام صادق**ﷺ: هیچ مردی نیست که دعا کند و در پایان بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، جز آن که حاجتش برآورده می‌شود.

۱۷۱۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس با این پنج جمله دعا کند، آنچه از خدا خواهد، به او عطا می‌کند: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ‌تر است. معبودی جز خدا نیست؛ یگانه است و بی‌انباز. او راست پادشاهی و او راست ستایش. او بر هر

وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، لا إلٰهَ إلّا اللهُ ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[١]

راجع: ص١١٢ ح١٧٠٧.

٣ / ٤
دَفعُ الوَسوَسَةِ

١٧١٥ . رسول اللهﷺ: إنَّ آدَمَ شَكا إلَى اللهِ ﷻ ما يَلقىٰ مِن حَديثِ النَّفسِ وَالحُزنِ، فَنَزَلَ عَلَيهِ جَبرَئيلُ عليه السلام فَقالَ لَهُ: يا آدَمُ قُل: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، فَقالَها فَذَهَبَ عَنهُ الوَسوَسَةُ وَالحُزنُ.[٢]

١٧١٦ . عنه ﷺ: ألا فَاذكُروا يا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّداً وآلَهُ عِندَ نَوائِبِكُم وشَدائِدِكُم، لِيَنصُرَ اللهُ بِهِ مَلائِكَتَكُم عَلَى الشَّياطينِ الَّذينَ يَصُدُّونَكُم؛ فَإنَّ كُلَّ واحِدٍ مِنكُم مَعَهُ مَلَكٌ عَن يَمينِهِ يَكتُبُ حَسَناتِهِ، ومَلَكٌ عَن يَسارِهِ يَكتُبُ سَيِّئاتِهِ، ومَعَهُ شَيطانانِ من عِندِ إبليسَ يُغوِيانِهِ، فَإذا وَسوَسا في قَلبِهِ ذَكَرَ اللهَ وقالَ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ» خَنَسَ الشَّيطانانِ، ثُمَّ صارا إلىٰ إبليسَ فَشَكَواهُ وقالا لَهُ: قَد أعيانا أمرُهُ، فَأمِدِدنا بِالمَرَدَةِ! فَلا يَزالُ يُمِدُّهُما، حَتّىٰ يُمِدَّهُما بِألفِ مارِدٍ فَيَأتونَهُ، فَكُلَّما راموهُ[٣] ذَكَرَ اللهَ وصَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ، لَم يَجِدوا عَلَيهِ طَريقاً ولا مَنفَذاً.[٤]

---

١ . المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٣٦١ ح ٨٤٩، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢٧٩ ح ٨٦٣٤ كلاهما عن معاوية بن أبي سفيان، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٣٨٦٦.

٢ . الأمالي للصدوق: ص ٦٣٧ ح ٨٥٥، مُهج الدعوات: ص ٣٦٣ كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام والأخير نحوه ومن دون إسناد إليه ﷺ، روضة الواعظين: ص ٣٦٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦٧ ح ٢٢ وراجع قصص الأنبياء: ص ٤٩ ح ١٨.

٣ . رامَ الشيءَ: طَلَبَه (لسان العرب: ج ١٢ ص ٢٥٨ «روم»).

٤ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٣٩٦ ح ٢٧٠، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٧١ ح ١٥٨.

چیزی تواناست. معبودی جز خدا نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

ر.ک: ص ۱۱۳ ح ۱۷۰۷.

۴ / ۳
ازبین بردن وسوسه و خیالات

۱۷۱۵ . **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: آدم علیه السلام به خداوند عزّ و جلّ از دچار شدن به خیالات و اندوه، شِکوه کرد. پس جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و به او گفت: ای آدم، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

آدم علیه السلام این را گفت و وسوسه و اندوهش برطرف شد.

۱۷۱۶ . **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: هان! ای امّت محمّد، در هنگام رنج‌ها و سختی‌هایتان، محمّد و خاندان او را یاد کنید تا خداوند، به واسطهٔ او، فرشتگانتان را بر شیاطینی که شما را باز می‌دارند، یاری بخشد؛ زیرا هر یک از شما، فرشته‌ای در سمت راستش دارد که کارهای نیک او را می‌نویسد، و فرشته‌ای در سمت چپش که کارهای بدش را می‌نویسد. نیز با او دو شیطان از جانب ابلیس، همراه است که در گم راه کردنش می‌کوشند. پس هرگاه آن دو، در دلش وسوسه کردند و او بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر محمّد و خاندان پاکش باد!»، آن دو شیطان، دور می‌شوند و نزد ابلیس می‌روند و به او شکایت می‌کنند و به او گویند: ما از پسِ او بر نمی‌آییم. [شیطان‌های] عصیانگر را به یاری ما بفرست! و ابلیس، پیوسته، نیروی کمکی می‌فرستد تا شمارشان به هزار شیطان برسد و همگی نزد آن کس بیایند. وهر بار که آهنگ او کنند، او خدای را یاد می‌کند و بر محمّد و خاندان پاکش، درود می‌فرستد. پس هیچ راه و روزنه‌ای به سوی او نمی‌یابند.

١٧١٧ . عنه ﷺ: إنَّ الشَّيطانَ اثنانِ: شَيطانُ الجِنِّ؛ ويُبعَدُ بِـ«لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ»، وشَيطانُ الإنسِ؛ ويُبعَدُ بِالصَّلاةِ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ.[١]

١٧١٨ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ آدَمَ عليه السلام شَكا إلىٰ رَبِّهِ حَديثَ النَّفسِ، فَقالَ: أكثِر مِن قَولِ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

١٧١٩ . الكافي عن حمّاد بن عثمان: كُنتُ عِندَ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فَكَلَّمَهُ شَيخٌ مِن أهلِ العِراقِ، فَقالَ لَهُ: مالي أرىٰ كَلامَكَ مُتَغَيِّراً؟ فَقالَ لَهُ: سَقَطَت مَقاديمُ فَمي فَنَقَصَ كَلامي.

فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: وأنَا أيضاً قَد سَقَطَ بَعضُ أسناني، حَتّىٰ أنَّهُ لَيُوَسوِسُ إلَيَّ الشَّيطانُ فَيَقولُ لي: إذا ذَهَبَتِ البَقِيَّةُ فَبِأيِّ شَيءٍ تَأكُلُ؟ فَأقولُ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٣]

١٧٢٠ . الكافي عن عليّ بن مهزيار: كَتَبَ رَجُلٌ إلىٰ أبي جَعفَرٍ عليه السلام يَشكو إلَيهِ لَمَماً يَخطِرُ عَلىٰ بالِهِ، فَأجابَهُ في بَعضِ كَلامِهِ:

إنَّ اللهَ عزّ وجلّ إن شاءَ ثَبَّتَكَ فَلا يَجعَلُ لِإبلِيسَ عَلَيكَ طَريقاً، قَد شَكا قَومٌ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله لَمَماً يَعرِضُ لَهُم؛ لِأن تَهوِيَ بِهِمُ الرّيحُ أو يُقَطِّعوا أحَبُّ إلَيهِم مِن أن يَتَكَلَّموا بِهِ، فَقالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أتَجِدونَ ذٰلِكَ؟ قالوا: نَعَم. فَقالَ: وَالَّذي نَفسي بِيَدِهِ إنَّ ذٰلِكَ لَصَريحُ الإيمانِ[٤]، فَإذا وَجَدتُموهُ فَقولوا: آمَنّا بِاللهِ ورَسولِهِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٥]

---

١. بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٦ ح ٤ نقلاً عن خطّ الشهيد.

٢. المحاسن: ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٦ عن أبان بن تغلب، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٩ ح ٢٠.

٣. الكافي: ج ٦ ص ٣٣٥ ح ٥، المحاسن: ج ٢ ص ٢٩٨ ح ١٩٨٦، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٨٨ ح ٣.

٤. أي: استعظامهم الكلام به هو صريح الإيمان. فإنّ استعظام هذا وشدّة الخوف منه، ومن النطق به فضلاً عن الاعتقاد به إنّما يكون لمن استكمل الإيمان استكمالاً محقّقاً، وانتفت عنه الريبة والشكوك.

٥. الكافي: ج ٢ ص ٤٢٥ ح ٤.

۱۷۱۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: شیطان، دو گونه است: یکی شیطان جنّی که با گفتنِ «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، دور گردانیده می‌شود، و دیگری، شیطان انسی، که با درود فرستادن بر پیامبرﷺ و خاندان او دور می‌گردد.

۱۷۱۸ . **امام صادق**ؑ: آدمؑ از وسوسه [و خیالات] به پروردگارش شِکوه کرد. خدا فرمود: جملهٔ: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا" را فراوان بگو».

۱۷۱۹ . **الکافی** ـ به نقل از حمّاد بن عثمان ـ: در محضر امام صادقؑ بودم. پیرمردی از مردم عراق، شروع به سخن گفتن با ایشان کرد. امامؑ فرمود: «چرا سخن گفتنت تغییر کرده است؟».

گفت: دندان‌های جلو دهانم افتاده است. از این رو، نمی‌توانم خوب صحبت کنم.

امام صادقؑ به او فرمود: «من نیز بعضی از دندان‌هایم افتاده است، به طوری که شیطان، مرا وسوسه می‌کند و می‌گوید: بقیهٔ دندان‌هایت که از بین رفت، چگونه غذا خواهی خورد؟ و من می‌گویم: "هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"».

۱۷۲۰ . **الکافی** ـ به نقل از علی بن مهزیار ـ: مردی به امام جوادؑ نامه‌ای نوشت و از وسوسه‌هایی که بر خاطرش می‌گذشت، شِکوه کرد. امامؑ در ضمن پاسخی که به او نوشت، چنین مرقوم فرمود: «خداوندﷻ ـ ان شاء الله ـ استوارت بدارد و برای شیطان، بر تو راهی قرار ندهد. عدّه‌ای به پیامبرﷺ شکایت بردند که وسوسه‌هایی در دلِ آنها می‌گذرد که اگر توفان، آنان را در هم پیچد یا پاره پاره شوند، نزدشان خوش‌تر است تا این وسوسه‌ها را بر زبان آورند.

پیامبر خدا فرمود: "به راستی چنین احساسی دارید [که نابود شوید و این خطورات و وسوسه‌ها را به زبان نیاورید]؟"

گفتند: آری.

فرمود: "سوگند به آن که جانم در دست اوست، این، عینِ ایمان است. پس هرگاه این وسوسه‌ها را در خود یافتید، بگویید: به خدا و پیامبر او ایمان آوردیم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"».

٥ / ٣
تَسكينُ الغَضَبِ

١٧٢١ . **مستدرك الوسائل:** في حَديثٍ أنَّ إبليسَ قالَ لِموسىٰ عليه السلام : وإيّاكَ وَالغَضَبَ، وإذا غَضِبتَ فَقُل : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يَسكُنُ غَضَبُكَ.[١]

٦ / ٣
أمانٌ مِنَ الهَمِّ

١٧٢٢ . **رسول الله** صلى الله عليه وآله: مَن حَزَنَهُ أمرٌ فَليَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

١٧٢٣ . **الإمام الصادق** عليه السلام ـ لِسُفيانَ الثَّورِيِّ ـ: يا سُفيانُ، إذا حَزَنَكَ أمرٌ مِن سُلطانٍ أو غَيرِهِ، فَأكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَإنَّها مِفتاحُ الفَرَجِ، وكَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[٣]

١٧٢٤ . **رسول الله** صلى الله عليه وآله ـ مِن وَصِيَّةٍ لَهُ أوصىٰ بِها عَلِيّاً عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ : أمانٌ لِأُمَّتي مِنَ الهَمِّ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، لا مَلجَأَ ولا مَنجىٰ مِنَ اللهِ إلّا إلَيهِ.[٤]

---

١ . مستدرك الوسائل : ج ١٢ ص ١٥ ح ١٣٣٨٣ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٢ . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٤٦ ح ١٧١ عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداوود بن سليمان الفرّاء، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص ٢٥٨ ح ١٩٢ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، كفاية الأثر : ص ٢٩٥ عن زيد بن عليّ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ١٠؛ تاريخ بغداد : ج ٣ ص ١٨٠ عن ابن أبي حازم، شعب الإيمان : ج ١ ص ٤٤١ ح ٦٥١ وج ٤ ص ١٠٨ ح ٤٤٤٦ كلاهما عن عبد العزيز بن أبي حازم وعبد العزيز بن محمّد الداوردي وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمّال : ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٦٤٤٢.

٣ . كشف الغمّة : ج ٢ ص ٣٦٨ عن مالك بن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٠١ ح ٢٩؛ الدرّ المنثور : ج ٥ ص ٨ نقلاً عن أبي نعيم في الحلية.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٧١ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٣٤ ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٨ ح ٣.

۵/۳
فرونشاندن خشم

۱۷۲۱ . مستدرک الوسائل: در حدیثی آمده است که ابلیس به موسی علیه السلام گفت: از خشم، دوری کن و هرگاه خشمگین شدی، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، خشمت آرام می‌گیرد.

۶/۳
ایمن ماندن از اندوه و نگرانی

۱۷۲۲ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، چیزی او را اندوهگین سازد، بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۱۷۲۳ . امام صادق علیه السلام ـ به سفیان ثوری ـ : ای سفیان! هرگاه ناراحتی‌ای از جانب حکومت یا جز آن به سراغت آمد، بسیار بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؛ چرا که این جمله، کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.

۱۷۲۴ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ـ از سفارش‌های ایشان به علی علیه السلام ـ : ای علی! جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. از خدا، جز به خود او پناه نمی‌توان برد و جز به او نجات نمی‌توان یافت»، مایهٔ ایمنی امّت من از غم و اندوه است.

١٧٢٥ . عنه ﷺ: أكثِروا مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَإنَّها تَدفَعُ تِسعَةً وتِسعينَ باباً مِنَ الضُّرِّ ؛ أدناهَا الهَمُّ.[١]

١٧٢٦ . عنه ﷺ: قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ، وهِيَ شِفاءٌ مِن تِسعَةٍ وتِسعينَ داءً أدناهُ الهَمُّ.[٢]

١٧٢٧ . تيسير المطالب عن أبي ذرّ: أوصاني رَسولُ اللهِ ﷺ أن أُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» فَإنَّها كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ، ويَدفَعُ اللهُ بِها تِسعاً وتِسعينَ باباً مِن أبوابِ البَلاءِ، أدناها وأيسَرُهَا الهَمُّ وَالحُزنُ.[٣]

١٧٢٨ . الإمام الصادق ﷺ: مَن قالَ في كُلِّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» دَفَعَ اللهُ بِها عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِنَ البَلاءِ ؛ أيسَرُهَا الهَمُّ.[٤]

١٧٢٩ . عنه ﷺ: إذا تَوالَت عَلَيكَ الهُمومُ فَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٥]

١٧٣٠ . عنه ﷺ ـ في أحوالِ آدَمَ ﷺ ـ : كانَ إذا لَم يَأتِهِ جَبرَئيلُ اغتَمَّ وحَزَنَ، فَشَكا ذٰلِكَ إلىٰ جَبرَئيلَ، فَقالَ : إذا وَجَدتَ شَيئاً مِنَ الحُزنِ فَقُل : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٦]

١٧٣١ . الدعوات عن ابن عبّاس: جاءَ عَونُ بنُ مالِكٍ الأَشجَعِيُّ إلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقالَ : يا رَسولَ اللهِ، إنَّ ابني قَد أسَرَهُ العَدُوُّ، وقَدِ اشتَدَّ غَمّي وعيلَ صَبري، فَما تَأمُرُني؟

---

١ . المعجم الأوسط : ج ٤ ص ٣٣ ح ٣٥٤١، المعجم الصغير : ج ١ ص ١٥٧ وزاد في آخره «والفقر» ـ وكلاهما عن جابر بن عبد الله ، كنزالعمّال : ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦١.

٢ . الجعفريات : ص ١٨٨، النوادر للراوندي : ص ٩٤ ح ٣٨ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ ، قرب الإسناد : ص ٧٦ ح ٢٤٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٧ ح ٨.

٣ . تيسير المطالب : ص ٣١٨ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر ﷺ .

٤ . ثواب الأعمال : ص ١٩٥ ح ١ عن عمر بن يزيد ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٦.

٥ . الدعوات : ص ٨٣ ح ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢.

٦ . قصص الأنبياء : ص ٤٩ ح ١٨ عن أبان بن عيسى ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٤.

۱۷۲۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» را بسیار بگویید؛ زیرا این جمله، نود و نه نوع گزند را دور می‌کند که کمترین آنها، اندوه و نگرانی است.

۱۷۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، گنجی از گنج‌های بهشت، و شفا دهندهٔ نود و نُه بیماری است که کمترین آنها، اندوه [و نگرانی] است.

۱۷۲۷ . **تیسیر المطالب** ـ به نقل از ابو ذر ـ: پیامبر خدا به من توصیه فرمود که جملهٔ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» را فراوان بگویم؛ زیرا که آن، گنجی از گنج‌های بهشت است و به سبب آن، خداوند، نود و نه نوع از انواع رنج و گرفتاری را دفع می‌کند که کمترین و آسان‌ترین آنها، نگرانی و اندوه است.

۱۷۲۸ . **امام صادق**ﷺ: هر کس در هر روز، صد مرتبه بگوید: «هیچ نیرو توانی نیست، جز به یاری خدا»، خداوند، به واسطهٔ آن، هفتاد نوع بلا را از او دور می‌گردانَد که آسان‌ترین آنها اندوه [و نگرانی] است.

۱۷۲۹ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه اندوه‌ها [و نگرانی‌ها] پیاپی به تو رسید، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۱۷۳۰ . **امام صادق**ﷺ ـ در احوال آدمﷺ ـ: هرگاه جبرئیلﷺ نزدش نمی‌آمد، غمگین و اندوهناک می‌شد. از این حالت، به جبرئیلﷺ شِکوه کرد. جبرئیلﷺ گفت: هرگاه دچار اندوهی شدی بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۱۷۳۱ . **الدعوات** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: عون بن مالک اشجعی نزد پیامبرﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! پسرم را دشمن، اسیر کرده است و از این بابت، بسیار ناراحتم و شکیبایی‌ام به سرآمده است. چه به من دستور می‌دهی؟

قالَ : آمُرُكَ أن تُكثِرَ مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ في كُلِّ حالٍ».

فَانصَرَفَ وهُوَ يَقولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عَلىٰ كُلِّ حالٍ»، فَبَينا هُوَ كَذٰلِكَ إذ أتاهُ ابنُهُ، مَعَهُ مِئَةٌ مِنَ الإبِلِ غَفَلَ عَنهَا المُشرِكونَ فَاستاقَها.

فَأَتَى الأَشجَعِيُّ رَسولَ اللهِ ﷺ، فَذَكَرَ لَهُ ذٰلِكَ، فَنَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ : ﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾[١].[٢]

١٧٣٢ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام**: إذا حَزَنَكَ أمرٌ فَقُل سَبعَ مَرّاتٍ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ، فَإن كُفيتَ وإلّا أتمَمتَ سَبعينَ مَرَّةً.[٣]

٧/٣
نَفيُ الفَقرِ

١٧٣٣ . **رسول الله ﷺ**: مَن ظَهَرَت عَلَيهِ النِّعمَةُ فَليُكثِر ذِكرَ : «الحَمدُ للهِ»، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَعَلَيهِ بِالاِستِغفارِ، ومَن أَلَحَّ عَلَيهِ الفَقرُ فَليُكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ»؛ يَنفِي اللهُ عَنهُ الفَقرَ.[٤]

١٧٣٤ . **عنه ﷺ**: قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» يَذهَبُ بِالفَقرِ.[٥]

---

١ . الطلاق : ٢ و ٣.

٢ . الدعوات : ص ٢٩٦ ح ٦٣، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢.

٣ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٩٣ ح ١١٢، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٩٠ ح ١٩.

٤ . الكافي : ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريات : ص ٢٣١ ، النوادر للراوندي : ص ١٢٤ ح ١٤٠ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه وكلّها عنه ﷺ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠؛ تاريخ بغداد : ج ٢ ص ٥٢ عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج ١٥ ص ٨٤٧ ح ٤٣٣٦٨.

٥ . مستدرك الوسائل : ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٦١٢٥ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

فرمود: «به تو دستور می‌دهم که جملهٔ: "در هر حال، هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا" را بسیار بگویی».

عون رفت و با خود می‌گفت: «در همه حال، هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». در همین حال که این جمله را می‌گفت، به ناگاه، پسرش با یکصد شتر که دور از چشم مشرکان، آنها را با خود آورده بود، نزد او آمد.

اشجعی، نزد پیامبر خدا آمد و ماجرا را برای ایشان گفت. این آیه فرود آمد: **﴿و هر که از خدا پروا کند، خداوند، برایش راه خروجی قرار دهد و به او از جایی که گمان نمی‌کند، روزی دهد﴾**.

۱۷۳۲ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا**ﷺ: هرگاه دست خوش اندوهی شدی، هفت مرتبه بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». پس اگر رفع گرفتاری نشد، هفتاد مرتبه بگو.

۷ / ۳
ازبین بردن فقر

۱۷۳۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر که نعمت، او را فرا گیرد، باید این ذکر را بسیار بگوید که: «ستایش، خدا را». هر که اندوه‌ها [و نگرانی‌هایش] فزونی گیرد، باید به آمرزش‌خواهی روی آورد، و هر که فقر دامنگیرش شود و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» را بسیار بگوید، خداوند، فقر را از او برطرف می‌سازد.

۱۷۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: جملهٔ: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» فقر را می‌بَرد.

١٧٣٥ . الإمام الصادق عليه السلام: فَقَدَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله رَجُلاً مِنَ الأَنصارِ فَقالَ : ما غَيَّبَكَ عَنّا؟ فَقالَ : الفَقرُ يا رَسولَ اللهِ، وطولُ السُّقمِ. فَقالَ لَهُ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : ألا أُعَلِّمُكَ كَلاماً إذا قُلتَهُ ذَهَبَ عَنكَ الفَقرُ وَالسُّقمُ؟ فَقالَ : بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ.

فَقالَ : إذا أصبَحتَ وأمسَيتَ فَقُل: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، تَوَكَّلتُ عَلَى الحَيِّ الَّذي لا يَموتُ، وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذي لَم يَتَّخِذ وَلَداً، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِي المُلكِ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تكبيراً.

فَقالَ الرَّجُلُ : فَوَاللهِ ما قُلتُهُ إلّا ثَلاثَةَ أيّامٍ، حَتّىٰ ذَهَبَ عَنّي الفَقرُ وَالسُّقمُ.[١]

١٧٣٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن قالَ كُلَّ يَومٍ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، لَم يُصِبهُ فَقرٌ أبَداً.[٢]

١٧٣٧ . الإمام الصادق عليه السلام: مَن قالَ ألفَ مَرَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» رَزَقَهُ اللهُ الحَجَّ، فَإن كانَ قَدِ اقتَرَبَ أجَلُهُ أخَّرَ اللهُ في أجَلِهِ حَتّىٰ رَزَقَهُ الحَجَّ.[٣]

٨/٣
دَفعُ العَينِ

١٧٣٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن رَأىٰ شَيئاً يُعجِبُهُ فَقالَ : «اللهُ، اللهُ، ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» لَم يَضُرَّ شَيئاً.[٤]

---

١ . الكافي: ج ٨ ص ٩٣ ح ٦٥، المحاسن: ج ١ ص ١١٤ ح ١١٣ كلاهما عن السكوني، الأمالي للمفيد: ص ٢٢٩ ح ٢ عن محمّد بن جعفر، الجعفريات: ص ٢٢٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٦ ح ١٠.

٢ . بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلاً عن البلد الأمين، جامع الأخبار: ص ١٤٤ ح ٣١٠ عن الإمام الصادق عليه السلام.

٣ . جامع الأخبار: ص ١٤٣ ح ٣٠٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩١ ح ٣٣.

٤ . مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨٦٦ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ١٤؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٧٨ ح ٢٠٧ عن أنس، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٤٦ ح ١٧٦٧٠.

۱۷۳۵ . امام صادقﷺ: پیامبرﷺ مردی از انصار را مدّتی ندید [و چون او را دید]، فرمود: «سبب چیست که تو را نمی‌بینیم؟».

گفت: نیازمندی و به درازا کشیدن بیماری، ای پیامبر خدا!

پیامبر خدا به او فرمود: «آیا سخنی به تو نیاموزم که هرگاه آن را بگویی، نیازخواهی و بیماری از تو می‌رود؟».

گفت: چرا ای پیامبر خدا.

فرمود: «هر بام و شام بگو: "هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. توکّل کردم بر آن زندهٔ نامیرا. ستایش، خدایی را که فرزندی نگرفته است و در جهانداری، شریکی ندارد، و خوار و ناتوان نبود که حمایتگری داشته باشد" و او را بسی بزرگ دار».

مرد گفت: به خدا سوگند، این جمله را سه روز بیشتر نگفتم که نیازخواهی و بیماری، از من، برطرف شد.

۱۷۳۶ . پیامبر خداﷺ: هر کس روزی صد مرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، هرگز دچار فقر نمی‌شود.

۱۷۳۷ . امام صادقﷺ: هر کس هزار بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». خداوند، حج را روزی او می‌کند، و اگر اجلش نزدیک شده باشد، خداوند، آن را به تأخیر می‌افکند تا حج را روزی‌اش نماید.

۸/۳
دفع چشم زخم

۱۷۳۸ . پیامبر خداﷺ: هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد، امّا بگوید: «خدا، خدا! آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدا»، گزندی نمی‌زند.

١٧٣٩ . عمل اليوم والليلة لابن السني عن أنس عن رسول الله ﷺ: مَن رَأىٰ شَيئاً فَأعجَبَهُ فَقالَ : «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» لَم يَضُرَّهُ العَينُ ـ يَعني لا يُصيبُهُ العَينُ ـ.[١]

١٧٤٠ . رسول الله ﷺ: ما أنعَمَ اللهُ تَعالىٰ عَلىٰ عَبدٍ نِعمَةً في أهلٍ ومالٍ وولَدٍ فَأعجَبَهُ، فَقالَ إذا رَأىٰ ذٰلِكَ : «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» إلّا رَفَعَ اللهُ تَعالىٰ عَنهُ كُلَّ آفَةٍ حَتّىٰ تَأتِيَهُ مَنِيَّتُهُ.[٢]

١٧٤١ . الإمام الصادق ﷺ: العَينُ حَقٌّ، ولَيسَ تَأمَنُها مِنكَ عَلىٰ نَفسِكَ ولا مِنكَ عَلىٰ غَيرِكَ، فَإذا خِفتَ شَيئاً مِن ذٰلِكَ فَقُل : ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ ـ ثَلاثاً ـ.[٣]

٩ / ٣
صَرفُ أنواعِ البَلاءِ

١٧٤٢ . رسول الله ﷺ: مَن قالَ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ، كَفاهُ اللهُ ﷻ تِسعَةً وتِسعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أيسَرُهُنَّ الخَنَقُ.[٤]

١٧٤٣ . الإمام علي ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ ـ : يا كُمَيلُ، قُل عِندَ كُلِّ شِدَّةٍ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»؛ تُكفَها. وقُل عِندَ كُلِّ نِعمَةٍ : «الحَمدُ لِلّهِ»؛ تَزدَد مِنها. وإذا أبطَأَتِ الأَرزاقُ عَلَيكَ، فَاستَغفِرِ اللهَ؛ يُوَسِّع عَلَيكَ فيها.[٥]

١٧٤٤ . الإمام الصادق ﷺ: مَن قالَ : «ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» سَبعينَ مَرَّةً، صَرَفَ

---

١ . عمل اليوم والليلة لابن السني : ص ٧٨ ح ٢٠٧، كنز العمّال : ج ٦ ص ٧٤٦ ح ١٧٦٧٠.
٢ . كنز العمّال : ج ١٠ ص ٦٥ ح ٢٨٣٨٥ نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن أنس.
٣ . مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٣١ ح ٢٥٥٣، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٢٨ ح ٩.
٤ . الكافي : ج ٨ ص ١٠٩ ح ٨٩، المحاسن : ج ١ ص ١١١ ح ١٠٤ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ.
٥ . تحف العقول : ص ١٧٤، بشارة المصطفى : ص ٣٧ عن كميل، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٧٠ ح ١.

۱۷۳۹ . **عمل الیوم واللیلة**، ابن سنی ـ به نقل از اَنَس ـ: پیامبر خدا فرمود: «هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد؛ امّا بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»، چشم، به آن گزند نمی‌زند»، یعنی چشمش نمی‌زند.

۱۷۴۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه خداوند متعال به زن و فرزند و مال بنده‌ای نعمتی دهد و آن چیز نظرش را بگیرد، چنانچه با دیدن آن بگوید: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»، خداوند متعال، هر گونه گزندی را از آن دور می‌کند تا آن گاه که از دنیا برود.

۱۷۴۱ . **امام صادق**ؑ: چشم زدن، حقیقت دارد و از آن، نه بر خودت و نه بر دیگری، ایمن نیستی.[1] پس هرگاه از چشم‌زخمی ترسیدی، سه مرتبه بگو: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ».

۹/۳
گرداندن انواع بلا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۷۴۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس سه بار بگوید: «به نام خدای مهر گسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوندﷻ نود و نُه گونه بلا را از او می‌گرداند که آسان‌ترین آنها خفه شدن[2] است.

۱۷۴۳ . **امام علی**ؑ ـ در سفارشش به کمیل بن زیاد ـ: ای کمیل! در هر سختی‌ای بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، آن سختی از تو برطرف می‌شود، و برای هر نعمتی بگو: «ستایش، خدای را»، آن نعمت، افزون می‌شود، و هرگاه روزی‌ات دیر رسید، از خداوند آمرزش بخواه، آن روزی بر تو فراخ می‌گردد.

۱۷۴۴ . **امام صادق**ؑ: هر کس هفتاد بار بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی

---

۱ . یعنی هم خودت در معرض خطرِ چشم‌زخم از جانب خودت هستی و هم غیر خودت.

۲ . ممکن است به معنای خُناق یا خنّاک باشد؛ یعنی بیماری عدم نفوذ نفس به سوی شش، یا به معنای دیفتری».

عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أيسَرُ ذٰلِكَ الخَنقُ.[١]

١٧٣٥ . رسول الله ﷺ ـ لعليّ عليه السلام ـ : يا عَلِيُّ، ألا أُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ إذا وَقَعتَ في وَرطَةٍ أو بَلِيَّةٍ فَقُل : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ»؛ فَإِنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَصرِفُ بِها عَنكَ ما يَشاءُ مِن أنواعِ البَلاءِ.[٢]

١٧٣٦ . عنه ﷺ: يَقولُ اللهُ عزّ وجلّ : قُل لِأُمَّتِكَ يَقولوا : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» عَشراً عِندَ الصُّبحِ، وعَشراً عِندَ المَساءِ، وعَشراً عِندَ النَّومِ؛ يَدفَعُ عَنهُم عِندَ النَّومِ بَلوَى الدُّنيا، وعِندَ المَساءِ مُكايَدَةَ الشَّيطانِ، وعِندَ الصُّبحِ مِن غَضَبي.[٣]

١٧٣٧ . عنه ﷺ ـ لِشَيبَةَ الهُذَيلِ[٤] ـ : إذا صَلَّيتَ الصُّبحَ فَقُل عَشرَ مَرّاتٍ : «سُبحانَ اللهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ»؛ فَإِنَّ اللهَ يُعافيكَ بِذٰلِكَ مِنَ العَمىٰ وَالجُنونِ وَالجُذامِ وَالفَقرِ وَالهَرَمِ.[٥]

١٧٣٨ . عنه ﷺ ـ لِقَبيصَةَ بنِ مُخارِقٍ الهِلالِيِّ ـ : قُل ثَلاثَ مَرّاتٍ إذا صَلَّيتَ الغَداةَ : «سُبحانَ اللهِ وبِحَمدِهِ، سُبحانَ اللهِ العَظيمِ وبِحَمدِهِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»؛ فَإِنَّكَ إذا قُلتَهُنَّ

---

١ . الكافي : ج ٢ ص ٥٢١ ح ٢ عن جميل، ثواب الأعمال : ص ١٩٤ ح ١ عن هشام بن أحمر نحوه وليس فيه «سبعين مرّة».

٢ . الكافي : ج ٢ ص ٥٧٣ ح ١٤ عن بكير عن الإمام عليّ عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٥٩ ح ٢٣٩١ وزاد بعد ذكر الحوقلة «اللهمّ إيّاك نعبد وإيّاك نستعين»، الدعوات : ص ٥٢ ح ١٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه ﷺ وليس فيهما «ألا أعلّمك كلمات»، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٩٥ ح ٢٩؛ عمل اليوم والليلة لابن السني : ص ١٢١ ح ٣٣٦ عن سويد بن غفلة، الفردوس : ج ٥ ص ٣٢٤ ح ٨٣٢٣ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج ٢ ص ١٢٤ ح ٣٤٤٢.

٣ . الفردوس : ج ٥ ص ٢٤٨ ح ٨٠٩٣ عن أبي بكر، كنز العمّال : ج ٢ ص ١٧٠ ح ٣٦٠٧؛ بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٦١ ح ٤٠ نقلاً عن البلد الأمين.

٤ . كذا في تهذيب الأحكام، وفي المصادر الأخرى : «الهذلي».

٥ . تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٤، الأمالي للصدوق : ص ١١٠ ح ٨٥ كلاهما عن سلام المكّي، ثواب الأعمال : ص ١٩١ ح ١ عن سالم المكّي وفيه «الهدم» بدل «الهرم»، روضة الواعظين : ص ٥٢١ كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام عنه ﷺ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٩ ح ١٨ وص ١٦٠ ح ٣٩.

نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می‌گرداند که آسان‌ترین آنها، خفه شدن است.

۱۷۴۵. **پیامبر خدا**ﷺ ـ به علیؓ ـ: ای علی! آیا به تو جملاتی نیاموزم؟ هرگاه به مشکلی سخت یا گرفتاری‌ای افتادی، بگو: «به نام خدای مهرِگستر مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ». پس خداوندﷻ به سبب آن، از انواع بلا، آنچه بخواهد، از تو می‌گردانَد.

۱۷۴۶. **پیامبر خدا**ﷺ: خداوندﷻ می‌فرماید: «به امّتت بگو که صبحگاهان و شامگاهان و هنگام خوابیدن، هر بار ده مرتبه بگویند: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در هنگام خوابیدن، بلاهای دنیا را از آنان، دور می‌کند، در شامگاهان، نیرنگ شیطان را، و در صبحگاهان، از خشم من، آنها را نگه می‌دارد.

۱۷۴۷. **پیامبر خدا**ﷺ ـ به شیبهٔ هُذَیل ـ: نماز صبح را که خواندی، ده بار بگو: «پاکا خدای بزرگ و ستایش، او را! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ»؛ زیرا به واسطهٔ این ذکر، خداوند، تو را از کوری و دیوانگی و جذام و ناداری و فرتوتی به سلامت می‌دارد.

۱۷۴۸. **پیامبر خدا**ﷺ ـ به قبیصة بن مُخارق هلالی ـ: هرگاه نماز صبح را خواندی سه مرتبه بگو: «پاکا خدا و ستایش او را! پاکا خدای بزرگ و ستایش او را! و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؛ زیرا هر گاه اینها را بگویی، از کوری و جذام

أمِنتَ مِن عَمىً وجُذامٍ وبَرَصٍ وفالِجٍ.[١]

١٧٤٩ . عنه ﷺ: ما مِن عَبدٍ يُصَلّي الفَجرَ ثُمَّ يَقولُ حينَ يَنصَرِفُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، ولا حَياةَ ولَا احتِيالَ ولا مَنجىٰ ولا مَلجَأً مِنَ اللهِ، إلّا إلَيهِ» سَبعَ مَرّاتٍ، إلّا رُفِعَ عَنهُ سَبعونَ نَوعاً مِنَ البَلاءِ.[٢]

١٧٥٠ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ : «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ[٣] إلّا بِاللهِ، أشهَدُ أنَّ اللهَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ»، رُزِقَ خَيرَ ذٰلِكَ اليَومِ وصُرِفَ عَنهُ شَرُّهُ. ومَن قالَها مِنَ اللَّيلِ رُزِقَ خَيرَ تِلكَ اللَّيلَةِ، وصُرِفَ عَنهُ شَرُّها.[٤]

١٧٥١ . الإمام عليّ ﷺ: مَن قالَ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ وهُوَ ثاني رِجلِهِ بَعدَ المَغرِبِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ، وبَعدَ الصُّبحِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ، صَرَفَ اللهُ تَعالىٰ عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أدناهَا الجُذامُ والبَرَصُ وَالسُّلطانُ وَالشَّيطانُ.[٥]

١٧٥٢ . عنه ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ ـ : يا كُمَيلُ، سَمِّ كُلَّ يَومٍ بِاسمِ اللهِ، وقُل : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»... تُكفَ شَرَّ ذٰلِكَ اليَومِ إن شاءَ اللهُ.[٦]

١٧٥٣ . الإمام الصادق ﷺ: مَن قالَ كُلَّ يَومٍ ثَلاثينَ مَرَّةً : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمينَ، تَبارَكَ اللهُ أحسَنُ الخالِقينَ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ» دَفَعَ

---

١ . الخصال: ص ٢٢٠ ح ٤٥ عن ابن عبّاس، الدعوات: ص ٨٣ ح ٢٠٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١ ح ٢٠؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٥٢ ح ١٣٤ عن ابن عبّاس نحوه، كنزالعمّال: ج ٢ ص ١٤٥ ح ٣٥٢١.

٢ . الفردوس: ج ٤ ص ٩ ح ٦٠٢٥ عن أنس، كنزالعمّال: ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٩.

٣ . في كنز العمّال: «لا حول ولا قوّة».

٤ . عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٢٤ ح ٥٣ عن أبي هريرة، كنزالعمّال: ج ٢ ص ١٦٨ ح ٣٦٠١.

٥ . فلاح السائل: ص ٢٠٩ ح ٢٧٩ عن سعيد بن إسماعيل بن همّام عن الإمام الرضا ﷺ.

٦ . تحف العقول: ص ١٧١، بشارة المصطفى: ص ٢٥ عن كميل، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٢.

و پیسی و فلج شدن، در امان خواهی ماند.

۱۷۴۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از آن، هفت بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. زندگی و چاره و نجات و گریزی از خدا نیست، مگر به سوی خود او»، جز آن که هفتاد نوع بلا، از او برطرف شود.

۱۷۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس چون صبح کند، بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. گواهی می‌دهم که خدا بر هر چیزی تواناست»، خیر آن روز، روزیِ او می‌شود و شرّش از او دور می‌گردد، و هر کس، شبْ‌هنگام، این جملات را بگوید، خیر آن شب، روزی‌اش می‌شود و شرّ آن، از او دور می‌گردد.

۱۷۵۱ . **امام علی**ﷺ: هر کس پس از نماز مغرب، در حالی که همچنان دو زانو نشسته است، پیش از آن که سخنی بگوید، و نیز پس از نماز صبح، پیش ازآن که سخنی بگوید، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند متعال، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می‌گرداند که کمترین آنها جذام و پیسی و [گزند] سلطان و شیطان است.

۱۷۵۲ . **امام علی**ﷺ ـ در سفارشش به کمیل بن زیاد ـ: ای کمیل! هر روز نام خدا را ببر و بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»... به خواست خدا، از گزند آن روز، مصون خواهی ماند.

۱۷۵۳ . **امام صادق**ﷺ: هر کس هر روز، سی بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. زهی خدایی که بهترینِ آفرینندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»،

اللهُ عَنهُ تِسعَةً وتِسعينَ نَوعاً مِنَ البَلاءِ؛ أهوَنُهَا الجُذامُ.[١]

١٧٥٤ . عنه ﷺ: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ الصُّبحِ قَبلَ أن يَتَكَلَّمَ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يُعيدُها سَبعَ مَرّاتٍ، دَفَعَ اللهُ عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أهوَنُهَا الجُذامُ وَالبَرَصُ.[٢]

١٧٥٥ . عنه ﷺ: مَن قالَ في دُبُرِ صَلاةِ الفَجرِ ودُبُرِ صَلاةِ المَغرِبِ سَبعَ مَرّاتٍ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» دَفَعَ اللهُ ﷻ عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أهوَنُهَا الرّيحُ وَالبَرَصُ وَالجُنونُ، وإن كانَ شَقِيّاً مُحِيَ مِنَ الشَّقاءِ وكُتِبَ فِي السُّعَداءِ.[٣]

١٧٥٦ . عنه ﷺ: إذا صَلَّيتَ المَغرِبَ وَالغَداةَ فَقُل : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ؛ فَإِنَّهُ مَن قالَها لَم يُصِبهُ جُذامٌ ولا بَرَصٌ ولا جُنونٌ، ولا سَبعونَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ.[٤]

١٧٥٧ . الإمام الكاظم ﷺ: قَولُ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» يَدفَعُ أنواعَ البَلاءِ.[٥]

١٧٥٨ . عنه ﷺ: مَن قالَ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ حينَ يُصبِحُ، وثَلاثَ مَرّاتٍ حينَ يُمسي، لَم يَخَف شَيطاناً ولا سُلطاناً

---

١. السرائر: ج ٣ ص ١٤٣، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٣٧ ح ٤٨٣ وفيه «الجنون» بدل «الجذام»، بحار الأنوار: ج ٦٢ ص ٢٧٦.

٢. الأمالي للطوسي: ص ٤١٥ ح ٩٣٥ عن محمّد بن مسلم، جامع الأخبار: ص ١٤٤ ح ٣١٢، مشكاة الأنوار: ص ٥١٨ ح ١٧٤٣ كلاهما بزيادة «ومن قالها إذا صلّى المغرب قبل أن يتكلّم دفع الله عنه سبعين نوعاً من أنواع البلاء» بعد «أنواع البلاء»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٥ ح ١.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٥ و ح ٢٦ نحوه وكلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٢ ح ٩.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ٢٠ عن أبي بصير وص ٥٣١ ح ٢٨ عن سماعة.

٥. الدعوات: ص ٨٣ ح ٢٠٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ٢.

خداوند، نود و نه نوع بلا را از او دور کند که آسان‌ترین آنها جذام است.

۱۷۵۴. **امام صادق**ﷺ: هر کس پس از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگوید، بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و هفت مرتبه آن را تکرار کند، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او دفع می‌کند که آسان‌ترینِ آنها جذام و پیسی است.

۱۷۵۵. **امام صادق**ﷺ: هر کس در پی نماز صبح و در پی نماز مغرب، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوندﷻ هفتاد نوع از انواع بلا را از او دور می‌کند که کمترین آنها باد و پیسی و دیوانگی است، و اگر از تیره‌بختان است، نامش از دفتر تیره‌بختان پاک و در شمارِ نیک‌بختان، نوشته شود.

۱۷۵۶. **امام صادق**ﷺ: چون نماز مغرب و صبح را خواندی، هفت بار بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ»؛ زیرا هر کس این را بگوید، به جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلا، دچار نمی‌شود.

۱۷۵۷. **امام کاظم**ﷺ: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، انواع بلا را دور می‌کند.

۱۷۵۸. **امام کاظم**ﷺ: هر کس در صبحگاهان و در شامگاهان، سه مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، از [گزند] شیطان و سلطان و [دچار شدن به] جذام و پیسی نترسد. من،

ولا جُذاماً ولا بَرَصاً. وأنَا أقولُها مِئَةَ مَرَّةٍ.[١]

١٧٥٩ . الكافي عن سعد بن زيد عن أبي الحسن عليه السلام: إذا صَلَّيتَ المَغرِبَ فَلا تَبسُط رِجلَكَ ولا تُكَلِّم أحَداً حَتّى تَقولَ مِئَةَ مَرَّةٍ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ»، ومِئَةَ مَرَّةٍ فِي الغَداةِ، فَمَن قالَها دَفَعَ اللهُ عَنهُ مِئَةَ نَوعٍ مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أدنىٰ نَوعٍ مِنهَا البَرَصُ وَالجُذامُ وَالشَّيطانُ وَالسُّلطانُ.[٢]

١٧٦٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ في حِرزٍ استَخرَجَهُ مِن كِتابِ اللهِ العَزيزِ ـ: تَحَصَّنتُ بِاللهِ العَظيمِ، وَاستَعصَمتُ بِالحَيِّ الَّذي لا يَموتُ، ورَمَيتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنا بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[٣]

١٧٦١ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن حِرزِهِ في كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ ـ: بِاسمِ اللهِ، تَحَصَّنتُ بِالحَيِّ الَّذي لا يَموتُ، مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ، ورَمَيتُ مَن يُريدُ بي سُوءاً أو مَكروهاً مِن بَينِ يَدَيَّ بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[٤]

١٧٦٢ . الكافي عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَمِعتُهُ يَقولُ : مَن قالَ : «ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» سَبعينَ مَرَّةً، صَرَفَ عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِن أنواعِ البَلاءِ؛ أيسَرُ ذٰلِكَ الخَنَقُ. قُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ ومَا الخَنَقُ؟ قالَ : لا يَعتَلُّ بِالجُنونِ فَيُخنَقَ.[٥]

١٧٦٣ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في دُعاءِ الاِستِخارَةِ ـ: اللّٰهُمَّ... وأبرِم مِن قُدرَتِكَ كُلَّ نَحسٍ

---

١ . المحاسن: ج ١ ص ١١٢ ح ١٠٥، الكافي: ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٧ كلاهما عن الحسن بن الجهم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٧ ح ٢٧.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٣١ ح ٢٩ عن سعد بن زيد، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠١ ح ٦.

٣ . مُهَج الدعوات: ص ٣٨ عن محمّد بن عبيد الله الإسكندري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠٤ ح ٦٢.

٤ . مُهَج الدعوات: ص ٢٧، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣١١ ح ٦٣.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢١ ح ٢.

خود، صد مرتبه آن را می‌گویم.

۱۷۵۹ . **الکافی** ـ به نقل از سعد بن زید از ابو الحسن﵇[1] ـ: چون نماز مغرب را خواندی، پیش از آن که پایت را دراز کنی [و از حالت تشهّد خارج شوی] و با کسی سخنی بگویی، صد مرتبه می‌گویی: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و صد بار نیز پس از نماز صبح می‌گویی؛ زیرا هر کس آن را بگوید، خداوند، صد نوع از انواع بلا را از او دور می‌کند که کمترین نوع آنها پیسی و جذام و [گزند] شیطان و سلطان است.

۱۷۶۰ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در حِرزی که آن را از کتاب خداوند عزیز، استخراج کرده است ـ: خود را در حمایت خدای بزرگ در آوردم و به آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، پناهنده شدم، و هر دشمنی خود را با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، هدف قرار دادم.

۱۷۶۱ . **امام زین العابدین**﵇ ـ از حرز ایشان در هر بامداد و شامگاه ـ: به نام خدا. خود را در حمایت زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، در آوردم از گزند آنچه می‌ترسم و بیمناکم، و هر که را از پیشِ رویم بخواهد به من بدی یا گزندی برساند با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» هدف قرار دادم.

۱۷۶۲ . **الکافی** ـ به نقل از جمیل ـ: از امام صادق﵇ شنیدم که می‌فرماید: «هر کس هفتاد بار بگوید: "هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا"، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او می‌گرداند که آسان‌ترین آنها خَنق است».

گفتم: قربانت کردم! خنق چیست؟

فرمود: «به دیوانگی مبتلا نشود که در نتیجه، خفه می‌گردد».

۱۷۶۳ . **امام صادق**﵇ ـ در دعای طلب خیر از خدا ـ: بار خدایا!... به قدرت خود،

---

۱. مقصود امام کاظم یا امام رضا﵈ می‌باشد.

يَعرِضُ بِحاجِزٍ حَتمٍ مِن قَضائِكَ يَحولُ بَيني وبَينَهُ، ويُباعِدُهُ مِنّي ويُباعِدُني مِنهُ، في ديني ونَفسي ومالي ووُلدي وإخواني، وأعِذني مِنَ الأَولادِ وَالأَموالِ وَالبَهائِمِ وَالأَعراضِ[١]، وما أحضُرُهُ وما أغيبُ عَنهُ، وما أستَصحِبُهُ وما أُخَلِّفُهُ، وحَصِّنّي مِن كُلِّ ذٰلِكَ بِعِياذِكَ مِنَ الآفاتِ وَالعاهاتِ وَالبَلِيّاتِ، ومِنَ التَّغييرِ وَالتَّبديلِ، وَالنَّقِماتِ وَالمَثُلاتِ[٢]، ومِن كَلِمَتِكَ الحالِقَةِ[٣]، ومِن جَميعِ المَخوفاتِ، ومِن سوءِ القَضاءِ، ومِن دَركِ الشَّقاءِ، ومِن شَماتَةِ الأَعداءِ، ومِنَ الخَطَأِ وَالزَّلَلِ في قَولي وفِعلي، ومَلِّكنِي الصَّوابَ فيهِما؛ بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ، بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ حِرزي وعَسكَري، بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ سُلطاني ومَقدُرَتي، بِلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عِزّي ومَنَعَتي.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. الأعراض: جمع عَرَض؛ وهو الحال والمَتاع والغنيمة (بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٧٤).

٢. المَثُلَة: العقوبة، والجمع المَثُلات (الصحاح: ج ٥ ص ١٨١٦ «مثل»).

٣. من كلمتك الحالقة: أي حكمك بالعقوبة المستأصلة، قال في النهاية: ... الحالقة: الخصلة التي من شأنها أن تحلق؛ أي تهلك وتستأصل (بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٧٤).

٤. فتح الأبواب: ص ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٧١ ح ٢٣.

هر گونه پیشامد شومی را که برای دینم و جانم و مالم و فرزندانم و برادرانم رُخ دهد، و به واسطهٔ مانع حتمی از قضایت که میان من و آن پیشامد، سد شود و آن را از من، و مرا از آن دور گردانَد، دفع کن، و فرزندان و اموال و حیوانات و کالاهای مرا، و آنچه را حاضر دارم و آنچه را حاضر ندارم، و آنچه را همراه من است و آنچه را از خود بر جای نهاده‌ام، در پناه خویش دار، و با پناه‌دهی خویش، مرا در همهٔ اینها از آفت‌ها و بیماری‌ها و فاجعه‌ها و از دگرگونی و جایگزینی و خشم‌ها و کیفرها، و از فرمان ریشه‌کن کننده‌ات و از کلّیهٔ حوادث وحشتناک، و از قضای بد، و از رنج و بدبختی دامنگیر، و از دشمن شادی و از خطا و لغزش در گفتار و کردار، مرا مصون بدار و مرا در گفتار و کردارم به طریق صواب بدار، به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ».

به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که سنگر و لشکر من است.

به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که قدرت و توان من است.

به حقّ «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، که مایهٔ نیرو و اقتدار من است.

الفَصلُ الرّابِعُ

خَطَرُ البَراءَةِ مِن حَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ

١٧٦٣ . مهج الدعوات عن صفوان بن مهران الجمّال: رَفَعَ رَجُلٌ مِن قُرَيشِ المَدينَةِ مِن بَني مَخزومٍ إلىٰ أبي جَعفَرٍ المَنصورِ ـ وذٰلِكَ بَعدَ قَتلِهِ لِمُحَمَّدٍ وإبراهيمَ ابنَي عَبدِ اللهِ بنِ الحَسَنِ ـ: أنَّ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَعَثَ مَولاهُ المُعَلّىٰ بنَ خُنَيسٍ لِجِبايَةِ الأَموالِ مِن شيعَتِهِ، وأنَّهُ كانَ يُمِدُّ بِها مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ، فَكادَ المَنصورُ أن يَأكُلَ كَفَّهُ عَلىٰ جَعفَرٍ عليه السلام غَيظاً، وكَتَبَ إلىٰ عَمِّهِ داوودَ بنِ عَلِيٍّ ـ وداوودُ إذ ذاكَ أميرُ المَدينَةِ ـ أن يُسَيِّرَ إلَيهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام ولا يُرَخِّصَ لَهُ فِي التَّلَوُّمِ[1] وَالمُقامِ، فَبَعَثَ إلَيهِ داوودُ بِكِتابِ المَنصورِ وقالَ لَهُ: اِعمِد عَلَى المَسيرِ إلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ في غَدٍ ولا تَتَأَخَّر.

قالَ صَفوانُ: وكُنتُ بِالمَدينَةِ يَومَئِذٍ فَأَنفَذَ إلَيَّ جَعفَرٌ عليه السلام فَصِرتُ إلَيهِ، فَقالَ لي:

تَعَهَّد راحِلَتَنا فَإِنّا غادونَ في غَدٍ إن شاءَ اللهُ إلَى العِراقِ، ونَهَضَ عَن وَقتِهِ وأنَا مَعَهُ إلىٰ مَسجِدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، وكانَ ذٰلِكَ بَينَ الأُولىٰ وَالعَصرِ، فَرَكَعَ فيهِ رَكَعاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ فَحَفِظتُ يَومَئِذٍ مِن دُعائِهِ[2]:

---

١. التَّلَوُّم: الانتظار والتَّمَكُّث (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٣٤ «لوم»).

٢. في المصدر: «ومن دعائه»، والتصويب من بحار الأنوار.

فصل چهارم

خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا

۱۷۶۴ . **مُهَج الدعوات** ـ به نقل از صفوان بن مهران جمّال ـ: مردی از قریش مدینه، از بنی مخزوم، به ابو جعفر منصور گزارش داد ـ و این پس از آنی بود که وی، محمّد و ابراهیم، پسران عبد الله بن حسن را به قتل رساند ـ که: جعفر بن محمّدؑ وابستهٔ خود، معلّی بن خُنَیس را برای جمع‌آوری وجوهات از شیعیانش فرستاده است و با این وجوهات به محمّد بن عبد الله، کمک می‌کرده است. منصور، از شدّت خشم بر امام صادقؑ چیزی نمانده بود که دست خود را بخورد. به عمویش داوود بن علی (داوود در آن زمان امیر مدینه بود)، نوشت که جعفر بن محمّدؑ را نزد او روانه سازد و اجازهٔ درنگ کردن و تعلّل به او ندهد. داوود، نامهٔ منصور را نزد امامؑ فرستاد و گفت: فردا بی‌درنگ، آمادهٔ حرکت به سوی امیر مؤمنان شو.

صفوان گفت: من در آن روز، در مدینه بودم. امام صادقؑ مرا احضار کرد. من نزد ایشان رفتم. به من فرمود: «شترمان را آماده کن؛ زیرا فردا، به خواست خدا، عازم عراق هستیم» و در دم، برخاست و با هم به مسجد النبیﷺ رفتیم. بین نماز ظهر و عصر بود. امامؑ چند رکعت نماز در مسجد خواند، سپس دستانش را به سوی آسمان برداشت و دعایی کرد که من (یعنی صفوان) آن روز، قسمتی از دعایش را حفظ کردم: «ای کسی که او را آغاز و پایانی نیست! ای کسی که...!».[1]

---

۱. ادامهٔ این دعا را در مأخذ (مهج الدعوات: ص ۲۴۶) ببینید.

يا مَن لَيسَ لَهُ ابتِداءٌ ولَا انقِضاءٌ، يا مَن...[١]

قالَ صَفوانُ: سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ الصّادِقَ عليه السلام بِأَن يُعيدَ الدُّعاءَ عَلَيَّ فَأَعادَهُ وكَتَبتُهُ، فَلَمّا أصبَحَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام رَحَلتُ لَهُ النّاقَةَ، وسارَ مُتَوَجِّهاً إلَى العِراقِ حَتّىٰ قَدِمَ مَدينَةَ أبي جَعفَرٍ، وأقبَلَ حَتّى استَأذَنَ فَأُذِنَ لَهُ.

قالَ صَفوانُ: فَأَخبَرَني بَعضُ مَن شَهِدَهُ عِندَ أبي جَعفَرٍ، قالَ:

فَلَمّا رَآهُ أبو جَعفَرٍ قَرَّبَهُ وأدناهُ، ثُمَّ استَدعىٰ[٢] قِصَّةَ الرّافِعِ عَلىٰ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام ـ يَقولُ في قِصَّتِهِ: إنَّ مُعَلّى بنَ خُنَيسٍ مَولىٰ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ يَجبي لَهُ الأَموالَ مِن جَميعِ الآفاقِ، وإنَّهُ مَدَّ بِها مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ ـ فَدَفَعَ إلَيهِ القِصَّةَ فَقَرَأَها أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام، فَأَقبَلَ عَلَيهِ المَنصورُ فَقالَ:

يا جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ، ما هٰذِهِ الأَموالُ الَّتي يَجبيها لَكَ مُعَلّى بنُ خُنَيسٍ؟

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: مَعاذَ اللهِ مِن ذٰلِكَ يا أميرَ المُؤمِنينَ!

قالَ لَهُ: تَحلِفُ عَلىٰ بَراءَتِكَ مِن ذٰلِكَ؟

قالَ عليه السلام: نَعَم، أحلِفُ بِاللهِ أنَّهُ ما كانَ مِن ذٰلِكَ شَيءٌ.

قالَ أبو جَعفَرٍ: لا، بَل تَحلِفُ بِالطَّلاقِ وَالعَتاقِ.

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: أما تَرضىٰ يَميني بِاللهِ الَّذي لا إلٰهَ إلا هُوَ؟

قالَ أبو جَعفَرٍ: فَلا تَتَفَقَّه عَلَيَّ.

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: فَأَينَ تَذهَبُ بِالفِقهِ مِنّي يا أميرَ المُؤمِنينَ؟

---

١. أنظر تتمّة الدعاء في المصدر: ص ٢٤٦.

٢. في بحار الأنوار: «ثمّ أسند قصّة ...».

از امام صادق﵇ خواهش کردم که دعایش را برایم تکرار کند و ایشان، تکرار کرد و من، آن را نوشتم.

صبح روز بعد، ناقه را نزد امام﵇ بردم. ایشان به سوی عراق حرکت کرد و به شهر ابوجعفر درآمد و اجازه خواست. ابو جعفر به امام﵇ اجازهٔ ورود داد.

صفوان گفت: یکی از کسانی که شاهد وارد شدن امام صادق بر ابو جعفر بود، به من خبر داد و گفت:

چون چشم ابو جعفر به امام﵇ افتاد، به ایشان احترام گذاشت و نزدیک خود نشاند. سپس گزارشی را که در بارهٔ امام صادق﵇ به او نوشته بودند، خواست. در آن گزارش آمده بود که: معلّی بن خُنَیس، وابسته جعفر بن محمّد﵇، وجوهات را از اطراف واکناف، برایش گِرد می‌آورد و او با آن وجوهات، به محمّد بن عبد الله کمک می‌کرده است. گزارش را به دست امام صادق﵇ داد. امام﵇ آن را خواند. منصور، رو به ایشان کرد و گفت: ای جعفر بن محمّد! این اموالی که مُعلّی بن خُنَیس برای تو گِرد می‌آورَد، چیست؟

امام صادق﵇ فرمود: «پناه به خدا از این گزارش، ای امیر مؤمنان!».

منصور گفت: سوگند می‌خوری که این گزارش، صحّت ندارد؟

فرمود: «آری. به خدا سوگند می‌خورم که چنین چیزی نبوده است».

ابو جعفر گفت: نه. به طلاق و عَتاق[1]، سوگند بخور.

امام صادق﵇ فرمود: «آیا سوگندم به خدای یگانه را نمی‌پذیری؟».

ابوجعفر [منصور] گفت: دین‌شناسی (فقه) خود را به رُخ من مکش.

امام صادق﵇ فرمود: «پس برای دین‌شناسی من، چه شأنی قائلی، ای امیرمؤمنان؟».

---

۱. سوگند طلاق و عَتاق، به این صورت است که بگوید: «زنم مطلّقه یا برده‌ام آزاد باشد، اگر چنین و چنان نباشد یا باشد».

قالَ لَهُ: دَع عَنكَ هٰذا، فَإنّي أجمَعُ السّاعَةَ بَينَكَ وبَينَ الرَّجُلِ الَّذي رَفَعَ عَنكَ حَتّىٰ يُواجِهَكَ. فَأتَوا بِالرَّجُلِ وسَألوهُ بِحَضرَةِ جَعفَرٍ عليه السلام، فَقالَ: نَعَم هٰذا صَحيحٌ، هٰذا جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ وَالَّذي قُلتُ فيهِ كَما قُلتُ.

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: تَحلِفُ أيُّها الرَّجُلُ إنَّ هٰذَا الَّذي رَفَعتَهُ صَحيحٌ؟

قالَ: نَعَم؛ ثُمَّ ابتَدَأَ الرَّجُلُ بِاليَمينِ فَقالَ: وَاللهِ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ الطّالِبُ الغالِبُ الحَيُّ القَيُّومُ.

فَقالَ لَهُ جَعفَرٌ عليه السلام: لا تَعجَل في يَمينِكَ فَإنّي أنَا أستَحلِفُ.

قالَ المَنصورُ: وما أنكَرتَ مِن هٰذِهِ اليَمينِ؟

قالَ عليه السلام: إنَّ اللهَ تَعالىٰ حَيِيٌّ[1] كَريمٌ، يَستَحيي مِن عَبدِهِ إذا أثنىٰ عَلَيهِ أن يُعاجِلَهُ بِالعُقوبَةِ لِمَدحِهِ لَهُ، ولٰكِن قُل يا أيُّها الرَّجُلُ:

أبرَأُ إلَى اللهِ مِن حَولِهِ وقُوَّتِهِ، وألجَأُ إلىٰ حَولي وقُوَّتي أنّي لَصادِقٌ بَرٌّ في ما أقولُ.

فَقالَ المَنصورُ لِلقُرَشِيِّ: اِحلِف بِمَا استَحلَفَكَ بِهِ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام.

فَحَلَفَ الرَّجُلُ بِهٰذِهِ اليَمينِ، فَلَم يَستَتِمَّ الكَلامَ حَتّىٰ أجذَمَ وخَرَّ مَيِّتاً.

فَراعَ أبا جَعفَرٍ[2] ذٰلِكَ وَارتَعَدَت فَرائِصُهُ، فَقالَ: يا أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام، سِر مِن غَدٍ إلىٰ حَرَمِ جَدِّكَ إنِ اختَرتَ ذٰلِكَ، وإنِ اختَرتَ المُقامَ عِندَنا لَم نَألُ في إكرامِكَ وبِرِّكَ، فَوَ اللهِ لا قَبِلتُ عَلَيكَ قَولَ أحَدٍ بَعدَها أبَداً.[3]

---

١. في المصدر: «حيّ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢. في المصدر: «أبو جعفر»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣. مُهَج الدعوات: ص ٢٤٥، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٢٠٠ ح ٤١ وج ٩٤ ص ٢٩٦.

گفت: دست بردار. هم اکنون، تو را با آن مردی که گزارش داده است، رو به رو می‌کنم.

آن گاه، آن مرد را آوردند و در حضور امام صادق﵇ از او پرسیدند. مرد گفت: آری. صحّت دارد. این، جعفر بن محمّد است و آنچه در باره‌اش گفته‌ام، حقیقت دارد.

امام صادق﵇ فرمود: «ای مرد! سوگند می‌خوری که آنچه گزارش داده‌ای، صحّت دارد؟».

گفت: آری.

سپس، شروع به سوگند خوردن کرد و گفت: سوگند می‌خورم به خدایی که معبودی نیست، جز او که جوینده است و چیره و زنده و جاویدان.

امام صادق﵇ به او فرمود: «در سوگندت شتاب مکن؛ زیرا من می‌گویم که چگونه سوگند بخوری».

منصور گفت: کجای این سوگند، ایراد دارد؟

فرمود: «خداوند متعال، باحیا و بزرگوار است. هرگاه بنده‌اش او را ثنا گوید، به خاطر ستایشی که از او کرده است، شرم می‌کند او را زود کیفر دهد؛ بلکه ای مرد، بگو: «از نیرو و قدرت خدا، برائت می‌جویم، و به نیرو و قدرت خودم پناه می‌برم که در آنچه می‌گویم، راستگو و صادق هستم».

منصور به آن مرد قُرَشی گفت: همان گونه که ابو عبد الله [صادق] خواست، سوگند بخور.

مرد با این سوگند، سوگند یاد کرد؛ امّا هنوز سخنش تمام نشده بود که کلامش قطع شد و جنازه‌اش بر زمین افتاد.

این صحنه، ابو جعفر [منصو] را وحشت زده کرد و بدنش به لرزه افتاد. گفت: ای ابا عبد الله! همین فردا اگر خواستی، به سوی حرم جدّت [مدینه] برو، و اگر هم خواستی نزد ما بمانی، در گرامیداشت و نیکی به تو، کوتاهی نخواهیم کرد. به خدا سوگند که از این پس، هرگز سخن هیچ کس را بر ضدّ تو نمی‌پذیرم.

الفَصلُ الخامِسُ

أهَمُّ مَواضِعِ الحَوقَلَةِ

١/٥
عِندَ الأذانِ

١٧٦٥ . رسول الله ﷺ: مَن قالَ إذا أذَّنَ المُؤَذِّنُ مِثلَ ما يَقولُ، فَقالَ : حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، حَيَّ عَلَى الفَلاحِ، قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» مُخلِصاً، دَخَلَ الجَنَّةَ.[١]

١٧٦٦ . الإمام زين العابدين ﷺ: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ إذا سَمِعَ المُؤَذِّنَ قالَ كَما يَقولُ، فَإذا قالَ : حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، حَيَّ عَلَى الفَلاحِ، حَيَّ عَلىٰ خَيرِ العَمَلِ، قالَ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

٢/٥
بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ

١٧٦٧ . الإمام الرضا ﷺ: مَن قالَ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ : «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، لا حَولَ

---

١ . كنزالعمّال: ج ٧ ص ٧٠٣ ح ٢١٠١٣ نقلاً عن سنن سعيد بن منصور عن حفص بن عاصم مرسلاً.

٢ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٤٥، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٩ ح ١١؛ مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٣٠ ح ٢٣٩٢٧ عن أبي رافع عن رسول الله ﷺ، كنزالعمّال: ج ٨ ص ٣٦٢ ح ٢٣٢٧٦ نقلاً عن مسند أنس عن أبي الشيخ.

فصل پنجم

مهمترین اوقات گفتن «لاحولَ ولاقوة إلّا بالله»

۱/۵
هنگام اذان

۱۷۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هنگامی که مؤذّن اذان گفت، گفته‌های او را بازگو کند، و چون گفت: «به نماز بشتاب! به سوی رستگاری بشتاب!»، او از سرِ اخلاص بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، به بهشت می‌رود.

۱۷۶۶ . **امام زین العابدین**ؑ: پیامبر خدا هر گاه صدای مؤذّن را می‌شنید، گفته‌های او را بازگو می‌کرد، و چون می‌گفت: «به نماز بشتاب؛ به سوی رستگاری بشتاب؛ به سوی بهترین کار، بشتاب!»، امامؑ می‌گفت: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۲/۵
پس از نماز صبح

۱۷۶۷ . **امام رضا**ؑ: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». به نام

ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، كانَ أقرَبَ إلَى اسمِ اللهِ الأعظَمِ مِن سَوادِ العَينِ إلىٰ بَياضِها، وإنَّهُ دَخَلَ فيهَا اسمُ اللهِ الأعظَمُ.[١]

١٧٦٨ . **الإمام الصادق عليه السلام**: مَن قالَ : «ما شاءَ اللهُ كانَ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ حينَ يُصَلِّي الفَجرَ، لَم يَرَ يَومَهُ ذٰلِكَ شَيئاً يَكرَهُهُ.[٢]

٣ / ٥
عِندَ الخُروجِ مِنَ البَيتِ

١٧٦٩ . **رسول الله صلى الله عليه وآله**: مَن قالَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ : «بِاسمِ اللهِ» قالَ المَلَكانِ : هُديتَ. فَإن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» قالا : وُقيتَ. فَإن قالَ : «تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ» قالا : كُفيتَ. فَيَقولُ الشَّيطانُ : كَيفَ لي بِعَبدٍ هُدِيَ ووُقِيَ وكُفِيَ؟![٣]

١٧٧٠ . **سنن ابن ماجة عن أبي هريرة**: إنَّ النَّبيَّ صلى الله عليه وآله كانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ : بِاسمِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، التُّكلانُ عَلَى اللهِ.[٤]

١٧٧١ . **رسول الله صلى الله عليه وآله**: إذا خَرَجَ أحَدُكُم مِن بَيتِهِ فَليَقُل : بِاسمِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، ماشاءَ اللهُ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، حَسبِيَ اللهُ ونِعمَ الوَكيلُ.[٥]

١٧٧٢ . **الكافي عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام**: أنَّهُ كانَ إذا خَرَجَ مِنَ البَيتِ قالَ : بِاسمِ اللهِ

---

١ . بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٢٣ عن سليمان بن جعفر الجعفري.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٣٠ ح ٢٤ عن حمّاد بن عثمان، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٣ . ثواب الأعمال: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي سعيد الخدري، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٩٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٦٧ ح ٦؛ سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٢٥ ح ٥٠٩٥ عن أنس، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٦ عن أبي هريرة وكلاهما نحوه، كنزالعمّال: ج ١٥ ص ٣٩٧ ح ٤١٥٣٧.

٤ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٥، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٠ ح ١٩٠٨، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٦٧ ح ١٧٧ مع تقديم وتأخير، كنزالعمّال: ج ٧ ص ١٤٣ ح ١٨٤١٧.

٥ . المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٩٦ ح ٩٨٤ عن يزيد بن خصيفة عن أبيه عن جدّه، كنزالعمّال: ج ١٥ ص ٣٩٨ ح ٤١٥٣٩.

اعظم خدا، نزدیک‌تر از سیاهیِ چشم به سفیدی آن باشد. نام اعظم خدا، در این جمله جای دارد.

۱۷۶۸ . **امام صادق**ﷺ: هر کس هنگامی که نماز صبح را می‌خواند، [پس از نماز] صد بار بگوید: «هر چه خدا خواهد، همان می‌شود. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، در آن روز، ناراحتی نمی‌بیند.

۳/۵
هنگام بیرون رفتن از خانه

۱۷۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هنگامی که از خانه‌اش خارج شد، بگوید: «به نام خدا»، دو فرشته می‌گویند: «هدایت شدی»، و چون بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، می‌گویند: «نگهداری شدی»، و چون بگوید: «بر خدا توکّل کردم»، می‌گویند: «کفایت شدی». پس شیطان می‌گوید: «من با بنده‌ای که هدایت و نگهداری و کفایت شده است، چه کنم؟!».

۱۷۷۰ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: پیامبرﷺ هرگاه از خانه‌اش خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. توکّل بر خدا».

۱۷۷۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه یکی از شما از خانه‌اش خارج شد، بگوید: «به نام خدا. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. هر چه خدا خواهد! بر خدا توکّل کردم. خدا، مرا بس است و او نیکو کارگزاری است».

۱۷۷۲ . **الکافی** ـ به نقل از ابو حمزه، دربارهٔ امام باقرﷺ ـ: هرگاه از خانه خارج می‌شد، می‌گفت: "به نام خدا. خارج شدم و بر خدا، توکّل کردم. هیچ نیرو و توانی

خَرَجتُ، وعَلَى اللهِ تَوَكَّلتُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[١]

١٧٧٣ . الإمام الصادق عليه السلام: مَن يَخرُجُ في سَفَرٍ وَحدَهُ فَليَقُل : ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، اللّهُمَّ آنِس وَحشَتي، وأعِنّي عَلىٰ وَحدَتي، وأدِّ غَيبَتي.[٢،٣]

١٧٧٤ . الإمام الرضا عليه السلام: كانَ أبي عليه السلام إذا خَرَجَ مِن مَنزِلِهِ قالَ : بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، خَرَجتُ بِحَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ لا بِحَولٍ مِنّي[٤] ولا قُوَّتي، بَل بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ يا رَبِّ، مُستَعرِضاً لِرِزقِكَ، فَأتِني بِهِ في عافِيَةٍ.[٥]

١٧٧٥ . عنه عليه السلام: إذا خَرَجتَ مِن مَنزِلِكَ في سَفَرٍ أو حَضَرٍ، فَقُل : «بِاسمِ اللهِ، آمَنتُ بِاللهِ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، فَتَلَقّاهُ[٦] الشَّياطينُ فَتَنصَرِفُ، وتَضرِبُ المَلائِكَةُ وُجوهَها، وتَقولُ : ما سَبيلُكُم عَلَيهِ وقَد سَمّى اللهَ، وآمَنَ بِهِ، وتَوَكَّلَ عَلَيهِ، وقالَ : ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ؟[٧]

---

١ . الكافي : ج ٢ ص ٥٤٣ ح ١٠، المحاسن : ج ٢ ص ٩٠ ح ١٢٣٨ عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد في آخره «قال محمّد بن سنان : فكان أبو الحسن الرضا عليه السلام يقول ذلك إذا خرج من منزله».

٢ . قال العلّامة المجلسي رحمه الله : «وأدِّ غَيبَتي» : الإسناد مجازي ؛ أي أدِّني [بمعنى أرجعني وأوصلني] عن غَيبَتي (مرآة العقول : ج ١٧ ص ١٨٢، وانظر لسان العرب : ج ١٤ ص ٢٦ «أدا»).

٣ . الكافي : ج ٤ ص ٢٨٨ ح ٤ عن عيسى بن عبد الله القمّي، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٢٤٣١، المحاسن : ج ٢ ص ٩٨ ح ١٢٥٦ كلاهما عن سليمان بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٢٨ ح ٤.

٤ . في بعض النسخ : «بلا حول منّي» كما في هامش المصدر.

٥ . الكافي : ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٧، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٦ ح ١١، المحاسن : ج ٢ ص ٩١ ح ١٢٤١ كلّها عن محمّد بن سنان، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٦٩ ح ١٣.

٦ . «فتلقّاه» قيل : في الكلام حذف ؛ يعني : فإنّ من قال ذلك تلقّاه، ويحتمل سقوطه. وقيل : الفاء للبيان، والضمير الغائب منصوب عائد إلى قائل هذا الكلام، وفيه التفات من الخطاب إلى الغيبة، إشارة إلى أنّ الحكم غير مخصوص بالمخاطب (مرآة العقول : ج ١٢ ص ٣٣٠).

٧ . الكافي : ج ٢ ص ٥٤٣ ح ١٢ عن الحسن بن الجهم، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٧٢ ح ٢٤١٦، المحاسن : ج ٢ ص ٨٨ ح ١٢٣٥ كلاهما عن عليّ بن أسباط، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٢٥ ح ١٨٣٠، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٥٠ ح ٤٦.

نیست، جز به یاری خدا"».

۱۷۷۳ . **امام صادق**ﷺ: هر کس به تنهایی سفر کرد، بگوید: "هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! انیسِ بی‌کسی من باش و بر تنهایی‌ام کمک فرما و مرا به سلامت، باز گردان"».

۱۷۷۴ . **امام رضا**ﷺ: پدرم [امام کاظم ﷺ] هرگاه از خانه‌اش خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. به نیرو و توان خدا، خارج شدم، نه به نیرو و توان خود، که به نیرو و توان تو ـ ای پروردگار من ـ، در جستجوی روزی تو. پس آن را به سلامت، به من برسان».

۱۷۷۵ . **امام رضا**ﷺ: هرگاه از خانه‌ات خارج شدی، در سفر باشد یا غیر سفر، بگو: «به نام خدا. به خدا ایمان دارم و به خدا توکّل می‌کنم. هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پس [هر کس چنین گوید و] شیاطین به او برخورند، بر می‌گردند و فرشتگان، بر چهرهٔ آنها می‌زنند و می‌گویند: چه راه تسلّطی است شما را بر او، در صورتی که نام خدا را برده و به او ایمان آورده و بر او توکّل کرده و گفته است: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؟

٤/٥
عِندَ دُخولِ المَسجِدِ

١٧٧٦ . جامع الأخبار: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُمنىٰ ويَقولُ: بِاسمِ اللهِ، وعَلَى اللهِ تَوَكَّلتُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ....[١]

٥/٥
السّوقُ

١٧٧٧ . رسول الله ﷺ: السّوقُ دارُ سَهوٍ وغَفلَةٍ، فَمَن سَبَّحَ فيها تَسبيحَةً كَتَبَ اللهُ لَهُ بِها أَلفَ أَلفِ حَسَنَةٍ، ومَن قالَ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ» كانَ في جِوارِ اللهِ تَعالىٰ ﷻ حَتّىٰ يُمسِيَ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. جامع الأخبار: ص ١٧٥ ح ٤١٧، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩.

٢. الفردوس: ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٧ عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمّال: ج ٤ ص ١٢٦ ح ٩٨٦٨ وراجع صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص ١٥٠ ح ٨٧ ومسند زيد: ص ٣٩٨.

۴/۵
هنگام وارد شدن به مسجد

۱۷۷۶ . **جامع الأخبار:** پیامبر خدا، هرگاه وارد مسجد می‌شد، نخست، پای راستش را می‌گذاشت و می‌گفت: «به نام خدا. بر خدا توکّل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا...».

۵/۵
در بازار

۱۷۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: بازار، سرای فراموشی و غفلت است. پس هر که در آن، یک «سبحان اللّه» بگوید، خداوند به ازای آن، برایش هزار هزار نیکی [و ثواب] می‌نویسد، و هر که بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، تا شب در پناه خدای متعال باشد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ السّادِسُ

الحَوقَلاتُ المأثورَةُ

١٧٧٨ . رسول الله ﷺ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ عَن يَميني، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ عَن شِمالي، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ بَينَ يَدَيَّ، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ مِن خَلفي، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ قابِضٌ عَلىٰ ناصِيَتي، أعوذُ بِاللهِ وبِعَظَمَتِهِ، وبِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ، وبِعِزِّ اللهِ وسُلطانِهِ، وبِعِزِّ جَلالِ اللهِ، وبِعِزِّ عِزِّ اللهِ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرأَ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرىٰ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.

لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، قُوَّةُ كُلِّ ضَعيفٍ وعَونُ كُلِّ فَقيرٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ، مَلجَأُ كُلِّ هارِبٍ ومَأوىٰ كُلِّ خائِفٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ، غِياثُ كُلِّ مَلهوفٍ ورَجاءُ كُلِّ مُضطَرٍّ.

لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أقي بِها نَفسي وديني وأهلي ومالي وجَميعَ نِعَمِ إلٰهي ومَولايَ وسَيِّدي عِندي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أنجو بِها مِن إبليسَ وخَيلِهِ ورَجِلِهِ[1] وشَياطينِهِ ومَرَدَتِهِ وأعوانِهِ وجَميعِ الإنسِ وَالجِنِّ وشُرورِهِم، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أمتَنِعُ بِها مِن ظُلمِ مَن أرادَ ظُلمي مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ

---

١ . خَيله ورَجِله: أي فُرسانه ورجّالته، فالرَّجِل اسم جمع للراجل (أنظر مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٨١ «رجل»).

فصل ششم

«لاحول ولاقوة الاباالله»های رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام

۱۷۷۸ . **پیامبر خدا**صلی‌الله‌علیه‌وآله: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت راستم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت چپم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پیشِ رویم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پشتِ سرم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» که مهار من، در کف اوست. پناه می‌برم به خدا و بزرگی او، و به عزّت خدا و نیروی او، و به عزّت خدا و سلطنت او، و به عزّتِ شکوه خدا، و به عزّت عزّت خدا از گزند آنچه آفرید و هستی بخشید و پدیدآورد، و از گزند آنچه زیر زمین است، و از گزند هر جنبنده‌ای که پروردگار من، زمام او را گرفته است. به راستی که پروردگار من، در راه راست است.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ که نیروی هر ناتوانی و کمک هر نیازمندی است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ که پناهگاه هر گریزنده‌ای و آسودگاه هر ترسانی است.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ که یاریگر هر غم زده‌ای و امید هر بی چاره‌ای است.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن (ذکر «لا حول و ...») خودم را و دینم را و خانواده‌ام را و دارایی‌ام را و همهٔ نعمت‌هایی را که معبودم و سَروَرم و آقایم به من داده است، نگه می‌دارم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، از ابلیس و لشکر سواره و پیادهٔ او و اهریمنان و دیوهای او (دار و دسته‌اش) و یارانش و همهٔ آدمیان و جنّیان و گزندهای آنها می‌رَهَم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، خود را از ستم هر که بخواهد به من ستم کند، از همهٔ آفریدگان خدا، حفظ می‌کنم.

إلّا بِاللهِ، أُتعِسُ[١] بِها جَدَّ مَن بَغىٰ عَلَيَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أكُفُّ بِها عُدوانَ مَنِ اعتَدىٰ عَلَيَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ أُضعِفُ بِها كَيدَ مَن كادَني مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُزيلُ بِها مَكرَ مَن مَكَرَني مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُبطِلُ بِها سَعيَ مَن سَعىٰ عَلَيَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُذِلُّ بِها جَميعَ مَن تَعَزَّزَ عَلَيَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُوهِنُ بِها مُستَوهِني مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أقصِمُ بِها ظالِمي مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أقدِرُ بِها عَلىٰ ذَوِي القُدرَةِ عَلَيَّ مِن جَميعِ خَلقِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أدفَعُ بِها شَرَّ مَن أرادَني مِن جَميعِ خَلقِ الله، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، استِعانَةً بِعِزَّةِ اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، استِجارَةً بِقُدرَةِ اللهِ.

لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَعينُ بِها عَلىٰ مَحيايَ ومَماتي وعِندَ نُزولِ المَوتِ ومُعالَجَةِ سَكَراتِهِ وغَمَراتِهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُحَصِّنُ بِها روحي وأعضائي وشَعري وبَشَري إذا دَخَلتُ قَبري فَريداً وَحيداً خالِياً بِعَمَلي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَعينُ بِها عَلىٰ مَحشَري إذا نُشِرَت لي صَحيفَتي ورَأَيتُ ذُنوبي وخَطاياي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، إذا طالَ فِي القِيامَةِ وُقوفي وَاشتَدَّ عَطَشي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أُثقِلُ بِهَا الميزانَ عِندَ الجَزاءِ إذَا اشتَدَّ خَوفي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أجوزُ بِهَا الصِّراطَ مَعَ الأَولِياءِ وأُثَبِّتَ بِها قَدَمي.

لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَقِرُّ بِها في دارِ القَرارِ مَعَ الأَبرارِ، عَدَدَ ما قالَها وما

---

١. التُّعس: الهلاك والعثار والسقوط والانحطاط (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٠٢ «تعس»).

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد بر من ستم کند، ناکام و نگون بخت می‌سازم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، تجاوز هر یک از آفریدگان خدا را که بر من تعدّی کند، باز می‌دارم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، نیرنگ هر یک از آفریدگان خدا را که با من نیرنگ کند، ناکارآمد می‌گردانم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، فریبکاری هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد فریبم دهد، از بین می‌برم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، مکر هر یک از آفریدگان خدا را که علیه من بکوشد، خنثا می‌کنم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من بزرگی بفروشد، خوار می‌گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد مرا سست کند، سست می‌گردانم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، هر یک از آفریدگان خدا را که بر من ستم کند، در هم می‌شکنم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، بر هر یک از آفریدگان خدا که بر من توانا باشد، فائق می‌آیم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، گزند هر یک از آفریدگان خدا را که بخواهد به من گزند برساند، دفع می‌کنم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، از عزّت خدا کمک می‌جویم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، خود را در پناه قدرت خدا در می‌آورم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. از آن، در زیستنم و مُردنم و هنگام فرا رسیدن مرگ و فرو رفتن در بیهوشی‌ها و دهشت‌زایی‌های مرگ، کمک می‌گیرم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، روحم و اندام‌هایم و مویم و پوستم را، آن گاه که یکّه و تنها و تهی دست از عمل به گورم در آیم، حفظ می‌کنم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. از آن، در رستاخیزم، آن گاه که کارنامه‌ام برایم گشوده شود و گناهان و خطاهایم را ببینم، کمک می‌گیرم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، آن گاه که در قیامت، درنگم [در محشر و رسیدگی به اعمال] به درازا کشد و تشنگی‌ام شدّت گیرد.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، ترازوی [اعمال] خود را در آن هنگام که بخواهند پاداش دهند و ترسم بالا می‌گیرد، سنگین می‌کنم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، همراه با اولیا (/دوستان) از صراط

يَقولُها القائِلونَ مُنذُ أوَّلِ الدَّهرِ إلىٰ آخِرِهِ، وعَدَدَ ما أحصاهُ كِتابُهُ وأحاطَ بِهِ عِلمُهُ، وأضعافَ ذٰلِكَ أضعافاً مُضاعَفَةً، وكُلُّ ضِعفٍ يَتَضاعَفُ أضعافَ ذٰلِكَ أضعافاً مُضاعَفَةً أبَدَ الآبِدينَ، ومُنتَهَى العَدَدِ بِلا أمَدٍ، عَدَداً لا يُحصيهِ إلّا هُوَ، ولا يُحيطُ بِهِ إلّا عِلمُهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ.[١]

١٧٧٩ . **البلد الأمين:** دُعاءُ التَّهليلِ، مَرويٌّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ : بَسمِل وقُل : لا إلٰهَ إلّا اللهُ ـ ثَلاثاً ـ... ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَليِّ العَظيمِ ـ ثَلاثاً ـ بِعَدَدِ ما قالَهُ القائِلونَ ...[٢]

١٧٨٠ . **سنن أبي داوود عن عائشة بنت سعد بن أبي وقّاص عن أبيها:** أنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسولِ اللهِ ﷺ عَلىٰ امرَأَةٍ وبَينَ يَدَيها نَوىً أو حَصىً تُسَبِّحُ بِهِ، فَقالَ : أُخبِرُكِ بِما هُوَ أيسَرُ عَليكِ مِن هٰذا أو أفضَلُ. فَقالَ :

سُبحانَ اللهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِي السَّماءِ، وسُبحانَ اللهِ عَدَدَ ما خَلَقَ فِي الأَرضِ، وسُبحانَ اللهِ عَدَدَ ما خَلَقَ بَينَ ذٰلِكَ، وسُبحانَ اللهِ عَدَدَ ما هُوَ خالِقٌ، وَاللهُ أكبَرُ مِثلَ ذٰلِكَ، وَالحَمدُ لِلّهِ مِثلَ ذٰلِكَ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ مِثلَ ذٰلِكَ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ مِثلَ ذٰلِكَ.[٣]

١٧٨١ . **الكافي عن ابن الطيّار:** قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ : إنَّهُ كانَ في يَدي شَيءٌ تَفَرَّقَ وضِقتُ ضيقاً شَديداً. فَقالَ لي ألَكَ حانوتٌ فِي السُّوقِ؟ قُلتُ : نَعَم، وقَد تَرَكتُهُ.

فَقالَ : إذا رَجَعتَ إلَى الكوفَةِ فَاقعُد في حانوتِكَ وَاكنُسهُ، فَإذا أرَدتَ أن تَخرُجَ

---

١ . البلد الأمين : ص ٣٧٣، المصباح للكفعمي : ص ٣٦٤.

٢ . البلد الأمين : ص ٣٧٤، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢٠٢ ح ٣٣.

٣ . سنن أبي داوود : ج ٢ ص ٨١ ح ١٥٠٠، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٦٢ ح ٣٥٦٨، المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٧٣٢ ح ٢٠٠٩ نحوه، كنز العمّال : ج ٢ ص ٩٩٢ ح ٣٧٠٧.

بگذرم و به واسطهٔ آن، گامَم را استوار گردانم.

هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطهٔ آن، همراه با نیکان، در سرای ماندگاری جای می‌گیرم، به شمارِ آنچه گویندگان، از آغاز روزگار تا پایان آن [ذکر «لا حول و...»] گفته‌اند و خواهند گفت، و به شمارِ آنچه کتاب او بر شمرده و علم او، آنها را در میان گرفته است و [بلکه] چند برابر آنها، و هر چند برابر آنها، چندین و چند برابر تا همیشهٔ همیشه، و تا بی‌شمارانِ بی‌زمان، شماری که جز او، کسی از عهدهٔ شمارش آنها برنمی‌آید و جز او، کسی بدان علم نداشته باشد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ.

۱۷۷۹ . **البلد الأمین:** دعای «معبودی جز خدا نیست» از پیامبرﷺ روایت شده [و در آن آمده است]: «بگو به نام خدا و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ (سه مرتبه) به شمارِ آنچه گویندگان، گفته‌اند...».

۱۷۸۰ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از عایشه دختر سعد بن ابی وقّاص ـ پدر او (عایشه) با پیامبرﷺ بر زنی وارد شد که در برابرش مقداری هسته یا ریگ بود و با آنها تسبیح می‌گفت. پیامبرﷺ به او فرمود: «تو را چیزی بیاموزم که برایت آسان‌تر یا بهتر از این باشد؟».

آن گاه فرمود: «پاکا خدا، به شمارِ آنچه در آسمان، آفریده است! پاکا خدا، به شمارِ آنچه در زمین، آفریده است! پاکا خدا، به شمارِ آنچه میان آن دو آفریده است! پاکا خدا، به شمارِ آفرینندگی او! بزرگا خدا، به همین اندازه‌ها. ستایش، خدای را، به همین اندازه‌ها. معبودی جز خدا نیست، به همین اندازه‌ها. هیچ نیرو و توانی نیست، به همین اندازه‌ها.

۱۷۸۱ . **الکافی** ـ به نقل از ابن طیّار ـ: به امام صادقؑ گفتم: سرمایه‌ای داشتم که بر باد رفت و در مضیقهٔ شدیدی به سر می‌برم.

امامؑ به من فرمود: «آیا دکانی در بازار داری؟».

گفتم: آری؛ امّا رهایش کرده‌ام.

فرمود: «چون به کوفه برگشتی، دکانت را بگشا و آن را جارو کن. هرگاه

إلىٰ سوقِكَ فَصَلِّ رَكعَتَينِ أو أربَعَ رَكَعاتٍ، ثُمَّ قُل في دُبُرِ صَلاتِكَ: تَوَجَّهتُ بِلا حَولٍ مِنّي ولا قُوَّةٍ ولٰكِن بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ، أبرَأُ إلَيكَ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّةِ إلّا بِكَ، فَأنتَ حَولي ومِنكَ قُوَّتي.[١]

١٧٨٢ . **الإمام الرضا**ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أبرَأُ إلَيكَ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّةِ، فَلا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِكَ.[٢]

١٧٨٣ . **الإمام الصادق**ﷺ: إذا أرَدتَ التَّوَجُّهَ في يَومٍ قَد حُذِّرتَ فيهِ[٣]، فَقَدِّم أمامَ تَوَجُّهِكَ «الحَمدُ للّٰهِ رَبِّ العالَمينَ» وَالمُعَوِّذَتَينِ و... قُل:

اللّٰهُمَّ بِكَ يَصولُ الصّائِلُ، وبِقُدرَتِكَ يَطولُ الطائِلُ، ولا حَولَ لِكُلِّ ذي حَولٍ إلّا بِكَ، ولا قُوَّةَ يَمتازُها[٤] ذو قُوَّةٍ إلّا مِنكَ.[٥]

١٧٨٤ . **الإقبال** ـ في دُعاءِ يَومِ عَرَفَةَ ـ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ قُوَّةِ كُلِّ ضَعيفٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ عِزِّ كُلِّ ذَليلٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ غِنىٰ كُلِّ فَقيرٍ، ولا حَولَ

---

١. الكافي: ج ٣ ص ٤٧٤ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢١٢ ح ٩٦٧ عن أبي الطيّار، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٦٧ ح ٨٤.

٢. الاعتقادات للصدوق: ص ٩٩، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٣٤٣ ح ٢٥.

٣. في مصباح المتهجّد: «في يومٍ قد حُذّر من التصرّف فيه»، وفي الدروع الواقية: «في يوم نحس وخفت ما فيه». الظاهر أنّ المراد به هو السفر أو الإتيان بأعمال خاصّة في هذه الأيّام. وفي مكارم الأخلاق: ما يُقالُ إذَا اضطُرَّ الإنسانُ إلَى التَّوَجُّهِ في أحَدِ الأيّامِ الّتي نُهِيَ عَنِ السَّعيِ فيها، في دُبُرِ كُلِّ فَريضَةٍ وهُوَ مِن أدعِيَةِ الفَرَجِ:

لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أحُلُّ بِها كُلَّ عُقدَةٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أجلو بِها كُلَّ ظُلمَةٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أفتَحُ بِها كُلَّ بابٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أستَعينُ بِها عَلىٰ كُلِّ شِدَّةٍ ومُصيبَةٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أستَعينُ بِها عَلىٰ كُلِّ أمرٍ يَنزِلُ بي، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أعتَصِمُ بِها مِن كُلِّ مَحذورٍ أحاذِرُهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ أستَوجِبُ بِهَا العَفوَ وَالعافِيَةَ وَالرِّضا مِنَ اللّٰهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ، تَفَرَّقَ أعداءُ اللّٰهِ، وغَلَبَت حُجَّةُ اللّٰهِ، وبَقِيَ وَجهُ اللّٰهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ (مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٨٩).

٤. يمتازها: أي يمتاز بها. وفي الدروع الواقية والبحار في ثلاثة مواضع: «يمتارها». قال المجلسيﷺ: الامتيار: جلب الطعام، واستعير هنا لطلب المعونة والقوّة (بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٥٠).

٥. الأمالي للطوسي: ص ٢٧٧ ح ٥٢٩ عن سليمان الديلمي، مصباح المتهجّد: ص ٢١٢، الدروع الواقية: ص ٤٩، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٢٥ ح ٧.

خواستی برای رفتن به دکانت در بازار، از خانه خارج شوی، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و سپس در پیِ نمازت بگو: "بیرون می‌روم، نه با تکیه بر نیرو و توان خودم؛ بلکه با نیرو و توان تو. از هر نیرو و توانی برائت می‌جویم، جز نیرو و توان تو، که تو نیروی منی و توان من، از توست".

۱۷۸۲ . **امام رضا**ؑ: بار خدایا! من از [هر] نیرو و توانی [، جز نیرو و توان تو] به درگاه تو برائت می‌جویم؛ زیرا هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری تو.

۱۷۸۳ . **امام صادق**ؑ: هرگاه خواستی در روزی که در آن [از کار خاصّی] برحذر داشته شده‌ای،[1] بیرون بروی، پیش از خارج شدن، بگو: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است» و معوّذتین (سورهٔ فلق و ناس) را بخوان و... بگو: «بار خدایا! به [نیرودهی] توست که حمله‌گر، حمله می‌کند، و با توان توست که توانمند، غلبه می‌کند، و هیچ نیرومندی را، جز به واسطهٔ تو نیرویی نیست، و هیچ توانمندی را توانی متمایز نباشد، مگر از جانب تو.

۱۷۸۴ . **الاقبال** ـ در دعای «روز عرفه» ـ: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که توانِ هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزّتبخش هر خواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مایهٔ توانگری هر

---

۱ . ظاهراً مقصود، سفر کردن یا انجام دادن کار خاصّی در ایّام نحس است. در کتاب مکارم الأخلاق آمده: دعایی که هرگاه انسان ناچار شود در یکی از روزهایی که از انجام دادن کار [خاصّی] در آن نهی شده است، برای کار خارج شود. این دعا در پیِ هر نماز واجبی خوانده شود و از دعاهای گشایش [در کارها] است.

با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، هر گِرهی را می‌گشایم. با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، هر تاریکی را می‌زدایم. با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، هر دری را باز می‌کنم. از «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در برابر هر سختی و مصیبتی کمک می‌گیرم. از «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در برابر هر دشواری و گرفتاری‌ای که به من می‌رسد، کمک می‌گیرم. با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، خود را از هر خطری که از آن حذر دارم، مصون می‌دارم. با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، خویشتن را سزاوار گذشت و عافیت و خشنودی خدا می‌سازم. با «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، دشمنان خدا، تار و مار گشتند و حجّت خدا، چیره گشت، و تنها رویِ خدا باقی ماند. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا.

ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عَونِ كُلِّ مَظلومٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ مـونِسِ كُـلِّ وَحـيدٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ فَكاكِ كُلِّ أسيرٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِـاللهِ مَـلجَأِ كُـلِّ مَهمومٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ دافِعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ كاشِفِ كُلِّ كُربَةٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ صاحِبِ كُلِّ سَريرَةٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ مَوضِعِ كُلِّ رَزِيَّةٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ الفَعّالِ لِما يُريدُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ رازِقِ العِبادِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عَدَدَ ما خَلَقَ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ غايَةِ كُلِّ طالِبٍ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ سَرمَداً أبَداً لا يَنقَطِعُ أبَداً، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عَدَدَ الشَّفعِ وَالوَترِ.[1]

١٧٨٥. **بحار الأنوار** ـ في دُعاءِ الإخلاصِ ـ: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ قُوَّةِ كُلِّ ضَعيفٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ عِزِّ كُلِّ ذَليلٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ غِنىٰ كُلِّ فَقيرٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ فَرَجِ كُلِّ مَكروبٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ وَلِيِّ كُلِّ نِعمَةٍ وصاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ، لا حَول ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ كاشِفِ كُلِّ كُربَةٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ المُطَّلِعِ عَلىٰ كُلِّ خَفِيَّةٍ، لا حَولَ ولا قُـوَّةَ إلّا بِـاللهِ المُحيطِ بِكُلِّ سَريرَةٍ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ الشّاهِدِ لِكُلِّ نَجوىٰ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ اللَّطيفِ بِعِبادِهِ عَلىٰ فَقرِهِم وغِناهُ عَنهُم ومَلَكَتِهِ إيّاهُم، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ تَفويضاً إلَى اللهِ ولَجأً إلَيهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ اعتِزازاً وتُوَكُّـلاً عَـلَيهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ استِغاثَةً بِاللهِ وغِناءً عَن كُلِّ أحَدٍ سِواهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ تَمَسُّكاً بِاللهِ وَاعتِصاماً بِحَبلِهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، الحَليمِ الكَريمِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، الَّذي لَيسَ كَمِثلِهِ شَيءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ.[2]

---

١. الإقبال: ج ٢ ص ١٦١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٧٠.

٢. بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣١٩ ح ٤٣ نقلاً عن أصل قديم من مؤلّفات قدماء الأصحاب.

درویشی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که یاور هر ستم دیده‌ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مونس هر تنهایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که آزاد کنندهٔ هر در بندی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که پناهگاه هر خسته‌دلی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که دور کنندهٔ هر بدی‌ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که زدایندهٔ هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با هر رازی [و نهانی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که جایگاه هر بلایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که آنچه اراده کند، انجام می‌دهد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که روزی‌ده بندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمار آنچه آفرید. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مقصد نهاییِ هر جوینده‌ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا برای همیشه و تا ابد و هرگز قطع نمی‌شود. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمارِ جفت و تک.

۱۷۸۵. **بحار الأنوار** ـ در «دعای اخلاص» ـ: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که نیرو دهندهٔ هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزّتبخش هرخواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بی‌نیاز کنندهٔ هر نیازخواهی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که شاد کنندهٔ هر غم زده‌ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که صاحب هر نعمت و دارندهٔ هر نیکی‌ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که برطرف کنندهٔ هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که از هر پوشیده‌ای آگاه است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بر هر رازی (نهانی) احاطه دارد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که گواه هر نجوایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با بندگانش با آن که نیازمندند و او از آنها بی‌نیاز است و مالک آنهاست، مهرورز است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای واگذاردن [کارهایم] به خدا و پناه بردن به او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای نازیدن به او و توکّل کردن بر او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای کمک جستن از خدا و بی‌نیازی از هر کس جز او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای دست یازیدن به دامن خدا و چنگ زدن به ریسمان او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ بردبار بزرگوار مهرگسترِ مهربانی که هیچ چیز همانندش نیست و شنوا و بیناست.

الفَصلُ السَّابِعُ

الحَثُّ عَلَى الإستِثناءِ بِمَشِيَّةِ اللهِ

١ / ٧
الإستِثناءُ في الكَلامِ

الكتاب

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا﴾.[1]

الحديث

١٧٨٦ . رسول الله ﷺ: إنَّ مِن إتمامِ إيمانِ العَبدِ أن يَستَثنِيَ[2] في كُلِّ حَديثٍ.[3]

١٧٨٧ . عنه ﷺ: لا يَتِمُّ إيمانُ عَبدٍ حَتّىٰ يَستَثنِيَ في كُلِّ حَديثِهِ أو كَلامِهِ.[4]

١٧٨٨ . الدرّ المنثور عن ابن عبّاس: إنَّ قُرَيشاً بَعَثوا خَمسَةَ رَهطٍ ـ مِنهُم عُقبَةُ بنُ أبي مُعَيطٍ وَالنَّضرُ بنُ الحارِثِ ـ إلَى المَدينَةِ، يَسألونَ اليَهودَ عَن رَسولِ اللهِ ﷺ، ووَصَفوا لَهُم صِفَتَهُ، فَقالوا لَهُم: نَجِدُ نَعتَهُ وصِفَتَهُ ومَبعَثَهُ فِي التَّوراةِ، فَإن كانَ كَما وَصَفتُم لَنا فَهُوَ

---

١. الكهف: ٢٣ و ٢٤.

٢. أي يعقب كلّ حديث يمكن تعليقه بقوله: إن شاء الله (فيض القدير: ج ٢ ص ٦٨١).

٣. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٧١ ح ٧٧٥٦ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٥ ح ٥٤٦٨.

٤. الفردوس: ج ٥ ص ١٥٧ ح ٧٨٠٦ عن أبي هريرة.

فصل هفتم

تشویق به گفتن: (ان شاءالله «اگر خدا بخواهد»)

۱/۷

گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار

قرآن

﴿و زنهار! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد». و چون فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است، هدایت کند»﴾.

حدیث

۱۷۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: نشانهٔ کامل بودن ایمان بنده، آن است که در هر سخنی بگوید: «اگر خدا خواهد (إن شاء الله)».

۱۷۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: ایمان هیچ بنده‌ای کامل نیست، مگر آن‌که در هر سخنش یا گفتارش، جمله «اگر خدا خواهد» را بگوید.

۱۷۸۸ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: قریش، یک گروه پنج نفره، از جمله عقبة بن ابی معیط و نضر بن حارث را به مدینه فرستادند تا از یهود، در بارهٔ پیامبر خدا بپرسند. آنان، اوصاف و خصوصیات پیامبرﷺ را برایشان، بازگو کردند. یهودیان به آن گروه گفتند: خصوصیت و اوصاف و معبوث شدن او در تورات،

نَبِيٌّ مُرسَلٌ وأمرُهُ حَقٌّ فَاتَّبِعوهُ، ولٰكِن سَلوهُ عَن ثَلاثِ خِصالٍ، فَإِنَّهُ يُخبِرُكُم بِخَصلَتَينِ ولا يُخبِرُكُم بِالثّالِثَةِ إن كانَ نَبِيّاً، فَإِنّا قَد سَأَلنا مُسَيلَمَةَ الكَذّابَ عَن هٰؤُلاءِ الثَّلاثِ فَلَم يَدرِ ما هِيَ.

فَرَجَعَتِ الرُّسُلُ إلىٰ قُرَيشٍ بِهٰذَا الخَبَرِ مِنَ اليَهودِ، فَأَتَوا رَسولَ اللهِ ﷺ، فَقالوا: يا مُحَمَّدُ، أخبِرنا عَن ذِي القَرنَينِ الَّذي كانَ بَلَغَ المَشرِقَ وَالمَغرِبَ، وأخبِرنا عَنِ الرُّوحِ، وأخبِرنا عَن أصحابِ الكَهفِ.

فَقالَ: أُخبِرُكُم بِذٰلِكَ غَداً. ولَم يَقُل: إن شاءَ اللهُ.

فَأَبطَأَ عَلَيهِ جِبريلُ عليه السلام خَمسَةَ عَشَرَ يَوماً فَلَم يَأتِهِ لِتَركِ الاِستِثناءِ، فَشَقَّ ذٰلِكَ عَلىٰ رَسولِ اللهِ ﷺ، ثُمَّ أتاهُ جَبرَئيلُ عليه السلام بِما سَأَلوهُ، فَقالَ: يا جِبريلُ، أبطَأتَ عَلَيَّ! فَقالَ: بِتَركِكَ الاِستِثناءَ. ألا تَقولُ: إن شاءَ اللهُ. قالَ: ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾ ثُمَّ أخبَرَهُ بِخَبَرِ ذِي القَرنَينِ وخَبَرِ الرّوحِ وأصحابِ الكَهفِ.

ثُمَّ أرسَلَ إلىٰ قُرَيشٍ فَأَتَوهُ فَأَخبَرَهُم عَن حَديثِ ذِي القَرنَينِ، وقالَ لَهُم: الرّوحُ مِن أمرِ رَبّي، يَقُولُ: مِن عِلمِ رَبّي لا عِلمَ لي بِهِ. فَلَمّا وافَقَ قَولَ اليَهودِ أنَّهُ لا يُخبِرُكُم بِالثّالِثِ ﴿قَالُواْ سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا﴾ تَعاوَنا ـ يَعنونَ التَّوراةَ وَالفُرقانَ ـ ﴿وَقَالُوٓاْ إِنَّا بِكُلٍّ كَٰفِرُونَ﴾[1]. وحَدَّثَهُم بِحَديثِ أصحابِ الكَهفِ.[2]

١٧٨٩. رسول الله ﷺ: لَولا أنَّ بَني إسرائيلَ قالوا: ﴿وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهْتَدُونَ﴾[3] ما أُعطوا أبَداً.[4]

---

١. القصص: ٤٨.

٢. الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٣٥٧ نقلاً عن أبي نعيم في الدلائل.

٣. البقرة: ٧٠.

٤. الدرّ المنثور: ج ١ ص ١٨٩ عن ابن أبي حاتم وابن مردويه عن أبي هريرة.

آمده است. اگر به راستی او چنان است که شما برایمان وصف کردید. پس او پیامبر و فرستادهٔ الهی است و بر حقّ است. پس، از او پیروی کنید؛ امّا دربارهٔ سه موضوع از او سؤال کنید. اگر پیامبر باشد، دربارهٔ دو موضوع آن به شما خبر می‌دهد و از سومی خبر نمی‌دهد؛ زیرا ما از مسیلمه کذّاب، دربارهٔ این سه موضوع پرسیدم و او از آنها چیزی نمی‌دانست.

فرستادگان، با این پاسخ یهود، نزد قریش باز گشتند و نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند: ای محمّد! ما را از ذوالقرنین ـ که به مشرق و مغرب رسیده بود ـ و از روح و از اصحاب کهف، خبر ده.

حضرت فرمود: «فردا از اینها به شما خبر می‌دهم» و نگفت: اگر خدا خواهد!

به سبب ترک همین جملهٔ «اگر خدا خواهد»، جبرئیلؑ پانزده روز پیامبرﷺ را منتظر گذاشت و بر او فرود نیامد. این امر، پیامبر خدا را اندوهگین ساخت. پس از پانزده روز، جبرئیلؑ پاسخ پرسش‌های آنها را برای ایشان آورد. پیامبرﷺ فرمود: «دیرکردی، جبرئیل!».

جبرئیل گفت: چون «اگر خدا خواهد» نگفتی. چرا نگفتی: «اگر خدا خواهد!». [سپس] گفت: ﴿و زنهار! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد»﴾. سپس داستان ذوالقرنین و روح و اصحاب کهف را به او گزارش داد.

آن گاه پیامبرﷺ، در پیِ قریش فرستاد. قریش آمدند و ایشان، داستان ذوالقرنین را به آنان، خبر داد و فرمود: «روح، از امرِ پروردگار من است»؛ یعنی از علمِ پروردگار من است و من، از آن آگاهی ندارم».

قریش، چون دیدند پاسخ پیامبرﷺ با این سخن یهود که گفته بودند او شما را از پرسش سوم خبر نمی‌دهد، سازگار درآمد، ﴿گفتند: دو جادو با هم ساخته‌اند﴾ (مقصودشان تورات و قرآن بود) ﴿و گفتند: ما همه را منکریم﴾. سپس پیامبرﷺ داستان اصحاب کهف را هم برایشان گفت.

۱۷۸۹. پیامبر خداﷺ: اگر بنی اسرائیل نگفته بودند: ﴿وما، اگر خدا خواهد، حتماً هدایت خواهیم شد﴾، هرگز به خواسته‌شان (دست یافتن به گاو مورد نظر) نمی‌رسیدند.

١٧٩٠ . سنن ابن ماجة عن أُسامة بن زيد: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ ذاتَ يَومٍ لِأَصحابِهِ : أَلا مُشَمِّرٌ لِلجَنَّةِ؟ فَإِنَّ الجَنَّةَ لا خَطَرَ لَها[1]، هِيَ ورَبِّ الكَعبَةِ نورٌ يَتَلَألَأُ، ورَيحانَةٌ تَهتَزُّ، وقَصرٌ مَشيدٌ، ونَهرٌ مُطَّرِدٌ، وفاكِهَةٌ كَثيرَةٌ نَضيجَةٌ، وزَوجَةٌ حَسناءُ جَميلَةٌ، وحُلَلٌ كَثيرَةٌ في مَقامٍ أَبَداً، في حَبرَةٍ ونَظرَةٍ، في دورٍ عالِيَةٍ سَليمَةٍ بَهِيَّةٍ.

قالوا : نَحنُ المُشَمِّرونَ لَها يا رَسولَ اللهِ.

قالَ : قولوا : إن شاءَ اللهُ.[2]

١٧٩١ . الإمام الباقر عليه السلام: جاءَ إلَى النَّبِيِّ ﷺ سائِلٌ يَسأَلُهُ، فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : هَل مِن أَحَدٍ عِندَهُ سَلَفٌ؟ فَقامَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ مِن بَنِي الحُبلىٰ[3] فَقالَ : عِندي يا رَسولَ اللهِ. قالَ : فَأَعطِ هٰذَا السّائِلَ أربَعَةَ أوساقٍ[4] تَمرٍ، قالَ : فَأَعطاهُ.

قالَ : ثُمَّ جاءَ الأَنصارِيُّ بَعدُ إلَى النَّبِيِّ ﷺ يَتَقاضاهُ، فَقالَ لَهُ: يَكونُ إن شاءَ اللهُ. ثُمَّ عادَ إلَيهِ الثّانِيَةَ، فَقالَ لَهُ : يَكونُ إن شاءَ اللهُ. ثُمَّ عادَ إلَيهِ الثّالِثَةَ، فَقالَ : يَكونُ إن شاءَ اللهُ. فَقالَ : قَد أَكثَرتَ يا رَسولَ اللهِ مِن قَولِ : يَكونُ إن شاءَ اللهُ!

قالَ : فَضَحِكَ رَسولُ اللهِ، وقالَ: هَل مِن رَجُلٍ عِندَهُ سَلَفٌ؟ قالَ : فَقامَ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ: عِندي يا رَسولَ اللهِ، قالَ : وكَم عِندَكَ! قالَ : ما شِئتَ.

قالَ : فَأَعطِ هٰذا ثَمانِيَةَ أوسُقٍ مِن تَمرٍ، فَقالَ الأَنصارِيُّ : إنَّما لي أربَعَةٌ يا

---

١ . لا خَطَرَ لها: أي لا عِوَض لها ولا مِثل (النهاية: ج ٢ ص ٤٦ «خطر»).

٢ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٤٤٨ ح ٤٣٣٢، كنز العمّال: ج ٤ ص ٤٤٧ ح ١١٣٣٦ وج ١٤ ص ٤٥٢ ح ٣٩٢٢٧.

٣ . بنو الحبلى: بطن من الخزرج من الأنصار، والحبلى: لقب أبيهم سالم بن غنم بن عوف بن الخزرج، لقّب به لعظم بطنه (تاج العروس: ج ١٤ ص ١٣٧ «حبل»).

٤ . الوَسق: مكيال قدره ستّون صاعاً حوالي ١٨٠ كغم (معجم ألفاظ الفقه الجعفري: ص ٤٤٤). والأصل في الوسق: الحِمْل (النهاية: ج ٥ ص ١٨٥ «وسق»).

۱۷۹۰ . سنن ابن ماجة ـ به نقل از اُسامة بن زید ـ روزی پیامبر خدا به یارانش فرمود: «آیا کسی نیست که برای بهشت، دامن همّت به کمرزند؟ زیرا که هیچ چیز، جای بهشت را نمی‌گیرد. به خداوند کعبه سوگند که بهشت، نوری است که می‌درخشد، وگلزاری است که پیچ و تاب می‌خورد، و کاخی است افراشته، و رودی است روان، و میوه‌زاری است انبوه، با میوه‌های رسیده، و همسرانی زیبا و خوش‌سیما، و جامه‌هایی فراوان در جایباشی جاویدان، با شادمانی و خرّمی، در خانه‌هایی بلند و بی‌نقص و باشکوه!

یاران گفتند: ما برای آن، دامن همّت به کمر می‌زنیم، ای پیامبر خدا.

حضرت فرمود: «بگویید، اگر خدا خواهد!».

۱۷۹۱ . امام باقرﷺ: مردی نزد پیامبرﷺ آمد و از او، چیزی خواست. پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که قرض دهد؟».

مردی از انصار، از تیرهٔ بنی حُبلی[۱]، برخاست و گفت: من، ای پیامبر خدا.

فرمود: «پس چهار بارِ شتر، خرما به این مرد بده».

او داد. پس از مدّتی، آن مرد انصاری نزد پیامبرﷺ آمد و طلبش را خواست.

پیامبرﷺ به او فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!».

برای بار دوم آمد و طلبش را خواست، پیامبرﷺ دوباره فرمود: باشد، اگر خدا بخواهد!

بار سوم آمد و طلبید. باز فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!

مرد گفت: ای پیامبر خدا! چه قدر فرمودی: باشد، اگر خدا خواهد؟!

پیامبر خدا، خندید و فرمود: «آیا مردی هست که قرض بدهد؟».

مردی برخاست و گفت: من، ای پیامبر خدا.

فرمود: «چه قدر داری؟».

گفت: هر قدر بخواهی.

فرمود: «پس، هشت بارِ شتر، خرما به او بده».

مرد انصاری گفت: من فقط چهار بار طلب داشتم، ای پیامبر خدا.

---

۱ . بنو حبلی، تیره‌ای از خزرج از انصار بوده است. حُبلی، لقب پدرشان سالم بن غنم بن عوف بن خزرج است که چون شکم بزرگی داشت، به این لقب، نامیده شد.

رَسولَ اللهِ، قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ : وأربَعَةٌ أيضاً.[١]

١٧٩٢ . الإمام الصادق عليه السلام: ما سُئِلَ رَسولُ اللهِ ﷺ شَيئاً قَطُّ فَقالَ : لا ؛ إن كانَ عِندَهُ أعطاهُ، وإن لَم يَكُن عِندَهُ قالَ : يَكونُ إن شاءَ اللهُ.[٢]

١٧٩٣ . رجال الكشّي عن داوود الرقّي: قُلتُ لِأَبِي الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ، إنَّهُ وَاللهِ ما يَلِجُ في صَدري مِن أمرِكَ شَيءٌ، إلّا حَديثاً سَمِعتُهُ مِن ذَريحٍ يَرويهِ عَن أبي جَعفَرٍ عليه السلام. قالَ لي : وما هُوَ؟ قالَ : سَمِعتُهُ يَقولُ : سابِعُنا قائِمُنا إن شاءَ اللهُ!

قالَ : صَدَقتَ، وصَدَقَ ذَريحٌ، وصَدَقَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام.

فَازدَدتُ وَاللهِ شَكّاً.

ثُمَّ قالَ : يا داوودَ بنَ أبي خالِدٍ، أما وَاللهِ لَولا أنَّ موسىٰ عليه السلام قالَ لِلعالِمِ : ﴿سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ ٱللَّهُ صَابِرًا﴾[٣] ما سَأَلَهُ عَن شَيءٍ، وكَذٰلِكَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام، لَولا أن قالَ : «إن شاءَ اللهُ» لَكانَ كَما قالَ. قالَ : فَقَطَعتُ عَلَيهِ.[٤]

٢ / ٧
الاِستِثناءُ فِي الكِتابِ

١٧٩٤ . الكافي عن مرازم بن حكيم: أمَرَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام بِكِتابٍ في حاجَةٍ، فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيهِ ولَم يَكُن فيهِ استِثناءٌ، فَقالَ : كَيفَ رَجَوتُم أن يَتِمَّ هٰذا ولَيسَ فيهِ استِثناءٌ؟ اُنظُروا

---

١ . قرب الإسناد: ص ٩٠ ح ٣٠٣ عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأصول الستّة عشر : ص ٨٣ عن ذريح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢١٨ ح ٧ وج ١٠٣ ص ١٥٧ ح ٤.

٢ . تفسير العيّاشي : ج ١ ص ٢٦١ ح ٢١٢ عن زيد الشحّام، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٣٤٠ ح ٣٠.

٣ . الكهف : ٦٩.

٤ . رجال الكشّي : ج ٢ ص ٦٧١ ح ٧٠٠، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ٢٦٠ ح ١٣.

پیامبر خداﷺ فرمود: «آن چهار بار اضافی هم مال تو».

۱۷۹۲ . **امام صادق**ؑ: هرگز چیزی از پیامبر خدا درخواست نشد که بگوید: «نه (ندارم یا نمی‌دهم)»؛ بلکه اگر خودش داشت، آن را می‌داد و اگر نداشت، می‌فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!».

۱۷۹۳ . **رجال الکشّی** ـ به نقل از داوود رقّی ـ: به ابوالحسن الرضاؑ گفتم: فدایت شوم! به خدا سوگند که هرگز در هیچ امری از امور شما، دو دل نگشته‌ام، جز در بارهٔ حدیثی که از ذَریح شنیده‌ام که از امام باقرؑ روایت می‌کند.

فرمود: «چه حدیثی؟».

گفت[م]: از او شنیدم که می‌گوید: «هفتمین ما، قائم ماست، اگر خدا بخواهد!».

فرمود: «راست می‌گویی. ذریح هم راست گفته است. امام باقرؑ هم راست فرموده است».

[داود رقّی گفت:] به خدا سوگند تردیدم بیشتر شد!

سپس فرمود: «ای داوود بن ابی خالد! به خدا سوگند که اگر موسیؑ به آن مرد دانا (خضرؑ) نگفته بود: ﴿به خواست خدا، مرا از شکیبایان خواهی یافت﴾، دیگر هرگز از او سؤالی نمی‌کرد. امام باقرؑ نیز اگر نمی‌گفت: "اگر خدا خواهد"، همان می‌شد که فرموده بود».[1]

پس به امامت ایشان (امام رضاؑ) یقین حاصل کردم.[2]

۲/۷
نوشتن «اگر خدا بخواهد» در نوشتار

۱۷۹۴ . **الکافی** ـ به نقل از مَرازم بن حکیم ـ: امام صادقؑ فرمود تا برای کاری نامه‌ای بنویسند. نامه را نوشتند و آن را به رؤیت ایشان رساندند. در نامه «اگر خدا

---

۱ . یعنی امام هفتمؑ قائم می‌شد.

۲ . منظور وی این است که: دانستم که امام هفتم، قائمؑ نیست و نباید در او توقّف کرد، چنان که واقفیه کردند.

كُلَّ مَوضِعٍ لا يَكونُ فيهِ استِثناءٌ فَاستَثنوا فيهِ.[١]

١٧٩٥ . تهذيب الأحكام عن مرازم: دَخَلَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام يَوماً إلىٰ مَنزِلِ مُعَتِّبٍ وهُوَ يُريدُ العُمرَةَ، فَتَناوَلَ لَوحاً فيهِ كِتابٌ، فيهِ تَسمِيَةُ أرزاقِ العِيالِ وما يُخرِجُ لَهُم، فَإِذا فيهِ: لِفُلانٍ وفُلانٍ وفُلانٍ، ولَيسَ فيهِ استِثناءٌ.

فَقالَ: مَن كَتَبَ هٰذَا الكِتابَ ولَم يَستَثنِ فيهِ؟ كَيفَ ظَنَّ أنَّهُ يَتِمُّ؟! ثُمَّ دَعا بِالدَّواةِ، فَقالَ: أَلحِق فيهِ «إن شاءَ اللهُ»، فَأُلحِقَ فيهِ في كُلِّ اسمٍ «إن شاءَ اللهُ».[٢]

٣ / ٧
ذَمُّ تَركِ الاِستِثناءِ

١٧٩٦ . الإمام الباقر عليه السلام: إنَّ آدَمَ عليه السلام لَمّا أسكَنَهُ اللهُ الجَنَّةَ، فَقالَ لَهُ: يا آدَمُ، لا تَقرَب هٰذِهِ الشَّجَرَةَ، فَقالَ: نَعَم يا رَبِّ، ولَم يَستَثنِ، فَأَمَرَ اللهُ نَبِيَّهُ صلى الله عليه وآله فَقالَ: ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾[٣] ولَو بَعدَ سَنَةٍ.[٤]

١٧٩٧ . عنه عليه السلام ـ في قَولِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا﴾[٥] ـ: إنَّ اللهَ عزّ وجلّ لَمّا قالَ لِآدَمَ عليه السلام: أُدخُلِ الجَنَّةَ، قالَ لَهُ: يا آدَمُ، لا تَقرَب هٰذِهِ الشَّجَرَةَ. قالَ: وأَراهُ إيّاها، فَقالَ آدَمُ عليه السلام لِرَبِّهِ: كَيفَ أقرَبُها وقَد نَهَيتَني عَنها أنَا وزَوجَتي؟! فَقالَ

---

١. الكافي: ج ٢ ص ٦٧٣ ح ٧، مشكاة الأنوار: ص ٢٥١ ح ٧٣٨، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤٨ ح ٧٣.

٢. تهذيب الأحكام: ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٣٠، مستطرفات السرائر: ص ١٣٣ ح ٧، النوادر للأشعري: ص ٥٧ ح ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٠٧ ح ٨.

٣. الكهف: ٢٣ و ٢٤.

٤. تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٥ عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٠٥ ح ٣ وراجع المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٣٦ ح ٧٨٣٣ والدرّ المنثور: ج ٥ ص ٣٧٧.

٥. طه: ١١٥.

خواهد» نوشته نشده بود. فرمود: «چگونه امید دارید که این کار، انجام پذیرد، در حالی که در آن، «اگر خدا خواهد» نیامده است؟ ببینید هر کجا که در آن «اگر خدا خواهد» نیامده است، «اگر خدا خواهد» بنویسید.

۱۷۹۵. **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از مَرازم ـ: روزی امام صادق﵇ به خانهٔ مُعتِّب ـ که آهنگ عمره داشت ـ در آمد. لوحی را برداشت که در آن، مواجب عائله و خرجی آنها نوشته شده و در آن آمده بود: «برای فلانی و فلانی و فلانی [فلان مقدار]» و در آن، «اگر خدا خواهد»، نیامده بود.

فرمود: "چه کسی این نوشته را نوشته که در آن، «اگر خدا خواهد» نگفته است؟ چگونه گمان برده که آنچه نوشته، تحقّق می‌یابد؟!".

سپس دوات خواست و فرمود: «اگر خدا خواهد» را اضافه کن. پس، برای هر نامی، «اگر خدا خواهد» افزوده می‌شد.

۳/۷
نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد»

۱۷۹۶. **امام باقر**﵇: چون خداوند، آدم﵇ را در بهشت جای داد، به او فرمود: «ای آدم! به این درخت، نزدیک مشو».

آدم﵇ گفت: «اطاعت، ای پروردگار»، و «اگر خدا خواهد!»، نگفت. از این رو، خداوند به پیامبرش [محمّدﷺ] فرمان داده، فرمود: ﴿و زنهار! در بارهٔ چیزی مگو: «من، فردا آن کار را خواهم کرد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و هر گاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن﴾، حتّی اگر پس از یک سال باشد.

۱۷۹۷. **امام باقر**﵇ ـ در بارهٔ این سخن خداوندﷻ: ﴿و پیش‌تر، به آدم سفارش کردم، ولی او فراموش کرد و برای او عزمی [استوار] نیافتیم﴾ ـ: چون به آدم﵇ فرمود:

لَهُما : لا تَقرَباها يَعني لا تَأكُلا مِنها.

فَقالَ آدَمُ وزَوجَتُهُ : نَعَم يا رَبَّنا لا نَقرَبُها ولا نَأكُلُ مِنها، ولَم يَستَثنِيا في قَولِهِما : نَعَم. فَوَكَلَهُمَا اللهُ في ذٰلِكَ إلىٰ أنفُسِهِما وإلىٰ ذِكرِهِما.

وقَد قالَ اللهُ ﷻ لِنَبِيِّهِ ﷺ فِي الكِتابِ : ﴿وَلَاتَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا * إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾ ألّا أفعَلَهُ، فَتَسبِقَ مَشِيئَةُ اللهِ في ألّا أفعَلَهُ فَلا أقدِرَ عَلىٰ أن أفعَلَهُ. فَلِذٰلِكَ قالَ اللهُ ﷻ: أيِ استَثنِ مَشِيئَةَ اللهِ في فِعلِكَ.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. الكافي : ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٢، النوادر للأشعري : ص ٥٥ ح ١٠٧ كلاهما عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٦ ح ٤ وج ١٠٤ ص ٢٣١ ح ٧٣.

«به بهشت، در آی» به او فرمود: ای آدم! به این درخت، نزدیک مشو» و آن را به او نشان داد.

آدمؑ به پروردگارش گفت: چگونه نزدیکش شوم، در حالی که تو، مرا و همسرم را از آن، نهی کرده‌ای؟!

پس به آن دو فرمود: «به آن نزدیک مشوید»؛ یعنی از آن، مخورید.

آدم و همسرش گفتند: باشد ـ ای پروردگار ما ـ به آن، نزدیک نمی‌شویم و از آن، نمی‌خوریم؛ ولی چون گفتند: باشد و «اگر خدا خواهد» نگفتند، خداوند، آن دو را در این کار، به خودشان و به یاد خودشان، وا گذاشت.

خداوندﷻ در قرآن به پیامبرش فرمود: ﴿و زنهار! در بارهٔ چیزی مگو: «من، فردا آن کار را خواهم کرد». مگر با «اگر خدا خواهد»﴾ که آن را انجام ندهم. پس اگر خواست خدا، این بود که آن کار را انجام ندهم، نخواهم توانست که انجامش دهم. از این رو، خداوندﷻ فرمود: «در کاری که می‌خواهی انجام دهی، "اگر خدا خواهد" بگو».

الفَصلُ الثّامِنُ

التَّراخي في الاستِثناءِ مَعَ النِّسيانِ

١٧٩٨ . السنن الكبرى عن ابن عبّاس: إنَّ النَّبِيَّ ﷺ قالَ : وَاللهِ لَأَغزُوَنَّ قُرَيشاً ، وَاللهِ لَأَغزُوَنَّ قُرَيشاً ، ثُمَّ سَكَتَ ساعَةً ، ثُمَّ قالَ : إن شاءَ اللهُ .[1]

١٧٩٩ . تفسير العيّاشي عن حمزة بن حمران: سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ : ﴿وَاذكُر رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾ فَقالَ : أن تَستَثنِيَ[2] ، ثُمَّ ذَكَرتَ بَعدُ ، فَاستَثنِ حينَ تَذكُرُ .[3]

١٨٠٠ . الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام ـ في قَولِ اللهِ عزّ وجلّ: ﴿وَاذكُر رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾ ـ : إذا حَلَفَ الرَّجُلُ فَنَسِيَ أن يَستَثنِيَ ، فَليَستَثنِ إذا ذَكَرَ .[4]

١٨٠١ . الكافي عن حمزة بن حمران: سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ عزّ وجلّ : ﴿وَاذكُر رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾ ، قالَ : ذٰلِكَ فِي اليَمينِ ؛ إذا قُلتَ : وَاللهِ لا أفعَلُ كَذا وكَذا ، فَإِذا ذَكَرتَ أنَّكَ لَم تَستَثنِ

---

١ . السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٨٢ ح ١٩٩٢٧ و ح ١٩٩٢٨ عن شريك وفيه «سكتة» بدل «ساعة» و ح ١٩٩٢٩ و ح ١٩٩٣٠ كلاهما عن عكرمة ، كنز العمّال : ج ٤ ص ٤٣٨ ح ١١٣٠٤ ؛ عوالي اللآلي : ج ٣ ص ٤٤٣ ح ١ .

٢ . أي : إذا نسيت أن تستثني .

٣ . تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٦ ح ٥ و ج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٥ .

٤ . الكافي : ج ٧ ص ٤٤٧ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٧ كلاهما عن محمّد الحلبي وزرارة ومحمّد بن مسلم ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٨ عن زرارة ومحمّد بن مسلم ، النوادر للأشعري : ص ٥٦ ح ١٠٨ عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٨٩ ح ١٤٨ .

فصل هشتم

فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن

۱۷۹۸ . **السنن الکبری** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ فرمود: «به خدا سوگند، به قریش حمله می‌کنم! به خدا سوگند، به قریش حمله می‌کنم!».

سپس لَختی سکوت کرد. آن گاه فرمود: «اگر خدا خواهد!».

۱۷۹۹ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از حمزة بن حمران ـ: از امام صادق‌ؑ دربارهٔ این سخن خداوند پرسیدم که: ﴿و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی﴾. فرمود: «یعنی [او را یاد کن، هرگاه فراموش کردی] که "اگر خدا خواهد" بگویی. پس هرگاه یادت آمد، همان وقت، «اگر خدا خواهد» بگو.

۱۸۰۰ . **امام باقر و امام صادق**ؑ ـ در بارهٔ این سخن خداوند: ﴿پروردگارت را یاد کن، هر گاه فراموش کردی﴾ ـ: هرگاه مرد، سوگند بخورد و فراموش کند که «اگر خدا خواهد!» گوید، هر زمان که یادش آمد، باید «اگر خدا خواهد!» بگوید.

۱۸۰۱ . **الکافی** ـ به نقل از حمزة بن حمران ـ: از امام صادقؑ در بارهٔ این سخن خداوندﷻ پرسیدم: ﴿و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی﴾. فرمود: «این، در سوگند است. هرگاه گفتی: "به خدا سوگند که چنین و چنان می‌کنم"، هر زمان که یادت آمد، "اگر خدا خواهد" نگفته‌ای، بگو:

فَقُل : إن شاءَ اللهُ.[١]

١٨٠٢ . **الكافي عن الحسين بن زرارة:** سَأَلتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ عز وجل : ﴿وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾ فَقالَ : إذا حَلَفتَ عَلىٰ يَمينٍ ونَسيتَ أن تَستَثنِيَ، فَاستَثنِ إذا ذَكَرتَ.[٢]

١٨٠٣ . **الإمام علي عليه السلام:** إذا حَلَفَ الرَّجُلُ بِاللهِ فَلَهُ ثُنياها إلىٰ أربَعينَ يَوماً، وذٰلِكَ أنَّ قَوماً مِنَ اليَهودِ سَأَلُوا النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله عَن شَيءٍ، فَقالَ : اِيتوني غَداً ـ ولَم يَستَثنِ ـ حَتّىٰ اُخبِرَكُم، فَاحتَبَسَ عَنهُ جَبرَئيلُ عليه السلام أربَعينَ يَوماً، ثُمَّ أتاهُ، وقالَ : ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۞ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾.[٣]

١٨٠٤ . **الإمام الصادق عليه السلام:** لِلعَبدِ أن يَستَثنِيَ ما بَينَهُ وبَينَ أربَعينَ يَوماً إذا نَسِيَ، إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أتاهُ ناسٌ مِنَ اليَهودِ فَسَأَلوهُ عَن أشياءَ، فَقالَ لَهُم: تَعالَوا غَداً اُحَدِّثكُم، ولَم يَستَثنِ، فَاحتَبَسَ جَبرَئيلُ عليه السلام عَنهُ أربَعينَ يَوماً، ثُمَّ أتاهُ فَقالَ : ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۞ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾.[٤]

١٨٠٥ . **الدرّ المنثور عن ابن عبّاس:** إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله حَلَفَ عَلىٰ يَمينٍ فَمَضىٰ لَهُ أربَعونَ لَيلَةً، فَأَنزَلَ اللهُ : ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۞ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾، وَاستَثنَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بَعدَ أربَعينَ لَيلَةً.[٥]

---

١ . الكافي : ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٣، تهذيب الأحكام : ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٦.

٢ . الكافي : ج ٧ ص ٤٤٩ ح ٨، تفسير العيّاشي : ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٢ عن حمزة بن حمران وفيه «إذا حلفت ناسياً ثمّ ذكرت بعدُ، فاستثنه حين تذكر» بدل «إذا حلفت ...»، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٨.

٣ . تفسير العيّاشي : ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٤ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ٩٧ ح ٣٠٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، النوادر للأشعري : ص ٥٥ ح ١٠٥ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٠٥ ح ٢.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٣٦٢ ح ٤٢٨٤، تهذيب الأحكام : ج ٨ ص ٢٨١ ح ١٠٢٩ وفيه صدره إلى «إذا نسي»، النوادر للأشعري : ص ٥٥ ح ١٠٥ كلّها عن عبد الله بن ميمون، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٢٣٠ ح ٧١.

٥ . الدرّ المنثور : ج ٥ ص ٣٧٧ نقلاً عن ابن مردويه.

"اگر خدا خواهد!"».

۱۸۰۲ . **الکافی** ـ به نقل از حسین بن زراره ـ: از امام صادق﵇ در بارهٔ این سخن خداوندﷻ: ﴿و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی﴾، پرسیدم. فرمود: «هرگاه سوگندی خوردی و فراموش کردی "اگر خدا خواهد" بگویی، هر زمان که یادت آمد، بگو: "اگر خدا خواهد!"».

۱۸۰۳ . **امام علی﵇**: هرگاه شخص به خدا سوگند خورد، تا چهل روز، مهلت دارد که «اگر خدا خواهد» آن را بگوید. علّتش آن است که گروهی از یهود، از پیامبرﷺ پرسش‌هایی کردند. ایشان فرمود: «فردا بیایید تا پاسخ آنها را به شما بگویم»؛ و «اگر خدا خواهد» نگفت. بدین سبب، جبرئیل﵇ چهل روز بر وی فرود نیامد و پس از چهل روز آمد و گفت: ﴿و زنهار! در بارهٔ چیزی مگو: «من، فردا آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن﴾.

۱۸۰۴ . **امام صادق﵇**: بر بنده فرض است که اگر چهل روز هم بین او و جایی که گفتن «اگر خدا خواهد» را فراموش کرده، فاصله افتاد، [باز هم] آن را بگوید. گروهی از یهود، به نزد پیامبرﷺ آمدند و دربارهٔ چند چیز از ایشان پرسیدند. به آنان فرمود: «فردا بیایید که با شما سخن خواهم گفت» و نفرمود: «اگر خدا خواهد». پس چهل روز، جبرئیل﵇ به سراغ ایشان نیامد و سپس آمد و [این آیه را] آورد: ﴿و در هیچ کاری، مگو که: «من این را انجام خواهم داد»، مگر [آن که بیفزایی:] «اگر خدا خواهد» و چون پروردگار خویش را از یاد بُردی، او را [دیگر بار] یاد کن﴾.

۱۸۰۵ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ [برای موضوعی] سوگندی یاد کرد و چهل شب بر او گذشت [و وحی‌ای نازل نشد]. سپس خداوند، این آیه را نازل فرمود: ﴿و زنهار! در بارهٔ چیزی مگو: «فردا، آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد»﴾ و پیامبرﷺ بعد از چهل شب، «اگر خدا خواهد» گفت.

١٨٠٦ . الإمام الصادق عليه السلام: قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : الاِستِثناءُ فِي اليَمينِ مَتى ما ذَكَرَ وإن كانَ بَعدَ أربَعينَ صَباحاً ، ثُمَّ تَلا هٰذِهِ الآيَةَ : ﴿وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾.[1]

١٨٠٧ . عنه عليه السلام ـ في قَولِهِ تَعالىٰ : ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ﴾ ـ : أن تَقُولَ : «إلّا» مِن بَعدِ الأَربَعينَ ، فَلِلعَبدِ الاِستِثناءُ فِي اليَمينِ ما بَينَهُ وبَينَ الأَربَعينَ يَوماً إذا نَسِيَ.[2]

١٨٠٨ . عنه عليه السلام: الاِستِثناءُ جائِزٌ بَعدَ أربَعينَ يَوماً ، أو بَعدَ السَّنَةِ.[3]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . الكافي : ج ٧ ص ٤٤٨ ح ٦ عن ابن القدّاح ، تفسير العيّاشي : ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٣ عن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٢٣٠ ح ٦٩.

٢ . تفسير العيّاشي : ج ٢ ص ٣٢٤ ح ١٦ عن عبد الله بن ميمون ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٢٢٩ ح ٦٢.

٣ . دعائم الإسلام : ج ٢ ص ٩٨ ح ٣١١.

۱۸۰۶ . **امام صادق**ﷺ: امیر مؤمنانﷺ فرمود: "اگر خدا خواهد" را در سوگند، باید گفت، هر زمان که شخص یادش بیاید؛ اگر چه پس از چهل روز باشد».

سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی﴾».

۱۸۰۷ . **امام صادق**ﷺ ـ در بارهٔ این سخن خدای متعال: ﴿و زنهار! در بارهٔ چیزی مگو که: «فردا، آن را انجام خواهم داد» مگر با «اگر خدا خواهد» و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی﴾ ـ: [مقصود، این است] که بگویی «اگر»، هر چند بعد از چهل روز. پس هرگاه بنده فراموش کند که در سوگندش "اگر خدا خواهد" بگوید، حتّی اگر چهل روز از سوگندش بگذرد، باید آن را بگوید.

۱۸۰۸ . **امام صادق**ﷺ: «اگر خدا خواهد» را، بعد از چهل روز و حتّی یک سال می‌توان گفت.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصْلُ التّاسِعُ

النَّوادِرُ

١٨٠٩ . **الكافي عن يونس بن عبدالرحمٰن:** سَأَلتُ أبَا الحَسَنِ الرِّضاعليه السلام عَن نَقشِ خاتَمِهِ وخاتَمِ أبيهِعليه السلام، قالَ : نَقشُ خاتَمي : «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، ونَقشُ خاتَمِ أبي «حَسبِيَ اللهُ».[١]

١٨١٠ . **الخصال عن عبد خير:** كانَ لِعَليٍّعليه السلام أربَعَةُ خَواتيمَ يَتَختَّمُ بِها : ياقوتٌ لِنُبلِهِ، وفيروزَجٌ لِنُصرَتِهِ، وَالحَديدُ الصّينِيُّ لِقُوَّتِهِ، وعَقيقٌ لِحِرزِهِ.

وكانَ نَقشُ الياقوتِ : «لا إلٰهَ إلّا اللهُ المَلِكُ الحَقُّ المُبينُ»، ونَقشُ الفيروزَج : «اللهُ المَلِكُ الحَقُّ»، ونَقشُ الحَديدِ الصّينِيِّ : «العِزَّةُ لِلّهِ جَميعاً»، ونَقشُ العَقيقِ ثَلاثَةُ أسطُرٍ : «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَغفِرُ اللهَ».[٢]

١٨١١ . **الإمام الصادقعليه السلام:** مَن أرادَ أن يَكثُرَ مالُهُ ووَلَدُهُ ويُوَسَّعَ رِزقُهُ عَلَيهِ، فَليَتَّخِذ فَصّاً مِن

---

١ . الكافي : ج ٦ ص ٤٧٣ ح ٥.

٢ . الخصال : ص ١٩٩ ح ٩، علل الشرايع : ص ١٥٧ ح ١، بحار الأنوار : ج ٤٢ ص ٦٨ ح ١٧؛ كنز العمّال : ج ٦ ص ٦٨٦ ح ١٧٤٠٧ نقلاً عن الحاكم في المستدرك وعن الصابوني في المأتين وعن أبي عبد الرحمٰن السلمي في أماليه وفيها «لنيله» بدل «لنبله».

فصل نهم
گوناگون

۱۸۰۹ . **الکافی** ـ به نقل از یونس بن عبد الرحمان ـ: از امام رضاؑ در بارهٔ نقش انگشتری خود ایشان و انگشتری پدرش پرسیدم. فرمود: «نقش انگشتری من، «ما شاء الله، لا قوّة إلّا بالله» است و نقش انگشتری پدرم «حَسْبِیَ الله» بود.

۱۸۱۰ . **الخصال** ـ به نقل از عبد خیر ـ: علیؑ چهار انگشتری داشت که آنها را در انگشت می‌کرد: یکی [نگینش از] یاقوت بود، برای ارزش داشتنش؛ یکی از فیروزه بود، برای یاری رساندنش؛ یکی از آهن چینی، برای نیرو بخشیدنش؛ و یکی از عقیق، برای محافظتش.

نقش یاقوت: «لا إله إلّا الله المَلِک الحق المبین» بود، نقش فیروزه: «الله المَلِکُ الحق»، نقش آهن چینی، «العزّةُ لله جمیعاً» و نقش عقیق، در سه سطر: «ما شاء الله، لا قوّة إلّا بالله، أستغفِرُ الله».

۱۸۱۱ . **امام صادق**ؑ: هر که می‌خواهد دارایی و فرزندانش بسیار شوند و روزی‌اش فراخ

عَـقيقٍ، وَلْيَـنقُش عَـلَيهِ : ﴿مَا شَاءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾[١]، ويَقرَأُ : و﴿ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا﴾[٢].[٣]

١٨١٢ . عنه ﷺ: مَن كَتَبَ عَلىٰ خاتَمِهِ : «ماشاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أستَغفِرُ اللهَ»، أمِنَ مِنَ الفَقرِ المُدقِعِ[٤].[٥]

١٨١٣ . عنه ﷺ: بَعَثَ اللهُ نَبِيّاً إلىٰ قَومٍ وأمَرَهُ أن يُقاتِلَهُم، فَشَكا إلَى اللهِ الضَّعفَ... فَأوحَى اللهُ ﷻ: إنَّ النَّصرَ يَأتيكَ بَعدَ خَمسَ عَشرَةَ[٦] سَنَةً.

فَقالَ لِأَصحابِهِ : إنَّ اللهَ ﷻ أمَرَني بِقِتالِ بَني فُلانٍ فَشَكَوتُ إلَيهِ الضَّعفَ! فَقالوا: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.

فَقالَ لَهُم : إنَّ اللهَ قَد أوحىٰ إلَيَّ أنَّ النَّصرَ يَأتيني بَعدَ خَمسَ عَشرَةَ سَنَةً! فَقالوا : ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.

قالَ : فَأتاهُمُ اللهُ بِالنَّصرِ في سَنَتِهِم تِلكَ، لِتَفويضِهِم إلَى اللهِ، وقَولِهِم: ما شاءَ اللهُ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٧]

١٨١٤ . عنه ﷺ: أربَعٌ لِأَربَعٍ، فَواحِدَةٌ لِلقَتلِ وَالهَزيمَةِ : حَسبُنَا اللهُ ونِعمَ الوَكيلُ؛ إنَّ اللهَ يَقولُ : ﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدْ جَمَعُوا۟ لَكُمْ فَٱخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَٰنًا وَقَالُوا۟ حَسْبُنَا ٱللَّهُ

---

١ . الكهف : ٣٩.

٢ . نوح : ١٠.

٣ . جامع الأخبار : ص ٣٧١ ح ١٠٢٩.

٤ . فَقرٌ مُدقِعٌ : أي شديد يُفضي بصاحبه إلى الدَّقعاء ؛ وهو التراب (النهاية : ج ٢ ص ١٢٧ «دقع»).

٥ . ثواب الأعمال : ص ٢١٤ ح ١، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٢٩٤ ح ٤.

٦ . في المصدر : «خمسة عشر»، وما أثبتناه هو الصحيح.

٧ . مشكاة الأنوار : ص ٥٥ ح ٥٥، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٦، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩١ ح ٣٤.

گردد، نگینی از عقیق انتخاب کند و آیهٔ ﴿ما شاء الله، لا قوّة إلّا بالله، ان ترن انا اقلّ منك مالاً وولداً﴾ را بر آن، نقش کند و بخواند: ﴿استغفروا ربّکم انّه کان غفاراً﴾.

۱۸۱۲ . **امام صادق**ﷺ: هر کس بر انگشتری‌اش بنویسد: «ما شاء الله، لا قوّة إلّا بالله، أستَغفِرُ الله»، از فقر شدید، در امان است.

۱۸۱۳ . **امام صادق**ﷺ: خداوند، پیامبری را سوی قومی فرستاد و به او فرمود که با آنان بجنگد. او از ناتوانی، به خدا شکایت کرد... خداوندﷻ به او وحی فرمود که: «پانزده سال دیگر، پیروزی به سراغت خواهد آمد».

آن پیامبر به یارانش فرمود: «خداوندﷻ به من دستور داد که با بنی فلان بجنگم و من، از ناتوانی [خود در برابر آنها] به او شکایت کردم». یارانش گفتند: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

به آنان فرمود: «خدا به من وحی فرمود که پانزده سال دیگر، پیروزی نصیبم خواهد شد».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

یارانش گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

پس خداوند، در همان سال، به آنان پیروزی داد؛ چرا که کار را به خدا سپردند و گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

۱۸۱۴ . **امام صادق**ﷺ: چهار چیز، برای چهار چیز است: یکی برای [دفع] کشته شدن و شکست خوردن، و آن جمله این است: «خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است». خداوند می‌فرماید: ﴿همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان، برای [جنگ با] شما گِردآمده‌اند. پس از آنان بترسید؛ ولی [این

وَنِعْمَ ٱلْوَكِيلُ * فَانقَلَبُواْ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ﴾[١].

وَالأُخرىٰ لِلمَكرِ وَالسّوءِ : ﴿وَأُفَوِّضُ أَمْرِى إِلَى ٱللَّهِ﴾[٢]، وفَوَّضتُ أمري إلَى اللهِ؛ قالَ اللهُ ﷻ : ﴿فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُواْ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ ٱلْعَذَابِ﴾[٣].

وَالثّالِثَةُ لِلحَرَقِ وَالغَرَقِ : ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ؛ وذٰلِكَ أنَّهُ يَقولُ : ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾[٤].

وَالرّابِعَةُ لِلغَمِّ وَالهَمِّ: لا إلٰهَ إلّا أنتَ سُبحانَكَ إنّي كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ؛ قالَ اللهُ سُبحانَهُ: ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ ٱلْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنجِى ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾[٥].[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. آل عمران: ١٧٣ و ١٧٤.

٢. غافر: ٤٤.

٣. غافر: ٤٥.

٤. الكهف: ٣٩.

٥. الأنبياء: ٨٨.

٦. تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٧٠ ح ٣٣٩ عن كرام.

سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: "خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است". پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] باز گشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود﴾.

دومی، برای [دفع] نیرنگ و گزند [و آن، گفتن]: ﴿و کار خویش را به خدا، وا می‌گذارم﴾ و کار خویش را به خدا وا گذاردم. خدای‌ﷻ می‌فرماید: ﴿پس، خدا، او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می‌کردند، نگه داشت و فرعونیان را عذاب سخت، فرو گرفت﴾.

و سومی، برای [مصون ماندن از] سوخته شدن و غرق گشتن است [و آن، گفتن]: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا»؛ زیرا [خداوند] می‌فرماید: ﴿چرا آن گاه که به باغ خود در آمدی، نگفتی: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»؟﴾.

و چهارمی برای [رفع] نگرانی و اندوه است [و آن، این است]: «خدایی جز تو نیست. مُنزّهی تو! همانا من از ستم پیشگان بودم». خداوند ـ که منزّه است ـ می‌فرماید: ﴿پس [دعای] او را اجابت کردیم و او را از اندوه، رهایی بخشیدیم و بدین گونه، مؤمنان را نجات می‌دهیم﴾.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش هشتم

استعاذة، (گفتنِ «أعوذ بالله»)

شامل:

درآمد

فصل یکم : تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او

فصل دوم : آداب پناه بردن

فصل سوم : برکت‌های پناه بردن به خدا

فصل چهارم : چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد

فصل پنجم : اوقات پناه بردن به خدا

فصل ششم : پناه‌خواهی‌های نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «استعاذه»

کلمهٔ «استعاذه» از مادّهٔ «عوذ» به معنای التجا و پناه بردن است. این مادّه وقتی به باب استفعال برده شود، به معنای پناه جستن و پناهجویی و نیز به معنای گفتن «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است.

ابن فارس در این باره می‌گوید:

> مادّهٔ «عوذ»، یک اصل صحیح است و بر یک معنا دلالت دارد و آن پناه بردن به چیزی است. سپس بر هر چیزی که به چیزی بچسبد یا همراه آن باشد، اطلاق می‌شود. خلیل می‌گوید: می‌گویی: «أعوذ بالله جلّ ثناؤه»، یعنی: به او ـ تبارک و تعالی ـ ملتجی شدم. مصدر آن، عَوذ و عِیاذ است.[1]

ابن منظور، در تبیین معنای «عوذ» و «استعاذه» می‌گوید:

> عوذ ـ که عاذ بِهِ، یعوذ، عوذاً، عیاذاً و معاذاً از آن است ـ یعنی: به او پناه برد و مُلتجی شد و متمسّک گردید ... و «استعذتُ به»، یعنی: به او پناه بردم. جملهٔ «معاذ الله»، یعنی: به خدا پناه می‌برم ... در قرآن آمده است: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ

---

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۴ ص ۱۸۳.

اَلْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ اَلشَّيْطَنِ اَلرَّجِيمِ؛[1] پس هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه بر»؛ یعنی هر گاه خواستی قرآن بخوانی، بگو: از شیطانِ رانده شده و وسوسه‌های او به خدا پناه می‌برم.[2]

استعاذه، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، مادّهٔ «عوذ» هفده بار به صورت‌های گوناگون به کار رفته است. این کتاب آسمانی در چهار آیه با جملهٔ ﴿قُل أَعُوذُ﴾[3] و در چهار آیه با جملهٔ ﴿فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾[4] بر بهره‌گیری از برکات ذکر «استعاذه» تأکید دارد.

استعاذه در قرآن و حدیث، در واقع، نوعی استعانت انسان از آفریدگار جهان برای مقابله با آفات، خطرها و دشمنان درونی و بیرونی است.

گاه نیز استعاذه، استعانت از برخی از صفات خداوند متعال برای مصونیت از آثار برخی از صفات دیگر اوست، مانند آنچه پیامبر خدا به خداوند متعال می‌گوید:

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، وأعوذُ بِرَحمَتِكَ مِن نَقِمَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنكَ.[5]

از ناخشنودی تو به خشنودی‌ات پناه می‌برم، از خشم و کینِ تو به مِهرَت پناه می‌برم، و از تو به خودِ تو پناه می‌برم.

پیش از ملاحظهٔ آنچه در بارهٔ استعاذه در این بخش آمده است، توجّه به سه نکته ضروری است:

---

۱. نحل، آیهٔ ۹۸.

۲. لسان العرب: ج ۳ ص ۴۹۸.

۳. مؤمنون: آیهٔ ۹۷ـ۹۸، فلق: آیهٔ ۱، ناس: آیهٔ ۱.

۴. اعراف: آیهٔ ۲۰۰، نحل: آیهٔ ۹۸، غافر: آیهٔ ۵۶، فصّلت: آیهٔ ۳۶.

۵. ر.ک: ص ۴۹۸ ح ۲۳۸۹.

۱. حقیقت استعاذه

حقیقت استعاذه، این است که کسی خود را در پناه مستعاذ قرار دهد و این، گاه مادّی و گاه معنوی است. هنگامی که انسان برای حفاظت خود در میدان نبرد، لباس ضدّ گلوله می‌پوشد یا وارد سنگر می‌شود، خود را در پناه لباس ضدّ گلوله و سنگر قرار می‌دهد، که این، استعاذهٔ مادّی است؛ امّا استعاذهٔ معنوی، حالت روانیِ ویژه‌ای است که انسان را در پناه خداوند متعال قرار می‌دهد و از آفاتی که او را تهدید می‌کنند، مصونیت می‌بخشد و جملهٔ «أعوذ بالله»، در واقع، بیانگر آن حالت درونی است.

بر این اساس، برای پیدایش این حالت درونی، در گام نخست باید موانع آن برطرف شوند. موانع پیدایش این حالت در موارد مختلف، متفاوت‌اند. مثلاً کسی که از شرّ آفریده‌های موذی به خدا پناه می‌برد، نمی‌تواند دست در سوراخ مار کند و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ * مِن شَرِّ مَا خَلَقَ﴾[1] بخواند! بنا بر این، شرط اوّل تحقّق حقیقت استعاذه، اجتناب از موانع پناهجویی است، و چه زیبا گفته شده است که:

تا زبان، چون جوارح و ارکان — استعاذت کند به وفق جَنان
نه که گویی «اَعوذ» و تازی تیز — سوی شیطان و نفس شورانگیز
نه که گویی «اَعوذ» و آری روی — سوی بَدْسیرتان ناخوش‌خوی
تا ز هر بد، عنانْت کوته نیست — یک اَعوذَت، «أعوذُ بالله» نیست
بلکه آن، پیش صاحب عرفان — نیست الّا «أعوذُ بالشیطان»
گاه گویی «أعوذ» و گه «لا حَول» — لیک فعلت بود مکذِّب قول

---

۱. سورهٔ فلق، آیهٔ ۱ و ۲.

بـر دهـان، جـام زهـرِ مرگ‌آمیز　　بـر زبـان، آن کـه مـی‌کنم پـرهیز
چـند بـاشی بـه حـیله و تـلبیس　　مـنزل دیـو و سُـخرهٔ ابـلیس
سوی خـویشت دو اسـبه مـی‌رانـد　　بـر زبـانَت «اَعـوذُ» مـی‌خوانـد
طُـرفه حـالی کـه دزد بـیگانه　　گشـته هـمراه صـاحبِ خـانه
مـی‌کند هـمچو او فـغان و نـفیر　　در به در، کو به کو، که: دزد بگیرا[1]

پس از اجتناب از موانع استعاذه، هر قدر که انسانْ خدا را بهتر بشناسد و از آفاتی که او را تهدید می‌کند، بیشتر احساس خطر نماید، حقیقت پناهجویی در او بیشتر تحقّق می‌یابد.

۲. نقش استعاذه در زندگی

نقش استعاذه در زندگی، نقش سنگر در میدان نبرد است. این ذکر، اگر توأم با حقیقت باشد، انسان را در دژ محکم خداوند قرار می‌دهد، شیطان را از او دور می‌سازد، درهای نافرمانی خدا را می‌بندد، توطئهٔ دشمنان را خنثی می‌کند، عصبانیت را فرو می‌نشاند، بلا، بیماری و غم را زایل می‌نماید و سرانجام، آدمی را از انواع آفات و شُرور و مهم‌تر از همه از آتش دوزخ، حفظ می‌کند و از رحمت الهی بهره‌مند می‌سازد.[2]

البتّه باید توجّه داشت که استعاذه، دعاست و دعا در فرهنگ اسلام، در کنار مسئولیت است، نه در برابر آن. از این رو نمی‌توان به بهانهٔ استعاذه، مسئولیت‌های عملی برای مبارزه با خطرها و آفات را رها کرد.

استمداد از خداوند متعال در کنار مسئولیت‌شناسی، علاوه بر تقویت روان در

---

۱. هفت اورنگ، عبد الرحمان جامی.

۲. ر.ک: فصل سوم.

مبارزه با آفات، انسان را از امدادهای غیبی در مواردی که ابزارها و علل طبیعی کاربرد ندارند، بهره‌مند می‌سازد.

۳. مهم‌ترین ادب استعاذه

مهم‌ترین ادب استعاذه، شناخت است؛ شناختِ این حقیقت که تنها دژ استواری که می‌تواند انسان را از انواع آسیب‌ها و خطرها در دنیا و آخرت حفظ کند، خداوند متعال است، و این که اساساً پناهگاهی جز او وجود ندارد و هر کس به غیر او پناه بَرد، زیان خواهد دید.

این شناخت، به طور طبیعی، زمینهٔ رغبت به بهره‌گیری از پناه خداوند را ـ که ادب دوم است ـ و تلاش برای بهره‌مندی از پناه او را ـ که ادب سوم است ـ فراهم می‌سازد.

لازمهٔ رعایت این آداب، ترک تمایلاتی است که مانع پیدایش حقیقت استعاذه‌اند و این، ادب چهارم محسوب می‌گردد.

پس از پیدایش حال و حقیقت استعاذه، توسّل به آن دسته از اسما و صفات الهی که مناسب با پناهجویی‌اند (مانند: رب، عزّت، نور قدس خداوند و...)، ادب دیگری است که در قرآن و احادیث، به آن، اشاره شده است.

در استعاذه به قصد پناهجویی از خطرهایی که جامعه را تهدید می‌کنند، تجمّع مؤمنان نیز مفید و مؤثّر است.[۱]

---

۱. ر.ک: ص ۲۱۱ (فصل دوم: آداب پناه بردن).

الفصل الأوّل

الحثّ على الاستعاذة بالله والالتجاء إليه

١ / ١

الاستعاذة للنفس[1]

الكتاب

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِن شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾.[1]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَـهِ النَّاسِ * مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾.[2]

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ﴾.[3]

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.[4]

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.[5]

---

١. الفلق: ١ـ٥.

٢. الناس: ١ـ٦.

٣. المؤمنون: ٩٧ و ٩٨.

٤. الأعراف: ٢٠٠.

٥. فصّلت: ٣٦.

فصل یکم

تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او

۱/۱
پناه خواستن برای خود

قرآن

﴿بگو: «پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم، از گزند آنچه آفرید، و از گزند تاریکی، چون فرا گیرد، و از گزند دَمَندگان افسون در گره‌ها، و از گزند هر حسود، آن گاه که حسد ورزد»﴾.

﴿بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از گزند وسوسه‌گرِ پس‌رونده. همو که در سینه‌های مردم، وسوسه می‌کند؛ چه از جنّ و [چه از] اِنس»﴾.

﴿و بگو: «ای پروردگار من! به تو پناه می‌آورم از وسوسه‌های شیطان‌ها. و به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ از این که به نزد من بیایند»﴾.

﴿و اگر از جانب شیطان، وسوسه‌ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوایِ داناست﴾.

﴿و اگر از سوی شیطان، وسوسه‌ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوا و داناست﴾.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ﴾.[١]

الحديث

١٨١٥ . رسول الله ﷺ: اِفزَعوا إلَى اللهِ في حَوائِجِكُم، وَالجَؤوا إلَيهِ في مُلِمّاتِكُم[٢]، وتَضَرَّعوا إلَيهِ وَادعوهُ؛ فَإِنَّ الدُّعاءَ مُخُّ العِبادَةِ.[٣]

١٨١٦ . الإمام عليّ عليه السلام: مَن آمَنَ بِاللهِ لَجَأَ إلَيهِ.[٤]

١٨١٧ . عنه عليه السلام: أَلجِئْ نَفسَكَ فِي الأُمورِ كُلِّها إلَى اللهِ الواحِدِ القَهّارِ، فَإِنَّكَ تُلجِئُها إلىٰ كَهفٍ حَصينٍ، وحِرزٍ حَريزٍ، ومانِعٍ عَزيزٍ.[٥]

١٨١٨ . عنه عليه السلام: تَوَقَّ سَخَطَ مَن لا يُنجيكَ إلّا طَاعَتُهُ، ولا يُرديكَ[٦] إلّا مَعصِيَتُهُ، ولا يَسعُكَ إلّا رَحمَتُهُ، وَالتَجِئْ إلَيهِ وتَوَكَّل عَلَيهِ.[٧]

١٨١٩ . الإمام الحسين عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ: اللّٰهُمَّ مَن أَوىٰ إلىٰ مَأوىً فَأَنتَ مَأوايَ، ومَن لَجَأَ إلىٰ مَلجَأٍ فَأَنتَ مَلجَئي.[٨]

١٨٢٠ . عنه عليه السلام ـ فيما نُسِبَ إلَيهِ مِن دُعاءِ عَرَفَةَ ـ: إلٰهي... وأنتَ الَّذي أزَلتَ الأَغيارَ عَن

---

١ . النحل: ٩٨.

٢ . المَلِمَّةُ: النازلة من نوازل الدنيا (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٣٢ «لمم»).

٣ . عدّة الداعي: ص ٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٠٢ ح ٣٩.

٤ . غرر الحكم: ح ٨٠٦٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٢ ح ٧٤٢٤.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٦ ح ٥٨٣٤، نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٦٩، كشف المحجّة: ص ٢٢٢ وليس فيها «حصين، وحرز»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١٨ ح ٢؛ دستور معالم الحكم: ص ٦١ وليس فيه «حصين، وحرز»، كنز العمّال: ج ١٦ ص ١٦٩ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ.

٦ . تُرديه: أي تُوقِعُه في مهلكة (النهاية: ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

٧ . غرر الحكم: ح ٤٥٥٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٤ ح ٤١٣١.

٨ . مُهَج الدعوات: ص ٦٩، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٤ ح ١.

﴿و هرگاه قرآن می‌خوانی، از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر﴾.

حدیث

۱۸۱۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: در نیازهایتان، به خدا پناه ببرید و در مشکلاتتان، به او متوسّل شوید و به او التماس کنید و او را بخوانید؛ زیرا دعا، مغز عبادت است.

۱۸۱۶ . **امام علی**ؑ: هر که به خدا ایمان آورد، به او پناه برده است.

۱۸۱۷ . **امام علی**ؑ: در همهٔ کارها، خویشتن را در پناه خدای یگانهٔ همواره چیره درآور؛ که در این صورت، خود را در پناه غاری استوار و دژی نفوذناپذیر و مانعی محکم، درآورده‌ای.

۱۸۱۸ . **امام علی**ؑ: بپرهیز از خشم و ناخشنودی آن کسی (خدایی) که جز فرمان بُرداری از او، چیزی تو را نمی‌رهانَد و جز نافرمانی از او، چیزی به نابودی‌ات نمی‌کشانَد و جز مهر او، چیزی به داد تو نمی‌رسد. به او متوسّل شو و بر او توکّل کن.

۱۸۱۹ . **امام حسین**ؑ ـ در قنوتش ـ: بار خدایا! هر کس به پناهگاهی پناه بُرد، تو پناهگاه منی، و هر کس به تکیه‌گاهی روی آورد، تو تکیه‌گاه منی.

۱۸۲۰ . **امام حسین**ؑ ـ در دعای عرفهٔ منسوب به ایشان ـ: معبود من! ... تویی که اغیار را از دل‌های دوستارانت، بیرون کردی، چندان که جز تو، کسی را دوست

قُلوبِ أحِبّائِكَ حَتّىٰ لَم يُحِبّوا سِواكَ، ولَم يَلجَؤوا إلىٰ غَيرِكَ.[١]

١٨٢١ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ في مُناجاةِ التَّوّابينَ ـ: إلٰهي... فَإن طَرَدتَني مِن بابِكَ فَبِمَن ألوذُ؟! وإن رَدَدتَني عَن جَنابِكَ فَبِمَن أعوذُ؟![٢]

١٨٢٢ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في عَرَفَةَ ـ: ها أنَا ذا بَينَ يَدَيكَ، صاغِراً ذَليلاً خاضِعاً خاشِعاً خائِفاً، مُعتَرِفاً بِعَظيمِ مِنَ الذُّنوبِ تَحَمَّلتُهُ، وجَليلٍ مِنَ الخَطايَا اجتَرَمتُهُ، مُستَجيراً بِصَفحِكَ[٣]، لائِذاً بِرَحمَتِكَ، موقِناً أنَّهُ لا يُجيرُني مِنكَ مُجيرٌ، ولا يَمنَعُني مِنكَ مانِعٌ.[٤]

١٨٢٣ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ لِوَلَدِهِ عليه السلام ـ: وَاجعَلني في جَميعِ ذٰلِكَ مِنَ المُصلِحينَ بِسُؤالي إيّاكَ، المُنجِحينَ بِالطَّلَبِ إلَيكَ، غَيرِ المَمنوعينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيكَ، المُعَوَّدينَ[٥] بِالتَّعَوُّذِ بِكَ.[٦]

١٨٢٤ . الإمام الباقر عليه السلام: إلٰهي... أنتَ رَبّي وسَيِّدي، ومَفزَعي ومَلجَئي، وَالحافِظُ لي، وَالذّابُّ[٧] عَنّي، وَالرَّحيمُ بي، وَالمُتَكَفِّلُ بِرِزقي.[٨]

١٨٢٥ . الإمام الصادق عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ ـ: ألوذُ بِعِزَّتِكَ، وأستَظِلُّ بِفِنائِكَ، وأستَجيرُ بِقُدرَتِكَ، وأستَغيثُ بِرَحمَتِكَ، وأعتَصِمُ بِحَبلِكَ، ولا أثِقُ إلّا بِكَ، ولا ألجَأُ إلّا إلَيكَ، يا عَظيمَ الرَّجاءِ، يا كاشِفَ البَلاءِ، ويا أحَقَّ مَن تَجاوَزَ وعَفا.

---

١. الإقبال (طبعة دار الكتب الإسلامية): ص ٣٤٩، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٦ ح ٣.

٢. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٤٢ ح ٢١ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

٣. صَفَحتَ عن فلانٍ: إذا أعرضتَ عن ذنبه (الصحاح: ج ١ ص ٣٨٣ «صفح»).

٤. الصحيفة السجّادية: ص ١٩٣ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٤، المصباح للكفعمي: ص ٨٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٤ عن الإمام الصادق عليه السلام.

٥. قال السيّد علي خان الحسيني: أكثر النسخ بإهمال الدال من «المعوّدين»، وهو اسم مفعول من عوّدته كذا، أي صيّرته له عادة. ونسخة ابن إدريس بالذال المعجمة (رياض السالكين: ج ٤ ص ١٢٩).

٦. الصحيفة السجّادية: ص ١٠٧ الدعاء ٢٥، المصباح للكفعمي: ص ٢٢٠ نحوه.

٧. الذَّبُّ: المَنعُ والدَّفعُ (الصحاح: ج ١ ص ١٢٦ «ذبب»).

٨. الكافي: ج ٢ ص ٥٥٨ ح ٨، عدّة الداعي: ص ٢٦٠ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام.

نداشته‌اند و به جز تو، پناه نبرده‌اند.

۱۸۲۱ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در «مناجات توبه گران» ـ: معبود من! ... اگر تو مرا از درگاهت برانی، به که پناه برم؟! و اگر تو مرا از پیشگاهت باز گردانی، به چه کسی متوسّل شوم؟!

۱۸۲۲ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در عرفه ـ: آنک، من در پیشگاه تو ایستاده‌ام، خوار و زبون و فروتن و خاکسار و ترسان، و به گناهان بزرگی که بر دوش دارم و خطاهای بزرگی که مرتکب گشته‌ام، اعتراف دارم و به گذشتِ تو، پناه آورده‌ام و دست به دامن مهرِ تو شده‌ام و یقین دارم که هیچ کس، نمی‌تواند مرا [از خشم و عذاب تو] در پناه خویش گیرد. هیچ مانعی نمی‌تواند تو را از من، باز دارد.

۱۸۲۳ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان برای فرزندانش ـ: و چنان کن که در همهٔ اینها (تقاضاهایم) به خواهشم از تو، دست یابم و به درخواستم از تو، کامیاب شوم و از توکّل کردن بر تو، محروم نگردم و به پناه بردن به تو، خو گیرم.

۱۸۲۴ . **امام باقر**ﷺ: معبود من! ... تویی پروردگار و آقای من، و پناه و ملجأ من، و نگهبان من، و حامی من، و مهربان به من، و متکفّل روزی من.

۱۸۲۵ . **امام صادق**ﷺ ـ در یکی از دعاهایش ـ: به عزّت تو پناه می‌برم و در آستان تو بست می‌نشینم و به قدرت تو پناهنده می‌شوم و از رحمت تو یاری می‌طلبم و به ریسمان تو چنگ می‌زنم و جز به تو اعتماد نمی‌کنم و جز به تو پناه نمی‌آورم، ای بزرگ‌ترین امید، ای زدایندهٔ بلا، و ای سزاوارترین کس به گذشت و بخشایش!

اللّهُمَّ إنَّ ظُلمي مُستَجيرٌ بِعَفوِكَ، وخَوفي مُستَجيرٌ بِأَمانِكَ، وفَقري مُستَجيرٌ بِغِناكَ، ووَجهِيَ البالِي الفاني مُستَجيرٌ بِوَجهِكَ الدّائِمِ الباقِي الَّذي لا يَفنىٰ ولا يَزولُ، يا مَن لا يَشغَلُهُ شَأنٌ عَن شَأنٍ.[١]

١٨٢٦ . الإمام الكاظم عليه السلام ـ في حِجابِهِ ـ: مَولايَ استَسلَمتُ إلَيكَ فَلا تُسلِمني، وتَوَكَّلتُ عَلَيكَ فَلا تَخذُلني، ولَجَأتُ إلىٰ ظِلِّكَ البَسيطِ[٢] فَلا تَطرَحني، أنتَ المَطلَبُ، وإلَيكَ المَهرَبُ.[٣]

١٨٢٧ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ أنتَ مَلاذي فَبِكَ ألوذُ، وأنتَ مَعاذي فَبِكَ أعوذُ.[٤]

١٨٢٨ . عنه عليه السلام ـ في دُعاءِ الجَوشَنِ ـ: فَبِمَن أعوذُ يا رَبِّ وبِمَن ألوذُ؟! لا أحَدَ لي إلّا أنتَ، أفَتَرُدُّني وأنتَ مُعَوَّلي[٥]، وعَلَيكَ مُعتَمَدي؟![٦]

١٨٢٩ . الإمام الرضا عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ يُدعىٰ بِهِ لَيلَةَ السَّبتِ، لِدَفعِ العَدُوِّ الحاسِدِ، وكَيدِ السُّلطانِ ـ:... فَإنّي بِكَ اللّهُمَّ أعوذُ وألوذُ، وبِكَ أثِقُ وعَلَيكَ أعتَمِدُ وأتَوَكَّلُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاصرِفهُ عَنّي، فَإنَّكَ غِياثُ المُستَغيثينَ، وجارُ المُستَجيرينَ، ولَجَأُ اللّاجِئينَ، وأرحَمُ الرّاحِمينَ.[٧]

١٨٣٠ . عنه عليه السلام ـ في دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الثَّماني رَكَعاتٍ مِن صَلاةِ اللَّيلِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ

---

١ . الإقبال: ج ٢ ص ١٣٩ عن سلمة بن الأكوع، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٤.

٢ . بَسَطَ الشيء: نَشَرَهُ (الصحاح: ج ٣ ص ١١١٦ «بسط»).

٣ . مُهَج الدعوات: ص ٣٥٨، المصباح للكفعمي: ص ٢٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٦ ح ١.

٤ . مُهَج الدعوات: ص ٢٩٤ و ص ٣٠٣ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٠ ح ٣.

٥ . عَوَّلَ عليه معوّلاً: اتّكلَ واعتمد (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٢ «عال»).

٦ . مُهَج الدعوات: ص ٢٧٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٢٦ وراجع الإقبال: ج ١ ص ١٣٠ والدروع الواقية: ص ٢٤٥.

٧ . مصباح المتهجّد: ص ٤٢٤ ح ٥٤٤، جمال الأسبوع: ص ١١٢ كلاهما عن الحسن بن محبوب، البلد الأمين: ص ١٥٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٣١ ح ٤٥.

بار خدایا! از ستم خود به بخشایش تو پناه می‌برم، از ترس خود، به امنیّت تو پناه می‌برم، از فقر خود، به توانگری تو پناه می‌برم و وجود پوسنده و فناپذیر خویش را در پناه وجود پاینده و جاویدان تو ـ که نیستی و زوال نمی‌پذیرد ـ، در می‌آورم، ای کسی که [توجّه به] چیزی، او را از چیزی دیگر، باز نمی‌دارد!

۱۸۲۶ . امام کاظم‌ؑ ـ در «دعای حجاب (محافظت)[1] ـ: سَروَر من! خودم را به تو سپردم. پس مرا وا مگذار.

بر تو توکّل کردم. پس مرا تنها مگذار. به سایهٔ گسترده تو پناه آورم. پس مرا دور مینداز. تویی مطلوب، و به سوی تو باید گریخت.

۱۸۲۷ . امام کاظم‌ؑ: بار خدایا! تویی گریزگاه من. پس به سوی تو می‌گریزم. تویی پناهگاه من. پس به تو پناه می‌آورم.

۱۸۲۸ . امام کاظم‌ؑ ـ در دعای «جوشن» ـ: به که پناه برم، ای پروردگار من! و به چه کسی متوسّل شوم؟! جز تو کسی را ندارم. آیا تو که تکیه‌گاه منی و اعتمادم به توست، دست رد به سینه‌ام می‌زنی؟!

۱۸۲۹ . امام رضاؑ ـ از دعایی که در شب شنبه، برای دفع دشمن حسود و دسیسهٔ سلطان، خوانده می‌شود ـ: ... خداوندا! من به تو پناهنده و متوسّل می‌شوم، و به تو تکیه و اعتماد و توکّل می‌کنم. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آن [دشمن حسود و دسیسهٔ سلطان] را از من، دور کن، که تو فریادرسِ فریادخواهان، و حامی حمایت‌خواهان، و پناه پناهجویان و مهربان‌ترینِ مهربانانی.

۱۸۳۰ . امام رضاؑ ـ در دعایی که بعد از هشت رکعت نماز شب می‌خواند ـ: بار خدایا!

---

۱ . واژهٔ «حجاب» که در متن عربی حدیث آمده، به معنای حِرز و دعایی است که برای دفعِ چشم زخم یا تأثیر سلاح و مانند آن، بر خود می‌آویزند.

بِحُرمَةِ مَن عاذَ بِكَ مِنكَ، ولَجَأَ إلىٰ عِزِّكَ، وَاستَظَلَّ بِفَيئِكَ، وَاعتَصَمَ بِحَبلِكَ، ولَم يَثِق إلّا بِكَ، يا جَزيلَ العَطايا، يا مُطلِقَ الأُسارىٰ، يا مَن سَمّىٰ نَفسَهُ مِن جودِهِ وَهّاباً، أدعوكَ رَغَباً ورَهَباً، وخَوفاً وطَمَعاً، وإلحاحاً وإلحافاً[1]، وتَضَرُّعاً وتَمَلُّقاً، وقائِماً وقاعِداً، وراكِعاً وساجِداً، وراكِباً وماشِياً، وذاهِباً وجائِياً، وفي كُلِّ حالاتي، وأسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَفعَلَ بي كَذا وكَذا.[2]

١٨٣١ . **الإمام الهادي عليه السلام** ـ في دُعاءٍ لَهُ ـ: أنتَ ثِقَتي ورَجائي، وإلَيكَ مَهرَبي ومَلجَئي، وعَلَيكَ تَوَكُّلي، وبِكَ اعتِصامي وعِياذي.[3]

٢ / ١
الإستِعاذَةُ لِلآخَرينَ

١٨٣٢ . **الأمالي للمحاملي عن عبد الله بن الحارث**: قُلتُ لِعَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ عليه السلام: أخبِرني بِأَفضَلِ مَنزِلَتِكَ مِن رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله؟

قالَ: نَعَم. قالَ: بَينا أنَا نائِمٌ عِندَهُ وهُوَ يُصَلّي، فَلَمّا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ قالَ: يا عَلِيُّ! ما سَأَلتُ اللهَ مِنَ الخَيرِ إلّا سَأَلتُ لَكَ مِثلَهُ، ومَا استَعَذتُ اللهَ مِنَ الشَّرِّ إلّا استَعَذتُ لَكَ مِثلَهُ.[4]

١٨٣٣ . **الإمام الصادق عليه السلام**: حَصِّنوا أموالَكُم وأهليكُم وأحرِزوهُم بِهٰذِهِ، وقولوها بَعدَ صَلاةِ

---

١ . ألحف السائلَ: ألحّ (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٢٦ «لحف»).

٢ . مصباح المتهجّد: ص ١٥٠ ح ٢٣٩ و ص ٥٦٦ ح ٦٦٩، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩١ ح ٢٥٠، الإقبال: ج ١ ص ٣٢٩ كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٥٧ ح ٦١.

٣ . المصباح للكفعمي: ص ٥٣١، بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ٢٥٣ ح ١١ نقلاً عن البلد الأمين عن الإمام العسكري عليه السلام.

٤ . الأمالي للمحاملي: ص ٣٦٨ ح ٤١٨، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٣٠٩، ذخائر العقبى: ص ١١٥، كنز العمّال: ج ١٣ ص ١٥١ ح ٣٦٤٧٤.

از تو می‌خواهم به حرمت کسی که از تو به تو، پناه آورده است و به عزّت تو، پناهنده شده و در سایهٔ تو، جای گرفته و به ریسمان تو، چنگ آویخته و جز به تو، اعتماد نکرده است، ای پُردَهِش، ای رهانندهٔ بندیان، ای کسی که از شدّت بخشندگی‌اش خویشتن را دَهِشگر نامیده است! تو را می‌خوانم با امید و بیم، و ترس و طمع، و سماجت و پافشاری، و زاری و چاپلوسی، و ایستاده و نشسته، و در رکوع و سجود، و سواره و پیاده، و آینده و رونده، و در همه حالاتم، و از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و به من، چنین و چنان کنی.

۱۸۳۱. **امام هادی**ﷺ ـ در یکی از دعاهایش ـ: تو، مورد اعتماد من و امید منی، و گریزگاه و پناهگاهم، تویی. توکّلم به توست و به تو چنگ زنم و به تو پناه می‌آورم.

۲/۱
پناه خواستن برای دیگران

۱۸۳۲. **الأمالی**، محاملی ـ به نقل از عبد الله بن حارث ـ: به علی بن ابی طالبﷺ گفتم: از بالاترین منزلتت در نزد پیامبر خدا به من خبرده.

فرمود: «باشد. من، نزد ایشان خوابیده بودم و ایشان، نماز می‌خواند. چون نمازش را تمام کرد، فرمود: "ای علی! هر خوبی‌ای که از خدا خواستم، همانند آن را برای تو نیز درخواست کردم، و از هر بدی‌ای که به خدا پناه بردم، برای تو نیز [از خداوند] پناه خواستم"».

۱۸۳۳. **امام صادق**ﷺ: دارایی‌هایتان و خانواده‌تان را با این [دعا] نگهداری و محافظت

العِشاءِ الآخِرَةِ: «أُعيذُ نَفسي وذُرِّيَّتي وأهلَ بَيتي ومالي بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةِ، مِن كُلِّ شَيطانٍ وهامَّةٍ، ومِن كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ»، وهِيَ العوذَةُ الَّتي عَوَّذَ بِها[1] جَبرَئيلُ عليه السلام الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهما السلام.[2]

١٨٣٣ . سنن أبي داوود عن ابن عبّاس: كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُعَوِّذُ الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهما السلام: «أُعيذُكُما بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةِ، مِن كُلِّ شَيطانٍ وهامَّةٍ، ومِن كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ»، ثُمَّ يَقولُ: كانَ أبوكُم[3] يُعَوِّذُ بِهِما إسماعيلَ وإسحاقَ عليهما السلام.[4]

١٨٣٥ . الإمام عليّ عليه السلام: كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُعَوِّذُ الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهما السلام بِهٰذِهِ العوذَةِ، وكانَ يَأمُرُ بِذٰلِكَ أصحابَهُ، وهُوَ هٰذا:

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، أُعيذُ نَفسي وديني وأهلي ومالي ووُلدي وخَواتيمَ عَمَلي وما رَزَقَني رَبّي وخَوَّلَني، بِعِزَّةِ اللهِ، وعَظَمَةِ اللهِ، وجَبَروتِ اللهِ، وسُلطانِ اللهِ، ورَحمَةِ اللهِ، ورَأفَةِ اللهِ، وغُفرانِ اللهِ، وقُوَّةِ اللهِ، وقُدرَةِ اللهِ، وبِآلاءِ اللهِ، وبِصُنعِ اللهِ، وبِأركانِ اللهِ، وبِجَمعِ اللهِ عزّ وجلّ، وبِرَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، وقُدرَةِ اللهِ عَلىٰ ما يَشاءُ، مِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ، ومِن شَرِّ ما دَبَّ فِي الأَرضِ، ومِن شَرِّ ما يَخرُجُ مِنها، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ، وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ

---

١ . في المصدر: «بهما»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١١٩ عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢٧ ح ٩.

٣ . أي إبراهيم عليه السلام.

٤ . سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٣٥ ح ٤٧٣٧، صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٢٣٣ ح ٣١٩١ نحوه، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٢٠٦٠، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٨٠ ح ٢٤٣٤؛ العمدة: ص ٣٩٦ ح ٧٩٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٣٨٣ عن علقمة بن عبد الله وابن عمر نحوه، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٤٨٨ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٢٨٢ ح ٤٩.

کنید، و بعد از نماز عشا، آن را بگویید: «خودم و فرزندانم و خانواده‌ام و اموالم را از گزند هر شیطانی و هر جانور گزنده‌ای، و از هر چشمِ بدی، در پناه کلمات تامّ خداوند در می‌آورم». این، همان دعایی است که جبرئیلؑ با آن، حسن و حسینؑ را تعویذ کرد.

۱۸۳۴ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ حسن و حسینؑ را با این دعا تعویذ می‌کرد: «شما دو تن را از گزند هر شیطانی و جانور گزنده‌ای، و از هر چشمِ بدی در پناه کلمات تامّ خدا در می‌آورم».

سپس می‌فرمود: «پدرتان[1] با این دعا، اسماعیل و اسحاقؑ را تعویذ می‌کرد».

۱۸۳۵ . **امام علی**ؑ: پیامبرﷺ حسن و حسینؑ را با این دعا تعویذ می‌کرد و اصحابش را نیز به آن، توصیه می‌فرمود. آن تعویذ، این است: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. خودم و دینم و همسرم و اموالم و فرزندانم و فرجام‌های کارم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده و عطایم فرموده است، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و شُکوه خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و توانایی خدا و نیروی خدا و الطاف خدا و احسان خدا و ارکان خدا و همهٔ [ذات و صفات] خداوندﷻ، و پیامبر خدا و قدرت خدا، بر آنچه خواهد، در آوردم، از گزند خزندگان زهردار و حشرات موزی، و از گزند جنّ و انس، و از گزند هر جنبنده‌ای در زمین، و از گزند آنچه از زمین بیرون می‌آید، و از گزند آنچه از آسمانْ فرود می‌آید یا به آسمان بالا می‌رود، و از گزند هر جنبنده‌ای که کاکُل (زمام) آن در دست پروردگار من است، که پروردگار من، بر راهی راست است،

---

۱ . یعنی ابراهیمؑ.

إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وآلِهِ أجمَعينَ.[١]

١٨٣٦ . المعجم الكبير عن بلال بن سعد عن أبيه: قالَ النَّبِيُّ ﷺ: أينَ بَنوكَ؟ قُلتُ: ها هُم أولاءِ، قالَ: فَائتِني بِهِم. فَأَمَرتُ أهلي فَأَلبَستَهُم قُمُصاً بَيضاءَ، ثُمَّ أتَيتُهُ بِهِم، فَقالَ:

اللّٰهُمَّ إنّي أُعيذُهُم بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالضَّلالَةِ، ومِنَ الفَقرِ الَّذي يُصيبُ بَني آدَمَ.[٢]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ٢٢، الخصال: ص ٦٣١ ح ١٠ نحوه وكلاهما عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم ← عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٦٤ ح ١.

٢ . المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٥ ح ٥٢٦٢، تاريخ دمشق: ج ٢٠ ص ٢٢٨، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٠.

و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر سَروَرمان محمّد و همهٔ خاندانش بادا!».

۱۸۳۶. **المعجم الکبیر** ـ به نقل از بلال بن سعد، از پدرش ـ: پیامبرﷺ فرمود: «فرزندانت کجایند؟».

گفتم: همین‌جا.

فرمود: «آنها را نزد من بیاور».

من به همسرم گفتم که جامه‌های سفید بر آنها پوشاند. پس آنها را نزد پیامبرﷺ آوردم.

فرمود: «بار خدایا! اینان را از کفر و گم‌راهی، و از فقر ـ که به فرزندان آدم می‌رسد ـ، در پناه تو در آوردم».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ الثّاني

آدابُ الاِستِعاذَةِ

١/٢
مَعرِفَةُ المُستَعاذِ وَالمُلتَجا

أ ـ اللهُ حِصنُ اللّاجينَ

١٨٣٧ . رسول الله ﷺ: يا اللهُ، يا مَن هُوَ حِصنٌ لِأَهلِ السَّماواتِ وَالأَرضِ.[١]

١٨٣٨ . الإمام زين العابدين ﷺ ـ في مُناجاةِ المُعتَصِمينَ ـ: اللّٰهُمَّ يا مَلاذَ اللّائِذينَ، ويا مَعاذَ العائِذينَ... ويا حِصنَ اللّاجينَ، إن لَم أعُذ بِعِزَّتِكَ فَبِمَن أعوذُ؟ وإن لَم ألُذ بِقُدرَتِكَ فَبِمَن ألوذُ؟![٢]

١٨٣٩ . الإمام الصادق ﷺ ـ في دُعاءِ اليَومِ العِشرينَ مِنَ الشَّهرِ ـ: أنتَ جارُ المُستَجيرينَ، ولَجَأُ اللّاجِئينَ.[٣]

١٨٤٠ . عنه ﷺ ـ في عَمَلِ لَيلَةِ النِّصفِ مِن شَعبانَ ـ: يا مَن إلَيهِ مَلجَأُ العِبادِ

---

١ . البلد الأمين: ص ٤٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٦٥ ح ١ وفيه «ملجأ» بدل «حصن».

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٢ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

٣ . الدُّروع الواقية: ص ١٣٢ و ص ٩٨ و ص ١٨٨ كلاهما نحوه و ص ٢٢١، العُدد القوية: ص ٢١٧ كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٦٥.

فصل دوم

آداب پناه بردن

۱/۲

شناخت کسی که به او پناه برده می‌شود

الف ـ خدا، دژ پناهندگان

۱۸۳۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای خدا، ای آن که دژ آسمانیان و زمینیان است!

۱۸۳۸ . **امام زین العابدین**ؑ ـ در «مناجات متوسّل شوندگان» ـ: بار خدایا، ای پناهگاه پناهجویان، و ای حامی حمایت‌خواهان ... وای دژ پناهندگان! اگر به عزّت تو پناه نیاورم، پس به چه کسی پناه برم؟! و اگر به قدرت تو پناهنده نشوم، پس به چه کسی پناهنده شوم؟!

۱۸۳۹ . **امام صادق**ؑ ـ در دعای روز بیستم ماه ـ: تو حامی حمایت‌خواهان، و پناه پناه‌جویانی.

۱۸۴۰ . **امام صادق**ؑ ـ در اعمال شب نیمهٔ شعبان ـ: ای کسی که بندگان، در سختی‌ها

فِي المُهِمّاتِ.[١]

١٨٤١ . عنه ﷺ ـ فِي الدُّعاءِ عِندَ شَهرِ رَمَضانَ ـ: يا مَن لَم يَلُذِ اللّائِذونَ بِمِثلِهِ.[٢]

١٨٤٢ . الإمام الهادي ﷺ: إنَّ اللهَ تَعالىٰ عَلِمَ مِنّا أنّا لا نَلجَأُ فِي المُهِمّاتِ إلّا إلَيهِ... وَعوَّدَنا إذا سَأَلنَا الإِجابَةَ.[٣]

ب ـ مَلجَأُ المُضطَرّينَ

١٨٤٣ . رسول الله ﷺ ـ في دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ ـ: يا مَلجَئي عِندَ اضطِراري، يا مُعيني عِندَ مَفزَعي... يا مَن إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرونَ.[٤]

١٨٤٤ . الإمام علي ﷺ ـ مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ إيّاهُ رَسولُ اللهِ ﷺ ـ: يا مَلجَأَ كُلِّ طَريدٍ، يا مَأوىٰ كُلِّ شَريدٍ.[٥]

١٨٤٥ . عنه ﷺ: أُوصيكُم بِتَقوَى اللهِ؛ فَإنَّها غِبطَةٌ لِلطّالِبِ الرّاجي، وثِقَةٌ لِلهارِبِ اللّاجي.[٦]

١٨٤٦ . عنه ﷺ: إلٰهي إن كُنتَ لا تَرحَمُ إلّا المُجِدّينَ في طاعَتِكَ، فَإلىٰ مَن يَفزَعُ المُقَصِّرونَ؟

---

١. مصباح المتهجّد: ص ٨٣١ ح ٨٩١، الأمالي للطوسي: ص ٢٩٧ ح ٥٨٣، المزار الكبير: ص ٤٠٦، الإقبال: ج ٣ ص ٣١٥ كلّها عن أبي يحيى و ص ٣١٧ عن محمّد بن عليّ الطرازي، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨٦ ح ٥.

٢. الإقبال: ج ١ ص ١٢٩ عن هارون بن موسى التلعكبري، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٣٤ ح ١.

٣. الأمالي للطوسي: ص ٢٨٦ ح ٥٥٥، بشارة المصطفى: ص ١٣٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٤١١ كلّها عن عيسى بن أحمد بن عيسى، عدّة الداعي: ص ٥٧ وفيه «عوّدنا أن» بدل «علم منّا أنّا»، بحار الأنوار: ج ٥٠ ص ١٢٧ ح ٥.

٤. البلد الأمين: ص ٤٠٣ ـ ٤٠٦، المصباح للكفعمي: ص ٣٣٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٨٥.

٥. مُهَج الدعوات: ص ١٩٦، المصباح للكفعمي: ص ٣٥١ كلاهما عن الإمام الحسين ﷺ، البلد الأمين: ص ٣٣٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ و ص ٣٦١ وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٠٠ ح ٣٣.

٦. تحف العقول: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦.

به او پناه می‌برند!

۱۸۴۱ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای ماه رمضان ـ: ای کسی که پناهندگان، به کسی همچون او پناه نبرده‌اند!

۱۸۴۲ . **امام هادی**ﷺ: خدای متعال می‌داند که ما در سختی‌ها، جز به او پناه نمی‌بریم ... و ما را عادت داده است که هرگاه [از او] بخواهیم، اجابت کند.

ب ـ پناه درماندگان

۱۸۴۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعای «جوشن کبیر» ـ: ای پناه من در هنگام درماندگی‌ام، ای کمک کننده به من در هنگام وحشتم! ... ای کسی که سرگشتگان، به او پناه می‌برند!

۱۸۴۴ . **امام علی**ﷺ ـ از دعایی که پیامبر خدا به او آموخت ـ: ای پناهگاه هر رانده شده‌ای! ای سرپناه هر آواره‌ای!

۱۸۴۵ . **امام علی**ﷺ: شما را به پروای از خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا که پروای از خدا، مایهٔ شادمانی هر جویندهٔ امیدوار، و تکیه‌گاه فرارِ پناه‌خواه است.

۱۸۴۶ . **امام علی**ﷺ: معبود من! اگر تو، جز به کوشندگانِ در طاعتت رحم نکنی، پس تقصیرکاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز از تلاشگران نپذیری، پس

وإن كُنتَ لا تَقبَلُ إلّا مِنَ المُجتَهِدينَ، فَإلىٰ مَن يَلتَجِئُ المُفَرِّطونَ[١]؟![٢]

١٨٣٧ . عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ... أنتَ مَلجَأُ الخائِفِ الغَريقِ، وأرأَفُ مِن كُلِّ شَفيقٍ، إلَيكَ قَصَدتُ سَيِّدي، وأنتَ مُنتَهَى القَصدِ لِلقاصِدينَ.[٣]

١٨٣٨ . الإمام الحسن عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ: يا حاضِرَ كُلِّ غَيبٍ، وعالِمَ كُلِّ سِرٍّ، ومَلجَأَ كُلِّ مُضطَرٍّ، ضَلَّت فيكَ الفُهومُ، وتَقَطَّعَت دونَكَ العُلومُ.[٤]

١٨٣٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ سُؤالَ الخاضِعِ الذَّليلِ، وأسأَلُكَ سُؤالَ العائِذِ المُستَقيلِ[٥].[٦]

١٨٥٠ . عنه عليه السلام ـ في دُعاءٍ لَهُ ـ: يا مَن كُلُّ هارِبٍ إلَيهِ يَلتَجِئُ، وكُلُّ طالِبٍ إيّاهُ يَرتَجي.[٧]

١٨٥١ . عنه عليه السلام ـ أيضاً ـ: بارِك لي فيما رَزَقتَني، وفيما خَوَّلتَني، وفيما أنعَمتَ بِهِ عَلَيَّ، وَاجعَلني في كُلِّ حالاتي مَحفوظاً، مَكلوءاً[٨]، مَستوراً، مَمنوعاً[٩]، مُعاذاً، مُجاراً.[١٠]

---

١ . المُفَرِّطُ ـ بالتشديد ـ: المقصِّر في العمل (النهاية: ج ٣ ص ٤٣٤ «فرط»).

٢ . البلد الأمين: ص ٣١٤، المصباح للكفعمي: ص ٤٨٩ كلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، ← بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٠٣ ح ١٤.

٣ . البلد الأمين: ص ٩٦، العدد القوية: ص ٣٠٣ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٤٦ ح ٩.

٤ . مُهَج الدعوات: ص ٦٦، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٢.

٥ . استقاله: طلب إليه أن يُقيله، وأقال الله عثرتك، أي: صفح عنك (تاج العروس: ج ١٥ ص ٦٤٤ «قيل»).

٦ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٨ ح ٢٠ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي، مصباح المتهجّد: ص ١٤٨ ح ٢٣٨ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

٧ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٤٤ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

٨ . كَلأَهُ الله: أي حفظه وحرسه (الصحاح: ج ١ ص ٦٩ «كلأ»).

٩ . المانع: من صفات الله تعالى، أنّه تبارك وتعالى يحفظ أهل دينه، أي يحوطهم وينصرهم (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٤٣ «منع»).

١٠ . الصحيفة السجّادية: ص ٩٤ الدعاء ٢٢.

سستی‌ورزان به چه کسی پناهنده شوند؟

۱۸۴۷ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! ... تو پناهگاه ترسانِ غرق گشته‌ای، و از هر دلسوزی، مهرورزتری. من، آهنگِ کوی تو کرده‌ام ـ ای آقای من ـ که تو فرجامین مقصد رهپویانی.

۱۸۴۸ . **امام حسن**ﷺ ـ در دعای قنوت ـ: ای حاضرِ در هر نهان، و ای دانای هر راز، و ای پناه هر بی‌چاره و درمانده! فهم‌ها در تو سرگردان‌اند و دانش‌ها در بارهٔ تو درمانده‌اند.

۱۸۴۹ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم، چونان درخواست کرنشگر زبون! از تو درخواست می‌کنم، به سان درخواستِ پناهجوی پوزشخواه.

۱۸۵۰ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در یکی از دعاهایش ـ: ای آن که هر گریزنده‌ای به او پناه می‌برد و هر جوینده‌ای امیدش به اوست!

۱۸۵۱ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در یکی از دعاهایش ـ: در آنچه روزیِ من کرده‌ای و در آنچه به من داده‌ای و در هر نعمتی که ارزانی‌ام داشته‌ای، برکت ده و در همهٔ اوضاع و احوال، از من نگهداری و پاسداری و مراقبت و دفاع کن، و مرا در پناه و حمایت خویش، در آور.

١٨٥٢ . **الإمام الصادق**ﷺ ـ في الدُّعاءِ ـ : أستَخيرُكَ اللّٰهُمَّ بِعِلمِكَ ، وأستَقدِرُكَ بِقُدرَتِكَ ، وأسأَلُكَ مِن فَضلِكَ ، وألجَأُ إلَيكَ في كُلِّ اُموري ، وأبرَأُ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّةِ إلّا بِكَ ، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ ، وأنتَ حَسبي ونِعمَ الوَكيلُ .[١]

١٨٥٣ . **عنه**ﷺ ـ أيضاً ـ : سَيِّدي إلَيكَ يَلجَأُ الهارِبُ ، ومِنكَ يَلتَمِسُ الطّالِبُ ، وعَلىٰ كَرَمِكَ يُعَوِّلُ المُستَقيلُ التّائِبُ .[٢]

١٨٥٤ . **عنه**ﷺ ـ مِن حِرزٍ لَهُ ـ : اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ يا مُدرِكَ الهارِبينَ ، ويا مَلجَأَ الخائِفينَ ....[٣]

١٨٥٥ . **الإمام الكاظم**ﷺ ـ في قُنوتِهِ ـ : فَمَعاذُ المَظلومِ مِنّا بِكَ ، وتَوَكُّلُ المَقهورِ مِنّا عَلَيكَ ، ورُجوعُهُ إلَيكَ ، ويَستَغيثُ بِكَ إذا خَذَلَهُ المُغيثُ ، ويَستَصرِخُكَ إذا قَعَدَ عَنهُ النَّصيرُ ، ويَلوذُ بِكَ إذا نَفَتهُ الأَفنِيَةُ ، ويَطرُقُ بابَكَ[٤] إذا اُغلِقَت عَنهُ الأَبوابُ المُرتَجَةُ[٥] ، ويَصِلُ إلَيكَ إذَا احتَجَبَت[٦] عَنهُ المُلوكُ الغافِلَةُ .[٧]

١٨٥٦ . **عنه**ﷺ ـ في قُنوتِهِ ـ : يا مَفزَعَ الفازِعِ ، ومَأمَنَ الهالِعِ[٨] ، ومَطمَعَ الطّامِعِ ، ومَلجَأَ الضّارِعِ[٩] .[١٠]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . فتح الأبواب : ص ١٦١ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٣٦ ح ١ .

٢ . الإقبال : ج ٣ ص ٣١٦ عن أبي يحيى ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٤١٠ ح ١ .

٣ . مُهَج الدعوات : ص ٢٢٣ و ص ٢٤٣ كلاهما عن الربيع ، البلد الأمين : ص ٣٨٢ و ص ٣٦١ عن الإمام عليّ ﷺ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٧٣ ح ١ .

٤ . في المصدر : «بك» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٥ . ارتجتُ البابَ : أغلقتُه (الصحاح : ج ١ ص ٣١٧ «رتج») .

٦ . في المصدر : «احتجب» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٧ . مُهَج الدعوات : ص ٧٥ و ص ٣٢٠ عن زرافة عن الإمام الهادي ﷺ ، البلد الأمين : ص ٣٤١ ، المصباح للكفعمي : ص ٢٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٢٠ .

٨ . الهَلَعُ : أشدّ الجزع (النهاية : ج ٥ ص ٢٦٩ «هلع») .

٩ . ضرَعَ إليه ضَرَاعَةً : خضَعَ وذلّ ، فهو ضارِعٌ ، وتضرَّع إلى الله ، أي : ابتهلَ (لسان العرب : ج ٨ ص ٢٢٢ «ضرع») .

١٠ . مُهَج الدعوات : ص ٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢١٩ .

۱۸۵۲ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعا ـ: بار خدایا! از تو خیر می‌طلبم که تو می‌دانی، و از تو قدرت می‌طلبم که تو قدرت داری، و از فضل تو درخواستت می‌کنم، و در همه کارهایم به تو پناه می‌آورم، و از هر نیرو و توانی برائت می‌جویم، جز به یاری تو، و به تو توکّل می‌کنم، که تو مرا بسنده‌ای و نیکو کارسازی هستی.

۱۸۵۳ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعا ـ: سَروَر من! گریزنده، به سوی تو می‌گریزد و خواهنده، از تو درخواست می‌کند و بخشایش‌طلب توبه‌گر، به بزرگواری تو تکیه می‌کند.

۱۸۵۴ . **امام صادق**ﷺ ـ در یکی از حِرزهایش ـ: بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم، ای رسندهٔ به گریزندگان و ای پناه بیمناکان! ....

۱۸۵۵ . **امام کاظم**ﷺ ـ در دعای قنوت ـ: ستم دیدهٔ ما، به تو پناه می‌آورد و شکست خوردهٔ ما، بر تو توکّل می‌کند و به سوی تو باز می‌آید، وهرگاه کمک کننده تنهایش گذارد، از تو کمک می‌طلبد و هرگاه یاریگر، از یاری او باز ایستد، از تو یاری می‌جوید و هر گاه از درگاه‌ها رانده شود، به درگاه تو پناهنده می‌شود و هرگاه درهای امید به روی او بسته گردد، درِ خانه تو را می‌کوبد و هرگاه شاهان بی‌خبر [از تو] به او بار ندهند، خود را به تو می‌رساند.

۱۸۵۶ . **امام کاظم**ﷺ ـ در دعای قنوت ـ: ای پناهگاه ترسایان، و مأمن وحشت‌زدگانِ بی‌قرار، و امید امیدواران، و پناهگاه لابه کنندگان!

١٨٥٧ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ فِي السّاعَةِ السّابِعَةِ مِنَ النَّهارِ ـ : يا مَن دَعاهُ المُضطَرّونَ، ولَجَأَ إلَيهِ الخائِفونَ، وسَأَلَهُ المُؤمِنونَ، وَعَبَدَهُ الشّاكِرونَ، وحَمِدَهُ المُخلِصونَ.[١]

ج ـ لا مَلجَأَ إلّا اللهُ

الكتاب

﴿وَعَلَى ٱلثَّلَـٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾.[٢]

﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ﴾.[٣]

الحديث

١٨٥٨ . الإمام الصادق عليه السلام: كانَ فيما وَعَظَ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ بِهِ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام أن قالَ لَهُ: ... يا عيسىٰ أنتَ المَسيحُ[٤] بِأمري، وأنتَ تَخلُقُ مِنَ الطّينِ كَهَيئَةِ الطَّيرِ بِإذني، وأنتَ تُحيِي المَوتىٰ بِكَلامي، فَكُن إلَيَّ راغِباً، ومِنّي راهِباً؛ فَإنَّكَ لَن تَجِدَ مِنّي مَلجَأً إلّا إلَيَّ.[٥]

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٥١٥ ح ٥٩٦ و ص ٥١٦ ح ٥٩٨، البلد الأمين: ص ١٤٤، المصباح للكفعمي: ص ١٨٨ كلّها عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه و ص ١٨٦، مُهَج الدعوات: ص ٨٣ عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٤٨.

٢ . التوبة: ١١٨.

٣ . الشورى: ٤٧.

٤ . المَسيحُ: سُمّي بذلك لأنّه كان يمسح بيده على العليل والأكمه والأبرص فيبرئه بإذن الله (لسان العرب: ج ٢ ص ٥٩٤ «مسح»).

٥ . الأمالي للصدوق: ص ٦٠٦ ح ٨٤١ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣ عن عليّ بن أسباط عنهم عليهم السلام، تحف العقول: ص ٤٩٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٩ ح ١٤.

۱۸۵۷ . **امام کاظم**ﷺ ـ از دعای ایشان در ساعت هفتم روز ـ : ای کسی که درماندگان، او را می‌خوانند و بیمناکان، به او پناه برند و مؤمنان، از او درخواست کنند و سپاس گزاران، او را بندگی کنند و اهل اخلاص، او را می‌ستایند.

ج ـ پناهی جز خدا نیست

قرآن

﴿و بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه‌شان به تعویق افتاد] تا آن جا که زمین با همهٔ فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا، جز به خود او نیست. پس خدا به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند. بی‌تردید، خداوند توبه‌پذیر مهربان است﴾.

﴿پیش از آن که روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز، نه برای شما پناهی، و نه برایتان [مجال] انکاری هست﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

حدیث

۱۸۵۸ . **امام صادق**ﷺ: از اندرزهای خداوند ـ تبارک و تعالی ـ به عیسی بن مریمﷺ این بود که به او فرمود: «... ای عیسی! تو با فرمان [و اجازه من] مسیح[1] هستی و با اجازهٔ من، از گِل به صورت پرنده می‌آفرینی و با سخن من است که مُردگان را زنده می‌سازی. پس به من امیدوار باش و از من بترس؛ زیرا که تو هرگز گریزی از من، جز به سوی خود من نمی‌یابی».

---

۱ . ایشان را مسیح نامیدند، چون معلول و کور مادرزاد و پیسی گرفته را مَسح می‌کرد و به اذن خدا، او را شفا می‌بخشید.

١٨٥٩ . مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: كُنتُ أمشي مَعَ رَسولِ اللهِ ﷺ في نَخلٍ لِبَعضِ أهلِ المَدينَةِ... فَقالَ ﷺ: يا أبا هُرَيرَةَ، ألا أدُلُّكَ عَلىٰ كَنزٍ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ؟

فَقُلتُ: بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ.

قالَ: قُل: لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، ولا مَلجَأَ مِنَ اللهِ إلّا إلَيهِ.[١]

١٨٦٠ . رسول الله ﷺ: اللّٰهُمَّ... لَكَ الحَمدُ في كُلِّ ما قَضَيتَ، ولا مَلجَأَ مِنكَ إلّا إلَيكَ، يا واسِعَ النَّعماءِ.[٢]

١٨٦١ . عنه ﷺ: أنَا سَيِّدُ النّاسِ يَومَ القِيامَةِ، يَدعوني رَبّي فَأقولُ: لَبَّيكَ وسَعدَيكَ، تَبارَكتَ لَبَّيكَ وحَنانَيكَ، وَالمَهدِيُّ مَن هَدَيتَ، وعَبدُكَ بَينَ يَدَيكَ، لا مَلجَأَ ولا مَنجىٰ مِنكَ إلّا إلَيكَ، تَبارَكتَ رَبَّ البَيتِ.[٣]

١٨٦٢ . عنه ﷺ: ما مِن عَبدٍ يُصَلّي الفَجرَ، ثُمَّ يَقولُ حينَ يَنصَرِفُ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، لا حيلَةَ ولَا احتِيالَ ولا مَلجَأَ ولا مَنجىٰ مِنَ اللهِ إلّا إلَيهِ» سَبعَ مَرّاتٍ، إلّا دَفَعَ اللهُ تَعالىٰ عَنهُ سَبعينَ نَوعاً مِنَ البَلاءِ.[٤]

١٨٦٣ . الإمام عليّ ﷺ: تَحَرَّ[٥] رِضَى اللهِ وَتجَنَّب سَخَطَهُ؛ فَإنَّهُ لا يَدَ لَكَ بِنَقِمَتِهِ، ولا غِنىٰ بِكَ عَن مَغفِرَتِهِ، ولا مَلجَأَ لَكَ مِنهُ إلّا إلَيهِ.[٦]

---

١. مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٨٠ ح ٨٠٩١ و ص ٦١٧ ح ١٠٧٩٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠١، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ١١ ص ٢٨٣ ح ٢٠٥٤٧، مسند الطيالسي: ص ٣٢٢ ح ٢٤٥٦ نحوه، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٩٧٧.

٢. البلد الأمين: ص ٣٥٠، المصباح للكفعمي: ص ٣٥٦، مستدرك الوسائل: ج ٢ ص ٢٣٦.

٣. المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٦١٨ ح ٨٧١٢، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٩ ح ١٠٥٨، حلية الأولياء: ج ٤ ص ٣٤٩ كلاهما نحوه وكلّها عن حذيفة، كنز العمّال: ج ١١ ص ٤٣٤ ح ٣٢٠٤٢.

٤. الدعاء للطبراني: ص ٢١٢ ح ٦٦٦ عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٤٤ ح ٣٥١٩.

٥. التَّحرّي: القصد والاجتهاد في الطلب (النهاية: ج ١ ص ٣٧٦ «حرا»).

٦. غرر الحكم: ح ٤٥٥٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٤ ح ٤١٣٠.

۱۸۵۹ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: با پیامبر خدا، در نخلستان یکی از اهالی مدینه قدم می‌زدم ... که به من فرمود: «ای ابو هُرَیره! آیا تو را به گنجی از گنج‌های بهشت، ره‌نمون نشوم؟».

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگو: "هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، و هیچ گریزی از خدا، جز به سوی خود او نیست"».

۱۸۶۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! ... تو را ستایش، برای هر آنچه حکم فرمودی، و گریزی از تو، جز به خود تو نیست، ای که نعمتت گسترده است!

۱۸۶۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: من [با آن‌که] سَروَر همهٔ مردمان تا روز رستاخیز هستم؛ [لیکن چون] پروردگارم مرا می‌خواند، می‌گویم: «آری. در خدمتم. فرهمند! گوش به فرمانم، مهرورز! ره یافته، آن کسی است که تو راه نمایی‌اش کرده‌ای. بنده‌ات در اختیار توست. پناه و گریزی از تو، جز به خود تو نیست. خجسته‌ای، ای پروردگار کعبه!».

۱۸۶۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از پایان آن، هفت مرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. هیچ چاره و اندیشه‌گری و پناه و گریزی از خدا نیست، جز به خود او»، مگر آن که خداوند متعال، هفتاد نوع بلا را از او بگرداند.

۱۸۶۳ . **امام علی**ؑ: خشنودی خدا را بجوی و از خشمش دوری کن؛ زیرا در برابر کیفر او، از تو هیچ کاری ساخته نیست و از آمرزش او، بی‌نیاز نیستی و تو را گریزی از او، جز به خود او نباشد.

١٨٦٤ . عنه عليه السلام ـ في تَفسيرِ «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ» ـ : أشهَدُ أنَّهُ لا مَلجَأَ مِنَ اللهِ إلّا إلَيهِ، ولا مَنجىٰ مِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، وفِتنَةِ كُلِّ ذي فِتنَةٍ، إلّا بِاللهِ.[١]

١٨٦٥ . عنه عليه السلام: هَل مِن مَناصٍ أو خَلاصٍ، أو مَعاذٍ أو مَلاذٍ، أو فِرارٍ أو مَحارٍ[٢].[٣]

١٨٦٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام: اللّٰهُمَّ فَلَو كانَ لي مَهرَبٌ لَهَرَبتُ، ولَو كانَ لي مَصعَدٌ فِي السَّماءِ أو مَسلَكٌ فِي الأَرضِ لَسَلَكتُ، ولٰكِنَّهُ لا مَهرَبَ لي ولا مَلجَأَ ولا مَنجىٰ ولا مَأوىٰ مِنكَ إلّا إلَيكَ.[٤]

د ـ خُسرُ مَنِ استَعاذَ بِغَيرِ اللهِ

الكتاب

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾.[٥]

الحديث

١٨٦٧ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ : يا مَأمَنَ الخائِفِ، وكَهفَ اللّاهِفِ[٦]، وجُنَّةَ العائِذِ، وغَوثَ اللّائِذِ، خابَ مَنِ اعتَمَدَ سِواكَ، وخَسِرَ مَن لَجَأَ إلىٰ دونِكَ.[٧]

---

١ . التوحيد: ص ٢٣٩ ح ١، معاني الأخبار: ص ٣٩ ح ١، فلاح السائل: ص ٢٦٤ ح ١٥٦ كلّها عن أبي يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٣٢ ح ٢٤.

٢ . المحار: الرجوع (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٥ «حور»).

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ٨٣، تحف العقول: ص ٢٠٢، نزهة الناظر: ص ٤٩ ح ١٨ عن جابر بن عبد الله نحوه، غرر الحكم: ح ١٠٠٣٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١٢ ح ٩٣١٩ وفيه «قرار» بدل «فرار»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٥.

٤ . الإقبال: ج ٢ ص ١١٤، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٧.

٥ . الجنّ: ٦.

٦ . اللّاهِف: المظلوم المضطرّ يستغيث ويتحسّر. ويقال: هو لَهيف القلب ولاهفه؛ أي محترقُهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٩٧ «لهف»).

٧ . مُهَج الدعوات: ص ٧٤، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٩.

۱۸۶۴ . **امام علی**ﷺ ـ در تفسیر «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست» ـ: [یعنی] گواهی می‌دهم که از خداوند، گریزی، جز به خود او نیست، و جز به یاری خدا، از گزند هر گزندرسانی و فتنه هر فتنه‌گری نمی‌توان رَهید.

۱۸۶۵ . **امام علی**ﷺ: آیا هیچ گریزی یا نجاتی یا پناهگاهی یا ملجأی یا فراری یا بازگشتی [از عذاب الهی] هست؟!

۱۸۶۶ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! اگر مرا گریزگاهی (/گریزی) بود، می‌گریختم، و اگر می‌توانستم به آسمان بروم یا در زمین، راهی می‌یافتم، آن راه را می‌پیمودم؛ امّا مرا گریزی و پناهی و نجاتی و مأوایی از [عذاب] تو، جز به درگاه خود تو نیست.

د ـ زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید

قرآن

﴿و مردانی از آدمیان، به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند﴾.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

حدیث

۱۸۶۷ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای قنوتش ـ: ای مأمن ترسان، و پناه ستم دیدهٔ غمناک، و سپرِ پناهنده، و یاور حمایت‌خواه! نومید شد آن که به غیر تو تکیه کرد، و زیان کرد آن که به کسی جز تو پناه بُرد.

١٨٦٨ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ يُدعىٰ بِهِ بَعدَ زِيارَةِ عاشوراءَ ـ: وَاكفِني يا كافِيَ ما لا يَكفي سِواكَ، فَإِنَّكَ الكافي لا كافِيَ سِواكَ، ومُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ، ومُغيثٌ لا مُغيثَ سِواكَ، وجارٌ لا جارَ سِواكَ، خابَ مَن كانَ جارُهُ سِواكَ، ومُغيثُهُ سِواكَ، ومَفزَعُهُ إلىٰ سِواكَ، وَمهرَبُهُ إلىٰ سِواكَ، ومَلجَؤُهُ إلىٰ غَيرِكَ، ومَنجاهُ مِن مَخلوقٍ غَيرِكَ، فَأَنتَ ثِقَتي ورَجائي، وَمفزَعي، وَمهرَبي، وَملجَئي ومَنجايَ.[1]

١٨٦٩ . عنه عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَراغِ مِنَ الاِستِخارَةِ ـ: اللّٰهُمَّ إنَّكَ خَلَقتَ أقواماً يَلجَؤونَ إلىٰ مَطالِعِ النُّجومِ لِأَوقاتِ حَرَكاتِهِم وسُكونِهِم وتَصَرُّفِهِم وعَقدِهِم وحَلِّهِم، وخَلَقتَني أبرَأُ إلَيكَ مِنَ اللَّجَإِ إلَيها، ومِن طَلَبِ الاِختِياراتِ بِها، وأتَيَقَّنُ[2] أنَّكَ لَم تُطلِع أحَداً عَلىٰ غَيبِكَ في مَواقِعِها، ولَم تُسَهِّل لَهُ السَّبيلَ إلىٰ تَحصيلِ أفاعيلِها، وأنَّكَ قادِرٌ عَلىٰ نَقلِها في مَداراتِها في مَسيرِها عَنِ السُّعودِ العامَّةِ وَالخاصَّةِ إلَى النُّحوسِ، ومِنَ النُّحوسِ الشّامِلَةِ وَالمُفرَدَةِ إلَى السُّعودِ، لِأَنَّكَ تَمحو ما تَشاءُ وتُثبِتُ، وعِندَكَ أُمُّ الكِتابِ[3].[4]

٢ / ٢
الرَّغبَةُ وَالاِجتِهادُ

١٨٧٠ . الإمام علي عليه السلام: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي إلَيهِ مَصائِرُ الخَلقِ، وعَواقِبُ الأَمرِ، نَحمَدُهُ عَلىٰ عَظيمِ

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٧٧٩ ح ٨٥٢ عن صفوان بن مهران الجمّال، البلد الأمين: ص ٢٧٢، المصباح للكفعمي: ص ٦٤٦، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٢٩٨ ح ٣.

٢ . في المصدر: «أيقن»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . أُمُّ الكتاب: اللّوحُ المحفوظ (المصباح المنير: ص ٢٣ «أمم»).

٤ . فتح الأبواب: ص ١٩٨ عن الشيخ محمّد بن عليّ بن محمّد في كتاب له، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٧٠ ح ٢٣.

۱۸۶۸ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعایی که بعد از «زیارت عاشورا» خوانده می‌شود ـ : مرا کفایت کن ، ای کفایت کنندهٔ چیزی که جز تو، کسی آن را کفایت نمی‌کند ؛ زیرا که تویی کفایت کننده و کفایت کننده‌ای جز تو نیست! تویی گره‌گشا و گره‌گشایی جز تو نیست. تویی کمک کننده و کمک کننده‌ای جز تو نیست. تویی حمایتگر و حمایتگری جز تو نیست. ناکام ماند آن که حامی‌اش و کمک کننده‌اش جز تو باشد ، و به غیر تو پناه برد ، و به درگاه غیر تو بگریزد ، و به غیر تو ملتجی شود ، و از مخلوقات و نه تو رهایی جوید ؛ تویی تکیه گاه و امید من و پناهجای و گریزگاه و ملجأ و مایهٔ نجات من.

۱۸۶۹ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعایی که پس از استخاره (/طلب خیر کردن از خدا) می‌خواند ـ : بار خدایا! تو مردمانی را آفریده‌ای که برای حرکات و سَکَنات خود و اقدامات و تصمیم‌گیری‌هایشان ، به طالع اختران پناه می‌برند ؛ لیکن مرا چنان آفریده‌ای که از پناه بردن به آنها و تعیین نیک و بد از طریق آنها ، به پیشگاه تو برائت می‌جویم و یقین دارم که تو ، هیچ کس را از طریق جایگاه‌های اختران ، بر غیب خویش آگاه نساخته‌ای و راه رسیدن به تأثیرات آنها را بر کسی هموار نکرده‌ای. تو قادری که اختران را در مدارهایشان ، از سعد بودن عام و خاص به نحوست ، و از نحوست همگانی و موردی ، به سعد بودن منتقل کنی ؛ زیرا که تو آنچه را بخواهی ، پاک می‌کنی و آنچه را بخواهی ، نگه می‌داری ، و لوح محفوظ (مامنامه) در نزد توست.

۲/۲
خواستن و کوشیدن

۱۸۷۰ . **امام علی**ﷺ : ستایش ، خدایی را که بازگشت آفریدگان و فرجام کارها به سوی

إحسانِهِ ... ونُؤمِنُ بِهِ إيمانَ مَن رَجاهُ موقِناً ... ولاذَ بِهِ راغِباً مُجتَهِداً.[١]

١٨٧١ . **مصباح الزائر** ـ فيما يُدعىٰ بِهِ بَعدَ زِيارَةِ الإمامِ الكاظِمِ عليه السلام ـ : اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ بِحُرمَةِ مَن عاذَ بِكَ مِنكَ، ولَجَأَ إلىٰ عِزِّكَ ... أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، ولا تَرُدَّني مِن هٰذَا المَقامِ خائِباً، فَإِنَّ هٰذا مَقامٌ تُغفَرُ فيهِ الذُّنوبُ العِظامُ، وتُرجىٰ فيهِ الرَّحمَةُ مِنَ الكَريمِ العَلّامِ، مَقامٌ لا يَخيبُ فيهِ السّائِلونَ، ولا يُجبَهُ بِالرَّدِّ الرّاغِبونَ، مَقامُ مَن لاذَ بِمَولاهُ رَغبَةً، وَتَبَتَّلَ إلَيهِ رَهبَةً.[٢]

٣ / ٢
تَركُ الشَّهوَةِ

١٨٧٢ . **الإمام الرضا** عليه السلام: مَن تَعَوَّذَ بِاللهِ مِنَ النّارِ ولَم يَترُكِ الشَّهَواتِ، فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ.[٣]

٤ / ٢
التَّوَسُّلُ بِتِلكَ الأسماءِ

الكتاب

﴿وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ﴾.[٤]

﴿قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا﴾.[٥]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَٰهِ النَّاسِ﴾.[٦]

---

١ . نهج البلاغة: الخطبة ١٨٢ عن نوف البكالي، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣١٣ ح ٤٠.

٢ . مصباح الزائر: ص ٣٨٣، بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٨ ح ١٠.

٣ . كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٣٠ عن أيّوب بن نوح، معدن الجواهر: ص ٥٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١.

٤ . الدخان: ٢٠.

٥ . مريم: ١٨.

٦ . الناس: ١ ـ ٣.

اوست. او را بر احسان شگرفش می‌ستاییم... و به او چونان ایمان کسی که از سرِ یقین بدو امیدوار است... و خواهان و کوشان به او پناه برده است، ایمان داریم.

۱۸۷۱. **مصباح الزائر** ـ در دعایی که پس از زیارت امام کاظم﵇ خوانده می‌شود ـ: بار خدایا! به حرمت کسی که از تو به تو پناه آورده و دست به دامن عزّت تو گشته است... از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و مرا از این مکان [شریف]، ناکام باز مگردانی؛ زیرا این جا مکانی است که گناهان بزرگ، در آن آمرزیده می‌شود و از بزرگوار دانا، امید رحمت می‌رود. [این جا] مکانی است که در آن، درخواست‌کنندگان، نومید بر نمی‌گردند. و خواهندگان، پاسخ رد نمی‌شوند؛ مکان کسی است که امیدوارانه، به سَروَرش پناه آورد و بیمناکانه، به درگاه او زاری کرد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳/۲
ترک شهوت

۱۸۷۲. **امام رضا﵇**: هر که از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد، امّا ترک شهوات نکند، در واقع، خود را ریشخند کرده است.

۴/۲
متوسل شدن به این نام‌ها

قرآن:

﴿و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که مرا، سنگباران کنید﴾.

﴿[مریم] گفت: «اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای مهرگستر، پناه می‌برم»﴾.

﴿بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم»﴾.

الحديث

١٨٧٣ . رسول الله ﷺ ـ أنَّهُ كانَ يَقولُ ـ : أعوذُ بِعِزَّتِكَ الَّذي لا إلٰهَ إلّا أنتَ، الَّذي لا يَموتُ، وَالجِنُّ وَالإنسُ يَموتونَ.[١]

١٨٧٤ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِنورِ قُدسِكَ، وعَظَمَةِ طَهارَتِكَ، وبَرَكَةِ جَلالِكَ، مِن كُلِّ آفَةٍ وعاهَةٍ، ومِن طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ....[٢]

١٨٧٥ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ... أعوذُ بِنورِ وَجهِكَ الَّذي أشرَقَت لَهُ الظُّلُماتُ وصَلَحَ عَلَيهِ أمرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ أن تُنزِلَ بي غَضَبَكَ، أو تُحِلَّ عَلَيَّ سَخَطَكَ، لَكَ العُتبىٰ[٣] حَتّىٰ تَرضىٰ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِكَ.[٤]

١٨٧٦ . صحيح البخاري عن جابر بن عبد الله: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ﴾ قالَ النَّبِيُّ ﷺ: أعوذُ بِوَجهِكَ، فَقالَ: ﴿أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾ فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: أعوذُ بِوَجهِكَ، قالَ: ﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا﴾[٥] فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: هٰذا أيسَرُ.[٦]

---

١ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٨٨ ح ٦٩٤٨ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٥ ح ٢١٢٣.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٩٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢١٢ ح ٨؛ تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ٣١٩ ح ١٠٨٩٨ نحوه.

٣ . «لك العتبى»: بمعنى المؤاخذة. المعنى: أنت حقيقٌ بأن تؤاخذني بسوء عملي (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٥٩ «عتب»).

٤ . الدعاء للطبراني: ص ٣١٥ ح ١٠٣٦، تاريخ دمشق: ج ٤٩ ص ١٥٢ ح ١٠٥١٤ كلّها عن عبد الله بن جعفر، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٢ ح ٣٧٥٦.

٥ . الأنعام: ٦٥.

قال الشيخ الطبرسي ﷺ: ﴿أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا﴾ أي يخلطكم فرقاً مختلفي الأهواء، لا تكونون شيعة واحدة. وقيل: هو أن يكلّهم إلى أنفسهم فلا يلطف لهم اللطف الذي يؤمنون عنده ويخليهم من ألطافه بذنوبهم السالفة. وقيل: عنى به يضرب بعضكم ببعض بما يلقيه بينكم من العداوة والعصبيّة، وهو المرويّ عن أبي عبد الله ﷺ (مجمع البيان: ج ٤ ص ٤٨٧).

٦ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٩٤ ح ٦٩٧١ و ص ٢٦٦٧ ح ٦٨٨٣، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٦١ ح ٣٠٦٥، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٢ ح ٧٧٣١، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٠ ح ١٤٣٢٠، صحيح ابن حبّان: ج ١٦ ص ٢٠٣ ح ٧٢٢٠.

حدیث:

۱۸۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ پیوسته می‌گفت ـ: پناه می‌برم به عزّت تویی که معبودی جز تو نیست؛ همو که هرگز نمی‌میرد، در حالی که جِن و انس می‌میرند!

۱۸۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به روشنایی قُدسَت، و شگرفی پاکی‌ات، و افزونی شکوهت، از هر بیماری و معلولیّتی، و از در آمدن بلاهای شب و روز بر من، مگر آنچه برای خیر درآید ... .

۱۸۷۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! ... من، به روشنایی رویت که تاریکی‌ها از آن، روشن شد و کار دنیا و آخرت، با آن ساز آمد، پناه می‌برم از این که خشمت را بر من، فرود آوری یا مورد ناخشنودی‌ات قرارم دهی. از تو پوزش می‌طلبم، چندان که خشنود شوی. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری تو.

۱۸۷۶ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از جابر بن عبد الله ـ: چون این آیه فرود آمد: ﴿بگو: او تواناست که از بالای سرتان، عذابی را بر شما فرستد﴾، پیامبرﷺ گفت: پناه می‌برم به سوی تو» و چون خداوند فرمود: ﴿یا از زیر پاهایتان﴾، پیامبرﷺ گفت: «پناه می‌برم به روی تو» و [چون] خداوند فرمود: ﴿یا شما را، گروه گروه، به هم اندازد﴾،[1] پیامبرﷺ گفت: «این یکی، آسان‌تر است».

---

۱. شیخ طبرسی‌ؒ می‌گوید: ﴿یا شما را، گروه گروه، به هم اندازد﴾، یعنی شما را به گروه‌ها و فرقه‌هایی با گرایش‌ها و عقاید گوناگون، تقسیم کند، به طوری که گروه واحد و یک پارچه‌ای نباشید و اتّحاد نداشته باشید. به قولی، منظور این است که شما را به خودتان، وا می‌گذارد و الطافش را که به آن ایمان دارید، از شما دریغ می‌دارد و این محرومیت از الطاف به سبب گناهان پیشین شماست. به قولی، مقصود این است که با افکندن عداوت و تعصّب میان شما، شما را به جانِ یکدیگر می‌اندازد. این قول از امام صادقؑ روایت شده است.

١٨٧٧ . الإمام علي عليه السلام: رَقَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله حَسَناً وحُسَيناً فَقالَ: أُعيذُكُما بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، وأسمائِهِ الحُسنىٰ كُلِّها عامَّةً، مِن شَرِّ السّامَّةِ[1] وَالهامَّةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ.

ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إلَينا فَقالَ: هٰكَذا كانَ يُعَوِّذُ إبراهيمُ إسماعيلَ وإسحاقَ عليهما السلام.[2]

١٨٧٨ . عنه عليه السلام ـ في خُطبَةٍ لَهُ ـ: نَعوذُ بِرَبٍّ قَديرٍ مِن شَرِّ كُلِّ مَصيرٍ... عُذتُ بِرَبٍّ رَحيمٍ مِن شَرِّ كُلِّ رَجيمٍ.[3]

١٨٧٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ ـ: ... فَإن يَكُ ذٰلِكَ يا إلٰهي مِن سَخَطِكَ عَلَيَّ، فَأَعوذُ بِحِلمِكَ مِن سَخَطِكَ.[4]

١٨٨٠ . الإمام الصادق عليه السلام: اللّٰهُمَّ هٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ، اللّائِذِ بِعَفوِكَ، المُستَجيرِ بِعِزِّ جَلالِكَ، قَد رَأىٰ أعلامَ قُدرَتِكَ، فَأْرِهِ آثارَ رَحمَتِكَ.[5]

١٨٨١ . عنه عليه السلام ـ لِأَبي بَصيرٍ ـ: قُل أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَلالِ اللهِ، وأعوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ، وأعوذُ بِعَفوِ اللهِ، وأعوذُ بِمَغفِرَةِ اللهِ، وأعوذُ بِرَحمَةِ اللهِ، وأعوذُ بِسُلطانِ اللهِ الَّذي هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، وأعوذُ بِكَرَمِ اللهِ، وأعوذُ بِجَمعِ اللهِ، مِن شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ، وكُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ، وشَرِّ كُلِّ قَريبٍ أو بَعيدٍ أو ضَعيفٍ أو شَديدٍ، ومِن شَرِّ

---

١ . السّامَّةُ: ما يَسُمُّ ولا يَقتُلُ، مثل العقرب والزّنبور ونحوهما. والجمع سوامّ (النهاية: ج ٢ ص ٤٠٤ «سمم»).

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٦٩ ح ٣ عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّة الداعي: ص ٢٦٥ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣٠٦ ح ٦٧.

٣ . المصباح للكفعمي: ص ٩٧٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٢؛ شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ١٤٢ نحوه، كنز العمّال: ج ١٦ ص ٢١٢ ح ٤٤٢٣٤.

٤ . الدعوات: ص ١٧٦ ح ٤٩١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٧ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٥ . مُهَج الدعوات: ص ٢٢٨ عن الربيع، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٨ ح ١.

۱۸۷۷ . **امام علی**ﷺ: پیامبرﷺ حسن و حسینﷺ را با این جملات، تعویذ کرد: «شما دو تن را در پناه کلمات تامّ خدا و همهٔ نام‌های نیکوی او درآوردم، از گزند هر گزنده و خزندهٔ زهرداری، و از گزند هر چشمِ بدی، و از گزند هر حسودی، آن گاه که حسادت ورزد.

پیامبرﷺ سپس رو به ما کرد و فرمود: «ابراهیمﷺ این چنین اسماعیل و اسحاقﷺ را تعویذ می‌کرد».

۱۸۷۸ . **امام علی**ﷺ ـ در یکی از سخنرانی‌هایش ـ: پناه می‌بریم به پروردگار توانا، از شرّ هر فرجامی! ... پناه بردم به پروردگار مهربان، از شرّ هر رانده شده‌ای [از درگاه الهی]!

۱۸۷۹ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ دریکی از دعاهایش ـ: ... معبود من! اگر این، از خشم و ناخشنودی تو بر من باشد، پس من از خشم تو به بردباری‌ات پناه می‌برم.

۱۸۸۰ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! این، جایگاه کسی است که به تو پناهنده گشته و به بخشایش تو، پناه آورده است و از عزّت جلال تو، حمایت می‌طلبد. نشانه‌های قدرت تو را دیده است. پس تو نیز نشانه‌های مهربانی‌ات را به او بنمایان.

۱۸۸۱ . **امام صادق**ﷺ ـ به ابو بصیر ـ: بگو: «پناه می‌برم به عزّت خدا! پناه می‌برم به توانایی خدا! پناه می‌برم به شکوه خدا! پناه می‌برم به بزرگی خدا! پناه می‌برم به گذشت خدا! پناه می‌برم به آمرزش خدا! پناه می‌برم به مِهر خدا! پناه می‌برم به سلطنت خدایی که بر هر چیزی چیره و تواناست! پناه می‌برم به بزرگواری خدا! پناه می‌برم به تمامی خدا، از شرّ هر گردنکشِ خودکامه، و هر شیطان متمرّد، و از شرّ هر نزدیک [و خویشی] یا دور [و بیگانه‌ای] یا ناتوانی یا نیرومندی، و از گزند

السّامَّةِ وَالهامَّةِ وَالعامَّةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ صَغيرَةٍ أو كَبيرَةٍ، بِلَيلٍ أو نَهارٍ، ومِن شَرِّ فُسّاقِ العَرَبِ وَالعَجَمِ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالإنسِ.[١]

١٨٨٢ . موسى عليه السلام ـ لَمّا وَقَفَ عَلىٰ فِرعَونَ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِخَيرِكَ مِن شَرِّهِ، وأسأَلُكَ بِخَيرِكَ مِن خَيرِهِ.[٢]

١٨٨٣ . المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد العمي: لَمّا رَأىٰ يوسُفُ عليه السلام عَزيزَ[٣] مِصرَ، قالَ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ بِخَيرِكَ مِن خَيرِهِ، وأعوذُ بِقُوَّتِكَ مِن شَرِّهِ.[٤]

٥ / ٢
الإجتِماعُ

١٨٨٤ . الإمام الصادق عليه السلام: مَا اجتَمَعَ ثَلاثَةٌ مِنَ المُؤمِنينَ فَصاعِداً، إلّا حَضَرَ مِنَ المَلائِكَةِ مِثلُهُم؛ فَإن دَعَوا بِخَيرٍ أمَّنوا، وإنِ استَعاذوا مِن شَرٍّ دَعَوُا اللهَ لِيَصرِفَهُ عَنهُم، وإن سَأَلوا حاجَةً تَشَفَّعوا إلَى اللهِ وسَأَلوهُ قَضاها.[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٦ / ٢
صيغَةُ الإستِعاذَةِ

١٨٨٥ . عوالي اللآلي عن عبد الله بن مسعود: قَرَأتُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَقُلتُ: أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٦٩ ح ٢ عن أبي بصير و ص ٥٣٧ ح ٨ عن معاوية بن وهب، طبّ الأئمّة عليهم السلام: ص ١٢٠ عن يونس بن يعقوب عن الإمام الباقر [أو] الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢٧ ح ٩.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٣٧٠.

٣ . عَزيز ـ كأمير ـ: المَلِكُ؛ مأخوذ من العِزّ وهو الشِدّةُ والقهر (تاج العروس: ج ٨ ص ١٠٥ «عزز»).

٤ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٤٥ ح ١، الدعاء للطبراني: ص ٣٢٤ ح ١٠٦٢، تفسير القرطبي: ج ٩ ص ٢١١؛ مجمع البيان: ج ٥ ص ٣٧٠، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٩٤ نقلاً عن العرائس وفيها «بك» بدل «بقوّتك».

٥ . الكافي: ج ٢ ص ١٨٧ ح ٦ عن غياث بن إبراهيم.

گزندگان و خزندگان و همگان، و از گزند هر جنبنده‌ای کوچک یا بزرگ، در شب یا روز، و از گزند نابه‌کاران عرب و غیر عرب، و از گزند نابه‌کاران جنّ و اِنس!».

۱۸۸۲ . **موسی**ﷺ ـ آن گاه که در برابر فرعون قرار گرفت ـ: بار خدایا! از بدی او به خوبی تو پناه می‌برم و به خوبی خودت، خوبی او را از تو می‌طلبم.

۱۸۸۳ . **المصنف**، ابن ابی شیبه ـ به نقل از زید عمّی ـ: چون یوسفﷺ چشمش به عزیز[1] مصر افتاد، گفت: «بار خدایا! به خوبی خودت، خوبی او را از تو می‌طلبم و از شرّ او، به نیروی تو پناه می‌برم».

۵ / ۲
گردهم آمدن

۱۸۸۴ . **امام صادق**ﷺ: هیچ‌گاه سه مؤمن یا بیشتر، گِرد هم نمی‌آیند، مگر این که به همان اندازه، از فرشتگان [در جمعشان] حاضر می‌شوند، و چون آن مؤمنان، دعای خیری کنند، فرشتگان، «آمین» می‌گویند، و اگر از شرّی [به خدا] پناه جویند، فرشتگان، دعا می‌کنند تا خدا، آن شر را از آنان بگرداند، و اگر حاجتی درخواست کنند، فرشتگان، نزد خداوند شفاعت می‌نمایند و برآورده شدن آن را از او می‌خواهند.

۶ / ۲
عبارت پناه‌خواهی

۱۸۸۵ . **عوالی اللآلی** ـ به نقل از عبد الله بن مسعود ـ: نزد پیامبر خدا به قرائت پرداختم

---

۱ . عزیز، یعنی پادشاه، و مأخوذ از «عزّه» است، به معنای نیرو و چیرگی.

العَليمِ، فَقالَ لي: يَابنَ أُمِّ عَبدٍ، قُل: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»، هٰكَذا أقرَأَنيهِ جَبرَئيلُ.[١]

١٨٨٦ . تفسير العيّاشي عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام ـ في قَولِ اللهِ: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾[٢] ـ: قُلتُ: كَيفَ أقولُ؟

قالَ: تَقولُ: «أستَعيذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ».[٣]

٧ / ٢
هَيئَةُ الاِستِعاذَةِ

١٨٨٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سَأَلتُمُ اللهَ عز وجل، فَاسأَلوهُ بِباطِنِ الكَفَّينِ، وإذَا استَعَذتُموهُ، فَاستَعيذوهُ بِظاهِرِهِما.[٤]

١٨٨٨ . مسند ابن حنبل عن خلّاد بن السائب الأنصاري: أنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ إذا سَأَلَ جَعَلَ باطِنَ كَفَّيهِ إلَيهِ، وإذَا استَعاذَ جَعَلَ ظاهِرَهُما إلَيهِ.[٥]

١٨٨٩ . الإمام عليّ عليه السلام: إذا سَأَلتَ اللهَ فَاسأَلهُ بِبَطنِ كَفَّيكَ، وإذا تَعَوَّذتَ فَبِظَهرِ كَفَّيكَ، وإذا دَعوتَ فَبِإِصبَعَيكَ.[٦]

١٨٩٠ . الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلتُهُ عَنِ الدُّعاءِ ورَفعِ اليَدَينِ، فَقالَ:

---

١. عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٤٧ ح ١٢٤، مستدرك الوسائل: ج ٤ ص ٢٦٥ ح ٤٦٥٨؛ تفسير القرطبي: ج ١ ص ٨٧ نحوه.

٢. النحل: ٩٨.

٣. تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٦٧، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٥٥ ح ١٢٢.

٤. الجعفريّات: ص ٢٢٦ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ١٨٧ ح ٢.

٥. مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٦٥ ح ١٦٥٦٤، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٢ ح ١٨٠١٨.

٦. قرب الإسناد: ص ١٤٥ ح ٥٢١ عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٧ ح ٢.

و گفتم: پناه می‌برم به خدای شنوای دانا!

به من فرمود: «ای پسر امّ عبد! بگو: "پناه می‌برم به خدا، از شیطان رانده شده!". جبرئیل﵇ این گونه به من خواندن آموخت.

۱۸۸۶ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از سماعه ـ امام صادق﵇، درباره این سخن خداوند: ﴿پس هر گاه قرآن قرائت کردی، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر﴾ ـ: [سماعه گوید:] گفتم: چگونه بگویم؟

فرمود: «می‌گویی: "پناه می‌برم به خدای شنوای دانا، از شیطان رانده شده!"».

۷ / ۲
چگونگی پناه بردن

۱۸۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه از خدا درخواست کردید، باکف دست‌هایتان از او بخواهید و هرگاه از او پناه خواستید، با پشت دست‌هایتان از او پناه بخواهید.

۱۸۸۸ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از خلّاد بن سائب انصاری ـ: پیامبرﷺ هرگاه [از خداوند] درخواست می‌کرد، کفِ دو دستش را به سوی او (به سَمت آسمان) می‌کرد و هرگاه پناه می‌خواست، پشت دست‌هایش را به جانب او (به جانب آسمان) قرار می‌داد.

۱۸۸۹ . **امام علی**﵇: هرگاه از خدا درخواست کردی، باکف دستانت از او درخواست کن و هرگاه پناه خواستی، با پشت دستانت پناه ببر و هرگاه دعا کردی، با [بلند کردن] دو انگشتت، دعا کن.

۱۸۹۰ . **الکافی** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: از امام صادق﵇ در بارهٔ دعا کردن و بالا بردن دست‌ها پرسیدم. فرمود: بر چهار گونه است: برای پناه بردن به خدا، کف

عَلىٰ أربَعَةِ أوجُهٍ: أمَّا التَّعَوُّذُ فَتَستَقبِلُ القِبلَةَ بِباطِنِ كَفَّيكَ، وأمَّا الدُّعاءُ فِي الرِّزقِ فَتَبسُطُ كَفَّيكَ وتُفضي بِباطِنِهِما إلَى السَّماءِ، وأمَّا التَّبَتُّلُ[1] فَإيماءٌ بِإصبَعِكَ السَّبّابَةِ، وأمَّا الاِبتِهالُ[2] فَرَفعُ يَدَيكَ تُجاوِزُ بِهِما رَأسَكَ، ودُعاءُ التَّضَرُّعِ أن تُحَرِّكَ إصبَعَكَ السَّبّابَةَ مِمّا يَلي وَجهَكَ، وهُوَ دُعاءُ الخيفَةِ.[3]

١٨٩١ . الكافي عن محمّد بن مسلم وزرارة: قُلنا لِأَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام: كَيفَ المَسأَلَةُ إلَى اللهِ تَبارَكَ وتَعالىٰ؟ قالَ: تَبسُطُ كَفَّيكَ. قُلنا: كَيفَ الاِستِعاذَةُ؟ قالَ: تُفضي بِكَفَّيكَ. وَالتَّبَتُّلُ الإيماءُ بِالإصبَعِ، وَالتَّضَرُّعُ تَحريكُ الإصبَعِ، وَالاِبتِهالُ أن تَمُدَّ يَدَيكَ جَميعاً.[4]

راجع: نهج الدعاء: ص ٢١٨ (توضيح حول الأحوال المتناسبة للدعاء).

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١. تَبَتَّلَ إلى العبادة: تفرّغ لها وانقطع (المصباح المنير: ص ٣٥ «بتل»).

٢. الابتهالُ: التضرّعُ والمبالغة في السؤال (النهاية: ج ١ ص ١٦٧ «بهل»).

٣. الكافي: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٥، عدّة الداعي: ص ١٨٣ وفيه «على خمسة أوجه» بدل «على أربعة أوجه»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥ ح ٢٠٢٧ عن هارون بن خارجة، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٩ ح ٨.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٧.

دست‌هایت را به سوی قبله می‌کنی، برای دعا کردن جهت روزی، دستانت را می‌گشایی و کفِ آنها را به سوی آسمان می‌بری، برای تبتّل،[1] با انگشت نشانه، اشاره می‌شود و برای ابتهال،[2] دست‌هایت را بلند می‌کنی، به طوری که از سرت بگذرانی. دعای تضرّع هم این است که انگشت نشانه‌ات را در برابر صورتت حرکت می‌دهی، و این، دعای ترس است.

۱۸۹۱ . **الکافی** ـ به نقل از محمّد بن مسلم و زراره ـ: به امام صادق﵇ گفتیم: درخواست کردن از خداوند ـ تبارک و تعالی ـ به چه نحو است؟

فرمود: «کفِ دستانت را می‌گشایی».

گفتیم: پناه خواستن، به چه نحو است؟

فرمود: «کف دستانت را به سوی آسمان می‌کنی. در تبتّل، با انگشت، اشاره می‌کنی، در تضرّع، انگشت [های دست‌هایت] را تکان می‌دهی و در ابتهال، هر دو دستت را با هم می‌کشی».

ر.ک: نهج الدعاء: ج ۱ ص ۲۰۷ (توضیحی در بارهٔ حالت‌های متناسب با نیایش).

---

۱ . عبارت «تبتّل إلی العبادة» که در روایت آمده، یعنی با تمام وجود، به عبادت روی آورد و خود را وقف عبادت کرد.

۲ . ابتهال، یعنی التماس و درخواست کردن و پافشاری بر آن، نیز چیزی را با زاری خواستن.

الفَصلُ الثّالِثُ

بَرَكاتُ الاِستِعاذَةِ

١/٣

التَحَصُّنُ في حِصنِ اللهِ

١٨٩٢ . رسول الله ﷺ: إنَّ اللهَ ﷻ قالَ: مَن عادىٰ لي وَلِيّاً فَقَد آذَنتُهُ بِالحَربِ، وما تَقَرَّبَ إلَيَّ عَبدي بِشَيءٍ أحَبَّ إلَيَّ مِمَّا افتَرَضتُ عَلَيهِ، ولا يَزالُ عَبدي يَتَقَرَّبُ إلَيَّ بِالنَّوافِلِ حَتّىٰ أُحِبَّهُ، فَإذا أحبَبتُهُ كُنتُ سَمعَهُ الَّذي يَسمَعُ بِهِ، وبَصَرَهُ الَّذي يُبصِرُ بِهِ، ويَدَهُ الَّتي يَبطِشُ بِها، ورِجلَهُ الَّتي يَمشي بِها، وإن سَألَني لَأُعطِيَنَّهُ، ولَئِنِ استَعاذَني لَأُعيذَنَّهُ.[١]

١٨٩٣ . عنه ﷺ: إلٰهي، مَن ذَا الَّذِي استَصرَخَكَ فَلَم تُصرِخهُ! إلٰهي، مَنِ الَّذِي استَغفَرَكَ فَلَم تَغفِر لَهُ! إلٰهي، مَنِ الَّذِي استَعاذَ بِكَ فَلَم تُعِذهُ![٢]

١٨٩٤ . عنه ﷺ ـ مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ لِلإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام ـ: ... وأنتَ جارُ مَن لاذَ بِكَ وتَضَرَّعَ إلَيكَ، عِصمَةُ مَنِ اعتَصَمَ بِكَ.[٣]

---

١ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٨٥ ح ٦١٣٧، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٤٨٢ ح ٦٣٩٥ و ج ١٠ ص ٣٧٠ ح ٢٠٩٨٠، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٥٠٨، تفسير القرطبي: ج ٦ ص ١٣٥ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٧٠ ح ٢١٣٢٧.

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٤٢ ح ٥٤ نقلاً عن اختيار ابن الباقي.

٣ . مُهَج الدعوات: ص ١٥٩ عن الحرث بن عمير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٣٣ ح ٧١.

فصل سوم

برکت‌های پناه بردن به خدا

۱/۳

جای گرفتن در دژ خدا

۱۸۹۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: «هر که با دوست من، دشمنی کند، به او اعلان جنگ می‌دهم. بهترین وسیلهٔ تقرّب بنده‌ام به من، چیزی است که بر او واجب ساخته‌ام. بنده‌ام از طریق نافله‌ها، پیوسته به من نزدیک می‌شود تا آن جا که دوستدار او می‌شوم، و چون دوستدار [و عاشقش] شدم، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او که با آن می‌بیند، و دست او که با آن کار می‌کند و پایش که با آن راه می‌رود.[1] اگر از من بخواهد، حتماً به او می‌دهم و اگر از من پناه بخواهد، بی‌گمان، پناهش می‌دهم».

۱۸۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در مناجات ـ: معبود من! کیست که از تو فریاد خواسته باشد و تو به فریادش نرسیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو آمرزش خواسته باشد و تو او را نیامرزیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو پناه خواسته باشد و تو پناهش نداده باشی؟!

۱۸۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی که آن را به امام علی ؑ آموخت ـ: ... آن که به تو پناه آورَد و به درگاه تو زاری کند، تو از او حمایت می‌کنی، و آن که دست به دامن تو شود، تو نگهدار اویی.

---

۱. یعنی: من، همه چیز او می‌شوم و عشق به من، تمام وجود او را فرا می‌گیرد و همهٔ حرکات و سکناتش خدایی می‌شود. م.

١٨٩٥ . عنه ﷺ: قَضَى اللهُ عَلىٰ نَفسِهِ أنَّهُ مَن آمَنَ بِهِ هَداهُ... ومَنِ التَجَأَ إلَيهِ آواهُ.[١]

١٨٩٦ . عنه ﷺ ـ في دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ ـ: يا غايَةَ الطّالِبينَ، يا ظَهرَ اللّاجِئينَ، يا مُدرِكَ الهارِبينَ.[٢]

١٨٩٧ . عنه ﷺ ـ مِمّا استَعاذَ بِهِ في يَومِ وادِي القُرىٰ ـ: لا يَذِلُّ مَنِ اعتَمَدَ عَلَيكَ، ولا يُضامُ[٣] مَن لَجَأَ إلَيكَ، ولا يَفتَقِرُ سائِلُكَ.[٤]

١٨٩٨ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَجرِ وفِي المُهِمّاتِ ـ: يا يَدَ الواثِقينَ، يا ظَهرَ اللّاجينَ، يا غِياثَ المُستَغيثينَ، ويا جارَ المُستَجيرينَ.[٥]

١٨٩٩ . عنه عليه السلام: إنَّ لُقمانَ الحَكيمَ قالَ لِابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ: يا بُنَيَّ مَنِ الَّذي ابتَغَى اللهَ فَلَم يَجِدهُ؟! ومَن ذَا الَّذي لَجَأَ إلَى اللهِ فَلَم يُدافِع عَنهُ؟![٦]

١٩٠٠ . عنه عليه السلام ـ في حِرزٍ لَهُ ـ: رَبِّ وأعِذني بِعِياذِكَ، بِكَ امتَنَعَ[٧] عائِذُكَ.[٨]

١٩٠١ . عنه عليه السلام ـ في حِجابِهِ عليه السلام ـ: أمِنَ مَنِ استَجارَ بِاللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٩]

---

١ . مستدرك الوسائل: ج ١١ ص ٢١٨ ح ١٢٧٩٢ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللُّباب.

٢ . المصباح للكفعمي: ص ٣٤٤، البلد الأمين: ص ٤٠٨، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٩٣.

٣ . الضَّيمُ: الظُّلم، وضامَهُ حقَّه ضَيماً: نقصه إيّاه (لسان العرب: ج ١٢ ص ٧٣٥٩ «ضيم»).

٤ . مُهَج الدعوات: ص ١٠٠، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢١٨ ح ١٧.

٥ . البلد الأمين: ص ٣٦١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٣٥ ح ٧٢ وراجع مصباح المتهجّد: ص ٥٤٤ ح ٦٣٢ والإقبال: ج ١ ص ٩٢ والمصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٥ ح ٨ وتاريخ دمشق: ج ٣٤ ص ٣٨٥.

٦ . كنز الفوائد: ج ٢ ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٣٣ ح ٢٥ وفيه عن أبي ذرّ عن رسول الله ﷺ.

٧ . المانع: من صفات الله تعالى، والمعنى أنّه تبارك وتعالى يمنعُ أهلَ دينه وينصرهُم؛ إذ لا مَنَعَةَ لمن لم يمنعه اللهُ، ولا يمتنع من لم يكن الله له مانعاً (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٤٣ «منع»).

٨ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٢٦٥٢، مُهَج الدعوات: ص ٤٠ عن الفضل بن الربيع عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «فبعياذك» بدل «بك»، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٥.

٩ . مُهَج الدعوات: ص ٣٥٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٣ ح ١.

۱۸۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند، وظیفهٔ خود قرار داده است که هر کس را به او ایمان آورَد، هدایت کند... و هر کس را به او پناه ببرد، پناه دهد.

۱۸۹۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعای جوشن کبیر ـ: ای مقصد نهاییِ جویندگان، ای پشتیبان پناهندگان، ای گیرندهٔ گریختگان!

۱۸۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی که در حادثهٔ وادی القُری، با آن، خود را در پناه خدا درآورد ـ: آن که به تو تکیه کند، خوار نگردد، و آن که به تو پناه آورَد، ستم نبیند، و درخواست کننده از تو، فقیر نشود.

۱۸۹۸ . **امام علی**ؑ ـ در دعایی که بعد از نماز صبح [یا: بعد از سپیده] و در گرفتاری‌ها، آن را می‌خواند ـ: ای دست اعتماد کنندگان، ای پشتِ پناهندگان، ای کمکِ کمک‌خواهان، و ای پناهِ پناهجویان!

۱۸۹۹ . **امام علی**ؑ: لقمان حکیم در اندرز به فرزندش گفت: «پسرم! کیست که خدای را جست و نیافت؟! و کیست که به خدا پناه بُرد و خدا از او دفاع نکرد؟!».

۱۹۰۰ . **امام علی**ؑ ـ در یکی از حِرزهایش ـ: پروردگارا! مرا در پناهگاهت پناه ده، که پناهندهٔ تو، در حمایت توست.

۱۹۰۱ . **امام علی**ؑ ـ در تعویذش ـ: کسی که از خدا پناه جوید، در امان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاریِ خدا.

١٩٠٢ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ عليه السلام عِندَ الشَّدائِدِ ونُزولِ الحَوادِثِ ـ: لا تَقرَعُ[١] القَوارِعُ[٢] مَن لَجَأَ إلىٰ مَعقِلِ[٣] الاِنتِصارِ بِكَ.[٤]

١٩٠٣ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ عليه السلام فِي المَوقِفِ ـ: يا... ظَهرَ اللّاجِئينَ، وجارَ المُستَجيرينَ، وطالِبَ الغادِرينَ.[٥]

١٩٠٤ . عنه عليه السلام ـ في دُعاءٍ لَهُ ـ: يا مَن قَصَدَهُ الضّالّونَ فَأَصابوهُ مُرشِداً، وأَمَّهُ الخائِفونَ فَوَجَدوهُ مَعقِلاً، ولَجَأَ إلَيهِ العائِذونَ[٦] فَوَجَدوهُ مَوئِلاً[٧].[٨]

١٩٠٥ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ في دَفعِ كَيدِ الأَعداءِ ـ: نادَيتُكَ ـ يا إلٰهي ـ مُستَغيثاً بِكَ، واثِقاً بِسُرعَةِ إجابَتِكَ، عالِماً أَنَّهُ لا يُضطَهَدُ مَن أوىٰ إلىٰ ظِلِّ كَنَفِكَ[٩]، ولا يَفزَعُ مَن لَجَأَ إلىٰ مَعقِلِ انتِصارِكَ، فَحَصَّنتَني مِن بَأسِهِ بِقُدرَتِكَ.[١٠]

١٩٠٦ . عنه عليه السلام ـ في مُناجاةٍ لَهُ ـ: سَيِّدي... أعلَمُ أَنَّكَ لا تَكِلُ اللّاجينَ إلَيكَ إلىٰ غَيرِكَ، ولا تُخلِي الرّاجينَ لِحُسنِ تَطَوُّلِكَ مِن نَوافِلِ بِرِّكَ.[١١]

---

١ . في المصدر: «يقرع»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢ . قَرَعَهُ أمر: إذا أتاه فجأةً، وجمعها: قوارع (النهاية: ج ٤ ص ٤٥ «قرع»).

٣ . المَعاقِلُ: الحُصون، واحدها مَعقِل (النهاية: ج ٣ ص ٢٨١ «عقل»).

٤ . مُهَج الدعوات: ص ١٦٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٦٠ ح ٣٣.

٥ . مصباح المتهجّد: ص ٦٩١ ح ٧٧١، المزار للمفيد: ص ١٥٥، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٤، المصباح للكفعمي: ص ٨٧٩، المزار الكبير: ص ٤٢٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٩.

٦ . في بعض نسخ المصدر الخطّية: «العائذون» كما أشار إليه في هامش المصدر، وفي فتح الأبواب وبحار الأنوار: «العابدون».

٧ . المَوئِلُ: الملجأ (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٣٨ «وأل»).

٨ . الخرائج والجرائح: ج ١ ص ٢٦٦ ح ٩، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٤٢، فتح الأبواب: ص ٢٤٧ نحوه وكلّها عن حمّاد بن حبيب الكوفي، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ٤٠.

٩ . كَنَفُ الله: حِرزُهُ وسِترُهُ (تاج العروس: ج ١٢ ص ٤٦٦ «كنف»).

١٠ . الصحيفة السجّادية: ص ٢١٣ الدعاء ٤٩، الأمالي للمفيد: ص ٢٤١ ح ٣، الأمالي للطوسي: ص ١٦ ح ١٩ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، مُهَج الدعوات: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٢١.

١١ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٧١ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

۱۹۰۲ . **امام علی**ﷺ ـ در دعایی برای هنگام سختی‌ها و هجوم حوادث ـ: کسی که به درِ یاری‌خواهی از تو پناه آورَد، بلاهای ناگهانی، او را در هم نمی‌کوبند.

۱۹۰۳ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعایی در موقوف (عرفات) ـ: ای ... پشتیبان پناهندگان، و حامی حمایت‌خواهان، و تعقیب کنندهٔ پیمان شکنان!

۱۹۰۴ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا ـ: ای آن که گم راهانْ سوی او شدند و او را راه‌نما یافتند، بیمناکانْ آهنگ کوی او کردند و او را قلعهٔ استوار یافتند و بازگشتگان، به او پناه بردند و او را پناهگاه یافتند!

۱۹۰۵ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا برای دفع نیرنگ دشمنان ـ: تو را خواندم ـ ای معبود من! ـ و از تو یاری خواستم، و اطمینان داشتم که زود اجابت می‌کنی و دانستم که هر کس به سایهٔ حمایت تو پناه آورَد، به او ستم نخواهد شد و آن که به درِ یاری‌خواهی از تو پناه برَد، هراسی به او راه نخواهد یافت، پس به قدرت خود، مرا از آسیب او (دشمن) مصون داشتی.

۱۹۰۶ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در مناجات ـ: آقای من! ... می‌دانم که تو پناهندگان به درگاهت را به غیر خود وا نمی‌گذاری، و امیدواران به حسن بخششت را از فزونی‌های احسانت بی‌بهره نمی‌داری.

١٩٠٧ . عنه عليه السلام: إلٰهي ومَولايَ وغايَةَ رَجائي، أشرَقتَ مِن عَرشِكَ عَلىٰ أرَضيكَ ومَلائِكَتِكَ وسُكّانِ سَماواتِكَ، وقَدِ انقَطَعَتِ الأَصواتُ وسَكَنَتِ الحَرَكاتُ، وَالأَحياءُ فِي المَضاجِعِ كَالأَمواتِ، فَوَجَدتَ عِبادَكَ في شَتّى الحالاتِ: فَمِنهُ[1] خائِفٌ لَجَأَ إلَيكَ فَآمَنتَهُ، ومُذنِبٌ دَعاكَ لِلمَغفِرَةِ فَأَجَبتَهُ، وراقِدٌ استَودَعَكَ نَفسَهُ فَحَفِظتَهُ، وضالٌّ استَرشَدَكَ فَأَرشَدتَهُ، ومُسافِرٌ لاذَ بِكَنَفِكَ فَآوَيتَهُ، وذو[2] حاجَةٍ ناداكَ لَها فَلَبَّيتَهُ، وناسِكٌ[3] أفنىٰ بِذِكرِكَ لَيلَهُ فَأَحظَيتَهُ[4] وبِالفَوزِ جازَيتَهُ، وجاهِلٌ ضَلَّ عَنِ الرُّشدِ وعَوَّلَ عَلَى الجَلَدِ[5] مِن نَفسِهِ فَخَلَّيتَهُ.[6]

١٩٠٨ . الإمام الصادق عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ فِي القُنوتِ ـ: يا مَأمَنَ الخائِفِ، وكَهفَ اللّاهِفِ، وجُنَّةَ العائِذِ، وغَوثَ اللّائِذِ، خابَ مَنِ اعتَمَدَ سِواكَ، وخَسِرَ مَن لَجَأَ إلىٰ دونِكَ.[7]

١٩٠٩ . الكافي عن عبد الله بن أبان: دَخَلنا عَلىٰ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلنا: أفيكُم أحَدٌ عِندَهُ عِلمُ عَمّي زَيدِ بنِ عَلِيٍّ؟

فَقالَ رَجُلٌ مِنَ القَومِ: أنَا عِندي عِلمٌ مِن عِلمِ عَمِّكَ؛ كُنّا عِندَهُ ذاتَ لَيلَةٍ في دارِ مُعاوِيَةَ بنِ إسحاقَ الأَنصارِيِّ إذ قالَ: اِنطَلِقوا بِنا نُصَلّي في مَسجِدِ السَّهلَةِ.

فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: وفَعَلَ؟

فَقالَ: لا، جاءَهُ أمرٌ فَشَغَلَهُ عَنِ الذَّهابِ.

---

١. كذا في المصدر، والصواب: «فمنهم».

٢. في المصدر: «وذي حاجة»، والصواب ما أثبتناه.

٣. النُّسك والنُّسُك: الطاعة والعبادة (النهاية: ج ٥ ص ٤٨ «نسك»).

٤. الحَظْوَةُ: بلوغ المرام (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٢٥ «حظا»).

٥. الجَلَدُ: الصَّلابَةُ والجَلادَةُ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٢٥ «جلد»).

٦. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٠ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٧. مُهَج الدعوات: ص ٧٤، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢١٩.

۱۹۰۷ . **امام زین العابدین**ﷺ: معبودا و سَرورا و ای فرجامین امید منا از فراز اورنگ خویش، بر زمین‌هایت و فرشتگانت و ساکنان آسمانت تابیدی، و آواها خاموش شد و جنبش‌ها آرام گرفت و زندگان در بسترها چونان مردگان شدند، و تو بندگانت را در حالات گونه‌گون یافتی: یکی را ترسانی که به تو پناه آورده، پس او را ایمن داشتی، دیگری را گنهکاری که برای آمرزش، تو را خوانده، پس اجابتش کردی، دیگری را خفته‌ای که جان خویش را به تو سپرده، پس او را نگهداری کردی، دیگری را گم‌راهی که از تو راه‌نمایی خواسته، پس راه‌نمایی‌اش کردی، دیگری را مسافری که به سایهٔ تو پناه آورد، پس پناهش دادی، دیگری را نیازمندی که از تو نیاز خواسته، پس نیازش را برآوردی، دیگری را عبادتْ پیشه‌ای که شب خود را به یاد تو سپری کرده، پس او را کام‌روا ساختی و رستگاری را به او پاداش دادی، و دیگری را نادانی که از راه به در رفته و بر قدرت خویش تکیه کرده، پس او را به خود وانهادی.

۱۹۰۸ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعا هنگام قنوت ـ: ای مأمن ترسان، و پناه غمناک، و سپرِ پناهنده، و کمک کنندهٔ حمایت خواه! ناکام شد آن که به غیر تو تکیه کرد، و زیان کرد آن که به جز تو پناه برد.

۱۹۰۹ . **الکافی** ـ به نقل از عبدالله بن ابان ـ: خدمت امام صادقﷺ رسیدیم. از ما پرسید: «آیا در میان شما کسی هست که در بارهٔ عمویم زید بن علی، مطلبی بداند؟».

مردی از میان جمع گفت: من از عموی شما مطلبی می‌دانم. شبی در خانهٔ معاویة بن اسحاق انصاری، نزد زید بودیم که گفت: برویم در مسجد سهله نماز بگزاریم.

امام صادقﷺ فرمود: «این کار را کرد؟».

مرد گفت: خیر، کاری برایش پیش آمد که او را از رفتن بازداشت.

فَقالَ عليه السلام: أما وَاللهِ لَو أعاذَ[1] اللهَ بِهِ حَولاً لَأَعاذَهُ.[2]

١٩١٠. الإمام الهادي عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ: أنتَ اللّٰهُمَّ بِالمَرصَدِ مِنَ المَكّارِ[3]، اللّٰهُمَّ وغَيرُ مُهمِلٍ مَعَ الإمهالِ، وَاللاّئِذُ بِكَ آمِنٌ، وَالرّاغِبُ إلَيكَ غانِمٌ، وَالقاصِدُ اللّٰهُمَّ لِبابِكَ سالِمٌ.[4]

١٩١١. عنه عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ: يا مَن دَعاهُ المُضطَرّونَ فَأَجابَهُم، ولَجَأَ إلَيهِ الخائِفونَ فَآمَنَهُم.[5]

٢ / ٣
التَّنَعُّمُ بِرَحمَةِ اللهِ

١٩١٢. الإمام علي عليه السلام: لا إلٰهَ إلّا اللهُ الشّاكِرُ لِلمُطيعِ لَهُ، المُملي لِلمُشرِكِ بِهِ، القَريبُ مِمَّن دَعاهُ عَلىٰ حالِ بُعدِهِ، وَالبَرُّ الرَّحيمُ بِمَن لَجَأَ إلىٰ ظِلِّهِ، وَاعتَصَمَ بِحَبلِهِ.[6]

١٩١٣. عنه عليه السلام: إلٰهي، إنَّ مَن تَعَرَّفَ بِكَ غَيرُ مَجهولٍ، ومَن لاذَ بِكَ غَيرُ مَخذولٍ، ومَن أقبَلَتَ عَلَيهِ غَيرُ مَملولٍ.[7] إلٰهي إنَّ مَنِ انتَهَجَ بِكَ لَمُستَنيرٌ، وإنَّ مَنِ اعتَصَمَ بِكَ لَمُستَجيرٌ، وقَد لُذتُ بِكَ يا إلٰهي فَلا تُخَيِّب ظَنّي مِن رَحمَتِكَ، ولا تَحجُبني عَن رَأفَتِكَ.[8]

---

١. الإعاذةُ بمعنى الاستعاذة، كما تقول: أعوذُ باللهِ (مرآة العقول: ج ١٥ ص ٤٩١).

٢. الكافي: ج ٣ ص ٤٩٤ ح ١، المزار الكبير: ص ١٣٣ ح ٣ نحوه وفيه «لو استعاذ الله حولاً لأعاذه سنين» بدل «لو أعاذ الله به حولاً لأعاذه»، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٥٧ ح ٥٨ وراجع قصص الأنبياء: ص ٧٩ ح ٦٢.

٣. المكر: احتيال في خفية، والمكرُ: الخديعة والاحتيال، ورجلٌ مكّارٌ: ماكِرٌ (لسان العرب: ج ٥ ص ١٨٣ «مكر»).

٤. مُهَج الدعوات: ص ٨٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٦.

٥. مُهَج الدعوات: ص ٨٣، المصباح للكفعمي: ص ١٨٨ عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٧.

٦. البلد الأمين: ص ٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٩ ح ٧.

٧. في المصدر: «مملوك»، والتصويب من بحار الأنوار.

٨. الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٨ عن الحسين بن خالويه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٨ ح ١٢.

فرمود: «به خدا سوگند که اگر با آن [عمل]، یک سال هم از خدا پناه خواسته بود، به او پناه می‌داد».[۱]

۱۹۱۰. **امام هادی**ﷺ ـ در قنوتش ـ: تو ـ خداوندا ـ در کمین نیرنگبازانی، و خدایا! با آن‌که مهلت می‌دهی، [آنان را] رها نمی‌کنی. آن‌که به تو پناه آورَد، در امان است. آن‌که به تو علاقه داشته باشد، سود می‌بَرد و آن‌که ـ خدایا ـ آهنگ درگاه تو کند، در سلامت است.

۱۹۱۱. **امام هادی**ﷺ ـ در قنوتش ـ: ای کسی که درماندگان، او را خواندند و پاسخشان داد و بیمناکان، به او پناه بردند و در امانشان داشت.

۲/۳
بهره‌مند شدن از رحمت خدا

۱۹۱۲. **امام علی**ﷺ: معبودی نیست جز خدایی که سپاس گزارِ فرمان بردار خویش است و به آن که بدو شرک ورزد، فرصت می‌دهد و به آن که او را در حال دوری‌اش بخواند، نزدیک است، و به آن که به سایهٔ او پناه برد و به ریسمان او چنگ زند، دلسوز و مهربان است.

۱۹۱۳. **امام علی**ﷺ: معبود من! آن‌که به تو شناخته شود، ناشناخته نیست و آن‌که به تو پناه برد، بی‌یاری نمی‌ماند و آن که تو به او روی آوری، ملال‌آور نباشد. معبود من! آن‌که به واسطهٔ تو، ره پوید، در روشنایی حرکت می‌کند و آن‌که به تو پناه آورَد، در پناه است، و من به تو پناه آوردم ـ ای معبود من! ـ، پس امید مرا به رحمتت، نومید مگردان و مرا از مهرورزی‌ات محروم مساز.

---

۱. یعنی: اگر به آن مسجد رفته بود و نماز می‌خواند و در آن جا از خداوند به مدّت یک سال پناه می‌خواست، خداوند، او را پناه می‌داد و به شهادت نمی‌رسید. م.

١٩١٤ . **الإمام زين العابدين**ﷺ ـ فِي الدُّعاءِ ـ: يا راحِمَ رَنَّةِ[1] العَليلِ... أنتَ مُجيبُ مَن دَعا وراحِمُ مَن لاذَ بِكَ وشَكا، أستَعطِفُكَ عَلَيَّ، وأطلُبُ رَحمَتَكَ لِفاقَتي، فَقَد غَلَبَتِ الأُمورُ قِلَّةَ حيلَتي.[2]

١٩١٥ . **عنه**ﷺ ـ فِي الدُّعاءِ ـ: يا خَيرَ مَن رَجاهُ الرّاجونَ، وأرأفَ مَن لَجَأَ إلَيهِ اللّاجونَ، وأكرَمَ مَن قَصَدَهُ المُحتاجونَ، ارحَمني إذَا انقَطَعَ مَعلومُ عُمُري.[3]

١٩١٦ . **مصباح الشريعة** ـ فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِﷺ ـ: إذا عَلِمَ اللهُﷻ مِن قَلبِكَ صِدقَ الاِلتِجاءِ إلَيهِ، نَظَرَ إلَيكَ بِعَينِ الرَّأفَةِ وَالرَّحمَةِ وَاللُّطفِ، ووَفَّقَكَ لِما يُحِبُّ ويَرضىٰ.[4]

١٩١٧ . **الكافي عن عليّ بن عيسى رفعه، قال:** إنَّ موسىٰﷺ ناجاهُ اللهُ تَبارَكَ وتَعالىٰ فَقالَ لَهُ في مُناجاتِهِ: يا موسىٰ، مُر عِبادي يَدعوني عَلىٰ ما كانَ، بَعدَ أن يُقِرّوا لي أنّي أرحَمُ الرّاحِمينَ....

فَمَن لَجَأَ إلَيكَ وَانضَوىٰ إلَيكَ مِنَ الخاطِئينَ فَقُل: أهلاً وسَهلاً، يا رَحبَ الفِناءِ[5] بِفِناءِ رَبِّ العالَمينَ، وَاستَغفِر لَهُم، وكُن لَهُم كَأَحَدِهِم، وَلا تَستَطِل عَلَيهِم بِما أنا أعطَيتُكَ فَضلَهُ.[6]

٣ / ٣
السَّلامَةُ مِنَ الشَّيطانِ

١٩١٨ . **رسول الله**ﷺ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، فَإنَّ مَن تَعَوَّذَ بِاللهِ مِنهُ أعاذَهُ اللهُ،

---

١ . الرَّنَّةُ: الصَّوتُ (الصحاح: ج ٥ ص ٢١٢٧ «رنن»).

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢١ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦١ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

٤ . مصباح الشريعة: ص ٨٩، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٣٧٤ ح ٤٠.

٥ . قد يُقرأ في بعض نسخ الحديث: «بأرحب الفناء» والظاهر هو الأصحّ (هامش المصدر). هذا وفي تحف العقول: «بأرحب الفناء نزلت بفناء ربّ العالمين».

٦ . الكافي: ج ٨ ص ٤٨ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٥، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٨ ح ٧.

۱۹۱۴ . **امام زین‌العابدین**ﷺ ـ در دعا ـ : ای رحم‌کننده بر نالهٔ بیمارا... تو آن راکه بخوانَدَت، پاسخ می‌دهی و بر آن که به تو پناه آورَد و شِکوه کند، رحم می‌کنی. از تو می‌خواهم که بر من مهر بورزی، و تقاضا دارم که بر بینوایی‌ام رحم آوری؛ چرا که مشکلات، بر ناچیزیِ چاره‌گریِ من چیره گشته‌اند.

۱۹۱۵ . **امام زین‌العابدین**ﷺ ـ در دعا ـ : ای بهترین کسی که امیدواران، به او امید بسته‌اند و [ای] دلسوزترین کسی که پناهجویان، به او پناه برده‌اند و [ای] آقاترین کسی که نیازمندان، آهنگ درگاه او کرده‌اند! در آن هنگام که رشتهٔ عمر من بگسلد، بر من رحم فرما.

۱۹۱۶ . **مصباح الشریعة** ـ در حدیثی که به امام صادقﷺ نسبت داده است ـ : هرگاه خداوندﷻ بداند که از سویدای دل، به او پناهنده گشته‌ای، به دیدهٔ رأفت و مهربانی و لطف، به تو می‌نگرد و تو را به آنچه دوست دارد و می‌پسندد، توفیق می‌دهد.

۱۹۱۷ . **الکافی** ـ به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیتﷺ رسانده است ـ : خداوند ـ تبارک و تعالی ـ با موسیﷺ به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود: «ای موسی! به بندگانم دستور بده، پس از این که اقرار کردند که من مهربان‌ترینِ مهربانانم، در هر حال [حتی با همهٔ گناهان و خطاهایی که کرده‌اند]، مرا بخوانند....

پس هر کس از گنهکاران که به تو پناه آورْد و دست به دامن تو شد، بگو: "به فراخ‌ترین درگاه، درگاه پروردگار جهانیان، خوش آمدی"، و برایشان آمرزش بخواه و با آنان، چونان یکی از خودشان باش و با آنچه برتری‌اش را من عطایت کرده‌ام، بر آنان برتری مفروش».

۳/۳
ایمن ماندن از شیطان

۱۹۱۸ . **پیامبر خداﷺ**: از اهریمن رانده شده، به خدا پناه ببرید؛ زیرا هر که از او به خدا

وتَعَوَّذوا مِن هَمَزاتِهِ[١] ونَفَخاتِهِ ونَفْثاتِهِ[٢].[٣]

١٩١٩ . عنه ﷺ: إذا لُعِنَ الشَّيطانُ قالَ: لَعَنتَ مَلعوناً، وإذَا استَعَذتَ اللهَ مِنهُ قالَ: كَسَرتَ ظَهري.[٤]

١٩٢٠ . عنه ﷺ: مَن تَعَوَّذَ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ ثَلاثَ مَرّاتٍ، ثُمَّ قَرَأَ آخِرَ سورَةِ الحَشرِ، بَعَثَ اللهُ إلَيهِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ يَطرُدونَ عَنهُ شَياطينَ الإنسِ وَالجِنِّ، إن كانَ لَيلاً حَتّىٰ يُصبِحَ، وإن كانَ نَهاراً حَتّىٰ يُمسِيَ.[٥]

١٩٢١ . عنه ﷺ: مَنِ استَعاذَ بِاللهِ في كُلِّ يَومٍ عَشرَ مَرّاتٍ، وَكَّلَ اللهُ تَبارَكَ وتعالىٰ بِهِ مَلَكاً يَذُبُّ[٦] عَنهُ الشَّيطانَ، كَما يَذُبُّ أحَدُكُمُ الغَريبَ مِنَ الإبِلِ عَنِ الحَوضِ.[٧]

١٩٢٢ . عنه ﷺ: ما مِن رَجُلٍ يَدعو بِهٰذَا الدُّعاءِ في أوَّلِ لَيلِهِ وأوَّلِ نَهارِهِ، إلّا عَصَمَهُ اللهُ مِن إبليسَ وجُنودِهِ: بِاسمِ اللهِ ذِي الشَّأنِ، عَظيمِ البُرهانِ، شَديدِ السُّلطانِ، ما شاءَ اللهُ كانَ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ.[٨]

١٩٢٣ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ: «أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» أُجيرَ

---

١ . الهمزُ: الغمز والضغط والدفع والضرب، وفسّر النبيّ ﷺ همز الشيطان بالمُوتةِ، أي: الجنون؛ لأنّه يحصلُ من نخسه وغمزه (القاموس المحيط: ج ٢ ص ١٩٦ «همز»).

٢ . النَّفثُ: شبه النفخ في الرُّقية ولا ريق معه، فإن كان معه ريق فهو التَّفل (تاج العروس: ج ٣ ص ٢٧٢ «نفث»).

٣ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ﷺ: ص ٥٨٤ ح ٣٤٧، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٠٤ ح ٢٩.

٤ . كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٦ ح ٢١٢٧ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

٥ . الدرّ المنثور: ج ٨ ص ١٢٢ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي أُمامة؛ بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٠٩ ح ٣.

٦ . الذَّبُّ: المَنعُ والدَّفعُ (الصحاح: ج ١ ص ١٢٦ «ذبب»).

٧ . الفردوس: ج ٣ ص ٦٠٣ ح ٥٨٩٠ عن أنس؛ مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٣٧٦ ح ٦١٣٥ نقلاً عن الشيخ أبي الفتوح الرازي في تفسيره نحوه.

٨ . تاريخ دمشق: ج ٤٠ ص ٢٦٨ ح ٨١٠٩ عن أبي الزبير بن العوّام، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٣٨٦٢.

پناه ببرد، خداوند او را در پناه می‌دارد. از فشارها و دمیدن‌ها و وسوسه‌های او، [به خدا] پناه ببرید.

۱۹۱۹. **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه شیطان لعنت شود، می‌گوید: لعنت شده‌ای را لعنت کردی. هرگاه از او به خدا پناه ببری، می‌گوید: کمرم را شکستی.

۱۹۲۰. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس سه مرتبه از شیطان به خدا پناه ببرد و سپس پایان سورهٔ حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته به سوی او می‌فرستد که اهریمنانِ انس و جنّ را از او می‌رانند؛ اگر شب باشد، تا صبح، و اگر روز باشد، تا شب [شیاطین را از او دور می‌کنند].

۱۹۲۱. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در هر روز، ده بار به خدا پناه برد، خداوند ـ تبارک و تعالی ـ فرشته‌ای را بر او می‌گمارد که شیطان را از وی براند، همان گونه که هر یک از شما شتر بیگانه را از آبگیر دور می‌سازد.

۱۹۲۲. **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ مردی نیست که در آغاز شب و آغاز روزش این دعا را بخواند، مگر آن که خداوند او را از اهریمن و لشکریانش مصون می‌دارد: «به نام خدایی که مقامش بلند، برهانش بزرگ و سلطنتش نیرومند است. آنچه خدا بخواهد، همان می‌شود. از شیطان به خدا پناه می‌برم».

۱۹۲۳. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که چون صبح کند، بگوید: «به خدایِ شنوای دانا پناه

مِنَ الشَّيطانِ حَتّىٰ يُمسِيَ.[١]

١٩٢٤ . الإمام عليّ عليه السلام: مَن تَعَوَّذَ مِنَ الشَّيطانِ عَشرَ مَرّاتٍ في دُبُرِ صَلاةِ الغَداةِ، بَعَثَ اللهُ إلَيهِ مَلَكَينِ يَحرُسانِ بَيتَهُ حَتّىٰ يُمسِيَ، ومَن قالَها بَعدَ المَغرِبِ، فَمِثلُها حَتّىٰ يُصبِحَ.[٢]

١٩٢٥ . تفسير الطبري عن يزيد بن قسيط: كانَتِ الأَنبِياءُ لَهُم مَساجِدُ خارِجَةٌ مِن قُراهُم، فَإذا أرادَ النَّبِيُّ أن يَستَنبِئَ رَبَّهُ عَن شَيءٍ، خَرَجَ إلىٰ مَسجِدِهِ فَصَلّىٰ ما كَتَبَ اللهُ لَهُ، ثُمَّ سَأَلَ ما بَدا لَهُ، فَبَينَما نَبِيٌّ في مَسجِدِهِ، إذ جاءَ عَدُوُّ اللهِ حَتّىٰ جَلَسَ بَينَهُ وبَينَ القِبلَةِ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ». فَقالَ عَدُوُّ اللهِ: أرَأَيتَ الَّذي تَعوذُ مِنهُ، فَهُوَ هُوَ.

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»، فَرَدَّدَ ذٰلِكَ ثَلاثَ مَرّاتٍ. فَقالَ عَدُوُّ اللهِ: أخبِرني بِأَيِّ شَيءٍ تَنجو مِنّي؟

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: بَل أخبِرني بِأَيِّ شَيءٍ تَغلِبُ ابنَ آدَمَ؟ مَرَّتَينِ، فَأَخَذَ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما عَلىٰ صاحِبِهِ.

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ تَعالىٰ ذِكرُهُ يَقولُ: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾[٣]. قالَ عَدُوُّ اللهِ: قَد سَمِعتُ هٰذا قَبلَ أن تولَدَ!

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ويَقولُ اللهُ تَعالىٰ ذِكرُهُ: ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾[٤]، وإنّي وَاللهِ ما أحسَستُ بِكَ قَطُّ إلّا استَعَذتُ بِاللهِ مِنكَ. فَقالَ عَدُوُّ اللهِ: صَدَقتَ، بِهٰذا تَنجو مِنّي.

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: فَأَخبِرني بِأَيِّ شَيءٍ تَغلِبُ ابنَ آدَمَ؟ قالَ: آخُذُهُ عِندَ الغَضَبِ،

---

١ . كنز العمّال: ج ٢ ص ١٦١ ح ٣٥٧٨ نقلاً عن ابن السني عن أنس.

٢ . كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧٣ نقلاً عن أبي عمرو الزاهد محمّد بن عبد الواحد في فوائده.

٣ . الحجر: ٤٢.

٤ . الأعراف: ٢٠٠.

می‌برم از اهریمن رانده شده»، تا شب، از گزند شیطان در پناه خدا خواهد بود.

۱۹۲۴. **امام علی**ﷺ: هر کس در پی نماز صبح، ده بار از شیطان [به خدا] پناه برد، خداوند دو فرشته به سوی او می‌فرستد که تا شب، خانهٔ او را پاسداری کنند، و هر کس بعد از نماز مغرب آن را بگوید، تا صبح این چنین است.

۱۹۲۵. **تفسیر الطبری** ـ به نقل از یزید بن قسیط ـ: پیامبران در بیرون از آبادی‌های خود، مسجدهایی داشتند. هر گاه پیامبری می‌خواست از پروردگارش در بارهٔ چیزی خبر بگیرد، به مسجدش می‌رفت و نمازی را که خدا بر او نوشته [و واجب کرده] بود، به جای می‌آورد و سپس آنچه می‌خواست، درخواست می‌کرد. روزی پیامبری در مسجدش نشسته بود که دشمن خدا (شیطان) آمد و میان او و قبله نشست. آن پیامبرﷺ گفت: «پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده!».

دشمن خدا گفت: آیا کسی را که از او [به خدا] پناه می‌بری، دیده‌ای؟ خود اوست. (خود من هستم).

پیامبرﷺ گفت: «پناه می‌برم به خدا از شیطانِ لعین!» و سه بار آن را باز گفت.

دشمن خدا گفت: به من بگو که با چه چیز، از من می‌رهی؟

پیامبرﷺ دو بار گفت: «نه، تو به من بگو که با چه چیزی، بر آدمیزاد چیره شوی؟». سپس هر یک از آن دو، با دیگری گلاویز شد.

پیامبرﷺ گفت: «خدای بلند آوازه می‌فرماید: ﴿تو را بر بندگان من، تسلّطی نیست، مگر [بر] کسانی از گم‌راهان که تو را پیروی کنند﴾».

دشمن خدا گفت: این را پیش از آن که تو به دنیا بیایی، شنیده‌ام!

پیامبرﷺ گفت: «خدای بلند آوازه می‌فرماید: ﴿و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو می‌رسد، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوای داناست﴾. به خدا سوگند که من هرگز وجود تو را احساس نکردم، مگر آن که از تو به خدا پناه جستم».

دشمن خدا گفت: راست گفتی، با همین [کارت]، از من می‌رهی.

پیامبرﷺ گفت: «حال، تو به من بگو که چگونه بر آدمیزاد چیره می‌شود؟».

وعِندَ الهَوىٰ.[١]

١٩٢٦ . **مصباح الشريعة** ـ فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام ـ: إذا أتاكَ الشَّيطانُ مُوَسوِساً لِيُضِلَّكَ عَن سَبيلِ الحَقِّ، ويُنسِيَكَ ذِكرَ اللهِ، فَاستَعِذ مِنهُ بِرَبِّكَ ورَبِّهِ، فَإنَّهُ يُؤَيِّدُ الحَقَّ عَلَى الباطِلِ، ويَنصُرُ المَظلومَ بِقَولِهِ عزّ وجلّ: ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾[٢]، ولَن تَقدِرَ عَلىٰ هٰذا ومَعرِفَةِ إتيانِهِ ومَذاهِبِ وَسوَسَتِهِ إلّا بِدَوامِ المُراقَبَةِ وَالاِستِقامَةِ عَلىٰ بِساطِ الخِدمَةِ، وهَيبَةِ المُطَّلَعِ، وكَثرَةِ الذِّكرِ.

وأمَّا المُهمِلُ لِأَوقاتِهِ فَهُوَ صَيدُ الشَّيطانِ، وَاعتَبِر بِما فَعَلَ بِنَفسِهِ مِنَ الإغواءِ وَالاِستِكبارِ، حَيثُ غَرَّهُ وأعجَبَهُ عَمَلُهُ وعِبادَتُهُ وبَصيرَتُهُ وجُرأَتُهُ عَلَيهِ، قَد أورَثَهُ عَمَلُهُ ومَعرِفَتُهُ وَاستِدلالُهُ بِمَعقولِهِ اللَّعنَةَ عَلَيهِ إلَى الأَبَدِ، فَما ظَنُّكَ بِنَصيحَتِهِ ودَعوَتِهِ غَيرَهُ.

فَاعتَصِم بِحَبلِ اللهِ الأَوثَقِ، وهُوَ الاِلتِجاءُ وَالاِضطِرارُ بِصِحَّةِ الاِفتِقارِ إلَى اللهِ في كُلِّ نَفَسٍ، ولا يَغُرَّنَّكَ تَزيينُهُ الطّاعاتِ عَلَيكَ، فَإنَّهُ يَفتَحُ لَكَ تِسعَةً وتِسعينَ باباً مِنَ الخَيرِ، لِيَظفَرَ بِكَ عِندَ تَمامِ المِئَةِ، فَقابِلهُ بِالخِلافِ وَالصَّدِّ عَن سَبيلِهِ، وَالمُضادَّةِ بِأهوائِهِ.[٣]

راجع: ص ٢٨٢ (ما ينبغي الاستعاذة منه / الشيطان).

٤ / ٣
إغلاقُ أبوابِ المَعصِيَةِ

١٩٢٧ . **الإمام الصادق** عليه السلام: أغلِقوا أبوابَ المَعصِيَةِ بِالاِستِعاذَةِ، وَافتَحوا أبوابَ الطّاعَةِ بِالتَّسمِيَةِ.[٤]

---

١ . تفسير الطبري: ج ٨ الجزء ١٤ ص ٣٤، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٤٥٤، الدرّ المنثور: ج ٥ ص ٨٠.

٢ . النحل: ٩٩.

٣ . مصباح الشريعة: ص ٢٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٥ ح ٢.

٤ . الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٦ ح ٢٤.

گفت: در هنگام خشم و در هنگام هوس، او را فرو می‌گیرم.

۱۹۲۶ . مصباح الشریعة ـ در حدیثی که به امام صادق﵇ نسبت داده است ـ: هرگاه شیطان وسوسه کنان به نزدت آمد تا تو را از راه حق به دَر بَرَد و یاد خدا را فراموشت سازد، از او به پروردگار خودت و پروردگار او پناه ببر؛ زیرا او حق را در برابر باطل حمایت می‌کند و ستم دیده را یاری می‌رساند، که فرمود: ﴿او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، تسلّطی نیست﴾ و تو هرگز توان این کار (پناه بردن از شیطان به خدا) را نداری و نحوهٔ آمدن او و راه‌های وسوسه‌اش را نمی‌شناسی، مگر با مراقبت همیشگی و ایستادگی بر بساط چاکری [ـِ خدا] و ترس از صحرای محشر، و بسیاریِ یاد [ـِ خدا].

اما آن که مراقب اوقاتش نباشد، شکار شیطان است. از آنچه شیطان بر اثر اغواگری و گردن فرازی با خود کرد، عبرت بگیر. آن‌جا که عمل او و عبادتش و بینشش و گستاخی‌اش او را فریفت و خودبینش کرد، عملش و معرفتش و استدلالات عقلی‌اش، او را تا ابد گرفتار لعنت کرد. حال [که او با خود چنین کرد،] در بارهٔ نصیحت و دعوت او نسبت به دیگران، چه خیال می‌کنی؟!

پس به استوارترین ریسمان خدا چنگ بزن که همان پناه بردن به خداست و این که [یدانی] در هر دمی، به او نیازمندی و تو را از او گزیری نیست. زنهار که شیطان با زیبا جلوه دادن طاعاتت در نظر تو، فریبت ندهد؛ چرا که شیطان نود و نه در از خوبی را بر تو می‌گشاید تا در صدمین در، برتو چیره گردد. پس با ناسازگاری و بستن راه بر شیطان و مخالفت با خواهش‌هایش، با او مقابله کن.

ر.ک: ص ۲۸۳ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / شیطان).

۴ / ۳
بستن درهای گناه و نافرمانی خدا

۱۹۲۷ . امام صادق﵇: با پناه جستن [از خداوند]، درهای نافرمانی را ببندید و با بردن نام او، درهای فرمانبری را بگشایید.

٥ / ٣
الصِّيانَةُ مِن كَيدِ الأعداءِ

١٩٢٨ . رسول الله ﷺ: مَن أرادَهُ إنسانٌ بِسوءٍ، فَأرادَ أن يَحجُزَ اللهُ بَينَهُ وبَينَهُ، فَليَقُل حينَ يَراهُ: «أعوذُ بِحَولِ[1] اللهِ وقُوَّتِهِ، مِن حَولِ خَلقِهِ وقُوَّتِهِم، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ»، ثُمَّ يَقولُ ما قالَ اللهُ ﷻ لِنَبِيِّهِ ﷺ: ﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾[2]؛ صَرَفَ اللهُ عَنهُ كَيدَ كُلِّ كائِدٍ، ومَكرَ كُلِّ ماكِرٍ، وحَسَدَ كُلِّ حاسِدٍ، ولا يَقولَنَّ هٰذِهِ الكَلِماتِ إلّا في وَجهِهِ، فَإِنَّ اللهَ يَكفيهِ بِحَولِهِ.[3]

١٩٢٩ . عنه ﷺ ـ لِزَيدِ بنِ أرقَمَ، فِي الاِستِعاذَةِ مِنَ الأَعداءِ ـ: إن أرَدتَ ألّا يُصيبَكَ شَرُّهُم، ولا يَنالَكَ مَكرُهُم، فَقُل إذا أصبَحتَ: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»؛ فَإِنَّ اللهَ يُعيذُكَ مِن شَرِّهِم.[4]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٩٣٠ . الأمان عن ابن عبّاس: قُلتُ لِأَميرِ المُؤمِنينَ ﷺ لَيلَةَ صِفّينَ: أما تَرَى الأَعداءَ قَد أحدَقوا بِنا؟ فَقالَ: وقَد راعَكَ هٰذا؟ قُلتُ: نَعَم.

فَقالَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُضامَ في سُلطانِكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أضِلَّ في هُداكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أفتَقِرَ في غِناكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أضيعَ في سَلامَتِكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُغلَبَ وَالأَمرُ لَكَ.

---

١. الحَوْلُ: الحيلَةُ والقُوَّةُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٦٧٩ «حول»).

٢. التوبة: ١٢٩.

٣. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٢٢ عن الشعيري عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٢٠ ح ١٨.

٤. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ﷺ: ص ١٩، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٦٠ ح ٢٩.

۵/۳
مصون ماندن از توطئهٔ دشمنان

۱۹۲۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که شخصی نسبت به او قصد بدی داشته باشد و او بخواهد که خداوند مانع [گزند رسانی] او شود، هر گاه چشمش به او افتاد، بگوید: «به نیرو و توان خدا پناه می‌برم از نیرو و توان مخلوق او، و به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم از شرّ آنچه آفریده است». سپس همان چیزی را بگوید که خداوند ﷻ به پیامبرش ﷺ فرموده است: ﴿پس اگر روی برتافتند، بگو: خداوند مرا بس است که هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است﴾. [با گفتن این کلمات،] خداوند توطئهٔ هر توطئه‌گر و نیرنگ هر نیرنگباز و بدخواهیِ هر بدخواهی را از او دور می‌سازد. این جملات را فقط باید در روی او بگوید؛ چرا که خداوند با نیروی خود، او را نگه می‌دارد.

۱۹۲۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به زید بن ارقم، دربارهٔ پناه بردن به خدا از دشمنان ـ: اگر خواستی گزند آنان به تو نرسد و نیرنگشان در تو اثر نکند، هر گاه صبح کردی، بگو: «به خدا پناه می‌برم از شیطان رجیم». [در این صورت،] خداوند تو را از گزندشان در پناه خود می‌دارد.

۱۹۳۰ . **الأمان** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: در شب صفّین، به امیر مؤمنان گفتم: نمی‌بینی که دشمنان، ما را در میان گرفته‌اند؟!

فرمود: «این، تو را ترسانده است؟».

گفتم: آری.

گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که با وجود قدرت تو، به من ستم شود. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که با وجود راه نمایی تو، گم راه شوم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که با وجود توانگریِ تو، نیازمند شوم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که با وجود سلامت تو، تباه شوم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که اختیار و فرمان روایی با تو باشد و با این حال، من مغلوب شوم».

أقولُ أنا: فَكَفاهُ اللهُ ـ جَلَّ جَلالُهُ ـ أمرَهُم.[١]

راجع: ص ٣٣٤ (ما ينبغي الاستعاذة منه / شرّ كلّ ذي شرّ / شرّ الأعداء).

٦ / ٣
دَفعُ البَلاءِ

١٩٣١ . رسول اللهﷺ: لَم يَبقَ مِنَ الدُّنيا إلّا بَلاءٌ وفِتنَةٌ، وما نَجا مَن نَجا إلّا بِصِدقِ الالتِجاءِ.[٢]

١٩٣٢ . الإمام زين العابدينؑ ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: وإذا أرَدتَ بِقَومٍ فِتنَةً أو سوءاً فَنَجِّني مِنها لِواذاً[٣] بِكَ، وإذ لَم تُقِمني مَقامَ فَضيحَةٍ في دُنياكَ فَلا تُقِمني مِثلَهُ في آخِرَتِكَ.[٤]

٧ / ٣
كَظمُ الغَيظِ

١٩٣٣ . رسول اللهﷺ: لَو يَقولُ أحَدُكُم إذا غَضِبَ «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» ذَهَبَ عَنهُ غَضَبُهُ.[٥]

١٩٣٤ . سنن الترمذي عن معاذ بن جبل: اِستَبَّ رَجُلانِ عِندَ النَّبِيِّﷺ حَتّىٰ عُرِفَ الغَضَبُ في وَجهِ أحَدِهِما. فَقالَ النَّبِيُّﷺ: إنّي لَأَعلَمُ كَلِمَةً لَو قالَها لَذَهَبَ غَضَبُهُ: أعوذُ بِاللهِ مِنَ

---

١ . الأمان: ص ١٢٦، المصباح للكفعمي: ص ٤٠٢، مُهَج الدعوات: ص ١٣٤ وليس فيهما ذيله من «أقول ...»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٩ ح ٥٢.

٢ . مصباح الشريعة: ص ١٦٨، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٢٦ ح ٢٠.

٣ . اللِّواذ: الالتجاء (المصباح المنير: ص ٥٦٠ «لوذ»).

٤ . الصحيفة السجّادية: ص ١٩٩ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٩، المصباح للكفعمي: ص ٨٩٩.

٥ . المعجم الصغير: ج ٢ ص ٩١، تاريخ بغداد: ج ٣ ص ٣٩٩ كلاهما عن ابن مسعود، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٧٧٢٠ وص ٥١٩ ح ٧٦٩٢ نقلاً عن الكامل في ضعفاء الرجال عن أبي هريرة نحوه؛ الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٣٩ ح ٢.

من (راوی) می‌گویم: پس خداوند ﷻ او را در کار آنان کفایت فرمود [و شرّشان را دفع کرد].

ر.ک: ص ۳۲۵ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / گزند دشمنان).

۶ / ۳
دفع بلا

۱۹۳۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: از دنیا جز بلا و فتنه، چیزی باقی نماند، و هر که رهید، تنها با پناهنده شدنِ صادقانه [به خدا] رهید.

۱۹۳۲ . **امام زین العابدین** ؑ ـ در دعای خود در روز عرفه ـ: [خدایا!] هر گاه خواستی بر مردمی فتنه‌ای یا آسیبی برسانی، مرا در حالی که به تو پناه آورده‌ام، از آن رهایی ده، و همچنان که در دنیایت مرا در جایگاه رسوایی بر پا نداشتی، در آخرتت نیز در چنان جایگاهی برپایم مدار.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۷ / ۳
فرونشاندن خشم

۱۹۳۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر یک از شما آن گاه که به خشم می‌آید، اگر بگوید: «به خدا پناه می‌برم از شیطانِ رانده شده»، خشمش از بین خواهد رفت.

۱۹۳۴ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از معاذ بن جبل ـ: دو مرد در محضر پیامبر ﷺ چندان به یکدیگر ناسزا گفتند که خشم در چهرهٔ یکی از آن دو نمایان شد. پیامبر ﷺ فرمود: «من عبارتی را می‌شناسم که اگر گفته بود، خشمش فرو می‌نشست: پناه

الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[١]

١٩٣٥ . صحيح البخاري عن سليمان بن صرد: كُنتُ جالِساً مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ورَجُلانِ يَستَبّانِ، فَأَحَدُهُمَا احمَرَّ وَجهُهُ وَانتَفَخَت أوداجُهُ[٢]، فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: إنّي لَأَعلَمُ كَلِمَةً لَو قالَها ذَهَبَ عَنهُ ما يَجِدُ، لَو قالَ: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ» ذَهَبَ عَنهُ ما يَجِدُ.[٣]

٨ / ٣
ذَهابُ الحُزنِ

١٩٣٦ . الإمام الصادق ﷺ: دَعا أميرُ المُؤمِنينَ ﷺ يَومَ الهَريرِ[٤] ـ حينَ اشتَدَّ عَلىٰ أولِيائِهِ الأَمرُ ـ دُعاءَ الكَربِ، مَن دَعا بِهِ وهُوَ في أمرٍ قَد كَرَبَهُ وغَمَّهُ نَجّاهُ اللهُ مِنهُ، وهُوَ:

اللّٰهُمَّ لا تُحَبِّب إلَيَّ ما أبغَضتَ، ولا تُبَغِّض إلَيَّ ما أحبَبتَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أرضىٰ سَخَطَكَ، أو أسخَطَ رِضاكَ، أو أُرَدَّ قَضاءَكَ، أو أعدُوَ قَولَكَ، أو أُناصِحَ أعداءَكَ، أو أعدُوَ أمرَكَ فيهِم، اللّٰهُمَّ ما كانَ مِن عَمَلٍ أو قَولٍ يُقَرِّبُني مِن رِضوانِكَ، ويُباعِدُني مِن سَخَطِكَ، فَصَبِّرني لَهُ وَاحمِلني عَلَيهِ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٥]

---

١ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٤ ح ٣٤٥٢، سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٤٨ ح ٤٧٨٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٠٤ ح ١٠٢٢١، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٥٩ ح ٢٢١٧٢ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٣ ص ٨٢٧ ح ٨٨٦٩.

٢ . الأوداج: هي ما أحاط بالعُنق من العروق التي يقطعها الذّابح، واحدها: وَدَجٌ (النهاية: ج ٥ ص ١٦٥ «ودج»).

٣ . صحيح البخاري: ج ٣ ص ١١٩٥ ح ٣١٠٨ و ج ٥ ص ٢٢٦٧ ح ٥٧٦٤، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠١٥ ح ١١٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٠٤ ح ١٠٢٢٥، الأدب المفرد: ص ٣٨١ ح ١٣١٩ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٧٧٢١.

٤ . يومُ الهَرير: يوم من أيّام وقعة صفّين بين عليّ ﷺ ومعاوية (اُنظر: موسوعة الإمام عليّ بن أبي طالب ﷺ: ج ٦ ص ١٧٣ ـ ١٨١ «أشدّ الأيّام»).

٥ . مُهَج الدعوات: ص ١٢٨ عن محمّد بن النعمان الأحول، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٧ ح ٩.

می‌برم به خدا از شیطانِ رانده شده».

۱۹۳۵ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از سلیمان بن صُرَد ـ : با پیامبرﷺ نشسته بودم که دو مرد به یکدیگر ناسزا می‌گفتند. چون یکی از آنها رخسارش سرخ شد و رگ‌های گردنش برآمد، پیامبرﷺ فرمود: «من گفته‌ای را می‌شناسم که اگر گفته بود، عصبانیتش از بین می‌رفت. اگر گفته بود: "از شیطان به خدا پناه می‌برم"، عصبانیتش از بین می‌رفت».

۸ / ۳
رفع غم واندوه

۱۹۳۶ . **امام صادق**ﷺ: در روز هریر[1] ـ آن گاه که کار بر یاران علیﷺ زار شد ـ امیر مؤمنان دعای اندوه را خواند. هر کس وقتی مشکل برایش پیش آید که سبب غم و اندوهش شود، این دعا را بخواند، خداوند او را از آن می‌رهاند. آن دعا این است:

«بار خدایا! آنچه را که تو ناپسند می‌داری، محبوب من مگردان و آنچه را که تو می‌پسندی، منفور من مساز. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که ناخشنودیِ تو را بپسندم، یا خشنودیِ تو را ناخوش بدارم، یا قضای تو را نپذیرم، یا گفتهٔ تو را فرو نهم،[2] یا با دشمنان تو دوستی ورزم، یا از فرمان تو در بارهٔ آنان چشم بپوشم. بار خدایا! هر کرداری یا گفتاری که مرا به خشنودیِ تو نزدیک سازد و از خشم و ناخشنودی‌ات دور گرداند، مرا بر آن شکیبا ساز و به آن وا دار، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!».

---

۱ . از سخت‌ترین روزهای جنگ صفّین که میان امام علیﷺ و معاویه در گرفت.

۲ . یا: از گفتهٔ تو فراتر روم.

١٩٣٧ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي التَّضَرُّعِ وَالاِستِكانَةِ ـ: لَبَّيكَ لَبَّيكَ، تَسمَعُ مَن شَكا إلَيكَ، وتَلقىٰ مَن تَوَكَّلَ عَلَيكَ، وتُخَلِّصُ مَنِ اعتَصَمَ بِكَ، وتُفَرِّجُ عَمَّن لاذَ بِكَ.[١]

١٩٣٨ . عنه عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَدعو بِهِ في أسحارِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: سَيِّدي فَبِمَن أستَغيثُ إن لَم تُقِلني عَثرَتي! وإلىٰ[٢] مَن أفزَعُ إن فَقَدتُ عِنايَتَكَ في ضَجعَتي! وإلىٰ مَن ألتَجِئُ إن لَم تُنَفِّس كُربَتي![٣]

٩ / ٣
دَفعُ الأمراضِ[٤]

١٩٣٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: ما مِن مَريضٍ لَم يَحضُر أجَلُهُ، تَعَوَّذَ بِهٰذِهِ الكَلِماتِ، إلّا خَفَّ عَنهُ: «بِاسمِ اللهِ العَظيمِ، أسأَلُ اللهَ العَظيمَ، رَبَّ العَرشِ العَظيمِ، أن يَشفِيَهُ» سَبعَ مَرّاتٍ.[٤]

١٩٤٠ . عنه صلى الله عليه وآله: هٰؤُلاءِ الكَلِماتُ دَواءٌ مِن كُلِّ داءٍ: أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، وأسمائِهِ كُلِّها عامَّةً، مِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ، ومِن شَرِّ العَينِ اللّامَّةِ[٥]، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا حَسَدَ، ومِن شَرِّ أبي قِترَةَ[٦] وما وَلَدَ.[٧]

---

١ . الصحيفة السجّادية: ص ٢١٩ الدعاء ٥١.

٢ . في المصدر: «فإلىٰ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٥٩٣ ح ٦٩١، الإقبال: ج ١ ص ١٧٠ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩٠.

٤ . كنز العمّال: ج ٩ ص ٢٠٩ ح ٢٥٦٩٥ نقلاً عن ابن النجّار عن الإمام عليّ عليه السلام وراجع السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٥٩ ح ١٠٨٨٣ والمستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٣٧ ح ٧٤٨٩ والمصنّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٤٣٣ ح ٥ ومكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٢٥٩٤ والدعوات: ص ٢٢٣ ح ٦١٣.

٥ . العينُ اللّامّة: المصيبة بسوءٍ، أو هي كلّ ما يُخاف من فزعٍ وشرٍّ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٧٧ «لمم»).

٦ . في الخبر: «نعوذُ بالله من قِترَةٍ وما وَلَدَ» هو اسم إبليس لعنه الله (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٣٨ «قتر»).

٧ . المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٦٦ ح ٦٠٩٣، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٣٥ ح ٢٤١٢، الفردوس: ج ٤ ص ٣٣٠ ح ٦٩٥٨ كلّها عن ابن عبّاس.

۱۹۳۷ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا ـ: گوش به فرمانم، گوش به فرمانم! تو [صدای] هر که را به تو شکایت آورده، می‌شنوی و هر که را به تو توکّل کرده، می‌پذیری و هر که را دست به دامن تو شده، رهایی می‌بخشی و اندوه را از هر که به تو پناه آورده، می‌زدایی.

۱۹۳۸ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در یکی از دعاهای خود در سحرهای ماه رمضان ـ: آقای من! اگر تو از لغزش من نگذری، پس، از که یاری بخواهم!؟ و اگر در هنگام افتادگی‌ام عنایت تو را از دست دهم، پس به که پناه ببرم!؟ و اگر تو غم و اندوهِ مرا نزدایی، پس به چه کسی متوسّل شوم!؟

۹ / ۳
درمان بیماری‌ها

۱۹۳۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر بیماری که اجلش نرسیده باشد، اگر هفت مرتبه با این جملات خود را تعویذ کند، از بیماری‌اش کاسته می‌شود: «به نام خدای بزرگ، از خدای بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، درخواست می‌کنم که شفایش بخشد».

۱۹۴۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: این کلمات، داروی هر دردی است: «به کلمات تامّ خدا و همهٔ نام‌های او جملگی، پناه می‌برم از گزند خزندگان زهردار و بی‌زهر، و از گزند چشمِ بد، و از گزند هر حسودی آن گاه که حسد ورزد، و از گزند ابو قِتره[1] و زاده‌هایش».

---

۱ . ابو قِتره: نام ابلیس ملعون است (مجمع البحرین: ج ۳ ص ۱۴۳۸ «قتر»).

١٩٣١ . **سنن ابن ماجة عن عثمان بن أبي العاص:** قَدِمتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وبي وَجَعٌ قَد كادَ يُبطِلُني، فَقالَ لِيَ النَّبِيُّ ﷺ: اِجعَل يَدَكَ اليُمنىٰ عَلَيهِ وقُل: «بِاسمِ اللهِ، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ، مِن شَرِّ ما أجِدُ وأُحاذِرُ» سَبعَ مَرّاتٍ. فَقُلتُ ذٰلِكَ، فَشَفانِيَ اللهُ.[١]

١٩٣٢ . **تاريخ بغداد عن عثمان بن عفّان:** مَرِضتُ مَرَضاً وكانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَعودُني، فَعَوَّذَني يَوماً فَقالَ: «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، أُعَوِّذُكَ بِالأَحَدِ الصَّمَدِ[٢]، الَّذي لَم يَلِدِ ولَم يولَد، ولَم يَكُن لَهُ كُفُواً أحَدٌ، مِن شَرِّ ما تَجِدُ»، فَبَرِئتُ فَشَفانِيَ اللهُ.

فَلَمّا شَفاني، قالَ لي: يا عُثمانُ تَعَوَّذ بِهِنَّ، فَما تَعَوَّذتُم بِمِثلِهِنَّ.[٣]

١٩٣٣ . **المعجم الأوسط عن عثمان:** بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ وَفداً إلَى اليَمَنِ، فَأَمَّرَ عَلَيهِم أميراً مِنهُم وهُوَ أصغَرُهُم، فَمَكَثَ أيّاماً لَم يَسِر.

فَلَقِيَ النَّبِيُّ ﷺ رَجُلاً مِنهُم فَقالَ: يا فُلانُ ما لَكَ، أمَا انطَلَقتَ؟ قالَ: يا رَسولَ اللهِ، أميرُنا يَشتَكي رِجلَهُ.

فَأَتاهُ النَّبِيُّ ﷺ إذ نَفَثَ عَلَيهِ: «بِاسمِ اللهِ وباللهِ، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ، مِن شَرِّ ما فيها» سَبعَ مَرّاتٍ، فَبَرَأَ الرَّجُلُ.[٤]

١٩٣٤ . **سنن ابن ماجة عن عائشة:** كانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَوَّذُ بِهٰؤُلاءِ الكَلِماتِ: أذهِبِ البَأسَ رَبَّ النّاسِ، وَاشفِ أنتَ الشّافي لا شِفاءَ إلّا شِفاؤُكَ، شِفاءً لا يُغادِرُ سَقَماً.

---

١. سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١١٦٤ ح ٣٥٢٢، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٤٥ ح ٨٣٤١، الدعاء للطبراني: ص ٣٤٥ ح ١١٣٢ كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٤٤ ح ١٦، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ١٤٨ ح ٣٨٢، كنز العمّال: ج ١٠ ص ٨٣ ح ٢٨٤٦٤؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٢٥٩١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦ ح ١٦.

٢. الصَّمَدُ: الدائمُ الباقي، وقيل: الذي يُصمد في الحوائج إليه؛ أي يُقصد (النهاية: ج ٣ ص ٥٢ «صمد»).

٣. تاريخ بغداد: ج ١٣ ص ٢٨٦، الدعاء للطبراني: ص ٣٤٠ ح ١١٢١ و ١١٢٢، نوادر الأصول: ج ١ ص ٢٨٤ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٠٠ ح ٢٨٥١٧.

٤. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٥٠ ح ٧١٢٦، نوادر الأصول: ج ٢ ص ٢٣٩، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٨٦ ح ٤٠٢.

۱۹۳۱ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از عثمان بن ابی العاص ـ: خدمت پیامبرﷺ رسیدم و چنان دردی داشتم که تقریباً مرا از کار انداخته بود. پیامبرﷺ به من فرمود: دست راستت را روی آن [موضع درد] بگذار و هفت مرتبه بگو: «به نام خدا، به عزّت و قدرت خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه احساس می‌کنم و از آن حذر دارم».

من این را گفتم و خداوند شفایم داد.

۱۹۳۲ . **تاریخ بغداد** ـ به نقل از عثمان بن عفّان ـ: به مرضی دچار شدم و پیامبر خدا به عیادتم می‌آمد. روزی مرا تعویذ کرد و فرمود: «به نام خدای مهرگستر مهربان! تو را از شرّ آنچه احساس می‌کنی، در پناه یکتای بی‌نیاز در می‌آورم که نه زاده است و نه زادهٔ کسی است و نه کسی همانند اوست». پس بهبود یافتم و خداوند شفایم بخشید.

پس از شفا یافتن، به من فرمود: «ای عثمان! با این [دعا] خود را تعویذ کن که به چیزی مانند آن، تعویذ نکرده‌اید».

۱۹۳۳ . **المعجم الاوسط** ـ به نقل از عثمان ـ: پیامبرﷺ هیأتی را مأمور رفتن به یمن کرد و یکی از آنها را که از همه کوچک‌تر بود، سالارشان قرار داد. چند روزی گذشت و آن هیأت ره سپار نشدند. پیامبرﷺ مردی از آنان را دید و فرمود: «فلانی! چه شده است، چرا نرفتید؟».

گفت: ای پیامبر خدا! سالارمان دچار پا درد گشته است.

پیامبرﷺ نزد او رفت و هفت مرتبه این کلمات را خواند و بر او دمید: «به نام خدا و به یاری خدا، به عزّت و قدرت خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه در پای اوست». پس آن مرد بهبود یافت.

۱۹۳۴ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبرﷺ با این جملات، خود را تعویذ می‌کرد: «آسیب را برطرف فرما ـ ای پروردگار مردم! ـ و شفا ده که شفا دهنده تویی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست؛ شفایی که هیچ مرضی را بر جای نمی‌گذارد».

فَلَمّا ثَقُلَ النَّبِيُّ ﷺ في مَرَضِهِ الَّذي ماتَ فيهِ، أخَذتُ بِيَدِهِ فَجَعَلتُ أمسَحُهُ وأقولُها، فَنَزَعَ يَدَهُ مِن يَدي ثُمَّ قالَ: اللّهُمَّ اغفِر لي وألحِقني بِالرَّفيقِ الأعلىٰ.

قالَت: فَكانَ هٰذا آخِرَ ما سَمِعتُ مِن كَلامِهِ ﷺ.[١]

١٩٣٥ . الإمام عليّ عليه السلام: مَن أصابَهُ أَلَمٌ في جَسَدِهِ فَليُعَوِّذ نَفسَهُ، وَليَقُل: «أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ عَلَى الأَشياءِ، أُعيذُ نَفسي بِجَبّارِ السَّماءِ، أُعيذُ نَفسي بِمَن لا يَضُرُّ مَعَ اسمِهِ داءٌ، أُعيذُ نَفسي بِالَّذِي اسمُهُ بَرَكَةٌ وشِفاءٌ»؛ فَإِنَّهُ إذا قالَ ذٰلِكَ لَم يَضُرَّهُ أَلَمٌ ولا داءٌ.[٢]

١٩٣٦ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن الحارث الأعور: شَكَوتُ إلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أَلَماً ووَجَعاً في جَسَدي، فَقالَ: إذَا اشتَكىٰ أحَدُكُم فَليَقُل: «بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ وآلِهِ، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ عَلىٰ ما يَشاءُ مِن شَرِّ ما أجِدُ»؛ فَإِنَّهُ إذا قالَ ذٰلِكَ، صَرَفَ اللهُ عَنهُ الأَذىٰ إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[٣]

١٩٣٧ . الإمام الباقر عليه السلام: مَنِ اشتَكىٰ رَأسَهُ فَليَمسَحهُ بِيَدِهِ، وَليَقُل: «أعوذُ بِاللهِ الَّذي سَكَنَ لَهُ ما فِي البَرِّ وَالبَحرِ، وما فِي السَّماواتِ وَالأَرضِ، وهُوَ السَّميعُ العَليمُ» سَبعَ مَرّاتٍ؛ فَإِنَّهُ يُرفَعُ عَنهُ الوَجَعُ.[٤]

١٩٣٨ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: شَكَوتُ إلَيهِ وَجَعاً في أُذُني، فَقالَ: ضَع يَدَكَ عَلَيهِ وقُل: «أعوذُ بِاللهِ الَّذي سَكَنَ لَهُ ما فِي البَرِّ وَالبَحرِ

---

١. سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٥١٧ ح ١٦١٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٩٦ ح ٢٤٢٣٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٤٤٢ ح ٣ و ج ٧ ص ٧٧ ح ١، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ٢١٠، كنز العمّال: ج ٧ ص ٢٦٦ ح ١٨٨٣٥.

٢. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٧ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٣ ح ١٢.

٣. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٣ ح ١٣.

٤. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٨ عن عبد الرحمٰن القصير، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٤ ح ١٤.

زمانی که حال پیامبرﷺ در بیماری منتهی به مرگش وخیم شد، من دست او را گرفتم و بر آن دست می‌کشیدم و این کلمات را می‌گفتم. ایشان دستش را از دست من کشید و فرمود: «بار خدایا! مرا بیامرز و به جمع بَرین (پیامبران) ملحقم فرما».

عایشه گفت: این، آخرین سخنی بود که از ایشان شنیدم.

۱۹۳۵. **امام علی**ؑ: هر کس به دردی در بدنش دچار شد، خود را تعویذ کند و بگوید: «به عزّت خدا و توانایی او بر موجودات، پناه می‌برم. خودم را در پناه پادشاه آسمان در می‌آورم. خودم را در پناه کسی در می‌آورم که با وجود نام او، هیچ دردی زیان نمی‌زند. خودم را در پناه کسی در می‌آورم که نامش برکت و بهبود است». هر گاه این را بگوید، هیچ درد و مرضی به او آسیب نمی‌زند.

۱۹۳۶. **طبّ الائمّة**ؑ، ابنا بسطام ـ به نقل از حارث اعور ـ: از ناراحتی و دردی که در بدنم داشتم، به امیر مؤمنان شکایت کردم. فرمود: هر گاه یکی از شما دردی داشت، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا، و صلوات خدا بر پیامبر خدا و آل او باد. به عزّت خدا و توانایی او بر آنچه بخواهد، پناه می‌برم از گزند آنچه احساس می‌کنم». چون این را گفت، خداوند رنج و گزند را از او دور می‌کند، ان شاء الله تعالی.

۱۹۳۷. **امام باقر**ؑ: هر کس سرش درد کرد، دستش را بر سر خود بگذارد و هفت بار بگوید: «پناه می‌برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای او آرام می‌گیرد، و او شنوای داناست». دردش برطرف می‌شود.

۱۹۳۸. **طبّ الائمة**ؑ، ابنا بسطام ـ به نقل از یونس بن ظبیان ـ: از دردی در گوش خود، به امام صادقؑ شکایت کردم. فرمود: دستت را بر آن بگذار و هفت بار بگو: «پناه می‌برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا و آسمان‌ها و زمین است، برای او

وَالسَّماواتِ وَالأَرضِ، وهُوَ السَّميعُ العَليمُ» سَبعَ مَرّاتٍ؛ فَإِنَّهُ يَبرَأُ بِإِذنِ اللهِ تَعالىٰ.[١]

١٩٤٩ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن حريز عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: ما مِن مُؤمِنٍ عادَ أخاهُ المُؤمِنَ ـ وهُوَ شاكٍ ـ فَقالَ لَهُ: «أُعيذُكَ بِاللهِ العَظيمِ، رَبِّ العَرشِ الكَريمِ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» فَكانَ في أجَلِهِ تَأخيرٌ، إلّا خَفَّفَ اللهُ عَنهُ.[٢]

١٩٥٠ . الكافي عن إبراهيم بن عبد الحميد عن رجل: دَخَلتُ عَلىٰ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فَشَكَوتُ إلَيهِ وَجَعاً بي، فَقالَ: قُل: «بِاسمِ اللهِ» ثُمَّ امسَح يَدَكَ عَلَيهِ وقُل: «أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَلالِ اللهِ، وأعوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَمعِ اللهِ، وأعوذُ بِرَسولِ اللهِ، وأعوذُ بِأسماءِ اللهِ، مِن شَرِّ ما أحذَرُ، ومِن شَرِّ ما أخافُ عَلىٰ نَفسي» تَقولُها سَبعَ مَرّاتٍ.

قالَ: فَفَعَلتُ فَأَذهَبَ اللهُ عزوجل بِها الوَجَعَ عَنّي.[٣]

١٩٥١ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن داوود الرقّي عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلتُ لَهُ: يَابنَ رَسولِ اللهِ، لا أزالُ أجِدُ في رَأسي شَكاةً، ورُبَّما أسهَرَتني وشَغَلَتني عَنِ الصَّلاةِ بِاللَّيلِ.

قالَ: يا داوود، إذا أحسَستَ بِشَيءٍ مِن ذٰلِكَ فَامسَح يَدَكَ عَلَيهِ، وقُل: «أعوذُ بِاللهِ، وأُعيذُ نَفسي مِن جَميعِ مَا اعتَراني بِاسمِ اللهِ العَظيمِ، وكَلِماتِهِ التّامّاتِ، الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، أُعيذُ نَفسي بِاللهِ عَزَّ وجَلَّ، وبِرَسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ الطّاهِرينَ الأَخيارِ، اللّٰهُمَّ بِحَقِّهِم عَلَيكَ، إلّا أجَرتَني مِن شَكاتي هٰذِهِ»؛ فَإِنَّها لا تَضُرُّكَ بَعدُ.[٤]

١٩٥٢ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن خالد العبسي: عَلَّمَني عَلِيُّ بنُ موسىٰ عليه السلام هٰذِهِ العوذَةَ، وقالَ:

---

١. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ٢٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٦٠ ح ٣١.

٢. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٣ ح ١٠.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٦٦ ح ٨، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤١ ح ٢٥٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٠ ح ٢.

٤. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٨، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٥٤ ح ١٧.

آرام می‌گیرد، و او شنوای داناست». پس به اذن خداوند بزرگ، بهبود می‌یابد.

۱۹۴۹. **طبّ الائمة**ﷺ، ابنا بسطام ـ به نقل از حریز از امام صادق از پدران بزرگوارش ﷺ ـ: هر مؤمنی که به دیدار برادر مؤمن بیمار و دردمندش برود و به او بگوید: «تو را در پناه خدای بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، در می‌آورم از گزند هر رگِ برآمده‌ای، و از گزند گرمای آتش»، اگر اجل او هنوز نرسیده باشد، خداوند بهبودش می‌بخشد.

۱۹۵۰. **الکافی** ـ به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید، از مردی ـ: خدمت امام صادقﷺ رسیدم و از دردی که داشتم، به ایشان شِکوه کردم. فرمود: بگو: «به نام خدا»، سپس دستت را بر آن [موضع درد] بگذار و بگو: «به عزّت خدا پناه می‌برم، به قدرت خدا پناه می‌برم، به شکوه خدا پناه می‌برم، به بزرگی خدا پناه می‌برم، به فراهم آوردن خدا پناه می‌برم، به پیامبر خدا پناه می‌برم و به نام‌های خدا پناه می‌برم، از گزند آنچه بیمناکم و از گزند آنچه بر جان خویش می‌هراسم». این جملات را هفت بار می‌گویی.

آن مرد گفت: من چنین کردم و خداوندﷻ به واسطهٔ این کلمات، درد را از من برد.

۱۹۵۱. **طبّ الأئمة**ﷺ، ابنا بسطام ـ به نقل از داود رقّی ـ: به امام کاظمﷺ گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! پیوسته سرم درد می‌کند و گاه شب‌ها [از درد] نمی‌خوابم و مرا از نماز شب باز می‌دارد.

فرمود: ای داوود! هر گاه احساس دردی کردی، دستت را بر آن بگذار و بگو: «به خدا پناه می‌برم. خودم را از هر آنچه به سراغم می‌آید، در پناه نام بزرگ خدا و کلمات تامّ او در می‌آورم؛ کلماتی که هر نیکوکار و بدکاری را در میان گرفته‌اند. خودم را در پناه خدایﷻ و پیامبر خدا ـ که درود خدا بر او و بر خاندان پاک و نیکش باد ـ در می‌آورم. بار خدایا! به حقّ ایشان بر خودت، مرا از این دردم در پناه خویش بگیر». دیگر آن درد، تو را آزار نخواهد داد.

۱۹۵۲. **طبّ الأئمة**ﷺ، ابنا بسطام ـ به نقل از خالد عبسی ـ: امام رضاﷺ این تعویذ را به من

عَلِّمها إخوانَكَ مِنَ المُؤمِنينَ؛ فَإِنَّها لِكُلِّ أَلَمٍ، وهِيَ: أُعيذُ نَفسي بِرَبِّ الأَرضِ ورَبِّ السَّماءِ، أُعيذُ نَفسي بِالَّذي لا يَضُرُّ مَعَ اسمِهِ داءٌ، أُعيذُ نَفسي بِالَّذِي اسمُهُ بَرَكَةٌ وشِفاءٌ.[١]

راجع: ص ٤٥٣ (مواطن الاستعاذة / تلك الحالات / المرض).

١٠ / ٣
دَفعُ شَرِّ الهَوامِّ والدَّوابِّ والسِّباعِ

١٩٥٣ . رسول الله ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ»[٢] لَم يَضُرَّهُ عَقرَبٌ حَتّىٰ يُمسِيَ. ومَن قالَها حينَ يُمسي لَم يَضُرَّهُ حَتّىٰ يُصبِحَ.[٣]

١٩٥٤ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وبَرَأَ وذَرَأَ» إلّا عُصِمَ مِن شَرِّ الثَّقَلَينِ الجِنِّ والإِنسِ، وإن لُدِغَ لَم يَضُرَّهُ شَيءٌ حَتّىٰ يُمسِيَ، وإن قالَها حينَ يُمسِي كانَ كَذٰلِكَ حَتّىٰ يُصبِحَ.[٤]

١٩٥٥ . عنه ﷺ ـ لِعَلِيٍّ عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ، إذا رَأَيتَ أَسَداً واشتَدَّ بِكَ الأَمرُ، فَكَبِّر ثَلاثاً وقُل: اللهُ أكبَرُ وأجَلُّ وأعظَمُ مِن كُلِّ شَيءٍ، وأكبَرُ وأعَزُّ مِن خَلقِهِ وأقدَرُ، أعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ.[٥]

١٩٥٦ . عنه ﷺ: مَن نَزَلَ مَنزِلاً يَتَخَوَّفُ فيهِ السَّبُعَ، فَقالَ: «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، اللّٰهُمَّ إنّي عوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ» إلّا أمِنَ مِن شَرِّ ذٰلِكَ السَّبُعِ حَتّىٰ يَرحَلَ مِن ذٰلِكَ المَنزِلِ،

---

١ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ٤١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٨ ح ٥.

٢ . زاد في كنز العمّال وبعض نسخ المصدر: «ثلاث مرّات».

٣ . مسند أبي حنيفة لأبي نعيم الأصبهاني: ص ٢٥٧، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٦٧ ح ٣٦٠٠ نقلاً عن الكامل لابن عدي والإبانة لأبي نصر السجزي وكلاهما عن أبي هريرة.

٤ . كنز العمّال: ج ٢ ص ١٦٥ ح ٣٥٩٣ نقلاً عن أبي الشيخ عن عبد الرحمٰن بن عوف.

٥ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٢ ح ٢٣٧٣ عن الإمام عليّ عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٤٠٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ٩؛ الفردوس: ج ٥ ص ٣٢٦ ح ٨٣٢٩ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه ﷺ.

آموخت و فرمود: آن را به برادران مؤمنت هم بیاموز؛ زیرا شفای هر دردی است. آن تعویذ، این است: «خویشتن را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان در می‌آورم. خویشتن را در پناه کسی در می‌آورم که با وجود نام او، هیچ دردی زیان نمی‌زند. خویشتن را در پناه کسی در می‌آورم که نامش برکت و شفاست».

ر.ک: ص ۴۵۵ (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری).

۱۰ / ۳
دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان

۱۹۵۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که صبحْ هنگام بگوید: «به کلمات تامّ خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه آفریده است»، تا شب، کژدم او را نیش نمی‌زند، و هر کس که شبانگاه این جمله را بگوید، تا صبح کژدم به او گزندی نمی‌رساند.

۱۹۵۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس که صبحْ هنگام بگوید: «به کلمات تامّ خدا ـ که هیچ نیکوکار و بدکاری، از آنها خارج نیست ـ پناه می‌برم از شرّ آنچه آفرید و ساخت و پدید آورد»، تا شب از شرّ دو جماعت جنّ و انس مصون می‌ماند و اگر نیش زده شود، آسیبی به او نمی‌رسد. چنانچه هنگام شب این جملات را بگوید، تا صبح به همین سان [در امان] خواهد بود.

۱۹۵۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به علیؑ ـ: ای علی! هر گاه به شیری برخوردی و کار بر تو دشوار آمد، سه تکبیر بگو و بگو: «خدا بزرگ‌تر و بشکوه‌تر و با عظمت‌تر از هر چیز است، و بزرگ‌تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می‌برم از شرّ آنچه می‌ترسم و حذر می‌کنم».

۱۹۵۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس در منزلگاهی فرود آید که در آن‌جا بیم درنده داشته باشد و بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست. یگانه است و بی‌انباز. پادشاهی از آنِ اوست و ستایش اوراست. خوبی، همه در دست اوست و او بر هر چیز تواناست. بار خدایا! من از گزند هر درنده‌ای به تو پناه می‌آورم»، به خواست خدای بزرگ، از گزند آن درنده در امان می‌ماند تا وقتی

إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[١]

١٩٥٧ . صحيح مسلم عن أبي هريرة: جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقالَ: يا رَسولَ اللهِ، ما لَقيتُ مِن عَقرَبٍ لَدَغَتني البارِحَةَ!

قالَ ﷺ: أما لَو قُلتَ حينَ أمسَيتَ: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ» لَم تَضُرَّكَ.[٢]

١٩٥٨ . الإمام عليّ ﷺ: إذا لَقيتَ السَّبُعَ فَقُل: أعوذُ بِرَبِّ دانيالَ[٣] وَالجُبِّ، مِن شَرِّ كُلِّ أسَدٍ مُستَأسِدٍ[٤].[٥]

١٩٥٩ . الإمام الصادق ﷺ: أتىٰ رَسولَ اللهِ ﷺ قَومٌ يَشكونَ العَقارِبَ وما يَلقَونَ مِنها، فَقالَ: قولوا إذا أصبَحتُم وإذا أمسَيتُم: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ كُلِّها، الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، الَّذي لا يُخفَرُ[٦] جارُهُ، مِن شَرِّ ما ذَرَأَ، ومِن شَرِّ ما بَرَأَ، ومِن شَرِّ الشَّيطانِ وشَرَكِهِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ

---

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٩٤ ح ٢٥٠٠، المحاسن: ج ٢ ص ١١٦ ح ١٣٢٠ عن عمر بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، الفقه المنسوب للإمام الرضا ﷺ: ص ٤٠٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٧ ح ٣٨.

٢ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨١ ح ٥٥، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١١٦٢ ح ٣٥١٨ نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٥٢ ح ١٠٤٢٣، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٩٨ ح ١٠٢٠، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٥٧ ح ٣٥٦١ و ٣٥٦٢.

٣ . كان دانيال محبوساً في الجُبّ في زمن بُخت نُصّر، وطرحت معه السّباع فلم تدنُ منه (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٤٤٠).

٤ . يُقال: أسِدَ واستأسَدَ إذا اجترأ (النهاية: ج ١ ص ٤٨ «أسد»).

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٥٧١ ح ٩، عدّة الداعي: ص ٢٦٣ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق ﷺ، المحاسن ج ٢ ص ١١٧ ح ١٣٢٢ عن ثوير بن أبي فاختة عن أبيه، الأمان: ص ١٣٠ عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٧٨ ح ٢١؛ كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٥٦ ح ٤٩٩٧ نقلاً عن الخرائطي نحوه.

٦ . خَفَرتُ الرجُلَ: إذا كنت له خفيراً؛ أي حامياً وكفيلاً. والخُفارَة: الذِّمام. وأخفَرتُ الرجُلَ: إذا نقضت عهده وذمامه؛ والهمزة فيه للإزالة، أي أزلت خفارته (النهاية: ج ٢ ص ٥٢ «خفر»).

از آن منزلگاه کوچ کند.

۱۹۵۷ . صحیح مسلم ـ به نقل از ابو هُرَیره ـ: مردی نزد پیامبرﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دیشب کژدمی مرا نیش زد و بیچاره‌ام کرد!

پیامبر خدا فرمود: اگر زمانی که شب را آغاز کردی، گفته بودی: «به کلمات تامّ خدا پناه می‌برم از گزند آنچه آفریده است»، به تو گزندی نمی‌زد.

۱۹۵۸ . امام علیؑ: هر گاه به درنده‌ای برخوردی، بگو: «به خداوند دانیال و چاه،[1] پناه می‌برم از گزند هر شیر ژیانی».

۱۹۵۹ . امام صادقؑ: عدّه‌ای نزد پیامبر خدا آمدند و از گزند رسانیِ کژدم‌ها به خود، شکایت کردند. ایشان فرمود: هر صبح و شام، هفت مرتبه بگویید: «به همهٔ کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطهٔ آنها برون نیست، خدایی که هر کس به او پناه ببرد، امانش باطل شدنی نیست، پناه می‌برم از گزند آنچه آفرید، و از شرّ آنچه پدید آورد، و از شرّ شیطان و دام‌های او، و از شرّ هر جنبنده‌ای که مهار آن در دست خداست. راستی که پروردگار من، بر

---

۱ . بُختُ نصّر برای از بین بردن جناب دانیال، دستور داد که او را در چاه شیران افکندند؛ امّا شیرها به او نزدیک نشدند.

مُستَقيمٍ» سَبعَ مَرّاتٍ.[١]

١٩٦٠ . الإمام الباقر عليه السلام: عَوِّذ نَفسَكَ مِنَ الهَوامِّ بِهٰذِهِ الكَلِماتِ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، أعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ عَلىٰ ما يَشاءُ، مِن شَرِّ كُلِّ هامَّةٍ تَدُبُّ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[٢]

١٩٦١ . عنه عليه السلام: مَن قالَ هٰذِهِ الكَلِماتِ، فَأَنَا ضامِنٌ أَلّا يُصيبَهُ عَقرَبٌ ولا هامَّةٌ حَتّىٰ يُصبِحَ: أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، مِن شَرِّ ما ذَرَأَ، ومِن شَرِّ ما بَرَأَ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[٣]

١٩٦٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمّا أُسرِيَ بي إلَى السَّماءِ فَانتَهَيتُ إلَى السَّماءِ السّابِعَةِ... نوديتُ: يا مُحَمَّدُ... ومَن خافَ شَيئاً مِمّا فِي الأَرضِ مِن سَبُعٍ أو هامَّةٍ، فَليَقُل فِي المَكانِ الَّذي يَخافُ ذٰلِكَ فيهِ: «يا ذارِئَ ما فِي الأَرضِ كُلِّها بِعِلمِهِ، بِعِلمِكَ يَكونُ ما يَكونُ مِمّا ذَرَأتَ، لَكَ السُّلطانُ عَلىٰ ما ذَرَأتَ، ولَكَ السُّلطانُ القاهِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ دونَكَ، يا عَزيزُ يا مَنيعُ، إنّي أعوذُ بِكَ وبِقُدرَتِكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ، مِن كُلِّ شَيءٍ يَضُرُّ، مِن سَبُعٍ أو هامَّةٍ أو عارِضٍ مِن سائِرِ الدَّوابِّ، يا خالِقَها بِفِطرَتِهِ ادرَأها عَنّي، وَاحجُزها ولا تُسَلِّطها عَلَيَّ، وعافِني مِن شَرِّها وبَأسِها، يا اللهُ ذَا العِلمِ العَظيمِ، حُطني بِحِفظِكَ مِن مَخاوِفي يا رَحيمُ»، فَإِنَّهُ إذا قالَ ذٰلِكَ، لَم تَضُرَّهُ دَوابُّ

---

١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٨٣ ح ٢٦٤٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٦ ح ١٦؛ تاريخ دمشق: ج ٥٠ ص ١٦٦ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

٢ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١١٩ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٣ ح ١١.

٣ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٧ ح ٤٣٩، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧١ ح ١٣٥٧ كلاهما عن سعد الإسكاف، الكافي: ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٧ عن سعد الإسكاف مضمراً، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٧ ح ٢١١١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤٤ ح ١٥.

راهی راست است».

۱۹۶۰. **امام باقر**ﷺ: خودت را از گزندگان، در پناه این کلمات درآور: «به نام خدای مهر گستر مهربان. به نام خدا و به یاری خدا. محمّد فرستادهٔ خداست. به عزّت خدا پناه می‌برم، به تواناییِ خدا بر هر چیز که بخواهد، پناه می‌برم از گزند هر گزنده‌ای که در شب و روز می‌خزد. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

۱۹۶۱. **امام باقر**ﷺ: هر کس این جملات را بگوید، من تضمین می‌دهم که دیگر هیچ گزدم و گزنده‌ای تا صبح، به او آسیبی نرساند: «به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطهٔ آنها بیرون نیست، پناه می‌برم از گزند آنچه آفرید و از گزند آنچه پدید آورد، و از گزند هر جنبنده‌ای که مهار آن در دست خداست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

۱۹۶۲. **پیامبر خدا**ﷺ: شبی که به آسمان برده شدم، چون به آسمان هفتم رسیدم... ندا آمد که: ای محمّد!... هر کس که از آنچه در روی زمین است، از درنده و خزنده، می‌ترسد، در آن مکانی که بیمِ بودنِ آن چیز را دارد، بگوید: «ای آن‌که آنچه را در سرتاسر زمین است، به علم خویش پدید آورد! همهٔ موجوداتی که آفریده‌ای، به علم تو پدید آمده‌اند. تو بر آنچه پدید آورده‌ای، تسلّط داری. تو را بر هر آنچه غیر توست، تسلّطی قهرآمیز است. ای چیرگی‌ناپذیر، ای مغلوب ناشدنی! به تو و به تواناییِ تو بر هر چیز، پناه می‌برم از هر چیزی که آسیب می‌رساند، از درنده و گزنده و دیگر جانوران مهاجم. ای خدایی که با آفرینندگیِ خویش، این موجودات را آفریده‌ای! آنها را از من دور بدار و مانعشان شو و بر من مسلّطشان مگردان، و مرا از گزند و آسیب آنها به سلامت دار. ای خدا، ای صاحب علم شگرف! به نگهداریِ خود، مرا از آنچه می‌ترسم، محافظت فرما، ای مهربان!». هر گاه این جملات را بگوید، جانوران مرئی و نامرئیِ زمین به او گزندی

الأَرضِ الَّتي تُرىٰ وَالَّتي لا تُرىٰ.[١]

١١ / ٣
دَفعُ الفَزَعِ وَالأَرَقِ

١٩٦٣ . المعجم الأوسط عن خالد بن الوليد: كُنتُ أفزَعُ بِاللَّيلِ، فَأَتَيتُ النَّبِيَّ ﷺ فَقُلتُ: إنّي أفزَعُ بِاللَّيلِ، فَآخُذُ سَيفي فَلا أَلقىٰ شَيئاً إلّا ضَرَبتُهُ بِسَيفي.

فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: ألا أُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ عَلَّمَنِي الرّوحُ الأَمينُ. فَقُلتُ: بَلىٰ.

فَقالَ: قُل: أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ فِتَنِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، ومِن كُلِّ طارِقٍ، إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ، يا رَحمٰنُ.[٢]

١٩٦٤ . رسول الله ﷺ: إذا فَزِعَ أحَدُكُم فِي النَّومِ فَليَقُل: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، مِن غَضَبِهِ وعِقابِهِ وشَرِّ عِبادِهِ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ وأن يَحضُرونِ» فَإِنَّها لَن تَضُرَّهُ.[٣]

١٩٦٥ . طبُّ الأئمّة لابني بسطام عن الحلبي: قالَ رَجُلٌ لِأَبي عَبدِ اللهِ الصّادِقِ ﷺ: إنّي إذا خَلَوتُ بِنَفسي تَداخَلَني وَحشَةٌ وهَمٌّ، وإذا خالَطتُ النّاسَ لا أُحِسُّ بِشَيءٍ مِن ذٰلِكَ.

فَقالَ: ضَع يَدَكَ عَلىٰ فُؤادِكَ وقُل: «بِاسمِ اللهِ، بِاسمِ اللهِ، بِاسمِ اللهِ» ثُمَّ امسَح يَدَكَ

---

١. البلد الأمين: ص ٥٠٤ ـ ٥٠٧ عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ ﷺ، المصباح للكفعمي: ص ٢٥٥، الأمان: ص ١٣٧ نحوه وكلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣١١ ح ١.

٢. المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٣١٥ ح ٥٤١٥، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١١٥ ح ٣٨٣٨، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٤٤٩ ح ٢، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ١١ ص ٣٥ ح ١٩٨٣١ كلّها نحوه.

٣. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٤١ ح ٣٥٢٨، سنن أبي داوود: ج ٤ ص ١٢ ح ٣٨٩٣ وليس فيه ذيله، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٩١ ح ١٠٦٠١، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٦٠٠ ح ٦٧٠٨، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٣٣ ح ٢٠١٠ والثلاثة الأخيرة نحوه وكلّها عن شعيب عن أبيه، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٦٥ ح ٤١٣٩٧؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٥ ح ٢١٠٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢.

نخواهند رساند.

۱۱/۳
رفع ترس و بی‌خوابی

۱۹۶۳. **المعجم الاوسط** ـ به نقل از خالد بن ولید ـ: من شب‌ها می‌ترسیدم. خدمت پیامبرﷺ رفتم و گفتم: من شب‌ها می‌ترسم. لذا شمشیرم را بر می‌دارم و به هر چه بر می‌خورم، آن را با شمشیرم می‌زنم.

پیامبر خدا فرمود: «آیا کلماتی را که جبرئیلؑ به من آموخت، به تو نیاموزم؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «بگو: به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطهٔ آن برون نیست، پناه می‌برم از شرّ آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه در آسمان بالا می‌رود، و از شرّ بلاهای شب و روز و از هر وارد شونده‌ای در شب، مگر وارد شونده‌ای که به خیر و خوبی وارد شود، ای مهر گستر!».

۱۹۶۴. **پیامبر خداﷺ**: هرگاه کسی از شما در خواب ترسید، بگوید: «به کلمات تامّ خدا پناه می‌برم از خشم و کیفر او و از شرّ بندگانش، و از وسوسه‌های شیاطین و از این که نزد من آیند». با گفتن این جملات، هرگز به او گزندی نخواهند زد.

۱۹۶۵. **طبّ الائمّهؑ**، ابنا بسطام ـ به نقل از حلبی ـ: مردی به امام صادقؑ گفت: وقتی تنها می‌شوم، وحشت و اندوه مرا فرا می‌گیرد، ولی هرگاه در میان مردم هستم، چنین حالاتی به من دست نمی‌دهد.

امام صادقؑ فرمود: دستت را روی قلبت بگذار و بگو: «به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا». سپس دستت را بر سینه‌ات بکش و بگو: «پناه می‌برم به

عَلىٰ فُؤادِكَ وقُل: «أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَلالِ اللهِ، وأعوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَمعِ اللهِ، وأعوذُ بِرَسولِ اللهِ، وأعوذُ بِأسماءِ اللهِ، مِن شَرِّ ما أحذَرُ، ومِن شَرِّ ما أخافُ عَلىٰ نَفسي» تَقولُ ذٰلِكَ سَبعَ مَرّاتٍ.

قالَ: فَفَعَلتُ ذٰلِكَ، فَأَذهَبَ اللهُ عَنّي الوَحشَةَ، وأبدَلَني الأُنسَ وَالأَمنَ.[1]

١٢ / ٣
دَفعُ شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ

١٩٦٦ . المعجم الأوسط عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: أمسَينا وأمسَى المُلكُ لِلّهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ، أعوذُ بِاللهِ الَّذي يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ» مَن قالَهُنَّ عُصِمَ مِن كُلِّ ساحِرٍ، وكاهِنٍ، وشَيطانٍ، وحاسِدٍ.[2]

١٩٦٧ . عدّة الداعي: رُوِيَ عَنِ ابنِ الدَّرداءِ أنَّهُ قيلَ لَهُ ذاتَ يَومٍ: احتَرَقَت دارُكَ، فَقالَ: لَم تُحرَق. فَجاءَهُ مُخبِرٌ آخَرُ فَقالَ: اِحتَرَقَت دارُكَ، فَقالَ: لَم تُحرَق. فَجاءَهُ ثالِثٌ فَأَجابَهُ بِذٰلِكَ، ثُمَّ انكَشَفَ الأَمرُ عَنِ احتِراقِ جَميعِ ما حَولَها سِواها! فَقيلَ لَهُ: بِما عَلِمتَ بِذٰلِكَ؟ قالَ: سَمِعتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقولُ: مَن قالَ هٰذِهِ الكَلِماتِ صَبيحَةَ يَومِهِ لَم يُصِبهُ سوءٌ فيهِ، ومَن قالَها في مَساءِ لَيلَتِهِ لَم يُصِبهُ سوءٌ فيها، وقَد قُلتُها، وهِيَ هٰذِهِ:

اللّٰهُمَّ أنتَ رَبّي لا إلٰهَ إلّا أنتَ، عَلَيكَ تَوَكَّلتُ وأنتَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، ما شاءَ اللهُ كانَ وما لَم يَشَأ لَم يَكُن، أعلَمُ أنَّ اللهَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، وأنَّ اللهَ قَد أحاطَ بِكُلِّ شَيءٍ عِلماً، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ

---

١. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١١٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٨ ح ٢.

٢. المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣١٠ ح ٤٢٩١، الدعاء للطبراني: ص ١٢٩ ح ٣٤٤، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٦١ ح ٣٥٨٠.

عزّت خدا، پناه می‌برم به قدرت خدا، پناه می‌برم به شکوه خدا، پناه می‌برم به بزرگیِ خدا، پناه می‌برم به تمامی خدا، پناه می‌برم به پیامبر خدا، پناه می‌برم به نام‌های خدا از شرّ آنچه بیمناکم، و از شرّ آنچه بر خویش می‌هراسم». هفت مرتبه این جملات را می‌گویی.

آن مرد گفت: من چنین کردم. پس خداوند، وحشت را از من برد و به جای آن، احساس آرامش و امنیت به من بخشید.

۱۲/۳
دفع گزند هر گزند رسانی

۱۹۶۶ . **المعجم الاوسط** ـ به نقل از عمرو بن شعیب، از پدرش از جدّش ـ: پیامبر خدا فرمود: «شب خود را در حالی آغاز کردیم که پادشاهی، از آنِ خداست و ستایش، از آنِ خدا به خدایی که آسمان را باز می‌دارد از این‌که بر زمین فرو افتد مگر به اذن خود او، پناه می‌برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است». هر کس این را بگوید، از هر جادوگر و پیشگو و اهریمن و حسودی، ایمن نگه داشته می‌شود.

۱۹۶۷ . **عدّة الداعی**: از ابن دردا روایت‌شده است که روزی به او گفته شد: خانه‌ات سوخت.

او گفت: نسوخت.

کسی دیگر خبر آورد و گفت: خانه‌ات سوخت. او گفت: نسوخت. سومی آمد و او همین پاسخ را به او داد. بعد معلوم شد که هر چه پیرامون خانهٔ او بوده، سوخته است بجز خانهٔ او! از او پرسیدند: از کجا این را دانستی؟ گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «هر کس صبح هر روزی این کلمات را بگوید، در آن روز به او گزندی نمی‌رسد و هر کس شامگاه هر روزی آنها را بگوید، در آن شب گزندی به او نمی‌رسد» و من آنها را [آن روز] گفته بودم. آن کلمات اینهاست:

«بار خدایا! تویی پروردگار من. معبودی جز تو نیست. بر تو توکّل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی. هیچ نیرو و توانی نیست جز به مدد خدای والا و بزرگ.

نَفسي، ومِن شَرِّ قَضاءِ السّوءِ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[١]

١٩٦٨ . الإمام الباقر عليه السلام: مَن قالَ إذا أصبَحَ: «اللّٰهُمَّ إنّي أصبَحتُ في ذِمَّتِكَ وجِوارِكَ، اللّٰهُمَّ إنّي أستَودِعُكَ ديني ونَفسي ودُنيايَ وآخِرَتي وأهلي ومالي، وأعوذُ بِكَ يا عَظيمُ مِن شَرِّ خَلقِكَ جَميعاً، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما يُبلِسُ[٢] بِهِ إبليسُ وجُنودُهُ»، إذا قالَ هٰذَا الكَلامَ، لَم يَضُرَّهُ يَومَهُ ذٰلِكَ شَيءٌ، وإذا أمسىٰ فَقالَهُ، لَم يَضُرَّهُ تِلكَ اللَّيلَةَ شَيءٌ إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[٣]

١٣ / ٣
النَّجاةُ مِنَ النّارِ

١٩٦٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقولُ اللهُ تَعالىٰ: اُنظُروا في ديوانِ عَبدي، فَمَن رَأَيتُموهُ سَأَلَني الجَنَّةَ أعطَيتُهُ، ومَنِ استَعاذَني مِنَ النّارِ أعَذتُهُ.[٤]

١٩٧٠ . عنه صلى الله عليه وآله: ما مِن عَبدٍ يَقولُ كُلَّ يَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ: «أسأَلُ اللهَ الجَنَّةَ وأعوذُ بِهِ مِنَ النّارِ» إلّا قالَتِ النّارُ: يا رَبِّ أعِذهُ مِنّي.[٥]

راجع: ص ٣٨٣ (ما ينبغي الاستعاذة منه / عذاب النار).

---

١. عدّة الداعي: ص ٢٥٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٧ ح ١٥٨؛ تاريخ دمشق: ج ٣٧ ص ٤ ح ٧٤١٣ و ج ٦٤ ص ١١٩ ح ١٣٠٧٠ كلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٣٨ ح ٤٩٦٠.

٢. الإبلاس: الحَيرَة، يقال: أبلَسَ يُبلِسُ: إذا تحيَّرَ (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٤ «بلس»).

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٢٨ ح ١٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٤ ح ٥٥.

٤. حلية الأولياء: ج ٦ ص ١٧٥ و ص ٢٢٦ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٩ ح ٣١٦٤.

٥. الدعوات: ص ٣٩ ح ٩٦ عن ربيعة بن كعب، الأمالي للصدوق: ص ١٥٨ ح ١٥٣ عن زيد الشحّام عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٣٥٧ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٧ ح ٥.

آنچه خدا خواست، همان می‌شود و آنچه نخواست، نمی‌شود. می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست و خدا به هر چیزی علم دارد. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شرّ خودم، و از شرّ قضای بد، و از شرّ هر اهل شرّی، و از شرّ جنّ و اِنس، و از شرّ هر جنبنده‌ای که مهار آن در دست توست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

۱۹۶۸ . **امام باقر**ﷺ: هر کس که صبحْ هنگام بگوید: «بار خدایا! در زنهار و پناه تو، صبح خویش را می‌آغازم. بار خدایا! دینم و خودم و دنیایم و آخرتم و خانواده‌ام و اموالم را به تو سپردم. به تو پناه می‌آورم ـ ای بزرگ! ـ از گزند همهٔ آفریدگانت، و به تو پناه می‌آورم از گزند هر آنچه ابلیس و لشکریانش وسوسه می‌کنند»، هر گاه این کلمات را بگوید، در آن روز، هیچ چیز به او گزندی نمی‌رساند و چنانچه در آغاز شب این کلمات را بگوید، در آن شب، هیچ چیز به او آسیبی نخواهد رساند، إن شاء الله.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۳ / ۳
رهیدن از آتش

۱۹۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: خدای تعالی می‌فرماید: «در دفتر بنده‌ام بنگرید. پس هر کس را دیدید که بهشت را از من تقاضا کرده است، آن را به او می‌دهم و هر کس که از آتش به من پناه آورده باشد، او را پناه می‌دهم».

۱۹۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که روزی هفت بار بگوید: «بهشت را از خدا می‌خواهم و از آتش به او پناه می‌برم»، مگر آن که آتش می‌گوید: ای پروردگار من! او را از من در پناه خویش در آور.

ر.ک: ص ۳۸۵ (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / عذاب آتش).

الفصل الرابع

ما ينبغي الاستعاذة منه

١/٤

الشيطان

الكتاب

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.[١]

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ﴾.[٢]

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾.[٣]

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾.[٤]

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ

---

١. فصّلت: ٣٦.

٢. المؤمنون: ٩٧ و ٩٨.

٣. الأعراف: ٢٠٠ و ٢٠١.

٤. النحل: ٩٨ و ٩٩.

فصل چهارم

چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد

۱/۴
شیطان

قرآن

﴿و اگر وسوسه‌ای از جانب شیطان تو را جنباند، پس به خدا پناه ببر که اوست شنوای دانا﴾.

﴿و بگو: ای پروردگار من! از وسوسه‌های شیطان، به تو پناه می‌برم. و به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من! ـ از این که به نزد من حاضر شوند﴾.

﴿و اگر وسوسه‌ای از جانب شیطان تو را جنباند پس به خدا پناه ببر که او شنوای داناست. آنان که پرهیزگارند، هر گاه وسوسه‌ای از سوی شیطان به ایشان رسد، متذکّر [ـِ خدا] می‌شوند و ناگاه، بینا می‌گردند﴾.

﴿پس هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه ببر. [زیرا] او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، تسلّطی نیست﴾.

﴿آن گاه که زن عمران گفت: «ای پروردگارم! من آنچه را در شکم خود دارم، نذر تو کردم تا آزاد شده باشد. پس، از من بپذیر که تو شنوای دانایی». پس که فرزندش را بزاد، گفت: «ای پروردگارم! من دختر زاده‌ام ـ و خدا به آنچه او زایید، داناتر بود ـ و پسر چون دختر نیست،

كَالْأُنثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.[١]

الحديث

١٩٧١ . تفسير القمّي ـ في قَولِهِ تَعالىٰ: ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ﴾ ـ: قالَ: ما يَقَعُ في قَلبِكَ مِن وَسوَسَةِ الشَّياطينِ.[٢]

١٩٧٢ . رسول اللهﷺ: لا تَسُبُّوا الشَّيطانَ، وتَعَوَّذوا بِاللهِ مِن شَرِّهِ.[٣]

١٩٧٣ . عنهﷺ: إنَّ أزهَدَ النّاسِ فِي العالِمِ أهلُهُ حَتّىٰ يُفارِقَهُم، وإنَّهُ يَشفَعُ في أهلِهِ وجيرانِهِ، فَإذا ماتَ خَلا عَنهُم مِن مَرَدَةِ[٤] الشَّياطينِ أكثَرُ مِن عَدَدِ رَبيعَةَ ومُضَرَ، قَد كانوا مُشتَغِلينَ بِهِ، فَأكثِرُوا التَّعَوُّذَ بِاللهِ مِنهُم.[٥]

١٩٧٤ . سنن أبي داوود عن أبي سعيد الخدري: كانَ رَسولُ اللهِﷺ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ كَبَّرَ ثُمَّ يَقولُ: ... أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ ونَفثِهِ.[٦]

١٩٧٥ . مسند ابن حنبل عن أبي أُمامة الباهلي: كانَ رَسولُ اللهِﷺ إذا دَخَلَ فِي الصَّلاةِ مِنَ اللَّيلِ كَبَّرَ ثَلاثاً، وسَبَّحَ ثَلاثاً، وهَلَّلَ ثَلاثاً، ثُمَّ يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ وشِركِهِ.[٧]

---

١. آل عمران: ٣٥ و ٣٦.

٢. تفسير القمّي: ج ٢ ص ٩٣، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٢٧ ح ١١٣.

٣. الفردوس: ج ٥ ص ١١ ح ٧٢٩٠ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٤ ح ٢١٢٠.

٤. المارد من شياطين الجنّ والإنس: المتعرّي من الخيرات، من قولهم: شجر أمرد: إذا تعرّى من الورق (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٦٤ «مرد»).

٥. الدرّ المنثور: ج ٦ ص ٣٢٩ نقلاً عن ابن مردويه وابن عساكر والديلمي عن عبد الواحد الدمشقي عن أبي الدرداء.

٦. سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٠٦ ح ٧٧٥، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٩ ح ٢٤٢، سنن الدارمي: ج ١ ص ٢٩٩ ح ١٢١٩، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٤٦٧، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٣٧٦٦.

٧. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٧ ح ٢٢٢٣٩، تاريخ دمشق: ج ٦٨ ص ١٢١ ح ١٣٦٧٦، كنز العمّال: ج ٨ ص ٤٠١ ح ٢٣٤٣٩.

و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده، به تو پناه می‌دهم»﴾.

حدیث

۱۹۷۱ . **تفسیر القمّی** ـ در بارهٔ این سخن خدای تعالی: ﴿و بگو: ای پروردگار من! از هَمَزات شیاطین، به تو پناه می‌برم﴾ ـ: امام﵇[1] فرمود: یعنی وسوسه‌های شیطان که در دل تو می‌افتد.

۱۹۷۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: شیطان را دشنام ندهید؛ بلکه از شرّ او به خدا پناه ببرید.

۱۹۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بی‌اعتناترینِ مردم به دانشمند (دین شناس)، خانوادهٔ او هستند، تا آن گاه که از میان آنها برود. او برای خانواده و همسایگانش شفاعت می‌کند. پس هرگاه بمیرد، شیاطین سرکش ـ که شمارشان بیش از شمار [دو قبیلهٔ] مُضَر و ربیعه است و سرگرم [تلاش برای گمراهی] او بودند ـ به سراغ خانواده و همسایگانش می‌روند. پس تا می‌توانید، از آنها به خدا پناه ببرید.

۱۹۷۴ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از ابو سعید خُدری ـ: پیامبر خدا هر گاه شب [برای عبادت] بر می‌خاست، تکبیر می‌گفت. سپس می‌گفت: «پناه می‌برم به خداوند شنوای دانا، از وسوسه و دمیدن و اغواگریِ شیطانِ رانده شده».

۱۹۷۵ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو اُمامهٔ باهلی ـ: پیامبر خدا هر گاه به نماز شب می‌ایستاد، سه تکبیر و سه سبحان الله و سه لا إله إلّا الله می‌گفت، سپس می‌گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شیطانِ رانده شده، از وسوسهٔ او و دمیدنش و شریک شدنش».

---

۱. در مصدر، به نام امام، تصریح نشده است.

١٩٧٦ . رسول الله ﷺ: يَأتِي الشَّيطانُ أحَدَكُم فَيَقولُ: مَن خَلَقَ كَذا؟ مَن خَلَقَ كَذا؟ حَتّىٰ يَقولَ: مَن خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإذا بَلَغَهُ، فَليَستَعِذ بِاللهِ وَلينتَهِ.[١]

١٩٧٧ . عنه ﷺ: يوشِكُ النّاسُ أن يَتَساءَلوا بَينَهُم، حَتّىٰ يَقولَ قائِلُهُم: هٰذَا اللهُ خَلَقَ الخَلقَ، فَمَن خَلَقَ اللهَ؟ فَإذا قالوا ذٰلِكَ فَقولوا: ﴿اَللَّهُ أَحَدٌ * اَللَّهُ اَلصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾[٢]، ثُمَّ لِيَتفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثاً، وَليَستَعِذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ.[٣]

١٩٧٨ . عنه ﷺ: إنَّ لِلشَّيطانِ لَمَّةً[٤] بِابنِ آدَمَ، وَلِلمَلَكِ لَمَّةً؛ فَأمّا لَمَّةُ الشَّيطانِ فَإيعادٌ بِالشَّرِّ وتَكذيبٌ بِالحَقِّ، وأمّا لَمَّةُ المَلَكِ فَإيعادٌ بِالخَيرِ وتَصديقٌ بِالحَقِّ، فَمَن وَجَدَ ذٰلِكَ فَليَعلَم أنَّهُ مِنَ اللهِ، فَليَحمَدِ اللهَ، ومَن وَجَدَ الأُخرىٰ، فَليَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٥]

١٩٧٩ . الإمام علي ﷺ: قُلنا: يا رَسولَ اللهِ، الرَّجُلُ مِنّا يَصومُ ويُصَلّي فَيَأتيهِ الشَّيطانُ، فَيَقولُ: إنَّكَ مُراءٍ!

فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: فَليَقُل أحَدُكُم عِندَ ذٰلِكَ: أعوذُ بِكَ أن أُشرِكَ بِكَ شَيئاً وأنَا أعلَمُ، وأستَغفِرُكَ لِما لا أعلَمُ.[٦]

---

١. صحيح البخاري: ج ٣ ص ١١٩٤ ح ٣١٠٢، صحيح مسلم: ج ١ ص ١٢٠ ح ٢١٤، الدعاء للطبراني: ص ٣٧٩ ح ١٢٦٥، السنّة لابن أبي عاصم: ص ٢٩٤ ح ٦٥١ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٢٣٥؛ بحار الأنوار: ج ٥٨ ص ٣٢٥.

٢. الإخلاص: ١ ـ ٤.

٣. السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٧٠ ح ١٠٤٩٧، سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٣١ ح ٤٧٢٢ نحوه وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٢٣٦ وراجع صحيح مسلم: ج ١ ص ١١٩ ح ٢١٢.

٤. اللَّمَّةُ: الهمّةُ والخطرةُ تقعُ في القلب (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٣ «لمم»).

٥. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢١٩ ح ٢٩٨٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣٠٥ ح ١١٠٥١، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٩٩٧، المعجم الكبير: ج ٩ ص ١٠١ ح ٨٥٣٢ نحوه، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ١٩ ح ٤٩٧٨ كلّها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمّال: ج ١ ص ٢٤٦ ح ١٢٤٠.

٦. النوادر للراوندي: ص ٢٣٨ ح ٤٨٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، الجعفريّات: ص ٥٢ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عنهم ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣٠٣ ح ٤٨.

۱۹۷۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: شیطان نزد یکی از شما می‌آید و [وسوسه کنان] می‌گوید: «فلان چیز را که آفرید؟ همان چیز را که آفرید؟». تا این که می‌گوید: «پروردگارت را چه کسی آفرید؟». هر گاه به این جا رسید، [آن شخص] به خدا پناه ببرد و دیگر ادامه ندهد.

۱۹۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: به زودی، مردم از یکدیگر پرسش می‌کنند، تا آن که گوینده‌ای از ایشان می‌گوید: «جهان آفرینش را خدا آفرید، خدا را چه کسی آفرید؟». هر گاه این را گفتند، شما بگویید: ﴿**خدا یکی است؛ خدایی که بی‌نیاز است؛ نه زاده است و نه زاده شده است و هیچ کس همتای او نیست**﴾. سپس سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازید و از شیطان به خدا پناه ببرید.

۱۹۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: شیطان به آدمی القا می‌کند و فرشته نیز القا می‌کند. القای شیطان، وعده دادن [و وسوسه کردن] به بدی و تکذیب حق است و القای فرشته، وعده دادن [و راه‌نمایی کردن] به خوبی و تصدیق حق است. پس هر کس این [دومی] را احساس کرد، بداند که آن از جانب خداست و خداوند را سپاس و ستایش بگوید، و هر کس آن دیگری را احساس کرد، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببرد.

۱۹۷۹ . **امام علی**ؑ: گفتیم: ای پیامبر خدا! شخصی از ما روزه می‌گیرد و نماز می‌خواند، و شیطان نزد او می‌آید و می‌گوید: تو ریا کاری!

پیامبرﷺ فرمود: هر یک از شما در این حالت بگوید: «[خدایا!] پناه می‌برم به تو از این که دانسته، چیزی را شریکت گردانم، و برای آنچه ندانسته شریکت ساخته‌ام نیز، از تو آمرزش می‌خواهم».

١٩٨٠ . عنه ﷺ: إذا وَسوَسَ الشَّيطانُ إلىٰ أحَدِكُم فَليَتَعَوَّذ بِاللهِ، وَليَقُل: آمَنتُ بِاللهِ وبِرَسولِهِ مُخلِصاً لَهُ الدّينَ.[١]

١٩٨١ . عنه ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلٍ ـ: يا كُمَيلُ، إذا وَسوَسَ الشَّيطانُ في صَدرِكَ، فَقُل: «أعوذُ بِاللهِ القَوِيِّ، مِنَ الشَّيطانِ الغَوِيِّ[٢]، وأعوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ، مِن شَرِّ ما قُدِّرَ وقُضِيَ، وأعوذُ بِإلٰهِ النّاسِ، مِن شَرِّ الجِنَّةِ وَالنّاسِ أجمَعينَ»؛ وسَلِّم، تُكفَ مَؤونَةَ[٣] إبليسَ وَالشَّياطينِ مَعَهُ، ولَو أنَّهُم كُلَّهُم أبالِسَةٌ مِثلُهُ.[٤]

١٩٨٢ . عنه ﷺ: عَلَّمَني رَسولُ اللهِ ﷺ إذا دَخَلتُ الكَنيفَ أن أقولَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الخَبيثِ المُخبِثِ، النَّجسِ الرِّجسِ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٥]

١٩٨٣ . عنه ﷺ ـ في وَصفِ المُؤمِنينَ ـ: مِن عَلامَةِ أحَدِهِم[٦] أن يَكونَ لَهُ حَزمٌ في لينٍ، وإيمانٌ في يَقينٍ، وحِرصٌ في تَقوىٰ... وَاعتِصامٌ بِاللهِ مِن مُتابَعَةِ الشَّهَواتِ، وَاستِعاذَةٌ بِهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٩٨٤ . الإمام زين العابدين ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بِالعافِيَةِ ـ: وأعِذني وذُرِّيَّتي مِنَ الشَّيطانِ

---

١. الخصال: ص ٦٢٤ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢١١ ح ٢٥٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٨ ح ٣١٣٧، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٠٢ ح ١.

٢. الغيُّ: الضلال والانهماك في الباطل (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).

٣. المَؤونَةُ: التَّعبُ والشِّدّة، والمؤونة: الثِّقْلُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢١٩٨ «مأن»).

٤. بشارة المصطفى: ص ٢٧ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧١ ح ١.

٥. الجعفريات: ص ١٣، النوادر للراوندي: ص ٢٢٧ ح ٤٦٣ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، الكافي: ج ٣ ص ١٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٥ ح ٦٣ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق ﷺ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣ ح ٣٧ عن الإمام الصادق ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٨٨ ح ٤٤.

٦. في المصدر: «من علاماتهم»، والتصويب من بحار الأنوار.

٧. مطالب السؤول: ص ٥٣؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٥ ح ٨٩.

۱۹۸۰ . **امام علی**ؑ: هر گاه شیطانُ یکی از شما را وسوسه کرد، به خدا پناه ببرد و بگوید: «به خدا و پیامبرش ایمان دارم، و دین [ـِ خود] را برای او خالص کرده‌ام».

۱۹۸۱ . **امام علی**ؑ ـ در سفارشش به کمیل ـ: ای کمیل! هر گاه شیطان در سینه‌ات وسوسه کرد، بگو: «پناه می‌برم به خداوند نیرومند، از شیطان گم راه. پناه می‌برم به محمّد پسندیده [ی خداوند]، از شرّ آنچه قلم قضا و قدر رقم زده است. پناه می‌برم به خدای مردم، از شرّ همهٔ جن و انس» و تسلیم [خدا] بشو، که [با این کار،] رنج و زحمت ابلیس و شیاطین او، از تو دور می‌شود؛ اگر چه همهٔ آنها ابـلیس‌هایی همانند او باشند.

۱۹۸۲ . **امام علی**ؑ: پیامبرﷺ به من آموخت که هر گاه به آبـریزگاه مـی‌روم، بگـویم: «بارخدایا! به تو پناه می‌برم از آن پلیدِ پلیدگر، نجسِ ناپاک، شیطانِ رانده شده».

۱۹۸۳ . **امام علی**ؑ ـ در وصف مؤمنان ـ: از نشانه‌های هر یک از آنان این است که در عین نرمی، قاطع‌اند، ایمانی توأم با یقین دارند، در پـرهیزگاری حـریص‌انـد، ... از پیروی کردن خواهش‌های نفسانی، دست به دامن خدا مـی‌شوند و از شـیطان رانده شده، به خدا پناه می‌برند.

۱۹۸۴ . **امام زین العابدین**ؑ ـ در دعای هنگام عافیت ـ: مرا و نسل مرا، از شیطان رانده

الرَّجيمِ.[١]

١٩٨٥ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في شَهرِ رَمَضانَ ـ : اللّهُمَّ أعِذني فيهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، وهَمزِهِ ولَمزِهِ، ونَفثِهِ ونَفخِهِ، ووَسواسِهِ وكَيدِهِ، ومَكرِهِ وحِيَلِهِ، وأمانِيِّهِ وخُدَعِهِ، وغُرورِهِ وفِتنَتِهِ، ورَجِلِهِ[٢] وشَرَكِهِ، وأعوانِهِ وأتباعِهِ، وأخدانِهِ[٣] وأشياعِهِ، وأولِيائِهِ وشُرَكائِهِ، وجَميعِ كَيدِهِم.[٤]

١٩٨٦ . الإمام الصادق عليه السلام: لَيسَ مِن مُؤمِنٍ يَمُرُّ عَلَيهِ أربَعونَ صَباحاً، إلّا حَدَّثَ[٥] نَفسَهُ، فَليُصَلِّ رَكعَتَينِ، وَليَستَعِذ بِاللهِ مِن ذٰلِكَ.[٦]

٢ / ٤
شَياطينُ الإنسِ وَالجِنِّ

الكتاب

﴿وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾.[٧]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَٰهِ النَّاسِ * مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي

---

١ . الصحيفة السجّادية: ص ٩٨ الدعاء ٢٣ و ص ١٠٦ الدعاء ٢٥، المصباح للكفعمي: ص ٢١٩.

٢ . رَجِله: أي رَجّالَته، فالرَّجِل: اسم جمع للرّاجِل (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٨١ «رجل»).

٣ . الخِدْنُ والخَدِينُ: الصديق (النهاية: ج ٢ ص ١٥ «خدن»).

٤ . الكافي: ج ٤ ص ٧٥ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١١٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٥ ح ١٨٤٩، الإقبال: ج ١ ص ٢٠٣ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٦٠ ح ١.

٥ . قال العلّامة المجلسي رحمه الله: المراد بحديث النفس: الوساوس الشيطانيّة في العقائد والقضاء والقدر، والخطورات التي يوجب التكلُّم بها الكفر (بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٥٤).

٦ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١١٤ ح ٢٣١٧، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٥٤ ح ١٧.

٧ . الأنعام: ١١٢.

شده، در پناه خویش بگیر.

۱۹۸۵. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای خود در ماه رمضان ـ: بار خدایا! در این ماه، مرا از شیطانِ رانده شده و از تحریکات و انگیزش‌ها و اغواگری‌ها و دمیدن‌هایش، و از وسوسه‌ها و نیرنگ و دسیسه و حیله‌هایش، و از آرزوها و فریب‌ها و گم‌راه‌سازی و فتنه‌گری‌اش، و از پیادگانش و دام‌هایش، و از یاران و دنباله‌روها و دوستان و پیروانش، و از حامیان و شریکانش و از همهٔ نیرنگ‌هایشان، در پناه خویش بگیر.

۱۹۸۶. **امام صادق**ﷺ: بر هیچ مؤمنی چهل بامداد نمی‌گذرد مگر آن‌که اندیشه‌های شیطانی[1] به سراغش می‌آیند. پس [در این حالت،] دو رکعت نماز بخواند و از آنها به خدا پناه ببرد.

۲/۴
شیطان‌های انس و جن

قرآن

﴿و این‌چنین، برای هر پیامبری دشمنی از [میانِ] شیاطین انس و جنّ قرار دادیم که برای فریب، به یکدیگر سخنان آراسته القا می‌کنند، و اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین نمی‌کردند. پس، آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند، واگذار﴾.

﴿بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. پادشاه مردم. معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گرِ نهانی.

---

۱. یعنی: حدیث نفس. علّامه مجلسی می‌گوید: مراد از اندیشه‌های شیطانی، وسوسه‌های شیطان است در عقاید و قضا و قدر و نیز خطورات ذهنی‌ای که به زبان آوردنِ آنها موجب کفر می‌گردد.

يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾.[١]

الحديث

١٩٨٧ . مسند ابن حنبل عن أبي أُمامة ـ في ذِكرِ حَديثِ أبي ذَرٍّ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ـ: ... فَقالَ [ﷺ] يا أبا ذَرٍّ، تَعَوَّذ مِن شَرِّ شَياطينِ الجِنِّ وَالإنسِ. قالَ: يا نَبِيَّ اللهِ وهَل لِلإنسِ شَياطينُ ؟!

قالَ: نَعَم، شَياطينُ الإنسِ وَالجِنِّ يوحي بَعضُهُم إلىٰ بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُروراً.[٢]

١٩٨٨ . تنبيه الغافلين عن أبي ذرّ عن رسول الله ﷺ: يا أبا ذَرٍّ، استَعِذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، ومِن شَرِّ شَياطينِ الإنسِ وَالجِنِّ.

فَقُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، أوَ مِنَ الإنسِ شَياطينُ ؟

قالَ: أما تَسمَعُ قَولَهُ تَعالىٰ: ﴿شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ﴾ ثُمَّ سَكَتَ.[٣]

١٩٨٩ . الإمام علي ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ نافِلَةِ الفَجرِ ـ: اِستَمسَكتُ بِعُروَةِ اللهِ الوُثقَى الَّتي لَا انفِصامَ لَها، وَاعتَصَمتُ بِحَبلِ اللهِ المَتينِ، وأعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ شياطينِ الإنسِ وَالجِنِّ، أعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ.[٤]

---

١ . الناس: ١ ـ ٦.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٣٠١ ح ٢٢٣٥١، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢١٧ ح ٧٨٧١ كلاهما عن أبي أمامة، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٥ عن أبي ذرّ، تفسير الطبري: ج ٥ الجزء ٨ ص ٥ عن أبي ذرّ وقتادة وليس فيهما ذيله من «شياطين الإنس والجنّ يوحي».

٣ . تنبيه الغافلين: ص ٥٨٥ ح ٩٤٠.

٤ . مسند زيد: ص ١٦٠، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٦ عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٣٥٥ ح ٢٢.

همان کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند. چه از جن و [چه از] انس﴾.

حدیث

۱۹۸۷ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو اُمامه ـ: در بیان گفتگوی ابوذر با پیامبرﷺ ـ: ... ایشان فرمود: «ای ابوذر! از شرّ شیطان‌های جنّ و انس، [به خدا] پناه ببر».

ابوذر گفت: ای پیامبر خدا! آیا انسان‌ها هم شیاطین دارند؟!

فرمود: «آری، شیطان‌های انس و جنّ، برای فریب، به یکدیگر سخنان آراسته القا می‌کند».

۱۹۸۸ . **تنبیه الغافلین** ـ به نقل از ابو ذر ـ: پیامبرﷺ فرمود: «ای ابوذر! از شیطانِ رانده شده و از شرّ شیطان‌های انس و جنّ، به خدا پناه ببر».

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا در انسان‌ها هم شیاطین وجود دارد؟

فرمود: «مگر نشنیده‌ای این فرمودهٔ خدای تعالی را: ﴿شیطان‌های اِنس و جنّ﴾؟». آن گاه ساکت شد.

۱۹۸۹ . **امام علی**ﷺ ـ در دعای پس از نافلهٔ صبح ـ: محکم‌ترین دستگیرهٔ خدا را ـ که هرگز گسسته نخواهد شد ـ، گرفتم و به ریسمان استوار خدا چنگ زدم، و از شرّ شیطان‌های انس و جن، به خدا پناه می‌برم. از شرّ تبهکاران عرب و غیر عرب، به خدا پناه می‌آورم.

٣ / ٤

النَّفسُ الأمّارةُ بالسُّوءِ

الكتاب

﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾.[١]

﴿وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾.[٢]

الحديث

١٩٩٠ . رسول الله ﷺ ـ لِحُصَينٍ لَمّا أسلَمَ وقالَ لَهُ: عَلِّمنِي الكَلِمَتَينِ اللَّتَينِ وَعَدتَني! ـ: قُل: اللّهُمَّ ألهِمني رُشدي، وأعِذني مِن شَرِّ نَفسي.[٣]

١٩٩١ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ اغفِر لي ذَنبي وخَطَئي وعَمدي... اللّهُمَّ أستَهديكَ لِأَرشَدِ أمري، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي.[٤]

١٩٩٢ . السنن الكبرى عن عمران بن حصين: جاءَ حُصَينٌ إلَى النَّبِيِّ ﷺ قَبلَ أن يُسلِمَ... ثُمَّ إنَّ حُصَيناً قالَ: يا مُحَمَّدُ، ماذا تَأمُرُني أن أقولَ؟

---

١ . يوسف: ٥٣.

٢ . يوسف: ٢٣.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٠ ح ٣٤٨٣، التاريخ الكبير: ج ٣ ص ١، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٧٤ ح ٣٩٦ وفيه «أعدني رشدي» بدل «أعذني من شرّ»، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢٨٠ ح ١٩٨٥ كلّها عن عمران بن حصين، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٤ ح ٣٧١٣.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٨٩ ح ١٦٢٦٩ و ج ٦ ص ٢٦٩ ح ١٧٩٢٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٦٢ ح ٥، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٩٠١، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٥٣ ح ٨٣٦٩ كلّها عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٢.

۳/۴
نفس بدفرما

قرآن

﴿راستی که نفس، فرمان‌دهنده به بدی است، مگر آن که پروردگارم رحم کند﴾.

﴿و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود، خواست از او کام گیرد و درها را چفت کرد و گفت: «اینک بیا!». [یوسف] گفت: «پناه بر خدا! او ارباب من است، به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند»﴾.

حدیث

۱۹۹۰ . پیامبر خدا ﷺ ـ به حُصَین، آن گاه که اسلام آورد و به ایشان گفت: آن دو کلمه‌ای را که وعده‌ام داده بودی، به من بیاموز! ـ: بگو: «بار خدایا! راه درست را به من الهام فرما، و مرا از شرّ نفسم در پناه خود بگیر».

۱۹۹۱ . پیامبر خدا ﷺ: بار خدایا! گناهم را و هر بدی‌ای را که به خطا یا عمد از من سر زد، بیامرز... بار خدایا! از تو می‌خواهم که مرا به درست‌ترین کارم راه نمایی فرمایی و از گزند نفسم، به تو پناه می‌آورم».

۱۹۹۲ . السنن الکبری ـ به نقل از عمران بن حُصَین ـ: [پدرم] حُصین پیش از آن که اسلام آورَد، نزد پیامبر ﷺ آمد... سپس گفت: ای محمّد! دستور می‌دهی چه بگویم؟

قالَ: تَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي، وأسألُكَ أن تَعزِمَ[١] لي عَلىٰ رُشدِ[٢] أمري.[٣]

١٩٩٣. رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[٤]

١٩٩٤. عنه ﷺ: «اللّهُمَّ... أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي، وشَرِّ الشَّيطانِ وشِركِهِ»، قُلها إذا أصبَحتَ، وإذا أمسَيتَ، وإذا أخَذتَ مَضجَعَكَ.[٥]

١٩٩٥. عنه ﷺ ـ في خُطبَةِ حَجَّةَ الوَداعِ ـ: الحَمدُ للهِ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَتوبُ إلَيهِ، ونَعوذُ بِاللهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا، ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا، مَن يَهدِ اللهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ، ومَن يُضلِل فَلا هادِيَ لَهُ.[٦]

---

١. عزم الله لي: أي خلق لي قوّة وصبراً. وفيه «خير الأمور عزائمها» وهي ما وكّدتَ رأيك وعزمك عليه، ومضيت بعهد الله فيه (النهاية: ج ٣ ص ٢٣١ ـ ٢٣٢ «عزم»).

٢. في أكثر المصادر: «أرشدِ» بدل «رُشدِ».

٣. السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٤٧ ح ١٠٨٣٢، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٥٥ ح ٣، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٤٣ نحوه، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٣٧ ح ١٤٨٠، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٧ ح ٥٠٨٣ و ح ٥٠٨٥.

٤. الدعاء للطبراني: ص ١٢٩ ح ٣٤٣، تاريخ دمشق: ج ٣٧ ص ٤ ح ٧٤١٣، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٦٣ ح ٣٥٨٣؛ عدّة الداعي: ص ٢٥٦ كلّها عن أبي الدرداء، مصباح المتهجّد: ص ٥٧ ح ٨٧ و ص ٩٠ ح ١٤٩ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، مُهَج الدعوات: ص ١٧، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢١٤ ح ١٠.

٥. سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣١٧ ح ٥٠٦٧، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٠٨ ح ٧٧١٥ و ج ٦ ص ٦ ح ٩٨٣٩، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣١ ح ٥١ و ص ٣٤ ح ٦٣، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٤٦ ح ٢٥٨٩ كلّها عن أبي هريرة، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٤٢ ح ٣٥٢٩ عن عبد الله بن عمرو بن العاص نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٨ ح ٣٧٣٤.

٦. تحف العقول: ص ٣٠، الكافي: ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر ﷺ، ثواب الأعمال: ص ٣٣٠ عن أبي هريرة وعبد الله بن عبّاس، الغارات: ج ١ ص ١٥٥ عن الإمام عليّ ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٤٨ ح ١٣؛ سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٦٠٩ ح ١٨٩٢ عن عبد الله بن مسعود، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٤١ ح ٤٣٦١٩.

فرمود: «می‌گویی: بار خدایا! از شرّ نفسم، به تو پناه می‌آورم و از تو درخواست می‌کنم که مرا در راه دُرستم مصمّم و استوار بداری».

۱۹۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از شرّ نفسم و از شرّ هر جنبنده‌ای که مهار آن در دست توست، به تو پناه می‌برم. راستی که پروردگار من بر راهی راست است.

۱۹۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: «بار خدایا! ... از شرّ نفسم و از شرّ شیطان و دام‌های او، به تو پناه می‌برم». این جملات را هر صبحگاه و شامگاه و آن گاه که به رخت خوابت می‌روی، بگو.

۱۹۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در خطبهٔ حجّة الوداع ـ: سپاس و ستایش، خدای را. او را می‌ستاییم و از او کمک می‌جوییم و از او آمرزش می‌طلبیم و به درگاه او توبه می‌کنیم، و از گزندهای نفس و بدی‌های کردار خویش، به خدا پناه می‌بریم. هر که را خدا هدایت کند، هیچ کس نمی‌تواند گمراهش کند و هر که او گمراهش کند، هیچ کس هدایتگرش نخواهد بود.

١٩٩٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ يَومَ الثُّلاثاءِ ـ : الحَمدُ لِلّهِ، وَالحَمدُ حَقُّهُ كَما يَستَحِقُّهُ حَمداً كَثيراً، وأعوذُ بِهِ مِن شَرِّ نَفسي، إنَّ النَّفسَ لَأَمّارَةٌ بِالسّوءِ إلّا ما رَحِمَ رَبّي، وأعوذُ بِهِ مِن شَرِّ الشَّيطانِ الَّذي يَزيدُني ذَنباً إلىٰ ذَنبي، وأحتَرِزُ بِهِ مِن كُلِّ جَبّارٍ فاجِرٍ، وسُلطانٍ جائِرٍ، وعَدُوٍّ قاهِرٍ.[١]

٤ / ٤
أئِمَّةُ الجَورِ

الكتاب

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِى أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّى أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِى الْأَرْضِ الْفَسَادَ * وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾.[٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِى ءَايَٰتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ أَتَىٰهُمْ إِن فِى صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.[٣]

الحديث

١٩٩٧ . الإمام الحسين عليه السلام ـ يَومَ الطَّفِّ ـ : ... إنّي عُذتُ بِرَبّي ورَبِّكُم أن تَرجُمونِ، أعوذُ بِرَبّي ورَبِّكُم مِن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لا يُؤمِنُ بِيَومِ الحِسابِ.[٤]

١٩٩٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أئِمَّةِ الحَرَجِ[٥]، الَّذينَ يُحرِجونَ أُمَّتي إلَى

---

١ . البلد الأمين: ص ١٢٣، المصباح للكفعمي: ص ١٦٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨٧ ح ٢٥.

٢ . غافر: ٢٦ و ٢٧.

٣ . غافر: ٥٦.

٤ . الإرشاد: ج ٢ ص ٩٨، مثير الأحزان: ص ٥١، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٦٨، إعلام الورىٰ: ج ١ ص ٤٥٩، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٧.

٥ . الحَرَجُ في الأصل: الضيق، ويقع على الإثم والحرام (النهاية: ج ١ ص ٣٦١ «حرج»).

۱۹۹۶ . امام زین العابدین﵇ ـ در دعای روز سه شنبه ـ: سپاس و ستایش فراوان، خدای را ـ که ستایش، سزاوار اوست ـ آن سان که او سزاوار آن است. از شرّ نفسم به او پناه می‌برم که نفس، پیوسته به بدی فرمان می‌دهد، مگر آن که پروردگارم رحم کند. و از شرّ شیطان ـ که گناهی بر گناهم می‌افزاید ـ به او پناه می‌برم، و از هر قدرتمند نابکاری و پادشاه ستمکاری و دشمن زورگویی، خود را در پناه او در می‌آورم.

۴/۴
پیشوایان ستم و کجروی

قرآن

﴿و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند، [زیرا] من می‌ترسم که آیین شما را دیگرگون سازد یا در این سرزمین، تباهی افکند». و موسی گفت: «من از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده‌ام»﴾.

﴿آنان که در بارهٔ نشانه‌های خدا ـ بی آن که حجّتی برایشان آمده باشد ـ مجادله می‌کنند، در دل‌هایشان جز تکبّر نیست. آنان به آن نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، که او شنوا و بیناست﴾.

حدیث

۱۹۹۷ . امام حسین﵇ ـ در روز عاشورا ـ: ... من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که مرا سنگباران کنید. به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد.

۱۹۹۸ . پیامبر خداﷺ: بار خدایا! از پیشوایان زور ـ که امّت مرا به ستم وا می‌دارند ـ، به

الظُّلم.[١]

١٩٩٩ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ ـ: يا كُمَيلُ، إيّاكَ وَالتَّطَرُّقَ إلىٰ أبوابِ الظّالِمينَ، وَالاِختِلاطَ بِهِم، وَالاِكتِسابَ مِنهُم....

يا كُمَيلُ، إنِ اضطُرِرتَ إلىٰ حُضورِها، فَداوِم ذِكرَ اللهِ تَعالىٰ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيهِ، وَاستَعِذ بِاللهِ مِن شَرِّهِم، وأطرِق[٢] عَنهُم، وأنكِر بِقَلبِكَ فِعلَهُم....

يا كُمَيلُ سَخَطُ اللهِ تَعالىٰ مُحيطٌ بِمَن لَم يَحتَرِز مِنهُم بِاسمِهِ ونَبِيِّهِ، وجَميعِ عَزائِمِهِ[٣] وعَوذِهِ جَلَّ وعَزَّ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ نَبِيِّهِ وآلِهِ وَسَلَّمَ.[٤]

٢٠٠٠ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا دَخَلتَ عَلىٰ سُلطانٍ تَخافُ شَرَّهُ، فَقُل: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ فُلانٍ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ، وأسأَلُكَ بَرَكَتَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَتِهِ، اللّٰهُمَّ اجعَل حاجَتي أوَّلَها صَلاحاً، وأوسَطَها فَلاحاً، وآخِرَها نَجاحاً.[٥]

٢٠٠١ . الأدب المفرد عن ابن عبّاس: إذا أتَيتَ سُلطاناً مَهيباً تَخافُ أن يَسطُوَ بِكَ، فَقُل: اللهُ أكبَرُ، اللهُ أعَزُّ مِن خَلقِهِ جَميعاً، اللهُ أعَزُّ مِمّا أخافُ وأحذَرُ، وأعوذُ بِاللهِ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ، المُمسِكُ السَّماواتِ السَّبعَ أن يَقَعنَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ، مِن شَرِّ عَبدِكَ فُلانٍ، وجُنودِهِ وأتباعِهِ وأشياعِهِ مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ، اللّٰهُمَّ كُن لي جاراً مِن شَرِّهِم، جَلَّ ثَناؤُكَ، وعَزَّ جارُكَ، وتبارَكَ اسمُكَ، ولا إلٰهَ غَيرُكَ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ.[٦]

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٩٦ ح ٤٧٧٧ عن عمر بن الخطّاب، مجمع الزوائد: ج ٥ ص ٤٢٧ ح ٩٢٠٤.

٢ . أطرق الرَّجلُ: إذا سكتَ فلم يتكلّم، وأطرق، أي أرخى عينيه ينظرُ إلى الأرض (الصحاح: ج ٤ ص ١٥١٥ «طرق»).

٣ . عزائمُ الأمور: أي فرائضها التي عزم اللهُ عليك بفعلها (النهاية: ج ٣ ص ٢٣١ «عزم»).

٤ . بشارة المصطفى: ص ٢٦ عن كميل بن زياد، تحف العقول: ص ١٧٣ نحوه.

٥ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٤٠٠، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢١٩ ح ١٥.

٦ . الأدب المفرد: ص ٢١٢ ح ٧٠٨، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٥٨ ح ١٠٥٩٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٥ ح ٢، حلية الأولياء: ج ١ ص ٣٢٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٦٠ ح ٥٠٠٦.

تو پناه می‌برم.

۱۹۹۹ . **امام علی**ؑ ـ در سفارش به کمیل بن زیاد ـ: ای کمیل! از نزدیک شدن به درگاه ستمگران و آمیختن با آنان و کسب درآمد از آنان، بپرهیز... .

ای کمیل! اگر از حاضر شدن در درگاه آنان ناگزیر شدی، پیوسته خدای تعالی را یاد کن و بر او توکّل نمای و از شرّشان به خدا پناه ببر، و در برابرشان خاموش بمان [و در مدح و تأییدشان سخنی مگوی] و در دلت با کردار آنان مخالفت کن....

ای کمیل! کسی که با نام خدا و پیامبر او و [با به کار بستنِ] همهٔ واجبات الهی و تعویذهای او ـ که پرشکوه و شکست‌ناپذیر است ـ، از آنان (ستمگران) پرهیز نکند، خشم خدای تعالی او را در میان گرفته است. درود خدا و سلام او، بر پیامبر او و خاندانش باد.

۲۰۰۰ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا**ؑ: هرگاه نزد فرمان روایی رفتی که از گزند او بیم داری، بگو: «بار خدایا! من خوبیِ فلانی را از تو درخواست می‌کنم و از بدی و گزندش، به تو پناه می‌برم. برکنش را از تو درخواست می‌کنم و از بد رفتاری و آزارش، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! آغاز حاجت مرا درستی، میانش را رستگاری، و پایانش را کامیابی قرار ده».

۲۰۰۱ . **الأدب المفرد** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: هرگاه بر فرمان روایی ترسناک وارد شدی و بیم آن داشتی که بر تو خشم بگیرد، سه بار بگو: «خدا بزرگ‌تر است. خدا از همهٔ آفریدگانش نیرومندتر است. خدا از آنچه می‌ترسم و بیمناکم، نیرومندتر است. به [تو] خدایی که معبودی جز او نیست و آسمان‌های هفتگانه را نگه داشته است که مبادا جز به اذن او، بر زمین فرو افتند، پناه می‌برم از شرّ فلان بنده‌ات و از شرّ سپاهیانش و پیروان و رهروانش، چه جنّ [باشند] و چه انس. بار خدایا! مرا از شرّ آنان در پناه خویش بگیر، که ثنای تو بزرگ است و پناه تو استوار و نامت خجسته، و معبودی جز تو نیست».

٥/٤
الجَهلُ

الكتاب

﴿قَالَ يَـٰنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَـٰلِحٍ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّى أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَـٰهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِى وَتَرْحَمْنِىٓ أَكُن مِّنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ﴾.[١]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا۟ بَقَرَةً قَالُوٓا۟ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَـٰهِلِينَ﴾.[٢]

الحديث

٢٠٠٢ . سنن النسائي عن أُمّ سلمة: إنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ: بِاسمِ اللهِ، رَبِّ أعوذُ بِكَ مِن أن أزِلَّ، أو أضِلَّ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيَّ.[٣]

٢٠٠٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ يَومَ الهَريرِ بِصِفّينَ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي... أعوذُ بِكَ مِنَ الجَهلِ وَالهَزلِ، ومِن شَرِّ القَولِ وَالفِعلِ.[٤]

٢٠٠٤ . عنه عليه السلام: إلٰهي... أعوذُ بِكَ مِن قُوَّتي، وألوذُ بِكَ مِن جُرأَتي، وأستَجيرُ بِكَ مِن جَهلي، وأتَعَلَّقُ بِعُرىٰ أسبابِكَ مِن ذَنبي.[٥]

---

١. هود: ٤٦ و ٤٧.

٢. البقرة: ٦٧.

٣. سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٨، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٣٨٨٤، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٢٠ ح ٢٦٧٦٦.

٤. مُهَج الدعوات: ص ١٣٢ عن محمّد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق عليه السلام.

٥. بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٤٦ ح ٥٦ نقلاً عن كتاب اختيار ابن الباقي.

۵/۴
نادانی

قرآن

﴿[خداوند] گفت: ای نوح! او (پسرت) از کسان تو نیست. او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری، از من مخواه. من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی». نوح گفت: «ای پروردگار من! به تو پناه می‌برم [از این] که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم. و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود﴾.

﴿و آن گاه که موسی به قومش گفت: «خدا به شما دستور می‌دهد که ماده گاوی را سر ببرید». آنان گفتند: «آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟». گفت: «به خدا پناه می‌برم [از این] که از نادانان باشم»﴾.

حدیث

۲۰۰۲ . **سنن النسائی** ـ به نقل از اُمّ سَلَمه ـ : پیامبرﷺ هر گاه از خانه‌اش خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که بلغزم یا گم راه شوم یا ستم کنم یا به من ستم شود، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود».

۲۰۰۳ . **امام علی**ؑ ـ در دعایی که روز هریر در جنگ صفّین خواند ـ : بار خدایا! من ... به تو پناه می‌برم از نادانی کردن و شوخی [ـِ بیجا] نمودن، و از گفتار و کردار بد.

۲۰۰۴ . **امام علی**ؑ: معبود من! ... از نیروی خود، به تو پناه می‌برم و از گستاخی‌ام، به تو پناهنده می‌شوم و از نادانیِ خود، از تو امان می‌جویم و از گناه خویش، به دستگیره‌های ریسمان‌های تو چنگ می‌زنم.

٢٠٠٥ . عنه عليه السلام: أعوذُ بِكَ رَبّي أن أشتَرِيَ الجَهلَ بِالعِلمِ كَمَا اشتَرىٰ غَيري، أوِ السَّفَهَ بِالحِلمِ.[١]

٢٠٠٦ . الإمام الصادق عليه السلام ـ فيما يُدعىٰ بِهِ فِي الصَّباحِ وَالمَساءِ ـ : اللّٰهُمَّ بِكَ نُمسي وبِكَ نُصبحُ، وبِكَ نَحيا، وبِكَ نَموتُ، وإلَيكَ نَصيرُ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أذِلَّ أو أُذَلَّ، أو أضِلَّ أو أُضَلَّ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيَّ.[٢]

٢٠٠٧ . الكافي عن عبد الرّحمن بن سيابة: أعطاني أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام هٰذَا الدُّعاءَ: الحَمدُ لِلّٰهِ وَلِيِّ الحَمدِ وأهلِهِ ومُنتَهاهُ ومَحَلِّهِ... وأعوذُ بِكَ مِن أن أشتَرِيَ الجَهلَ بِالعِلمِ، وَالجَفاءَ بِالحِلمِ، وَالجَورَ بِالعَدلِ، وَالقَطيعَةَ بِالبِرِّ، وَالجَزَعَ بِالصَّبرِ.[٣]

٦ / ٤
عِلمٌ لا يَنفَعُ

٢٠٠٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ عِلماً نافِعاً، وأعوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ.[٤]

٢٠٠٩ . مسند ابن حنبل عن أنس: إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كانَ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ، وعَمَلٍ لا يُرفَعُ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ، وقَولٍ لا يُسمَعُ.[٥]

٢٠١٠ . مصباح الشريعة ـ فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام ـ : قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «نَعوذُ بِاللهِ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ»، وهُوَ العِلمُ الَّذي يُضادُّ العَمَلَ بِالإخلاصِ، وَاعلَم أنَّ قَليلَ العِلمِ يَحتاجُ

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ١٢٦، مستدرك الوسائل: ج ١١ ص ١١١ ح ١٢٥٥٦.

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٩٨٢ عن عمّار بن موسى.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٥٩٠ و ص ٥٩٢ ح ٣١ وراجع مصباح المتهجّد: ص ٢٧٧.

٤ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٤٤ ح ٧٨٦٧، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٣ نحوه، صحيح ابن حبّان: ج ١ ص ٢٨٣ ح ٨٢، المعجم الأوسط: ج ٩ ص ٣٢ ح ٩٠٥٠ كلّها عن جابر بن عبد الله و ج ٧ ص ١٥٤ ح ٧١٣٩ عن عائشة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢١٠ ح ٣٨٠٤.

٥ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٠٧ ح ١٣٦٧٥، صحيح ابن حبّان: ج ١ ص ٢٨٤ ح ٨٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٨ ح ٨، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٢٠٧ ح ٢٨٣٧، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٩٣ ح ٥١٠٥.

۲۰۰۵ . **امام علی**ﷺ: ای پروردگار من! به تو پناه می‌برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم ـ چنان که دیگران خریدند ـ، یا سبکسری را به جای خردمندی.

۲۰۰۶ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای صبح و شام ـ: بار خدایا! به یاری تو، روز را به شب و شب را به روز می‌رسانیم، و به کمک تو زنده‌ایم، و به قدرت تو می‌میریم، و به سوی تو حرکت می‌کنیم. به تو پناه می‌برم از این که خوار شوم یا [کسی را] خوار گردانم، یا گم راه شوم یا گم راه گردانم، یا ستم کنم یا به من ستم شود، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتارشود.

۲۰۰۷ . **الکافی** ـ به نقل از عبد الرحمان بن سیابه ـ: امام صادقﷺ این دعا را به من داد: «ستایش، خدایی راکه صاحب ستایش و سزامند آن و پایانه و جایگاه آن است... و [خدایا!] به تو پناه می‌برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم، و تندی را به جای بردباری، و ستم را به جای دادگری، و بریدن از خویشان را به جای نیکی به آنان، و ناشکیبی را به جای شکیبایی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۶/۴
دانش بی سود

۲۰۰۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! دانشی سودمند از تو درخواست می‌کنم و از دانشی که سود نبخشد، به تو پناه می‌برم.

۲۰۰۹ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از اَنَس ـ: پیامبر خدا می‌گفت: «بار خدایا! من از دانشی که سود نبخشد و کرداری که [به درگاه تو] بالا نرود و دلی که خشوع نداشته باشد و سخنی که شنیده نشود، به تو پناه می‌برم».

۲۰۱۰ . **مصباح الشریعة** ـ در حدیثی که به امام صادقﷺ نسبت داده است ـ: پیامبرﷺ فرمود: «به خدا پناه می‌بریم از دانشی که سود نبخشد» و آن، دانشی است که با عملِ خالصانه، در تضاد باشد. بدان که: اندکِ دانش، نیاز به عملِ بسیار دارد؛

إلىٰ كَثيرِ العَمَلِ، لِأَنَّ عِلمَ ساعَةٍ يُلزِمُ صاحِبَهُ استِعمالَهُ طولَ عُمُرِهِ[١].[٢]

٧/٤
الشِّرك

٢٠١١ . مسند ابن حنبل عن أبي موسى الأشعري: خَطَبَنا رَسولُ اللهِ ﷺ ذاتَ يَومٍ فَقالَ: أيُّهَا النّاسُ، اتَّقوا هٰذَا الشِّركَ، فَإِنَّهُ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ.

فَقالَ لَهُ مَن شاءَ اللهُ أن يَقولَ: وكَيفَ نَتَّقيهِ وهُوَ أخفىٰ مِن دَبيبِ النَّملِ، يا رَسولَ اللهِ؟

قالَ: قولوا: اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن أن نُشرِكَ بِكَ شَيئاً نَعلَمُهُ، ونَستَغفِرُكَ لِما لا نَعلَمُ.[٣]

٨/٤
مُضِلّاتُ الفِتَنِ

٢٠١٢ . رسول الله ﷺ ـ مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ ـ: أعوذُ بِكَ مِنَ ضَرّاءَ مُضِرَّةٍ، وفِتنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللّٰهُمَّ زَيِّنّا بِزينَةِ الإيمانِ، وَاجعَلنا هُداةً مُهتَدينَ.[٤]

٢٠١٣ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَسيحِ الدَّجّالِ[٥]،

---

١ . في المصدر: «استعمال طول العمر»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢ . مصباح الشريعة: ص ٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٣.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٤٦ ح ١٩٦٢٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٨٨ ح ١، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٣٤، كنز العمّال: ج ٣ ص ٤٨١ ح ٧٥٢١.

٤ . سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٥، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣٦٦ ح ١٨٣٥٣ فيه «مهديّين» بدل «مهتدين» وكلاهما عن عمّار بن ياسر، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٨ ح ٥٠٨٦.

٥ . دَجَّلَ: إذا لَبّس وموّه، والدجّال: من أبنية المبالغة: أي يكثر منه الكذب والتلبيس، والدجّال هو الذي يظهر في آخر الزمان يدّعي الألوهيّة (النهاية: ج ٢ ص ١٠٢ «دجل»).

زیرا دانشِ [آموخته شده در] یک ساعت، صاحب خود را وا می‌دارد که در تمام عمرش آن را به کار بندد.

۷/۳
شرک

۲۰۱۱ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو موسی اشعری ـ: روزی پیامبر خدا برای ما سخنرانی کرد و فرمود: «ای مردم! از این شرک بپرهیزید؛ چرا که آن از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است».

کسی ـ که خدا خواست بگوید ـ گفت: ای پیامبر خدا! حال که از خزیدن مورچه هم ناپیداتر است، چگونه از آن بپرهیزیم؟

فرمود: «بگویید: بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که چیزی را دانسته، شریک تو گردانیم، و برای آنچه ندانسته چنین می‌کنیم، از تو آمرزش می‌طلبیم».

۸/۴
فتنه‌های گمراه کننده

۲۰۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی که همواره می‌خواند ـ: از سختی‌های گزند رساننده و از فتنه‌های گم راه کننده، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ما را به زیور ایمان بیارای، و راه نمایانی ره یافته قرارمان ده.

۲۰۱۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، از فتنهٔ مسیح دروغین

وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَحيا وفِتنَةِ المَماتِ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ[١].[٢]

٢٠١٤ . الإمام عليّ عليه السلام: إلٰهي أسأَلُكَ مَسأَلَةَ مَن يَعرِفُكَ كُنهَ مَعرِفَتِكَ، مِن كُلِّ خَيرٍ يَنبَغي لِلمُؤمِنِ أن يَسلُكَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَرٍّ وفِتنَةٍ أعَذتَ بِها أحِبّاءَكَ مِن خَلقِكَ. إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[٣]

٢٠١٥ . عنه عليه السلام: نَعوذُ بِاللهِ مِن سوءِ كُلِّ الرَّيبِ[٤]، وظُلَمِ الفِتَنِ، ونَستَغفِرُهُ مِن مَكاسِبِ الذُّنوبِ، ونَستَعصِمُهُ مِن مَساوِي الأَعمالِ، ومَكارِهِ الآمالِ.[٥]

٢٠١٦ . عنه عليه السلام: نَعوذُ بِاللهِ مِن مُضيقِ مَضايِقِ السُّبُلِ عَلىٰ أهلِها بَعدَ اتِّساعِ مَناهِجِ الحَقِّ، لِطَمسِ آياتِ مُنيرِ الهُدىٰ، بِلُبسِ ثِيابِ مُضِلّاتِ الفِتَنِ[٦].[٧]

٢٠١٧ . عنه عليه السلام: لا يَقولَنَّ أحَدُكُم: «اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفِتنَةِ»؛ لِأَنَّهُ لَيسَ أحَدٌ إلّا وهُوَ مُشتَمِلٌ عَلىٰ فِتنَةٍ، ولٰكِن مَنِ استَعاذَ فَليَستَعِذ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ، فَإِنَّ اللهَ سُبحانَهُ يَقولُ: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾[٨].[٩]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . المَغرَمُ كالغُرم، وهو الدَّين، ويريد به ما استُدين فيما يكرهه الله، أو فيما يجوز ثمّ عجز عن أدائه، فأمّا دين احتاج إليه، وهو قادر على أدائه، فلا يستعاذ منه (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٣ «غرم»).

٢ . صحيح البخاري: ج ١ ص ٢٨٦ ح ٧٩٨، صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٢ ح ١٢٩، سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٣٣ ح ٨٨٠، سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٦ كلّها عن عائشة و ج ٤ ص ١٠٤، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٤، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٤٠ والثلاثة الأخيرة عن ابن عبّاس وليس فيها ذيله، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٧ ح ٢١٣٣.

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٦ ح ١٢ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٤ . الرَّيبُ: الشَّكُّ (النهاية: ج ٢ ص ٢٨٦ «ريب»).

٥ . الكافي: ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٣ ح ٣١.

٦ . في المصدر: «تلبس ثيابه مُضلّات العمل»، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

٧ . الغارات: ج ١ ص ١٥٧ عن أبي زكريّا، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢ ح ٥٠.

٨ . الأنفال: ٢٨.

٩ . نهج البلاغة: الحكمة ٩٣، مجمع البيان: ج ٢ ص ٨٢٤، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٩٧ ح ٦.

به تو پناه می‌برم، از فتنهٔ زندگی و فتنهٔ مردن به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری [ـِ بیش][1] به تو پناه می‌برم.

۲۰۱۴ . امام علی﵇: معبودا! از تو ـ به سان درخواست کردنِ کسی که تو را عمیقاً شناخته است ـ درخواست می‌کنم هر خیری را که سزاوار است مؤمن آن را بپوید، و به تو پناه می‌برم از هر شرّ و فتنه‌ای که آفریدگان محبوبیت را از آنها در پناه خود گرفتی. به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

۲۰۱۵ . امام علی﵇: از بدیِ هر شکّی و از تاریکی‌های فتنه‌ها، به خدا پناه می‌بریم و برای گناهانی که کرده‌ایم، از او آمرزش می‌طلبیم، و از او می‌خواهیم که ما را از کردارهای بد و آرزوهای ناخوشایند، مصون بدارد.

۲۰۱۶ . امام علی﵇: پناه می‌بریم به خدا از این که پس از فراخ شدنِ شاه راه‌های حق، بر اثر محو سایه افکندنِ فتنه‌های گم راه کننده بر همه جا، نشانه‌های راه راست و روشن، محو شوند و بدین سبب، راه‌ها [ی حق] بر رهروانشان تنگ گردند.

۲۰۱۷ . امام علی﵇: هیچ یک از شما نگوید: «بار خدایا! از فتنه به تو پناه می‌برم»؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که فتنه‌ای در بردارد. پس اگر کسی خواست [به خدا] پناه ببرد، از فتنه‌های گم راه کننده [به او] پناه بَرَد؛ چرا که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿بدانید که دارایی‌ها و فرزندان شما فتنه‌اند﴾.

---

۱ . منظور، بدهکار بودن بابت چیزی است که خداوند از آن، ناخشنود باشد و یا بدهیِ فراوانی که دیگر نتوان آن را پس داد، هر چند گرفتن آن، جایز بوده باشد. م.

٢٠١٨ . الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام رَجُلاً يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفِتنَةِ. قالَ: أراكَ تَتَعَوَّذُ مِن مالِكَ ووَلَدِكَ؛ يَقولُ اللهُ تَعالىٰ: ﴿إِنَّمَا أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ﴾[1]! ولٰكِن قُل: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ.[2]

٢٠١٩ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ العَصرِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ، ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، وَالإِثمِ وَالبَغيِ بِغَيرِ الحَقِّ، وأن أُشرِكَ بِكَ ما لَم تُنَزِّل بِهِ سُلطاناً، وأن أقولَ عَلَيكَ ما لا أعلَمُ... وأعوذُ بِدِرعِكَ الحَصينَةِ الَّتي لا تُرامُ[3].[4]

٢٠٢٠ . الإمام الكاظم عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن مالٍ يَكونُ عَلَيَّ فِتنَةً، ومِن وَلَدٍ يَكونُ لي عَدُوّاً.[5]

٩ / ٣
الضَّلالَةُ بَعدَ الهِدايَةِ

٢٠٢١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِعِزَّتِكَ لا إلٰهَ إلّا أنتَ أن تُضِلَّني، أنتَ الحَيُّ الَّذي لا يَموتُ، وَالجِنُّ وَالإِنسُ يَموتونَ.[6]

---

١ . التغابن: ١٥.

٢ . الأمالي للطوسي: ص ٥٨٠ ح ١٢٠١ عن عبد الله بن محمّد بن عبيد، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٢، أعلام الدين: ص ٢١٠ كلاهما عن محمّد بن عجلان وكلّها عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٢٥ ح ٧.

٣ . رمتُ الشيء: طلبته (المصباح المنير: ص ٢٤٦ «روم»).

٤ . مصباح المتهجّد: ص ٧٦ ح ١٢٤، فلاح السائل: ص ٣٦٢ ح ٢٤٢، البلد الأمين: ص ٢٠ كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٩ ح ١٢.

٥ . مصباح المتهجّد: ص ٥٠٣ ح ٥٨٤، البلد الأمين: ص ١٠١، المصباح للكفعمي: ص ١٤٦، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٣.

٦ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٦ ح ٦٧، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٤٦ ح ٢٧٤٨، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٨١ ح ٨٩٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٧٦٨٤ نحوه وكلّها عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٠ ح ٣٦٣٦.

۲۰۱۸ . **امام صادق**ﷺ: امیر مؤمنان شنید که مردی می‌گوید: بار خدایا! من از فتنه به تو پناه می‌برم.

فرمود: «می‌بینم که از مال و فرزندت پناه می‌بری! [چرا که] خدای تعالی می‌فرماید: ﴿دارایی‌ها و فرزندان شما فتنه‌اند﴾. پس [به جای آن] بگو: بار خدایا، من از فتنه‌های گم راه کننده به تو پناه می‌برم».

۲۰۱۹ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای بعد از نماز عصر ـ: بار خدایا! من از فتنه‌های گم راه کننده، چه آشکار و چه پنهانش، و از گناه و تجاوزِ به‌ناحق، به تو پناه می‌برم، و [به تو پناه می‌برم] از این که چیزی را شریک تو گردانم که بر درستیِ آن، حجّتی قرار نداده‌ای، و از این‌که چیزی را به تو نسبت دهم که نمی‌دانم... و پناه می‌برم به جوشن استوار و نفوذناپذیر تو.

۲۰۲۰ . **امام کاظم**ﷺ: بار خدایا! از مالی که برای من فتنه، و از فرزندی که دشمن من باشد، به تو پناه می‌برم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹/۴
گمراهی پس از رهیافتن

۲۰۲۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا، ای آن‌که معبودی جز تو نیست! به عزّت تو پناه می‌برم از این که مرا گم راه سازی. تو آن زنده‌ای هستی که هرگز نمی‌میرد، در حالی که جن و انس می‌میرند.

٢٠٢٢ . الإمام الصادق عليه السلام: اللّهُمَّ ... وأعِذنا أن نَرجِعَ بَعدَ إذ هَدَيتَنا ضالّينَ مُضِلّينَ، وأجِرنا مِنَ الحَيرَةِ فِي الدّينِ، وتَوَفَّنا مُسلِمينَ، وألحِقنا بِالصّالِحينَ.[١]

٢٠٢٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في خُطبَةِ يَومِ الفِطرِ ـ: نَستَهدِي اللهَ بِالهُدىٰ، ونَعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ وَالرَّدىٰ.[٢]

٢٠٢٤ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في جَوابِ خُطبَةِ النِّكاحِ ـ: ونَعوذُ بِاللهِ مِنَ العَمىٰ بَعدَ الهُدىٰ، وَالعَمَلِ في مَضَلّاتِ الهَوىٰ.[٣]

١٠ / ٤
مَساوِئُ الأخلاقِ

أ ـ الكِبرُ

٢٠٢٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ في بَيانِ آفَةِ الكِبرِ ـ: أعوذُ بِكَ مِن نَفخَةِ الكِبرِياءِ.[٤]

٢٠٢٦ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن خُطبَتِهِ فِي التَّحذيرِ مِن إبليسَ لَعَنَهُ اللهُ ـ: اِستَعيذوا بِاللهِ مِن لَواقِحِ الكِبرِ، كَما تَستَعيذونَهُ مِن طَوارِقِ الدَّهرِ.[٥]

ب ـ الرِّياءُ

٢٠٢٧ . شعب الإيمان عن أبي بكر: قالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن خُشوعِ النِّفاقِ. قالوا:

---

١ . الدروع الواقية: ص ١١٤، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٥٤.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٦٦٠ ح ٧٢٨ عن عبد الله الأزدي، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٠ ح ٥.

٣ . الكافي: ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٥.

٤ . إحياء علوم الدّين: ج ٣ ص ٥٠٠؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩٣.

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٢، غرر الحكم: ح ٢٥٥٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢١٠١، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٦٨ ح ٣٧.

۲۰۲۲ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! ... ما را در پناه خویش بگیر تا مبادا بعد از آن که هدایتمان فرموده‌ای، دوباره گم راه و گم راه کننده شویم، و از سرگشتگی در دین، پناهمان ده. ما را مسلمان بمیران و به نیکان ملحق فرما.

۲۰۲۳ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبهٔ روز فطر ـ: از خداوند می‌خواهیم که ما را به راه راست، راه نمایی کند، و از گم راهی و هلاکت به او پناه می‌بریم.

۲۰۲۴ . **امام صادق**ﷺ ـ در جواب خطبهٔ ازدواج ـ: از کوریِ پس از هدایت و از عمل در گم راهی‌های هوای نفس، به خدا پناه می‌بریم.

۱۰/۴
خوی‌های زشت

الف ـ تکبّر

۲۰۲۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در بیان آفت تکبّر ـ: از باد تکبّر، به تو پناه می‌برم.

۲۰۲۶ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبهٔ خود برای برحذر داشتن از ابلیس لعین ـ: از بارورکننده‌های تکبّر، به خدا پناه ببرید؛ همان سان که از بلاهای روزگار، به او پناه می‌برید.

ب ـ ریا

۲۰۲۷ . **شعب الإیمان** ـ به نقل از ابو بکر ـ: پیامبر خدا فرمود: «از خشوع منافقانه، به خدا پناه ببرید».

يا رَسولَ اللهِ، وما خُشوعُ النِّفاقِ؟ قالَ: خُشوعُ البَدَنِ ونِفاقُ القَلبِ.[١]

٢٠٢٨ . منية المريد: قالَ ﷺ: اِستَعيذوا بِاللهِ مِن جُبِّ[٢] الخِزيِ، قيلَ: وما هُوَ يا رَسولَ اللهِ؟ قالَ: وادٍ في جَهَنَّمَ أُعِدَّ لِلمُرائينَ.[٣]

٢٠٢٩ . سنن الترمذي عن أبي هريرة: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن جُبِّ الحُزنِ. قالوا: يا رَسولَ اللهِ وما جُبُّ الحُزنِ؟ قالَ: وادٍ في جَهَنَّمَ، تَتَعَوَّذُ مِنهُ جَهَنَّمُ كُلَّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّةٍ. قُلنا: يا رَسولَ اللهِ، ومَن يَدخُلُهُ؟ قالَ: القُرّاءُ المُراؤونَ بِأعمالِهِم.[٤]

٢٠٣٠ . الإمام عليّ عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أن تَحسُنَ في لامِعَةِ العُيونِ عَلانِيَتي، وتَقبُحَ فيما أُبطِنُ لَكَ سَريرَتي، مُحافِظاً عَلىٰ رِئاءِ[٥] النّاسِ مِن نَفسي بِجَميعِ ما أنتَ مُطَّلِعٌ عَلَيهِ مِنّي، فَأُبدِيَ لِلنّاسِ حُسنَ ظاهِري، وأُفضِيَ إلَيكَ بِسوءِ عَمَلي، تَقَرُّباً إلىٰ عِبادِكَ، وتَباعُداً مِن مَرضاتِكَ.[٦]

٢٠٣١ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ في دُعاءِ يَومِ عَرَفَةَ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن تَحسُنَ في رامِقَةِ العُيونِ عَلانِيَتي، وتَفتَحَ[٧] فيما أخلو لَكَ سَريرَتي، مُحافِظاً عَلىٰ رِئاءِ النّاسِ مِن نَفسي، مُضَيِّعاً ما أنتَ مُطَّلِعٌ عَلَيهِ مِنّي، فَأُبدِيَ لَكَ بِأحسَنِ أمري، وأخلُوَ لَكَ بِشَرِّ فِعلي،

---

١ . شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٦٩٦٧، نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٨٩ وج ٢ ص ٢٠٨، الفردوس: ج ٢ ص ٤٩ ح ٢٢٨٠ نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ١٩٦ ح ٢٢٥٢٥.

٢ . الجُبُّ: البئر، وقيل: هي البئر الكثيرة الماء، البعيدة القعر (لسان العرب: ج ١ ص ٢٥٠ «جبب»).

٣ . منية المريد: ص ٣١٨، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣٠٣ ح ٥٠.

٤ . سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٩٣ ح ٢٣٨٣، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٩٤ ح ٢٥٦، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٦١ ح ٣٠٩٠ وج ٦ ص ٢٠٢ ح ٦١٨٩، تهذيب الكمال: ج ٣٤ ص ٣٠٢ والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمّال: ج ٣ ص ٤٧٩ ح ٧٥١٥، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦١ ح ٢٤٢ عن التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه صدره فقط، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٥٨ ح ٢.

٥ . في المصدر: «رئاء»، والتصويب من بحار الأنوار.

٦ . نهج البلاغة: الحكمة ٢٧٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣١ ح ٧.

٧ . كذا في المصدر والظاهر أنّه تصحيف، والصواب: «تَقبُحَ» كما في الرواية السابقة.

[اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! خشوع منافقانه چیست؟

فرمود: «این که تن خاشع باشد و دل منافق».

۲۰۲۸. **منیة المرید:** پیامبرﷺ فرمود: «از چاه رسوایی، به خدا پناه ببرید». گفته شد: آن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «دره‌ای در دوزخ که برای ریاکاران آماده شده است».

۲۰۲۹. **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابو هریره ـ: پیامبر خدا فرمود: «از چاه اندوه، به خدا پناه ببرید».

[اصحاب] گفتند: چاه اندوه چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «دره‌ای است در دوزخ که خود دوزخ نیز روزی صد مرتبه، از آن به خدا پناه می‌برد».

گفتیم: ای پیامبر خدا! چه کسی وارد آن می‌شود؟

فرمود: «قاریانی که در کارهای خود، ریا کنند».

۲۰۳۰. **امام علی**ﷺ: خداوندا! پناه می‌برم به تو از این که بیرونم را در نگاه چشم‌ها [ی مردم] نیکو بنمایی، ولی درونم را که برای تو آشکار است، زشت گردانی. و این در حالی خواهد بود که خود را ریاکارانه، در نزد مردم به چیزهایی وادار کنم که تو خود از نسبت من با آنها آگاهی، پس ظاهر نیکویم را برای مردم آشکار دارم و بدیِ کردارم را نزد تو آورم تا بدین سان، به بندگانت نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

۲۰۳۱. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای روز عرفه ـ: خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که بیرونم را در نگاه چشم‌ها نیکو بنمایی، ولی درونم را که با تو خلوت دارم، زشت گردانی. آن در حالی خواهد بود که خویشتن را در چشم مردم نگه دارم و آن [نیّت و اعمال نهانی‌ام] را که تو از آن آگاهی، تباه کنم، پس نیکوترین کارم را برایت آشکار سازم و بدترین کردارم را برای خلوت تو بگذارم تا بدین ترتیب،

تَقَرُّباً إلَى المَخلوقينَ بِحَسَناتي، وفِراراً مِنهُم إلَيكَ بِسَيِّئاتي، حَتّىٰ كَأنَّ الثَّوابَ لَيسَ مِنكَ، وكَأنَّ العِقابَ لَيسَ إلَيكَ، قَسوَةً مِن مَخافَتِكَ مِن قَلبي، وزَلَلاً عَن قُدرَتِكَ مِن جَهلي، فَيَحُلَّ بي غَضَبُكَ، ويَنالَني مَقتُكَ[١]، فَأعِذني مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ، وقِني بِوِقايَتِكَ الَّتي وَقَيتَ بِها عِبادَكَ الصّالِحينَ.[٢]

٢٠٣٢ . الإمام الصادق عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِكَ قَليلاً أو كَثيراً أُريدُ بِهِ أحَداً غَيرَكَ، أو أعمَلَ عَمَلاً يُخالِطُهُ رِياءٌ.[٣]

ج ـ الحِرصُ وَالطَّمَعُ

٢٠٣٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إستَعيذوا بِاللهِ مِنَ الرُّغبِ[٤].[٥]

٢٠٣٤ . عنه صلى الله عليه وآله: إستَعيذوا بِاللهِ مِن طَمَعٍ يَهدي إلىٰ طَبَعٍ[٦]، ومِن طَمَعٍ يَهدي إلىٰ غَيرِ مَطمَعٍ، ومِن طَمَعٍ حَيثُ لا طَمَعَ.[٧]

---

١. المَقْتُ: أشدّ البغض (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٢. الإقبال: ج ٢ ص ١١٦، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٨ وراجع كشف الغمّة: ج ٢ ص ٢٨٧ وتاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٩ وسير أعلام النبلاء: ج ٤ ص ٣٩٦ وتاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٩.

٣. الإقبال: ج ١ ص ١٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٢٧ ح ١.

٤. الرُّغبُ شؤمٌ: أي الشَّره والحرصُ على الدُّنيا، وقيل: سَعَةُ الأمل وطلب الكثير (النهاية: ج ٢ ص ٢٣٨ «رغب»).

٥. الدعاء للطبراني: ص ٤١٣ ح ١٣٩٦، نوادر الأُصول: ج ٢ ص ١٤٢ وفيه «تعوّذوا» بدل «استعيذوا»، الفردوس: ج ١ ص ٨٦ ح ٢٧٣ وفيه «الزغب» بدل «الرغب» وكلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٣ ص ١٩٩ ح ٦١٦٠.

٦. أي يؤدّي إلى شينٍ وعيبٍ، والطَّبَعُ ـ بالتحريك ـ: الدَّنَسُ، وأصله من الوسخ والدَّنس يغشيان السَّيف، ثمّ استعمل فيما يشبه ذلك من الأوزار والآثام وغيرها من المقابح (النهاية: ج ٣ ص ١١٢ «طبع»).

٧. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٣٧ ح ٢٢٠٨٢ و ص ٢٦٦ ح ٢٢١٨٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٦ ح ١٩٥٦ كلاهما نحوه، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٧٠ ح ١١٥ كلّها عن معاذ بن جبل، كنز العمّال: ج ٣ ص ٤٩٥ ح ٧٥٧٧ وراجع المعجم الكبير: ج ١٨ ص ٥٣ ح ٩٤ والتاريخ الكبير: ج ٨ ص ٢٦٦ ومسند الشاميّين: ج ٣ ص ٩٨ ح ١٨٧٢.

با خوبی‌هایم خود را به مخلوقین نزدیک سازم و با بدی‌هایم از آنان به سوی تو بگریزم ـ چندان که گویی پاداش و کیفر دادن، در دست تو نیست ـ؛ از آن رو که نسبت به ترس از تو، سنگ دل گشته باشم و از سر جهل و نادانی، قدرت تو را نادیده گرفته باشم و در نتیجه، خشم تو بر من فرود آید، و کین تو مرا در رسد. پس مرا از همهٔ اینها، در پناه خویش درآور و با نگهداری خود ـ که بندگان شایسته‌ات را با آن نگه داشته‌ای ـ مرا نگه‌دار.

۲۰۳۲ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که طاعت تو را، اندک یا بسیار، به کار بندم، ولی نیّتم از آنِ کسی جز تو باشد، یا عملی انجام دهم که آمیخته با ریا باشد.

ج ـ آزمندی و فزون‌خواهی

۲۰۳۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: از آزمندی به خدا پناه ببرید.

۲۰۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: به خدا پناه ببرید از طمعی که به ننگ و پستی کشاند، و از طمعی که به چیز ناخواسته‌ای بیانجامد، و از طمع به چیزی که هرگز تحقّق نیابد.

٢٠٣٥ . الإمام عليّ عليه السلام: نَعوذُ بِاللهِ مِنَ المَطامِعِ الدَّنِيَّةِ، وَالهِمَمِ الغَيرِ المَرضِيَّةِ.[١]

٢٠٣٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي الظُّلاماتِ ـ: صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأيِّدني مِنكَ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ، وصَبرٍ دائِمٍ، وأعِذني مِن سوءِ الرَّغبَةِ، وهَلَعِ[٢] أهلِ الحِرصِ.[٣]

د ـ البُخلُ

٢٠٣٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ.[٤]

٢٠٣٨ . علل الشرائع عن أبي بصير: قُلتُ لِأَبي جَعفَرٍ عليه السلام: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَتَعَوَّذُ مِنَ البُخلِ؟ فَقالَ: نَعَم يا أبا مُحَمَّدٍ، في كُلِّ صَباحٍ ومَساءٍ، ونَحنُ نَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِنَ البُخلِ، يَقولُ اللهُ عزّ وجلّ: ﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَـٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾[٥].[٦]

٢٠٣٩ . المصنّف لابن أبي شيبة عن أنس: إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الجُبنِ وَالبُخلِ، ومِن فِتنَةِ المَحيا وَالمَماتِ، ومِن عَذابِ القَبرِ.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

هـ ـ سَكرَةُ الغِنىٰ

٢٠٤٠ . الإمام عليّ عليه السلام: إستَعيذوا بِاللهِ مِن سَكرَةِ الغِنىٰ؛ فَإِنَّ لَهُ سَكرَةً بَعيدَةَ الإفاقَةِ.[٨]

---

١ . غرر الحكم: ح ٩٩٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٨ ح ٩١٧٣.

٢ . الهَلَعُ: أشدّ الجزع والضجر (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٩ «هلع»).

٣ . الصحيفة السجّادية: ص ٦٣ الدعاء ١٤، المصباح للكفعمي: ص ٢٨٠.

٤ . تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٢.

٥ . التغابن: ١٦.

٦ . علل الشرايع: ص ٥٤٨ ح ٤، تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٢٦، قصص الأنبياء: ص ١١٨ ح ١١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ١٤٧ ح ١.

٧ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٩ ح ١٧ و ج ٣ ص ٢٥١ ح ١٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦٤ ح ٣٩٧٩.

٨ . غرر الحكم: ح ٢٥٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢١٠١.

۲۰۳۵ . **امام علی**ﷺ: از طمع‌های پست و خواست‌ها و آرزوهای ناپسند، به خدا پناه می‌بریم.

۲۰۳۶ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای خود در بارهٔ ستم‌ها و حق‌کشی‌ها ـ: [خدایا!] بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا از جانب خودت، با نیّتی راستین و شکیبی همیشگی، یاری ده و از خواهش‌های بد و بی‌قرارِی آزمندان، در پناه خود بگیر.

د ـ بُخل

۲۰۳۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوندا! از بخل، به تو پناه می‌برم.

۲۰۳۸ . **علل الشرائع** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: به امام باقرﷺ گفتم: آیا پیامبر خدا نیز از بخل، به خدا پناه می‌برد؟

فرمود: «آری ـ ای ابو محمّد ـ در هر بام و شام. ما نیز از بخل، به خدا پناه می‌بریم. خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿و کسانی که از بخل نفس خویش مصون مانند، آنان‌اند که رستگارند﴾».

۲۰۳۹ . **المصنَّف**، ابن ابی شیبة ـ به نقل از اَنَس ـ: پیامبرﷺ از ترسویی و بخل و از فتنهٔ زندگی و مرگ و از عذاب قبر، به خدا پناه می‌برد.

هـ ـ سرمستی توانگری

۲۰۴۰ . **امام علی**ﷺ: از سرمستیِ [ناشی از] توانگری، به خدا پناه ببرید؛ زیرا مستیِ آن، دیر زایل می‌شود.

و ـ عَداوَةُ أولِياءِ اللهِ ووِلايَةُ أعدائِهِ

٢٠٤١ . الإمام عليّ عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُعادِيَ لَكَ وَلِيّاً ، أو أُوالِيَ لَكَ عَدُوّاً ، أو أرضىٰ لَكَ سَخَطاً أبَداً .[١]

٢٠٤٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إستَعيذوا بِاللهِ مِن مَحَبَّةِ أعدائِنا ، وعَداوَةِ أولِيائِنا ، فَتَعاذوا مِن بُغضِنا وعَداوَتِنا ؛ فَإِنَّهُ مَن أحَبَّ أعداءَنا فَقَد عادانا ، ونَحنُ مِنهُ بُراءُ ، وَاللهُ عزوجل مِنهُ بَريءٌ .[٢]

٢٠٤٣ . مصباح المتهجّد عن الشيخ أبي عمرو العمري ـ فيما يُدعىٰ بِهِ في غَيبَةِ القائِمِ عليه السلام ـ : اللّٰهُمَّ ولا تَجعَلني مِن خُصَماءِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ، ولا تَجعَلني مِن أعداءِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ، ولا تَجعَلني مِن أهلِ الحَنَقِ وَالغَيظِ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ، فَإِنّي أعوذُ بِكَ مِن ذٰلِكَ فَأَعِذني ، وأستَجيرُ بِكَ فَأَجِرني .[٣]

ز ـ تِلكَ الخِصالُ

٢٠٤٤ . الإمام الصادق عليه السلام: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَتَعَوَّذُ في كُلِّ يَومٍ مِن سِتِّ خِصالٍ : مِنَ الشَّكِّ وَالشِّركِ ، وَالحَمِيَّةِ[٤] وَالغَضَبِ ، وَالبَغيِ وَالحَسَدِ .[٥]

٢٠٤٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن مُنكَراتِ الأَخلاقِ وَالأَعمالِ وَالأَهواءِ .[٦]

---

١ . الأمالي للمفيد : ص ١٦٦ ح ٦ عن إسحاق بن الفضل الهاشمي ، المجتنى : ص ٥٨ ، البلد الأمين : ص ٩٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣٥٥ ح ١٠ .

٢ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٥٨٤ ح ٣٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ٥٩ ح ٢٠ .

٣ . مصباح المتهجّد : ص ٤١٦ ح ٥٣٦ ، كمال الدين : ص ٥١٥ ح ٤٣ ، جمال الأسبوع : ص ٣١٩ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٣٣٠ ح ٣ .

٤ . الحَمِيَّة : الأَنَفَةُ والغيرةُ (النهاية : ج ١ ص ٤٤٧ «حما») .
وقال الراغب في مفرداته ص ٢٥٩ «حمى» : عُبّر عن القوّة الغضبيّة إذا ثارت وكثرت بالحميّة ، فيقال : «حميتُ على فلان ، أي : غضبت عليه ، قال تعالى : ﴿حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ .

٥ . الخصال : ص ٣٢٩ ح ٢٤ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١٢٦ ح ٧ .

٦ . سنن الترمذي : ج ٥ ص ٥٧٥ ح ٣٥٩١ ، صحيح ابن حبّان : ج ٣ ص ٢٤٠ ح ٩٦٠ ، المستدرك على الصحيحين : ج ١ ص ٧١٤ ح ١٩٤٩ ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٩ ح ٣٦ ، تاريخ دمشق : ج ٣٦ ص ٣٩٠ ح ٧٣٧٥ كلّها عن قطبة بن مالك نحوه ، كنز العمّال : ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣٦٧١ .

و ـ دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او

۲۰۴۱ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو از این که با دوست تو دشمنی کنم، یا با دشمن تو دوستی ورزم، یا به ناخوشنودی تو رضایت دهم [و آنچه را تو نمی‌پسندی، بپسندم].

۲۰۴۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: از دوست داشتن دشمنان ما و دشمن داشتن دوستان ما، به خدا پناه جویید تا از بغض به ما و دشمنی با ما، در پناه خدا قرار بگیرید؛ زیرا کسی که دشمنان ما را دوست بدارد، با ما دشمنی ورزیده است و ما از او بیزاریم و خدای ﷻ نیز از او بیزار است.

۲۰۴۳ . **مصباح المتهجّد** ـ به نقل از شیخ ابو عمرو عمری، در دعایی که در غیبت امام مهدیﷺ خوانده می‌شود ـ: بار خدایا! مرا از خصومت‌ورزان با خاندان محمّدﷺ قرار مده. مرا از دشمنان خاندان محمّدﷺ قرار مده. مرا از کینه‌توزان و خشم‌آوران بر خاندان محمّدﷺ قرار مده. من از اینها به تو پناه می‌آورم. پس مرا پناه بده، و خود را در سایهٔ حمایت تو در می‌آورم. پس مرا در حمایت خود بگیر.

ز ـ چند خصلت دیگر

۲۰۴۴ . **امام صادق**ﷺ: پیامبر خدا هر روز، از شش خصلت به خدا پناه می‌برد: از شک و شرک و تعصّب و خشم و ستم و حسادت.

۲۰۴۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از خوی‌ها و کردارها و خواهش‌های ناپسند، به تو پناه می‌برم.

٢٠٣٦ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وسوءِ الأَخلاقِ.[١]

٢٠٣٧ . مجمع الزوائد عن قطبة: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَتَعَوَّذُ مِنَ الأَسواءِ وَالأَهواءِ.[٢]

١١ / ٤
مَساوِئُ الأَعمالِ

أ ـ الظُّلمُ

الكتاب

﴿قَالُواْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ * قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَـٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّظَـٰلِمُونَ﴾.[٣]

الحديث

٢٠٣٨ . الإمام الباقر ﷺ ـ مِمّا كانَ يَقولُ في سُجودِهِ ـ: يا كَريمُ يا جَبّارُ، أعوذُ بِكَ مِن أن أخيبَ أو أحمِلَ ظُلماً.[٤]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ أنواعُ الذُّنوبِ

٢٠٣٩ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَمنَعُ إجابَتَكَ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَمنَعُ رِزقَكَ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُحِلُّ النِّقَمَ.[٥]

---

١ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٦، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٤ كلاهما عن أبي هريرة، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ١٠ ص ٤٤٠ ح ١٩٦٣٩ عن زيد بن أسلم، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٩٠.

٢ . مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٣٠٣ ح ١٧٤٥٣ نقلاً عن البزّار.

٣ . يوسف: ٧٨ و ٧٩.

٤ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١، قرب الإسناد: ص ٥ ح ١٥، مصباح المتهجّد: ص ١٧٤ ح ٢٦١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١٢ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٥ ح ٥٨.

٥ . الدعاء للطبراني: ص ٤١٠ ح ١٣٨٥ عن أنس.

۲۰۴۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از ناسازی و دورویی و خوی‌های بد، به تو پناه می‌برم.

۲۰۴۷ . **مجمع الزوائد**: قطبه شنید که پیامبرﷺ از بدی‌ها و هوس‌ها، به خدا پناه می‌بَرد.

۱۱/۴
کردارهای زشت

الف ـ ستم و حق‌کشی

قرآن

﴿[برادران یوسف] گفتند: ای عزیز! او پدری پیر و سال خورده دارد. بنا بر این، یکی از ما را به جای او بگیر، که تو را از نیکوکاران می‌بینیم». [یوسف] گفت: «پناه به خدا که جز آن کس را که کالای خود را نزد او یافته‌ایم، بازداشت کنیم؛ [زیرا] در آن صورت، قطعاً ستمکار خواهیم بود»﴾.

حدیث

۲۰۴۸ . **امام باقر**ﷺ ـ از دعاهایی که در سجودش می‌گفت ـ: بزرگوارا! پُر توانا! به تو پناه می‌برم از این که نومید و ناکام شوم، یا ستمی را بر دوش کشم.

ب ـ انواع گناهان

۲۰۴۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از گناهانی که مانع اجابت تو می‌شوند، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از گناهانی که مانع روزیِ تو می‌شوند، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از گناهانی که کیفر و عذاب‌ها را می‌آورند، به تو پناه می‌برم.

٢٠٥٠ . **مسند ابن حنبل عن عائشة** ـ وقَد سُئِلَت عَن دُعاءِ النَّبِيِّ ﷺ ـ: كانَ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عَمِلَتهُ نَفسي.[١]

٢٠٥١ . **الإمام عليّ** عليه السلام: اللّٰهُمَّ... وأعوذُ بِكَ عِندَ ذٰلِكَ مِنَ الذَّنبِ المُحبِطِ لِلأَعمالِ.[٢]

٢٠٥٢ . **الكافي عن أبي حمزة الثمالي**: قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام في خُطبَتِهِ: أعوذُ بِاللهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، فَقامَ إلَيهِ عَبدُ اللهِ بنُ الكَوّاءِ اليَشكُرِيُّ، فَقالَ: يا أميرَ المُؤمِنينَ: أوَ تَكونُ ذُنوبٌ تُعَجِّلُ الفَناءَ؟

فَقالَ: نَعَم وَيلَكَ؛ قَطيعَةُ الرَّحِمِ، إنَّ أهلَ البَيتِ لَيَجتَمِعونَ ويَتَواسَونَ وهُم فَجَرَةٌ فَيَرزُقُهُمُ اللهُ عزوجل، وإنَّ أهلَ البَيتِ لَيَتَفَرَّقونَ ويَقطَعُ بَعضُهُم بَعضاً فَيَحرِمُهُمُ اللهُ وهُم أتقِياءُ.[٣]

٢٠٥٣ . **الدعوات**: كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا أعطيَ ما في بَيتِ المالِ أمَرَ بِهِ فَكُنِسَ، ثُمَّ صَلّىٰ فيهِ، ثُمَّ يَدعو فَيَقولُ في دُعائِهِ:

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُحبِطُ العَمَلَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُعَجِّلُ النِّقَمَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يُغَيِّرُ النِّعَمَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ الرِّزقَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ الدُّعاءَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَمنَعُ التَّوبَةَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَهتِكُ العِصمَةَ[٤]، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يورِثُ النَّدَمَ، وأعوذُ بِكَ مِن ذَنبٍ يَحبِسُ القِسَمَ.[٥]

---

١. مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٧٢ ح ٢٤٠٨٨.

٢. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٣٧ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الكافي: ج ٥ ص ٤٦ ح ١ عن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٥٥٦ ح ٦٤٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٣١٩ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٥٣ ح ٦٦٤.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٣٤٧ ح ٧، الدعوات: ص ٦١ ح ١٥١ عن ابن الكوّاء نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٣٧ ح ١٠٧.

٤. العِصمَةُ: المَنَعَةُ، أي ما يعصمه من المهالك يوم القيامة (النهاية: ج ٣ ص ٢٤٩ «عصم»).

٥. الدعوات: ص ٦٠ ح ١٥٠، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٨٢ ح ٨.

۲۰۵۰ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عایشه ـ در پاسخ به پرسش در بارهٔ دعای پیامبرﷺ ـ : می‌فرمود: «خدایا! من از شرّ کارهایی که نفْسم کرده است، به تو پناه می‌برم».

۲۰۵۱ . **امام علی**ؑ: بار خدایا!... در این هنگام، از گناهِ بر باد دهندهٔ اعمال، به تو پناه می‌برم.

۲۰۵۲ . **الکافی** ـ به نقل از ابو حمزهٔ ثمالی ـ : امیر مؤمنان در خطبه‌اش فرمود: «پناه می‌برم به خدا از گناهانی که مرگ را پیش می‌افکنند».

عبدالله بن کوّاء یَشکُری برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! مگر گناهانی هم هست که مرگ را پیش افکنند؟

فرمود: «وای بر تو! آری؛ بریدن از خویشان. خانواده‌ای هستند که گرد هم می‌آیند و به یکدیگر کمک و یاری می‌کنند و با این که اهل تقوا نیستند، خداوندﷻ آنها را روزی می‌دهد و [در مقابل،] خانواده‌ای پراکنده‌اند و از یکدیگر می‌بُرند، چنین خانواده‌ای را با آن که پرهیزگارند، خداوند [از روزیِ خود] محروم می‌سازد».

۲۰۵۳ . **الدعوات**: امیر مؤمنان هر گاه دارایی بیت المال را به مردم می‌داد، می‌فرمود که آن را جارو کنند، سپس در بیت المال نماز می‌خواند. آن گاه، به دعا می‌پرداخت و در دعایش می‌گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از گناهی که عمل را بر باد می‌دهد. به تو پناه می‌برم از گناهی که کیفرها و عذاب‌ها را شتاب می‌بخشد. به تو پناه می‌برم از گناهی که نعمت‌ها را دیگرگونه می‌سازد. به تو پناه می‌برم از گناهی که مانع روزی می‌شود. به تو پناه می‌برم از گناهی که مانع دعا می‌شود.[1] به تو پناه می‌برم از گناهی که مانع توبه می‌شود. به تو پناه می‌برم از گناهی که پردهٔ عصمت را می‌درد. به تو پناه می‌برم از گناهی که پشیمانی می‌آورد. و به تو پناه می‌برم از گناهی که بهره‌ها [ی الهی] را [از رسیدن به شخص] باز می‌دارد».

---

۱ . ممکن است گناه، توفیق دعا کردن را سلب کند و یا مانع اجابت آن گردد . م .

٢٠٥٤ . **الإمام زين العابدين**ﷺ ـ مِن دُعائِهِ فِي التَّضَرُّعِ وَالاِستِكانَةِ ـ: أتَنَصَّلُ إلَيكَ مِن ذُنوبِيَ الَّتي قَد أوبَقَتني[١]، وأحاطَت بي فَأهلَكَتني، مِنها فَرَرتُ إلَيكَ رَبِّ تائِباً فَتُب عَلَيَّ، مُتَعَوِّذاً فَأعِذني، مُستَجيراً فَلا تَخذُلني.[٢]

٢٠٥٥ . **الإمام الصادق**ﷺ: كانَ أبي ﷺ يَقولُ: نَعوذُ بِاللهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، وتُقَرِّبُ الآجالَ، وتُخلِي الدِّيارَ؛ وهِيَ قَطيعَةُ الرَّحِمِ، وَالعُقوقُ، وتَركُ البِرِّ.[٣]

٢٠٥٦ . **تهذيب الأحكام** ـ فيما يُقالُ بَعدَ نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: أعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُحدِثُ النِّقَمَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تورِثُ النَّدَمَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَحبِسُ القِسَمَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَمنَعُ القَضاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُنزِلُ البَلاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُديلُ[٤] الأَعداءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَحبِسُ الدُّعاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَقطَعُ الرَّجاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تورِثُ الشَّقاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تُظلِمُ الهَواءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَكشِفُ الغِطاءَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتي تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ.[٥]

ج: الإصرارُ عَلَى الذَّنبِ

٢٠٥٧ . **الإمام زين العابدين**ﷺ ـ مِن دُعائِهِ فِي الاِعتِرافِ ـ: إنَّ أحَبَّ عِبادِكَ إلَيكَ، مَن تَرَكَ

---

١ . المُوبقات، أي الذُّنوب المُهلكات، يقال: وَبَقَ، إذا هلك (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).

٢ . الصحيفة السجّادية: ص ٢١٨ الدعاء ٥١.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٤٨ ح ٢ عن إسحاق بن عمّار.

٤ . الإدالةُ: الغلبة (النهاية: ج ٢ ص ١٤١ «دول»).

٥ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٥ ح ٢٥٧، مصباح المتهجّد: ص ٥٧٢ ح ٦٨١، الإقبال: ج ١ ص ٣٣٤، المصباح للكفعمي: ص ٧٦٦ كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣٧.

۲۰۵۴ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا ـ: از آن گناهانم که خوار و تباهم ساخته‌اند و مرا در میان گرفته‌اند و به نابودی‌ام کشانده‌اند، به سوی تو می‌آیم. از آنها ـ ای پروردگار من ـ توبه‌کنان به سوی تو می‌گریزم. پس توبه‌ام را بپذیرا و به تو پناه می‌آورم. پس پناهم ده! و از تو حمایت می‌جویم. پس مرا وا مگذار!

۲۰۵۵ . **امام صادق**ﷺ: پدرم [امام باقر]ﷺ می‌فرمود: «پناه می‌بریم به خدا از گناهانی که نابودی را شتاب می‌بخشند، و اجل‌ها را نزدیک می‌سازند، و خانه‌ها را [از صاحبانشان] خالی می‌کنند». آن گناهان، عبارت‌اند از: بریدن از خویشان، بدرفتاری با پدر و مادر، و ترک نیکی (/ طاعت).

۲۰۵۶ . **تهذیب الأحکام** ـ در دعای پس از نافله‌های ماه رمضان ـ: [خدایا!] به تو پناه می‌برم از گناهانی که کیفرها را پدید می‌آورند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که پشیمانی به بار می‌آورند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که قسمت‌ها را باز می‌دارند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که پرده‌های عصمت را می‌درند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که جلوِ قضا [ی الهی] را می‌گیرند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که بلا را نازل می‌کنند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که دشمنان را چیره می‌گردانند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که مانع [استجابت] دعا می‌شوند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که نابودی را شتاب می‌بخشند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که امید را قطع می‌کنند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که رنج و بدبختی می‌آورند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که فضا را تیره و تار می‌سازند. به تو پناه می‌برم از گناهانی که پرده را کنار می‌زنند [و آدمی را رسوا می‌کنند]. به تو پناه می‌برم از گناهانی که باران آسمان را [از ریزش] باز می‌دارند.

ج ـ پافشاری در گناه

۲۰۵۷ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعای به قصد اعتراف [به گناه] ـ: محبوب‌ترین

الاِستِكبارَ عَلَيكَ، وجانَبَ الإِصرارَ، ولَزِمَ الاِستِغفارَ، وأنا أبرَأُ إلَيكَ مِن أن أستَكبِرَ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أُصِرَّ، وأستَغفِرُكَ لِما قَصَّرتُ فيهِ.[١]

١٢ / ٤
عَدَمُ الاِنتِفاعِ بِصالِحِ الأعمالِ

٢٠٥٨ . سنن أبي داوود عن أنس: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن صَلاةٍ لا تَنفَعُ.[٢]

٢٠٥٩ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ، ومِن نَفسٍ لا تَشبَعُ، ومِن عِلمٍ لا يَنفَعُ، أعوذُ بِكَ مِن هؤُلاءِ الأَربَعِ.[٣]

٢٠٦٠ . الإمام الصادق ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ... وصَلاةٍ لا تُرفَعُ، وعَمَلٍ لا يَنفَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ.[٤]

٢٠٦١ . الإمام عليّ ﷺ ـ مِن كِتابِهِ لِأَحَدِ أصحابِهِ ـ: نَعوذُ بِاللهِ مِمّا نَعِظُ بِهِ ثُمَّ نُقَصِّرُ عَنهُ.[٥]

---

١ . الصحيفة السجّادية: ص ٥٥ الدعاء ١٢، المصباح للكفعمي: ص ٥٠٧.

٢ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٤٩، موارد الظمآن: ص ٦٠٥ ح ٢٤٤١، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٩؛ الكافي: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٢ ح ٦٨.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٩ ح ٣٤٨٢ عن عبد الله بن عمر، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٦٥ ح ١٤٠٢٥ كلاهما عن أنس، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٩٢ ح ٢٥٠، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٧ ح ١٩٥٨ كلاهما عن أبي هريرة وكلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٣١.

٤ . فلاح السائل: ص ٢٢٦ ح ٢٩١، مصباح المتهجّد: ص ١٠٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٩ ح ٩.

٥ . مستطرفات السرائر: ص ١٤٢ ح ٤ عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٤ ح ١٣٤؛ كنز العمّال: ج ١٦ ص ٢٠٠ ح ٤٤٢٢١ نقلاً عن العسكري في المواعظ.

بندگانت در نزد تو، کسی است که بزرگی نمودن بر تو را فرو هِلَد، از پای فشردن [بر گناه] دوری کند و به آمرزش‌خواهی [از تو] چنگ درزند. و من از بزرگی نمودن به درگاه تو، اعلام برائت می‌کنم و از پای فشردن [در گناه]، به تو پناه می‌برم و برای تقصیرات خود، از تو آمرزش می‌طلبم.

۱۲ / ۴
بهره‌مند نشدن از کارهای نیک

۲۰۵۸ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از أنَس ـ: پیامبر خدا می‌گفت: «خدایا! پناه می‌برم به تو از نمازی که سود نبخشد».

۲۰۵۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: خدایا! پناه می‌برم به تو، از دلی که خشوع نداشته باشد، از دعایی که به اجابت نرسد، از نفْسی که سیر نشود، و از دانشی که سود نبخشد. از این چهار چیز، به تو پناه می‌برم.

۲۰۶۰ . **امام صادق**ؑ: خدایا! به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نباشد... و نمازی که [به درگاه تو] فراز نیاید، و کرداری که سود نبخشد، و دعایی که پذیرفته نگردد.

۲۰۶۱ . **امام علی**ؑ ـ در نامهٔ خود به یکی از یارانش ـ: پناه می‌بریم به خدا از اندرزی که [به دیگران] بدهیم و سپس خود، آن را فرو گذاریم.

١٣ / ٤
شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ

أ ـ خَليلُ السَّوءِ

٢٠٦٢ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ... مِن خَليلٍ[١] ماكِرٍ، عَيناهُ تَراني، وقَلبُهُ يَرعاني، إن رَأىٰ خَيراً دَفَنَهُ، وإن رَأىٰ شَرّاً أذاعَهُ.[٢]

٢٠٦٣ . الزهد لابن المبارك عن يحيى بن أبي كثير: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن صاحِبِ غَفلَةٍ، وقَرينِ سَوءٍ، وزَوجٍ آذىٰ[٣].[٤]

ب ـ جارُ السَّوءِ

٢٠٦٤ . رسول الله ﷺ: أعوذُ بِاللهِ مِن جارِ السَّوءِ في دارِ إقامَةٍ، تَراكَ عَيناهُ ويَرعاكَ قَلبُهُ، إن رَآكَ بِخَيرٍ ساءَهُ، وإن رَآكَ بِشَرٍّ سَرَّهُ.[٥]

٢٠٦٥ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن جارِ السَّوءِ في دارِ المُقامَةِ، فَإنَّ جارَ البادِيَةِ يَتَحَوَّلُ.[٦]

---

١ . الخَليلُ: الصديق (النهاية: ج ٢ ص ٧٢ «خلل»).

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧؛ الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٣٩ عن أبي هريرة، تاريخ دمشق: ج ١٧ ص ١٠٧ عن سعيد بن أبي سعيد وفيه «كان من دعاء داوود عليه السلام» وكلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٥ ح ٣٦٦٦.

٣ . في المصدر: «أذى»، والصواب ما أثبتناه كما أشار إليه في هامش المصدر.

٤ . الزهد لابن المبارك: ص ٣٠٣ ح ٨٧٥.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٦٦٩ ح ١٦، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٣ ح ١١٤ كلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٣٧٥ ح ١٢٣٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٥٢ ح ١٣.

٦ . المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٤ ح ١٩٥١، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٤ نحوه، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٤٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٦ ص ١٠١ ح ٦، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٨٣ ح ٦٥٠٥ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ١٨٧ ح ٢٥٦١٧.

۱۳/۴
گزند هر گزندرسانی

الف ـ دوست بد

۲۰۶۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: خدایا! به تو پناه می‌برم ... از دوست نیرنگباز که چشمانش مرا می‌بیند و دلش مرا می‌پاید؛ اگر خوبی ببیند، آن را می‌پوشاند و اگر بدیی ببیند، آن را پخش می‌کند.

۲۰۶۳ . **الزهد**، ابن مبارک ـ به نقل از یحیی بن ابی کثیر ـ: پیامبر خدا می‌گفت: «خدایا! از یار غافل و همنشین بد و همسر آزار رسان، به تو پناه می‌برم».

ب ـ همسایهٔ بد

۲۰۶۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: به خدا پناه می‌برم از همسایهٔ بد در خانه‌ای که جای ماندن باشد. چشمانش تو را می‌بینند و دلش تو را می‌پاید؛ اگر تو را در خوبی و خوشی ببیند، ناراحت می‌شود و اگر تو را در بدی و ناخوشی ببیند، خوش حال می‌گردد.

۲۰۶۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: خدایا! از همسایهٔ بد در خانه‌ای که جای ماندن باشد، به تو پناه می‌برم؛ اما همسایهٔ بادیه، منتقل می‌شود.

٢٠٦٦ . عنه ﷺ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن شَرِّ جارِ المُقامِ، فَإِنَّ جارَ المُسافِرِ إذا شاءَ أن يُزالَ زالَ.[١]

٢٠٦٧ . الدرّ المنثور عن سعيد بن أبي سعيد: كانَ مِن دُعاءِ داوودَ ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الجارِ السَّوءِ.[٢]

ج - زَوجَةُ السَّوءِ

٢٠٦٨ . الإمام الصادق ﷺ: كانَ مِن دُعاءِ رَسولِ اللهِ ﷺ: أعوذُ بِكَ مِن امرَأَةٍ تُشَيِّبُني قَبلَ مَشيبي.[٣]

٢٠٦٩ . رسول الله ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ النِّساءِ، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ.[٤]

٢٠٧٠ . الإمام الصادق ﷺ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن طالِحاتِ[٥] نِسائِكُم.[٦]

د - جَورُ كُلِّ جائِرٍ

٢٠٧١ . الإمام علي ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ الثَّباتَ فِي الأَمرِ، وَالعَزيمَةَ عَلَى الرُّشدِ، وَالشُّكرَ عَلىٰ نِعمَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِن جَورِ كُلِّ جائِرٍ، وبَغيِ كُلِّ باغٍ، وحَسَدِ كُلِّ حاسِدٍ، بِكَ أصولُ عَلَى الأَعداءِ، وبِكَ أرجو وِلايَةَ الأَحِبّاءِ.[٧،٨]

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٨٥٦١، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٥ ح ١٩٥٢ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ٦٠ ح ٢٤٩٣٩.

٢ . الدرّ المنثور: ج ٧ ص ١٧٣ نقلاً عن ابن أبي شيبة.

٣ . الكافي: ج ٥ ص ٣٢٦ ح ٣ عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٥ ح ٩٨١ و ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٥٢٤ وفي الثلاثة الأخيرة بزيادة «أوان» قبل «مشيبي»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٨٧ ح ٤٩.

٤ . كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٧ نقلاً عن الخرائطي في اعتلال القلوب عن سعد.

٥ . طَلَحَ: فَسَدَ وهو طالِح، والطَّلاحُ: ضدّ الصلاح (تاج العروس: ج ٤ ص ١٤٢ «طلح»).

٦ . الكافي: ج ٥ ص ٥١٧ ح ٧ و ص ٥١٨ ح ١٢ وفيه «استعيذوا بالله من شرار نسائكم».

٧ . في المصدر: «الأحياء»، والتصويب من بحار الأنوار.

٨ . مُهَج الدعوات: ص ١٤١ عن ابن عبّاس وعبد الله بن جعفر و ص ١٥١ عن ابن عبّاس، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٤٥ ح ٣١.

۲۰۶۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: از بدیِ همسایهٔ خانه، به خدا پناه ببرید؛ اما همسایهٔ مسافر، هر گاه شخص بخواهد از او جدا شود، جدا می‌شود.

۲۰۶۷ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از سعید بن ابی سعید ـ: یکی از دعاهای داوودؑ، این بود: «بار خدایا! از همسایهٔ بد، به تو پناه می‌برم».

ج ـ همسر بد

۲۰۶۸ . **امام صادق**ؑ: یکی از دعاهای پیامبرﷺ این بود: «به تو پناه می‌برم از همسری که پیش از پیر شدنم، مرا پیر کند».

۲۰۶۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنهٔ زنان، و به تو پناه می‌برم از عذاب قبر.

۲۰۷۰ . **امام صادق**ؑ: از زنان تباهکار خود، به خدا پناه ببرید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

د ـ ستم هر ستمگری

۲۰۷۱ . **امام علی**ؑ: بار خدایا! پایداری در کارها، استواری در راه راست، و سپاس گزاری از نعمت‌هایت را از تو درخواست می‌کنم، و از ستمِ هر ستمکاری و زورگوییِ هر زورگویی و حسادتِ هر حسودی، به تو پناه می‌برم. به یاری توست که بر دشمنان می‌تازم و به واسطهٔ توست که به دوستیِ دوستان امید دارم.

٢٠٧٢ . الإمام زين العابدين عليه السلام: بِاسمِ اللهِ كَلِمَةِ المُعتَصِمينَ، ومَقالَةِ المُتَحَرِّزينَ، وأعوذُ بِاللهِ مِن جَورِ الجائِرينَ، وكَيدِ الحاسِدينَ، وبَغيِ الطّاغينَ، وأحمَدُهُ فَوقَ حَمدِ الحامِدينَ.[١]

هـ ـ شَرُّ الأعداءِ

٢٠٧٣ . سنن أبي داوود عن عبد الله بن قيس: إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ إذا خافَ قَوماً قالَ: اللّهُمَّ إنّا نَجعَلُكَ في نُحورِهِم، ونَعوذُ بِكَ مِن شُرورِهِم.[٢]

٢٠٧٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ فيما عَلَّمَهُ عَلِيّاً عِندَ النّائِبَةِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أدرَأُ[٣] بِكَ في نَحرِهِ، وأستَعيذُ بِكَ مِن شَرِّهِ، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِ، يا كافي يا شافي يا مُعافِي، اكفِني كُلَّ شَيءٍ، حَتّىٰ لا أخافَ مَعَكَ شَيئاً.[٤]

٢٠٧٥ . عنه صلى الله عليه وآله ـ مِن دُعاءٍ طَويلٍ لِجَميعِ الحَوائِجِ ـ: اللّهُمَّ اطمِس عَلىٰ أبصارِ أعدائِنا كُلِّهِم مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ، وَاجعَل عَلىٰ بَصَرِهِ غِشاوَةً....

اللّهُمَّ إنّي أدرَأُ بِكَ في نَحرِهِ، وأستَعيذُ بِكَ مِن شَرِّهِ، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِ، فَاكفِنيهِ كَيفَ شِئتَ، وأنّىٰ[٥] شِئتَ.[٦]

٢٠٧٦ . الإمام الحسن عليه السلام ـ فِي الدُّعاءِ عَلىٰ مُعاوِيَةَ وأصحابِهِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أدرَأُ بِكَ في

---

١ . البلد الأمين: ص ١٠٠، المصباح للكفعمي: ص ١٤٤، بحار الأنوار: ج ٩ ص ١٥٢ ح ١١.

٢ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٨٩ ح ١٥٣٧، السنن الكبرى للنسائي: ج ٥ ص ١٨٨ ح ٨٦٣١ عن أبي موسى و ج ٦ ص ١٥٤ ح ١٠٤٣٧، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٦٩ ح ١٩٧٤١، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٦٢٩، صحيح ابن حبّان: ج ١١ ص ٨٣ ح ٤٧٦٥، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦٩ ح ١٨٠٠٢.

٣ . درأ: إذا دَفَعَ، أدرأ بك في نحورهم: أي أدفع بك في نحورهم لتكفيني أمرهم (النهاية: ج ٢ ص ١٠٩ «درأ»).

٤ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣١٢ نقلاً من خطّ الشهيد الأوّل عن الإمام الصادق عليه السلام.

٥ . أنّىٰ: أي من أيّ وجه وطريق (المصباح المنير: ص ٢٨ «أنا»).

٦ . مُهَج الدعوات: ص ٢١٤ عن وهب بن إسماعيل عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٢٥ ح ٦٩.

۲۰۷۲ . **امام زین‌العابدین**ﷺ: به «نام خدا» که سخنِ پناهجویان است و گفتار کسانی است که می‌خواهند خود را در سایهٔ حمایت [خدا] درآورند . از ستم ستمگران و نیرنگ بدخواهان و تجاوز سرکشان، به خدا پناه می‌برم و او را فراتر از ستایش ستایندگان، می‌ستایم.

هـ ـ گزند دشمنان

۲۰۷۳ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از عبدالله بن قیس ـ : پیامبرﷺ هرگاه از مردمی می‌ترسید، می‌گفت: «بار خدایا! ما تو را سپر خود در برابر آنها قرار می‌دهیم و از گزندهای آنان، به تو پناه می‌بریم».

۲۰۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی که برای روبه‌رو شدن با پیشامد تلخ، به علیﷺ آموخت ـ : بار خدایا! به واسطهٔ تو، آن [پیشامد] را پس می‌زنم، و از شرّ آن به تو پناه می‌آورم، و در برابر آن از تو کمک می‌جویم. ای بسنده، ای شفادهنده، ای عافیت‌بخش! مرا از هر چیزی نگه دار تا با وجود تو، از هیچ چیز نترسم.

۲۰۷۵ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی طولانی برای همهٔ حاجت‌ها ـ : بار خدایا! چشم‌های همهٔ دشمنان ما را، از جن و انس، کور بگردان و بر دیده‌اش پرده‌ای بیفکن... .

بار خدایا! به واسطهٔ تو، آن [دشمن] را واپس می‌زنم، و از گزندش به تو پناه می‌آورم، و در برابرش از تو یاری می‌طلبم. پس مرا ـ هرگونه که خود خواهی و به هر طریق که خواهی ـ از [گزند] او نگه بدار.

۲۰۷۶ . **امام حسن**ﷺ ـ در نفرین بر معاویه و یارانش ـ : بار خدایا! به واسطهٔ تو، آنان را دفع می‌کنم، و از گزندهاشان به تو پناه می‌آورم، و در برابرشان از تو کمک می‌جویم.

نُحورِهِم، وأعوذُ بِكَ مِن شُرورِهِم، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِم، فَاكفِنيهِم بِما شِئتَ، وأنّىٰ شِئتَ، مِن حَولِكَ وقُوَّتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[١]

٢٠٧٧ . **الإمام زين العابدين عليه السلام**: اللّٰهُمَّ... أدرَأُ بِكَ في نُحورِ أعدائي، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِم، وأعوذُ بِكَ مِن شُرورِهِم، وألجَأُ إلَيكَ فيما أشفَقتُ عَلَيهِ مِنهُم، وصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأجِرني مِنهُم يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٢]

٢٠٧٨ . **عنه عليه السلام** ـ فيما دَعا بِهِ حينَ بَلَغَهُ تَوَجُّهُ مُسرِفِ بنِ عُقبَةَ إلَى المَدينَةِ ـ: يا ذَا النَّعماءِ الَّتي لا تُحصىٰ عَدَداً، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَادفَع عَنّي شَرَّهُ، فَإنّي أدرَأُ بِكَ في نَحرِهِ، وأستَعيذُ بِكَ مِن شَرِّهِ.[٣]

٢٠٧٩ . **الكافي عن معاوية بن عمّار والعلاء بن سيّابة وظريف بن ناصح**: لَمّا بَعَثَ أبُو الدَّوانيقِ[٤] إلىٰ أبي عَبدِ اللّٰهِ عليه السلام، رَفَعَ يَدَهُ إلَى السَّماءِ، ثُمَّ قالَ:

اللّٰهُمَّ إنَّكَ حَفِظتَ الغُلامَينِ بِصَلاحِ أبَوَيهِما، فَاحفَظني بِصَلاحِ آبائي مُحَمَّدٍ وعَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وعَلِيِّ بنِ الحُسَينِ ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ. اللّٰهُمَّ إنّي أدرَأُ بِكَ في نَحرِهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ.[٥]

٢٠٨٠ . **الإمام الصادق عليه السلام** ـ مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِهِ عَلَى المَنصورِ ـ: اللّٰهُمَّ أنتَ أكبَرُ وأجَلُّ مِمّا

---

١. الاحتجاج: ج ٢ ص ١٩ ح ١٥، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٧١ ح ١؛ شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ٢٨٦ نحوه.

٢. مُهَج الدعوات: ص ٢٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠٩ ح ٦٣.

٣. الإرشاد: ج ٢ ص ١٥٢ عن عمر بن عليّ بن الحسين عليه السلام، شرح الأخبار: ج ٣ ص ٢٧٤ ح ١١٨٤، بحار الأنوار: ج ٤٦ ص ١٢٢ ح ١٤؛ كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٦٢ ح ٥٠١٤ نقلاً عن ابن النجّار نحوه.

٤. الدوانيقي: لقب لأبي جعفر المنصور، وهو الثاني من خلفاء بني العبّاس، ويقال له: أبو الدوانيق (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦١٣ «دنق»).

٥. الكافي: ج ٢ ص ٥٦٣ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٢٠٨ ح ٥١.

پس با نیرو و توان خودت ـ هر گونه و از هر راه که خود می‌خواهی ـ، مرا از آنان نگه دار، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۰۷۷ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! ... به یاری تو، دشمنانم را پس می‌زنم، و در برابر آنان از تو کمک می‌جویم، و از گزندهایشان به تو پناه می‌آورم، و در آنچه از آنها بیمناکم، به تو پناهنده می‌شوم. و درود خدا بر محمّد و خاندان او باد. مرا از آنان (دشمنانم) پناه ده، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۰۷۸ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در دعایی که وقتی به او خبر رسید مُسرف بن عُقبه به سوی مدینه حرکت کرده است، آن را خواند ـ: ای صاحب نعمت‌های بی‌شمار! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و شرّ او (مُسرف) را از من دور بگردان؛ که من به واسطهٔ تو، او را دفع می‌کنم و از گزندش به تو پناه می‌آورم.

۲۰۷۹ . **الکافی** ـ به نقل از معاویة بن عمّار و علاء بن سَیابه و ظریف بن ناصح ـ: چون منصور دوانیقی (دومین خلیفهٔ عبّاسی) در پیِ امام صادقﷺ فرستاد، ایشان دست خود را به سوی آسمان برداشت و گفت: «بار خدایا! تو آن دو پسرک را به خاطر خوب بودن پدر و مادرشان نگه داشتی. پس مرا نیز به خاطر خوبیِ پدرانم ـ محمّد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمّد بن علی ـ نگه بدار. بار خدایا! به واسطهٔ تو، او را دفع می‌کنم و از شرّش به تو پناه می‌آورم».

۲۰۸۰ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعایی که هنگام رفتن نزد منصور دوانیقی خواند ـ: بار خدایا! تو بزرگ‌تر و بِشکوه‌تر از آن چیزی هستی که من از آن می‌ترسم و حذر

أخافُ وأحذَرُ، اللّهُمَّ بِكَ أدفَعُ في نَحرِهِ، وأستَعيذُ بِكَ مِن شَرِّهِ.[١]

٢٠٨١. عنه ﷺ ـ حينَ دَخَلَ عَلَى المَهدِيِّ العَبّاسِيِّ ـ: اِمتَنَعتُ بِحَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِكَ وقُوَّتِكَ، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ، وأقولُ ما شاءَ اللهُ كانَ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[٢]

٢٠٨٢. عنه ﷺ: اِتَّخِذ مَسجِداً في بَيتِكَ، فَإذا خِفتَ شَيئاً، فَالبَس ثَوبَينِ غَليظَينِ مِن أغلَظِ ثِيابِكَ، وصَلِّ فيهِما، ثُمَّ اجثُ عَلىٰ رُكبَتَيكَ فَاصرُخ إلَى اللهِ، وسَلهُ الجَنَّةَ، وتَعَوَّذ بِاللهِ مِن شَرِّ الَّذي تَخافُهُ.

وإيّاكَ أن يَسمَعَ اللهُ مِنكَ كَلِمَةَ بَغيٍ[٣]، وإن أعجَبَتكَ نَفسَكَ[٤] وعَشيرَتَكَ.[٥]

٢٠٨٣. الإمام الكاظم ﷺ ـ مِن دُعائِهِ لِلنَّجاةِ مِن كَيدِ هارونَ ـ: يا ذَا النِّعَمِ الَّتي لا تُحصىٰ عَدَداً، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، اللّهُمَّ بِكَ أدفَعُ وأدرَأُ في نَحرِهِ، وأستَعيذُ بِكَ مِن شَرِّهِ....

وأسأَلُكَ أن تَجعَلَني في كَنَفِكَ[٦] وفي جِوارِكَ، وفي حِفظِكَ وحِرزِكَ[٧] وعِياذِكَ، عَزَّ جارُكَ، وجَلَّ ثَناؤُكَ، ولا إلٰهَ غَيرُكَ....

---

١. كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٧١ عن الربيع، منهج الدعوات: ص ٢٣١، المصباح للكفعمي: ص ٣١٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ١٨٢ ح ٢٨.

٢. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣١٤ نقلاً من خطّ الشهيد الأوّل.

٣. البغيُ: التّعدّي، وبغى الرجلُ: عدل عن الحقّ واستطال. والبغي: الظلمُ والفسادُ (لسان العرب: ج ١٤ ص ٧٨ ـ ٧٩ «بغا»).

٤. الظاهر أنّ فاعل أعجبتك الضمير الراجع إلى الكلمة ونفسك بالنصب تأكيد للضمير وعشيرتك عطف عليه. وقيل: نفسك فاعل أعجبت والأوّل أظهر (بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٧٩).

٥. الكافي: ج ٣ ص ٤٨٠ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٣١٤ ح ٩٧٣ كلاهما عن حريز.

٦. الكنف ـ بالتحريك ـ: الجانب والنّاحية (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

٧. أحرَزتُ الشيء: إذا حَفَظتَهُ وضممته إليك وصُنتَهُ عن الأخذ (النهاية: ج ١ ص ٣٦٦ «حرز»).

می‌کنم. بار خدایا! به واسطه تو، او را دفع می‌کنم و از گزندش به تو پناه می‌آورم.

۲۰۸۱. **امام صادق**ﷺ ـ خطاب به مهدی عبّاسی، هنگامی که نزد او رفت ـ: خویشتن را از نیرو و توان تو، در پناه نیرو و توان خدا در آوردم و به پروردگار سپیده دمان پناه می‌برم از شرّ آنچه آفرید، و می‌گویم: آنچه خدا بخواهد، همان می‌شود و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خدای والا و بزرگ.

۲۰۸۲. **امام صادق**ﷺ: در خانه‌ات جایی مخصوص نماز در نظر بگیر. پس هرگاه از چیزی بیمناک شدی، دو جامهٔ زبر از زبرترین جامه‌هایت بپوش و با آنها نماز بخوان. سپس زانو بزن و به درگاه خدا زاری کن. از او درخواست بهشت کن و از گزند آنچه می‌ترسی، به خدا پناه ببر.

مبادا که خداوند از تو سخنِ زوری بشنود؛ هر چند خوشایند تو و عشیره‌ات باشد.

۲۰۸۳. **امام کاظم**ﷺ ـ در دعا برای رَستن از توطئهٔ هارون ـ: ای صاحب نعمت‌های بی‌شمار! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. بار خدایا! به یاری تو، او را دفع می‌کنم و به سینه‌اش می‌زنم و از گزندش، به تو پناه می‌آورم....

رَبِّ فَأَعِذني بِعِياذِكَ، فَبِعِياذِكَ امتَنَعَ عائِذُكَ، وأدخِلني في جِوارِكَ، عَزَّ جارُكَ، وجَلَّ ثَناؤُكَ....

أُعيذُ نَفسي وديني وأهلي ومالي ووُلدي، ومَن يَلحَقُهُ عِنايَتي، وجَميعَ نِعَمِ اللهِ عِندي، بِباسمِ اللهِ الَّذي خَضَعَت لَهُ الرِّقابُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي خافَتهُ الصُّدورُ، ووَجِلَت مِنهُ النُّفوسُ، وبِالاِسمِ الَّذي نَفَّسَ عَن داوود كُربَتَهُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي قالَ لِلنّارِ كوني بَرداً وسَلاماً عَلىٰ إبراهيمَ، وأرادوا بِهِ كَيداً فَجَعَلناهُمُ الأَخسَرينَ، وبِعَزيمَةِ اللهِ الَّتي لا تُحصىٰ، وبِقُدرَةِ اللهِ المُستَطيلَةِ عَلىٰ جَميعِ خَلقِهِ، مِن شَرِّ فُلانٍ، ومِن شَرِّ ما خَلَقَهُ الرَّحمٰنُ، ومِن شَرِّ مَكرِهِم وكَيدِهِم، وحَولِهِم وقُوَّتِهِم وحيلَتِهِم، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[1]

٢٠٨٤ . الإمام الرضا عليه السلام ـ مِن حِجابِهِ ـ: اِحجُبني اللّهُمَّ في سِترِكَ عَن شِرارِ خَلقِكَ، وَاعصِمني مِن كُلِّ أذىً وسوءٍ بِمَنِّكَ، وَاكفِني شَرَّ كُلِّ ذي شَرٍّ بِقُدرَتِكَ، اللّهُمَّ مَن كادَني أو أرادَني فَإنّي أدرَأُ بِكَ في نَحرِهِ، وأستَعينُ بِكَ مِنهُ، وأستَعيذُ مِنهُ بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ.[2]

و ـ شَرُّ العِبادِ

٢٠٨٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ في دُعاءٍ عَلَّمَهُ عَلِيّاً عليه السلام ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ عِبادِكَ.[3]

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٣ ح ٥.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٣٥٨، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٦ ح ١.

٣ . الدعاء للطبراني: ص ٣١١ ح ١٠١٨ عن عبد الله بن جعفر عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٥٥ ح ٤٩٩٦ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق؛ الإقبال: ج ٣ ص ٣٧ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

و از تو درخواست می‌کنم که مرا در کنار حوضش و در حمایت خویش، در حفاظت و پاسداری و پناه خودت قرار بدهی، [ای کسی] که پناهندهٔ تو سرافراز است، ثنای تو بزرگ است، و معبودی جز تو نیست ... .

ای پروردگار من! مرا با پناهندگی‌ات پناه ده؛ چرا که پناهندهٔ تو، در پناه تو بی‌گزند است. مرا در حمایت خودت در آور، [ای کسی] که تحت الحمایهٔ تو نیرومند است، و ثنای تو بزرگ است ... .

خودم را و دینم را و زن و فرزندان و اموالم را و هر که را مورد عنایت من است و همهٔ نعمت‌هایی را که از خداوند دارم، در پناه نامِ خدایی درآوردم که گردن‌ها تسلیم اویند، در پناه نام خدایی که سینه‌ها از او بیمناک و جان‌ها از او هراسان‌اند، در پناه نامی که اندوه داوود﵇ را از او زدود، در پناه نام خدایی که به آتش فرمود: بر ابراهیم، سرد و بی‌گزند شو. در حالی که آنها (نمرودیان) خواستند به او نیرنگی بزنند، ولی ما آنها را زیانکارترین قرار دادیم، در پناه افسونِ بی‌شمار خدا، در پناه قدرت خدا که همهٔ آفریدگانش را در میان گرفته است؛ از شرّ فلان کس و از شرّ هر آنچه آن مهرْ گستر آفریده است، و از شرّ نیرنگ و ترفند آنها، و از نیرو و قدرت و حیلهٔ آنان. به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

۲۰۸۴ . **امام رضا﵇** ـ در دعای حِرز خود ـ: بار خدایا! مرا از [شرّ] آفریدگان بدکردارت، در پس پردهٔ [حفاظت] خویش پنهان گردان. به لطف خود، مرا از هر آزار و گزندی مصون بدار و به قدرت خود، مرا از شرّ هر شروری نگه دار. بار خدایا! هر کس با من نیرنگ بزند یا قصد جان مرا کند، من به واسطهٔ تو، او را دفع می‌کنم و در برابرش از تو یاری می‌خواهم و از دست او، به نیرو و توان تو پناه می‌آورم.

و ـ شرّ بندگان

۲۰۸۵ . **پیامبر خداﷺ** ـ در دعایی که به علی﵇ آموخت ـ: بار خدایا! من از شرّ بندگانت، به تو پناه می‌برم.

ز ـ شَرُّ العَينِ

٢٠٨٦ . رسول اللهﷺ: اِستَعيذوا بِاللهِ تَعالىٰ مِنَ العَينِ[١]، فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ.[٢]

٢٠٨٧ . عنه ﷺ: العَينُ وَالنَّفسُ[٣] كادا يَسبِقانِ القَدَرَ، فَتَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ العَينِ وَالنَّفسِ.[٤]

٢٠٨٨ . الإمام عليّ ﷺ: إنَّ جِبريلَ أتَى النَّبِيَّ ﷺ فَوافَقَهُ مُغتَمّاً، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ، ما هٰذَا الغَمُّ الَّذي أراهُ في وَجهِكَ؟ قالَ: الحَسَنُ وَالحُسَينُ أصابَتهُما عَينٌ. قالَ: صَدِّق بِالعَينِ؛ فَإِنَّ العَينَ حَقٌّ، أفَلا عَوَّذتَهُما بِهٰؤُلاءِ الكَلِماتِ؟ قالَ: وما هُنَّ يا جِبريلُ؟

قالَ: قُل: اللّٰهُمَّ يا ذَا السُّلطانِ العَظيمِ، ذَا المَنِّ القَديمِ، ذَا الوَجهِ الكَريمِ، وَلِيَّ الكَلِماتِ التّامّاتِ وَالدَّعَواتِ المُستَجاباتِ، عافِ الحَسَنَ وَالحُسَينَ مِن أنفُسِ الجِنِّ وأعيُنِ الإنسِ.

فَقالَهَا النَّبِيُّ ﷺ، فَقاما يَلعَبانِ بَينَ يَدَيهِ. فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: عَوِّذوا أنفُسَكُم ونِساءَكُم وأولادَكُم بِهٰذَا التَّعويذِ، فَإِنَّهُ لَم يَتَعَوَّذِ المُتَعَوِّذونَ بِمِثلِهِ.[٥]

٢٠٨٩ . مجمع البيان: رُوِيَ أنَّ بَني جَعفَرِ بنِ أبي طالِبٍ كانوا غِلماناً بيضاً، فَقالَت أسماءُ بِنتُ عُمَيسٍ: يا رَسولَ اللهِ، إنَّ العَينَ إلَيهِم سَريعَةٌ، أفَأَستَرقي لَهُم مِنَ العَينِ؟ فَقالَ ﷺ: نَعَم.

---

١. أصابت فلاناً عينٌ، إذا نظر إليه عدوٌّ أو حسودٌ، فأثّرت فيه ومرض بسببها (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٢ «عين»).

٢. المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ٧٤٩٧، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١١٥٩ ح ٣٥٠٨ وليس فيه «من العين»، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٠٧ ح ٥٩٤٥ كلّها عن عائشة، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٤٥ ح ١٧٦٦١.

٣. النَّفس: العَين. يقال: أصابت فلاناً نفسٌ؛ أي عين (النهاية: ج ٥ ص ٩٦ «نفس»).

٤. الفردوس: ج ٣ ص ٧٨ ح ٤٢١٩ عن عبد الله بن جراد، كنز العمّال: ج ١٠ ص ٦٦ ح ٢٨٣٨٩.

٥. تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٢٣٤، تاريخ دمشق: ج ٢٤ ص ٤٦١ ح ٥٣٢٢، كنز العمّال: ج ١٠ ص ١٠٨ ح ٢٨٥٤٦؛ المجتنى: ص ٩٣ كلّها عن الحارث، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٢ ح ١٢ نقلاً عن جنّة الأمان للكفعمي وليس فيه ذيله من «فقالها النبيّ ﷺ...».

ز ـ گزند چشم

۲۰۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: از [گزند] چشم، به خدای بزرگ پناه ببرید؛ چرا که چشمْزخم، حقیقت دارد.

۲۰۸۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: چشمْزخم و نُفوس بد زدن، نزدیک است که از تقدیر، پیشی بگیرند. پس، از چشم[ـِبد] و نفوس بد، به خدا پناه ببرید.

۲۰۸۸ . **امام علی**ؑ: جبرئیلؑ نزد پیامبرﷺ آمد. چون او را اندوهگین یافت، گفت: ای محمّد! این اندوه چیست که در چهره‌ات می‌بینم؟

فرمود: «حسن و حسین را چشم زده‌اند».

جبرئیلؑ گفت: چشمْزخم را باور کن؛ زیرا چشم زدن، حقیقت دارد. آیا آن دو را با این جملات، تعویذ نکردی؟

پیامبرﷺ فرمود: «کدام جملات، ای جبرائیل؟».

گفت: بگو: «بار خدایا، ای پروردگار سلطنت بزرگ، ای خداوند نعمت دیرین، ای خداوند رویِ گرامی، ای صاحب کلمات کامل و دعاهای پذیرفته شده! حسن و حسین را از نُفوس بدِ جنّیان و چشمْ زخم‌های آدمیان، بهبود بخش».

پیامبرﷺ این جملات را گفت و بی‌درنگ، حسن و حسین برخاستند و در برابر ایشان به بازی پرداختند. پیامبرﷺ [به اصحاب خود] فرمود: خودتان و زنان و فرزندانتان را با این جملات، تعویذ کنید؛ زیرا تعویذ کنندگان، به چیزی همانند این دعا خود را تعویذ نکرده‌اند».

۲۰۸۹ . **مجمع البیان**: نقل شده است که فرزندان جعفر بن ابی طالب، پسرکانی سفید روی بودند. اسماء دختر عُمَیس گفت: ای پیامبر خدا! اینان زود چشم می‌خورند. آیا بر آنان دعای چشمْزخم ببندم؟

فرمود: «آری».

ورُوِيَ أنَّ جَبرائيلَ عليه السلام رَقىٰ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وعَلَّمَهُ الرُّقيَةَ، وهِيَ: بِاسمِ اللهِ أرقيكَ، مِن كُلِّ عَينٍ حاسِدٍ، اللهُ يَشفيكَ.

ورُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أنَّهُ قالَ: لَو كانَ [شَيءٌ][1] يَسبِقُ القَدَرَ لَسَبَقَتهُ العَينُ.[2]

ح ـ شَرُّ الأعضاءِ وَالجَوارِحِ

٢٠٩٠ . سنن الترمذي عن ابن حميد: أتَيتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقُلتُ: يا رَسولَ اللهِ عَلِّمني تَعَوُّذاً أتَعَوَّذُ بِهِ. قالَ: فَأَخَذَ بِكَتِفي فَقالَ: قُل: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ سَمعي، ومِن شَرِّ بَصَري، ومِن شَرِّ لِساني، ومِن شَرِّ قَلبي، ومِن شَرِّ مَنِيّي ـ يَعني فَرجَهُ ـ.[3]

ط ـ شَرُّ دَوابِّ الأَرضِ وهَوامِّها

٢٠٩١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ بَطنِهِ، ومِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ رِجلَينِ، ومِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ أربَعٍ.[4]

٢٠٩٢ . مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمر: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إذا غَزا أو سافَرَ فَأَدرَكَهُ اللَّيلُ، قالَ: يا أرضُ، رَبّي ورَبُّكِ اللهُ، أعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّكِ، وشَرِّ ما خُلِقَ فيكِ، وشَرِّ ما فيكِ، وشَرِّ ما دَبَّ عَلَيكِ، أعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ ساكِنِ البَلَدِ، ومِن شَرِّ والِدٍ وما

---

١ . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار، وقد سقط من المصدر.

٢ . مجمع البيان: ج ٥ ص ٣٨٠، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٦.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٣ ح ٣٤٩٢، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥١، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٥ و ٢٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٩١ ح ١٥٥٤١ نحوه، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٣١٠ ح ٧٢٢٥، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٤١.

٤ . المعجم الأوسط: ج ٩ ص ١٢١ ح ٩٣٠٤ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩٠؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٣٦ وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٣٩١ ح ١.

همچنین نقل شده است که جبرئیل ﷺ پیامبر ﷺ را افسون کرد و آن افسون را به او آموخت. افسون، این بود: «به نام خدا، افسونت می‌کنم از هر چشمِ حسودی. خدایت شفا دهاد!».

نیز نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بنا بود چیزی از تقدیر پیشی بگیرد، چشم‌زخم، از آن پیشی می‌گرفت».

ح ـ شرّ اعضا و اندام‌ها

۲۰۹۰. **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابن حمید ـ: خدمت پیامبر ﷺ رفتم و گفتم: ای پیامبر خدا! مرا تعویذی بیاموز که خود را با آن، حفظ کنم (در امان بدارم).

ایشان شانه‌ام را گرفت و فرمود: «بگو: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شرّ گوشم، و از شرّ چشمم، و از شرّ زبانم، و از شرّ دلم، و از شرّ آبم»، یعنی آلتش.

ط ـ گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آن

۲۰۹۱. **پیامبر خدا** ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از گزند موجوداتی که به شکم راه می‌روند، و از گزند موجوداتی که بر دو پا راه می‌روند، و از گزند موجوداتی که بر چهار پا راه می‌روند.

۲۰۹۲. **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الله بن عمر ـ: پیامبر خدا هر گاه به جنگ یا سفری می‌رفت، شب که فرا می‌رسید، می‌فرمود: «ای زمین! پروردگار من و تو، خداست. از شرّ تو و شرّ آنچه در تو آفرید و شرّ آنچه در توست و شرّ آنچه بر روی تو می‌جنبد، به خدا پناه می‌برم. از شرّ ساکن بیابان[1]، و از شرّ زاینده

---

۱. مراد از «بیابان»، مأوای جانوران است، خواه در آن منزلگاه و بنایی باشد یا نباشد، و مراد از ساکن بیابان، جن است.

وَلَدَ، ومِن شَرِّ أسَدٍ وأسوَدَ، وحَيَّةٍ وعَقرَبٍ.[١]

راجع: ص ٣٧٠ (بركات الاستعاذة / دفع شرّ الهوامّ والدوابّ والسباع).

ي ـ شَرُّ الدُّنيا

٢٠٩٣ . رسول اللهﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الدُّنيا، فَإنَّ الدُّنيا تَمنَعُ الآخِرَةَ.[٢]

٢٠٩٤ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَةَ، ومِن حَياةٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ، وأعوذُ بِكَ مِن أمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ.[٣]

٢٠٩٥ . الإمام عليّ عليه السلام ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: اللّهُمَّ لا تَجعَلِ الدُّنيا لي سِجناً، ولا فِراقَها عَلَيَّ حُزناً؛ أعوذُ بِكَ مِن دُنيا تَحرِمُنِي الآخِرَةَ، ومِن أمَلٍ يَحرِمُنِي العَمَلَ، ومِن حَياةٍ تَحرِمُني خَيرَ المَماتِ.[٤]

٢٠٩٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ ـ: أعوذُ بِكَ يا إلٰهي مِن شَرِّ الدُّنيا وشَرِّ ما فيها، لا تَجعَلِ الدُّنيا عَلَيَّ سِجناً، ولا فِراقَها عَلَيَّ حُزناً، أخرِجني مِن فِتنَتِها مَرضِيّاً عَنّي، مَقبولاً فيها عَمَلي، إلىٰ دارِ الحَيَوانِ ومَساكِنِ الأخيارِ، وأبدِلني بِالدُّنيا الفانِيَةِ نَعيمَ الدّارِ الباقِيَةِ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أزلِها[٥] وزِلزالِها، وسَطَواتِ شَياطينِها

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٤٩ ح ١٢٢٥١ و ج ٢ ص ٣٩١ ح ٦١٦٩، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣٥ ح ٢٦٠٣ كلاهما نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٤٣ ح ٧٨٦٢، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ١١٠ ح ٢٢٨٧، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٣٥ ح ١٧٦٢٤؛ الأمان: ص ١٤٠ عن حمزة بن عليّ بن عثمان القرشي المخزومي، عوالي اللآلي: ج ١ ص ١٥٦ ح ١٣٣، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦٠ ح ٥٥.

٢ . مشكاة الأنوار: ص ٤٧١ ح ١٥٧٨، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٢ ح ٦.

٣ . تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧٣؛ ذمّ الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٩٤ ح ٢٥٢، الإصابة: ج ٢ ص ١٨٥ وفيهما صدره فقط، الزهد لابن حنبل: ص ٤٧٢ وفيه «العمل» بدل «الآخرة» وليس فيه ذيله.

٤ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٨١ ح ٢٢٤.

٥ . الأَزْلُ: الشِّدَّةُ والضيق (النهاية: ج ١ ص ٤٦ «أزل»).

و آنچه زاده‌است[1]، و از شرّ شیر و اژدها و مار و کژدم، به خدا پناه می‌برم».

ر.ک: ص ۲۷۱ (برکت‌های پناه‌بردن به خدا/دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان).

ی ـ گزند دنیا

۲۰۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! من از دنیا به تو پناه می‌برم؛ زیرا دنیا مانع آخرت می‌شود.

۲۰۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از زندگی‌ای که مانع خیر مرگ گردد، و به تو پناه می‌برم از آرزویی که مانع کار نیک شود.

۲۰۹۵ . **امام علی**ؑ ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ: بار خدایا! دنیا را زندان من، و جدایی از آن را مایهٔ اندوهم قرار مده. به تو پناه می‌برم از دنیایی که مرا از آخرت، محروم سازد و از آرزویی که مرا از عمل، محروم دارد و از زندگی‌ای که مرا از خیر مردن، محروم نماید.

۲۰۹۶ . **امام زین العابدین**ؑ ـ از دعای ایشان ـ: معبودا، از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست، به تو پناه می‌برم. دنیا را بر من، زندان مگردان و جدا شدن از آن را مایهٔ اندوهم مساز. مرا از این فتنه‌سرا، در حالی که از من خشنودی و کردارم در آن، پذیرفتهٔ توست، به زندگی‌سرا و محلّ سکونت خوبان ببر، و به جای دنیای نیست‌شونده، نعمت سرای جاویدان را ارزانی‌ام بدار.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از رنج و سختی دنیا، و یورش‌های اهریمنان و

---

۱. احتمال دارد مراد از «زاینده»، ابلیس باشد و از «آنچه زاده است» شیاطین باشند (المجموع، نووی: ج ۴ ص ۳۹۸).

وسَلاطينِها ونَكالِها[١]، ومِن بَغيِ مَن بَغىٰ عَلَيَّ فيها.[٢]

٢٠٩٧. عنه عليه السلام ـ في مُناجاةِ الزّاهِدينَ ـ: إلٰهي أسكَنتَنا داراً حَفَرتَ لَنا حُفَرَ مَكرِها، وعَلَّقتَنا بِأيدِي المَنايا في حَبائِلِ غَدرِها، فَإلَيكَ نَلتَجِئُ مِن مَكائِدِ خُدَعِها، وبِكَ نَعتَصِمُ مِنَ الاِغتِرارِ بِزَخارِفِ زينَتِها.[٣]

٢٠٩٨. الإمام الصادق عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَةِ، ومِن عاجِلٍ يَمنَعُ خَيرَ الآجِلِ، وحَياةٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ، وأمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ.[٤]

ك ـ مَساوِئُ الأسقامِ

٢٠٩٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ البَرَصِ[٥] وَالجُنونِ وَالجُذامِ[٦]، ومِن سَيِّئِ الأسقامِ.[٧]

٢١٠٠. الكافي عن عليّ بن مهزيار: كَتَبَ مُحَمَّدُ بنُ إبراهيمَ إلىٰ أبِي الحَسَنِ عليه السلام: إن رَأَيتَ يا سَيِّدي أن تُعَلِّمَني دُعاءً أدعو بِهِ في دُبُرِ صَلَواتي، يَجمَعُ اللهُ لي بِهِ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ

---

١. النَّكالُ: العقوبةُ التي تنكل الناس عن فعل ما جُعِلَت له جزاءً، ونكّل به: إذا جعله عبرةً لغيره (النهاية: ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٢. الكافي: ج ٢ ص ٥٥٤ ح ١٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٣٥١ ح ٤٦٦، الإقبال: ج ١ ص ١٣٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، جمال الأسبوع: ص ٢٤١ عن أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عليه السلام وص ٢٩٥ عن عبد الله بن مهران عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إلى الإمام زين العابدين عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢ ح ١.

٣. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٢ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

٤. مصباح المتهجّد: ص ٦٤ ح ١٠١، فلاح السائل: ص ٣٢٠ ح ٢١٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار، الإقبال: ج ٢ ص ١٤٦.

٥. البَرَصُ: بَياضٌ يظهر في ظاهر البدن لفسادِ مزاجٍ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٩٥ «برص»).

٦. الجُذامُ: علّة تحدث من انتشار السوداء في البدن كلّه فيفسد مزاج الأعضاء وهيأتها، وربّما انتهى إلى تأكّل الأعضاء وسقوطها (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٨٨ «جذم»).

٧. سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٣ ح ١٥٥٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٨٤ ح ١٣٠٠٣، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٩٥ ح ١٠١٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٨ ح ٩، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٢٨٩٠ كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٩١.

زورمندان و کیفرهای دنیا، و از ستم کسی که در دنیا [بخواهد] به من ستم کند.

۲۰۹۷. **امام زین العابدین**ﷺ ـ در مناجات زُهدوَرزان ـ: معبود من! ما را در سرایی جای دادی که چاله‌های نیرنگش را برای ما حفر کرده و با ریسمان‌های بی‌وفایی‌اش، ما را بر دستان مرگ، آویخته است. پس، از ترفندهای فریبندهٔ آن به تو پناه می‌بریم و از این که فریفتهٔ زرق و برق زیورهای آن گردیم، به تو متوسّل می‌شویم.

۲۰۹۸. **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از اکنونی که مانع خیر آینده شود، و از زندگی‌ای که مانع خیر مردن شود، و از آرزویی که مانع عمل نیک گردد.

ک ـ بیماری‌های بد

۲۰۹۹. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! من از پیسی و دیوانگی و خوره، و از بیماری‌های بد به تو پناه می‌برم.

۲۱۰۰. **الکافی** ـ به نقل از علی بن مهزیار ـ: محمّد بن ابراهیم به ابو الحسنﷺ[1] نوشت: سَرورم! اگر صلاح می‌دانید، به من دعایی بیاموزید که آن را در تعقیبات نمازهایم بخوانم تا خداوند به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرماید.

---

۱. مقصود از ابو الحسن در این‌جا، امام کاظم یا امام رضاﷺ می‌باشد.

فَكَتَبَ عليه السلام: تَقولُ: أعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ، وعِزَّتِكَ الَّتي لا تُرامُ، وقُدرَتِكَ الَّتي لا يَمتَنِعُ مِنها شَيءٌ، مِن شَرِّ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، ومِن شَرِّ الأَوجاعِ كُلِّها.[١]

راجع: ص ٤٥٣ (مواطن الاستعاذة / تلك الحالات / المرض).
ص ٤٦٢ (بركات الاستعاذة / دفع الأمراض).

ل ـ جَهدُ البَلاءِ

٢١٠١ . مجمع البيان عن الحسن: كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إذا ذُكِرَ أمامَهُ أصحابُ الأُخدودِ[٢]، تَعَوَّذَ بِاللهِ مِن جَهدِ البَلاءِ.[٣]

٢١٠٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن جَهدِ البَلاءِ[٤]، ودَركِ الشَّقاءِ، وسوءِ القَضاءِ، وشَماتَةِ الأَعداءِ.[٥]

م ـ الحَرَبُ

٢١٠٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: يُصبِحُ المُؤمِنُ أو يُمسي عَلىٰ ثُكلٍ[٦]، خَيرٌ لَهُ مِن أن يُصبِحَ أو يُمسِيَ

---

١ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٦ ح ٢٨، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٤٨.

٢ . كانوا قوماً يعبدون صنماً، وكان معهم قوم يعبدون الله عزّ وجلّ ويوحّدونه ويكتمون إيمانهم، فعلموا بهم فخدُّوا لهم أخدُوداً، وملؤوه ناراً وقذفوا بهم في تلك النّار، فتقحّموها ولم يرتدّوا عن دينهم، ثبوتاً على الإسلام، والأخدود: الحفرة المستطيلة في الأرض (تاج العروس: ج ٤ ص ٤٢٣ «خدد»).

٣ . مجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٠٦، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٤٣؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٣٢.

٤ . الجَهد: المَشَقَّة. وجَهد البلاء: الحالة الشاقّة (النهاية: ج ١ ص ٣٢٠ «جهد»).

٥ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٤٤٠ ح ٦٢٤٢ و ج ٥ ص ٢٣٣٦ ح ٥٩٨٧، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٠ ح ٥٣، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٠، الأدب المفرد: ص ٢٠١ ح ٦٦٩ كلّها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمّال: ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٥؛ الإقبال: ج ٢ ص ٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مصباح المتهجّد: ص ١٥٤ ح ٢٤٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٣ ح ٦٩.

٦ . الثُّكل: الموت، والهلاك، وفقدان الحبيب أو الولد (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٤٣ «ثكل»).

امام علیه السلام نوشت: «می‌گویی: به روی گرامی تو و به نیروی احاطه‌ناپذیر تو و به قدرت تو که هیچ چیز از آن سر بر نمی‌تابد، پناه می‌برم از شرّ دنیا و آخرت و از شرّ همهٔ دردها».

ر.ک: ص ۴۵۵ (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری)،

ص ۲۶۳ (برکت‌های پناه بردن به خدا / درمان بیماری‌ها).

ل ـ بلای طاقت‌فرسا

۲۱۰۱. **مجمع البیان** ـ به نقل از حسن ـ: هر گاه در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب اُخدود[1] سخن به میان می‌آمد، ایشان از بلای طاقت‌فرسا به خدا پناه می‌برد.

۲۱۰۲. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: از بلای طاقت‌فرسا و بدبختی دامنگیر و قضای بد و شماتت دشمن، به خدا پناه ببرید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

م ـ تاراج شدن

۲۱۰۳. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: مؤمن، روز و شب خود را در سوگ عزیزش به سر برد، برایش بهتر است تا این که روز و شب در معرض تاراج قرار گیرد. پس، از تاراج

---

۱. در زمان‌های گذشته، مردمی بت‌پرست زندگی می‌کردند که در میان آنها عده‌ای یکتاپرست بودند؛ امّا ایمانشان را پوشیده می‌داشتند. چون ایمانشان بر دیگران معلوم گشت، آن قوم گودال‌هایی کندند و آنها را از آتش آکندند و آن مؤمنان را درون آتش افکندند؛ لیک آن یکتاپرستان بر آیین خویش پایداری کردند و از دینشان بر نگشتند. اُخدود، به معنای گودال‌های مستطیل شکل است (تاج العروس: ج ۴ ص ۴۳۳).

عَلىٰ حَرَبٍ[١]، فَنَعوذُ بِاللهِ مِنَ الحَرَبِ.[٢]

ن ـ الفَقرُ

٢١٠٤ . رسول الله ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ، وَاسمِكَ العَظيمِ، مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ.[٣]

٢١٠٥ . سنن النسائي عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله ﷺ: أنَّهُ كانَ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ. فَقالَ رَجُلٌ: ويَعدِلانِ؟ قالَ: نَعَم.[٤]

٢١٠٦ . رسول الله ﷺ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الفَقرِ وَالقِلَّةِ وَالذِّلَّةِ، وأن تَظلِمَ أو تُظلَمَ.[٥]

٢١٠٧ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أفتَقِرَ في غِناكَ.[٦]

٢١٠٨ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ إلّا إلَيكَ، ومِنَ الذُّلِّ إلّا لَكَ.[٧]

٢١٠٩ . كنز الفوائد: قالَ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بِأَشقَى الأَشقِياءِ؟ قالوا: بَلىٰ يا رَسولَ اللهِ. قالَ: مَنِ اجتَمَعَ عَلَيهِ فَقرُ الدُّنيا، وعَذابُ الآخِرَةِ، نَعوذُ بِاللهِ مِن ذٰلِكَ.[٨]

---

١. الحَرَبُ ـ بالتحريك ـ: نهبُ مال الإنسان، وتركه لا شيء له (النهاية: ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).

٢. الكافي: ج ٥ ص ٧٢ ح ١٢ عن الإمام الصادق عليه السلام.

٣. كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٨ ح ٣٦٨٥ و ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٣ نقلاً عن الطبراني في السنّة عن عبد الرحمن بن أبي بكر.

٤. سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٧، موارد الضمآن: ص ٦٠٤ ح ٢٤٣٨، تهذيب الكمال: ج ١٠ ص ١٧٢ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٧.

٥. سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦١، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٢، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦٤٨ ح ١٠٩٧٣، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٧، موارد الضمآن: ص ٦٠٥ ح ٢٤٤٢ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٦ ص ٤٩٣ ح ١٦٦٨٨.

٦. منهج الدعوات: ص ١٣٤، نهج البلاغة: الخطبة ٢١٥، الأمان: ص ١٢٦، المصباح للكفعمي: ص ٤٠٢ والثلاثة الأخيرة عن ابن عبّاس عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ٩.

٧. شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ١٩١؛ العدد القوية: ص ٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٢٣٣.

٨. كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٩٣، معدن الجواهر: ص ٢٥، إرشاد القلوب: ج ١ ص ١٩ عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه، أعلام الدين: ص ١٥٩، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٠ ح ٣.

شدن، به خدا پناه می‌بریم.

ن ـ ناداری

۲۱۰۴. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از کفر و ناداری، به روی گرامی و نام بزرگ تو پناه می‌برم.

۲۱۰۵. **سنن النسائی** ـ به نقل از ابو سعید خُدری ـ: پیامبر خدا می‌فرمود: «بار خدایا! من از کفر و ناداری، به تو پناه می‌برم».

مردی گفت: این دو، همسنگ‌اند؟

فرمود: «آری».

۲۱۰۶. **پیامبر خدا**ﷺ: از ناداری و کمبود و خواری و این که ستم کنید یا به شما ستم شود، به خدا پناه ببرید.

۲۱۰۷. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از این که با وجود توانگریِ تو، درویش شوم، به تو پناه می‌برم.

۲۱۰۸. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که به غیر تو، نیازمند شوم و در برابر جز تو، خوار گردم.

۲۱۰۹. **کنز الفوائد**: [پیامبرﷺ] فرمود: «آیا شما را از شور بخت‌ترینِ شوربختان خبر ندهم؟».

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «کسی که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شوند. از این امر، به خدا پناه می‌بریم».

٢١١٠ . كنز العمّال عن أبي هريرة: جاءَت فاطِمَةُ عليها السلام إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله تَسأَلُهُ خادِماً، فَقالَ: ألا أدُلُّكِ عَلىٰ ما هُوَ خَيرٌ لَكِ مِن خادِمٍ؟ تُسَبِّحينَ اللهَ ثَلاثاً وثَلاثينَ تَسبيحَةً، وتُكَبِّرينَ أربَعاً وثَلاثينَ تَكبيرَةً، وتُحَمِّدينَ ثَلاثاً وثَلاثينَ تَحميدَةً، وتَقولينَ:

اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ، ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ، رَبَّنا ورَبَّ كُلِّ شَيءٍ، مُنزِلَ التَّوراةِ وَالإنجيلِ وَالقُرآنِ أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ شَيءٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ، اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَكَ شَيءٌ، وأنتَ الآخِرُ فَلَيسَ بَعدَكَ شَيءٌ، وأنتَ الظّاهِرُ فَلَيسَ فَوقَكَ شَيءٌ، وأنتَ الباطِنُ فَلَيسَ دونَكَ شَيءٌ، اقضِ عَنِّي الدَّينَ، وأعِذني مِنَ الفَقرِ.[1]

٢١١١ . الإمام عليّ عليه السلام: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وقَنِّعني بِحَلالِكَ عَن حَرامِكَ، وأعِذني مِنَ الفَقرِ.[2]

٢١١٢ . عنه عليه السلام ـ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّةِ ـ: يا بُنَيَّ، إنّي أخافُ عَلَيكَ الفَقرَ، فَاستَعِذ بِاللهِ مِنهُ؛ فَإنَّ الفَقرَ مَنقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَدهَشَةٌ[3] لِلعَقلِ، داعِيَةٌ لِلمَقتِ[4].[5]

٢١١٣ . عنه عليه السلام: مَنِ ابتُلِيَ بِالفَقرِ فَقَدِ ابتُلِيَ بِأربَعِ خِصالٍ: بِالضَّعفِ في يَقينِهِ، وَالنُّقصانِ في عَقلِهِ، وَالرِّقَّةِ في دينِهِ، وقِلَّةِ الحَياءِ في وَجهِهِ، فَنَعوذُ بِاللهِ مِنَ الفَقرِ.[6]

٢١١٤ . الإمام الصادق عليه السلام: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الفَقرِ.[7]

---

١ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٥٠٩ ح ٤١٩٨٦ نقلاً عن ابن جرير.

٢ . البلد الأمين: ص ٥٥٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٦١ ح ٥.

٣ . دهش الرجل ـ بالكسر ـ دهشاً: تحيّر، والدَّهش: ذهاب العقل (لسان العرب: ج ٦ ص ٣٠٣ «دهش»).

٤ . المَقْتُ: أشدّ البُغض (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٥ . نهج البلاغة: الحكمة ٣١٩، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥٣ ح ٨٣.

٦ . جامع الأخبار: ص ٣٠٠ ح ٨١٨، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٤٨ ح ٥٨.

٧ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٢٦٩ ح ٣٩٧١، الكافي: ج ٥ ص ١٦٧ ح ٣ وفيه «نعوذ بالله ...»، تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ١٦٣ ح ٧٢٠ وفيه «أعوذ بالله ...» وكلّها عن أبي الصباح الكناني.

۲۱۱۰ . **کنزالعمّال** ـ به نقل از ابو هریره ـ: فاطمه‌ﷺ نزد پیامبرﷺ آمد و از ایشان خدمتکاری خواست. [پیامبرﷺ] فرمود: «آیا تو را به چیزی که برایت از خدمتکار، بهتر است، راه نمایی نکنم؟ سی و سه بار خدا را "سبحان الله" می‌گویی و سی و چهار بار "الله اکبر" و سی و سه بار "الحمد لله". آن گاه می‌گویی: خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار ما و پروردگار همهٔ موجودات! ای فرو فرستندهٔ تورات و انجیل و قرآن! به تو پناه می‌برم از گزند هر چیزی که زمام اختیار آن، در دست توست.

خدایا! تو آغازینی و چیزی پیش از تو نبوده است، و تو فرجامینی و چیزی پس از تو نیست، و تو آشکاری و چیزی آشکارتر از تو نیست، و تو نهانی و چیزی نهان‌تر از تو نیست. قرض مرا ادا کن و مرا از ناداری، در پناه خویش گیر».

۲۱۱۱ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به حلال خود، قانع گردان تا به حرامت روی نیاورم، و مرا از ناداری، پناه ده.

۲۱۱۲ . **امام علی**ﷺ ـ به فرزندش محمّد بن حنفیّه ـ: پسرم! من از فقر بر تو می‌ترسم. پس، از آن به خدا پناه ببر؛ چرا که فقر، کاهندهٔ دین و برندهٔ خِرد و برانگیزندهٔ کین است.

۲۱۱۳ . **امام علی**ﷺ: هر که به ناداری گرفتار آید، به چهار چیز دچار می‌گردد: به سستی در یقینش، کاستی در خِردش، نازکی در دینش، و بی‌آزرمی در رویش. پس، از ناداری، به خدا پناه می‌بریم.

۲۱۱۴ . **امام صادق**ﷺ: از ناداری، به خدا پناه برید.

س ـ غَلَبَةُ الدَّينِ

٢١١٥ . **الخصال عن أبي سعيد الخدري:** سَمِعتُ رَسولَ اللهِ ﷺ يَقولُ: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الكُفرِ وَالدَّينِ»، قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، أيَعدِلُ الدَّينُ بِالكُفرِ؟ فَقالَ ﷺ: نَعَم.[١]

٢١١٦ . **صحيح البخاري عن عائشة:** إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَدعو فِي الصَّلاةِ ويَقولُ: «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ[٢]»، فَقالَ لَهُ قائِلٌ: ما أكثَرَ ما تَستَعيذُ ـ يا رَسولَ اللهِ ـ مِنَ المَغرَمِ؟

قالَ: إنَّ الرَّجُلَ إذا غَرِمَ، حَدَّثَ فَكَذَبَ، ووَعَدَ فَأَخلَفَ.[٣]

٢١١٧ . **سنن النسائي عن عبد الله بن عمرو:** إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَدعو بِهٰؤُلاءِ الكَلِماتِ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ، وغَلَبَةِ العَدُوِّ، وشَماتَةِ[٤] الأَعداءِ.[٥]

٢١١٨ . **الإمام علي عليه السلام:** إستَعيذوا بِاللهِ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ.[٦]

٢١١٩ . **عنه عليه السلام:** إستَعيذوا بِاللهِ مِن ضَلَعِ[٧] الدَّينِ، وغَلَبَةِ الرِّجالِ.[٨]

---

١ . الخصال: ص ٤٤ ح ٣٩، علل الشرايع: ص ٥٢٨ ح ٣، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٤١ ح ٢؛ سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٧٧ ح ١١٣٣٣، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٣٠٢ ح ١٠٢٥، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٧ ح ٢١٣٧.

٢ . المَغْرَمُ: الدَّينُ (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٣ «غرم»).

٣ . صحيح البخاري: ج ٢ ص ٨٤٤ ح ٢٢٦٧ و ج ١ ص ٢٨٦ ح ٧٩٨، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٨ و ٢٦٤، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٩٠ ح ٢٦١٣٤، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ١٠ ص ٤٣٨ ح ١٩٦٣٠، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٥٥٦٥ كلّها نحوه.

٤ . الشَّماتَةُ: فرح العدوّ ببليّةٍ تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج ٢ ص ٤٩٩ «شمت»).

٥ . سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٥ و ٢٦٨، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٢٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٥، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٨ ح ١٣٣٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢١ ح ٣١ عن مجاهد وفيه «بوار الأيّم» بدل «شماتة الأعداء»، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٣ ح ٥٠٦٦.

٦ . تحف العقول: ص ١١٣.

٧ . ضَلَعُ الدَّين: أي ثِقلُهُ (النهاية: ج ٣ ص ٩٦ «ضلع»).

٨ . الخصال: ص ٦٢٢ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٣٤ ح ٢.

س ـ چیره شدن بدهکاری

۲۱۱۵ . **الخصال** ـ به نقل از ابو سعید خُدری ـ : از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «به خدا پناه می‌برم از کفر و قرض».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا قرض، با کفر، همسنگ است؟

فرمود: «آری».

۲۱۱۶ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از عایشه ـ : پیامبر خدا در نماز، دعا می‌کرد و می‌گفت: «بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می‌برم».

گوینده‌ای گفت: ای پیامبر خدا! شما چه قدر از بدهکاری، به خدا پناه می‌برید؟

فرمود: «مرد، هر گاه بدهکار باشد، هم دروغ می‌گوید و هم بدقولی می‌کند».

۲۱۱۷ . **سنن النسائی** ـ به نقل از عبد الله بن عمرو ـ : پیامبر خدا با این کلمات، دعا می‌کرد: «بار خدایا! از چیره شدن قرض و چیره شدن دشمن و شماتت دشمنان، به تو پناه می‌برم».

۲۱۱۸ . **امام علی**ؑ: از قرض بالا آوردن، به خدا پناه ببرید.

۲۱۱۹ . **امام علی**ؑ: از فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به خدا پناه برید.

٢١٢٠ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي المَعونَةِ عَلىٰ قَضاءِ الدَّينِ ـ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وهَب لِيَ العافِيَةَ مِن دَينٍ تُخلِقُ[1] بِهِ وَجهي، ويَحارُ فيهِ ذِهني، ويَتَشَعَّبُ لَهُ فِكري، ويَطولُ بِمُمارَسَتِهِ شُغلي.

وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ مِن هَمِّ الدَّينِ وفِكرِهِ، وشُغلِ الدَّينِ وسَهَرِهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأعِذني مِنهُ، وأستَجيرُ بِكَ يا رَبِّ مِن ذِلَّتِهِ فِي الحَياةِ، ومِن تَبِعَتِهِ بَعدَ الوَفاةِ.[2]

٢١٢١ . الإمام الصادق عليه السلام ـ مِمّا عَلَّمَهُ عَبدَ اللهِ بنَ سِنانٍ لِقَضاءِ دَينِهِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ البُؤسِ وَالفَقرِ، ومِن غَلَبَةِ الدَّينِ وَالسُّقمِ، وأسأَلُكَ أن تُعينَني عَلىٰ أداءِ حَقِّكَ إلَيكَ وإلَى النّاسِ.[3]

٢١٢٢ . عنه عليه السلام: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ، وغَلَبَةِ الرِّجالِ، وبَوارِ الأَيِّمِ.[4] [5]

ع ـ الذِّلَّةُ وَالخِزيُ

٢١٢٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله ـ مِمّا عَلَّمَهُ إيّاهُ جَبرَئيلُ ـ: رَبِّ أعوذُ بِكَ أن أذِلَّ أو أخزىٰ.[6]

٢١٢٤ . الإمام الحسين عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ فِي قُنوتِ الوَترِ ـ: اللّٰهُمَّ إنَّكَ تَرىٰ ولا تُرىٰ، وأنتَ بِالمَنظَرِ الأَعلىٰ، وإنَّ إلَيكَ الرُّجعىٰ، وإنَّ لَكَ الآخِرَةَ وَالأُولىٰ. اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن

---

١ . خَلُقَ الثَّوبُ: إذا بَلِيَ، فهو خَلَقٌ (المصباح المنير: ص ١٨٠ «خلق»).

٢ . الصحيفة السجّادية: ص ١٢١ الدعاء ٣٠، المصباح للكفعمي: ص ٢٣٠، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٣٨٨ ح ١٥٦٨٤.

٣ . تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٨٢ عن عبد الله بن سنان، مصباح المتهجّد: ص ٢١٥ ح ٣٢٤ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٢ ح ٨.

٤ . بَوارُ الأَيِّم: أي كسادُها، والأَيِّمُ: التي لا زوجَ لها، وهي مع ذلك لا يرغب فيها أحد (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٥ . الكافي: ج ٥ ص ٩٢ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٨٣ ح ٣٧٧ وفيه «نعوذ» بدل «تعوّذوا»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٨١ ح ٣٦٧٩ كلّها عن عبد الرحمٰن بن الحجّاج.

٦ . مُهَج الدعوات: ص ٢١٦ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام؛ الفردوس: ج ١ ص ٤٤٢ ح ١٨٠٢ عن ابن عبّاس نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٣٧٨٢.

۲۱۲۰ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در یاری خواستن برای ادای قرض ـ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا از قرضی که به واسطهٔ آن، چهره‌ام دُژم، خاطرم پریشان، و اندیشه‌ام پراکنده گردد و پیوسته بِدان سرگرم باشم، رهایی بخش.

پروردگارا! به تو پناه می‌برم از اندوه و اضطراب قرض، و دل مشغولی به قرض و بی‌خوابی کشیدن به خاطر آن. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از قرض، در پناه خویش بدار. ای پروردگار من! به تو پناه می‌برم از خواری بدهکاری در زندگی و از عواقب آن پس از مرگ.

۲۱۲۱ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعایی که به عبد الله بن سنان برای ادا شدن قرضش آموخت ـ: بار خدایا! از بینوایی و ناداری، و از دامنگیر شدن قرض و بیماری، به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم که در ادای حقّ خودت و حقّ مردم، به من کمک کنی.

۲۱۲۲ . **امام صادق**ﷺ: از چیره شدن قرض و چیره شدن مردان (اوباش) و بی‌مشتری ماندن زنان بی‌شوهر، به خدا پناه برید.

ع ـ خواری و رسوایی

۲۱۲۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعایی که جبرئیل به ایشان آموخت ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که خوار یا رسوا شوم.

۲۱۲۴ . **امام حسین**ﷺ ـ از دعای ایشان در قنوت نماز وتر ـ: بار خدایا! تو می‌بینی و خود، دیده نمی‌شوی. تو، در چشم‌انداز بررسی و بازگشت [همگان]، به سوی توست و آخرت و دنیا از آنِ تواند. بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از

أن نَذِلَّ ونَخزىٰ.[١]

٢١٢٥ . الإمام الصادق عليه السلام ـ فيما يُقالُ عِندَ الحَجَرِ الأَسوَدِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ، ومَواقِفِ الخِزيِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ.[٢]

ف ـ تِلكَ الأمورُ

٢١٢٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إستَعيذوا بِاللهِ مِنَ المَفاقِرِ: الإمامِ الجائِرِ؛ الَّذي إذا أحسَنتَ لَم يَقبَل، وإذا أسَأتَ لَم يَتَجاوَز. ومِن جارِ السَّوءِ؛ الَّذي عَينُهُ تَراكَ وقَلبُهُ يَرعاكَ، إن رَأىٰ خَيراً أذَمَّهُ[٣]، وإن رَأىٰ شَرّاً أذاعَهُ. ومِنَ المَشيبِ؛ زَوجَةِ السَّوءِ.[٤]

٢١٢٧ . عنه صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن ثَلاثِ فَواقِرَ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن مُجاوَرَةِ جارِ سَوءٍ؛ إن رَأىٰ خَيراً كَتَمَهُ وإن رَأىٰ شَرّاً أذاعَهُ. وتَعَوَّذوا بِاللهِ مِن زَوجَةِ سَوءٍ؛ إن دَخَلتَ عَلَيها لَسَنَتكَ[٥] ـ كَذا قالَ ـ وإن غِبتَ عَنها خانَتكَ. وتَعَوَّذوا بِاللهِ مِن إمامِ سَوءٍ؛ إن أحسَنتَ[٦] لَم يَقبَل، وإن أسَأتَ لَم يَغفِر.[٧]

٢١٢٨ . عنه صلى الله عليه وآله ـ لِرَجُلٍ مِنَ الأَنصارِ ـ: أفَلا أُعَلِّمُكَ كَلاماً إذا أنتَ قُلتَهُ أذهَبَ اللهُ عز وجل هَمَّكَ،

---

١. المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣ و ج ٧ ص ١١٣ ح ٢، كنز العمّال: ج ٨ ص ٨٢ ح ٢١٩٩٢؛ مصباح المتهجّد: ص ١٣٥ ح ٢٢٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام وص ٩٩ ح ١٦٦، فلاح السائل: ص ٤١٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٩٢ ح ١١.

٢. الكافي: ج ٤ ص ٤٠٣ ح ١ عن معاوية بن عمّار، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٢ ح ٣٢٩، مصباح المتهجّد: ص ٦٨١ ح ٧٥٠، المقنعة: ص ٤٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام؛ كنز العمّال: ج ٥ ص ١٧٢ ح ١٢٥٠٣ نقلاً عن الأزرقي.

٣. أذمَّهُ: وجده ذميماً مذموماً (لسان العرب: ج ١٢ ص ٢٢٠ «ذمم»).

٤. كنز العمّال: ج ١٦ ص ٤٧ ح ٤٣٨٧٥ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

٥. في المصدر: «السنتك»، والتصحيح من كنز العمّال. و«لَسَنَتكَ» أي أخَذَتكَ بِلِسانِها يَصِفُها بِالسَّلاطَةِ وكثرة الكلامَ والبَذاءِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٤٩ «لسن»).

٦. في المصدر: «أحسنته»، والتصحيح من كنز العمّال.

٧. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٨٢ ح ٩٥٥٤ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ٤٤ ح ٢٤٨٥١.

این که خوار و رسوا شویم.

۲۱۲۵ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعایی که در نزد حجر الأسود گفته می‌شود ـ: بار خدایا! از کفر و فقر، و جایگاه‌های رسوایی در دنیا و آخرت، به تو پناه می‌برم.

ف ـ این چند چیز

۲۱۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: از بلاهای کمرشکن، به خدا پناه ببرید: از پیشوای ستمگری که اگر خوبی کنی، نمی‌پذیرد و اگر بدی کنی، گذشت نمی‌کند؛ از همسایهٔ بد، که چشمش تو را می‌بیند و دلش تو را می‌پاید و اگر کار خوبی ببیند، آن را بد می‌بیند و اگر کار بدی ببیند، آن را جار می‌زند؛ و از پیر شدن [با آزارهای] همسر بد.

۲۱۲۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: از سه بلای کمرشکن، به خدا پناه برید: از همسایگی با همسایهٔ بد، به خدا پناه برید، که اگر خوبی ببیند، می‌پوشاند و اگر بدی ببیند، فاش می‌گرداند؛ از همسر بد، به خدا پناه برید، که در حضورت با تو بدزبانی می‌کند و در غیاب تو، به تو خیانت می‌ورزد؛ و از پیشوای بد، به خدا پناه برید، که اگر خوبی کنی، نمی‌پذیرد و اگر بدی کنی، نمی‌بخشاید.

۲۱۲۸ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به مردی از انصار ـ: آیا گفتاری به تو نیاموزم که هر گاه آن را

وقَضىٰ عَنكَ دَينَكَ ؟...

قُل إذا أصبَحتَ وإذا أمسَيتَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ وَالحُزنِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ وَالكَسَلِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الجُبنِ وَالبُخلِ، وأعوذُ بِكَ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ وقَهرِ الرِّجالِ.[١]

٢١٢٩ . تيسير المطالب عن عبد الله بن مسعود: عَلَّمَنا رَسولُ اللهِ ﷺ سِتَّ دَعَواتٍ، قالَ: عَلِّموهُنَّ أنفُسَكُم وأزواجَكُم وأولادَكُم: أعوذُ بِاللهِ مِن صاحِبٍ يُغوي[٢]، وهَوىً يُردي، وعَمَلٍ يُخزي، وفَقرٍ يُنسي، وغِنىً يُطغي، وجارٍ يُؤذي.[٣]

٢١٣٠ . المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد بن ثابت عن رسول الله ﷺ: «تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن عَذابِ النّارِ» ـ ثَلاثاً ـ، قُلنا: نَعوذُ بِاللهِ مِن عَذابِ النّارِ.

«وتَعَوَّذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، تَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الفِتَنِ، ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ». قُلنا: نَعوذُ بِاللهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ.[٤]

٢١٣١ . رسول الله ﷺ: خَمسٌ إن أدرَكتُموهُنَّ فتَعَوَّذوا بِاللهِ مِنهُنَّ:

لَم تَظهَرِ الفاحِشَةُ في قَومٍ قَطُّ حَتّىٰ يُعلِنوها، إلّا ظَهَرَ فيهِمُ الطّاعونُ وَالأَوجاعُ الَّتي لَم تَكُن في أسلافِهِمُ الَّذين مَضَوا.

ولَم يَنقُصُوا المِكيالَ وَالميزانَ إلّا أُخِذوا بِالسِّنينَ[٥]، وشِدَّةِ المَؤونَةِ، وجَورِ السُّلطانِ.

---

١ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٣ ح ١٥٥٥ عن أبي سعيد الخدري، تهذيب الكمال: ج ٢٣ ص ١٠٦، الأذكار للنووي: ص ٧٩، كنز العمّال: ج ٦ ص ٢٣٩ ح ١٥٥١٩.

٢ . غوىٰ: أي ضلّ. والغيُّ: الضلالُ والانهماك في الباطل (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).

٣ . تيسير المطالب: ص ٢٣٤.

٤ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٧ ح ١، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦٣ ح ٣٩٧٥.

٥ . السَّنَةُ: الجدبُ (النهاية: ج ٢ ص ٤١٣ «سنه»).

بگویی، خداوندﷻ غم تو را بزداید و قرض تو را ادا کند؟... هر صبح و شام بگو: «بار خدایا! از غم و اندوه، به تو پناه می‌برم، و از ناتوانی و سستی به تو پناه می‌برم، و از ترسویی و بخل، به تو پناه می‌برم، و از چیره شدن قرض و غلبه یافتن مردان (اوباش) به تو پناه می‌برم».

۲۱۲۹. **تیسیر المطالب** ـ به نقل از عبد الله بن مسعود ـ: پیامبر خدا، [این] شش دعا را به ما آموخت و فرمود: «آنها را به خودتان و همسرانتان و فرزندانتان بیاموزید»: از دوستی که گم راه می‌کند، و از هوسی که نابود می‌گرداند، و از کاری که رسوا می‌سازد، و از فقری که [خدا را] از یاد می‌برد، و از توانگری و ثروتی که سرکشی می‌آورد، و از همسایه‌ای که آزار می‌دهد، به خدا پناه می‌برم.

۲۱۳۰. **المصنّف**، ابن ابی شیبة ـ به نقل از زید بن ثابت ـ: پیامبر خدا سه بار فرمود: «از عذاب آتش، به خدا پناه ببرید».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

گفتیم: از عذاب آتش، به خدا پناه می‌بریم.

[پیامبرﷺ ادامه داد:] «و از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید. از فتنه‌های آشکار و نهان، به خدا پناه ببرید. از فتنهٔ دَجّال، به خدا پناه ببرید».

ما گفتیم: از فتنهٔ دجّال، به خدا پناه می‌بریم.

۲۱۳۱. **پیامبر خداﷺ**: پنج چیز است که اگر به آنها برخوردید، از آنها به خدا پناه ببرید: هیچ گاه در میان مردمی زنا پیدا نشد و آن را شایع نکردند، مگر آن که طاعون و دردهایی که در گذشتگانشان نبوده است، در میان آنان پدیدار گردید.

[هیچ گاه] از پیمانه و ترازو نکاستند [و کم‌فروشی نکردند]، مگر آن که به قحطی و سختی در معیشت و ستم حاکم دچار شدند.

ولَم يَمنَعُوا الزَّكاةَ إلّا مُنِعُوا القَطرَ مِنَ السَّماءِ، ولَولَا البَهائِمُ لَم يُمطَروا.

ولَم يَنقُضوا عَهدَ اللهِ وعَهدَ رَسولِهِ إلّا سَلَّطَ اللهُ عَلَيهِم عَدُوَّهُم، وأخَذوا بَعضَ ما في أيديهِم.

ولَم يَحكُموا بِغَيرِ ما أنزَلَ اللهُ ﷻ إلّا جَعَلَ اللهُ ﷻ بَأسَهُم بَينَهُم.[١]

٢١٣٢ . معاني الأخبار عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق ﷺ: أنَّهُ سُئِلَ عَن قَولِ رَسولِ اللهِ ﷺ: «أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ وَالعامَّةِ وَاللّامَّةِ»، فَقالَ: السّامَّةُ القَرابَةُ، وَالهامَّةُ هَوامُّ الأَرضِ، وَاللّامَّةُ لَمَمُ الشَّياطينِ، وَالعامَّةُ عامَّةُ النّاسِ.[٢]

٢١٣٣ . الإقبال ـ مِن دُعاءِ إدريسَ ﷺ ـ: أعوذُ بِكَ مِن سُقمٍ مُصرِعٍ، وفَقرٍ مُدقِعٍ[٣]، ومِنَ الذُّلِّ.[٤]

ص ـ شَرُّ عاقِبَةِ الأُمورِ

٢١٣٤ . رسول الله ﷺ: أسأَلُ اللهَ الإيمانَ وَالتَّقوىٰ، وأعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ عاقِبَةِ الأُمورِ.[٥]

٢١٣٥ . الإمام عليّ ﷺ ـ مِن كِتابِهِ لِمالِكٍ الأَشتَرِ ـ: تَعَوَّذ بِاللهِ مِن دَركِ[٦] الشَّقاءِ.[٧]

٢١٣٦ . عنه ﷺ ـ عِندَ طَوافِهِ عَلَى القَتلىٰ في وَقعَةِ الجَمَلِ ـ: أعوذُ بِاللهِ مِن سوءِ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٣٧٣ ح ١ عن الإمام الباقر ﷺ، ثواب الأعمال: ص ٣٠١ ح ٢ عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٧٦ ح ١٣؛ سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٣٣٣ ح ٤٠١٩، المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٥٨٣ ح ٨٦٢٣ كلاهما عن عبد الله بن عمر نحوه، كنز العمّال: ج ١٦ ص ٨٠ ح ٤٤٠١٠.

٢ . معاني الأخبار: ص ١٧٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٤١ ح ٢.

٣ . في المصدر: «مقرع»، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار. وفقر مدقع: أي شديد يفضي بصاحبه إلى الدقعاء ـ أي التراب ـ (النهاية: ج ٢ ص ١٢٧ «دقع»).

٤ . الإقبال: ج ١ ص ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩٩.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٥٨٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥٧٦ ح ٧٨٨ كلاهما عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٤ ح ٨.

٦ . الدَّرْك: اللّحاق والوصولُ إلى الشيء، أدركتُه إدراكاً (النهاية: ج ٢ ص ١١٤ «درك»).

٧ . تحف العقول: ص ١٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٤١ ح ١.

[هیچ گاه] از دادن زکات خودداری نکردند، مگر آن که از باران آسمان، محروم گشتند و اگر به خاطر چارپایان نبود، هرگز باران بر آنها نمی‌بارید.

[هیچ گاه] پیمان با خدا و پیمان با پیامبر او را نشکستند، مگر آن که خداوند، دشمنانشان را بر ایشان مسلّط گردانید و آنها قسمتی از اموالشان را گرفتند.

و [هیچ گاه] بر خلاف آنچه خداوند ﷻ فرو فرستاده است، حکم نکردند، مگر آن که خداوند ﷻ آنها را به جان یکدیگر افکند.

۲۱۳۲ . **معانی الأخبار** ـ به نقل از سلیمان بن خالد ـ: از امام صادق ﷺ در بارهٔ این سخن پیامبر خدا سؤال شد: «به تو پناه می‌برم از گزند سامّه و هامّه و عامّه ولامّه».

فرمود: «سامّه، خویشاوندان‌اند. هامّه، خزندگان‌اند. لامّه، وسوسه‌های شیاطین‌اند و عامّه، تودهٔ (عوام) مردم».

۲۱۳۳ . **الإقبال** ـ از دعای ادریس ﷺ ـ: از بیماریِ زمینگیر کننده و فقر شدید و از خواری، به تو پناه می‌برم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ص ـ بدفرجامی کارها

۲۱۳۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: ایمان و پرهیزگاری از خدا می‌طلبم و از بدفرجامی کارها، به خدا پناه می‌برم.

۲۱۳۵ . **امام علی** ﷺ ـ از نامهٔ ایشان به مالک اشتر ـ: از دامنگیر شدن بدبختی، به خدا پناه ببر.

۲۱۳۶ . **امام علی** ﷺ ـ هنگام گشت زدن در میان کشتگان جنگ جمل ـ: از بر خاک افتادن

المَصرَعِ.[١]

٢١٣٧ . عنه عليه السلام ـ مِن كِتابٍ لَهُ ـ : مَتىٰ كُنتُم ـ يا مُعاوِيَةُ ـ ساسَةَ الرَّعِيَّةِ، ووُلاةَ أمرِ الأُمَّةِ ؟! بِغَيرِ قَدَمٍ سابِقٍ، ولا شَرَفٍ باسِقٍ[٢]، ونَعوذُ بِاللهِ مِن لُزومِ سَوابِقِ الشَّقاءِ، وأُحَذِّرُكَ أن تَكونَ مُتَمادِياً في غِرَّةِ[٣] الأُمنِيَّةِ، مُختَلِفَ العَلانِيَةِ وَالسَّريرَةِ.[٤]

٢١٣٨ . الإمام الصادق عليه السلام : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأعِذنا أن تَخيبَ آمالُنا، وتَحبَطَ أعمالُنا.[٥]

٢١٣٩ . الإمام الهادي عليه السلام ـ في قُنوتِهِ ـ : اللّٰهُمَّ أسعِدنا بِالشُّكرِ، وَامنَحنَا النَّصرَ، وأعِذنا مِن سوءِ البِدارِ[٦] وَالعاقِبَةِ وَالخَترِ[٧].[٨]

ق ـ الشَّرُّ كُلُّهُ

٢١٤٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله : نَزَلَ جَبرَئيلُ عليه السلام فَقالَ : إنَّ خَيرَ الدُّعاءِ أن تَقولَ فِي الصَّلاةِ : اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمدُ كُلُّهُ، ولَكَ المُلكُ كُلُّهُ، ولَكَ الخَلقُ كُلُّهُ، وإلَيكَ يَرجِعُ الأَمرُ كُلُّهُ، وأعوذُ بِكَ مِن الشَّرِّ كُلِّهِ.[٩]

٢١٤١ . عنه صلى الله عليه وآله : اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم، وأعوذُ بِكَ مِنَ

---

١ . الإرشاد : ج ١ ص ٢٥٤، الجمل : ص ٣٩٢، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٢٠٧ ح ١٦٣.

٢ . الباسِقُ : المُرتفع في علوّه، والبسوق : علوّ ذكر الرجل في الفضل (النهاية : ج ١ ص ١٢٨ «بسق»).

٣ . الغِرَّةُ : الغَفْلَةُ (النهاية : ج ٣ ص ٣٥٤ «غرر»).

٤ . نهج البلاغة : الكتاب ١٠، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ١٠١ ح ٤٠٦.

٥ . الدروع الواقية : ص ٩٦، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ١٤٤.

٦ . بادَرَ مبادرةً وبِداراً : أي عَجِلَ إلى فعلِ ما يَرغَبُ فيه (تاج العروس : ج ٦ ص ٦٣ «بدر»). وفي بحار الأنوار : «البداء».

٧ . الخَتْرُ : الغَدْرُ (النهاية : ج ٢ ص ٩ «ختر»).

٨ . مُهَج الدعوات : ص ٨٢، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ٢٢٧.

٩ . شعب الإيمان : ج ٤ ص ٩٧ ح ٤٤٠٠ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال : ج ٧ ص ٥٣١ ح ٢٠١١٢.

[چنین] بد، به خدا پناه می‌برم.

۲۱۳۷ . **امام علی**ﷺ ـ از نامهٔ ایشان به معاویه ـ: معاویه! از کِی، شما سیاستمدار مردم و زمامدار امّت شده‌اید، در حالی که نه پیشینیه‌ای درخشان و نه امتیازی والا دارید؟! پناه می‌بریم به خدا از شقاوتی دامنگیرا تو را از این که در فریبِ آرزو غرقه گردی و آشکارت با نهانت ناهمساز باشد، بر حذر می‌دارم.

۲۱۳۸ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از این که امیدها و آرزوهایمان بر باد رود و اعمالمان بی‌حاصل شود، در پناه خویش بدار.

۲۱۳۹ . **امام هادی**ﷺ ـ در دعای قنوتش ـ: بار خدایا! ما را از [نعمت] سپاس‌گزاری، بهره‌مند گردان و فیروزی خویش را ارزانی‌مان دار و ما را از بدی شتابکاری و فرجام خیانت، در پناه خویش نگه دار.

ق ـ همهٔ بدی‌ها

۲۱۴۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: جبرئیلﷺ فرود آمد و گفت: بهترین دعا، این است که در نماز بگویی: «بار خدایا! ستایش، همه از آنِ توست و فرمان روایی همه، از آنِ توست و آفرینش، همه از آنِ توست و کارها همه به تو باز می‌گردند. از همهٔ بدی‌ها به تو پناه می‌برم».

۲۱۴۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! همهٔ خوبی‌ها ـ چه آنها که من می‌دانم و چه آنها که نمی‌دانم ـ را از تو درخواست می‌کنم و از همهٔ بدی‌ها ـ چه آنها که می‌دانم

الشَّرِّ كُلِّهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم.[١]

٢١٣٢ . صحيح مسلم عن عائشة: كانَ [رَسولُ اللهِ ﷺ] يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عَمِلتُ، ومِن شَرِّ ما لَم أعمَل.[٢]

٢١٣٣ . رسول الله ﷺ ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ ـ: أسأَلُكَ خَيرَ ما تَعلَمُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما تَعلَمُ، فَإِنَّكَ تَعلَمُ ولا نَعلَمُ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ.[٣]

٢١٣٤ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ التَّشَهُّدِ فِي الفَريضَةِ ـ: اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمنا مِنهُ وما لَم نَعلَم، ونَعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمنا مِنهُ وما لَم نَعلَم، اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ ما سَأَلَكَ مِنهُ عِبادُكَ الصّالِحونَ، ونَستَعيذُ بِكَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُكَ الصّالِحونَ.[٤]

٢١٣٥ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن كُلِّ خَيرٍ خَزائِنُهُ بِيَدِكَ، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَرٍّ خَزائِنُهُ بِيَدِكَ.[٥]

---

١ . المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٥٢ ح ٢٠٥٨، الدعاء للطبراني: ص ٢٠٨ ح ٦٥٥ كلاهما عن جابر بن سمرة و ص ٤٢٢ ح ١٤٢٨ عن أنس، مسند الطيالسي: ص ٢٨ ح ٢٠٠ عن سعد، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٨ ح ٣٦٢٣.

٢ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٥ ح ٦٥، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٠، سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٦ و ج ٨ ص ٢٨١، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٣٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٩٦ ح ٢٤٧٣٨ و ص ٤٦٨ ح ٢٥١٣٨، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٢٨.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٥٤٩ ح ٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٠ كلاهما عن محمّد بن الفرج عن الإمام الجواد ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢ ح ٢؛ سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٧٦ ح ٣٤٠٧، سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٤، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٧٦ ح ١٧١١٣ و ص ٨٠ ح ١٧١٣٣ والأربعة الأخيرة عن شدّاد بن أوس نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٣٩١٣.

٤ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٠٦ ح ٧٥٧١ عن عبد الله بن مسعود، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٤ ح ٣٨٤٦، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٨٢ ح ٢٥١٩١، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٥٠ ح ٨٦٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٣ ح ١٩١٤ كلّها عن عائشة نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٨٥ ح ٥٠٧٣.

٥ . المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٠٦ ح ١٩٢٤، الدعاء للطبراني: ص ٤٢٦ ح ١٤٤٥ كلاهما عن ابن مسعود، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٧ ح ٣٦٧٩.

و چه آنها که نمی‌دانم ـ، به تو پناه می‌برم.

۲۱۴۲. **صحیح مسلم** ـ به نقل از عایشه ـ: [پیامبر خدا] می‌گفت: «بار خدایا! از بدیِ آنچه به جا آورده‌ام و از بدیِ آنچه به جا نیاورده‌ام، به تو پناه می‌برم».

۲۱۴۳. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعایی که پس از پایان نماز می‌خواند ـ: خوب‌ترین چیزی را که می‌دانی، از تو درخواست می‌کنم و از بدترین چیزی که می‌دانی، به تو پناه می‌برم؛ چرا که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم، و تو دانای نهان‌هایی.

۲۱۴۴. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعای ایشان پس از تشهّد نمازهای واجب ـ: بار خدایا! همهٔ خوبی‌ها در حال و آینده (/دنیا و آخرت) ـ چه آنها که می‌دانیم و چه آنها که نمی‌دانیم ـ، از تو درخواست می‌کنیم و از همهٔ بدی‌ها در حال و آینده ـ چه آنها که می‌شناسیم و چه آنها که نمی‌دانیم ـ، به تو پناه می‌بریم.

بار خدایا! آنچه را بندگان درستکارت از تو خواستند، ما نیز از تو درخواست می‌کنیم و از آنچه بندگان درستکارت از آن به تو پناه آوردند، ما نیز به تو پناه می‌آوریم.

۲۱۴۵. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از هر خوبی که خزانه‌های آن در دست توست، از تو درخواست می‌کنم و از هر بدی که خزانه‌هایش در دست توست، به تو پناه می‌برم.

٢١٣٦ . عنه ﷺ: أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ.[١]

٢١٣٧ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ بَطنِهِ، ومِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ رِجلَينِ، ومِن شَرِّ مَن يَمشي عَلىٰ أربَعٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[٢]

٢١٣٨ . بحار الأنوار: رُوِيَ عَن أميرِ المُؤمِنينَ ﷺ أنَّهُ رَأىٰ رَجُلاً يَدعو مِن دَفتَرٍ دُعاءً طَويلاً، فَقالَ لَهُ: يا هٰذَا الرَّجُلُ، إنَّ الَّذي يَسمَعُ الكَثيرَ هُوَ يُجيبُ عَنِ القَليلِ.

فَقالَ الرَّجُلُ: يا مَولايَ، فَما أصنَعُ؟

قالَ: قُل: الحَمدُ للّٰهِ عَلىٰ كُلِّ نِعمَةٍ، وأسأَلُ اللّٰهَ مِن كُلِّ خَيرٍ، وأعوذُ بِاللّٰهِ مِن كُلِّ شَرٍّ، وأستَغفِرُ اللّٰهَ مِن كُلِّ ذَنبٍ.[٣]

٢١٣٩ . الإمام الصادق ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ.[٤]

٢١٥٠ . عنه ﷺ ـ فيما يُقالُ في زِيارَةِ الحُسَينِ ﷺ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ... مِن شَرِّ شَياطينِ الجِنِّ وَالإنسِ، ومِن شَرِّ مَن يَنصِبُ لِأَولِياءِ اللّٰهِ العَداوَةَ، ومِن أن يَفرُطوا[٥] عَلَيَّ أو

---

١. سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣١٢ ح ٥٠٥١، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٤ ح ٦١ وفيه «شيء» بدل «ذي شرّ»، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٧٢ ح ٣٤٠٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٧٦٦٨ و ٧٦٦٩ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٤ ح ٣٧١٥.

٢. قصص الأنبياء: ص ٣١٤ ح ٣٩٢ عن ابن عبّاس، الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ١٩، بحار الأنوار: ج ١٧ ص ٤٠٥ ح ٢٤.

٣. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ١٠ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٤. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٥ ح ٢٣٣، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧ نحوه، الإقبال: ج ١ ص ١٠٥، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٧٦.

٥. فَرَطَ عليه: أي عَجِلَ وعدا (الصحاح: ج ٣ ص ١١٤٨ «فرط»).

۲۱۴۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: از گزند هر گزندرسانی که پیشانی (سرنوشتِ) آن در دست توست، به تو پناه می‌برم.

۲۱۴۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از گزند هر آن موجودی که بر شکم خویش راه می‌رود، و از گزند هر آن موجودی که بر دو پا راه می‌رود، و از گزند هر آن موجودی که بر چهار پا راه می‌رود، و از گزند هر گزندرسانی، و از گزند هر جنبنده‌ای که پیشانی‌اش (سرنوشتش) در دست توست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است.

۲۱۴۸ . **بحار الأنوار**: روایت شده است که امیر مؤمنانؑ، مردی را دید که از روی نوشته‌ای، دعایی طولانی می‌خواند. به او فرمود: «ای مرد! آن که زیاد را می‌شنود، اندک را هم پاسخ می‌دهد».

مرد گفت: سَرورم! پس چه کنم؟

فرمود: «بگو: "ستایش، خدای را بر هر نعمتی، و هر خوبی را از خدا می‌خواهم و از هر بدی، به خدا پناه می‌برم و از هر گناهی، از خدا آمرزش می‌طلبم"».

۲۱۴۹ . **امام صادق**ؑ ـ از دعای ایشان در نمازهای نافلهٔ ماه رمضان ـ: بار خدایا! همهٔ خوبی‌ها را از تو درخواست می‌کنم و از همهٔ بدی‌ها، به تو پناه می‌برم.

۲۱۵۰ . **امام صادق**ؑ ـ در زیارت امام حسینؑ ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم... از گزند اهریمنانِ جن و انس، و از گزند هر آن که با دوستان خدا به دشمنی برمی‌خیزد، و از این که بر من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند، و به تو

أن يَطغَوا وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ عُيونِ الظَّلَمَةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ.[١]

٢١٥١ . عنه عليه السلام ـ لِزَيدٍ الزَّرّادِ ـ : إذا نَظَرتَ إلَى السَّماءِ فَقُل : ... وأعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ، ومِن شَرِّ ما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ ما ذَرَأَ[٢] فِي الأَرضِ، ومِن شَرِّ ما خَرَجَ مِنها، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٣]

٢١٥٢ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي اليَومِ السّادِسِ وَالعِشرينَ مِنَ الشَّهرِ ـ : أسأَلُكَ اللّهُمَّ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ؛ ما أدعو وما لَم أدعُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ.[٤]

٢١٥٣ . تهذيب الأحكام عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَكَ وخَيرَ ما أرجو، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ ومِن شَرِّ ما لا أحذَرُ.[٥]

٢١٥٤ . الإمام الجواد عليه السلام ـ مِن حِرزٍ لَهُ ـ : أسأَلُكَ مِن خَيرِكَ خَيراً مِمّا أرجو، وأعوذُ بِعِزَّتِكَ وقُدرَتِكَ مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ وما لا أحذَرُ.[٦]

١٤/٤
سَخَطُ اللهِ

٢١٥٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّهُمَّ أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، وبِمُعافاتِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنكَ، لا أُحصي ثَناءً عَلَيكَ، أنتَ كَما أثنَيتَ عَلىٰ نَفسِكَ.[٧]

---

١ . كامل الزيارات: ص ٣٩٥ ح ٦٣٩ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٧٤ ح ٣٠.

٢ . ذرأ الله الخلق: إذا خلقهم (النهاية: ج ٢ ص ١٥٦ «ذرأ»).

٣ . الأُصول الستّة عشر: ص ٥٧ عن زيد الزرّاد، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٨٦، آداب القيام إلى صلاة الليل والدعاء عند ذلك.

٤ . الدروع الواقية: ص ١٥٤، العدد القوية: ص ٣٢٥ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٧٧.

٥ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٢ ح ٢٥٢، مصباح المتهجّد: ص ٥٦٧ ح ٦٧٢، المصباح للكفعمي: ص ٧٦٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٣٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣٤.

٦ . الأمان: ص ٧٨، مُهَج الدعوات: ص ٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٥٨ ح ١.

٧ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٢ ح ٢٢٢، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣٢ ح ٨٧٩، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٤ ح ٣٤٩٣، سنن النسائي: ج ١ ص ١٠٢، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤١ كلّها عن عائشة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٣ ح ٣٦٥٢.

پناه می‌برم از گزند جاسوسان ستمگران، و از گزند هر گزندرسانی.

۲۱۵۱ . **امام صادق**ﷺ ـ به زید زرّاد ـ: هر گاه به آسمان نگریستی، بگو: «... و به خدا پناه می‌برم از گزند آنچه از آسمان فرود می‌آید، و از گزند آنچه به آسمان بَر می‌شود، و از گزند آنچه در زمین آفرید، و از گزند آنچه از زمین بیرون می‌آید، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا.

۲۱۵۲ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز بیست و ششم ماه ـ: بار خدایا! همهٔ خوبی‌ها ـ خواه آنچه از بهر آن دعا کنم یا دعا نکنم ـ را از تو می‌خواهم و از گزند آنچه [از آن] می‌ترسم، به تو پناه می‌برم.

۲۱۵۳ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادقﷺ ـ: بار خدایا! خوبی تو را و خوبی آنچه را [بِدان] امید دارم، از تو درخواست می‌کنم و از بدی آنچه می‌ترسم و از بدی آنچه نمی‌ترسم، به تو پناه می‌برم.

۲۱۵۴ . **امام جواد**ﷺ ـ از حِرز ایشان ـ: از خوبی تو، آن خوبی را که بِدان امید دارم، از تو درخواست می‌کنم و از بدیِ آنچه می‌ترسم و حذر دارم و آنچه حذر ندارم، به عزّت و قدرت تو پناه می‌برم.

۱۴/۴
ناخوشنودی خدا

۲۱۵۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از ناخشنودی تو به خشنودی‌ات و از کیفرت به بخشایشت پناه می‌برم و از تو به خود تو، پناه می‌برم. ثنای تو را شماره نتوانم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای.

٢١٥٦ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِنورِ وَجهِكَ الَّذي أشرَقَت لَهُ السَّماواتُ وَالأَرضُ، وتَشَعَّبَت بِهِ الظُّلُماتُ، وَصَلَحَ بِهِ أمرُ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ، أن تُحلِلَ عَلَيَّ غَضَبَكَ، أو تُنزِلَ عَلَيَّ سَخَطَكَ، أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ، وفُجاءَةِ نَقِمَتِكَ، وتَحويلِ عافِيَتِكَ، وجَميعِ سَخَطِكَ، لَكَ العُتبىٰ[1] فيمَا استَطَعتُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِكَ.[2]

٢١٥٧ . الإمام عليّ عليه السلام: إلٰهي، أعوذُ بِكَ مِن غَضَبِكَ، وحُلولِ سَخَطِكَ.[3]

٢١٥٨ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ الخَيرِ؛ رِضوانَكَ وَالجَنَّةَ، وأعوذُ مِنكَ مِن شَرِّ الشَّرِّ؛ سَخَطِكَ وَالنّارِ.[4]

٢١٥٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام: أعوذُ بِكَ اللّهُمَّ اليَومَ مِن غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأعِذني، وأستَجيرُ بِكَ اليَومَ مِن سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأجِرني.[5]

٢١٦٠ . الإمام الصادق عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن سَطَواتِكَ[6]، وأعوذُ بِكَ مِن جَميعِ غَضَبِكَ وسَخَطِكَ، سُبحانَكَ لا إلٰهَ إلّا أنتَ رَبُّ العالَمينَ.[7]

---

١ . العتبى: الاسم من أعتبني فلان: إذا عاد إلى مسرّتي راجعاً عن الإساءة. واستعتبتُه فأعتبني: أي استرضيتُه فأرضاني (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٥٩ «عتب»).

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٨٤٠ ح ٩٠٤ عن عائشة، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٦٢ ح ٤٤ عن حمزة بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام نحوه، الإقبال: ج ٣ ص ٣٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٨٩ ح ١٦.

٣ . الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٧ ح ١٢.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩٢ ح ١٤١٢، مصباح المتهجّد: ص ٧٦٢ ح ٨٤٤ عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام وص ٥٤ ح ٧٧، الإقبال: ج ١ ص ٢٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٤٥ ح ٥٤.

٥ . الصحيفة السجّادية: ص ٢٠٨ الدعاء ٤٨، مصباح المتهجّد: ص ٣٧٤ ح ٥٠١، المزار الكبير: ص ٤٧١، جمال الأسبوع: ص ٢٦٦، الإقبال: ج ١ ص ٥٠١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢١٨ ح ٦٥.

٦ . السَّطو: القهرُ والبطشُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٦ «سطا»).

٧ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٠ ح ٢٥٩ و ٢٦٠، مصباح المتهجّد: ص ٥٧٧ ح ٦٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٣٣٩، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٤ ح ٥٨.

۲۱۵۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به نور روی تو که آسمان‌ها و زمین از آن روشن شد [و هستی یافت] و به سبب آن، تاریکی‌ها از هم پاشید و به واسطهٔ آن، کار اوّلین و آخرین سامان یافت، پناه می‌برم از این که خشمت را بر من در آوری، یا ناخشنودی‌ات را بر من فرو فرستی.

به تو پناه می‌برم از زوال یافتن نعمتت، و فرود آمدن ناگهانی خشمت، و برگشتن عافیتت [از من]، و همهٔ ناخشنودی‌ات. با همهٔ [وجود و] توانم، از تو پوزش می‌خواهم، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری تو.

۲۱۵۷ . **امام علی**ﷺ: معبود من! از خشم تو و دامنگیر شدن ناخشنودی‌ات، به تو پناه می‌برم.

۲۱۵۸ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! خوب‌ترین خوب‌ها، [یعنی] خشنودی‌ات و بهشت را از تو درخواست می‌کنم و از بدترین بدها، [یعنی] ناخشنودی‌ات و آتش، به تو پناه می‌برم.

۲۱۵۹ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! امروز از خشم تو، به تو پناه می‌آورم. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا پناه ده. امروز از ناخشنودی‌ات، از تو پناهندگی می‌جویم. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا در پناه خویش بدار.

۲۱۶۰ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! از یورش‌های تو، به تو پناه می‌برم و از همهٔ خشم و ناخشنودی‌ات، به تو پناه می‌آورم. پاکی تو. معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست.

٢١٦١ . **الكافي عن أبي أُسامة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال:** سَمِعتُهُ يَقولُ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن سَطَواتِ اللهِ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ. قالَ: قُلتُ لَهُ: وما سَطَواتُ اللهِ؟ قالَ: الأَخذُ عَلَى المَعاصي.[١]

٢١٦٢ . **الإمام الكاظم عليه السلام:** اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ رِضوانَكَ وَالجَنَّةَ، وأعوذُ بِكَ مِن سَخَطِكَ وَالنّارِ.[٢]

١٥ / ٤
مِئَنَةُ السَّوءِ

٢١٦٣ . **المعجم الكبير عن أبي أُمامة:** كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَتَعَوَّذُ مِن مَوتِ الفَجأَةِ، وكانَ يُعجِبُهُ أن يَمرَضَ قَبلَ أن يَموتَ.[٣]

٢١٦٤ . **مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو:** إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله استَعاذَ مِن سَبعِ مَوتاتٍ: مَوتِ الفَجأَةِ، ومِن لَدغِ الحَيَّةِ، ومِنَ السَّبُعِ، ومِنَ الحَرَقِ، ومِنَ الغَرَقِ، ومِن أن يَخِرَّ عَلىٰ شَيءٍ أو يَخِرَّ عَلَيهِ شَيءٌ، ومِنَ القَتلِ عِندَ فِرارِ الزَّحفِ.[٤]

٢١٦٥ . **رسول الله صلى الله عليه وآله:** اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أموتَ غَمّاً أو هَمّاً، أو أن أموتَ غَرَقاً، أو أن يَتَخَبَّطَنِي[٥] الشَّيطانُ عِندَ المَوتِ، أو أن أموتَ لَديغاً.[٦]

٢١٦٦ . **عنه صلى الله عليه وآله:** اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَدمِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ التَّرَدّي[٧]، وأعوذُ بِكَ مِنَ الغَرَقِ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٦، الأمالي للمفيد: ص ١٨٤ ح ٨، الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٨ ح ٣٩ كلاهما عن زيد الشحّام وفيهما «احذروا» بدل «تعوّذوا»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦٠ ح ٨٤.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٥٠٢ ح ٥٨٣، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٥ ح ٣ وراجع المصباح للكفعمي: ص ١٣٩.

٣ . المعجم الكبير: ج ٨ ص ١٣٢ ح ٧٦٠٣، مسند الشاميّين: ج ٢ ص ٣٢٢ ح ٣٤٣٧، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٧ ح ١٨٠٣٩.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٧٩ ح ٦٦٠٥ و ج ٦ ص ٢٤٤ ح ١٧٨٣٥، المعجم الأوسط: ج ١ ص ٦٢ ح ١٧٣، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٣٧٨٦.

٥ . يَتَخَبَّطني الشيطانُ: أي يصرعني ويلعب بي (النهاية: ج ٢ ص ٨ «خبط»).

٦ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٧٤ ح ٨٦٧٥ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٣٧٩٢.

٧ . تردّىٰ: أي سقط، من الرَّدىٰ: الهلاك (النهاية: ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

۲۱۶۱ . **الکافی** ـ به نقل از ابو اُسامه ـ: از امام صادق﵇ شنیدم که می‌فرماید: «از غافلگیر کردن خدا در شب و روز، به خدا پناه ببرید».

من گفتم: غافلگیر کردن خدا چیست؟

فرمود: «ناگهانی گرفتن بر گناهان».

۲۱۶۲ . **امام کاظم﵇**: بار خدایا! خشنودی‌ات و بهشت را از تو درخواست می‌کنم و از ناخشنودی‌ات و آتش، به تو پناه می‌برم.

۱۵ / ۴
مرگ بد

۲۱۶۳ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از ابو امامه ـ: پیامبر از مرگ ناگهانی، به خدا پناه می‌بُرد و خوش داشت که پیش از آن که بمیرد، بیمار شود.

۲۱۶۴ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الله بن عمرو ـ: پیامبر خدا از هفت نوع مردن به خدا پناه می‌برد: مرگ ناگهانی، مارگزیدگی، حملهٔ درنده، سوختن، غرق شدن، سقوط کردن یا افتادن چیزی روی او، و کشته شدن به هنگام گریختن از میدان جهاد.

۲۱۶۵ . **پیامبر خداﷺ**: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که از غم و اندوه بمیرم. یا با غرق شدن بمیرم، یا هنگام مردن، شیطان مرا بازی دهد (/ آشفته‌سر سازد)، یا از مارگزیدگی بمیرم.

۲۱۶۶ . **پیامبر خداﷺ**: بار خدایا! از رفتن به زیر آوار، به تو پناه می‌برم. از سقوط کردن

وَالحَرَقِ وَالهَرَمِ، وأعوذُ بِكَ أن يَتَخَبَّطَنِي الشَّيطانُ عِندَ المَوتِ، وأعوذُ بِكَ أن أموتَ في سَبيلِكَ مُدبِراً، وأعوذُ بِكَ أن أموتَ لَديغاً.[١]

٢١٦٧ . الإمام الباقر عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِدِرعِكَ الحَصينَةِ، وأعوذُ بِجَمعِكَ، أن تُميتَني غَرَقاً، أو حَرَقاً، أو شَرَقاً[٢]، أو قَوَداً[٣]، أو صَبراً، أو مَسَمّاً، أو تَرَدِّياً في بِئرٍ، أو أكيلَ السَّبُعِ، أو مَوتَ الفَجأةِ، أو بِشَيءٍ مِن ميتاتِ السَّوءِ، ولكِن أمِتني عَلىٰ فِراشي في طاعَتِكَ وطاعَةِ رَسولِكَ صلى الله عليه وآله، مُصيباً لِلحَقِّ غَيرَ مُخطِئٍ، أو فِي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّهُم في كِتابِكَ: ﴿كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾[٤].[٥]

١٦ / ٤
عَذابُ القَبرِ

٢١٦٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أيُّهَا النّاسُ! أظَلَّتكُمُ الفِتَنُ كَقِطَعِ اللَّيلِ المُظلِمِ. أيُّهَا النّاسُ! لَو تَعلَمونَ ما أعلَمُ لَبَكَيتُم كَثيراً وضَحِكتُم قَليلاً. أيُّهَا النّاسُ! إستَعيذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، فَإنَّ عَذابَ القَبرِ حَقٌّ.[٦]

---

١. سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٢، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٨٦ ح ١٥٥٢٣ وزاد فيه «الغم» قبل «والغرق»، و ح ١٥٥٢٤، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٨ كلاهما نحوه، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ١٧٠ ح ٣٨١ كلّها عن أبي اليسر السَلمي، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٨٣ عن أبي الأسود السلمي، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٨٠.

٢. شَرِقَ بريقِهِ: إذا غصّ به (النهاية: ج ٢ ص ٤٦٥ «شرق»).

٣. القَودُ: القِصاص (النهاية: ج ٤ ص ١١٩ «قود»).

٤. الصفّ: ٤.

٥. الكافي: ج ٢ ص ٥٢٦ ح ١٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٩٤ ح ١٥٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام و ص ٧٧ ح ١٢٤، فلاح السائل: ص ٣٦٤ ح ٢٤٢ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٦ ح ٢٠٥٩، الدعوات: ص ١٣٣ ح ٣٣١ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام والأربعة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٠ ح ١٢.

٦. مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٦٣ ح ٢٤٥٧٤ عن عائشة، كنز العمّال: ج ١١ ص ١٥٦ ح ٣١٠١٣.

[از بلندی]، به تو پناه می‌برم. از غرق شدن و سوخته شدن و فرتوتی، به تو پناه می‌برم. از این که در هنگام مردن، بازیچهٔ شیطان شوم، به تو پناه می‌برم. از این که در حال فرار از راه تو [در میدان جهاد] بمیرم، به تو پناه می‌برم. و از این که بر اثر گَزیده شدن بمیرم، به تو پناه می‌برم.

۲۱۶۷ . **امام باقر**ﷺ: بار خدایا! به زره استوار تو پناه می‌برم و به جامعیّت تو پناه می‌برم از این که مرا با غرق شدن، یا سوختن، یا خفه شدن، یا قصاص، یا کشته شدن در اسارت، یا مسموم شدن (گزیده شدن)، یا افتادن در چاه، یا طعمهٔ درندگان شدن، یا مرگ ناگهانی و یا به هر یک از مردن‌های بد و دل‌خراش بمیرانی. مرا در بسترم، در حالی که فرمان‌بردار تو و فرمان‌بردار پیامبر تو هستم و در راه درست هستم و نه بر خطا، یا در صف آنان که در کتاب خود در وصف آنان فرموده‌ای: ﴿گویا ساختمانی استوارند﴾، بمیران.

۱۶/۴
عذاب قبر

۲۱۶۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: ای مردم! فتنه‌ها چونان پاره‌های شب تار بر شما سایه افکنده‌اند. ای مردم! اگر آنچه را من می‌دانم، شما می‌دانستید، بی‌گمان، بسیار مویه می‌کردید و اندک می‌خندیدید. ای مردم! از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید؛ چرا که عذاب قبر، راست است.

٢١٦٩ . **شعب الإيمان عن ميمونة ـ مَولاةِ النَّبِيِّ ﷺ ـ:** قالَ لي رَسولُ اللهِ ﷺ: يا مَيمونَةُ، تَعَوَّذي بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ. قُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، وإنَّهُ لَحَقٌّ؟ قالَ: نَعَم يا مَيمونَةُ، وإنَّ مِن أشَدِّ عَذابِ القَبرِ يا مَيمونَةُ، الغيبَةَ وَالبَولَ.[١]

٢١٧٠ . **مسند ابن حنبل عن أُمِّ مبشّر:** دَخَلَ عَلَيَّ رَسولُ اللهِ ﷺ وأنَا في حائِطٍ مِن حَوائِطِ بَنِي النَّجّارِ، فيه قُبورٌ مِنهُم قَد ماتوا فِي الجاهِلِيَّةِ، فَسَمِعَهُم وهُم يُعَذَّبونَ، فَخَرَجَ وهُوَ يَقولُ: اِستَعيذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ. قُلتُ: يا رَسولَ اللهِ، وإنَّهُم لَيُعَذَّبونَ في قُبورِهِم؟ قالَ: نَعَم، عَذاباً تَسمَعُهُ البَهائِمُ.[٢]

٢١٧١ . **بحار الأنوار:** كانَ ﷺ يَقولُ في آخِرِ صَلاتِهِ: وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ[٣].[٤]

٢١٧٢ . **صحيح البخاري عن أُمِّ خالد بنت خالد:** سَمِعتُ النَّبِيَّ ﷺ يَتَعَوَّذُ مِن عَذابِ القَبرِ.[٥]

---

١ . شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٠٣ ح ٦٧٣١، الطبقات الكبرى: ج ٨ ص ٣٠٥، الفردوس: ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٨٦٦٢، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٩٣ ح ٨٠٦٠.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٩٦ ح ٢٧١١٢ و ج ٩ ص ٢٩٦ ح ٢٤٢٣٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥٠ ح ١ كلاهما عن عائشة نحوه و ص ٢٥١ ح ١٠، المعجم الكبير: ج ٢٥ ص ١٠٣ ح ٢٦٨، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ٩٦ ح ٢٢٠١، السنّة لابن أبي عاصم: ص ٤١٠ ح ٨٧٥، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٧٣٨ ح ٤٢٩٣٧.

٣ . قال صاحب المحجّة البيضاء في مذهب آل العباء: ما روي عنه ﷺ من الاستعاذة عن عذاب القبر، فذلك للمبالغة في إظهار الافتقار إلى الله تعالى، وقيل: هو تحكُّم محض لجواز أن يقال: آمن الرسول بما أُنزل إليه من ربّه، فكما جاز أن يسأل المؤمن عمّا آمن به فيقال: من ربّك وما دينك؟ فكذا الرسول يسأل عمّا آمن به، فعلم أنّ حمل الاستعاذة على المبالغة تحكُّم بغير دليل، ولأنّ النبيّ ﷺ صاحب عهدة عظيمة؛ لأنّه إنما بعث لبيان الشرائع وصرف القلوب إلى الله تعالى، فلم لا يجوز أن يسأل عمّا كان في عهدته؟ حتّى قيل: وسؤالهما الأنبياء بهذه العبارة: على ماذا تركتم أُمّتكم؟ والحقّ أن الأئمّة كالأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين في هذه الأُمور كلّها، ولم أر في كتب الإماميّة هذه المسألة لا نفياً ولا إثباتاً، والذي يطمئن إليه قلبي أنّهم مع الأئمّة سلام الله عليهم مستثنون من هذه الأحكام. انتهى (بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٧٨).

٤ . بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٠٥.

٥ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤١ ح ٦٠٠٣ و ج ١ ص ٤٦٣ ح ١٣١٠، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٧٧٢٠ وزاد فيه «بالله» بعد «يتعوّذ»، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٣٠٠ ح ٢٧١٢٦، المستدرك على الصحيحين: ج ٣ ص ٢٨٠ ح ٥٠٩، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ١١٠ ح ٢٢١٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٠ ح ٢٦، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٧٣٨ ح ٤٢٩٣٦.

۲۱۶۹ . **شعب الإیمان** ـ به نقل از میمونه، کنیز آزادشدهٔ پیامبرﷺ ـ: پیامبر خدا به من فرمود: «میمونه! از عذاب قبر، به خدا پناه ببر».

گفتم: ای پیامبر خدا! آن، حقیقت دارد؟

فرمود: «آری، ای میمونه! از سخت‌ترین [عوامل] عذاب قبر ـ ای میمونه ـ غیبت کردن و [پرهیز نکردن از ترشحات] ادرار است».

۲۱۷۰ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از اُمّ مبشّر ـ: من در بوستانی از بوستان‌های بنی نجّار بودم که پیامبر خدا در آمد. در این بوستان، قبرهایی از بنی نجّار بود که در زمان جاهلیت مرده بودند. پیامبرﷺ فریاد آنها را که عذاب می‌شدند، شنید. پس بیرون رفت، در حالی که می‌فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه برید».

من گفتم: ای پیامبر خدا! اینها در گورهایشان عذاب می‌شوند؟

فرمود: «آری؛ عذابی که چارپایان، آن را می‌شنوند».

۲۱۷۱ . **بحارالأنوار**: پیامبرﷺ در پایان نمازش می‌گفت: «از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم».[1]

۲۱۷۲ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از اُمّ خالد، دختر خالد ـ: شنیدم که پیامبرﷺ از عذاب قبر، به خدا پناه می‌برد.

---

۱ . صاحب المحجّة البیضاء فی مذهب آل العباء می‌گوید: آنچه از پیامبرﷺ در بارهٔ پناه بردن ایشان به خدا از عذاب قبر روایت شده، برای نشان دادن مبالغه در نیازمندی به خدای متعال است. بعضی گفته‌اند که این، سخن بی‌دلیلی است؛ زیرا درست است که گفته شود: پیامبرﷺ به آنچه از جانب خداوند بر او نازل شد، ایمان آورد. پس همان گونه که درست است که از مؤمن در بارهٔ ایمانش سؤال شود و بپرسند: «خدایت کیست؟» و «دینت چیست؟»، از پیامبرﷺ نیز در بارهٔ ایمانش سؤال می‌شود. پس دانسته شد که حمل پناهجویی [به خدا] از عذاب قبر، بر مبالغه، بی‌دلیل است.

علاوه بر این، پیامبرﷺ مسئولیتی بزرگ بر عهده داشته است؛ چراکه برای بیان شرایع و متوجّه ساختن دل‌ها به جانب خداوند بزرگ، مبعوث شد. پس چرا روا نباشد که در بارهٔ ادای مسئولیتش از او پرسیده شود؟ حتّی گفته شده که سؤال آن دو از پیامبران، این است که: «امّت خود را بر چه وضعی ترک گفتید؟». حقیقت، آن است که امامان نیز همانند پیامبران، در این مسئله مشترک‌اند. من در کتاب‌های امامیّه این موضوع را نفیاً و اثباتاً ندیده‌ام؛ امّا آنچه دلم گواهی می‌دهد، این است که پیامبران و امامانﷺ از این احکام، مستثنایند (بحار الأنوار، ج ۶ ص ۲۷۸).

٢١٧٣ . رسول الله ﷺ: عوذوا بِاللهِ مِن عَذابِ اللهِ، عوذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، عوذوا بِاللهِ مِن فِتنَةِ المَسيحِ الدَّجّالِ، عوذوا بِاللهِ مِن فِتنَةِ المَحيا وَالمَماتِ.[١]

٢١٧٤ . صحيح مسلم عن زيد بن ثابت: بَينَمَا النَّبِيُّ ﷺ في حائِطٍ لِبَنِي النَّجّارِ... وإذا أقبُرٌ سِتَّةٌ... فَقالَ: إنَّ هٰذِهِ الأُمَّةَ تُبتَلىٰ في قُبورِها، فَلَولا أن لا تَدافَنوا[٢] لَدَعَوتُ اللهَ أن يُسمِعَكُم مِن عَذابِ القَبرِ الَّذي أسمَعُ مِنهُ. ثُمَّ أقبَلَ عَلَينا بِوَجهِهِ، فَقالَ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن عَذابِ النّارِ، قالوا: نَعوذُ بِاللهِ مِن عَذابِ النّارِ، فَقالَ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، قالوا: نَعوذُ بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، قالَ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، قالوا: نَعوذُ بِاللهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، قالَ: تَعَوَّذوا بِاللهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ، قالوا: نَعوذُ بِاللهِ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ.[٣]

٢١٧٥ . الكافي عن أبي بصير: قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ: أيُفلِتُ مِن ضَغطَةِ القَبرِ أحَدٌ؟ فَقالَ: نَعوذُ بِاللهِ مِنها، ما أقَلَّ مَن يُفلِتُ مِن ضَغطَةِ القَبرِ.[٤]

٢١٧٦ . الإمام الصادق ﷺ ـ فيما يُقالُ عَلَى الصَّفا ـ: اللّٰهُمَّ بارِك لي فِي المَوتِ، وفي ما بَعدَ المَوتِ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن ظُلمَةِ القَبرِ ووَحشَتِهِ، اللّٰهُمَّ أظِلَّني في ظِلِّ عَرشِكَ يَومَ لا ظِلَّ إلّا ظِلُّكَ.[٥]

---

١. صحيح مسلم: ج ١ ص ٤١٣ ح ١٣٢، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٨ و ص ٢٧٧، مسند الحميدي: ج ٢ ص ٤٣٢ ح ٩٨٠، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٤٧١ ح ٦٢٥٠ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٤ ح ٢١١٩.

٢. في الكلام حذف؛ يعني: لولا مخافة ألّا تتدافنوا....

٣. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٠٠ ح ٢٨٦٧، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٥٤ ح ٢١٧١٥ نحوه، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ١١١ ح ٢٥٤، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٨٢ ح ١٠٠٠ عن أبي سعيد الخدري نحوه، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٦٣٨ ح ٤٢٥١٣؛ بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٩١.

٤. الكافي: ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٦١ ح ١٠٢.

٥. الكافي: ج ٤ ص ٤٣١ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٤٦ ح ٤٨١ كلاهما عن معاوية بن عمّار، مصباح المتهجّد: ص ٦٨٤ ح ٧٦٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ.

۲۱۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: از عذاب خدا به خدا پناه ببرید. از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید. از فتنهٔ مسیح دجّال (دروغین)، به خدا پناه ببرید. از فتنهٔ زندگی و مرگ، به خدا پناه ببرید.

۲۱۷۴ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از زید بن ثابت ـ: روزی پیامبرﷺ در باغی از بنی نجّار بود... و در آن باغ، شش قبر وجود داشت.... فرمود: «این امّت در گورهایشان دچار بلا [و عذاب] می‌شوند و اگر نبود [بیم] آن که یکدیگر را دفن نکنید، از خدا می‌خواستم تا از عذاب قبری که من می‌شنوم، به شما بشنواند». سپس رو به ما کرد و فرمود: «از عذاب آتش، به خدا پناه برید».

حاضران گفتند: از عذاب آتش، به خدا پناه می‌بریم.

آن گاه فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید».

حاضران گفتند: از عذاب قبر، به خدا پناه می‌بریم.

فرمود: «از فتنه‌ها، آشکار و نهانش، به خدا پناه ببرید».

حاضران گفتند: از فتنه‌ها، آشکار و نهانش، به خدا پناه می‌بریم.

فرمود: «از فتنهٔ دَجّال، به خدا پناه ببرید».

حاضران گفتند: از فتنهٔ دجّال، به خدا پناه می‌بریم.

۲۱۷۵ . **الکافی** ـ به نقل از ابو بصیر ـ: به امام صادقؑ گفتم: آیا کسی از فشار قبر می‌رهد؟ فرمود: «پناه می‌بریم به خدا از آن! بسیار اندک‌اند کسانی که از فشار قبر می‌رهند».

۲۱۷۶ . **امام صادق**ؑ ـ در دعایی که بر کوه صفا خوانده می‌شود ـ: بار خدایا! مرگ و پس از مرگ را بر من خجسته گردان. بار خدایا! از تاریکی و تنهایی گور، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! در آن روز که سایه‌ای جز سایهٔ تو نیست، مرا در سایهٔ عرش خویش در آور.

١٧ / ٤
عَذابُ النّارِ

٢١٧٧ . رسول الله ﷺ: أعوذُ بِاللهِ مِن حالِ أهلِ النّارِ.[١]

٢١٧٨ . عنه ﷺ ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ عِندَ كُلِّ فَجرٍ على بابِ عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهما السلام ـ: نَعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، نَعوذُ بِاللهِ مِن صَباحِ النّارِ، نَعوذُ بِاللهِ مِن مَساءِ النّارِ.[٢]

٢١٧٩ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ رَبَّ جَبرائيلَ وميكائيلَ، ورَبَّ إسرافيلَ، أعوذُ بِكَ مِن حَرِّ النّارِ، ومِن عَذابِ القَبرِ.[٣]

٢١٨٠ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ يَعجَبُ مِن سائِلٍ يَسأَلُ غَيرَ الجَنَّةِ، ومِن مُعطٍ يُعطي لِغَيرِ اللهِ، ومِن مُتَعَوِّذٍ يَتَعَوَّذُ مِن غَيرِ النّارِ.[٤]

٢١٨١ . عنه ﷺ: إذا صَلّى العَبدُ، ولَم يَسأَلِ اللهَ تَعالَى الجَنَّةَ، ولَم يَستَعِذهُ مِنَ النّارِ، قالَتِ المَلائِكَةُ: أغفَلَ العَظيمَتَينِ: الجَنَّةَ، وَالنّارَ.[٥]

٢١٨٢ . عنه ﷺ: إذا صَلّى العَبدُ فَلَم يَسأَلِ اللهَ الجَنَّةَ، قالَتِ الجَنَّةُ: يا وَيحَ[٦] هٰذا، أما كانَ يَنبَغي لَهُ أن يَسأَلَ رَبَّهُ الجَنَّةَ؟!

---

١ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٨ ح ٣٥٩٩، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٠ ح ٣٨٣٣ وفيه «عذاب النار» بدل «حال أهل النار» و ص ١٢٥٠ ح ٣٨٠٤، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٤١٥ ح ١٤١٩، الدعاء للطبراني: ص ٤١٥ ح ١٤٠٤ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٣٨.

٢ . الأمالي للصدوق: ص ٢٠٨ ح ٢٣٠ عن إسماعيل بن أبي زياد السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤٦ ح ٦.

٣ . سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٧٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٢٦ ح ٢٤٣٧٨، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ١٥٦ ح ٣٨٥٨، تفسير القرطبي: ج ٢ ص ٣٩ كلّها عن عائشة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣٦٦٨.

٤ . تاريخ بغداد: ج ٩ ص ٢٦٧ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٨٥ ح ٣٢٦٠.

٥ . الجعفريات: ص ٤٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٦٥ ح ٥٣٧٠.

٦ . وَيحَ: كلمة ترحّم وتوجّع (النهاية: ج ٥ ص ٢٣٥ «ويح»).

۱۷/۴
عذاب آتش

۲۱۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: از حال و روز دوزخیان، به خدا پناه می‌برم!

۲۱۷۸ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از سخنی که هر سپیده‌دم بر در خانهٔ علی و فاطمه‌ؑ می‌گفت ـ : به خدا پناه می‌بریم از آتش. به خدا پناه می‌بریم از بامداد آتش. به خدا پناه می‌بریم از شامگاه آتش.

۲۱۷۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار الها! ای پروردگار جبرائیل و میکائیل، و ای پروردگار اسرافیل! از تَفِ آتش و از شکنجهٔ گور، به تو پناه می‌برم.

۲۱۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: خداوند از خواهشگری که جز بهشت را می‌خواهد، و از دهنده‌ای که برای جز خدا دَهِش می‌کند، و از پناهجویی که از جز آتش [به خدا] پناه می‌جوید، به شگفت می‌آید.

۲۱۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بنده نماز بگزارد و از خداوند بزرگ بهشت را درخواست نکند و از آتش به او پناه نبرد، فرشتگان می‌گویند: «دو بزرگ، [یعنی] بهشت و آتش را از یاد برد!».

۲۱۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بنده نماز بخواند و بهشت را از خدا نخواهد، بهشت می‌گوید: «افسوس! آیا سزاوار نبود که از پروردگارش بهشت را تقاضا کند؟!» و هر گاه از

فَإذا لَم يَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ النّارِ، قالَتِ النّارُ: يا وَيحَ هٰذا، أما كانَ يَنبَغي لَهُ أن يَتَعَوَّذَ بِاللهِ مِنّي ؟!![1]

٢١٨٣ . الإمام عليّ عليه السلام: أعاذَنَا اللهُ وإيّاكُم مِنَ النّارِ، ورَزَقَنا وإيّاكُم مُرافَقَةَ الأَبرارِ، وغَفَرَلَنا ولَكُم جَميعاً، إنَّهُ هُوَ الغَفورُ الرَّحيمُ.[2]

٢١٨٤ . فاطمة عليها السلام ـ مِن دُعائِها بَعدَ صَلاةِ العَصرِ ـ: رَبِّ أستَجيرُكَ مِنَ النّارِ فَأَجِرني، رَبِّ أعوذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَأَعِذني، رَبِّ أفزَعُ إلَيكَ مِنَ النّارِ فَأَبعِدني.[3]

٢١٨٥ . الإمام زين العابدين عليه السلام: إنَّ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ عليه السلام ... كانَ إذا قامَ في صَلاتِهِ تَرتَعِدُ فرائِصُهُ[4] بَينَ يَدَي رَبِّهِ عزّ وجلّ، وكانَ إذا ذَكَرَ الجَنَّةَ وَالنّارَ اضطَرَبَ اضطِرابَ السَّليمِ[5]، وسَأَلَ اللهَ تَعالَى الجَنَّةَ، وتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ.[6]

٢١٨٦ . عنه عليه السلام: اللّٰهُمَّ ... وأعِذنا مِن عَذابِ السَّعيرِ.[7]

٢١٨٧ . الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام: لا تَنسَوُا الموجِبَتَينِ ـ أو قالَ: عَلَيكُم بِالموجِبَتَينِ ـ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ.

قُلتُ: ومَا الموجِبَتانِ؟

---

١ . الفردوس: ج ١ ص ٢٩٠ ح ١١٤١ عن أبي أُمامة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٣٤٨٤.

٢ . مصباح المتهجّد: ص ٣٨٥ ح ٥١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

٣ . فلاح السائل: ص ٤٢٢ ح ٢٩٠، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٨ ح ٢٤٧ عن الإمام الكاظم عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٥٦٣ ح ٦٦٢، الإقبال: ج ١ ص ٣٢٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨.

٤ . الفريصة: لحمة في وسط الجنب عند منبض القلب، وهما فريصتان ترتعدان عند الفزع (لسان العرب: ج ٧ ص ٦٤ «فرص»).

٥ . السليم: اللّديغ (النهاية: ج ٢ ص ٣٩٦ «سلم»).

٦ . الأمالي للصدوق: ص ٢٤٤ ح ٢٦٢، فلاح السائل: ص ٤٦٩ ح ٣١٨، عدّة الداعي: ص ١٣٩ كلّها عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣٣١ ح ١.

٧ . الصحيفة السجّادية: ص ١٠٧ الدعاء ٢٥.

آتش به خدا پناه نبرد، آتش می‌گوید: «افسوس! آیا سزاوار نبود که از من به خدا پناه ببرد؟!».

۲۱۸۳ . **امام علی**ﷺ: خداوند، ما و شما را از آتش پناه دهد و همراهی با نیکان را روزیِ ما و شما کناد و ما و شما را سراسر، بیامرزاد، که او آمرزگاری مهربان است!

۲۱۸۴ . **فاطمه**ﷺ ـ از دعای ایشان پس از نماز عصر ـ: پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ]، از تو حمایت می‌جویم. پس حمایتم کن. پروردگارا! از آتش به تو پناه می‌آورم. پس پناهم ده. پروردگارا! از آتش به سوی تو می‌گریزم. پس مرا [از آن] دور بدار.

۲۱۸۵ . **امام زین العابدین**ﷺ: حسن بن علی ﷺ ... هرگاه به نماز می‌ایستاد، بدنش در پیشگاه پروردگارش ﷻ به لرزه می‌افتاد و هر گاه از بهشت و دوزخ یاد می‌کرد، چون مارگزیده بی‌قراری می‌کرد و از خداوند بزرگ، بهشت را می‌طلبید و از آتش به او پناه می‌برد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۱۸۶ . **امام زین العابدین**ﷺ: بار خدایا! ... ما را از عذاب دوزخ، در پناه خویش دار.

۲۱۸۷ . **الکافی** ـ به نقل از زراره ـ: امام باقرﷺ فرمود: «در تعقیبات هر نماز، دو واجب کننده[1] را از یاد مبرید» و یا فرمود: «[در تعقیبات نماز] بر شما باد دو واجب کننده».

گفتم: دو واجب کننده چیست؟

---

۱ . مراد از وجوب، استحباب مؤکّد است که از آن، تعبیر به وجوب کرده است (ر.ک: پاورقی الکافی: ج ۳ ص ۳۴۹).

قالَ: تَسأَلُ اللهَ الجَنَّةَ، وتَعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ.[١]

٢١٨٨ . الإمام الصادق عليه السلام ـ وقَد سُئِلَ عَن صَومِ يَومِ عاشوراءَ ـ: ... النّارُ، أعاذَنَا اللهُ مِنَ النّارِ، ومِن عَمَلٍ يُقَرِّبُ مِنَ النّارِ.[٢]

٢١٨٩ . الكافي عن سليمان بن خالد: حَضَرتُ عَشاءَ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي الصَّيفِ، فَأُتِيَ بِخِوانٍ[٣] عَلَيهِ خُبزٌ، وأُتِيَ بِقَصعَةِ ثَريدٍ ولَحمٍ، فَقالَ: هَلُمَّ إلىٰ هٰذَا الطَّعامِ، فَدَنَوتُ، فَوَضَعَ يَدَهُ فيهِ ورَفَعَها وهُوَ يَقولُ: أستَجيرُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، هٰذا ما لا نَصبِرُ عَلَيهِ فَكَيفَ النّارُ؟ هٰذا ما لا[٤] نَقوىٰ عَلَيهِ فَكَيفَ النّارُ؟ هٰذا ما لا نُطيقُهُ فَكَيفَ النّارُ؟

قالَ: وكانَ عليه السلام يُكَرِّرُ ذٰلِكَ حَتّىٰ أمكَنَ الطَّعامُ، فَأَكَلَ وأكَلنا مَعَهُ.[٥]

٢١٩٠ . الكافي عن زياد بن مروان: كانَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ في سُجودِهِ: أعوذُ بِكَ مِن نارٍ حَرُّها لا يُطفَأُ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ جَديدُها لا يَبلىٰ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ عَطشانُها لا يَروىٰ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ مَسلوبُها لا يُكسىٰ.[٦]

٢١٩١ . الإمام الكاظم عليه السلام ـ مِمّا عَلَّمَهُ مُحَمَّدَ بنَ سِنانٍ لِيَومِ الجُمُعَةِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ وبِنورِ وَجهِكَ الكَريمِ أن تُشَوِّهَ خَلقي، وأن تُرَدِّدَ روحي فِي العَذابِ.[٧]

---

١ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٩، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٨ ح ١٧٦، معاني الأخبار: ص ١٨٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦ ح ٢٨.

٢ . الكافي: ج ٤ ص ١٤٧ ح ٦ عن عبيد بن زرارة.

٣ . الخِوانُ: وهو ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهاية: ج ٢ ص ٨٩ «خون»).

٤ . في المصدر: «لم نقوىٰ»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥ . الكافي: ج ٦ ص ٣٢٢ ح ٥ و ج ٨ ص ١٦٤ ح ١٧٤، المحاسن: ج ٢ ص ١٧٤ ح ١٤٨٩ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٠٣ ح ١٤.

٦ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٨ ح ٢٢، المزار الكبير: ص ١٤٨، المزار للشهيد الأوّل: ص ٢٦٨ كلاهما عن طاووس اليماني عن الإمام زين العابدين عليه السلام، مصباح الزائر: ص ١١١ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها ذيله ونحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٨ ح ٦٠.

٧ . جمال الأسبوع: ص ١٥٢ عن محمّد بن سنان، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٣٢ ح ٥.

فرمود: «این‌که بهشت را از خدا بخواهی و از آتش، به خدا پناه ببری».

۲۱۸۸ . **امام صادق**ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از روزهٔ روز عاشورا ـ: ... [مجازاتش] آتش [است]؛ خداوند، ما را از آتش و از هر کاری که به آتش نزدیک می‌گرداند، در پناه خویش قرار دهد!

۲۱۸۹ . **الکافی** ـ به نقل از سلیمان بن خالد ـ: در تابستانی، شام بر امام صادقﷺ در آمدم. سفره‌ای نان با کاسه‌ای آب گوشت آوردند. فرمود: «پیش آی و تناول کن».

پس جلو رفتم. امامﷺ دستش را در کاسه برد و بیرون آورد و فرمود: «پناه می‌برم به خدا از آتش. پناه می‌برم به خدا از آتش. پناه می‌برم به خدا از آتش. ما تحمّل این داغی را نداریم، چه رسد به آتش دوزخ! ما تاب این را نداریم، چه رسد به آتش! ما طاقت این را نداریم، چه رسد به آتش!» و پیوسته این جملات را گفت تا آن که غذا قابل خوردن شد و تناول کردیم.

۲۱۹۰ . **الکافی** ـ به نقل از زیاد بن مروان ـ: امام کاظمﷺ در سجده‌اش می‌گفت: «پناه می‌برم به تو از آتشی که گرمای آن نمی‌فسرد. پناه می‌برم به تو از آتشی که تازهٔ آن، کهنه نمی‌شود. پناه می‌برم به تو از آتشی که تشنهٔ آن، سیراب نمی‌شود و پناه می‌برم به تو از آتشی که برهنهٔ آن، پوشانده نمی‌شود».

۲۱۹۱ . **امام کاظم**ﷺ ـ از دعایی که به محمّد بن سنان برای روز جمعه آموخت ـ: بار خدایا! به تو و به نور روی تو پناه می‌برم از این که قیافه‌ام را بدریخت گردانی و از این که روحم را در عذاب بگردانی.

الفَصلُ الخامِسُ

مَواطِنُ الاِستِعاذَةِ

١/٥
قِراءَةُ القُرآنِ

الكتاب

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَنِ الرَّجِيمِ﴾.[١]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الحديث

٢١٩٢ . **تفسير العيّاشي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال:** سَأَلْتُهُ عَنِ التَّعَوُّذِ مِنَ الشَّيطانِ عِندَ كُلِّ سورَةٍ نَفتَتِحُها؟

قالَ: نَعَم، فَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٢]

٢١٩٣ . **الإمام الصادق عليه السلام** ـ مِن دُعائِهِ عِندَ قِراءَةِ القُرآنِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِنَ الشِّقوَةِ في حَملِهِ، وَالعَمىٰ عَن عَمَلِهِ، وَالجَورِ عَن حُكمِهِ، وَالعُلُوِّ عَن قَصدِهِ، وَالتَّقصيرِ دونَ حَقِّهِ....

اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن تَخَلُّفِهِ في قُلوبِنا، وتَوَسُّدِهِ عِندَ رُقادِنا، ونَبذِهِ وَراءَ

---

١ . النحل: ٩٨.

٢ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٧٠ ح ٦٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٥ ح ١٦.

فصل پنجم
اوقات پناه بردن به خدا

۱/۵
هنگام خواندن قرآن

قرآن

﴿و هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده‌شده به خدا پناه ببر﴾.

حدیث

۲۱۹۲ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از حلبی ـ: از امام صادق﵇ پرسیدم: آیا هر وقت تلاوت سوره‌ای را آغاز می‌کنیم، از شیطان به خدا پناه ببریم؟

فرمود: «آری، از شیطانِ رانده‌شده به خدا پناه ببر».

۲۱۹۳ . **امام صادق﵇** ـ از دعای ایشان در هنگام خواندن قرآن ـ: بار خدایا! پناه می‌بریم به تو از شقاوت در حمل آن (قرآن)،[1] و چشم پوشیدن از عمل به آن، و انحراف از حکم آن، و دور شدن از راه آن، و کوتاهی کردن در [گزاردن] حقّ آن....

بار خدایا! پناه می‌بریم به تو از غایب بودن آن (قرآن) در دل‌هایمان، و بالش سرمان قرار دادن آن، و افکندن آن در پشت سرمان، و پناه می‌بریم به تو از

---

۱. ظاهراً مقصود، این است که حامل قرآن به دلیل عمل نکردن به آن، شقی می‌گردد. بنا بر این، بقیهٔ عبارت، توضیح این جمله محسوب می‌شود.

ظُهورِنا، ونَعوذُ بِكَ مِن قَساوَةِ قُلوبِنا لِما بِهِ وَعَظتَنا.[١]

٢١٩٤ . تفسير الفخر الرازي: قالَ جَعفَرٌ الصّادِقُ عليه السلام: «إنَّهُ لا بُدَّ قَبلَ القِراءَةِ مِنَ التَّعَوُّذِ، وأمّا سائِرُ الطّاعاتِ فَإنَّهُ لا يَتَعَوَّذُ فيها»، وَالحِكمَةُ فيهِ: أنَّ العَبدَ قَد يَنجَسُ لِسانُهُ بِالكَذِبِ وَالغيبَةِ وَالنَّميمَةِ، فَأمَرَ اللهُ تَعالَى العَبدَ بِالتَّعَوُّذِ لِيَصيرَ لِسانُهُ طاهِراً، فَيَقرَأَ بِلِسانٍ طاهِرٍ كَلاماً أُنزِلَ مِن رَبٍّ طَيِّبٍ طاهِرٍ.[٢]

٢ / ٥
قِراءَةُ آياتِ العَذابِ

٢١٩٥ . المصنّف لابن أبي شيبة عن عبدالله: إذا مَرَّ أحَدُكُم فِي الصَّلاةِ بِذِكرِ النّارِ، فَليَستَعِذ بِاللهِ مِنَ النّارِ، وإذا مَرَّ بِذِكرِ الجَنَّةِ، فَليَسأَلِ اللهَ الجَنَّةَ.[٣]

٢١٩٦ . السنن الكبرى عن عائشة: كُنتُ أقومُ مَعَ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فِي اللَّيلِ، فَيَقرَأُ بِالبَقَرَةِ وآلِ عِمرانَ وَالنِّساءِ، فَإذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها استِبشارٌ دَعا ورَغِبَ، وإذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها تَخويفٌ دَعا وَاستَعاذَ.[٤]

٢١٩٧ . سنن أبي داوود عن عوف بن مالك الأشجعي: قُمتُ مَعَ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله لَيلَةً، فَقامَ فَقَرَأَ سورَةَ البَقَرَةِ، لا يَمُرُّ بِآيَةِ رَحمَةٍ إلّا وَقَفَ فَسَأَلَ، ولا يَمُرُّ بِآيَةِ عَذابٍ إلّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ.[٥]

---

١. الكافي: ج ٢ ص ٥٧٤ ح ١.

٢. تفسير الفخر الرازي: ج ١ ص ١٠٢.

٣. المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ١١٥ ح ٤.

٤. السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٣٦٨٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٨١ ح ٢٤٦٦٣ و ص ٤٣١ ح ٢٤٩٢٩، الزهد لابن المبارك: ص ٤٢١ ح ١١٩٦، تاريخ دمشق: ج ٤ ص ١٤٦ والأربعة الأخيرة نحوه، شعب الإيمان: ج ٢ ص ٣٧٦ ح ٢٠٩٤.

٥. سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٣١ ح ٨٧٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٧٣ ح ٢٣٣٠٠، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨١، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٧٣ ح ٥٤٣، صحيح ابن حبان: ج ٦ ص ٣٤٠ ح ٢٦٠٥ كلّها عن حذيفة نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ١٦٠ ح ٢٢٣٨٤.

سخت دلی [و متأثر نشدن] در برابر اندرزهایی که به ما داده‌ای.

۲۱۹۴ . **تفسیر الفخر الرازی**: امام جعفر صادق﵇ فرموده است: «پیش از قرائت [قرآن]، باید به خدا پناه برد؛ ولی در دیگر عبادات، پناه بردن به خدا لازم نیست». دلیلش هم این است که: بنده با دروغ گفتن و غیبت کردن و سخن‌چینی، زبانش نجس (آلوده) می‌شود. از این رو، خدای متعال بنده را به پناه بردن به او فرمان داده است تا زبانش پاک گردد و گفتاری را که از سوی خداوندی پاک و پاکیزه فرود آمده است، با زبانی پاک قرائت کند.

۲/۵
هنگام خواندن آیات عذاب

۲۱۹۵ . **المصنّف**، ابن ابی شیبة ـ به نقل از عبد الله ـ: هر گاه یکی از شما در نماز به نام آتش [و دوزخ] بر خورد، از آتش به خدا پناه ببرد و هر گاه به نام بهشت بر خورد، از خداوند بهشت درخواست کند.

۲۱۹۶ . **السنن الکبری** ـ به نقل از عایشه ـ: من نیز با پیامبر خدا شب [به عبادت] برخاستم. او سورهٔ بقره و آل عمران و نساء را می‌خواند و هر گاه در آنها به نویدی می‌رسید، دعا می‌کرد و آن را از خدا می‌طلبید و هر گاه در آن به تهدیدی بر می‌خورد، دعا می‌کرد و به خدا پناه می‌برد.

۲۱۹۷ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از عوف بن مالک اشجعی ـ: شبی با پیامبر خدا [برای عبادت] برخاستم. ایشان شروع به خواندن سورهٔ بقره [در قرائت نماز] کرد. به هر آیهٔ رحمتی که می‌رسید، درنگ می‌کرد و [آن را از خدا] درخواست می‌نمود و به هر آیهٔ عذابی که می‌رسید، درنگ می‌کرد و به خدا پناه می‌برد.

٢١٩٨ . **مسند ابن حنبل عن حذيفة:** صَلَّيتُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ... وكانَ إذا مَرَّ بِآيَةِ رَحمَةٍ سَأَلَ، وإذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها عَذابٌ تَعَوَّذَ، وإذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها تَنزيهُ لِلّهِ ﷻ سَبَّحَ.[١]

٢١٩٩ . **سنن ابن ماجة عن أبي ليلى:** صَلَّيتُ إلىٰ جَنبِ النَّبِيِّ ﷺ ـ وهُوَ يُصَلّي مِنَ اللَّيلِ تَطَوُّعاً ـ فَمَرَّ بِآيَةِ عَذابٍ فَقالَ: أعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، ووَيلٌ لِأَهلِ النّارِ.[٢]

٢٢٠٠ . **الإمام الصادق عليه السلام:** إذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ الجَنَّةِ فَاسأَلِ اللهَ الجَنَّةَ، وإذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ النّارِ.[٣]

٢٢٠١ . **عنه عليه السلام:** يَنبَغي لِلعَبدِ إذا صَلّىٰ أن يُرَتِّلَ[٤] في قِراءَتِهِ، فَإِذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ الجَنَّةِ وذِكرُ النّارِ، سَأَلَ اللهَ الجَنَّةَ، وتَعَوَّذَ بِاللهِ مِنَ النّارِ.[٥]

٢٢٠٢ . **عنه عليه السلام:** إنَّ القُرآنَ لا يُقرَأُ هَذرَمَةً[٦] ولٰكِن يُرَتَّلُ تَرتيلاً، فَإِذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ الجَنَّةِ فَقِف عِندَها، وسَلِ اللهَ ﷻ الجَنَّةَ، وإذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَقِف عِندَها، وتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ النّارِ.[٧]

٢٢٠٣ . **الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال:** سَأَلتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكونُ مَعَ الإِمامِ، فَيَمُرُّ

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٧٧ ح ٢٣٣٢١، صحيح مسلم: ج ١ ص ٥٣٧ ح ٢٠٣، سنن النسائي: ج ٣ ص ٢٢٦، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٣٥١ كلّها نحوه، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٥٤٢، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥١ ح ١٧٩٠٦.

٢ . سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٣٥٢، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣٣ ح ٨٨١، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٥ ح ١٩٠٧٧، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٤٠ ح ٣٦٩٠، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٤٢٧ و ص ٨٠ ح ٦٤٣٠ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٥١ ح ١٧٩٠٧.

٣ . مجمع البيان: ج ١٠ ص ٥٦٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٦ ح ٢٠.

٤ . تَرتيلُ القِراءة: التأنّي فيها والتمهُّل وتبيين الحروف (النهاية: ج ٢ ص ١٩٤ «رتل»).

٥ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٤ ح ٤٧١، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٤.

٦ . الهَذْرَمَة: السُّرعةُ في القراءة (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٥٧ «هذرم»).

٧ . الكافي: ج ٢ ص ٦١٧ ح ٢ و ص ٦١٨ ح ٥ كلاهما عن عليّ بن أبي حمزة، أعلام الدين: ص ١٠١ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه.

۲۱۹۸ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از حذیفه ـ : با پیامبرﷺ نماز گزاردم .... ایشان هر گاه به آیهٔ مهرآمیزی می‌رسید، [آن را] درخواست می‌کرد و هر گاه به آیه‌ای برمی‌خورد که در آن از عذابْ یاد شده بود، به خدا پناه می‌برد و هرگاه از آیه‌ای می‌گذشت که در آن خداوندﷻ تنزیه شده بود، تسبیح می‌گفت.

۲۱۹۹ . **سنن ابن ماجة** ـ به نقل از ابو لیلی ـ : در کنار پیامبرﷺ ـ که مشغول خواندن نماز شب بود ـ به نماز ایستادم. ایشان به آیهٔ عذابی رسید و گفت: «از آتش، به خدا پناه می‌برم. بدا به حال اهل آتش!».

۲۲۰۰ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه بر آیه‌ای گذشتی که در آن از بهشت یاد شده است، از خداوندْ بهشت بخواه و هر گاه بر آیه‌ای گذشتی که در آن از دوزخ یاد شده است، از دوزخ به خدا پناه ببر.

۲۲۰۱ . **امام صادق**ﷺ: شایسته است که بنده هر گاه نماز می‌خواند، قرائتش را شمرده بخواند، و چون به آیه‌ای رسید که در آن از بهشت و دوزخ سخن به میان آمده است، از خداوندْ بهشت را بخواهد و از دوزخ به خدا پناه ببرد.

۲۲۰۲ . **امام صادق**ﷺ: قرآن را نباید با شتاب خواند؛ بلکه باید شمرده قرائت کرد. هر گاه به آیه‌ای رسیدی که در آن از بهشت یاد شده است، [از خواندنْ] درنگ کن و از خداوندﷻ بهشت بخواه، و هر گاه به آیه‌ای رسیدی که در آن از آتش یاد شده است، درنگ کن و از آتش، به خدا پناه ببر.

۲۲۰۳ . **الکافی** ـ به نقل از حلبی ـ : از امام صادقﷺ در بارهٔ مردی پرسیدم که پشت سر

بِالمَسأَلَةِ، أو بِآيَةٍ فيها ذِكرُ جَنَّةٍ أو نارٍ.

قالَ: لا بَأسَ بِأن يَسأَلَ عِندَ ذٰلِكَ، ويَتَعَوَّذَ فِي الصَّلاةِ مِنَ النّارِ، ويَسأَلَ اللهَ الجَنَّةَ.[١]

٢٢٠٤ . **الإمام الصادق عليه السلام** ـ في قَولِهِ تَعالىٰ: ﴿يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾[٢] ـ: إنَّ حَقَّ تِلاوَتِهِ هُوَ الوُقوفُ عِندَ ذِكرِ الجَنَّةِ وَالنّارِ، يَسأَلُ فِي الأُولىٰ، ويَستَعيذُ مِنَ الأُخرىٰ.[٣]

٢٢٠٥ . **عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك**: كانَ الرِّضا عليه السلام في طَريقِ خُراسانَ، يُكثِرُ بِاللَّيلِ في فِراشِهِ مِن تِلاوَةِ القُرآنِ، فَإذا مَرَّ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ جَنَّةٍ أو نارٍ بَكىٰ، وسَأَلَ اللهَ الجَنَّةَ وتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ.[٤]

٣/٥
إفتِتاحُ الصَّلاةِ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٢٠٦ . **المصنّف لعبد الرزّاق عن أبي سعيد الخدري**: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ فَاستَفتَحَ صَلاتَهُ كَبَّرَ،... ثُمَّ يُهَلِّلُ ثَلاثاً، ويُكَبِّرُ ثَلاثاً، ثُمَّ يَقولُ: أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٥]

٢٢٠٧ . **مسند ابن حنبل عن أبي أُمامة الباهلي**: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إذا دَخَلَ فِي الصَّلاةِ مِنَ اللَّيلِ

---

١ . الكافي: ج ٣ ص ٣٠٢ ح ٣.

٢ . البقرة: ١٢١.

٣ . مجمع البيان: ج ١ ص ٣٧٥، تفسير العيّاشي: ج ١ ص ٥٧ ح ٨٤ عن أبي بصير وفيه صدره، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٤ ح ١٢.

٤ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٠ ح ٣ و ص ٢١٨ ح ٢.

٥ . المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٧٥ ح ٢٥٥٤، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥٢ ح ٢٣٤٩، تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٢٨ كلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ٨ ص ١٠١ ح ٢٢٠٨٥.

امام [جماعت] به نماز ایستاده است و امام به درخواستی یا به آیه‌ای که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده است، می‌رسد.

فرمود: «اشکالی ندارد که در آن هنگام، [مأموم از خدا] درخواست کند و در نماز، از آتش به خدا پناه برد و از خداوند، بهشت را درخواست نماید».

۲۲۰۴. **امام صادق**ﷺ ـ در بارهٔ این سخن خدای متعال: ﴿آن را چنان که حقّ تلاوت آن است تلاوت می‌کنند﴾ ـ: حقّ تلاوت آن (قرآن)، درنگ کردن در هنگام یاد شدن از بهشت و آتش است. در اوّلی (یاد شدن از بهشت)، [آن را] از خدا بخواهد و از دومی (آتش) به او پناه برد.

۲۲۰۵. **عیون اخبار الرضا**ﷺ ـ به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک ـ: امام رضاﷺ در راه خراسان، شب‌هنگام در بسترش قرآن زیاد تلاوت می‌کرد و هر گاه به آیه‌ای می‌گذشت که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده بود، می‌گریست و بهشت را از خدا مسئلت می‌کرد و از آتش به او پناه می‌برد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳/۵
آغاز نماز

۲۲۰۶. **المصنّف**، عبد الرزّاق ـ به نقل از ابو سعید خُدری ـ: پیامبر خدا هر گاه شب بر می‌خاست و نمازش را آغاز می‌کرد، تکبیر می‌گفت...، سپس سه مرتبه «لا إله إلّا الله» و سه مرتبه «الله أکبر» می‌گفت و آن گاه می‌فرمود: «از شیطان لعین به خدای شنوای دانا پناه می‌برم».

۲۲۰۷. **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو اُمامهٔ باهلی ـ: پیامبر خدا هر گاه داخل در نماز شب

كَبَّرَ ثَلاثاً، وسَبَّحَ ثَلاثاً، وهَلَّلَ ثَلاثاً، ثُمَّ يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، مِن هَمزِهِ ونَفخِهِ وشِركِهِ.[١]

٢٢٠٨ . **المستدرك على الصحيحين عن جبير بن مُطعِم:** إنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ إذَا افتَتَحَ الصَّلاةَ قالَ: اللهُ أكبَرُ كَبيراً، وَالحَمدُ لِلّهِ كَثيراً، وسُبحانَ اللهِ بُكرَةً وأصيلاً[٢] ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، مِن هَمزِهِ ونَفثِهِ ونَفخِهِ.[٣]

٢٢٠٩ . **مسند ابن حنبل عن ربيعة الجرشي:** سَأَلتُ عائِشَةَ فَقُلتُ: ما كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَقولُ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ؟ وبِمَ كانَ يَستَفتِحُ؟

قالَت: كانَ يُكَبِّرُ عَشراً، ويُسَبِّحُ عَشراً، ويُهَلِّلُ عَشراً، ويَستَغفِرُ عَشراً، ويَقولُ: «اللّهُمَّ اغفِر لي، وَاهدِني، وَارزُقني» عَشراً، ويَقولُ: «اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الضّيقِ يَومَ الحِسابِ» عَشراً.[٤]

٢٢١٠ . **الإمام الصادق** ﷺ ـ لِرَجُلٍ ـ: تَعَوَّذ ـ بَعدَ التَّوَجُّهِ ـ مِنَ الشَّيطانِ، تَقولُ: أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٥]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٢١١ . **عنه** ﷺ: إذَا افتَتَحتَ الصَّلاةَ فَارفَع كَفَّيكَ، ثُمَّ ابسُطهُما بَسطاً، ثُمَّ كَبِّر ثَلاثَ تَكبيراتٍ، ثُمَّ قُل: اللّهُمَّ أنتَ المَلِكُ... ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكبيرَتَينِ، ثُمَّ قُل: لَبَّيكَ وسَعدَيكَ... ثُمَّ تُكَبِّرُ

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٧ ح ٢٢٢٣٩، تاريخ دمشق: ج ٦٨ ص ١٢١ ح ١٣٦٧٦، كنز العمّال: ج ٨ ص ٤٠١ ح ٢٣٤٣٩.

٢ . بُكرَةً وأصيلاً: أي غداةً [صباحاً] ومساءً (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٧٧ «بكر»).

٣ . المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٦٠ ح ٨٥٨، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٠٣ ح ٧٦٤، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٢٦٥ ح ٨٠٧، صحيح ابن حبّان: ج ٥ ص ٨٠ ح ١٧٨٠ كلّها نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٣١ ح ١٩٦٤٢.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٧٥ ح ٢٥١٥٦، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢١٨ ح ١٠٧٠٦، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢١١ ح ٨٤٢٧ وفيهما بزيادة «ويحمد عشراً» بعد «يكبّر عشراً».

٥ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٢.

می‌شد، سه «الله أکبر»، سه «سبحان الله» و سه «لا إله إلّا الله» می‌گفت و سپس می‌فرمود: «بار خدایا! از شیطان لعین، از وسوسه‌اش و دمیدنش و شریک شدنش، به تو پناه می‌برم».

۲۲۰۸ . **المستدرک علی الصحیحین** ـ به نقل از جبیر بن مُطعِم ـ: پیامبرﷺ هر گاه نماز را شروع می‌کرد، می‌گفت: «خدا بسی بزرگ است و ستایش بسیار، خدای راست و پاکا خدا هر بام و شام! (سه بار). بار خدایا! من از شیطان لعین، از وسوسه‌اش و افسونش و القائاتش، به تو پناه می‌برم».

۲۲۰۹ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ربیعهٔ جرشی ـ: از عایشه پرسیدم: پیامبر خدا شب‌ها که [برای نماز] بر می‌خاست، چه می‌گفت و با چه چیزی [نمازش را] آغاز می‌کرد؟

عایشه گفت: ده مرتبه «الله أکبر»، ده مرتبه «سبحان الله»، ده مرتبه «لا إله إلّا الله» می‌گفت و ده مرتبه استغفار می‌کرد و ده مرتبه می‌فرمود: «بار خدایا! مرا بیامرز و هدایتم کن و روزی‌ام ده» و ده مرتبه می‌فرمود: «بار خدایا! از سختی و تنگنای روز حسابرسی، به تو پناه می‌برم».

۲۲۱۰ . **امام صادق**ﷺ ـ به مردی ـ: پس از توجّه (گفتنِ «وجّهت وجهی للذی فطر...»)، از شیطان، به خدا پناه می‌بری و می‌گویی: «از شیطانِ رانده‌شده، به خدای شنوای دانا پناه می‌برم».

۲۲۱۱ . **امام صادق**ﷺ: چون نماز را آغاز کردی، دو دستت را بلند کن و آنها را نیک بگشای. سپس سه تکبیر بگو و آن گاه بگو: «بار خدایا! تویی پادشاه...». باز دو تکبیر بگو و آن گاه بگو: «در خدمتم. گوش به فرمانم...». دگربار دو تکبیر بگو و آن گاه

تَكبيرَتَينِ، ثُمَّ تَقولُ: وَجَّهتُ وَجهي... ثُمَّ تَعَوَّذ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، ثُمَّ اقرَأ فاتِحَةَ الكِتابِ.[١]

٢٢١٢. **تهذيب الأحكام عن حنّان بن سدير:** صَلَّيتُ خَلفَ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فَتَعَوَّذَ بِإجهارٍ، ثُمَّ جَهَرَ بِبِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ.[٢]

٢٢١٣. **تهذيب الأحكام عن عثمان بن عيسى عن سماعة:** سَأَلتُهُ[٣] عَنِ الرَّجُلِ يَقومُ فِي الصَّلاةِ فَيَنسىٰ فاتِحَةَ الكِتابِ، قالَ: فَليَقُل: أستَعيذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، إنَّ اللهَ هُوَ السَّميعُ العَليمُ، ثُمَّ لِيَقرَأها.[٤]

٢٢١٤. **الإمام المهدي عليه السلام** ـ في جَوابِ الحِميَرِيِّ وقَد كَتَبَ يَسأَلُهُ عَنِ التَّوَجُّهِ فِي الصَّلاةِ ـ: التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيسَ بِفَريضَةٍ، وَالسُّنَّةُ المُؤَكَّدَةُ فيهِ الَّتي هِيَ كَالإجماعِ الَّذي لا خِلافَ فيهِ: وَجَّهتُ وَجهِيَ لِلَّذي فَطَرَ السَّماواتِ وَالأَرضَ حَنيفاً مُسلِماً... أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ. ثُمَّ تَقرَأُ الحَمدَ.[٥]

٤/٥
بَعدَ كُلِّ صَلاةٍ

٢٢١٥. **مسند ابن حنبل عن أبي بكرة:** إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ يَقولُ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ، وَالفَقرِ، وعَذابِ القَبرِ.[٦]

---

١. الكافي: ج ٣ ص ٣١٠ ح ٧، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٤٤ كلاهما عن الحلبي.

٢. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٨، قرب الإسناد: ص ١٢٤ ح ٤٣٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٦.

٣. هكذا جاء مضمراً.

٤. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٤٧ ح ٥٧٤.

٥. الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٧٥ ح ٣٥٦، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٥٩ ح ٧.

٦. مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣١٢ ح ٢٠٤٣١، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٦٧ ح ٧٤٧، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٨٣ ح ٩٢٧، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥١ ح ٦ و ج ٧ ص ١٩ ح ١٨، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٤٣ ح ٤٩٧٣.

بگو: «روی خویش نمودم به سوی...». سپس از شیطان لعین، به خدا پناه ببر و آن گاه فاتحة الکتاب را بخوان.

۲۲۱۲ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از حنّان بن سدیر ـ: پشت سر امام صادق﵇ به نماز ایستادم. ایشان نخست با صدای بلند استعاذه گفت و سپس بلند گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم».

۲۲۱۳ . **تهذیب الأحکام** ـ به نقل از عثمان بن عیسی، از سماعه ـ: از ایشان[1] در بارهٔ مردی پرسیدم که به نماز می‌ایستد و فاتحة الکتاب را فراموش می‌کند. فرمود: «بگوید: "از شیطانِ رانده‌شده به خدا پناه می‌برم، که خداوند، شنوای داناست" و سپس آن (فاتحة الکتاب) را بخواند».

۲۲۱۴ . **امام مهدی**﵇ ـ در پاسخ حِمیَری که در نامه‌ای از ایشان در بارهٔ خواندن «وجّهت وجهی للذی فطر السماوات...» در نماز پرسیده بود ـ: همهٔ آن، واجب نیست؛ بلکه سنّت مؤکّد در آن ـ که به منزلهٔ اجماع است ـ و اختلافی در آن نیست، این است: «روی خویش نمودم به سوی آن که آسمان‌ها و زمین را آفرید، از سر یکتاپرستی و مسلمانی و تسلیم.... به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از شیطانِ رانده‌شده. به نام خدای مهرگستر مهربان». سپس حمد را می‌خوانی.

۴/۵
پس از هر نماز

۲۲۱۵ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابو بکره ـ: پیامبرﷺ در پایان هر نماز می‌گفت: «بار خدایا! از کفر و فقر و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم».

---

۱ . در منبع به همین صورت، ضمیرِ اشاره آمده است.

٢٢١٦ . **مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس:** إنَّ نَبِيَّ اللهِ ﷺ كانَ يَتَعَوَّذُ في دُبُرِ صَلاتِهِ مِن أربَعٍ، يَقولُ: أعوذُ بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ، وأعوذُ بِاللهِ مِن عَذابِ النّارِ، وأعوذُ بِاللهِ مِنَ الفِتَنِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، وأعوذُ بِاللهِ مِن فِتنَةِ الأَعوَرِ الكَذّابِ.[١]

٢٢١٧ . **رسول الله ﷺ** ـ في دُبُرِ الصَّلَواتِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ، ونَفسٍ لا تَشبَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أُولئِكَ الأَربَعِ.[٢]

٢٢١٨ . **عنه ﷺ:** إذا صَلّىٰ أحَدُكُم فَليَقُل: اللّهُمَّ باعِد بَيني وبَينَ خَطيئَتي كَما باعَدتَ بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ، اللّهُمَّ أعوذُ بِكَ أن تَصُدَّ عَنّي وَجهَكَ يَومَ القِيامَةِ، اللّهُمَّ نَقِّني مِن خَطيئَتي كَما نَقَّيتَ الثَّوبَ الأَبيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، اللّهُمَّ أحيِني مُسلِماً وأمِتني مُسلِماً.[٣]

٢٢١٩ . **الإمام الباقر عليه السلام:** أقَلُّ ما يُجزِئُكَ مِنَ الدُّعاءِ بَعدَ الفَريضَةِ أن تَقولَ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن كُلِّ خَيرٍ أحاطَ بِهِ عِلمُكَ، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَرٍّ أحاطَ بِهِ عِلمُكَ، اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ عافِيَتَكَ في أُموري كُلِّها، وأعوذُ بِكَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَةِ.[٤]

٢٢٢٠ . **الإمام الصادق عليه السلام:** لا تَدَع في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ: أُعيذُ نَفسي وما رَزَقَني رَبّي بِاللهِ الواحِدِ

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٢٧ ح ٢٦٦٧ و ص ٦٥٣ ح ٢٧٧٩، التاريخ الكبير: ج ٢ ص ١١٩ ح ١٨٩٦، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٢٩ ح ١٢٧٧٩، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٢٣٤ ح ٧٠٧، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦٤ ح ٣٩٧٧.

٢ . الدعاء للطبراني: ص ٤٠٧ ح ١٣٦٩، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٤٥ ح ٧٨٧٠ و ص ٤٥٢ ح ٧٩٠٥، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٦٥ ح ١٤٠٢٥، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ١٨٦ ح ٣٥٦ كلّها عن أنس وليس فيها «في دبر الصلوات»، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٣٦٣١؛ كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٨٥ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٨ ح ١٥.

٣ . المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٥٨ ح ٧٠٤٨ عن سمرة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٤٣٢ ح ١٩٦٤٣.

٤ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٦ و ج ٢ ص ٥٧٨ ح ٣ وليس فيه «أقلّ ما يجزئك من الدعاء بعد الفريضة أن تقول»، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٧ كلّها عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٣ ح ٩٤٨، معاني الأخبار: ص ٣٩٤ ح ٤٦، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٠٧٢ والثلاثة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٣ ح ٣٧.

۲۲۱۶ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبر خدا در پایان نمازش از چهار چیز به خدا پناه می‌برد. می‌فرمود: «به خدا پناه می‌برم از عذاب قبر. به خدا پناه می‌برم از عذاب آتش. به خدا پناه می‌برم از فتنه‌های آشکار و پنهان. و به خدا پناه می‌برم از فتنهٔ آن یک چشمِ دروغگو (دَجّال)».

۲۲۱۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ بعد از نمازها ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از دانشی که سود نبخشد، و دلی که خاشع نباشد، و نفْسی که سیر نشود و دعایی که شنیده [و اجابت] نگردد. بار خدایا! از این چهار چیز به تو پناه می‌برم.

۲۲۱۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما نماز خواند، بگوید: «بار خدایا! میان من و گناهم، چنان دوری افکن که میان مشرق و مغرب افکنده‌ای. بار خدایا! پناه می‌برم به تو از این که در روز رستاخیز از من روی بگردانی. بار خدایا! مرا از گناهانم پاکیزه گردان، آن سان که جامهٔ سپید را از چرک، پاک گردانیده‌ای. بار خدایا! مرا مسلمان، زنده بدار و مرا مسلمان بمیران».

۲۲۱۹ . **امام باقر**ؑ: کمترین دعایی که تو را بعد از نماز واجب کفایت کند، این است که بگویی: «بار خدایا! از تو می‌خواهم هر خیری را که تو کاملاً به آن آگاهی، و به تو پناه می‌برم از هر شرّی که تو از آن کاملاً آگاهی. بار خدایا! از تو می‌خواهم که به همهٔ کارهایم عافیت [و سلامت از عیب و نقص] ببخشی و از خواری در دنیا و عذاب آخرت، به تو پناه می‌برم».

۲۲۲۰ . **امام صادق**ؑ: در پی هر نمازی، این دعا را فرو مگذار: «خودم را و آنچه را که پروردگارم روزیِ من کرده است، در پناه خدای یکتای بی‌نیاز» تا پایان آن (سورهٔ توحید) را بگو «در می‌آورم. خودم را و آنچه را که پروردگارم روزیِ من کرده است، در پناه پروردگار سپیده‌دم» تا پایان آن (سورهٔ فلق) بگو «در می‌آورم. و

الصَّمَدِ ـ حَتّىٰ تَختِمَها ـ وأُعيذُ نَفسي وما رَزَقَني رَبّي بِرَبِّ الفَلَقِ ـ حَتّىٰ تَختِمَها ـ وأُعيذُ نَفسي وما رَزَقَني رَبّي بِرَبِّ النّاسِ ـ حَتّىٰ تَختِمَها ـ.[١]

٢٢٢١ . عنه ﷺ: إنَّ مِنَ الدُّعاءِ ما يَنبغي لِصاحِبِهِ إذا نَسِيَهُ أن يَقضِيَهُ؛ يَقولُ بَعدَ الغَداةِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ....

ويَقولُ: «أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ» عَشرَ مَرّاتٍ، فَإذا نَسِيَ مِن ذٰلِكَ شَيئاً كانَ عَلَيهِ قَضاؤُهُ.[٢]

٢٢٢٢ . عنه ﷺ: تَمسَحُ بِيَدِكَ اليُمنىٰ عَلىٰ جَبهَتِكَ ووَجهِكَ في دُبُرِ المَغرِبِ وَالصَّلَواتِ، وتَقولُ: بِاسمِ اللهِ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُوَ، عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ، الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ وَالحَزَنِ، وَالسُّقمِ وَالعُدمِ، وَالصَّغارِ وَالذُّلِّ، وَالفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ.[٣]

٢٢٢٣ . عنه ﷺ: إذا أمسَيتَ وأصبَحتَ، فَقُل في دُبُرِ الفَريضَةِ فِي صَلاةِ المَغرِبِ وصَلاةِ الفَجرِ: «أستَعيذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» عَشرَ مَرّاتٍ....

أستَعيذُ بِاللهِ في لَيلَتي هٰذِهِ ويَومي هٰذا، مِمّا استَعاذَ مِنهُ مُحَمَّدٌ وعَلِيٌّ وفاطِمَةُ وَالأَوصِياءُ صَلَّى اللهُ عَلَيهِم، وأرغَبُ إلَى اللهِ فيما رَغِبوا فيهِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٤]

---

١ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٨ و ص ٣٤٦ ح ٢٧، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٨ ح ٤٠٩ كلّها عن محمّد الواسطي، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٥١.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٣٣ ح ٣٣ عن العلاء بن كامل، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٤ ح ٤٦.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٣٤٥ ح ٢٤، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٥ ح ٤٢٩ كلاهما عن محمّد بن مروان، البلد الأمين: ص ١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٢ ح ٥٧.

٤ . فلاح السائل: ص ٢٠٧ ح ٢٧٧ عن محمّد بن عجلان، الكافي: ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٤ عن يزيد بن كلثمة عن الإمام الصادق أو عن الإمام الباقر ﷺ، مصباح المتهجّد: ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٩٦ ح ٥.

خودم را و آنچه پروردگارم روزیِ من کرده است، در پناه پروردگار مردم» تا پایان آن (سورهٔ ناس) بگو «در می‌آورم».

۲۲۲۱ . **امام صادق**ؑ: برخی از دعاهاست که سزاوار است اگر انسان آن را فراموش کرد، قضایش را به جا آورد، این که بعد از [نماز] صبح، ده مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز...» و ده مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می‌برم». اگر چیزی از اینها را فراموش کرد، باید قضایش را به جا آورد.

۲۲۲۲ . **امام صادق**ؑ: بعد از نماز مغرب و [سایر] نمازها (/دعاها)، دست راستت را بر پیشانی و صورتت می‌کشی و می‌گویی: «به نام خدایی که معبودی جز او نیست و دانای نهان و پیداست و مهرگستر و مهربان است. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از نگرانی و اندوه، و بیماری و ناداری، و خواری و ناتوانی، و گناهان آشکار و پنهان.

۲۲۲۳ . **امام صادق**ؑ: هر بام و شام، پس از نماز مغرب و نماز صبح، ده بار بگو: «از شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم»... «در این شب و این روزم، به خدا پناه می‌برم از آنچه محمّد و علی و فاطمه و اوصیا (امامان) ـ که درود خدا بر ایشان باد ـ از آن به خدا پناه جستند، و از خدا آن چیزی را می‌خواهم که آنان از او خواستند، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا».

٢٢٢٤ . عنه عليه السلام ـ بَعدَ صَلاةِ الفَجرِ ـ :... أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ، وأعوذُ بِكَ رَبِّ أن يَحضُرونِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ....

وأعوذُ بِكَ مِن يَومٍ أوَّلُهُ فَزَعٌ، وأوسَطُهُ جَزَعٌ، وآخِرُهُ وَجَعٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَارزُقني خَيرَ يَومي هٰذا وخَيرَ ما فيهِ، وخَيرَ ما قَبلَهُ وخَيرَ ما بَعدَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما فيهِ، وشَرِّ ما قَبلَهُ وشَرِّ ما بَعدَهُ.[1]

راجع: ص ٣٣٨ ح ٢١٠٠.

٥/٥
قُنوتُ صَلاةِ الوِترِ

٢٢٢٥ . الإمام الصادق عليه السلام: كانَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَستَغفِرُ اللهَ فِي الوَترِ سَبعينَ مَرَّةً، ويَقولُ: «هٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ.[2]

٢٢٢٦ . الإمام عليّ عليه السلام: إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ يَقولُ في وَترِهِ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، وأعوذُ بِمُعافاتِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنكَ، لا اُحصي ثَناءً عَلَيكَ، أنتَ كَما أثنَيتَ عَلىٰ نَفسِكَ.[3]

٢٢٢٧ . الإمام الباقر عليه السلام ـ بَعدَ دُعاءٍ ذَكَرَهُ لِقُنوتِ الوَترِ ـ : ثُمَّ تَقولُ في قُنوتِ الوَترِ بَعدَ هٰذا:

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٢١٨ ح ٣٣١، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢١٧٢، المصباح للكفعمي: ص ٩٩، البلد الأمين: ص ٥٣ كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٣ ح ٤٣.

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٤٠٦ عن عبد الله بن أبي يعفور، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٨٧ ح ٧٩.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٦١ ح ٣٥٦٦، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤١٧ ح ٧٧٥٢ و ٧٧٥٣، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥١، التاريخ الكبير: ج ٨ ص ١٩٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١١٤ ح ١ كلّها عن عبد الرحمن بن الحارث، كنز العمّال: ج ٨ ص ٦٣ ح ٢١٨٨٥.

۲۲۲۴ . **امام صادق**ﷺ ـ بعد از نماز صبح ـ: ... به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از شیطانِ رانده‌شده، و از وسوسه‌های شیطان‌ها، و به تو پناه می‌برم ـ ای خداوند ـ از این که آنان در نزد من آیند، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدای والا و بزرگ ـ... و به تو پناه می‌برم از روزی که آغازش ترس باشد و میانش پریشان‌خاطری و پایانش درد.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و خیر این روز و خیر آنچه در این روز است، و خیر پیش از آن و خیر پس از آن را روزیِ من فرما و از شرّ این روز و شرّ آنچه در این روز است و شرّ پیش از آن و شرّ پس از آن، به تو پناه می‌برم.

ر.ک: ص ۳۴۹ ح ۲۱۰۰.

۵/۵
دعای قنوتِ نماز وتر

۲۲۲۵ . **امام صادق**ﷺ: پیامبر خدا در نماز وَتر، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می‌طلبید و هفت مرتبه می‌فرمود: «این، جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است».

۲۲۲۶ . **امام علی**ﷺ: پیامبرﷺ در نماز وترش می‌گفت: «بار خدایا! از ناخشنودی تو، به خشنودی‌ات پناه می‌برم و از کیفرت، به بخشایشت پناه می‌برم و از تو، به خودت پناه می‌آورم. ثنای تو را شماره نتوانم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای.

۲۲۲۷ . **امام باقر**ﷺ ـ بعد از دعایی که برای قنوت نماز وتر فرمود ـ: پس از این، در قنوت نماز وتر هفت بار می‌گویی: «از خدا آمرزش می‌خواهم و به

«أستَغفِرُ اللهَ وأتوبُ إلَيهِ» سَبعينَ مَرَّةً، وتَعَوَّذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ كَثيراً.[١]

٦/٥
قُنوتُ صَلاةِ العيدَينِ

٢٢٢٨ . الإمام الصادق عليه السلام ـ في قُنوتِ صَلاةِ العيدِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ عِبادُكَ الصّالِحونَ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عاذَ مِنهُ عِبادُكَ المُخلِصونَ.[٢]

٧/٥
الفَراغُ مِنَ التَّلبِيَةِ

٢٢٢٩ . السنن الكبرى عن خزيمة بن ثابت: إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كانَ إذا فَرَغَ مِن تَلبِيَتِهِ، سَأَلَ اللهَ رِضوانَهُ ومَغفِرَتَهُ، وَاستَعاذَ بِرَحمَتِهِ مِنَ النّارِ.[٣]

٨/٥
زِيارَةُ أهلِ البَيتِ

٢٢٣٠ . الإمام الباقر عليه السلام: كانَ أبي عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام يَقِفُ عَلَى قَبرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَيُسَلِّمُ عَلَيهِ، ويَشهَدُ لَهُ بِالبَلاغِ، ويَدعو بِما حَضَرَهُ... ويُسنِدُ ظَهرَهُ إلَى القَبرِ ويَستَقبِلُ القِبلَةَ فَيَقولُ: اللّهُمَّ إلَيكَ ألجَأتُ ظَهري، وإلىٰ قَبرِ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ أسنَدتُ ظَهري... اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أن تُبَدِّلَ اسمي، أو تُغَيِّرَ جِسمي، أو تُزيلَ نِعمَتَكَ

---

١. الأمالي للطوسي: ص ٤٣٣ ح ٩٧١، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٥ ح ٦٣٩ عن زرارة، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٩٨ ح ٦.

٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٣ ح ١٤٨١ و ص ٥٢٣ ح ١٤٨٧، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٣ ح ٢٩٠ كلّها عن أبي الصباح الكناني وفيه «المرسلون» بدل «الصالحون»، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٧٩ ح ٢٩.

٣. السنن الكبرى: ج ٥ ص ٧٢ ح ٩٠٣٨، كنز العمّال: ج ٧ ص ٩١ ح ١٨١١٠.

درگاهش توبه می‌کنم» و بسیار از آتش، به خدا پناه می‌بری.

۶/۵
دعای قنوت نماز عید فطر و قربان

۲۲۲۸ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای نماز عید ـ: بار خدایا! از تو می‌خواهم هر آن خوبی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواستند و به تو پناه می‌برم از هر آن بدی که بندگان شایسته‌ات از آن به تو پناه بردند.

۷/۵
پس از لبیک گویی (در حج)

۲۲۲۹ . **السنن الکبری** ـ به نقل از خزیمة بن ثابت ـ: پیامبرﷺ چون لبیک‌گویی‌اش را به پایان می‌برد، از خداوند خشنودی و آمرزش می‌طلبید و از آتش، به رحمت او پناه می‌جست.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸/۵
پس از زیارت اهل بیت

۲۲۳۰ . **امام باقر**ﷺ: پدرم علی بن الحسینﷺ کنار قبر پیامبرﷺ می‌ایستاد و به ایشان سلام می‌کرد و به ابلاغ مأموریتش گواهی می‌داد و هر دعایی که به ذهنش می‌رسید، می‌کرد... و پشت به قبر و رو به قبله می‌کرد و می‌گفت: «بار خدایا! پشتم را در پناه تو در آوردم و به قبر محمّد، بنده و فرستاده‌ات تکیه کردم.... بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که نامم را بگردانی، یا جسمم را دگرگونه سازی، یا نعمتت را از من بگیری. بار خدایا! مرا به پرهیزگاری، گرامی بدار و به نعمت‌ها برازنده‌ام

عَنّي، اللّٰهُمَّ كَرِّمني بِالتَّقوىٰ، وجَمِّلني بِالنِّعَمِ، وَاغمُرني بِالعافِيَةِ.[١]

٢٢٣١ . الإمام الصادق عليه السلام ـ فيما يُقالُ فِي السَّفَرِ إلىٰ زِيارَةِ الحُسَينِ عليه السلام ـ : إذا كُنتَ راكِباً أو ماشِياً فَقُل: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن سَطَواتِ[٢] النَّكالِ[٣]، وعَواقِبِ الوَبالِ[٤]، وفِتنَةِ الضَّلالِ، ومِن أن نَلقىٰ بِمَكروهٍ.

وأعوذُ بِكَ مِنَ الحَبسِ وَاللَّبسِ، ومِن وَسوَسَةِ الشَّيطانِ، وطَوارِقِ السَّوءِ، وشَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، ومِن شَرِّ شَياطينِ الجِنِّ وَالإنسِ، ومِن شَرِّ مَن يَنصِبُ لِأَولِياءِ اللهِ العَداوَةَ، ومِن أن يَفرُطوا عَلَيَّ أو أن يَطغَوا.

وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ عُيونِ الظَّلَمَةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، وشَرَكِ إبليسَ، ومِن أن يَرُدَّ عَنِ الخَيرِ بِاللِّسانِ وَاليَدِ.[٥]

٩/٥
تِلكَ الأفعالُ

أ ـ الخُطبَةُ

٢٢٣٢ . الأمالي للمفيد عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري: أمَرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مُنادِياً فَنادَى الصَّلاةَ جامِعَةً، فَاجتَمَعَ النّاسُ وخَرَجَ حَتّىٰ عَلَا المِنبَرَ، وكانَ أوَّلُ ما

---

١ . الكافي: ج ٤ ص ٥٥١ ح ٢، كامل الزيارات: ص ٥٢ ح ٢٩ و ص ٥٦ ح ٣٤ كلّها عن عليّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٦٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما: «ألجأتُ أمري» بدل «ألجأتُ ظهري»، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥٣ ح ٢٠.

٢ . السَّطْوَة: القهر والبطش (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٦ «سطا»).

٣ . النَّكالُ: العُقوبة (النهاية: ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٤ . الوَبالُ: العذابُ في الآخرة (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبل»).

٥ . كامل الزيارات: ص ٣٩٥ ح ٦٣٩ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٧٤ ح ٣٠.

ساز و در عافیت و بهبود، غوطه‌ورم کن».

۲۲۳۱ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعا به هنگام سفر برای زیارت امام حسین ﷺ ـ: سواره بودی یا پیاده، بگو: «بار خدایا! از یورش‌های کیفرها و پیامدهای عذاب و بلای گم‌راهی و از این که با ناملایمات برخورد کنیم، به تو پناه می‌برم.

به تو پناه می‌برم از در هم آمیختگی [حق و باطل] و شبهه، و از وسوسهٔ شیطان و پیشامدهای بد و گزند هر گزندرسانی، و از گزند شیاطین جن و انس، و از گزند کسی که با دوستان خدا به دشمنی برمی‌خیزد، و از این که به من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند.

و پناه می‌برم به تو از گزند جاسوسان ستمگران، و از گزند هر گزندرسانی، و [از] دام ابلیس و از این که با دست و زبان، مانع خیر شود».

۹/۵
وهنگام این چند کار

الف ـ سخنرانی

۲۲۳۲ . **الأمالی**، مفید ـ به نقل از جابر جعفی، از امام باقر ﷺ، از جابر بن عبد الله انصاری ـ: پیامبر ﷺ به جار زنی فرمود و او در میان مردم صدا در داد. مردم، گرد آمدند و پیامبر ﷺ بیرون آمد و بر منبر رفت. نخستین چیزی که فرمود، این بود: «از

تَكَلَّمَ بِهِ: أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ.[١]

٢٢٣٣ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في خُطبَةٍ طَويلَةٍ ـ: أستَعيذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ.[٢]

٢٢٣٤ . عنه عليه السلام ـ مِن خُطبَتِهِ فِي الجُمُعَةِ بِالكوفَةِ وَالمَدينَةِ ـ: الحَمدُ للهِ، أحمَدُهُ وأستَعينُهُ وأستَهديهِ، وأعوذُ بِاللهِ مِنَ الضَّلالَةِ، مَن يَهدِ اللهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ، ومَن يُضلِل فَلا هادِيَ لَهُ.[٣]

٢٢٣٥ . عنه عليه السلام ـ في خُطبَةِ الجُمُعَةِ ـ: الحَمدُ للهِ ذِي القُدرَةِ وَالسُّلطانِ، وَالرَّأفَةِ وَالامتِنانِ، أحمَدُهُ عَلىٰ تَتابُعِ النِّعَمِ، وأعوذُ بِهِ مِنَ العَذابِ وَالنِّقَمِ.[٤]

٢٢٣٦ . عنه عليه السلام ـ في خُطبَةِ الجُمُعَةِ ـ: إنَّ أحسَنَ الحَديثِ، وأبلَغَ المَوعِظَةِ، كِتابُ اللهِ عزّ وجلّ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، إنَّ اللهَ هُوَ الفَتّاحُ العَليمُ، بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، ثُمَّ يَبدَأُ بَعدَ الحَمدِ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ أو بِـ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ أو ....[٥]

٢٢٣٧ . الكافي عن عبد العظيم بن عبد الله: سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَخطُبُ بِهٰذِهِ الخُطبَةِ: ... أحمَدُهُ عَلىٰ نِعَمِهِ، وأعوذُ بِهِ مِن نِقَمِهِ، وأستَهدِي اللهَ الهُدىٰ، وأعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ وَالرَّدىٰ[٦].[٧]

---

١ . الأمالي للمفيد: ص ٧٧ ح ٢ و ص ٣٤٦ ح ٢، الأمالي للطوسي: ص ١١٨ ح ١٨٥، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٩، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ١١٣ ح ٥١.

٢ . الكافي: ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٩٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥٢ ح ٣١.

٣ . الغارات: ج ٢ ص ٧٢٨، وقعة صفّين: ص ١٠ كلاهما عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٥٦ ح ٣٣٧؛ الأخبار الطوال: ص ١٥٢، شرح نهج البلاغة: ج ٣ ص ١٠٨ عن نصر.

٤ . مصباح المتهجّد: ص ٣٨٤ ح ٥١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣١ ح ١٢٦٣، مصباح المتهجّد: ص ٣٨٢ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٤ ح ٦٧.

٦ . الرَّدىٰ: الهلاك (النهاية: ج ٢ ص ٢١٦ «ردا»).

٧ . الكافي: ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٦ وراجع الإقبال: ج ٢ ص ٢٢٤ وبحار الأنوار: ج ٩١ ص ٨٠ والأخبار الطوال: ص ١٥٣.

شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم. به نام خدای مهرگستر مهربان».

۲۲۳۳ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبه‌ای بلند ـ: از شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم. به نام خدای مهرگستر مهربان.

۲۲۳۴ . **امام علی**ﷺ ـ از خطبهٔ نماز جمعهٔ ایشان در کوفه و مدینه ـ: ستایش، خدای را. او را می‌ستایم و از او کمک می‌خواهم و راه‌نمایی می‌جویم و از گم‌راهی به خدا پناه می‌برم، که هر که را خدا راه نمایی کند، کس نتواند گم‌راهش کند و هر که را خدا گم‌راه گرداند، کس نتواند به راهش آورد.

۲۲۳۵ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبهٔ نماز جمعه ـ: ستایش، خدای را که دارای توان و چیرگی، و مهرورزی و بنده‌نوازی است. او را بر نعمت‌های پیاپی‌اش ستایش می‌گویم و از عذاب و کیفرها به او پناه می‌برم.

۲۲۳۶ . **امام علی**ﷺ ـ در خطبهٔ نماز جمعه ـ: راستی که خوش‌ترین سخن و رساترین پند، کتاب خداست. از شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم، که خدا گشایشگر و داناست. به نام خدای مهرگستر مهربان. سپس بعد از [خواندنِ] سورهٔ حمد، سورهٔ ﴿قل هو الله احد﴾ یا ﴿قل یا ایها الکافرون﴾ یا ... را قرائت می‌کرد.

۲۲۳۷ . **الکافی** ـ به نقل از عبد العظیم بن عبد الله ـ: از امام هادیﷺ شنیدم که این خطبه را می‌خواند: «... او را بر نعمت هایش می‌ستایم، و از کیفرهایش به او پناه می‌برم، و از خدا هدایت و راه نمایی می‌جویم، و از گم‌راهی و تباهی، به او پناه می‌برم».

ب ـ شِراءُ الدّابّةِ

٢٢٣٨ . رسول الله ﷺ: مَنِ اشتَرىٰ... دابَّةً فَليَضَع يَدَهُ عَلىٰ ناصِيَتِها، ثُمَّ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن خَيرِها وخَيرِ ما جَبَلتَها[1] عَلَيهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما جَبَلتَها عَلَيهِ.

وإذَا اشتَرىٰ بَعيراً فَليَضَع يَدَهُ عَلىٰ ذِروَةِ سَنامِهِ، ثُمَّ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن خَيرِهِ وخَيرِ ما جَبَلتَهُ عَلَيهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما جَبَلتَهُ عَلَيهِ.[2]

٢٢٣٩ . عنه ﷺ: إذَا اشتَرىٰ أحَدُكُم بَعيراً فَليَأخُذ بِذِروَةِ سَنامِهِ، وَليَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ.[3]

ج ـ دُخولُ السّوقِ

٢٢٤٠ . الإمام عليّ ﷺ: إذَا اشتَرَيتُم ما تَحتاجونَ[4] إلَيهِ مِنَ السّوقِ، فَقولوا حينَ تَدخُلونَ الأَسواقَ:

أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ﷺ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن صَفقَةٍ خاسِرَةٍ، ويَمينٍ فاجِرَةٍ، وأعوذُ بِكَ مِن بَوارِ الأَيِّمِ[5].[6]

---

١. جُبِلَتْ عليه: أي خُلِقَت وطُبِعَت عليه (النهاية: ج ١ ص ٢٣٦ «جبل»).

٢. تاريخ دمشق: ج ٢١ ص ٤٧٩ ح ٤٨٦٣، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٠ ح ١٣٠٨، تاريخ أصبهان: ج ١ ص ٣٣١ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ٨٧ ح ٢٥٠٩٦.

٣. كنز العمّال: ج ٩ ص ٦٣ ح ٢٤٩٥٥ نقلاً عن سنن أبي داوود عن ابن عمر وراجع سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٢٤٨ ح ٢١٦٠.

٤. في المصدر: «يحتاجون»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥. بَوار الأيِّم: أي كسادها، والأيِّم التي لا زوجَ لها وهي مع ذلك لا يرغب فيها أحدٌ (النهاية: ج ١ ص ٦١ «بور»).

٦. الخصال: ص ٦٣٤ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، تحف العقول: ص ١٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٧٢ ح ١.

ب ـ خرید دام

۲۲۳۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرکس ... چارپایی خرید، دستش را بر پیشانی آن بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیرِ این را و خیر آنچه را که در وجود این چارپا نهاده‌ای، از تو می‌خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در وجودش سرشته‌ای، به تو پناه می‌برم».

و هر گاه شتری خرید، دستش را روی نوک کوهانش بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیر این و خیر آنچه را در وجود این شتر نهاده‌ای، از تو می‌خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه در وجودش سرشته‌ای، به تو پناه می‌برم».

۲۲۳۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما شتری خرید، نوک کوهان آن را بگیرد و از شیطان به خدا پناه ببرد.

ج ـ وارد شدن به بازار

۲۲۴۰ . **امام علی**ؑ: هر گاه مایحتاج خود را از بازار خریدید، هنگام وارد شدن به بازارها بگویید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی‌انباز نیست، و گواهی می‌دهم که محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. بار خدایا! از معاملهٔ زیانبار و سوگند دروغ، به تو پناه می‌برم و از بی‌مشتری ماندنِ زنان بی‌شوی به تو پناه می‌برم».

د ـ غَسلُ اليَدِ

٢٢٣١ . رسول الله ﷺ: إذا غَسَلتَ يَدَكَ بَعدَ الطَّعامِ فَامسَح وَجهَكَ وعَينَيكَ قَبلَ أن تَمسَحَ بِالمِنديلِ، وتَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ الزّينَةَ وَالمَحَبَّةَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ المَقتِ[1] وَالبِغضَةِ.[2]

هـ ـ التَّدهينُ

٢٢٣٢ . الإمام الصادق عليه السلام: إذا أخَذتَ الدُّهنَ عَلىٰ راحَتِكَ فَقُل: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ الزَّينَ وَالزّينَةَ وَالمَحَبَّةَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَّينِ[3] وَالشَّنآنِ[4] وَالمَقتِ.[5]

و ـ الزَّواجُ

٢٢٣٣ . رسول الله ﷺ ـ في عَلِيٍّ وفاطِمَةَ عليهما السلام عِندَ زَواجِهِما ـ: اللّهُمَّ إنّي أُعيذُها بِكَ وذُرِّيَّتَها مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ....

اللّهُمَّ! إنّي أُعيذُهُ بِكَ وذُرِّيَّتَهُ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ....[6]

٢٢٣٤ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في حَديثِ تَزويجِ فاطِمَةَ عليها السلام ـ: ثُمَّ أتاني فَأَخَذَ بِيَدي فَقالَ: قُم بِاسمِ اللهِ، وقُل: عَلىٰ بَرَكَةِ اللهِ، وما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ.

---

١. المَقْتُ: أشدّ البغض (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٢. المحاسن: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ١٦٠٣، الدعوات: ص ١٤٣ ح ٣٦٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٥٩ ح ٢٧.

٣. الشَّيْنُ: العَيبُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٢١ «شين»).

٤. الشَّناءة: البُغض وقد شنأته شنأً وشَنآناً (الصحاح: ج ١ ص ٥٧ «شنأ»).

٥. الكافي: ج ٦ ص ٥١٩ ح ٦ عن مهزم الأسدي، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١١١ ح ٢٤٧ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٤٥ ح ٣.

٦. صحيح ابن حبّان: ج ١٥ ص ٣٩٤ ح ٦٩٢٤، المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٤١٠ ح ١٠٢١ كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ١٣ ص ٦٨٤ ح ٣٧٧٥٥.

د ـ شستن دست‌ها

۲۲۳۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: پس از غذا چون دستت را شستی، آن را پیش از خشک کردن با حوله، به صورت و چشمانت بکش و بگو: «بار خدایا! آراستگی و دوستی را از تو می‌خواهم و از نفرت و دشمنی، به تو پناه می‌برم».

هـ ـ روغن زدن

۲۲۳۲ . **امام صادق**ؑ: چون روغن[1] را در کف دستت نهادی، بگو: «بار خدایا! آراستگی و زیور و دوستی را از تو درخواست می‌کنم و از زشتی و دشمنی و کینه، به تو پناه می‌برم».

و ـ ازدواج

۲۲۳۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در حقّ علی و فاطمهؑ هنگام ازدواج آن دو ـ: بار خدایا! این [فاطمه] را و فرزندانش را از شیطانِ رانده‌شده در پناه تو در می‌آورم.... بار خدایا! این [علی] را و فرزندانش را از شیطانِ رانده‌شده، در پناه تو در می‌آورم....

۲۲۳۴ . **امام علی**ؑ ـ در حدیثِ در آوردن فاطمهؑ به همسری وی ـ: سپس [پیامبرﷺ] نزد من آمد و دستم را گرفت و فرمود: «به نام خدا برخیز و بگو: "به برکت خدا و هر چه خدا خواهد. هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا. به خدا توکّل کردم"».

---

۱ . امروزه، شاید کِرِم زدن به دست و صورت، مصداق روغن زدن باشد.

ثُمَّ جاءَني حينَ أقعَدَني عِندَهاﷺ، ثُمَّ قالَ: اللّهُمَّ إنَّهُما أحَبُّ خَلقِكَ إلَيَّ، فَأَحِبَّهُما وبارِك في ذُرِّيَّتِهِما، وَاجعَل عَلَيهِما مِنكَ حافِظاً، وإنّي أُعيذُهُما وذُرِّيَّتَهُما بِكَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[1]

٢٢٣٥ . الإمام الصادقﷺ: كُنتُ أرىٰ أبي إذا زَوَّجَ أو تَزَوَّجَ يَقولُ: الحَمدُ لِلّهِ، نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ، ونَعوذُ بِهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا، مَن يَهدِهِ اللهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ، ومَن يُضلِلِ اللهُ فَما لَهُ مِن هادٍ.[2]

ز ـ الجِماعُ

٢٢٣٦ . الكافي عن الحلبي، قال: قالَ أبو عَبدِ اللهِﷺ فِي الرَّجُلِ إذا أتىٰ أهلَهُ فَخَشِيَ أن يُشارِكَهُ الشَّيطانُ، قالَ: يَقولُ: «بِاسمِ اللهِ»، ويَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ.[3]

٢٢٣٧ . تفسير العيّاشي عن سليمان بن خالد: قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِﷺ: ما قَولُ اللهِﷻ: ﴿وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَٰدِ﴾[4]؟ قالَ: فَقالَ: قُل في ذٰلِكَ قَولاً: أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[5]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ح ـ الوِلادَةُ

الكتاب

﴿إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّى إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ

---

١ . الأمالي للطوسي: ص ٤٠ ح ٤٤، بشارة المصطفى: ص ٢٦٢ كلاهما عن الضحّاك بن مزاحم، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٣٥٥ وفيه ذيله من «اللّهمّ إنّهما أحبُّ ...»، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٩٣ ح ٤.

٢ . الجعفريات: ص ٩٣ عن الإمام الكاظم عن آبائهﷺ، مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٠٢ ح ١٦٥٠٨ وراجع الكافي: ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ ومصباح المتهجّد: ص ٦٦٢ ح ٧٢٩ وتحف العقول: ص ٣٠.

٣ . الكافي: ج ٥ ص ٥٠٢ ح ١.

٤ . الإسراء: ٦٤.

٥ . تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٣٠٠ ح ١٠٧، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٩٤ ح ٤٧.

و چون مرا کنار او (فاطمه﵄) نشاند، نزدیکم آمد و فرمود: «بار خدایا! این دو، محبوب‌ترین خلق تو نزد من‌اند. پس تو نیز آنان را دوست بدار و به فرزندانشان برکت ده، و از جانب خود بر این دو، نگهبانی بگمار، که من این دو و فرزندانشان را از شیطانِ رانده‌شده، در پناه تو در آوردم».

۲۲۳۵ . **امام صادق﵇**: من شاهد بودم که پدرم هر گاه کسی را همسر می‌داد یا خود، همسر اختیار می‌کرد، می‌گفت: «ستایش، خدا را. او را می‌ستاییم و از او کمک می‌جوییم و آمرزش می‌طلبیم، و از بدی‌های خودمان به او پناه می‌بریم. کسی که خدا هدایتش کند، هیچ کس نمی‌تواند گم‌راهش سازد، و کسی که خدا گم‌راهش گرداند، هیچ کس نمی‌تواند به راهش آورد».

ز ـ آمیزش

۲۲۳۶ . **الکافی** ـ به نقل از حلبی ـ: امام صادق﵇ فرمود: «هر گاه مرد با همسرش نزدیکی کند و بیم آن داشته باشد که شیطانْ شریک او شود، بگوید: "به نام خدا"، و از شیطان به خدا پناه ببرد».

۲۲۳۷ . **تفسیر العیّاشی** ـ به نقل از سلیمان بن خالد ـ: به امام صادق﵇ گفتم: این سخن خدای﷿: ﴿و در دارایی‌ها و فرزندان، شریک آنان بشو﴾ به چه معناست؟

فرمود: «در آن هنگام بگو: "پناه می‌برم به خدای شنوای دانا از شیطانِ رانده‌شده"».

ح ـ زادن فرزند

قرآن

﴿و هنگامی را [یاد کن] که زن عمران گفت: «پروردگارا! آنچه در شکم خود دارم، نذر تو کردم تا

اَلْعَلِيمُ ۞ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّى أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.[1]

الحديث

٢٢٣٨ . تفسير الطبري: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: ما مِن مَولودٍ يولَدُ إلّا وقَد عَصَرَهُ الشَّيطانُ عَصرَةً أو عَصرَتَينِ، إلّا عيسَى بنَ مَريَمَ ومَريَمَ، ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللهِ ﷺ ﴿إِنِّى أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.[2]

٢٢٣٩ . رسول الله ﷺ: كُلُّ مَولودٍ مِن وُلدِ آدَمَ لَهُ طَعنَةٌ مِنَ الشَّيطانِ، وبِها يَستَهِلُّ الصَّبِيُّ، إلّا ما كانَ مِن مَريَمَ ابنَةِ عِمرانَ ووَلَدِها، فَإِنَّ أُمَّها قالَت حينَ وَضَعَتها: ﴿إِنِّى أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ فَضُرِبَ دونَهُما حِجابٌ، فَطَعَنَ فِي الحِجابِ.[3]

٢٢٥٠ . الإمام عليّ ﷺ ـ في ذِكرِ وِلادَةِ فاطِمَةَ ﷺ الحَسَنَ ﷺ ـ: فَأَتاهُ النَّبِيُّ ﷺ ... وقالَ: اللّهُمَّ إنّي أُعيذُهُ بِكَ ووُلدَهُ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[4]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ط ـ العَقيقَةُ

٢٢٥١ . الإمام الصادق ﷺ: يُقالُ عِندَ العَقيقَةِ: «اللّهُمَّ مِنكَ ولَكَ ما وَهَبتَ وأنتَ أعطَيتَ، اللّهُمَّ فَتَقَبَّل مِنّا عَلىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ، ونَستَعيذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»، وتُسَمّي وتَذبَحُ وتَقولُ: «لَكَ سُفِكَتِ الدِّماءُ لا شَريكَ لَكَ، وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ، اللّهُمَّ اخسَأْ[5]

---

١. آل عمران: ٣٥ و ٣٦.

٢. تفسير الطبري: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٣٩، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٢٧، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٣٦٤ ح ٥٩٤٥، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٣٥٥ ح ١٠٢٥٣ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١١ ص ٥٠٤ ح ٣٢٣٥٦ وراجع صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٢٦٥ ح ٣٢٤٨ وصحيح مسلم: ج ٤ ص ١٨٣٨ ح ١٤٦.

٣. تفسير الطبري: ج ٣ الجزء ٣ ص ٢٣٩ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١١ ص ٥٠٣ ح ٣٢٣٥٤ و ٣٢٣٥٥.

٤. كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٥١ و ص ١٧٧، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٢٥٦ ح ٣٣.

٥. خسأتُ الكلبَ: أي طردتُه وأبعدتُه (النهاية: ج ٢ ص ٣١ «خسأ»).

آزادشده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد. پس، از من بپذیر، که تو شنوای دانـایی». پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا! من دختر زاده‌ام» و خدا بـه آنـچه او زایـید، داناتر بود «و پسر، چون دختر نیست، و نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطانِ رانده‌شده، به تو پناه می‌دهم»﴾.

حدیث

۲۲۴۸ . **تفسیر الطبری**: پیامبر خدا فرمود: «هر کودکی که به دنیا می‌آید، شیطان یک یا دو بار او را می‌فشارد، جز عیسی بن مریم و خود مریم [که چنین نبودند]». پیامبر خدا سپس این آیه را خواند: ﴿من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده‌شده، به تو پـناه می‌دهم﴾.

۲۲۴۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر نوزادی از فرزندان آدم [در هنگام ولادت]، ضربتی از شیطان می‌خورد و گریهٔ کودک در هنگام تولّد، به همین سبب است، جز مریم دختر عمران و فرزندش [که در بارهٔ آنها چنین نشد]؛ زیرا مادر مریم، زمانی که او را زایید، گفت: ﴿**من او را و فرزندانش را از شیطانِ رانده‌شده، به تو پناه می‌دهم**﴾. پس میان آن دو، پرده‌ای زده شد و شیطان به آن پرده ضربه زد.

۲۲۵۰ . **امام علی**ؑ ـ در بیان متولّد شدن حسنؑ از فاطمهؑ ـ: پس، پیامبرﷺ نزد او (حسنؑ) آمد ... و گفت: «بار خدایا! من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده، در پناه تو در می‌آورم».

ط ـ عقیقه کردن

۲۲۵۱ . **امام صادق**ؑ: در هنگام عقیقه کردن گفته می‌شود: «آنچه بخشیدم، از توست و برای توست و تو خود، آن را داده‌ای. بار خدایا! از مـا بـپذیر، کـه ایـن سنّت (روشِ) پیامبر توست. و از شیطانِ رانده شده، به تو پناه می‌آوریم». [سپس] نام خدا را می‌بری و ذبح می‌کنی و می‌گویی: «این خون‌ها تنها برای تو ریخته شد. تو را شریکی نیست و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بار خدایـا!

الشَّيطانَ الرَّجيمَ».[١]

ي ـ لُبسُ الثَّوبِ الجَديدِ

٢٢٥٢ . سنن أبي داوود عن أبي سعيد الخدري: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذَا استَجَدَّ ثَوباً سَمّاهُ بِاسمِهِ، إمّا قَميصاً أو عِمامَةً، ثُمَّ يَقولُ: اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ أنتَ كَسَوتَنيهِ، أسأَلُكَ مِن خَيرِهِ وخَيرِ ما صُنِعَ لَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما صُنِعَ لَهُ.[٢]

ك ـ الخُروجُ مِنَ البَيتِ

٢٢٥٣ . سنن الترمذي عن أُمّ سلمة: أنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ إذا خَرَجَ مِن بَيتِهِ قالَ: بِاسمِ اللهِ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن أن نَزِلَّ أو نَضِلَّ، أو نَظلِمَ أو نُظلَمَ، أو نَجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَينا.[٣]

٢٢٥٤ . سنن أبي داوود عن أُمّ سلمة: ما خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ مِن بَيتي قَطُّ إلّا رَفَعَ طَرفَهُ إلَى السَّماءِ فَقالَ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أضِلَّ أو أُضَلَّ، أو أزِلَّ أو أُزَلَّ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيَّ.[٤]

٢٢٥٥ . الإمام الباقر ﷺ: مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ: «بِاسمِ اللهِ، حَسبِيَ اللهُ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ اُموري كُلِّها، وأعوذُ بِكَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَةِ»

---

١. الكافي: ج ٦ ص ٣١ ح ٥ عن محمّد بن مارد، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٨٧ ح ٤٧٢٣.

٢. سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٤١ ح ٤٠٢٠، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ١٧٦٧، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٠٠ ح ١١٤٦٩، المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢١٣ ح ٧٤٠٨ كلّها بزيادة «أو رداء» بعد «عمامة»، كنز العمّال: ج ٧ ص ١١٨ ح ١٨٢٦٧.

٣. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩٠ ح ٣٤٢٧، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٠١ ح ٢٦٦٧٨، كنز العمّال: ج ٧ ص ١٤٣ ح ١٨٤١٨.

٤. سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٢٥ ح ٥٠٩٤، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٩ ح ١١، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٣٤ ح ٢٣٨٣، الدعاء للطبراني: ص ١٤٨ ح ٤١٩ كلّها عن ميمونة.

شیطانِ رانده‌شده را دور ران».

ی ـ پوشیدن جامهٔ نو

۲۲۵۲ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از ابو سعید خُدری ـ: پیامبر خدا هر گاه جامه‌ای نو، پیراهن یا دستار، می‌پوشید، نام آن را می‌برد و سپس می‌گفت: «بار خدایا! ستایش، تو راست. تو این را بر من پوشاندی. خیر این و خیر آنچه را برایش ساخته شده است، از تو می‌خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه برایش ساخته شده است، به تو پناه می‌برم».

ک ـ بیرون رفتن از خانه

۲۲۵۳ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از اُمّ سلمه ـ: پیامبرﷺ هر گاه از اتاقش خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. بر خدا توکّل کردم. بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که بلغزیم یا گم راه شویم، ستم کنیم یا بر ما ستم شود، و نادانی کنیم یا در بارهٔ ما نادانی شود.

۲۲۵۴ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از اُمّ سلمه ـ: هیچ گاه پیامبرﷺ از اتاق من خارج نشد، مگر این که نگاهش را به آسمان برداشت و گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که گم راه شوم یا گم راهم کنند، بلغزم یا لغزانده شوم، ستم کنم یا به من ستم شود، و نادانی کنم یا بر من نادانی شود».

۲۲۵۵ . **امام باقر**ؑ: هر کس هنگامی که از منزلش خارج می‌شود، بگوید: «به نام خدا. خدا مرا بس است. بر خدا توکّل کردم. بار خدایا! خیر همهٔ کارهایم را از تو می‌خواهم و از خواری در دنیا و عذاب آخرت، به تو پناه می‌برم»، خداوند

كَفاهُ اللهُ ما أهَمَّهُ مِن أمرِ دُنياهُ وآخِرَتِهِ.[۱]

۲۲۵۶ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن بابِ دارِهِ: «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَةُ اللهِ[۲] مِن شَرِّ هٰذَا اليَومِ الجَديدِ الَّذي إذا غابَت شَمسُهُ لَم تَعُد، ومِن شَرِّ نَفسي ومِن شَرِّ غَيري، ومِن شَرِّ الشَّياطينِ، ومِن شَرِّ مَن نَصَبَ لِأَولِياءِ اللهِ، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإِنسِ، ومِن شَرِّ السِّباعِ وَالهَوامِّ، ومِن شَرِّ رُكوبِ المَحارِمِ كُلِّها، أُجيرُ نَفسي بِاللهِ مِن كُلِّ شَرٍّ»، غَفَرَ اللهُ لَهُ وتابَ عَلَيهِ، وكَفاهُ الهَمَّ، وحَجَزَهُ عَنِ السّوءِ، وعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.[۳]

۲۲۵۷ . الإمام الصادق ﷺ: إذا خَرَجتَ مِن مَنزِلِكَ فَقُل: بِاسمِ اللهِ، تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ ما خَرَجتُ لَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما خَرَجتُ لَهُ، اللّٰهُمَّ أوسِع عَلَيَّ مِن فَضلِكَ، وأتمِم عَلَيَّ نِعمَتَكَ، وَاستَعمِلني في طاعَتِكَ، وَاجعَل رَغبَتي فيما عِندَكَ، وَتوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِكَ ومِلَّةِ رَسولِكَ ﷺ.[۴]

۲۲۵۸ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ: «اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ اللهُ أكبَرُ، بِاسمِ اللهِ دَخَلتُ وبِاسمِ اللهِ خَرَجتُ، وعَلَى اللهِ تَوَكَّلتُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، اللّٰهُمَّ افتَح لي في وَجهي هٰذا بِخَيرٍ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي ومِن شَرِّ غَيري، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ

---

۱ . الكافي: ج ۲ ص ۵۴۱ ح ۳، المحاسن: ج ۲ ص ۹۰ ح ۱۲۳۹، الأمان: ص ۱۰۶، مُهَج الدعوات: ص ۲۱۸ وليس فيه ذيله من «كفاه الله ...»، عدّة الدّاعي: ص ۲۶۶ كلّها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۷۱ ح ۲۰.

۲ . في كتاب من لا يحضره الفقيه: «أعوذ بالله ممّا عاذت منه ملائكة الله».

۳ . الكافي: ج ۲ ص ۵۴۱ ح ۴، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۷۲ ح ۲۴۱۷ نحوه، المحاسن: ج ۲ ص ۸۹ ح ۱۲۳۶، الأمان: ص ۱۰۵، عدّة الداعي: ص ۲۶۶ كلّها عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۲۶ ح ۱۸۳۱، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۷۰ ح ۱۷.

۴ . الكافي: ج ۲ ص ۵۴۲ ح ۵، المحاسن: ج ۲ ص ۹۱ ح ۱۲۴۰، الأمان: ص ۱۰۵ كلّها عن معاوية بن عمّار، الأمالي للطوسي: ص ۳۷۱ ح ۷۹۹ عن عليّ بن رزين عن الإمام الكاظم عن أبيه ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۷۰ ح ۱۶.

خواست‌های دنیا و آخرت او را برمی‌آورد.

۲۲۵۶ . **امام باقر**ﷺ: هر کس هنگامی که از سرایش خارج می‌شود، بگوید: «پناه می‌برم به کسی که فرشتگان خدا بر او پناه بردند، از شرّ این روز جدیدی که چون خورشیدش غروب کند، باز نمی‌گردد، و از شرّ خودم و از شرّ جز خودم، و از شرّ شیاطین، و از شرّ کسی که با دوستان خدا به دشمنی برخاسته، و از شرّ جن و انس، و از شرّ درندگان و گزندگان، و از شرّ دست یازیدن به سراسر حرام‌ها. خود را از هر شرّی، در پناه خدا در می‌آورم»، خداوند او را می‌آمرزد و توبه‌اش را می‌پذیرد، و نگرانی‌هایش را می‌زداید، و از بدی دورش می‌دارد و از گزند، مصونش می‌دارد.

۲۲۵۷ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه از منزلت بیرون می‌روی، بگو: «به نام خدا. به خدا توکّل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! خیر آنچه (کار و روزی‌ام) را که برایش بیرون می‌روم، از تو می‌خواهم و از شرّ آنچه برایش بیرون می‌روم، به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! از فضل خود، به زندگی من گشایش ده، و نعمتت را بر من کامل گردان، و مرا در طاعتت به کار گیر، و خواست مرا در چیزی که نزد توست، قرار ده، و مرا بر دین خودت و دین پیامبرتﷺ بمیران».

۲۲۵۸ . **امام صادق**ﷺ: هر کس زمانی که از منزلش خارج می‌شود، بگوید: «الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر. به نام خدا وارد شدم و به نام خدا خارج می‌شوم و بر خدا توکّل می‌کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر محمّد و خاندان او باد. بار خدایا! این [در] را برایم به خیر بگشای. بار خدایا! از شرّ خودم و از شرّ جز خودم و از شرّ هر حیوانی که زمام آن در دست توست، به تو پناه می‌برم. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است»، در پناه خدا خواهد

صِراطٍ مُستَقيمٍ»، كانَ في ضَمانِ اللهِ حَتّىٰ يَرجِعَ إلىٰ مَنزِلِهِ.[١]

ل ـ الخُروجُ إلَى السَّفَرِ

٢٢٥٩ . رسول الله ﷺ ـ مِن دُعائِهِ إذا أرادَ سَفَراً ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ[٢] السَّفَرِ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي الأَهلِ وَالمالِ، اللّٰهُمَّ اطوِ لَنَا الأَرضَ، وهَوِّن عَلَينَا السَّفَرَ.[٣]

٢٢٦٠ . عنه ﷺ ـ إذا أرادَ أن يَخرُجَ في سَفَرٍ ـ: اللّٰهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالخَليفَةُ فِي الأَهلِ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الضُّبنَةِ[٤] فِي السَّفَرِ، وَالكَآبَةِ فِي المُنقَلَبِ.[٥]

٢٢٦١ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن كَلامٍ لَهُ عِندَ عَزمِهِ عَلَى المَسيرِ إلَى الشّامِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ[٦] فِي الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ.

اللّٰهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وأنتَ الخَليفَةُ فِي الأَهلِ، ولا يَجمَعُهُما غَيرُكَ، لِأَنَّ المُستَخلَفَ لا يَكونُ مُستَصحَباً وَالمُستَصحَبُ لا يَكونُ مُستَخلَفاً.[٧]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٧ ح ١٨٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥١ ح ٤٦.

٢ . وَعثاء السفر: أي شدّته ومشقّته (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٣ . سنن أبي داوود: ج ٣ ص ٣٣ ح ٢٥٩٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٢٨ ح ١٠٣٣٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٢٨ ح ٩٦٠٥، الدعاء للطبراني: ص ٢٥٦ ح ٨٠٨ وفيه «البعيد» بدل «الأرض» وكلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٣٢ ح ١٧٦١٦.

٤ . الضُّبنَة: ما تحت يدك من مال وعيال ومن تلزمك نفقتهم، أي تعوّذ بالله من كثرة العيال في مظنّة الحاجة وهو السَّفر (النهاية: ج ٣ ص ٧٣ «ضبن»).

٥ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٥٠ ح ٢٣١١، صحيح ابن حبّان: ج ٦ ص ٤٣١ ح ٢٧١٦، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٤، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢٢٣ ح ١١٧٣٥، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ١٥ ح ٢٣٤٩ كلّها عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٦ ص ٧٣٥ ح ١٧٦٢٦.

٦ . قوله: «وسوء المنظر»، المنظر مصدر ميمي أو اسم مكان، وحاصله الاستعاذة من أن ينظر في سفره ـ أو بعد رجوعه ـ في أهله وماله وولده إلى شيء يسوؤه (بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١١٤).

٧ . نهج البلاغة: الخطبة ٤٦، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٣٩١ ح ٣٦٢.

بود تا آن گاه که به منزلش باز گردد.

ل ـ رفتن به سفر

۲۲۵۹. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعای ایشان در هنگامی که آهنگ سفر داشت ـ: بار خدایا! از دشواری‌های سفر، و اندوه بازگشت (/ دل تنگی بازگشت) و روبه‌رو شدن با منظرهٔ ناخوش در خانواده و اموال، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! زمین را برایمان در هم پیچ (راه را کوتاه نما). و سفر را برایمان آسان گردان».

۲۲۶۰. **پیامبر خدا**ﷺ ـ هر گاه می‌خواست به سفری برود ـ: بار خدایا! تو، هم یار سفر هستی و هم جانشین [مسافر] در خانواده[اش]. بار خدایا! از [بدرفتاری با] همسفران[1] در سفر، و افسردگی در بازگشت، به تو پناه می‌برم.

۲۲۶۱. **امام علی**ؑ ـ از گفتار ایشان در هنگامی که آهنگ حرکت به سوی شام کرد ـ: بار خدایا! از سختی سفر، و ناراحتی در بازگشت، و مواجه شدن با منظرهٔ ناخوشایند در زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! تو، هم رفیق سفر هستی و هم جانشین در خانواده، و جز تو، کسی این دو حالت را هم زمان ندارد؛ زیرا آن که جانشین است، همراه نیست و آن که همراه است، جانشین نیست.

---

۱. واژهٔ «ضُبنة» در متن عربی، به معنای دوستانی است که مخارج راه ندارند. بنا بر این، منظور، این است: خدایا! به تو پناه می‌برم که به آنان ناسزا بگویم. نیز در معنای عائلهٔ تحت تکفّل به کار می‌رود. در این صورت، مراد این است که: پناه می‌برم به تو از این که در سفر، مخارج عائله زیاد باشد.

٢٢٦٢ . عنه ﷺ ـ في دُعائِهِ إذا بَرَزَ لِلسَّفَرِ ـ : أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ، الحَمدُ للهِ الَّذي هَدانا لِلإسلامِ، وجَعَلَنا مِن خَيرِ أُمَّةٍ أُخرِجَت لِلنّاسِ، ﴿سُبْحَٰنَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ﴾[1] .

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ.

اللّٰهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالخَليفَةُ فِي الأَهلِ، وَالمُستَعانُ عَلَى الأَمرِ، اطوِ لَنَا البَعيدَ، وسَهِّل لَنا الحُزونَةَ[2] وَاكفِنَا المُهِمَّ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ.[3]

٢٢٦٣ . الإمام الصادق ﷺ: إذا خَرَجتَ مِن بَيتِكَ تُريدُ الحَجَّ وَالعُمرَةَ إن شاءَ اللهُ، فَادعُ دُعاءَ الفَرَجِ وهُوَ:... اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ. اللّٰهُمَّ أنتَ عَضُدي وناصِري، بِكَ أحُلُّ وبِكَ أسيرُ.[4]

م ـ نُزولُ المُسافِرِ

٢٢٦٤ . رسول الله ﷺ: إذا نَزَلَ أحَدُكُم مَنزِلاً فَليَقُل: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ»، فَإنَّهُ لا يَضُرُّهُ شَيءٌ حَتّىٰ يَرتَحِلَ مِنهُ.[5]

٢٢٦٥ . الأمان: رَوَينا في كِتابِ مِصباحِ الزّائِرِ وجَناحِ المُسافِرِ وغَيرِهِ مِنَ النَّقلِ الظّاهِرِ أنَّ

---

١ . الزخرف : ١٣ .

٢ . الحَزنُ : المكانُ الغليظ الخشن ، والحزونة : الخشونة (النهاية : ج ١ ص ٣٨٠ «حزن») .

٣ . دعائم الإسلام : ج ١ ص ٣٤٧ ، مستدرك الوسائل : ج ٨ ص ١٤٠ ح ٩٢٤٦ .

٤ . الكافي : ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢ ، تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٥٠ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص ٧١٧ ح ٧٧٩ عن صفوان نحوه وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ١٠٨ ح ١٣ .

٥ . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨١ ح ٥٥ و ص ٢٠٨٠ ح ٥٤ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٤٩٦ ح ٣٤٣٧ نحوه ، سنن ابن ماجة : ج ٢ ص ١١٧٤ ح ٣٥٤٧ ، مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٣٢٠ ح ٢٧١٩٢ و ص ٣٦٩ ح ٢٧٣٧٩ ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٤٣ ح ٢٥٨٠ كلّها عن خولة بنت حكيم السلميّة ، كنز العمّال : ج ٦ ص ٧٠٩ ح ١٧٥١٢ .

۲۲۶۲ . **امام علی**ﷺ ـ در دعای ایشان، هر گاه برای سفر، خارج می‌شد ـ: گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست، و گواهی می‌دهم که محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. ستایش، خدایی را که به اسلام، هدایتمان فرمود و ما را از بهترین امّت‌هایی قرار داد که برای مردم، پدید آورده شدند ﴿پاکا خدایی که این را رام ما ساخت، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم﴾.

بار خدایا! از دشواری سفر، و اندوه در بازگشت، و صحنهٔ ناخوشایند در بارهٔ زن و خواسته و فرزند، به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! تویی یار سفر و جانشین در خانواده و آن که در کارها از او کمک گرفته می‌شود. دور را برایمان نزدیک نمای، و ناهمواری‌ها را برایمان هموار گردان، و نیازهایمان را برآورده ساز، که تو بر هر چیز، توانایی.

۲۲۶۳ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه به خواست خدا از خانه‌ات برای حج و عمره خارج شدی، دعای فرج را بخوان، و آن، این است: «... بار خدایا! از دشواری سفر، و اندوه در بازگشت، و مواجه شدن با صحنهٔ ناخوشایند در بارهٔ زن و خواسته و فرزند، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! تویی بازو و یاور من. به یاری تو، بار می‌افکنم و به مدد تو، حرکت می‌کنم».

م ـ فرود آمدن مسافر

۲۲۶۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما در منزلگاهی فرود آمد، بگوید: «به کلمات تامّ خدا پناه می‌برم از گزند آنچه آفریده است». در این صورت، تا زمانی که از آن جا بکوچد، هیچ چیز به او گزندی نمی‌رساند.

۲۲۶۵ . **الأمان**: در کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر و جز آن، از نقل ظاهر، روایت کرده‌ایم که مسافر، هر گاه در منزلگاهی فرود آمد، بگوید: «بار خدایا! مرا در

المُسافِرَ إذا نَزَلَ بِبَعضِ المَنازِلِ يَقولُ: «اللّـهُمَّ أنـزِلني مُـنزَلاً مُـبارَكاً وأنتَ خَـيرُ المُنزِلينَ»، ويُصَلّي رَكعَتَينِ بِالحَمدِ وما يَشاءُ مِنَ السُّوَرِ القِصارِ، ويَقولُ:

«اللّهُمَّ ارزُقنا خَيرَ هٰذِهِ البُقعَةِ وأعِذنا مِن شَرِّها. اللّهُمَّ أطعِمنا مِن جَناها، وأعِذنا مِن وَباها[1]، وحَبِّبنا إلىٰ أهلِها، وحَبِّب صالِحي أهلِها إلَينا»، ويَقولُ:

«أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وأنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ، وأنَّ عَلِيّاً أميرَ المُؤمِنينَ وَالأَئِمَّةَ مِن وُلدِهِ أئِمَّةً، أتَوَلّاهُم وأبرَأُ مِن أعدائِهِم. اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذِهِ البُقعَةِ وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها، اللّهُمَّ اجعَل أوَّلَ دُخولِنا هٰذا صَلاحاً، وأوسَطَهُ فَلاحاً، وآخِرَهُ نَجاحاً».[2]

ن ـ دُخولُ المُسافِرِ المَدينَةَ أوِ القَريَةَ

٢٢٦٦ . رسول الله ﷺ ـ لِعَلِيٍّ عليه السلام ـ: يا عَلِيُّ، إذا أرَدتَ مَدينَةً أو قَريَةً فَقُل حينَ تُعايِنُها:

اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها، اللّهُمَّ حَبِّبنا إلىٰ أهلِها وحَبِّب صالِحي أهلِها إلَينا.[3]

٢٢٦٧ . السنن الكبرى عن صهيب: إنَّ مُحَمَّداً رَسولَ اللهِ ﷺ لَم يَرَ قَريَةً يُريدُ دُخولَها إلّا قالَ حينَ يَراها: اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وما أظلَلنَ، ورَبَّ الأَرَضينَ السَّبعِ ومـا أقـلَلنَ، ورَبَّ الشَّياطينِ وما أضلَلنَ، ورَبَّ الرِّياحِ وما ذَرَينَ[4]، فَإنّا نَسأَلُكَ خَيرَ هٰذِهِ القَريَةِ

---

١ . الوَبا: بالقصر والمدّ والهمز، الطاعون والمرض العام (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «وبا»).

٢ . الأمان: ص ١٣٦، مصباح الزائر: ص ٣٧، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦١ ح ٥٦.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٩٨ ح ٢٥٠٩، المحاسن: ج ٢ ص ١٢٣ ح ١٣٤٤ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وزاد فيه «اللّهمّ أطعمنا من جناها، وأعذنا من وبائها» بعد «من شرّها»، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٨، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٨ ح ٤١.

٤ . ذَرَتْهُ الريح: أي أطارته (النهاية: ج ٢ ص ١٥٩ «ذرا»).

جایی پُربرکت فرود آور، که تو بهترین فرودآورندگانی» و دو رکعت نماز با حمد و هر سورهٔ کوتاهی که می‌خواهد، بخواند و بگوید: «بار خدایا! خیر این سرزمین را روزیِ ما فرما و ما را از شرّ آن در پناه خود بدار. بار خدایا! ما را از میوه [و حاصل] آن، خوراک ده و از بیماری وبای آن، در پناه خود بداز و نزد اهل این سرزمین، محبوبمان گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار» و بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا و بی‌انباز نیست و محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست و علی، امیر مؤمنان، و امامان از نسل او پیشوا هستند. آنان را دوست می‌دارم و از دشمنانشان بیزارم. بار خدایا! خیر این سرزمین را از تو درخواست می‌کنم و از شرّ آن به تو پناه می‌برم. بار خدایا! آغاز در آمدنمان به این مکان را دوستی قرار ده و میانش را رستگاری و پایانش را کامیابی».

ن ـ وارد شدن مسافر به شهر یا روستا

۲۲۶۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به علیؑ ـ: ای علی! هر گاه آهنگ شهر یا روستایی کردی، زمانی که چشمت به آن افتاد، بگو: «بار خدایا! خیر آن را از تو درخواست می‌کنم و از بدی‌هایش، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ما را در نزد اهالی آن، محبوب گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار».

۲۲۶۷ . **السنن الکبری** ـ به نقل از صهیب ـ: پیامبر خدا، محمّدﷺ، هر گاه روستایی را که می‌خواست وارد آن شود، می‌دید، با دیدن آن می‌گفت: «بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار هفت زمین و آنچه بر روی آنهاست، و ای پروردگار شیاطین و هر آن کس که گم راهش کردند، و ای پروردگار بادها و آنچه بادها افشاندند! خوبیِ این روستا و خوبیِ اهالی آن را از تو درخواست می‌کنیم و از بدی آن و بدی اهالی‌اش

وخَيرَ أهلِها، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها وشَرِّ ما فيها.[۱]

۲۲۶۸ . المعجم الكبير عن أبي معتب بن عمرو: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ لَمّا أشرَفَ عَلىٰ خَيبَرَ قالَ لِأَصحابِهِ ـ وأنَا فيهِم ـ: قِفوا، ثُمَّ قالَ: «اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ وما أظلَلنَ، ورَبَّ الأَرَضينَ وما أقلَلنَ، ورَبَّ الشَّياطينِ وما أضلَلنَ، ورَبَّ الرِّياحِ وما ذَرَينَ، أسأَلُكَ خَيرَ هٰذِهِ القَريَةِ وخَيرَ أهلِها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها وشَرِّ ما فيهَا، اقدَموا[۲] بِاسمِ اللهِ»، وكانَ يَقولُها لِكُلِّ قَريَةٍ يَدخُلُها.[۳]

۲۲۶۹ . مروج الذهب عن المنذر بن الجارود: لَمّا قَدِمَ عَلِيٌّ ﷺ البَصرَةَ... فَساروا حَتّىٰ نَزَلُوا المَوضِعَ المَعروفَ بِالزّاوِيَةِ، فَصَلّىٰ أربَعَ رَكَعاتٍ، وعَفَّرَ خَدَّيهِ عَلَى التُّرابِ وقَد خالَطَ ذٰلِكَ دُموعَهُ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ يَدعو:

اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ وما أظَلَّت، والأَرَضينَ وما أقَلَّت، ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ، هٰذِهِ البَصرَةُ، أسأَلُكَ مِن خَيرِها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها، اللّٰهُمَّ أنزِلنا فيها خَيرَ مُنزَلٍ وأنتَ خَيرُ المُنزِلينَ.[۴]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

س ـ رُجوعُ المُسافِرِ

۲۲۷۰ . المعجم الأوسط عن جابر بن عبد الله: قَفَلَ[۵] النَّبِيُّ ﷺ، فَلَمّا دَنا مِنَ المَدينَةِ قالَ: آئِبونَ

---

۱ . السنن الكبرى للنسائي: ج ۶ ص ۱۳۹ ح ۱۰۳۷۷ و ص ۱۴۰ ح ۱۰۳۷۸، المستدرك على الصحيحين: ج ۱ ص ۱۱۰ ح ۲۴۸۸ و ج ۲ ص ۶۱۴ ح ۱۶۳۴، صحيح ابن حبّان: ج ۶ ص ۴۲۶ ح ۲۷۰۹؛ المحاسن: ج ۲ ص ۱۲۴ ح ۱۳۴۶ عن عليّ بن المغيرة عن الإمام الصادق ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۴۸ ح ۴۳.

۲ . في المصدر: «قدموا»، والتصويب من السيرة النبوية.

۳ . المعجم الكبير: ج ۲۲ ص ۳۵۹ ح ۹۰۲، السيرة النبوية لابن هشام: ج ۳ ص ۳۴۳، أسد الغابة: ج ۶ ص ۲۸۷.

۴ . مروج الذهب: ج ۲ ص ۳۶۸ ـ ۳۷۰؛ مستدرك الوسائل: ج ۸ ص ۲۳۱ ح ۹۳۲۵.

۵ . قَفَلَ من سَفَرِهِ: رَجَعَ (المصباح المنير: ص ۵۱۱ «قفل»).

و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می‌بریم».

۲۲۶۸ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از ابو معتب بن عمرو ـ: پیامبر خدا چون نزدیک خیبر رسید، به یارانش ـ که من نیز در میان آنان بودم ـ فرمود: «بایستید» و سپس گفت: «بار خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار زمین‌ها و آنچه بر روی آنهاست، و ای پروردگار شیاطین و کسانی که گم راهشان کردند، و ای پروردگار بادها و آنچه بادها افشاندند! خوبیِ این آبادی و خوبیِ اهالی آن را از تو می‌خواهم و از بدی آن و بدی اهالی‌اش و بدی آنچه در این آبادی است، به تو پناه می‌برم. به نام خدا، حرکت کنید». ایشان به هر آبادی‌ای که وارد می‌شد، این دعا را می‌خواند.

۲۲۶۹ . **مروج الذهب** ـ به نقل از منذر بن جارود ـ: چون علی ﷺ به بصره در آمد...، حرکت کردند تا در محلّ معروف به «زاویه» فرود آمدند. [امام ﷺ] چهار رکعت نماز گزارد و گونه‌هایش را بر خاک نهاد و اشک‌هایش با خاک در آمیخت. سپس دستانش را برداشت و دعا کرد: «بار خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار زمین‌ها و آنچه در روی آنهاست، و ای پروردگار عرش بزرگ! این، بصره است. خوبیِ آن را از تو می‌خواهم و از بدی آن به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ما را در آن، فرودی فرخنده آر، که تو بهترین فرودآورندگانی».

س ـ بازگشت مسافر

۲۲۷۰ . **المعجم الأوسط** ـ به نقل از جابر بن عبد الله ـ: پیامبر ﷺ باز گشت و چون نزدیک

تائِبونَ عابِدونَ لِرَبِّنا حامِدونَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي الأَهلِ وَالمالِ.[1]

ع ـ رُؤيَةُ الهِلالِ

۲۲۷۱ . **مسند ابن حنبل عن عبادة بن الصامت:** كانَ رَسولُ اللّٰهِ ﷺ إذا رَأَى الهِلالَ قالَ: اللّٰهُ أكبَرُ، الحَمدُ لِلّٰهِ، لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا الشَّهرِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ القَدَرِ، ومِن سوءِ الحَشرِ.[2]

۲۲۷۲ . **الإمام عليّ** عليه السلام: إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَلا تَبرَح[3] وقُل: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا الشَّهرِ وفَتحَهُ ونورَهُ ونَصرَهُ وبَرَكَتَهُ وطَهورَهُ ورِزقَهُ، وأسأَلُكَ خَيرَ ما فيهِ وخَيرَ ما بَعدَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما فيهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ، اللّٰهُمَّ أدخِلهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالإسلامِ وَالبَرَكَةِ وَالتَّوفيقِ لِما تُحِبُّ وتَرضىٰ.[4]

۲۲۷۳ . **عنه** عليه السلام ـ أنَّهُ كانَ يَقولُ إذا رَأَى الهِلالَ ـ: اللّٰهُمَّ ارزُقنا خَيرَهُ ونَصرَهُ، وبَرَكَتَهُ، وفَتحَهُ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ.[5]

---

۱ . المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۱۴۷ ح ۶۰۴۴، الطبقات الكبرى: ج ۲ ص ۷۹ نحوه؛ وقعة صفّين: ص ۵۲۸ عن عبد الرحمن بن جندب عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۵۵۰ ح ۴۶۲ وراجع مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۵۳ ح ۱۹۰۷.

۲ . مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۴۲۴ ح ۲۲۸۵۵، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ۲ ص ۵۰۹ ح ۱ و ج ۷ ص ۱۲۰ ح ۱، السنّة لابن أبي عاصم: ص ۱۶۹ ح ۳۸۷، كنز العمّال: ج ۷ ص ۷۸ ح ۱۸۰۴۳.

۳ . أي لا تزل على مكانك حتى تدعو بهذا الدُّعاء (مرآة العقول: ج ۱۶ ص ۲۲۸). وقال الجوهري: برح: أي زالَ، ولا أبرحُ أفعلُ ذلك: أي لا أزال أفعلهُ، وبرحَ مكانه: أي زالَ عنه (الصحاح: ج ۱ ص ۳۵۵ «برح»).

۴ . الكافي: ج ۴ ص ۷۶ ح ۸، تهذيب الأحكام: ج ۴ ص ۱۹۷ ح ۵۶۴، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۱۰۰ ح ۱۸۴۵، الإقبال: ج ۱ ص ۶۵، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۷۱ نحوه، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۳۸۲ ح ۸.

۵ . الأمالي للطوسي: ص ۶۴۷ ح ۱۳۴۱ عن عبّاد بن صهيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۴۶ ح ۷؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ۷ ص ۱۲۱ ح ۴ عن أبي عبيدة، كنز العمّال: ج ۸ ص ۵۹۶ ح ۲۴۳۱۰ نقلاً عن ابن النجّار عن الحارث.

مدینه رسید، فرمود: «بازآینده، توبه کننده، پرستنده و ستایندهٔ پروردگار خویشیم. بار خدایا! از رنج سفر، و اندوه بازگشت و روبه‌رو شدن با صحنهٔ ناخوشایند در خانواده و اموال، به تو پناه می‌برم».

ع ـ دیدن ماه نو

۲۲۷۱ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبادة بن صامت ـ: پیامبر خدا هرگاه ماه نو را می‌دید، می‌فرمود: «خدا بزرگ‌تر از هر توصیفی است. ستایش خدای را. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! خیر این ماه را از تو می‌خواهم و از بدی تقدیر، و از بد محشور شدن [در قیامت] به تو پناه می‌برم».

۲۲۷۲ . **امام علی**ﷺ: هرگاه ماه نو را دیدی، از جای خود تکان نخور و بگو: «بار خدایا! خوبیِ این ماه و گشایش و روشنایی و فیروزی و خجستگی و پاکی و روزیِ آن را از تو می‌خواهم و خوبیِ آنچه در این ماه است و خوبیِ ماه‌های پس از آن را از تو درخواست می‌کنم و از بدی این ماه و بدی ماه‌های پس از آن، به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! این ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و برکت و توفیق برای آنچه تو دوست داری و می‌پسندی، بر ما در آور».

۲۲۷۳ . **امام علی**ﷺ ـ آن گاه که ماه نو را می‌دید ـ: بار خدایا! خوبی و فیروزی و خجستگی و گشایشِ این ماه را روزیِ ما فرما و از بدی این ماه و بدی ماه‌های پس از آن، به تو پناه می‌بریم.

ف ـ رُؤيَةُ المُبتَلىٰ

٢٢٧٤ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام:** إذا نَظَرتَ إلىٰ أهلِ البَلاءِ فَقُل ثَلاثَ مَرّاتٍ: الحَمدُ لِلّهِ الَّذي عافاني مِمَّا ابتَلاكَ بِهِ ولَو شاءَ لَفَعَلَ، وأنَا أعوذُ بِاللهِ مِنها ومِمَّا ابتَلاكَ بِهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذي فَضَّلَني عَلىٰ كَثيرٍ مِن خَلقِهِ.[١]

٢٢٧٥ . **مشكاة الأنوار:** عَنِ الباقِرِ عليه السلام أنَّهُ كانَ يَكرَهُ أن يُسمِعَ مِنَ المُبتَلَى التَّعَوُّذَ مِنَ البَلاءِ.[٢،٣]

ص ـ دَفنُ المَيِّتِ

٢٢٧٦ . **سنن أبي داوود عن البراء بن عازب:** خَرَجنا مَعَ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله في جِنازَةِ رَجُلٍ مِنَ الأَنصارِ فَانتَهَينا إلَى القَبرِ ولَمّا يُلحَد، فَجَلَسَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وجَلَسنا حَولَهُ كَأنَّما عَلىٰ رُؤوسِنَا الطَّيرُ، وفي يَدِهِ عودٌ يَنكُتُ[٤] بِهِ فِي الأَرضِ، فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ: اِستَعيذوا بِاللهِ مِن عَذابِ القَبرِ ـ مَرَّتَينِ أو ثَلاثاً ـ.[٥]

٢٢٧٧ . **الإمام الصادق عليه السلام:** إذا وَضَعتَهُ [المَيِّتَ] في لَحدِهِ فَليَكُن أولَى النّاسِ بِهِ مِمّا يَلي رَأسَهُ، لِيَذكُرَ اسمَ اللهِ ويُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، ويَتَعَوَّذَ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، وَليَقرَأ فاتِحَةَ الكِتابِ، وَالمُعَوِّذَتَينِ، وقُل هُوَ اللهُ أحَدٌ، وآيَةَ الكُرسِيِّ.[٦]

٢٢٧٨ . **الكافي عن عليّ بن يقطين:** سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ: لا تَنزِل فِي القَبرِ وعَلَيكَ العِمامَةُ

---

١ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٧ ح ٣.

٢ . المراد بهذه الرواية ـ مع الأخذ بنظر الاعتبار الرواية السابقة ـ هو أن تكون الاستعاذة عند رؤية المبتلى بنحوٍ بحيث لا يلتفت إليها نفس المبتلى.

٣ . مشكاة الأنوار: ص ٦٧ ح ١٠٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ١٦ ح ١١.

٤ . النَّكتُ: أن تضرب في الأرض بقضيبٍ فيؤثّر فيها (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٥٩ «نكت»).

٥ . سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ٤٧٥٣، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٤١٣ ح ١٨٥٥٩ و ص ٤٣٠ ح ١٨٦٣٧، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٩٣ ح ١٠٧ كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥٦ ح ١.

٦ . تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٣١٧ ح ٩٢٢ و ص ٣١٣ ح ٩٠٩، علل الشرايع: ص ٣٠٦ ح ١ كلاهما نحوه وكلّها عن محمّد بن عجلان، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٨ ح ١٥.

ف ـ دیدن گرفتاران و آسیب‌دیدگان

۲۲۷۴ . **الفقه المنسوب للإمام الرضا**ﷺ: هر گاه آسیب دیده‌ای را دیدی، [پیش خود، آهسته] سه مرتبه بگو: «ستایش، خدای را که مرا از آنچه تو را بِدان دچار ساخت، به سلامت داشت، که اگر می‌خواست، چنان می‌کرد. پناه می‌برم به خدا از این [آسیب] و از آنچه تو را بِدان دچار ساخت. و ستایش، خدای را که مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری بخشید».

۲۲۷۵ . **مشکاة الأنوار**: در بارهٔ امام باقرﷺ روایت شده است که ایشان دوست نداشت که آسیب‌دیده، پناه بردن [او] به خدا از آسیب را بشنود.[1]

ص ـ خاکسپاری مرده

۲۲۷۶ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از براء بن عازب ـ: با پیامبر خدا در پی جنازهٔ مردی از انصار خارج شدیم و به محلّ گور رسیدیم. چون او را در لحد نهادند، پیامبر خدا نشست و ما نیز گرد ایشان آرام نشستیم و تکان نمی‌خوردیم. در دست پیامبرﷺ چوبی بود و با نوک آن به زمین می‌زد [و در حال تفکّر بود]. پس، سرش را بلند کرد و دو یا سه بار فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید».

۲۲۷۷ . **امام صادق**ﷺ: چون او (مرده) را در گورش نهادی، نزدیک‌ترین کس به او (ولیّ او) در طرف سرش قرار گیرد و نام خدا را ببرد و بر پیامبرﷺ صلوات بفرستد و از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه ببرد و فاتحة الکتاب و معوّذتین و ﴿قل هو الله أحد﴾ و آیة الکرسی بخواند.

۲۲۷۸ . **الکافی** ـ به نقل از علی بن یقطین ـ: از امام کاظمﷺ شنیدم که می‌فرماید: «با

---

۱ . یعنی امامﷺ هنگام دیدن شخص آسیب‌دیده، با صدای بلند، استعاذه نمی‌کرد که او بشنود.

وَالقَلَنسُوَةُ، ولَا الحِذاءُ ولَا الطَّيلَسانُ، وحُلَّ أزرارَكَ، وبِذٰلِكَ سُنَّةُ رَسولِ اللهِ ﷺ جَرَت، وَليَتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، وَليَقرَأ فاتِحَةَ الكِتابِ، وَالمُعَوِّذَتَينِ وقُل هُوَ اللهُ أحَدٌ، وآيَةَ الكُرسِيِّ.[1]

١٠/٥
تِلكَ الحالاتُ

أ ـ الغَضَبُ

٢٢٧٩ . الإمام الصادق عليه السلام: قُل عِندَ الغَضَبِ: اللّٰهُمَّ أذهِب عَنّي غَيظَ قَلبي، وَاغفِر لي ذَنبي، وأجِرني مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ، أسأَلُكَ رِضاكَ وأعوذُ بِكَ مِن سَخَطِكَ، أسأَلُكَ جَنَّتَكَ وأعوذُ بِكَ مِن نارِكَ، أسأَلُكَ الخَيرَ كُلَّهُ وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَرِّ كُلِّهِ، اللّٰهُمَّ ثَبِّتني عَلَى الهُدىٰ وَالصَّوابِ، وَاجعَلني راضِياً مَرضِيّاً، غَيرَ ضالٍّ ولا مُضِلٍّ.[2]

راجع: ص ٢٥٨ (بركات الاستعاذة / كظم الغيظ).

ب ـ النَّومُ

٢٢٨٠ . رسول الله ﷺ: إذا أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ، فَتَعَوَّذ بِاللهِ مِن شَرِّ يَومِ القِيامَةِ، ومِن شَرِّ الحِسابِ.[3]

٢٢٨١ . عنه ﷺ: إذا أنتَ أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ، فَتَعَوَّذ بِاللهِ مِن كُربِ يَومِ القِيامَةِ وسوءِ الحِسابِ.[4]

٢٢٨٢ . عنه ﷺ: إذا أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ فَقُل: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفضَلَ، وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ

---

١ . الكافي: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٢ وراجع علل الشرايع: ص ٣٠٥ ح ١ وبحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٣٠ ح ١٦.

٢ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٤ ح ٢٣٧٧، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٣٨ ح ١.

٣ . الدرّ المنثور: ج ٨ ص ٤٤٣ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريرة.

٤ . تفسير الطبري: ج ١٥ الجزء ٣٠ ص ٩٣، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٣٧٠ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٤ ص ١٥١ ح ٩٩٥٣.

دستار و کلاه و کفش و طیلسان، داخل قبر مشو و دکمه‌هایت را باز کن، که پیامبر خدا چنین عمل می‌کرد. و [شخصی که برای نهادن مرده در لحد، وارد قبر می‌شود] از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببرد و باید فاتحة الکتاب و معوذّتین و ﴿قل هو الله أحد﴾ و آیة الکرسی بخواند.

۱۰/۵
وهنگام این چند حالت

الف ـ حالت خشم

۲۲۷۹ . **امام صادق**ﷺ: در هنگام خشم بگو: «بار خدایا! خشم دلم را از من بِبَر، و گناهم را بیامرز، و مرا از فتنه‌های گم‌راه کننده، در پناه خود بدار. خشنودی تو را از تو می‌خواهم و از ناخشنودی‌ات، به تو پناه می‌آورم. بهشتت را از تو می‌خواهم و از آتشت به تو پناه می‌آورم. همهٔ خوبی را از تو می‌خواهم و از همهٔ بدی، به تو پناه می‌آورم.

بار خدایا! مرا بر راستی و درستی، پایدار بدار و چنانم گردان که از تو خشنود باشم و تو از من خشنود باشی، و گم‌راه و گم‌راهگر نباشم».

ر.ک: ص ۲۵۹ (برکت‌های پناه بردن به خدا / فرو نشاندن خشم).

ب ـ حالت خفتن

۲۲۸۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: چون به بستر خود رفتی، از گزند [و سختیِ] روز رستاخیز و از سختیِ حسابرسی، به خدا پناه ببر.

۲۲۸۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه به رختخوابت رفتی، از اندوه‌های روز رستاخیز و سختی حسابرسی، به خدا پناه ببر.

۲۲۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه به بسترت رفتی، بگو: «ستایش خدای را که به من نعمت

العالَمينَ، رَبَّ كُلِّ شَيءٍ وإلٰهِ كُلِّ شَيءٍ، أعوذُ بِكَ مِنَ النّارِ.[۱]

۲۲۸۳ . عنه ﷺ: لِيَقُل أحَدُكُم حينَ يُريدُ أن يَنامَ: آمَنتُ بِاللهِ وكَفَرتُ بِالطّاغوتِ[۲]، وَعدُ اللهِ حَقٌّ وصَدَقَ المُرسَلونَ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن طَوارِقِ هٰذَا اللَّيلِ، إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ.[۳]

۲۲۸۴ . الإمام عليّ ﷺ: كانَ [النَّبِيُّ ﷺ] يَقولُ عِندَ مَضجَعِهِ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ، وكَلِماتِكَ التّامّةِ، مِن شَرِّ ما أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ....[۴]

۲۲۸۵ . المعجم الصغير عن عائشة: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا أوىٰ إلىٰ فِراشِهِ قالَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَلوعاً[۵]، ومِنَ الجوعِ ضَجيعاً.[۶]

۲۲۸۶ . رسول الله ﷺ ـ إذا أوىٰ إلىٰ فِراشِهِ ـ: اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ ورَبَّ الأَرضِ، ورَبَّ كُلِّ شَيءٍ، فالِقَ[۷] الحَبِّ وَالنَّوىٰ، مُنَزِّلَ التَّوراةِ وَالإنجيلِ وَالقُرآنِ، أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهِ.[۸]

---

۱. كنز العمّال: ج ۱۵ ص ۳۳۰ ح ۴۱۲۶۰ نقلاً عن البزّار عن بريدة.

۲. الطاغوت: هو الشيطان أو ما يزيّن لهم أن يعبدوه من الأصنام وغيرها (النهاية: ج ۳ ص ۱۲۸ «طغا»).

۳. المعجم الكبير: ج ۳ ص ۲۹۷ ح ۳۴۵۴، مسند الشاميّين: ج ۲ ص ۴۴۸ ح ۱۶۷۶ كلاهما عن أبي مالك الأشعري، كنز العمّال: ج ۱۵ ص ۳۳۶ ح ۴۱۲۸۷.

۴. سنن أبي داوود: ج ۴ ص ۳۱۲ ح ۵۰۵۲ عن الحرث وأبي ميسرة، السنن الكبرى للنسائي: ج ۴ ص ۴۱۲ ح ۷۷۳۲، المعجم الصغير: ج ۲ ص ۸۴، الدعاء للطبراني: ص ۹۷ ح ۲۳۷ كلّها عن الحارث وأبي ميسرة، كنز العمّال: ج ۱۵ ص ۵۱۰ ح ۴۱۹۸۸.

۵. وَلِعتُ بالشيء وَلوعاً: أي مُغرىً به ومنه الحديث «كان مُولعاً بالسّواك» (النهاية: ج ۵ ص ۲۲۶ «ولع»).

۶. المعجم الصغير: ج ۲ ص ۴۷، المعجم الأوسط: ج ۷ ص ۱۷۳ ح ۷۱۹۶ وراجع الإقبال: ج ۲ ص ۲۱۸ و بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۷۵ ح ۳.

۷. فالِقُ الحبِّ والنّوىٰ: أي الذي يشقّ حبّة الطعام ونوى التّمر للإنبات (النهاية: ج ۳ ص ۴۷۱ «فلق»).

۸. سنن أبي داوود: ج ۴ ص ۳۱۲ ح ۵۰۵۱، سنن الترمذي: ج ۵ ص ۴۷۲ ح ۳۴۰۰، الأدب المفرد: ص ۳۵۴ ح ۱۲۱۲، السنن الكبرى للنسائي: ج ۴ ص ۳۹۵ ح ۷۶۶۸، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۳۲۵ ح ۸۹۶۹ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ۲ ص ۱۹۴ ح ۳۷۱۵.

داد و لطف نمود، و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است؛ پروردگار همه چیز و معبود همگان. از آتش، به خدا پناه می‌برم».

۲۲۸۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر یک از شما هنگامی که خواست بخوابد، بگوید: «به خداوند یکتا ایمان دارم و به شیطان کافرم. وعدهٔ خدا راست است و پیامبران، راست گفته‌اند. بار خدایا! از پیشامدهای این شب، به تو پناه می‌برم، مگر پیشامد خوب».

۲۲۸۴ . **امام علی**ؑ: پیامبرﷺ هنگام خفتن می‌گفت: «بار خدایا! پناه می‌برم به روی گرامی تو و به کلمات تامّت، از گزند هر آنچه کاکل آن در دست توست...».

۲۲۸۵ . **المعجم الصغیر** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبر خدا هرگاه به بستر می‌رفت، می‌گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شرّ اغوا کننده و از خفتن با گرسنگی[1]».

۲۲۸۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ آن گاه که به بسترش می‌رفت ـ: بار خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و ای پروردگار زمین، و ای پروردگار همه چیز! ای شکافندهٔ دانه و هسته! ای فرو فرستندهٔ تورات و انجیل و قرآن! از گزند هر گزندرسانی که مهارش در دست توست، به تو پناه می‌برم.

---

۱ . احتمال دارد منظور، خوابیدن از شدّت گرسنگی باشد. احتمال هم دارد کنایه از ناداری و تهی دستی باشد و ممکن است کنایه از چنان ناتوانی‌ای باشد که شخص، رمق بر آوردن هیچ حاجتی را ندارد.

۲۲۸۷ . **المعجم الكبير عن جندب بن عبد الله:** سافَرنا مَعَ رَسولِ اللهِ ﷺ سَفَراً فَأَتاهُ قَومٌ فَقالوا: يا رَسولَ اللهِ، سَهَونا عَنِ الصَّلاةِ فَلَم نُصَلِّ حَتّىٰ طَلَعَتِ الشَّمسُ.

فَقالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: تَوَضَّؤوا وصَلُّوا، ثُمَّ قالَ: إنَّ هٰذا لَيسَ بِالسَّهوِ إنَّ هٰذا مِنَ الشَّيطانِ، إذا أخَذَ أحَدُكُم مَضجَعَهُ مِنَ اللَّيلِ فَليَقُل: بِاسمِ اللهِ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[1]

۲۲۸۸ . **الإمام عليّ عليه السلام:** إذا أرادَ أحَدُكُمُ النَّومَ فَلا يَضَعَنَّ جَنبَهُ عَلَى الأَرضِ حَتّىٰ يَقولَ: أُعيذُ نَفسي وديني، وأهلي ووُلدي ومالي، وخَواتيمَ عَمَلي، وما رَزَقَني رَبّي وخَوَّلَني، بِعِزَّةِ اللهِ، وعَظَمَةِ اللهِ، وجَبَروتِ اللهِ، وسُلطانِ اللهِ، ورَحمَةِ اللهِ، ورَأفَةِ اللهِ، وغُفرانِ اللهِ، وقُوَّةِ اللهِ، وقُدرَةِ اللهِ، وجَلالِ اللهِ، وبِصُنعِ اللهِ، وأركانِ اللهِ، وبِجَمعِ اللهِ، وبِرَسولِ اللهِ ﷺ، وبِقُدرَةِ اللهِ عَلىٰ ما يَشاءُ، مِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ[2]، ومِن شَرِّ الجِنِّ وَالإِنسِ، ومِن شَرِّ ما يَدِبُّ فِي الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِن السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[3]

۲۲۸۹ . **كنز العمّال عن أبي عبيد الله الجدلي:** كانَ عَلِيُّ بنُ أبي طالِبٍ عليه السلام إذا أوىٰ إلىٰ فِراشِهِ قالَ: «عُذتُ بِالَّذي يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ» سَبعَ مَرّاتٍ.[4]

---

۱ . المعجم الكبير: ج ۲ ص ۱۷۶ ح ۱۷۲۲، كنز العمّال: ج ۸ ص ۲۲۹ ح ۲۲۶۸۱ و ج ۷ ص ۵۴۰ ح ۲۰۱۵۶.

۲ . الهامّة: كلّ ذات سمّ يقتل، وأمّا ما يسمّ ولا يقتل فهو السامّة، كالعقرب والزنبور (النهاية: ج ۵ ص ۲۷۵ «همم»).

۳ . الخصال: ص ۶۳۱ ح ۱۰ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّة الداعي: ص ۲۶۶ ح ۹، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۹۱ ح ۱.

۴ . كنز العمّال: ج ۱۵ ص ۵۱۱ ح ۴۱۹۹۲ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق.

۲۲۸۷ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از جندب بن عبد الله ـ: با پیامبر خدا به سفری رفتیم. عدّه‌ای نزد ایشان آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! از نماز غافل گشتیم و نماز نخواندیم، تا آن که خورشید طلوع کرد.

پیامبر خدا فرمود: «وضو سازید و نماز بگزارید» و سپس فرمود: «این، از غفلت نیست. این، کار شیطان است. هرگاه یکی از شما شب به بسترش رفت، بگوید: "به نام خدا. از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می‌برم"».

۲۲۸۸ . **امام علی**ﷺ: هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، پیش از آن که پهلویش را بر زمین نهد، بگوید: «خودم و دینم را و زن و فرزندان و دارایی‌ام را و آخرین اعمالم را و آنچه را که پروردگارم روزی‌ام کرده و به من داده است، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و اقتدار خدا و سلطنت خدا و مِهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و توانایی خدا و شُکوه خدا و سازندگی خدا و ارکان خدا و جمع [کردن] خدا، و در پناه پیامبر خدا و در پناه توانا بودن خدا بر آنچه می‌خواهد، در می‌آورم، از گزند زهرداران ناکُشنده و کُشنده، و از گزند جن و انس، و از گزند هر آنچه بر روی زمین می‌جنبد و آنچه از زمین بیرون می‌آید، و از گزند هر آنچه از آسمانْ فرود می‌آید و آنچه به آسمانْ بالا می‌رود، و از گزند هر جانوری که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به راستی که پروردگار من، بر راه راست است و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ».

۲۲۸۹ . **کنز العمّال** ـ به نقل از عبید الله جدلی ـ: علی بن ابی طالبﷺ هرگاه به بسترش می‌رفت، هفت بار می‌گفت: «به آن خدایی که آسمان را از افتادن بر زمین نگه داشته است (مگر او خود اجازه‌اش دهد)، پناه می‌برم از شیطانِ رانده‌شده».

٢٢٩٠ . **الإمام زين العابدين عليه السلام**: مَن قالَ إذا أوىٰ إلىٰ فِراشِهِ: «اللّٰهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلا شَيءَ قَبلَكَ... أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّكَ عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ» نَفَى اللهُ عَنهُ الفَقرَ، وصَرَفَ عَنهُ شَرَّ كُلِّ دابَّةٍ.[١]

٢٢٩١ . **الكافي عن مفضّل بن عمر**: قالَ لي أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: إنِ استَطَعتَ ألّا تَبيتَ لَيلَةً حَتّىٰ تَعَوَّذَ بِأَحَدَ عَشَرَ حَرفاً.

قُلتُ: أخبِرني بِها؟

قالَ: قُل: «أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ، وأعوذُ بِجَلالِ اللهِ، وأعوذُ بِسُلطانِ اللهِ، وأعوذُ بِجَمالِ اللهِ، وأعوذُ بِدَفعِ اللهِ، وأعوذُ بِمَنعِ اللهِ، وأعوذُ بِجَمعِ اللهِ، وأعوذُ بِمُلكِ اللهِ، وأعوذُ بِوَجهِ اللهِ، وأعوذُ بِرَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وبَرَأَ وذَرَأَ»، وتَعَوَّذ بِهِ كُلَّما شِئتَ.[٢]

٢٢٩٢ . **كتاب من لايحضره الفقيه عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام**: لا يَدَعِ الرَّجُلُ أن يَقولَ عِندَ مَنامِهِ: «أُعيذُ نَفسي وذُرِّيَّتي، وأهلَ بَيتي ومالي، بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، مِن كُلِّ شَيطانٍ وهامَّةٍ، ومِن كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ» فَذٰلِكَ الَّذي عَوَّذَ بِهِ جَبرَئيلُ عليه السلام الحَسَنَ وَالحُسَينَ عليهما السلام.[٣]

ج ـ الإستيقاظُ

٢٢٩٣ . **رسول الله صلى الله عليه وآله** ـ إذا قامَ مِنَ اللَّيلِ ـ: أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، مِن

---

١ . فلاح السائل: ص ٢٩٤ ح ٣٤٥ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢١٤ ح ٢٣.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٣٧ ح ٩، فلاح السائل: ص ٢٧٧ ح ٣٢٣، طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١١٩، مصباح المتهجّد: ص ١٢٠، البلد الأمين: ص ٣٣، المصباح للكفعمي: ص ٦٦ والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٥ ح ٢٣.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٧٠ ح ١٣٥٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٦ ح ٤٣٦ وليس فيه «الحسن و»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٤ ح ٢١٠١، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢.

۲۲۹۰ . **امام زین العابدین**ﷺ: هر کس **هنگامی که به رخت خوابش می‌رود**، بگوید: «بار خدایا! تو نخستینی و چیزی پیش از تو نیست.... از گزند هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست، به تو پناه می‌برم، که تو به راه راستی»، خداوندْ فقر را از او می‌برد، و خطر هر جنبنده‌ای را از او می‌گرداند.

۲۲۹۱ . **الکافی** ـ به نقل از مفضّل بن عمر ـ: امام صادقﷺ به من فرمود: «تا می‌توانی، هیچ شبی سر بر بالین مگذار، مگر آن که با یازده کلمه به خدا پناه بری».

گفتم: مرا از آنها آگاه کنید.

فرمود: «بگو: "به عزّت خدا پناه می‌برم، به توانایی خدا پناه می‌برم، به شُکوه خدا پناه می‌برم، به سلطنت خدا پناه می‌برم، به زیبایی خدا پناه می‌برم، به دفع خدا [از بدی و عذاب] پناه می‌برم، به بازدارندگی خدا پناه می‌برم، به جمع کردن خدا پناه می‌برم، به دارایی خدا پناه می‌برم، به روی خدا پناه می‌برم و به پیامبر خدا پناه می‌برم از گزند آنچه خدا آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است". هر زمان که خواستی، به اینها پناه ببر و اینها به اوقات معیّنی اختصاص ندارند».

۲۲۹۲ . **کتاب من لا یحضره الفقیه** ـ به نقل از محمّد بن مسلم، از امام باقر یا امام صادقﷺ ـ: شخص در هنگام خوابیدن، این دعا را فرو نگذارد: «خودم و فرزندانم را و خانواده‌ام و دارایی‌ام را در پناه کلمات کامل خدا در آوردم از هر شیطانی و هر گزندهٔ کُشنده‌ای، و از هر چشم‌زخم‌زننده‌ای»؛ زیرا این، دعایی است که جبرئیلﷺ حسن و حسینﷺ را با آن تعویذ کرد.

ج ـ بیدار شدن از خواب

۲۲۹۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ هر گاه شب بر می‌خاست ـ: به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از

هَمزِهِ[١] ونَفخِهِ ونَفثِهِ[٢].[٣]

٢٢٩٤ . عنه ﷺ ـ أنَّهُ كانَ يَقولُ إذَا استَيقَظَ ـ : اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَ هٰذَا اليَومِ ونورَهُ، وهُداهُ وبَرَكَتَهُ، وطَهورَهُ ومُعافاتِهِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَهُ وخَيرَ ما فيهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّهِ وشَرِّ ما بَعدَهُ.[٤]

د ـ الرُّؤيَا المَكروهَةُ

٢٢٩٥ . رسول الله ﷺ: مَن رَأىٰ في مَنامِهِ خَيراً فَليَحمَدِ اللهَ وَليُحَدِّث بِهِ، ومَن رَأىٰ غَيرَ ذٰلِكَ فَليَستَعِذ بِاللهِ فَلا يَذكُرها، فَإنَّها لا تَضُرُّهُ.[٥]

٢٢٩٦ . عنه ﷺ: إذا رَأىٰ أحَدُكُم في مَنامِهِ ما يَكرَهُ، فَليَنفُث[٦] عَن يَسارِهِ ثَلاثاً، وَليَستَعِذ بِاللهِ مِمّا رَأىٰ.[٧]

٢٢٩٧ . عنه ﷺ: إذا رَأىٰ أحَدُكُم رُؤيا يَكرَهُها فَليَتَحَوَّل، وَليَنفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثاً، وَليَسأَلِ اللهَ مِن خَيرِها، وَليَتَعَوَّذ مِن شَرِّها.[٨]

---

١ . هَمَزات الشياطين: خطراته التي يخطرها بقلب الإنسان (الصحاح: ج ٣ ص ٩٠٢ «همز»).

٢ . النَّفثُ: قذف الريق القليل، وهو أقلّ من التفل (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨١٦ «نفث»).

٣ . سنن أبي داوود: ج ١ ص ٢٠٦ ح ٧٧٥، سنن الترمذي: ج ٢ ص ١٠ ح ٢٤٢، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٠٠ ح ١٢١٩، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٤٦٧ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٤ ح ٣٧٦٦.

٤ . مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٩٤ ح ١٨١، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩.

٥ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٧ نقلاً عن الدارقطني في الإفراد عن أبي هريرة.

٦ . فلينفث: أي فليتفل تفلاً خفيفاً وإن لم يخرج معه شيء من البزاق (بحار الأنوار: ج ٦١ ص ١٩٣).

٧ . السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٢٥ ح ١٠٧٤١، المعجم الكبير: ج ٢٣ ص ٢٦٠ ح ٥٤٤ كلاهما عن أمّ سلمة، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٥.

٨ . سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٨٦ ح ٣٩١٠ عن أبي هريرة و ح ٣٩٠٩ عن أبي قتادة، و ح ٣٩٠٨ عن جابر بن عبد الله وكلاهما نحوه، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٦٣ ح ٤١٣٨٧.

شیطانِ رانده‌شده، از وسوسه‌ها و القائات و زهرافکنی او.

۲۲۹۴. **پیامبر خدا**ﷺ ـ آن گاه که از خواب بیدار می‌شد ـ: بار خدایا! خوبیِ این روز و روشنایی آن را و هدایت و برکتش را و پاکی و سلامتش را از تو درخواست می‌کنم. بار خدایا! خوبیِ این روز و خوبی آنچه را در آن است، از تو می‌خواهم و از بدی آن و بدی روزهای پس از آن، به تو پناه می‌برم.

د ـ دیدن خواب ناخوش

۲۲۹۵. **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس خواب خوشی دید، خدا را بستاید و سپاسش بگوید، و هر کس غیر آن دید، به خدا پناه برد و خوابش را بازگو نکند، که در این صورت، به او آسیبی نخواهد رساند.

۲۲۹۶. **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید، سه بار در سمت چپ خود، بدمَد[1] و از آنچه دیده است، به خدا پناه برد.

۲۲۹۷. **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید، به پهلوی دیگر بچرخد و سه بار در سمت چپش آب دهان بیندازد و از خدا خیر بودن آن خواب را بخواهد و از شرّ آن به او پناه برد.

---

۱. علامهٔ مجلسی﵀ در ذیل این روایت می‌گوید: مقصود از «نفث» (که در متن روایت آمده)، تُف خفیف است، هر چند آب دهان با آن همراه نباشد.

به نظر می‌رسد مقصود در سایر روایاتی که می‌گویند: «آب دهان به سمت چپ بیندازد» ـ در صورتی که صدور آنها پذیرفته شود ـ نیز همین معناست.

٢٢٩٨ . عنه ﷺ: إذا رَأىٰ أحَدُكُم رُؤيا يُحِبُّها فَإنَّما هِيَ مِنَ اللهِ، فَليَحمَدِ اللهَ عَلَيها وَليُحَدِّث بِها، وإذا رَأىٰ غَيرَ ذٰلِكَ مِمّا يَكرَهُ فَإنَّما هِيَ مِنَ الشَّيطانِ، فَليَستَعِذ مِن شَرِّها ولا يَذكُرها لِأَحَدٍ، فَإنَّها لا تَضُرُّهُ.[١]

٢٢٩٩ . عنه ﷺ: الرُّؤيَا الحَسَنَةُ مِنَ اللهِ، فَإذا رَأىٰ أحَدُكُم ما يُحِبُّ فلا يُحَدِّث بِهِ إلّا مَن يُحِبُّ، وإذا رَأىٰ ما يَكرَهُ فَليَتَعَوَّذ بِاللهِ مِن شَرِّها ومِن شَرِّ الشَّيطانِ، وَليَتفُل ثَلاثاً، ولا يُحَدِّث بِها أحَداً، فَإنَّها لَن تَضُرَّهُ.[٢]

٢٣٠٠ . عنه ﷺ: إذا رَأىٰ أحَدُكُم رُؤيا يَكرَهُها فَليَتفُل عَن يَسارِهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ، ثُمَّ لِيَقُل: «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عِلمِ[٣] الشَّيطانِ، وسَيِّئاتِ الأَحلامِ»، فَإنَّها لا تَكونُ شَيئاً.[٤]

٢٣٠١ . عنه ﷺ: إذا رَأىٰ أحَدُكُم في مَنامِهِ ما يَكرَهُ فَليَقُل: «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَةُ اللهِ ورُسُلُهُ مِمّا رَأَيتُ في مَنامي هٰذا، أن يُصيبَني بَلاءٌ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ»، وَليَتفُل عَن شِمالِهِ ثَلاثاً، فَإنَّها لا تَضُرُّهُ إن شاءَ اللهُ تَعالىٰ.[٥]

٢٣٠٢ . الإمام الباقر ﷺ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ لِفاطِمَةَ ﷺ في رُؤياهَا الَّتي رَأَتها: قولي: «أعوذُ بِما

---

١ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٥٦٣ ح ٦٥٨٤ و ص ٢٥٨٢ ح ٦٦٣٨، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٥ ح ٣٤٥٣، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٩ ح ١١٠٥٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٢٣ ح ١٠٧٢٩ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٦٥ ح ٤١٣٩٦.

٢ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٥٨٢ ح ٦٦٣٧، صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٧٧٢ ح ٤، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٣٧٣ ح ٢٢٦٤٦، سنن الدارمي: ج ١ ص ٥٦١ ح ٢٠٦٦ كلّها عن أبي قتادة وفيها «الصالحة» بدل «الحسنة»، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٧٢ ح ٤١٤٣١؛ عدّة الداعي: ص ٢٦١ عن أبي قتادة، بحار الأنوار: ج ٦١ ص ١٧٤ ح ٣٤.

٣ . كذا في المصدر، وفي الأذكار للنووي: «عمل الشيطان».

٤ . عمل اليوم والليلة لابن السنّي: ص ٢٦٩ ح ٧٧٠ عن أبي هريرة، الأذكار للنووي: ص ٩٥، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٦٤ ح ٤١٣٨٨.

٥ . كنز العمّال: ج ١٥ ص ٣٧٣ ح ٤١٤٣٦ نقلاً عن الفردوس عن أبي هريرة.

۲۲۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن خواب از خداست. پس خدا را بر آن بستاید و خوابش را بازگو کند، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، آن خواب از جانب شیطان است. پس، از شرّ آن به خدا پناه ببرد و برای کسی بازگویش نکند، که در این صورت، به او آسیبی نخواهد رساند.

۲۲۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: رؤیای خوب، از جانب خداست. پس هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن را جز به کسی که دوستش دارد، نگوید، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، از شرّ آن و از شرّ شیطان، به خدا پناه ببرد و سه مرتبه آب دهان بیندازد و خوابش را به کسی نگوید؛ زیرا در این صورت، هرگز به او آسیبی نخواهد رساند.

۲۳۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما خواب بدی دید، سه مرتبه از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد و سپس بگوید: «بار خدایا! از آگاهی شیطان و رؤیاهای بد، به تو پناه می‌برم». در این صورت، اتّفاقی نخواهد افتاد.

۲۳۰۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه کسی از شما در خوابش چیزی دید که خوش ندارد، بگوید: «از آنچه در این خوابم دیدم، پناه می‌برم به چیزی که فرشتگان خدا و پیامبرانش به آن پناه بردند، از این که در دنیا و آخرت به من صدمه‌ای رسد» و سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد. در این صورت، به خواست خدا، صدمه‌ای به او نخواهد رسید.

۲۳۰۲ . **امام باقر**ؑ: پیامبر خدا به فاطمهؑ در بارهٔ خوابی که دیده بود، فرمود: «بگو:

عاذَت بِهِ مَلائِكَةُ اللهِ المُقَرَّبونَ، وأنبِياؤُهُ المُرسَلونَ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ، مِن شَرِّ ما رَأَيتُ في لَيلَتي هٰذِهِ، أن يُصيبَني مِنهُ سوءٌ أو شَيءٌ أكرَهُهُ»، ثُمَّ انقَلِبي[1] عَن يَسارِكِ ثَلاثَ مَرّاتٍ.[2]

٢٣٠٣ . الإمام الصادق عليه السلام: قالَ جَبرَئيلُ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: قُل يا مُحَمَّدُ إذا رَأَيتَ في مَنامِكَ شَيئاً تَكرَهُهُ، أو رَأىٰ أحَدٌ مِنَ المُؤمِنينَ فَليَقُل: «أعوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَةُ اللهِ المُقَرَّبونَ، وأنبِياءُ اللهِ المُرسَلونَ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ، مِن شَرِّ ما رَأَيتُ مِن رُؤيايَ»، وَيَقرَأُ الحَمدَ، وَالمُعَوِّذَتَينِ، وقُل هُوَ اللهُ أحَدٌ، ويَتفُلُ عَن يَسارِهِ ثَلاثَ تَفَلاتٍ، فَإِنَّهُ لا يَضُرُّهُ ما رَأىٰ.[3]

٢٣٠٤ . عنه عليه السلام: إذا رَأَى الرَّجُلُ ما يَكرَهُ في مَنامِهِ فَليَتَحَوَّل عَن شِقِّهِ الَّذي كانَ عَلَيهِ نائِماً وَليَقُل: ﴿إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ﴾ ثُمَّ لِيَقُل: عُذتُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِكَةُ اللهِ المُقَرَّبونَ، وأنبِياؤُهُ المُرسَلونَ، وعِبادُهُ الصّالِحونَ، مِن شَرِّ ما رَأَيتُ، ومِن شَرِّ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[5]

---

١ . في فلاح السائل: «واتفلي» بدل «وانقلبي». وقال العلّامة المجلسي رحمه الله معلّقاً: الظاهر أنّه كان «ثمّ اتفلي عن يسارك ثلاث مرّات»... وعليه لعلّ المراد الانقلاب عن اليمين إلى اليسار ثلاث مرّات؛ بأن ينقلب أوّلاً إلى اليسار ثمّ إلى اليمين ثمّ إلى اليسار وهكذا، ويحتمل أن يكون متعلّقاً بالقول فقط؛ أي يقوله ثلاث مرّات ثمّ ينقلب (مرآة العقول: ج ٢٥ ص ٣٤٣).

٢ . الكافي: ج ٨ ص ١٤٢ ح ١٠٧ عن أبي الورد، فلاح السائل: ص ٥٠٢ ح ٣٥٨ عن عبد الله بن عثمان عن الإمام الباقر والصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٢٠ ح ٢٩.

٣ . تفسير القمّي: ج ٢ ص ٣٥٦ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٩١ ح ١٤.

٤ . المجادلة: ٩.

٥ . الكافي: ج ٨ ص ١٤٢ ح ١٠٦، فلاح السائل: ص ٥٠١ ح ٣٥٧ كلاهما عن معاوية بن عمّار، ← مصباح المتهجّد: ص ١٢٧ ح ٢٠٦ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢١٩ ح ٢٨.

"پناه می‌برم به آنچه فرشتگان مقرّب خدا، و پیامبران فرستادهٔ او و بندگان شایسته‌اش پناه بردند، از شرّ خوابی که امشب دیدم، از این که از آن به من صدمه‌ای یا ناخوشایندی‌ای رسد». سپس، سه مرتبه از سمت چپت بچرخ.[1]

۲۳۰۳ . **امام صادق**ﷺ: جبرئیل به محمّدﷺ گفت: ای محمّد! هر گاه تو یا یکی از مؤمنان، خواب ناخوشایندی دیدید، بگویید: «از شرّ خوابی که دیدم، به چیزی پناه می‌برم که فرشتگان مقرّب خدا و پیامبران فرستادهٔ خدا و بندگان نیک او به آن پناه بردند» و سوره‌های حمد و معوذّتین و ﴿قل هو الله احد﴾ را بخوانید و از سمت چپ خود، سه بار آب دهان بیندازید، که در این صورت، خوابی که دیده‌اید، به شما گزندی نخواهد رساند.

۲۳۰۴ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه مردی خواب بدی دید، از آن سمت بدنش که خوابیده است، به سمت دیگر برگردد و بگوید: ﴿به راستی که نجوا کردن، کار شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین سازد، در حالی که به آنان هیچ گزندی نمی‌زند، مگر با اجازهٔ خدا﴾ و سپس بگوید: «از گزند خوابی که دیدم و از گزند شیطانِ رانده‌شده به آن پناه می‌برم که فرشتگان مقرّب خدا و پیامبران فرستادهٔ او و بندگان شایسته‌اش پناه بردند».

---

۱ . در فلاح السائل، به جای «انقلبی (بچرخ)»، «اتفلی (آب دهان بینداز)» آمده است. علّامهٔ مجلسیﷺ در توضیح مطلب می‌گوید: ظاهر، این است که: «سپس از سمت چپت، سه بار آب دهان بینداز»... بنا بر این، شاید مراد از چرخ زدن، سه بار برگشتن از دست راست به دست چپ باشد، به این ترتیب که اوّل به سمت چپ برگردد، سپس به راست و سپس به چپ و به همین ترتیب. احتمال هم دارد که عبارت سه مرتبه، به گفتن مربوط باشد؛ یعنی سه مرتبه آن جملات را بگوید و سپس برگردد.

هـ ـ الفَزَعُ والوَحشَةُ

٢٣٠٥ . مكارم الأخلاق: إن فَزِعتَ مِنَ اللَّيلِ فَقُل عَشرَ مَرّاتٍ: «أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ مِن غَضَبِهِ، ومِن عِقابِهِ، ومِن شَرِّ عِبادِهِ، ومِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ [وأعوذُ بِكَ رَبِّ][1] أن يَحضُرونِ» فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ يَأمُرُ بِهِ.[2]

٢٣٠٦ . رسول الله ﷺ: إذا أصابَ أحَداً مِنكُم وَحشَةٌ، أو نَزَلَ بِأَرضٍ مَجَنَّةٍ[3] فَليَقُل: أعوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، مِن شَرِّ ما يَلِجُ فِي الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها، وما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن فِتَنِ اللَّيلِ ومِن طوارِقِ النَّهارِ إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ.[4]

و ـ المُصيبَةُ

٢٣٠٧ . الإمام عليّ عليه السلام ـ في دُعاءٍ يَلجَأُ فيهِ إلَى اللهِ لِيَهدِيَهُ إلَى الرَّشادِ ـ: اللّهُمَّ إنَّكَ آنَسُ الآنِسينَ لِأَولِيائِكَ... إن أوحَشَتهُمُ الغُربَةُ آنَسَهُم ذِكرُكَ، وإن صُبَّت عَلَيهِمُ المَصائِبُ لَجَؤوا إلَى الاِستِجارَةِ بِكَ، عِلماً بِأَنَّ أزِمَّةَ الأُمورِ بِيَدِكَ، ومَصادِرَها عَن قَضائِكَ.[5]

٢٣٠٨ . عنه عليه السلام: إلٰهي، كُلُّ مَكروبٍ إلَيكَ يَلتَجِئُ، وكُلُّ مَحرومٍ لَكَ يَرتَجي.[6]

---

١ . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

٢ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٥ ح ٢١٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٦ ح ١٢.

٣ . أرض مجنّة: ذات جنّ (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٩٤ «جنن»).

٤ . الدرّ المنثور: ج ٨ ص ٣٠٠ نقلاً عن أبي نصر السجزي في الإبانة عن ابن عبّاس؛ بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ١١٩ ح ٩٩.

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٧، مصباح المتهجّد: ص ٣٥٥ ح ٤٧٣، جمال الأسبوع: ص ٢٣٧ كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣٢٩ ح ٤٠.

٦ . المزار الكبير: ص ١٥٢، المزار للشهيد الأوّل: ص ٢٧٤ كلاهما عن ميثم، البلد الأمين: ص ٣١٣ عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام وفيه «محزون» بدل «محروم»، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٢٥١ ح ٢٦.

هـ ـ ترس و دلهره

۲۳۰۵ . **مکارم الأخلاق**: اگر از شب ترسیدی، ده مرتبه بگو: «پناه می‌برم به کلمات خدا از خشم او و از کیفرش و از گزند بندگانش و از وسوسه‌های شیاطین [و به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ] از این که شیاطین، نزد من آیند»؛ زیرا پیامبرﷺ به این کار دستور می‌داد.

۲۳۰۶ . **پیامبر خداﷺ**: هر گاه یکی از شما وحشت زده شد، یا در سرزمینی جن دار فرود آمد، بگوید: «به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها فراتر نمی‌رود، پناه می‌برم از گزند هر آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن برون می‌آید، و آنچه از آسمانْ فرود می‌آید و آنچه در آن بَر می‌شود، و از فتنه‌های شب و پیشامدهای روز، مگر پیشامد خوب».

و ـ مصیبت

۲۳۰۷ . **امام علی**ﷺ ـ در دعایی که در آن به خدا پناه می‌برد تا او را به راستی و درستی، ره نمون شود ـ: بار خدایا! تو برای دوستانت، انیس‌ترینِ انیسانی.... اگر تنهاییِ غربتْ آنان را فراگیرد، یاد تو مونس ایشان است و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو ریزد، به حمایت‌خواهی از تو پناه می‌برند؛ چرا که می‌دانند زمام کارها در دست توست و خاستگاه آنها، فرمان توست.

۲۳۰۸ . **امام علی**ﷺ: معبود من! هر غم زده‌ای به تو پناه می‌آورد و هر محرومی، امیدش به توست.

ز ـ المَرَض

۲۳۰۹ . رسول الله ﷺ: ضَع يَدَكَ عَلَى الَّذي تَألَّمَ مِن جَسَدِكَ، وقُل: «بِاسمِ اللهِ» ثَلاثاً، وقُل سَبعَ مَرّاتٍ: «أعوذُ بِاللهِ وقُدرَتِهِ مِن شَرِّ ما أجِدُ وأحاذِرُ».[۱]

۲۳۱۰ . عنه ﷺ: إذا وَجَدَ أحَدُكُم ألَماً فَليَضَع يَدَهُ حيثُ يَجِدُ ألَمَهُ، ثُمَّ لِيَقُل ـ سَبعَ مَرّاتٍ ـ: أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ، مِن شَرِّ ما أجِدُ.[۲]

۲۳۱۱ . مكارم الأخلاق: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا رَأىٰ في جِسمِهِ بَثرَةً[۳] عاذَ بِاللهِ، وَاستَكانَ لَهُ، وجَأَرَ[۴] إلَيهِ، فَيُقالُ لَهُ: يا رَسولَ اللهِ ما هُوَ بَأسٌ! فَيَقولُ: إنَّ اللهَ إذا أرادَ أن يُعَظِّمَ صَغيراً عَظَّمَ، وإذا أراد أن يُصَغِّرَ عَظيماً صَغَّرَ.[۵]

۲۳۱۲ . سنن الترمذي عن ابن عبّاس: إنَّ النَّبِيَّ ﷺ كانَ يُعَلِّمُهُم مِنَ الحُمّىٰ ومِنَ الأَوجاعِ كُلِّها أن يَقولَ: بِاسمِ اللهِ الكَبيرِ، أعوذُ بِاللهِ العَظيمِ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ[۶]، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ.[۷]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. صحيح مسلم: ج ۴ ص ۱۷۲۸ ح ۶۷، السنن الكبرى للنسائي: ج ۶ ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۳۹، سنن ابن ماجة: ج ۲ ص ۱۱۶۴ ح ۳۵۲۲ وليس فيه «ثلاثاً»، صحيح ابن حبّان: ج ۷ ص ۲۳۱ ح ۲۹۶۴ و ص ۲۳۳ ح ۲۹۶۷ كلّها عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ۱۰ ص ۶۲ ح ۲۸۳۷۴؛ مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۴۵ ح ۲۵۹۱ نحوه وليس فيه «ثلاثاً وقل سبع مرّات»، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۱۶ ح ۱۶.

۲. مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۳۹ ح ۲۷۲۴۹، المعجم الكبير: ج ۱۹ ص ۹۳ ح ۱۷۹، الدعاء للطبراني: ص ۳۴۵ ح ۱۱۳۴ كلّها عن كعب بن مالك، كنز العمّال: ج ۱۰ ص ۵۸ ح ۲۸۳۴۷.

۳. بَثَر الجِلدُ: خَرَجَ به خُرّاج صغير، واحدته: بثرة (المصباح المنير: ص ۳۶ «بثر»).

۴. الجُؤار: رَفعُ الصَّوتِ والاستغاثة، جأر يجأرُ (النهاية: ج ۱ ص ۲۳۲ «جأر»).

۵. مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۶۹ ح ۲۴۱۵، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۲۱۱ ح ۳۰.

۶. عِرقٌ نَعّار: فار منه الدّم، أو صوّت لخروج الدّم (القاموس المحيط: ج ۲ ص ۱۴۵ «نعر»).

۷. سنن الترمذي: ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۲۰۷۵، سنن ابن ماجة: ج ۲ ص ۱۱۶۵ ح ۳۵۲۶، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۶۴۳ ح ۲۷۲۹، المستدرك على الصحيحين: ج ۴ ص ۴۵۹ ح ۸۲۷۴، كنز العمّال: ج ۷ ص ۱۳۵ ح ۱۸۳۷۰؛ بحار الأنوار: ج ۶۳ ص ۲۰ ح ۱۲ نقلاً عن الشهاب.

ز ـ بیماری

۲۳۰۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: دستت را بر جایی از بدنت که درد می‌کند، بگذار و سه بار بگو: «به نام خدا» و هفت بار بگو: «به خدا و توانایی او پناه می‌برم از گزند آنچه احساس می‌کنم و می‌پرهیزم».

۲۳۱۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما دردی داشت، دست خود را بر موضع دردش بگذارد و سپس هفت بار بگوید: «به عزّت خدا و توانایی او بر هر چیز، پناه می‌برم از شرّ آنچه احساس می‌کنم».

۲۳۱۱ . **مکارم الأخلاق**: پیامبر خدا هر گاه در بدن خود، جوش چرکینی می‌دید، به خدا پناه می‌برد و بر این خواری می‌نمود و به درگاهش زار می‌زد. به ایشان می‌گفتند: این که چیز مهمّی نیست، ای پیامبر خدا!

ایشان می‌فرمود: «خداوند اگر بخواهد کوچکی را بزرگ کند، بزرگش می‌سازد و اگر بخواهد بزرگی را کوچک کند، کوچکش می‌گرداند».

۲۳۱۲ . **سنن الترمذی** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ به آنان می‌آموخت که هنگام تب و هر دردی بگویند: «به نام خدای بزرگ. پناه می‌برم به خدای باعظمت از گزند هر رگ جهنده‌ای، و از گزند گرمای آتش.

۲۳۱۳ . **مكارم الأخلاق عن ابن عبّاس:** كانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعَلِّمُنا مِنَ الأَوجاعِ كُلِّها وَالحُمّىٰ وَالصُّداعِ: بِاسمِ اللهِ الكَبيرِ، أعوذُ بِاللهِ العَظيمِ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ، ومِن شرِّ حَرِّ النّارِ.

وإذا رَفَعتَ يَدَكَ فَقُل: بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ، أعوذُ بِاللهِ وقُدرَتِهِ عَلىٰ ما يَشاءُ، مِن شَرِّ ما أجِدُ.[1]

۲۳۱۴ . **الإمام الباقر عليه السلام:** إذَا اشتَكَى الإِنسانُ فَليَقُل: بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، ومُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ ﷺ، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، وأعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ عَلىٰ ما يَشاءُ، مِن شَرِّ ما أجِدُ.[2]

۲۳۱۵ . **الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام:** إذا دَخَلتَ عَلىٰ مَريضٍ فَقُل: «أُعيذُكَ بِاللهِ العَظيمِ، رَبِّ العَرشِ العَظيمِ، مِن شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَقّارٍ[3]، ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ.[4]

۲۳۱۶ . **طبّ الأئمّة لابني بسطام عن محمّد بن إبراهيم:** دَخَلَ رَجُلٌ إلىٰ أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام وقَد عَرَضَ لَهُ خَبلٌ[5]، فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللهِ عليه السلام: أُدعُ بِهٰذَا الدُّعاءِ إذا أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ:

بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، آمَنتُ بِاللهِ وكَفَرتُ بِالطّاغوتِ، اللّٰهُمَّ احفَظني في مَنامي ويَقَظَتي، أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وجَلالِهِ مِمّا أجِدُ وأحذَرُ.[6]

۲۳۱۷ . **مكارم الأخلاق عن عثمان بن عيسى:** شَكا رَجُلٌ إلىٰ أبِي الحَسَنِ عليه السلام: أنَّ بي زَحيراً[7] لا

---

۱ . مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۶۱۶، الدعوات: ص ۲۰۸ ح ۵۶۵ نحوه، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۲۸ ح ۱۲.

۲ . الكافي: ج ۲ ص ۵۶۷ ح ۱۳، طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ۳۹ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۷ ح ۴.

۳ . في مكارم الأخلاق والمقنع: «نعّار» بدل «نقّار» وهو الأنسب، كما في أحاديث متقدّمة.

۴ . الكافي: ج ۲ ص ۵۶۷ ح ۱۲، مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۴۴ ح ۲۵۸۹ كلاهما عن زرارة، طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ۱۱۸ عن حريز بن عبد الله السجستاني عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، المقنع للصدوق: ص ۵۴، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۲۲۸ ح ۴۰.

۵ . الخَبلُ ـ بسكون الباء ـ: فسادُ الأعضاء، يُقال: خبَلَ الحبُّ قلبه: إذا أفسدهُ (النهاية: ج ۲ ص ۸ «خبل»).

۶ . طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ۱۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۱۴۹ ح ۵.

۷ . الزَّحيرُ: استطلاق البطن (الصحاح: ج ۲ ص ۶۶۸ «زحر»).

۲۳۱۳ . **مکارم الأخلاق** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ برای [رفع] کلّیهٔ دردها و تب و سردرد، این دعا را به ما می‌آموخت: «[بگو:] به نام خدای بزرگ. به خدای باعظمت، پناه می‌برم از گزند هر رگ جهنده‌ای و از گزند گرمای آتش".

و هر گاه دستت را بالا بردی، بگو: "به نام خدا و به یاری خدا. محمّد، پیامبر خداست. به خدا و توانایی او بر هر چیز، پناه می‌برم از گزند آنچه [از درد] احساس می‌کنم"».

۲۳۱۴ . **امام باقر**ﷺ: هر گاه انسان دردمند شد، بگوید: «به نام خدا و به کمک خدا. محمّد، فرستادهٔ خداست. به عزّت خدا پناه می‌برم و به توانایی خدا بر آنچه می‌خواهد، پناه می‌برم از گزند آنچه احساس می‌کنم».

۲۳۱۵ . **امام باقر**ﷺ **یا امام صادق**ﷺ: هر گاه به نزد بیماری رفتی، هفت بار بگو: «تو را در پناه خدای بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، در می‌آورم از گزند هر رگ آماسیده‌ای و از گزند تَف آتش».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۳۱۶ . **طبّ الأئمّة**ﷺ، ابنا بسطام ـ به نقل از محمّد بن ابراهیم ـ: مردی که دچار سستی اندام بود، بر امام صادقﷺ درآمد. امامﷺ به او فرمود: «هرگاه به بسترت رفتی، این دعا را بخوان: "به نام خدا و به یاری خدا. به خدا ایمان آوردم و به اهریمن کافرم. بار خدایا! مرا در خواب و بیداری‌ام محافظت فرما. به عزّت و جلال خدا پناه می‌برم از آنچه می‌یابم و [از آن] حذر دارم"».

۲۳۱۷ . **مکارم الأخلاق** ـ به نقل از عثمان بن عیسی ـ: مردی به ابوالحسنﷺ[1] شکایت کرد

---

۱ . منظور، امام کاظم یا امام رضاﷺ است.

يَسكُنُ! فَقالَ: إذا فَرَغتَ مِن صَلاةِ اللَّيلِ فَقُل:

اللّٰهُمَّ ما كانَ مِن خَيرٍ فَمِنكَ لا حَمدَ لي فيهِ، وما عَمِلتُ مِن سوءٍ فَقَد حَذَّرتَنيهِ ولا عُذرَ لي فيهِ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أتَّكِلَ عَلىٰ ما لا حَمدَ لي فيهِ، أو آمَنَ ما لا عُذرَ لي فيهِ.[1]

ح ـ الإحتِضارُ

٢٣١٨ . طبّ الأئمّة لابني بسطام عن حريز بن عبدالله عن الإمام الباقر عليه السلام: إذا دَخَلتَ عَلىٰ مَريضٍ وهُوَ فِي النَّزعِ الشَّديدِ فَقُل لَهُ: اُدعُ بِهٰذَا الدُّعاءِ يُخَفِّفِ اللهُ عَنكَ: «أعوذُ بِاللهِ العَظيمِ، رَبِّ العَرشِ الكَريمِ، مِن كُلِّ عِرقٍ نَفّارٍ ومِن شَرِّ حَرِّ النّارِ» سَبعَ مَرّاتٍ، ثُمَّ لَقِّنهُ كَلِماتِ الفَرَجِ.[2]

١١ / ٥
تِلكَ الأوقاتُ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

أ ـ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ وقَبلَ غُروبِها

٢٣١٩ . الإمام الصادق عليه السلام: تَقولُ: «أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِن هَمَزاتِ الشَّياطينِ، وأعوذُ بِكَ رَبِّ أن يَحضُرونِ، إنَّ اللهَ هُوَ السَّميعُ العَليمُ» عَشرَ مَرّاتٍ، قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ وقَبلَ الغُروبِ، فَإن نَسيتَ قَضَيتَ كَما تَقضِي الصَّلاةَ إذا نَسيتَها.[3]

٢٣٢٠ . كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام: إنَّ إبليسَ إنَّما يَبُثُّ جُنودَ اللَّيلِ مِن

---

١. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٧٦ ح ٢٦٣٤، الدعوات: ص ١٩٩ ح ٥٤٧، طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١٠٠ نحوه وفيه «قرقرة» بدل «زحيراً»، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٧٦ ح ٢.

٢. طبّ الأئمّة لابني بسطام: ص ١١٨، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٣٧ ح ٢١.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٣٣ ح ٣١ عن أبي خديجة و ح ٣٢ عن محمّد بن مروان، تفسير العيّاشي: ج ٢ ص ٤٥ ح ١٣٦ عن الحسين بن المختار و ح ١٣٧، فلاح السائل: ص ٣٨٦ ح ٢٦٠ عن أبي خديجة وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦٨ ح ٣٨.

و گفت: مدّتی است دچار اسهال هستم و قطع نمی‌شود.

فرمود: «پس از خواندن نماز شب، بگو: "بار خدایا! هر خوبی‌ای که [در من] هست، از توست و هیچ ستایشی در بارهٔ آن متوجّه من نیست، و هر بدی که انجام داده‌ام، تو [پیش تر] مرا از آن پرهیز داده‌ای و در انجام دادن آن، عذری ندارم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که به چیزی تکیه کنم که در آن، ستایشی متوجّه من نیست، یا از چیزی در امان باشم که مرا در آن، عذری نیست"».

ح ـ فرا رسیدن مرگ

۲۳۱۸ . **طبّ الأئمّة**ﷺ، ابنا بسطام ـ به نقل از حریز بن عبد الله ـ امام باقرؑ فرمود: «هر گاه بر مریضی وارد شدی که به سختی در حال جان کندن است، به او بگو: هفت مرتبه این دعا را بخوان، که خداوند تو را سبُک می‌سازد: "به خدای بزرگ، پروردگار عرش ارجمند، پناه می‌برم از هر رگ جهنده‌ای و از شرّ گرمای آتش دوزخ". سپس کلمات فرج را به او تلقین کن».

۱۱/۵
و در این چند وقت

الف ـ پیش از طلوع و غروب خورشید

۲۳۱۹ . **امام صادق**ؑ: پیش از طلوع و غروب خورشید، ده مرتبه می‌گویی: «به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از وسوسه‌های شیطان‌ها. پناه می‌برم به تو ـ ای پروردگارم ـ از این که شیطان‌ها نزد من آیند. به راستی که خدا شنوای داناست». اگر فراموش کردی، قضایش را به جای آر، همچنان که نماز را هر گاه فراموش کنی، قضایش می‌نمایی.

۲۳۲۰ . **کتاب من لا یحضره الفقیه** ـ به نقل از جابر ـ: امام باقرؑ فرمود: «ابلیس، از زمانی

حينِ تَغيبُ الشَّمسُ إلىٰ مَغيبِ الشَّفَقِ، ويَبُثُّ جُنودَ النَّهارِ مِن حينِ يَطلُعُ الفَجرُ إلىٰ مَطلَعِ الشَّمسِ.

وذَكَرَ أنَّ نَبِيَّ اللهِ ﷺ كانَ يَقولُ: أكثِروا ذِكرَ اللهِ ﷻ في هاتَينِ السّاعَتَينِ، وتَعَوَّذوا بِاللهِ ﷻ مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ، وعَوِّذوا صِغارَكُم في هاتَينِ السّاعَتَينِ؛ فَإِنَّهُما ساعَتا غَفلَةٍ.[1]

۲۳۲۱ . الكافي عن سليمان الجعفري: سَمِعتُ أبَا الحَسَنِ ﷺ يَقولُ: إذا أمسَيتَ فَنَظَرتَ إلَى الشَّمسِ في غُروبٍ وإدبارٍ فَقُل: «بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ... وأعوذُ بِوَجهِ اللهِ الكَريمِ، وبِاسمِ اللهِ العَظيمِ، مِن شَرِّ ما بَرَأَ وذَرَأَ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرىٰ، ومِن شَرِّ ما بَطَنَ وظَهَرَ، ومِن شَرِّ ما وَصَفتُ وما لَم أصِف، وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ» ذَكَرَ أنَّها أمانٌ مِن كُلِّ سَبُعٍ، ومِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وذُرِّيَّتِهِ، وكُلِّ ما عَضَّ أو لَسَعَ، ولا يَخافُ صاحِبُها إذا تَكَلَّمَ بِها لِصّاً ولا غولاً[2].[3]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ كُلُّ صَباحٍ ومَساءٍ

۲۳۲۲ . رسول الله ﷺ: إذا أصبَحَ أحَدُكُم فَلْيَقُل: «أصبَحنا وأصبَحَ المُلكُ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ، اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا اليَومِ، فَتحَهُ ونَصرَهُ، ونورَهُ وبَرَكَتَهُ وهُداهُ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما فيهِ، وشَرِّ ما بَعدَهُ»، ثُمَّ إذا أمسىٰ فَلْيَقُل مِثلَ ذٰلِكَ.[4]

---

۱ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۵۰۱ ح ۱۴۴۰، الكافي: ج ۲ ص ۵۲۲ ح ۲ نحوه، عدّة الدّاعي: ص ۲۴۲، بحار الأنوار: ج ۶۳ ص ۲۵۷ ح ۱۲۷.

۲ . الغُولُ: جنس من الجِنّ والشياطين (النهاية: ج ۳ ص ۳۹۶ «غول»).

۳ . الكافي: ج ۲ ص ۵۶۹ ح ۴ و ص ۵۳۲ ح ۳۰ عن عبد الله بن إبراهيم الجعفري، المحاسن: ج ۲ ص ۱۱۸ ح ۱۳۲۴ كلاهما نحوه، عدّة الداعي: ص ۲۵۴، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۲۵۹ ح ۲۸.

۴ . سنن أبي داود: ج ۴ ص ۳۲۲ ح ۵۰۸۴، المعجم الكبير: ج ۳ ص ۲۹۶ ح ۳۴۵۳، مسند الشاميّين: ج ۲ ص ۴۴۷ ح ۱۶۷۵ كلّها عن أبي مالك الأشعري، كنز العمّال: ج ۲ ص ۱۳۸ ح ۳۴۹۴.

که خورشید غروب می‌کند تا ناپدید شدن شفق، سپاهیان شب را [همه سو] می‌پراکند، و از طلوع سپیده تا طلوع خورشید، سپاهیان روز را [همه سو] می‌پراکند».

و فرمود که پیامبر خدا می‌فرمود: «در این دو وقت، خداوندﷻ را بسیار یاد کنید و از گزند ابلیس و سپاهیانش، به خدایﷻ پناه ببرید، و در این دو وقت، کودکان خود را در پناه خدا در آورید؛ چرا که این دو وقت، اوقات غفلت‌اند».

۲۳۲۱ . **الکافی** ـ به نقل از سلیمان جعفری ـ: از ابو الحسنؑ[1] شنیدم که می‌فرماید: «چون هنگام شب رسید و خورشید را در حال غروب کردن و رفتن دیدی، بگو: "به نام خدا و به [یاری] خدا... و به روی بزرگوار خدا و به نام خدای بزرگ، پناه می‌برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده است، و از گزند آنچه زیر خاک است، و از گزند آنچه پنهان و آشکار است، و از گزند آنچه یاد کردم و یاد نکردم، و ستایش، از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است"».

فرمود: «این دعا، ایمن می‌دارد از هر درنده و از شیطانِ رانده‌شده و فرزندان او، و از هر جانور گاز گیرنده یا گزنده، و گویندهٔ این دعا، هر گاه آن را خواند، از دزد و دیو نترسد [که دیگر از آنان گزند نمی‌یابد]».

ب ـ هر بام و شام

۲۳۲۲ . **پیامبر خداﷺ**: هر یک از شما چون صبح می‌کند، بگوید: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آنِ خدا، پروردگار جهانیان، است. بار خدایا! خوبیِ این روز و گشایش و فیروزی و روشنایی و برکت و هدایت آن را از تو درخواست می‌کنم و از شرّ آنچه در این روز است و از شرّ روزهای پس از آن، به تو پناه می‌برم». شب که شد نیز همین را بگوید.

---

۱. ظاهراً مقصود، امام رضا است.

۲۳۲۳ . **المعجم الكبير عن البراء بن عازب:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَقولُ إذا أصبَحَ وأمسىٰ: أصبَحنا وأصبَحَ المُلكُ لِلّهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ. اللّٰهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ خَيرَ هٰذَا اليَومِ وخَيرَ ما بَعدَهُ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ هٰذَا اليَومِ وشَرِّ ما بَعدَهُ. اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وسوءِ الكِبَرِ[1]، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ النّارِ.[2]

۲۳۲۴ . **صحيح مسلم عن عبد الله [بن مسعود]:** كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا أمسىٰ قالَ: أمسَينا وأمسَى المُلكُ لِلّهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ. اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن خَيرِ هٰذِهِ اللَّيلَةِ وخَيرِ ما فيها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالهَرَمِ، وسوءِ الكِبَرِ، وفِتنَةِ الدُّنيا، وعَذابِ القَبرِ.[3]

۲۳۲۵ . **مسند أبي يعلى عن أنس:** إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ يَدعو بِهٰذِهِ الدَّعَواتِ إذا أصبَحَ وإذا أمسىٰ: «اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن فَجأَةِ الخَيرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فَجأَةِ الشَّرِّ»، فَإِنَّ العَبدَ لا يدري ما يَفجَؤُهُ إذا أصبَحَ وإذا أمسىٰ.[4]

۲۳۲۶ . **رسول الله ﷺ** ـ فيما يُقالُ عِندَ الصَّباحِ وَالمَساءِ ـ: اللّٰهُمَّ... فَإِنّا نَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ أنفُسِنا، ومِن شَرِّ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وشِركِهِ، وأن نَقتَرِفَ سوءاً عَلىٰ أنفُسِنا، أو نَجُرَّهُ إلىٰ مُسلِمٍ.[5]

---

۱ . الكِبَرُ في السِّنّ، وقد كَبِرَ الرجلُ كِبَراً: أي أسَنَّ (الصحاح: ج ۲ ص ۸۰۱ «كبر»).

۲ . المعجم الكبير: ج ۲ ص ۲۴ ح ۱۱۷۰، كنز العمّال: ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۳۵۷۲.

۳ . صحيح مسلم: ج ۴ ص ۲۰۸۹ ح ۷۶، سنن الترمذي: ج ۵ ص ۴۶۶ ح ۳۳۹۰، السنن الكبرى للنسائي: ج ۶ ص ۱۴۸ ح ۱۰۴۰۸ كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ۷ ص ۴۰ ح ۳، مسند أبي يعلى: ج ۵ ص ۲۵ ح ۴۹۹۳، كنز العمّال: ج ۲ ص ۶۳۳ ح ۴۹۴۹.

۴ . مسند أبي يعلى: ج ۳ ص ۳۶۰ ح ۳۳۵۸، كنز العمّال: ج ۷ ص ۷۱ ح ۱۸۰۱۰.

۵ . سنن أبي داوود: ج ۴ ص ۳۲۲ ح ۵۰۸۳ عن أبي مالك و ص ۳۱۷ ح ۵۰۶۷، سنن الترمذي: ج ۵ ص ۵۴۲ ح ۳۵۲۹، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۳۹ ح ۸۱، الأدب المفرد: ص ۳۵۲ ح ۱۲۰۴ كلّها عن أبي بكر نحوه، كنز العمّال: ج ۲ ص ۶۳۴ ح ۴۹۵۰.

۲۳۲۳ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از براء بن عازب ـ: پیامبر خدا هر صبح و شام می‌گفت: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آنِ خداست و ستایش، از آنِ خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی انباز. بار خدایا! خوبیِ این روز و خوبیِ پس از آن را از تو می‌خواهیم و از بدی این روز و بدی پس از آن، به تو پناه می‌بریم. بار خدایا! از تنبلی و بدیِ (عوارضِ) پیری، به تو پناه می‌برم و از عذاب آتش، به تو پناه می‌آورم».

۲۳۲۴ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از عبد الله [بن مسعود] ـ: پیامبر خدا، هر گاه شب‌هنگام می‌رسید، می‌فرمود: «به شب در آمدیم، در حالی که پادشاهی، از آنِ خداست. ستایش، از آنِ خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی‌انباز.

بار خدایا! خوبیِ این شب و خوبیِ آنچه را در آن است، از تو درخواست می‌کنم و از بدی این شب و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از سستی و پیری، و بدی سال خوردگی و فریبندگی دنیا و عذاب قبر، به تو پناه می‌آورم».

۲۳۲۵ . **مسند أبی یعلی** ـ به نقل از أنَس ـ: پیامبر خدا هر صبح و شام، این دعاها را می‌خواند: «بار خدایا! غافلگیریِ خیر را از تو درخواست می‌کنم و از غافلگیریِ شر، به تو پناه می‌برم»؛ چرا که بنده نمی‌داند چون صبح کرد یا به شب در آمد، چه چیزی او را غافلگیر خواهد کرد».

۲۳۲۶ . **پیامبر خدا ﷺ** ـ در دعایی که هر صبح و شام گفته می‌شود ـ: بار خدایا!... به تو پناه می‌بریم از شرّ نفعمان و از شرّ شیطانِ رانده‌شده و شریک شدنش [در اموال و اولادمان]، و از این که مرتکب بدی نسبت به خود شویم، یا آن (بدی) را به سوی مسلمانی بکشانیم.

٢٣٢٧ . سنن أبي داوود عن ابن عمر: لَم يَكُن رَسولُ اللهِ ﷺ يَدَعُ هٰؤُلاءِ الدَّعَواتِ حينَ يُمسي وحينَ يُصبِحُ: ... اللّٰهُمَّ احفَظني مِن بَينِ يَدَيَّ ومِن خَلفي، وعَن يَميني وعَن شِمالي ومِن فَوقي، وأعوذُ بِعَظَمَتِكَ أن أُغتالَ مِن تَحتي ـ يَعنِي الخَسفَ ـ.[١]

٢٣٢٨ . رسول الله ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ: «رَبِّيَ اللهُ لا إلٰهَ إلّا هُوَ... أعوذُ بِاللهِ الَّذي يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلّا بِإِذنِهِ، مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ» لَم يُصِبهُ في نَفسِهِ ولا أهلِهِ ولا مالِهِ شَيءٌ يَكرَهُهُ.[٢]

٢٣٢٩ . عنه ﷺ: مَن قالَ حينَ يُصبِحُ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «أعوذُ بِاللهِ السَّميعِ العَليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»، وقَرَأَ ثَلاثَ آياتٍ مِن آخِرِ سورَةِ الحَشرِ، وَكَّلَ اللهُ بِهِ سَبعينَ أَلفَ مَلَكٍ، يُصَلّونَ عَلَيهِ حَتّىٰ يُمسِيَ، وإن ماتَ في ذٰلِكَ اليَومِ ماتَ شَهيداً. ومَن قالَها حينَ يُمسي، كانَ بِتِلكَ المَنزِلَةِ.[٣]

٢٣٣٠ . الإمام الصادق ﷺ: إنَّ عَلِيّاً صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ وآلِهِ، كانَ يَقولُ إذا أصبَحَ: «سُبحانَ اللهِ المَلِكِ القُدّوسِ» ثَلاثاً، «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ، ومِن تَحويلِ عافِيَتِكَ، ومِن فَجأَةِ نَقِمَتِكَ، ومِن دَركِ الشَّقاءِ، ومِن شَرِّ ما سَبَقَ فِي اللَّيلِ...».[٤]

٢٣٣١ . عنه ﷺ: إذا أصبَحتَ فَقُل: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ وذَرَأتَ

---

١ . سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣١٩ ح ٥٠٧٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٤٦ ح ١٠٤٠١ وليس فيه صدره، الأدب المفرد: ص ٣٥١ ح ١٢٠٠، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٤١ ح ٩٦١، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٩٨ ح ١٩٠٢، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٣٦ ح ٤٩٥٧.

٢ . كنز العمّال: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٣٥٧٣ نقلاً عن ابن السني عن أبي الدرداء.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ١٨٢ ح ٢٩٢٢، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢٨٧ ح ٢٠٣٢٨، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٢٢٩ ح ٥٣٧، تهذيب الكمال: ج ٢٩ ص ٢٩٥ كلّها عن معقل بن يسار، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٣٨ ح ٣٤٩١؛ جامع الأخبار: ص ١٢٨ ح ٢٤٩ نحوه.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٦ عن عبد الله بن ميمون و ص ٥٣٢ ح ٣٠ عن عبد الله بن إبراهيم الجعفري عن الإمام الكاظم ﷺ، المصباح للكفعمي: ص ١١٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ وفيهما «الكتاب» بدل «الليل»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٣ ح ٤٦.

۲۳۲۷ . **سنن أبی داوود** ـ به نقل از ابن عمر ـ: پیامبر خدا هر شام و بام، این دعاها را می‌خواند: ... «بار خدایا! مرا از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالای سرم محافظت فرما. به تو پناه می‌برم که از زیر پایم، ناگهان هلاک شوم». مقصود ایشان، فرو رفتن در کام زمین بود .

۲۳۲۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هنگامی که صبح می‌کند، بگوید: «پروردگار من، خداست. معبودی جز او نیست.... به خدایی که نمی‌گذارد آسمان بر زمین افتد (مگر به اذن او)، پناه می‌برم از گزند هر جنبنده‌ای که مهارش در دست توست. به راستی که پروردگار من، بر راه راست است»، پیشامد ناگواری برای خودش و خانواده‌اش و اموالش نمی‌افتد.

۲۳۲۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر کس هنگامی که صبح خود را آغاز می‌کند، سه مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از شیطان رانده‌شده» و سه آیهٔ پایانی سورهٔ حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می‌گمارد که تا شب بر او درود بفرستند، و اگر در آن روز بمیرد، شهید مرده است. و هر کس شب‌هنگام اینها را بگوید، همین وضع را دارد.

۲۳۳۰ . **امام صادق**ؑ: علیؑ ـ که درودهای خدا بر او باد ـ هرگاه صبح خود را آغاز می‌کرد، می‌گفت: «پاکا خدا، آن پادشاه مقدّس! (سه مرتبه). بار خدایا! به تو پناه می‌برم از زوال یافتن نعمتت، و از بین رفتن عافیتت، و فرود آمدن ناگهانی کیفرت، و دامنگیر شدن بدبختی. و از شرّ آنچه در شب گذشت...».

۲۳۳۱ . **امام صادق**ؑ: چون صبح کردی، بگو: «بار خدایا! پناه می‌برم به تو از شرّ آنچه در شهرهایت و بندگانت آفریدی و پدید آوردی و ایجاد کردی. بار خدایا! به

وبَرَأتَ في بِلادِكَ وعِبادِكَ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِجَلالِكَ وجَمالِكَ، وحِلمِكَ وكَرَمِكَ، كَذا وكَذا.[۱]

۲۳۳۲ . عنه ﷺ: تَقولُ إذا أصبَحتَ وأمسَيتَ: اللّهُمَّ بِكَ نُمسي وبِكَ نُصبِحُ، وبِك نَحيا وبِكَ نَموتُ وإلَيكَ نَصيرُ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أذِلَّ أو أُذَلَّ، أو أضِلَّ أو أُضَلَّ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيَّ.[۲]

۲۳۳۳ . رسول الله ﷺ ـ فيما يُقالُ كُلَّ يَومٍ عِندَ الصَّباحِ ـ: أعوذُ بِكَ اللّهُمَّ أن أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أعتَدِيَ أو يُعتَدىٰ عَلَيَّ، أو أكتَسِبَ خَطيئَةً مُحبِطَةً[۳] أو ذَنباً لا يُغفَرُ.[۴]

ج ـ كُلَّ يَومٍ

۲۳۳۴ . رسول الله ﷺ: تَقولُ كُلَّ يَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُشرِكَ وأنَا أعلَمُ، وأستَغفِرُكَ لِما لا أعلَمُ.[۵]

۲۳۳۵ . عنه ﷺ: ما مِن عَبدٍ يَقولُ كُلَّ يَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ: «أسألُ اللهَ الجَنَّةَ، وأعوذُ بِهِ مِنَ النّارِ» إلّا قالَتِ النّارُ: يا رَبِّ أعِذهُ مِنّي.[۶]

---

۱ . الكافي: ج ۲ ص ۵۲۷ ح ۱۵ عن عيسى بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۲۹۲ ح ۵۳.

۲ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۹۸۲ عن عمّار بن موسى، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۲۸۷ ح ۴۸.

۳ . حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطَلَ ثَوابُه (الصحاح: ج ۳ ص ۱۱۱۸ «حبط»).

۴ . مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۱۵۷ ح ۲۱۷۲۴، المستدرك على الصحيحين: ج ۱ ص ۶۹۷ ح ۱۹۰۰ وليس فيه «محبطة»، المعجم الكبير: ج ۵ ص ۱۱۹ ح ۴۸۰۳ وفيه «مخطئة» بدل «محبطة»، مسند الشاميّين: ج ۲ ص ۳۵۲ ح ۱۴۸۱ وفيه «محيطة» بدل «محبطة» وكلّها عن زيد بن ثابت.

۵ . مسند أبي يعلى: ج ۱ ص ۶۱ ح ۵۴ و ص ۶۲ ح ۵۵، تفسير ابن كثير: ج ۴ ص ۳۴۴ كلّها عن أبي بكر، الأدب المفرد: ص ۲۱۴ ح ۷۱۶ عن معقل بن يسار وليس فيها صدره، كنز العمّال: ج ۳ ص ۴۷۶ ح ۷۵۰۳.

۶ . الدعوات: ص ۳۹ ح ۹۶ عن ربيعة، الأمالي للصدوق: ص ۱۵۸ ح ۱۵۳ عن زيد الشّحام، روضة الواعظين: ص ۳۵۷ كلاهما عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۹۷ ح ۵.

حقّ شکوهمندی و زیبایی‌ات، و بردباری و بزرگواری‌ات، فلان و بهمان چیز را از تو درخواست می‌کنم».

۲۳۳۲ . **امام صادق**ﷺ: هر صبحگاه و شبانگاه می‌گویی: «بار خدایا! به کمک تو، شب خود را آغاز می‌کنیم و به کمک تو، صبح خویش را آغاز می‌کنیم، و به کمک تو، زندگی می‌کنیم و به واسطهٔ تو می‌میریم و به سوی تو ره سپاریم. به تو پناه می‌برم از این که خوار شوم یا خوارم کنند، گم راه شوم یا گم راهم کنند، ستم کنم یا یا به من ستم شود و نادانی کنم یا به من نادانی [و جسارت] شود».

۲۳۳۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعایی که هر صبحگاه خوانده می‌شود ـ: به تو پناه می‌برم ـ ای خدا ـ از این که ستم کنم یا بر من ستم شود، تعدّی کنم یا بر من تعدّی شود، و خطایی بر باد دهندهٔ اعمال یا گناهی نابخشودنی مرتکب شوم.

ج ـ هر روز

۲۳۳۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر روز، سه بار می‌گویی: «بار خدایا! من به تو پناه می‌برم که دانسته شرک ورزم، و از شرک‌ورزیِ ندانسته هم از تو آمرزش می‌طلبم».

۲۳۳۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر بنده‌ای که روزی هفت مرتبه بگوید: «از خداوند، بهشت می‌طلبم و از آتش، به او پناه می‌برم»، آتش می‌گوید: پروردگارا! او را از من، در پناه خویش دار.

د ـ يَومُ الجُمُعَةِ

٢٣٣٦ . رسول الله ﷺ ـ في بَيانِ فَضلِ يَومِ الجُمُعَةِ ـ : اليَومُ المَوعودُ يَومُ القِيامَةِ، وَاليَومُ المَشهودُ يَومُ عَرَفَةَ، وَالشّاهِدُ يَومُ الجُمُعَةِ، وما طَلَعَتِ الشَّمسُ ولا غَرَبَت عَلىٰ يَومٍ أفضَلَ مِنهُ، فيهِ ساعَةٌ لا يُوافِقُها عَبدٌ مُؤمِنٌ يَدعُو اللهَ بِخَيرٍ إلّا استَجابَ اللهُ لَهُ، ولا يَستَعيذُ مِن شَرٍّ إلّا أعاذَهُ اللهُ مِنهُ.[١]

٢٣٣٧ . عنه ﷺ: إنَّ جَبرَئيلَ أتاني ... قالَ: هٰذِهِ الجُمُعَةُ ... لَكُم فيها ساعَةٌ لا يُوافِقُها عَبدٌ مُسلِمٌ يَسأَلُ اللهَ مَسأَلَةً فيها وهِيَ لَهُ قِسمٌ فِي الدُّنيا إلّا أعطاها، وإن لَم يَكُن لَهُ قِسمٌ فِي الدُّنيا ذُخِرَت لَهُ فِي الآخِرَةِ أفضَلَ مِنها، وإن تَعَوَّذَ بِاللهِ مِن شَرِّ ما هُوَ عَلَيهِ مَكتوبٌ صَرَفَ اللهُ عَنهُ ما هُوَ أعظَمُ مِنهُ.[٢]

هـ ـ لَيلَةُ السَّبتِ

٢٣٣٨ . الإمام الصادق ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في لَيلَةِ السَّبتِ بَعدَما صَلّىٰ ما شاءَ ـ : يا رَبِّ، أعوذُ بِكَ في هٰذِهِ اللَّيلَةِ وفي هٰذَا اليَومِ، مِن كُلِّ سوءٍ فَأَعِذني، وأستَجيرُ بِكَ فَأَجِرني، وأستَتِرُ بِكَ مِن شَرِّ خَلقِكَ فَاستُرني، وأستَغفِرُكَ مِن ذُنوبي فَاغفِر لي، إنَّهُ لا يَغفِرُ العَظيمَ إلّا العَظيمُ، وأنتَ العَظيمُ العَظيمُ العَظيمُ، أعظَمُ مِن كُلِّ عَظيمٍ.[٣]

و ـ يَومُ الإثنَينِ

٢٣٣٩ . الإمام زين العابدين ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ الإثنَينِ ـ : اللّٰهُمَّ اجعَل أوَّلَ يَومي هٰذا

---

١ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٣٦ ح ٣٣٣٩، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ١٨ ح ١٠٨٧ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٣ ح ٢٩٤٠.

٢ . جامع الأحاديث للقمّي: ص ١٤٦ عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٨٠ ح ٢٧؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٢ ص ٥٨ ح ١٠ عن أنس نحوه، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧١٤ ح ٢١٠٦٣.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٤٢٣ ح ٥٤٢، جمال الأسبوع: ص ١١١، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٣٠ ح ٤٥.

د ـ روز جمعه

۲۳۳۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در بیان فضیلت روز جمعه ـ: روز موعود، روز رستاخیز است روز مشهور، روز عرفه است و شاهد، روز جمعه است. خورشید به هیچ روزی، طلوع و غروب نکرده است که برتر از این روز (جمعه) باشد. در این روز، ساعتی است که هر بندهٔ مؤمنی آن را در یابد و در آن ساعت به درگاه خداوند دعای خیر کند، حتماً دعایش مستجاب می‌شود و از هر شرّی به خدا پناه برد، حتماً خداوند او را از آن شر در پناه خود می‌گیرد.

۲۳۳۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: جبرئیل نزد من آمد ... و گفت: این جمعه ... ساعتی در آن است که هر بندهٔ مسلمانی آن را در یابد و در آن ساعت از خدا درخواستی کند و آن خواسته در دنیا قسمتش شده باشد، حتماً آن را به او عطا می‌کند، و اگر در دنیا قسمتش نشده باشد، بهتر از آن برای آخرتش ذخیره می‌شود، و اگر از شرّ آنچه برایش نوشته [و مقدّر] شده است، به خدا پناه برد، خداوند شرّی بدتر از آن را از او می‌گرداند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

هـ ـ شب شنبه

۲۳۳۸ . **امام صادق**ؑ ـ از دعای ایشان در شب شنبه بعد از گزاردن قدری نماز ـ: ای پروردگار من! در این شب و در این روز، از هر بدی، به تو پناه می‌برم. پس پناهم ده. و از تو حمایت می‌جویم. پس مرا در حمایت خویش گیر. و از شرّ آفریدگانت، خویشتن را در پوشش تو در می‌آورم. پس مرا پوشش ده. و از گناهانم از تو آمرزش می‌طلبم. پس مرا بیامرز، که [گناه] بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمرزد، و تو بزرگ و بزرگ و بزرگی، بزرگ‌تر از هر بزرگی.

و ـ روز دوشنبه

۲۳۳۹ . **امام زین العابدین**ؑ ـ از دعای ایشان در روز دوشنبه ـ: بار خدایا! آغاز امروزم را

صَلاحاً، وأوسَطَهُ فَلاحاً، وآخِرَهُ نَجاحاً، وأعوذُ بِكَ مِن يَومٍ أَوَّلُهُ فَزَعٌ[١]، وأوسَطُهُ جَزَعٌ[٢]، وآخِرُهُ وَجَعٌ.[٣]

ز ـ شَهرُ رَمَضانَ

٢٣٣٠ . **الإمام الصادق**ﷺ ـ مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ في كُلِّ لَيلَةٍ مِنَ العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ـ: إلٰهي، وأعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ، وبِجَلالِكَ العَظيمِ، أن تَنقَضِيَ أيّامُ شَهرِ رَمَضانَ ولَياليهِ، ولَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ أو ذَنبٌ تُؤاخِذُني بِهِ، أو خَطيئَةٌ تُريدُ أن تَقتَصَّها مِنّي لَم تَغفِرها لي.[٤]

٢٣٣١ . **عنه**ﷺ: تَقولُ فِي العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ في كُلِّ لَيلَةٍ: أعوذُ بِجَلالِ وَجهِكَ الكَريمِ أن يَنقَضِيَ عَنّي شَهرُ رَمَضانَ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتي هٰذِهِ، ولَكَ قِبَلي ذَنبٌ أو تَبِعَةٌ تُعَذِّبُني عَلَيهِ.[٥]

٢٣٣٢ . **عنه**ﷺ: مَن وَدَّعَ شَهرَ رَمَضانَ في آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ، وقالَ: «اللّٰهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِيامي لِشَهرِ رَمَضانَ، وأعوذُ بِكَ أن يَطلُعَ فَجرُ هٰذِهِ اللَّيلَةِ، إلّا وقَد غَفَرتَ لي» غَفَرَ اللهُ تَعالىٰ لَهُ قَبلَ أن يُصبِحَ، ورَزَقَهُ الإِنابَةَ إلَيهِ.[٦]

٢٣٣٣ . **عنه**ﷺ: إذا كانَت آخِرُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَقُل: اللّٰهُمَّ هٰذا شَهرُ رَمَضانَ

---

١. الفَزَعُ: الذُّعر (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٥٨ «فزع»).

٢. الجَزَعُ: الحُزنُ والخَوفُ (النهاية: ج ١ ص ٢٦٩ «جزع»).

٣. البلد الأمين: ص ١١٧، مصباح المتهجّد: ص ٢١٩، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢١٧٢ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادقﷺ، المصباح للكفعمي: ص ١٥٨، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٧٧ ح ١٩.

٤. الإقبال: ج ١ ص ٣٦٤ عن مرازم، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٥٥.

٥. الكافي: ج ٤ ص ١٦٠ ح ١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٦١ ح ٢٠٣٢، الإقبال: ج ١ ص ٣٦٥ كلاهما عن ابن أبي عمير، المقنعة: ص ١٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيتﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٥٦.

٦. الإقبال: ج ١ ص ٤٣٦ عن أبي محمّد هارون بن موسى التلعكبري، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٨١ ح ٢.

درستی، و میانش را رستگاری، و پایانش را کامیابی قرار ده. و به تو پناه می‌برم از روزی که آغازش هراس باشد، و میانش بی‌تابی، و پایانش درد.

ز ـ ماه رمضان

۲۳۴۰ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعای ایشان که در هر شب دههٔ آخر ماه رمضان می‌خواند ـ: معبودا! به روی گرامی تو، و به شُکوه سترگت پناه می‌برم از این که روزها و شب‌های رمضان بگذرد و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی، یا خطایی کرده باشم که بخواهی تقاص آن را از من بگیری و آن را بر من نبخشوده باشی.

۲۳۴۱ . **امام صادق**ﷺ: در دههٔ آخر ماه رمضان، هر شب می‌گویی: «به شُکوه روی گرامی تو، پناه می‌برم از این که ماه رمضان بر من سپری شود یا سپیدهٔ این شب طلوع کند و در حقّ تو، گناهی یا بدی کرده باشم که مرا به سبب آن عذاب کنی».

۲۳۴۲ . **امام صادق**ﷺ: هر کس با ماه رمضان در آخرین شب آن وداع کند و بگوید: «بار خدایا! این ماه را آخرین ماه رمضان عمر من قرار مده، و به تو پناه می‌برم از این که سپیدهٔ این شب بدمد و مرا نیامرزیده باشی»، خداوند متعال، پیش از آن که صبح کند، او را می‌آمرزد و بازگشت به سویش را روزیِ او می‌کند.

۲۳۴۳ . **امام صادق**ﷺ: چون آخرین شب ماه رمضان شد، بگو: «بار خدایا! اینک ماه

الَّذي أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وقَد تَصَرَّمَ[۱]، وأعـوذُ بِـوَجهِكَ الكَـريمِ يـا رَبِّ، أن يَـطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتي هٰذِهِ، أو يَتَصَرَّمَ شَهرُ رَمَضانَ، ولَكَ قِـبَلي تَـبِعَةٌ أو ذَنبٌ تُـريدُ أن تُعَذِّبَني بِهِ يَومَ ألقاكَ.[۲]

۲۳۳۴ . رسول اللهﷺ ـ في فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: أيُّهَا النّاسُ... لا غِنىٰ بِكُم عَن أربَعِ خِصالٍ، خَصلَتَينِ تُرضونَ اللهَ بِهِما، وخَصلَتَينِ لا غِنىٰ بِكُم عَنهُما... وأمَّا اللَّتانِ لا غِنىٰ بِكُم عَنهُما: فَتَسأَلونَ اللهَ فيهِ حَوائِجَكُم وَالجَنَّةَ، وتَسأَلونَ العافِيَةَ، وتَعوذونَ بِهِ مِنَ النّارِ.[۳]

۲۳۳۵ . الإمام الصادقؑ ـ في قَولِهِ تَعالىٰ: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾[۴] ـ: هِيَ لَيلَةُ القَدرِ... وهِيَ فِي العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ، فَمَن أدرَكَـها ـ أوقـالَ شَـهِدَها ـ عِـندَ قَـبرِ الحُسَينِؑ، يُصَلّي عِندَهُ رَكعَتَينِ أو ما تَيَسَّرَ لَهُ، وسَأَلَ اللهَ تَعالَى الجَنَّةَ، وَاستَعاذَ بِهِ مِنَ النّارِ، آتاهُ اللهُ تَعالىٰ ما سَأَلَ، وأعاذَهُ مِمّا استَعاذَ مِنهُ.[۵]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ح ـ يَومُ عَرَفَةَ

۲۳۳۶ . الإمام الصادقؑ: قالَ رَسولُ اللهِﷺ لِعَلِيٍّؑ: ألا أُعَلِّمُكَ دُعاءَ يَومِ عَرَفَةَ، وهُوَ دُعاءُ مَن كانَ قَبلي مِنَ الأَنبِياءِؑ؟

---

۱. تَصَرَّمَ: ذَهَبَ (المصباح المنير: ص ۳۳۹ «صرم»).

۲. الكافي: ج ۴ ص ۱۶۴ ح ۵ عن عمّار بن موسى، الإقبال: ج ۱ ص ۴۴۷ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيتؑ.

۳. الكافي: ج ۴ ص ۶۷ ح ۴، تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۵۹ ح ۱۹۸ و ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۴۲۳، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۹۵ ح ۱۸۳۱، الخصال: ص ۲۵۹ ح ۱۳۵، ثواب الأعمال: ص ۹۰ ح ۷ كلّها عن أبي الورد عن الإمام الباقرؑ، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۳۵۹ ح ۲۶؛ صحيح ابن خزيمة: ج ۳ ص ۱۹۱ ح ۱۸۸۷ عن سلمان نحوه، كنز العمّال: ج ۸ ص ۵۸۴ ح ۲۴۲۷۶.

۴. الدخان: ۴.

۵. الإقبال: ج ۱ ص ۳۸۳ عن زيد بن أبي أُسامة، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۶۶ و ج ۱۰۱ ص ۹۹ ح ۳۰.

رمضان ـ که قرآن را در آن فرو فرستادی ـ، در آستانهٔ رفتن است. به روی گرامی تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ از این که سپیدهٔ این شب بدمد یا ماه رمضان سپری شود و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم و تو بخواهی در آن روزی که دیدارت می‌کنم، به سبب آن عذابم کنی».

۲۳۴۴. **پیامبر خدا**ﷺ ـ در فضیلت ماه رمضان ـ: ای مردم!... شما از چهار چیز، بی‌نیاز نیستید: با دو چیز، خدا را خشنود می‌سازید و به دو چیز هم نیازمندید.... آن دو چیزی که حتماً به آن نیاز دارید، این است که در این ماه، حاجت‌هایتان و بهشت را از خدا بخواهید و عافیت را از خدا بخواهید و از آتش، به او پناه ببرید».

۲۳۴۵. **امام صادق**ؑ ـ در بارهٔ این سخن خدای متعال: ﴿در آن شب، هر [گونه] کاری [به گونه‌ای] استوار، فیصله می‌یابد﴾ ـ: مقصود، شب قدر است... و این شب، در دههٔ آخر ماه رمضان قرار دارد. پس، هر که در کنار قبر حسینؑ این شب را درک کند (یا: شاهد آن باشد) و آن جا دو رکعت، یا هر اندازه توانست، نماز بخواند و از خدای متعال بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه برد، خدای متعال آنچه را خواسته است، به او می‌دهد و او را از آنچه پناه جسته است، پناه می‌دهد.

ح ـ روز عرفه

۲۳۴۶. **امام صادق**ؑ: پیامبر خدا به علیؑ فرمود: «آیا دعای روز عرفه را که دعای پیامبرانِ پیش از من بوده است، به تو نیاموزم؟ می‌گویی: "معبودی جز خدای یگانه و

قالَ: تَقولُ: لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ... اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ، ومِن وَساوِسِ الصُّدورِ، ومِن شَتاتِ الأَمرِ، ومِن عَذابِ القَبرِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَ الرِّياحِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما تَجيءُ بِهِ الرِّياحُ، وأسألُكَ خَيرَ اللَّيلِ وخَيرَ النَّهارِ.[١]

ط ـ يَومُ القِتالِ

٢٣٣٧. رسول الله ﷺ ـ مِن دُعائِهِ يَومَ أُحُدٍ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ النَّعيمَ المُقيمَ الَّذي لا يَحولُ[٢] ولا يَزولُ، اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ النَّعيمَ يَومَ العَيلَةِ[٣]، وَالأَمنَ يَومَ الخَوفِ، اللّٰهُمَّ [إنّي][٤] عائِذٌ بِكَ مِن شَرِّ ما أعطَيتَنا وشَرِّ ما مَنَعتَنا، اللّٰهُمَّ حَبِّب إلَينَا الإيمانَ وزَيِّنهُ في قُلوبِنا.[٥]

٢٣٣٨. عنه ﷺ ـ في دُعائِهِ يَومَ الأَحزابِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِنورِ قُدسِكَ، وعَظَمَةِ طَهارَتِكَ، وبَرَكَةِ جَلالِكَ، مِن كُلِّ آفَةٍ وعاهَةٍ.[٦]

٢٣٣٩. الإمام عليّ عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ عِندَ القِتالِ ـ: اللّٰهُمَّ وأعوذُ بِكَ ـ عِندَ ذٰلِكَ ـ مِنَ الجُبنِ عِندَ مَوارِدِ الأَهوالِ، ومِنَ الضَّعفِ عِندَ مُساوَرَةِ[٧] الأَبطالِ، ومِنَ الذَّنبِ المُحبِطِ لِلأَعمالِ

---

١. تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٣ ح ٦١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٣١٣٥ عن معاوية بن عمّار نحوه، مصباح المتهجّد: ص ٦٨٨ ح ٧٧٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ٢ ص ٧٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٥ ح ٣؛ السنن الكبرى: ج ٥ ص ١٩٠ ح ٩٤٧٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٤ ص ٤٧٣ ح ٣ كلاهما عن عبد الله بن عبيدة عن الإمام عليّ عليه السلام.

٢. حَالَ يَحولُ: إذا تحرّك (النهاية: ج ١ ص ٤٦٣ «حول»).

٣. عالَ يَعيلُ عَيلَةً: إذا افتقر (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٠ «عيل»).

٤. ما بين المعقوفين أثبتناه من مسند ابن حنبل.

٥. السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٠٤٤٥، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٧٨ ح ١٥٤٩٢، الأدب المفرد: ص ٢٠٩ ح ٦٩٩ كلّها عن رفاعة الزرقي، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٦٨٧ ح ١٨٦٨ عن عبيد بن رفاعة بن رافع الزرقي عن أبيه و ج ٣ ص ٢٦ ح ٤٣٠٨ عن عبيد بن رافع الزرقي عن أبيه، كنز العمّال: ج ١٠ ص ٤٣٤ ح ٣٠٠٤٧.

٦. كنز العمّال: ج ١٠ ص ٤٥٣ ح ٣٠٠٩٦ نقلاً عن مسند ابن عمر.

٧. سَاوَرَهُ: واثَبَهُ (الصحاح: ج ٢ ص ٦٩٠ «سور»).

بی‌انباز نیست.... بار خدایا! از فقر، و از وسوسه‌های سینه‌ها، و از آشفتگی کارها، و از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! خوبیِ (برکت) بادها را از تو می‌خواهم، و از بدی آنچه بادها می‌آورند، به تو پناه می‌برم، و خوبیِ روز و خوبیِ شب را از تو درخواست می‌کنم"».

ط ـ روز جنگ

۲۳۴۷. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز اُحُد ـ: بار خدایا! آن نعمت ماندگاری را که جابه‌جایی و زوال نمی‌پذیرد، از تو درخواست می‌کنم. بار خدایا! نعمت را در روز نیازمندی، و امنیت و آرامش را در روز ترس، از تو درخواست می‌کنم. بار خدایا! از شرّ آنچه به ما داده‌ای و از شرّ آنچه از دادن آن خودداری کرده‌ای، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ایمان را محبوب ما بدار و آن را در [نگاه] دل‌های ما زیبا دار.

۲۳۴۸. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز احزاب ـ: بار خدایا! به نور قدس تو، و عظمت پاکی‌ات، و افزونی شُکوهت، پناه می‌برم از هر آسیب و معلولیتی.

۲۳۴۹. **امام علی**ؑ ـ از دعای ایشان در هنگام نبرد ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم ـ در این هنگام ـ از دچار ترس شدن در صحنه‌های هولناک، و از سست شدن در وقت یورش آوردن پهلوانان، و از گناهِ بر باد دهندهٔ اعمال [نیک] و در نتیجه، وا پس

فَأُحجِمَ مِن شَكٍّ، أو أمضِيَ[١] بِغَيرِ يَقينٍ، فَيَكونَ سَعيي في تَبابٍ[٢] وعَمَلي غَيرَ مَقبولٍ.[٣]

ي - عِندَ هُبوبِ الرِّياحِ العاصِفَةِ

٢٣٥٠ . رسول الله ﷺ: لا تَسُبُّوا الرّيحَ، وعوذوا بِاللهِ مِن شَرِّها.[٤]

٢٣٥١ . عنه ﷺ: لا تَسُبُّوا الرّيحَ، فَإِذا رَأَيتُم ما تَكرَهونَ فَقولوا: اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ مِن خَيرِ هٰذِهِ الرّيحِ وخَيرِ ما فيها، وخَيرِ ما اُمِرَت بِهِ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ هٰذِهِ الرّيحِ وشَرِّ ما فيها، وشَرِّ ما اُمِرَت بِهِ.[٥]

٢٣٥٢ . صحيح مسلم عن عائشة: كانَ النَّبِيُّ ﷺ إذا عَصَفَتِ الرّيحُ قالَ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَها وخَيرَ ما فيها وخَيرَ ما اُرسِلَت بِهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها وشَرِّ ما اُرسِلَت بِهِ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٣٥٣ . الدعاء للطبراني عن عثمان بن أبي العاص: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذَا اشتَدَّتِ الرّيحُ الشَّمالُ

---

١ . في المصدر: «مضى»، والتصويب من بحار الأنوار ووسائل الشيعة: ج ١٥ ص ١٣٧ ح ٢٠١٥٨.

٢ . التَّبابُ: الخُسران والهلاك (الصحاح: ج ١ ص ٩٠ «تبب»).

٣ . الكافي: ج ٥ ص ٤٦ ح ١ عن ابن القدّاح عن أبيه ميمون عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٥٢ ح ٦٦٤.

٤ . مسند الشافعي: ص ٨١ عن صفوان بن سُليم، كنز العمّال: ج ٧ ص ٨٣١ ح ٢١٥٨٤.

٥ . سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٢١ ح ٢٢٥٢، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٣٢ ح ١٠٧٧٠، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٣ ح ٢١١٩٦ وفيه «أرسلت» بدل «اُمرت» في كلا الموضعين، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٨٧ ح ١٦٧ نحوه وكلّها عن أبيّ بن كعب، كنز العمّال: ج ٣ ص ٦٠١ ح ٨١١٠.

٦ . صحيح مسلم: ج ٢ ص ٦١٦ ح ١٥، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٣ ح ٣٤٤٩، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٣٣ ح ١٠٧٧٦، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٠٣ ح ٦٤٦٣، كنز العمّال: ج ٧ ص ٧٥ ح ١٨٠٣٢.

نشستن از سر تردید [در حقّانیت راهمان]، یا در گذشتن بدون یقین، پس، کوششم تباه شود و عملم ناپذیرفته گردد.

ی ـ هنگام وزیدن تندبادها

۲۳۵۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: به باد، ناسزا مگویید و از گزند آن، به خدا پناه ببرید.

۲۳۵۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: به باد، ناسزا مگویید؛ بلکه هر گاه باد ناخوشایندی را دیدید، بگویید: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را در آن است و خیر آنچه را این باد بِدان مأمور است، از تو می‌خواهیم و از شرّ این باد و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه بِدان مأمور است، به تو پناه می‌بریم».

۲۳۵۲ . **صحیح مسلم** ـ به نقل از عایشه ـ: پیامبرﷺ هر گاه تندباد می‌وزید، می‌گفت: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه را که برای آن فرستاده شده است، از تو می‌خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم».

۲۳۵۳ . **الدعاء**، طبرانی ـ به نقل از عثمان بن ابی العاص ـ: پیامبر خدا در مواقعی که باد شمال شدّت می‌گرفت، می‌گفت: «بار خدایا! از شرّ آنچه این باد برای آن

قالَ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما أُرسِلَت بِهِ.[۱]

۲۳۵۴ . رسول اللهﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ الرّيحِ ومِن شَرِّ ما تَجيءُ بِهِ الرّيحُ، ومِن ريحِ الشِّمالِ فَإنَّها الرّيحُ العَقيمُ[۲].[۳]

۲۳۵۵ . المعجم الكبير عن ابن عبّاس: كانَ النَّبِيُّﷺ إذا هاجَت ريحٌ استَقبَلَها بِوَجهِهِ، وجَثا عَلىٰ رُكبَتَيهِ، ومَدَّ بِيَدَيهِ، وقالَ: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ هٰذِهِ الرّيحِ وخَيرَ ما أُرسِلَت بِهِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما أُرسِلَت بِهِ، اللّهُمَّ اجعَلها رَحمَةً ولا تَجعَلها عَذاباً، اللّهُمَّ اجعَلها رِياحاً[۴] ولا تَجعَلها ريحاً.[۵]

۲۳۵۶ . الإمام عليّؑ: الرّياحُ خَمسَةٌ، مِنهَا العَقيمُ، فَنَعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّها.[۶]

۲۳۵۷ . الإمام الباقرؑ: ما بَعَثَ اللهُ ريحاً إلّا رَحمَةً أو عَذاباً، فَإذا رَأَيتُموها فَقولوا: «اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ خَيرَها وخَيرَ ما أُرسِلَت لَهُ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما أُرسِلَت لَهُ»، وكَبِّروا، وَارفَعوا أصواتَكُم بِالتَّكبيرِ فَإنَّهُ يَكسِرُها.[۷]

۲۳۵۸ . الإمام الصادقؑ: إذا هَبَّتِ الرِّياحُ فَأكثِر مِنَ التَّكبيرِ، وقُل: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ خَيرَ ما

---

۱ . الدعاء للطبراني: ص ۳۰۱ ح ۹۷۰، المعجم الكبير: ج ۹ ص ۴۷ ح ۸۳۴۶، كنز العمّال: ج ۷ ص ۷۵ ح ۱۸۰۳۱.

۲ . ريحٌ عقيم: لا تُلقح سحاباً ولا شجراً (الصحاح: ج ۵ ص ۱۹۸۹ «عقم»).

۳ . المستدرك على الصحيحين: ج ۲ ص ۵۰۷ ح ۳۷۳۹ عن جابر، مسند أبي يعلى: ج ۳ ص ۵۵ ح ۲۴۶۳ عن ابن عبّاس وفيه «الرسل» بدل «الريح» في الموضع الثاني وليس فيه ذيله، كنز العمّال: ج ۷ ص ۸۳۱ ح ۲۱۵۸۲.

۴ . المواضع التي ذكر الله تعالى فيها إرسال الريح بلفظ الواحد فعبارة عن العذاب، وكلّ موضع ذكر فيه بلفظ الجمع فعبارة عن الرّحمة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۷۰ «روح»).

۵ . المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۱۷۰ ح ۱۱۵۳۳، الدعاء للطبراني: ص ۳۰۳ ح ۹۷۷ وليس فيه «ومدّ بيديه»، تاريخ بغداد: ج ۷ ص ۱۰۰، كنز العمّال: ج ۷ ص ۷۵ ح ۱۸۰۳۳.

۶ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۵۴۷ ح ۱۵۲۴، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۳۵۳ ح ۵.

۷ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۵۴۴ ح ۱۵۱۹، بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۶ ح ۲.

فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم».

۲۳۵۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو از شرّ باد و از شرّ آنچه باد آن را می‌آورد و [نیز] از باد شمال؛ چرا که بادی سترون[1] است.

۲۳۵۵ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبرﷺ هر گاه بادی بر می‌خاست، رو به سوی آن می‌کرد و زانو می‌زد و دستانش را به سوی آسمان بر می‌داشت و می‌گفت: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را برای آن فرستاده شده است، از تو می‌طلبم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! آن را رحمت قرار ده و آن را عذاب قرار مده. بار خدایا! آن را بادها[ی رحمت] قرار ده و باد [عذاب] قرارش مده.[2]

۲۳۵۶ . **امام علی**ؑ: بادها، پنج گونه‌اند که یکی از آنها سترون است. پس، از شرّ آنها به خدا پناه می‌بریم.

۲۳۵۷ . **امام باقر**ؑ: خداوندﷻ هر بادی را که می‌فرستد، یا رحمت است یا عذاب. پس هر گاه باد برخاست، بگویید: «بار خدایا! خیر آن را و خیر آنچه را که [این باد] برای آن فرستاده شده است، از تو می‌خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌بریم» و «الله أکبر» بگویید و صداهایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا این کار، باد را می‌شکند.

۲۳۵۸ . **امام صادق**ؑ: زمانی که بادها وزیدن می‌گیرند، بسیار تکبیر بگو و بگو: «بار خدایا! خیر آنچه را بادها برایش برخاسته و خیر آنچه را که در آن است، از تو

---

۱ . باد سترون گویند؛ چون نه ابری را بارور می‌کند و نه درختی را گلشن می‌سازد.

۲ . در قرآن، هر جا که خداوند متعال از فرستادن باد، به لفظ مفرد، یاد کرده، عذاب را بیان کرده است، و هر جا به صورت جمع (ریاح) آورده، رحمت را اراده کرده است (مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۷۰).

هاجَت بِهِ الرِّياحُ وخَيرَ ما فيها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها، اللّٰهُمَّ اجعَلها عَلَينا رَحمَةً وعَلَى الكافِرينَ عَذاباً، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ.[١]

ك ـ عِندَ سَماعِ صَوتِ بَعضِ الحَيَواناتِ

٢٣٥٩ . رسول الله ﷺ: إذا سَمِعتُم نُباحَ الكِلابِ ونَهيقَ الحُمُرِ بِاللَّيلِ، فَتَعَوَّذوا بِاللهِ، فَإِنَّهُنَّ يَرَينَ ما لا تَرَونَ.[٢]

٢٣٦٠ . عنه ﷺ: إذا سَمِعتُم نُباحَ الكَلبِ ونَهيقَ الحَميرِ، فَتَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، فَإِنَّهُم يَرَونَ ولا تَرَونَ، فَافعَلوا ما تُؤمَرونَ.[٣]

٢٣٦١ . عنه ﷺ: إيّاكُم وَالسَمَرَ[٤] بَعدَ العِشاءِ الآخِرَةِ، وإذا تَناهَقَتِ الحُمُرُ مِنَ اللَّيلِ، فَاستَعيذوا بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ.[٥]

٢٣٦٢ . عنه ﷺ: إذا سَمِعتُم صِياحَ الدِّيَكَةِ، فَاسأَلُوا اللهَ مِن فَضلِهِ؛ فَإِنَّها رَأَت مَلَكاً، وإذا سَمِعتُم نَهيقَ الحِمارِ، فَتَعَوَّذوا بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ؛ فَإِنَّهُ رَأىٰ شَيطاناً.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦٠ ح ٢٣٩٣، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٣٦ ح ١٩.

٢ . سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٢٧ ح ٥١٠٣، الأدب المفرد: ص ٣٦١ ح ١٢٣٤ و ص ٣٦٠ ح ١٢٣٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ١٣٠ ح ٢ كلّها عن جابر، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٠ ح ٦٢٢٧ عن أبي هريرة وزاد فيه «وصوت ديك» قبل «بالليل» وكلّها نحوه، تاريخ أصبهان: ج ١ ص ١٩٤ الرقم ٢٤١ عن أبي بكرة، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٤٢٠ ح ٤١٦٦١.

٣ . علل الشرايع: ص ٥٨٣ ح ٢٣ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٥ ص ٦٤ ح ٢١.

٤ . في بعض نسخ المصدر وكنز العمّال: «السهر» بدل «السمر». والسُّمَرُ: هو الحديث بالليل (النهاية: ج ٢ ص ٤٠٠ «سمر»).

٥ . المصنّف لعبد الرزّاق: ج ١ ص ٥٦٣ ح ٢١٣٩، حلية الأولياء: ج ٣ ص ٣١٥ عن عطاء من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه صدره، كنز العمّال: ج ٧ ص ٨٠٣ ح ٢١٤٨٣.

٦ . صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٢٠٢ ح ٣١٢٧، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٢ ح ٨٢، سنن أبي داود: ج ٤ ص ٣٢٧ ح ٥١٠٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٠٨ ح ٣٤٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٧٥ ح ٨٠٧٠ نحوه وكلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ١٢ ص ٣٣٣ ح ٣٥٢٧٢.

می‌خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! این باد را برای ما رحمت و برای کافران، عذاب گردان. درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد باد».

ک ـ هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران

۲۳۵۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: هرگاه عوعو سگان و عرعر خران را در شب شنیدید، به خدا پناه ببرید؛ زیرا اینها چیزهایی را می‌بینند که شما نمی‌بینید.

۲۳۶۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه عوعو سگ و عرعر خر را شنیدید، از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه ببرید؛ زیرا آنها می‌بینند و شما نمی‌بینید. پس دستوری را که به شما داده می‌شود، انجام دهید.

۲۳۶۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: از داستان‌سرایی در شب (شب‌نشینی) بعد از نماز خفتن بپرهیزید و هر گاه در شب، صدای عرعر خران بلند شد، از شیطان به خدا پناه ببرید.

۲۳۶۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بانگ خروس را شنیدید، خدای را از فضلش طلب کنید؛ چرا که آن خروس، فرشته‌ای را دیده است، و هر گاه عرعر الاغ را شنیدید، از شیطان به خدا پناه ببرید؛ چرا که آن الاغ، شیطانی را دیده است.

١٢/٥
تِلكَ الأَماكِن

أ ـ عَرَفاتُ

٢٣٦٣ . الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ رَسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وَقَفَ بِعَرَفاتٍ، فَلَمّا هَمَّتِ الشَّمسُ أن تَغيبَ قَبلَ أن تَندَفِعَ[١] قالَ[٢]:

اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ ومِن تَشَتُّتِ الأَمرِ، ومِن شَرِّ ما يَحدُثُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ، أمسىٰ ظُلمي مُستَجيراً بِعَفوِكَ، وأمسىٰ خَوفي مُستَجيراً بِأَمانِكَ، وأمسىٰ ذُلّي مُستَجيراً بِعِزِّكَ، وأمسىٰ وَجهِيَ الفاني مُستَجيراً بِوَجهِكَ الباقي، يا خَيرَ مَن سُئِلَ، ويا أجوَدَ مَن أعطىٰ، جَلِّلني بِرَحمَتِكَ، وألبِسني عافِيَتَكَ، وَاصرِف عَنّي شَرَّ جَميعِ خَلقِكَ.[٣]

٢٣٦٤ . عنه عليه السلام: إذا وَقَفتَ بِعَرَفاتٍ، فَاحمَدِ اللهَ وهَلِّلهُ، ومَجِّدهُ وأثنِ عَلَيهِ، وكَبِّرهُ مِئَةَ تَكبيرَةٍ، وَاقرَأ: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ مِئَةَ مَرَّةٍ، وتَخَيَّر لِنَفسِكَ مِنَ الدُّعاءِ ما أحبَبتَ، وَاجتَهِد فَإِنَّهُ يَومُ دُعاءٍ ومَسأَلَةٍ، وتَعَوَّذ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ، فَإِنَّ الشَّيطانَ لَن يُذهِلَكَ[٤] في مَوضِعٍ أحَبَّ إلَيهِ مِن أن يُذهِلَكَ في ذٰلِكَ المَوضِعِ.[٥]

---

١. اندفع: أي أسرع في سيره (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٠٨ «دفع»).

٢. في قرب الإسناد: «دعا النبيّ صلى الله عليه وآله يوم عرفة حين غابت الشمس، وكان آخر كلامه هذا الدعاء، وهملت عيناه بالبكاء ثمّ قال: ...».

٣. الكافي: ج ٤ ص ٤٦٤ ح ٥ عن عبد الله بن ميمون، قرب الإسناد: ص ٢١ ح ٧٢ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، فلاح السائل: ص ٣٨٣ ح ٢٥٤ عن سلام بن أبي عمرة عن الإمام الباقر عليه السلام، محاسبة النفس لابن طاووس: ص ٣٠، عدّة الداعي: ص ٢٥٣ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٢٥١ ح ٥.

٤. ذَهَلتُ عن الشيء: نَسيتُه وغفلت عنه (الصحاح: ج ٤ ص ١٧٠٢ «ذهل»).

٥. الكافي: ج ٤ ص ٤٦٤ ح ٤ عن معاوية بن عمّار.

۱۲/۵
واین چند مکان

الف ـ عرفات

۲۳۶۳ . **امام صادق**ﷺ: پیامبر خدا در عرفات، وقوف کرد. خورشید که خواست غروب کند، پیش از آن که شتاب گیرد، گفت: «بار خدایا، من از فقر و از پراکندگی امور و از شرّ آنچه در شب و روز رخ می‌دهد، به تو پناه می‌برم. امشب از ستم خویش، به بخشش تو پناه می‌برم. امشب از ترس خویش، به امنیت تو پناه می‌برم. امشب از خواری خویش، به عزّت تو پناه می‌برم. امشب، روی نیست‌شونده‌ام را به روی جاویدان تو پناه می‌دهم. ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود! ای بخشنده‌ترین عطا کننده! مرا در پوشش رحمت خود قرار ده و جامهٔ عافیتت را بر تن من بپوشان و گزند همهٔ آفریدگانت را از من دور گردان».

۲۳۶۴ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه در عرفات وقوف کردی، خدای را بستای و او را به یگانگی یاد کن و مجد و ثنای او بگو و صد مرتبه تکبیر بگو و ﴿قل هو الله احد﴾ را صد بار بخوان و هر دعایی که دوست داشتی، برای خودت انتخاب کن و [در نیایش و عبادت] بکوش؛ زیرا آن روز، روز دعا و خواستن است، و از شیطان به خدا پناه ببر؛ زیرا شیطان در هیچ مکانی، به اندازهٔ آن مکان دوست ندارد که از یاد خدا غافل گرداند.

٢٣٦٥ . الكافي عن هارون بن خارجة، قال: سَمِعتُ أبا عَبدِ اللهِ عليه السلام يَقولُ في آخِرِ كَلامِهِ حينَ أفاضَ[١]: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أقطَعَ رَحِماً، أو أُوذِيَ جاراً.[٢]

ب ـ الكَعبَةُ

٢٣٦٦ . الإمام عليّ عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا مَرَّ بِالرُّكنِ اليَمانِيِّ ـ: بِاسمِ اللهِ وَاللهُ أكبَرُ، وَالسَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ ورَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ وَالذُّلِّ، ومَواقِفِ الخِزيِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً، وفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وقِنا عَذابَ النّارِ.[٣]

٢٣٦٧ . الإمام الصادق عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي الكَعبَةِ وهُوَ ساجِدٌ ـ: أعوذُ بِكَ اليَومَ فَأَعِذني، وأستَجيرُ بِكَ فَأَجِرني، وأستَعينُ بِكَ عَلَى الضَّرّاءِ فَأَعِنّي، وأستَنصِرُكَ فَانصُرني، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ فَاكفِني.[٤]

٢٣٦٨ . عنه عليه السلام ـ لِعَبدِ اللهِ بنِ سِنانٍ ـ: إذا كُنتَ فِي الطَّوافِ السّابِعِ فَائتِ المُتَعَوَّذَ[٥]، وهُوَ إذا قُمتَ في دُبُرِ الكَعبَةِ حِذاءَ البابِ، فَقُل: «اللّٰهُمَّ، البَيتُ بَيتُكَ، وَالعَبدُ عَبدُكَ، وهٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ، اللّٰهُمَّ مِن قِبَلِكَ الرَّوحُ[٦] وَالفَرَجُ»، ثُمَّ استَلِمِ الرُّكنَ اليَمانِيَّ، ثُمَّ ائتِ الحَجَرَ فَاختِم بِهِ.[٧]

---

١. الإفاضة: يفيض من مِنى إلى مكّة فيطوف، أفاض القوم: إذا اندفعوا فيه (النهاية: ج ٣ ص ٤٨٥ «فيض»).

٢. الكافي: ج ٤ ص ٤٦٧ ح ٣.

٣. كنز العمّال: ج ٥ ص ١٧٢ ح ١٢٥٠٣ عن الأزرقي.

٤. تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٧٧ ح ٩٤٦ عن ذريح، مصباح المتهجّد: ص ٧٠٦ ح ٧٨٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

٥. قال العلّامة المجلسي رحمه الله: «المتعوَّذ» اسم مكان سمّي الملتزم به؛ لأنّه يتعوّذ عنده من النار، والمُستجار؛ لأنّه يطلب عنده الإجارة من العذاب، والروح والراحة والرحمة (مرآة العقول: ج ١٨ ص ٢٧ ح ٣).

٦. رَوحُ الله: أي فرجه ورحمته، والرَّوح: التَّنفُّس، وقد أراح الإنسان إذا تنفّس (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٦٩ «روح»).

٧. الكافي: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٧ ح ٣٤٧ كلاهما عن عبد الله بن سنان.

۲۳۶۵ . **الکافی** ـ به نقل از هارون بن خارجه ـ : شنیدم امام صادق﵇ در آخرین سخنش به هنگام کوچیدن [از منا به سوی مکّه] می‌گوید: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که ستم کنم یا به من ستم شود، یا رشتهٔ خویشاوندی را ببُرم، یا همسایه‌ای را بیازارم».

ب ـ کعبه

۲۳۶۶ . **امام علی**﵇ ـ از سخنانی که هنگام گذر بر رکن یمانی می‌فرمود ـ : به نام خدا، و خدا، برتر از توصیف است. درود و رحمت و برکات خدا بر پیامبر خدا باد. بار خدایا! از کفر و فقر و خواری و از جایگاه‌های رسوایی در دنیا و آخرت، به تو پناه می‌برم. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی، و در آخرت هم نیکی، ارزانی دار و ما را از عذاب آتش، محافظت فرما.

۲۳۶۷ . **امام صادق**﵇ ـ از دعای ایشان در کعبه در حال سجده ـ : بار خدایا! امروز به تو پناه می‌آورم. پس پناهم ده. و از تو حمایت می‌خواهم. پس حمایتم کن. و در برابر سختی، از تو کمک می‌جویم. پس کمکم کن. و از تو یاری می‌طلبم. پس یاری‌ام ده. و بر تو توکّل می‌کنم. پس برایم کارسازی کن.

۲۳۶۸ . **امام صادق**﵇ ـ به عبد الله بن سنان ـ : در طواف هفتم، نزد مُتعوَّذ[1] (یعنی همان جایی که پشت کعبه و رو به روی درِ آن است) برو و بگو: «بار خدایا! این خانه، خانهٔ تو و این بنده، بندهٔ تو و این جا، جایگاه پناه بردن از آتش به توست. بار خدایا! رحمت و گشایش، از جانب توست». سپس رکن یمانی را لمس کن و آن گاه کنار حجر [الأسود] برو و [طوافت را] در آن جا پایان ده.

---

۱ . مجلسی﵀ می‌گوید: «مُتَعَوَّذ» نام دیگر مکان «ملتزَم» است و چون در آن محل، از آتش دوزخ به خدا پناه برده می‌شود، به آن «متعوَّذ (جایگاه پناه بردن)» گفته‌اند. «مُستجار» هم به آن گفته‌اند؛ چون در آن محل، از عذاب، پناهندگی خواسته می‌شود. (مرآة العقول: ج ۱۸ ص ۲۷ ح ۳)

٢٣٦٩ . عنه ﷺ: إذا فَرَغتَ مِن طَوافِكَ، وبَلَغتَ مُؤَخَّرَ الكَعبَةِ ـ وهُوَ بِحِذاءِ المُستَجارِ دونَ الرُّكنِ اليَمانِيِّ بِقَليلٍ ـ فَابسُط يَدَيكَ عَلَى البَيتِ، وألصِق بَطنَكَ وخَدَّكَ بِالبَيتِ، وقُل: «اللّهُمَّ، البَيتُ بَيتُكَ، وَالعَبدُ عَبدُكَ، وهٰذا مَكانُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ»، ثُمَّ أقِرَّ لِرَبِّكَ بِما عَمِلتَ، فَإِنَّهُ لَيسَ مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ يُقِرُّ لِرَبِّهِ بِذُنوبِهِ في هٰذَا المَكانِ، إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ إن شاءَ اللهُ... ثُمَّ تَستَجيرُ بِاللهِ مِنَ النّارِ، وتَخَيَّرُ لِنَفسِكَ مِنَ الدُّعاءِ.[١]

ج ـ المَسجِدُ

٢٣٧٠ . رسول الله ﷺ: إذا دَخَلَ العَبدُ المَسجِدَ وقالَ: «أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ»، قالَ الشَّيطانُ الرَّجيمُ: كَسَرَ ظَهري، وكَتَبَ اللهُ لَهُ بِها عِبادَةَ سَنَةٍ. وإذا خَرَجَ مِنَ المَسجِدِ وقالَ مِثلَ ذٰلِكَ، كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ شَعرَةٍ عَلىٰ بَدَنِهِ مِئَةَ حَسَنَةٍ، ورَفَعَ لَهُ مِئَةَ دَرَجَةٍ.[٢]

٢٣٧١ . جامع الأخبار: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا دَخَلَ المَسجِدَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُمنىٰ ويَقولُ: «بِاسمِ اللهِ وعَلَى اللهِ تَوَكَّلتُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ»، وإذا خَرَجَ يَضَعُ رِجلَهُ اليُسرىٰ ويَقولُ: «بِاسمِ اللهِ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ».

ثُمَّ قالَ: يا عَلِيُّ، مَن دَخَلَ المَسجِدَ وقالَ كَما قُلتُ، تَقَبَّلَ اللهُ [صَلاتَهُ][٣].[٤]

٢٣٧٢ . رسول الله ﷺ ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا دَخَلَ المَسجِدَ ـ: أعوذُ بِاللهِ العَظيمِ، وبِوَجهِهِ الكَريمِ، وسُلطانِهِ القَديمِ، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[٥]

---

١ . الكافي: ج ٤ ص ٤١١ ح ٥ عن معاوية بن عمّار.

٢ . جامع الأخبار: ص ١٧٦ ح ٤١٨، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩.

٣ . أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار.

٤ . جامع الأخبار: ص ١٧٥ ح ٤١٧، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩.

٥ . سنن أبي داوود: ج ١ ص ١٢٧ ح ٤٦٦، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٧٠، تفسير القرطبي: ج ١٢ ص ٢٧٣ كلّها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦١ ح ١٧٩٦١.

۲۳۶۹ . **امام صادق**ﷺ: چون از طوافت آسوده گشتی و به انتهای کعبه (یعنی جایی که رو به روی مستجار و اندکی قبل از رکن یمانی است) رسیدی، دستانت را بگشای و بر خانه بگذار و شکم و گونه‌ات را به خانه بچسبان و بگو: «بار خدایا! این خانه، خانهٔ تو و این بنده، بندهٔ توست و این جا، جایگاه پناه بردن از آتش به توست».

سپس به کارهایی (گناهانی) که کرده‌ای، در پیشگاه پروردگارت اعتراف کن؛ زیرا هیچ بندهٔ مؤمنی نیست که در این مکان به گناهان خود در پیشگاه پروردگارش اعتراف کند، مگر آن که خداوند، او را می‌آمرزد، إن شاء الله .... سپس از آتش، به خدا پناه ببر و هر دعایی خواستی، برای خودت بکن.

ج ـ مسجد

۲۳۷۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه بنده وارد مسجد شود و بگوید: «از شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم»، شیطانِ رانده‌شده می‌گوید: «کمرم را شکست» و خداوند به ازای آن، برایش عبادت یک سال را می‌نویسد، و چون در هنگام خارج شدن از مسجد نیز همین را بگوید، خداوند به تعداد هر موی بدنش، [ثواب] صد کار نیک برایش می‌نویسد و مقامش را صد درجه بالا می‌برد.

۲۳۷۱ . **جامع الأخبار**: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می‌شد، نخست پای راستش را داخل می‌گذاشت و می‌فرمود: «به نام خدا. به خدا توکّل کردم و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» و هر گاه از مسجد خارج می‌شد، پای چپش را بیرون می‌گذاشت و می‌فرمود: «به نام خدا. از شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم».

سپس فرمود: «ای علی! هر کس وارد مسجد شود و آنچه را من گفتم، بگوید، خداوند [نمازش را] می‌پذیرد».

۲۳۷۲ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ هنگام وارد شدن به مسجد ـ: به خدای بزرگ و به روی گرامی او و سلطنت ازلی‌اش پناه می‌برم از شیطانِ رانده‌شده.

٢٣٧٣ . عنه ﷺ: إنَّ أحَدَكُم إذا أرادَ أن يَخرُجَ مِنَ المَسجِدِ تَداعَت[١] جُنودُ إبليسَ وأجلَبَت[٢]، وَاجتَمَعَت كَما تَجتَمِعُ النَّحلُ عَلىٰ يَعسوبِها، فَإذا قامَ أحَدُكُم عَلىٰ بابِ المَسجِدِ، فَليَقُل: «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن إبليسَ وجُنودِهِ» فَإنَّهُ إذا قالَها لَم يَضُرَّهُ.[٣]

د ـ الحَمّامُ

٢٣٧٤ . رسول الله ﷺ: نِعمَ البَيتُ يَدخُلُهُ المُسلِمُ بَيتُ الحَمّامِ، وذاكَ أنَّهُ إذا دَخَلَهُ ـ يَعني ـ سَأَلَ اللهَ الجَنَّةَ، وَاستَعاذَ بِاللهِ مِنَ النّارِ.[٤]

٢٣٧٥ . الإمام الصادق ﷺ ـ فيما يُقالُ عِندَ دُخولِ الحَمّامِ ـ: إذا دَخَلتَ البَيتَ الأَوَّلَ فَقُل: «اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي وأستَعيذُ بِكَ مِن أذاهُ»... وإذا دَخَلتَ البَيتَ الثّالِثَ فَقُل: «نَعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ ونَسأَلُهُ الجَنَّةَ» تُرَدِّدُها إلىٰ وَقتِ خُروجِكَ.[٥]

---

١. تَدَاعت عليكم: أي اجتمعوا ودعا بعضهم بعضاً (النهاية: ج ٢ ص ١٢٠ «دعا»).

٢. أجلب عليه: إذا صاح به واستحثّه (النهاية: ج ١ ص ٢٨٢ «جلب»).

٣. عمل اليوم والليلة لابن السنّي: ص ٥٩ ح ١٥٥، الأذكار للنووي: ص ٣٨ كلاهما عن أبي أمامة، كنز العمّال: ج ٧ ص ٦٦٠ ح ٢٠٧٨٦.

٤. تاريخ دمشق: ج ٨ ص ١٨٨ ح ٢١٥٨، تفسير القرطبي: ج ١٢ ص ٢٢٥ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٩ ص ٣٩٣ ح ٢٦٦٤٤.

٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١١٣ ح ٢٣٢، الأمالي للصدوق: ص ٤٤٥ ح ٥٩٥، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١٢٣ ح ٢٨٨ كلّها عن محمّد بن حُمران، روضة الواعظين: ص ٣٣٦، عوالي اللآلي: ج ٤ ص ١٢ ح ٢٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٧٠ ح ٣.

وفي كتاب التعريف للصفواني: إذا أردت دخول الحمّام فقل: «باسم الله وبالله ولا حول ولا قوّة إلّا بالله، اللّهمّ أعذني من حرّه وكربه، وأنبني من ذنوبي كما ينقى فيه درني يا ربّ العالمين». وعند نزع الثياب: «اللّهمّ استر عورتي واستر عليّ، وجرّدني من الذّنوب يا أرحم الراحمين»، وإذا دخلت فاجلس جلسة في البيت الأوسط فإنّه أسلم للجسد، ولا تجلس على رجليك، وتوجّه إلى الحائط، ولا تجلس حتّى تغسل المكان الذي تجلس فيه، فإذا دخلت البيت الحارّ فقل: «أعوذ بالله من سخط الله، اللّهمّ إنّي أستجير بك من النار وما يقرب إليها من قول وعمل» (مستدرك الوسائل: ج ١ ص ٣٨١ ح ١).

۲۳۷۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: هر گاه یکی از شما بخواهد از مسجد خارج شود، سپاهیان ابلیس یکدیگر را فرا می‌خوانند و هیاهو به راه می‌اندازند و همچون زنبوران عسل که بر گرد ملکهٔ خود گرد می‌آیند، گرد می‌آیند. بنا بر این، هر گاه یکی از شما بر درِ مسجد رسید، بگوید: «بار خدایا! از ابلیس و سپاهیانش، به تو پناه می‌برم»؛ چون با گفتن آن، ابلیس به او گزندی نخواهد رساند.

د ـ گرمابه

۲۳۷۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: خوب خانه‌ای است حمّام برای مسلمان که وارد آن می‌شود؛ چون هر گاه وارد آن می‌شود، از خداوندْ بهشت می‌طلبد و از آتش، به خدا پناه می‌بَرد!

۲۳۷۵ . **امام صادق**ؑ ـ آنچه هنگام وارد شدن به حمّام گفته می‌شود ـ: چون به خانهٔ اوّل [که ظاهراً رختکن است] در آمدی، بگو: «بار خدایا! از شرّ نفْسم به تو پناه می‌برم، و به تو پناه می‌برم از این که آزارش دهم»... و چون به خانهٔ سوم در آمدی، بگو: «از آتش، به خدا پناه می‌بریم و از او بهشت می‌طلبیم» و تا هنگام بیرون رفتن، این را تکرار می‌کنی.[1]

---

۱ . در کتاب التعریف صفوانی آمده است: هرگاه خواستی وارد حمّام شوی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! مرا از گرما و رنج آن در پناه خود بدار، و مرا از گناهانم پاک گردان، چنان که چرک مرا در این‌جا می‌زدایی، ای پروردگار جهانیان». و هنگام در آوردن لباس‌هایت بگو: «بار خدایا! برهنگی (/عیب) مرا بپوشان و بر من پرده افکن و از گناهان، برهنه‌ام ساز. ای مهربان‌ترین مهربانان!» و چون وارد شدی، در خانهٔ میانی، اندکی بنشین؛ زیرا برای سلامت تن، مفیدتر است، و بر دو پایت منشین و رو به دیوار کن، و محلّی را که می‌خواهی در آن‌جا بنشینی، ابتدا بشوی و چون وارد گرم خانه شدی، بگو: «از خشم خدا، به خدا پناه می‌برم. بار خدایا! از آتش و هر گفتار و کرداری که به آتش نزدیک می‌گرداند، به تو پناه می‌برم».

هـ ـ السّوقُ

٢٣٧٦ . رسول الله ﷺ ـ مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا دَخَلَ السّوقَ ـ: اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِن خَيرِ هٰذَا السّوقِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفُسوقِ.[١]

٢٣٧٧ . عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: بِاسمِ اللهِ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَ هٰذِهِ السّوقِ وخَيرَ ما فيها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فيها، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُصيبَ فيها يَميناً فَاجِرَةً، أو صَفقَةً خاسِرَةً.[٢]

٢٣٧٨ . الغارات عن النعمان بن سعد: كانَ [الإمامُ عَلِيٌّ عليه السلام] يَخرُجُ إلَى السّوقِ ومَعَهُ الدِّرَّةُ[٣]، فَيَقولُ: إنّي أعوذُ بِكَ مِن الفُسوقِ، ومِن شَرِّ هٰذِهِ السّوقِ.[٤]

٢٣٧٩ . كتاب من لا يحضره الفقيه عن سدير: قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام: يا أبَا الفَضلِ، أما لَكَ فِي السّوقِ مَكانٌ تَقعُدُ فيهِ تُعامِلُ النّاسَ؟ قالَ: قُلتُ: بَلى.

قالَ: اِعلَم أنَّهُ ما مِن رَجُلٍ يَغدو ويَروحُ إلىٰ مَجلِسِهِ وسوقِهِ فَيَقولُ حينَ يَضَعُ رِجلَهُ فِي السّوقِ: «اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَها وخَيرَ أهلِها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها» إلّا وَكَّلَ اللهُ عزوجل بِهِ مَن يَحفَظُهُ ويَحفَظُ عَلَيهِ حَتّىٰ يَرجِعَ إلىٰ مَنزِلِهِ، فَيَقولُ لَهُ: قَد أجَرتُكَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها يَومَكَ هٰذا.

فَإذا جَلَسَ مَكانَهُ حينَ يَجلِسُ فَيَقولُ: «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ

---

١. المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٣٧١ ح ٥٥٨٩، الدعاء للطبراني: ص ٢٥٢ ح ٧٩٢ كلاهما عن بريدة؛ مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٢٦٥ ح ١٥٣٠٩ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللّباب.

٢. المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٢٣ ح ١٩٧٧، المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢١ ح ١١٥٧، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٣٥٤ ح ٥٥٣٤، الدعاء للطبراني: ص ٢٥٢ ح ٧٩٥ كلّها عن بريدة، كنز العمّال: ج ٧ ص ١٤٩ ح ١٨٤٥٦.

٣. الدِّرَّةُ: السَّوط (المصباح المنير: ص ١٩٢ «درر»).

٤. الغارات: ج ١ ص ١١٤، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٠٢ ح ٤٦.

هـ ـ بازار

۲۳۷۶ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می‌خواند ـ: بار خدایا! خیر این بازار را از تو درخواست می‌کنم و از کفر و گناه، به تو پناه می‌برم.

۲۳۷۷ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می‌خواند ـ: به نام خدا. بار خدایا! خیر این بازار و خیر آنچه را در آن است، از تو می‌خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که در این جا مرتکب سوگند دروغ، یا دچار معامله‌ای زیانمند شوم.

۲۳۷۸ . **الغارات** ـ به نقل از نعمان بن سعد ـ: [امام علی‌ؑ] شلّاق در دست، به بازار می‌رفت و می‌فرمود: «از گناه و از بدی این بازار، به تو پناه می‌برم».

۲۳۷۹ . **کتاب من لا یحضره الفقیه** ـ به نقل از سدیر ـ: امام باقرؑ فرمود: «ای ابا فضل! آیا در بازار، جایی نداری که در آن بنشینی و با مردم، داد و ستد کنی؟

گفتم: چرا.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فرمود: «بدان که هر کس به دکان و بازارش رفت و آمد کند و هنگامی که وارد بازار شد، بگوید: "بار خدایا! خیرِ این بازار و خیرِ اهل آن را از تو درخواست می‌کنم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می‌برم"، خداوندﷻ کسی را بر او می‌گمارد تا از وی محافظت کند تا به منزلش باز گردد، و به او می‌فرماید: "من امروز، تو را از شرّ این بازار و شرّ اهل آن، در پناه خود داشتم".

و هنگامی که در دکان خود نشست، بگوید: "گواهی می‌دهم که معبودی جز

لَهُ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ﷺ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِن فَضلِكَ حَلالاً طَيِّباً، وأعوذُ بِكَ مِن أن أظلِمَ أو أُظلَمَ، وأعوذُ بِكَ مِن صَفقَةٍ خاسِرَةٍ، ويَمينٍ كاذِبَةٍ» فَإذا قالَ ذٰلِكَ، قالَ المَلَكُ المُوَكَّلُ: أبشِر فَما في سوقِكَ اليَومَ أحَدٌ أوفَرُ نَصيباً مِنكَ، وسَيَأتيكَ ما قَسَمَ اللهُ لَكَ مُوَفَّراً حَلالاً طَيِّباً مُبارَكاً فيهِ.[1]

۲۳۸۰ . الإمام الصادق عليه السلام: مَن دَخَلَ سوقاً فَقالَ: «أشهَدُ أن لا إلٰهَ إلّا اللهُ، وأنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الظُّلمِ وَالمَأثَمِ وَالمَغرَمِ[2]» كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الحَسَناتِ عَدَدَ مَن فيها مِن فَصيحٍ وأعجَمَ.[3]

۲۳۸۱ . عنه عليه السلام: إذا دَخَلتَ سوقَكَ فَقُل: اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِن خَيرِها وخَيرِ أهلِها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّها وشَرِّ أهلِها، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أن أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أبغِيَ أو يُبغىٰ عَلَيَّ، أو أعتَدِيَ أو يُعتَدىٰ عَلَيَّ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ، وشَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ، وحَسبِيَ اللهُ لا إلٰهَ إلّا هُوَ، عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ.[4]

و ـ الخَلاءُ

۲۳۸۲ . رسول الله ﷺ: إنَّ هٰذِهِ الحُشوشَ[5] مُحتَضَرَةٌ، فَإذا أتىٰ أحَدُكُمُ الخَلاءَ فَليَقُل: أعوذُ بِاللهِ

---

۱ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۲۰۰ ح ۳۷۵۴، الكافي: ج ۵ ص ۱۵۵ ح ۱ وليس فيه «وأعوذ بك من شرّها وشرّ أهلها» نحوه.

۲ . المَغْرَمُ: كالغُرْم وهو الدَّين (النهاية: ج ۳ ص ۳۶۳ «غرم»).

۳ . الأمالي للطوسي: ص ۱۴۵ ح ۲۳۸ عن محمّد بن عثمان بن زيد بن بكّار بن الوليد الجهني، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۷۳ ح ۳.

۴ . الكافي: ج ۵ ص ۱۵۶ ح ۲، تهذيب الأحكام: ج ۷ ص ۹ ح ۳۲ كلاهما عن معاوية بن عمّار.

۵ . الحُشُوش: يعني الكُنُف ومواضع قضاء الحاجة، الواحد حَشّ (النهاية: ج ۱ ص ۳۹۰ «حشش»).

خدا نیست و یگانه و بی‌انباز است و گواهی می‌دهم که محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. بار خدایا! از فضل تو، روزی حلال و پاک می‌طلبم و از این که ستم کنم یا ستم ببینم، به تو پناه می‌برم، و از معاملهٔ زیانمند و سوگند دروغ خوردن، به تو پناه می‌برم". هر گاه این را گفت، فرشتهٔ گماشته بر او می‌گوید: مُژده‌ات باد که امروز در بازار، هیچ کس پُربهره‌تر از تو نخواهد بود و آنچه خدا برایت قسمت کرده، به وفور و حلال و پاک و بابرکت، به تو خواهد رسید!».

۲۳۸۰ . **امام صادق**ﷺ: هر کس به بازاری در آید و بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و محمّد، بندهٔ او و فرستادهٔ اوست. بار خدایا! از ستم و گناه و بدهکاری، به تو پناه می‌برم»، خداوند به شمار هر که در آن بازار است، از عرب و غیر عرب، برایش نیکی می‌نویسد.

۲۳۸۱ . **امام صادق**ﷺ: هر گاه به بازاری در آمدی، بگو: «بار خدایا! خیر آن و خیر اهل آن را از تو می‌طلبم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می‌آورم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که ظلم کنم یا به من ظلم شود، سرکشی کنم یا به من سرکشی شود، تعدّی کنم یا بر من تعدّی شود. بار خدایا! از شرّ ابلیس و لشکریانش و از شرّ بزهکاران عرب و غیر عرب، به تو پناه می‌آورم. خدایی که جز او معبودی نیست، مرا بس است. بر او توکّل کردم، که او پروردگار عرش بزرگ است».

و ـ مستراح

۲۳۸۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: این جایگاه‌های قضای حاجت، حضورگاه [جن و شیاطین]اند. بنا بر این، هرگاه کسی از شما به مستراح رفت، بگوید: «از شیاطین پلید نر

مِنَ الخُبُثِ وَالخَبائِثِ.[۱]

۲۳۸۳ . صحيح البخاري عن أنس: كانَ النَّبِيُّ ﷺ إذا دَخَلَ الخَلاءَ قالَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ وَالخَبائِثِ.[۲]

۲۳۸۴ . رسول الله ﷺ: لا يَعجِز أحَدُكُم إذا دَخَلَ مِرفَقَهُ[۳] أن يَقولَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ، الخَبيثِ المُخبِثِ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[۴]

۲۳۸۵ . كتاب من لا يحضره الفقيه: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ إذا أرادَ دُخولَ المُتَوَضَّأِ[۵] قالَ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ، الخَبيثِ المُخبِثِ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ، اللّٰهُمَّ أمِط[۶] عَنّي الأَذىٰ، وأعِذني مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[۷]

۲۳۸۶ . الكافي عن أبي أُسامة: كُنتُ عِندَ أبي عَبدِ اللهِ ﷺ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ مِنَ المُغيريَّةِ[۸] عَن شَيءٍ

---

۱ . سنن أبي داوود: ج ۱ ص ۲ ح ۶، سنن ابن ماجة: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۲۹۶، مسند ابن حنبل: ج ۷ ص ۷۹ ح ۱۹۳۰۶ وليس فيهما «الخلاء» و ص ۸۷ ح ۱۹۳۵۱، صحيح ابن حبّان: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۱۴۰۶ كلّها عن زيد بن أرقم، كنز العمّال: ج ۹ ص ۳۵۰ ح ۲۶۳۸۹.

۲ . صحيح البخاري: ج ۱ ص ۶۶ ح ۱۴۲ و ج ۵ ص ۲۳۳۰ ح ۵۹۶۳، سنن الترمذي: ج ۱ ص ۱۱ ح ۶، سنن النسائي: ج ۱ ص ۲۰، سنن ابن ماجة: ج ۱ ص ۱۰۹ ح ۲۹۸، كنز العمّال: ج ۷ ص ۴۴ ح ۱۷۸۷۳.

۳ . مرافق الدار: من المغتسل والكنيف ونحوه (لسان العرب: ج ۱۰ ص ۱۱۸ «رفق»).

۴ . سنن ابن ماجة: ج ۱ ص ۱۰۹ ح ۲۹۹، المعجم الكبير: ج ۸ ص ۲۱۰ ح ۷۸۴۹، الدعاء للطبراني: ص ۱۳۴ ح ۳۶۶ كلّها عن أبي أمامة و ح ۳۶۵ عن أنس، كنز العمّال: ج ۹ ص ۳۵۲ ح ۲۶۴۰۵؛ الكافي: ج ۳ ص ۱۶ ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۱ ص ۲۵ ح ۶۳ كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق ﷺ وص ۳۵۱ ح ۱۰۳۸ عن أبي بصير عن أحدهما ﷺ وكلّها نحوه.

۵ . المتوضّأ: الكنيف والمستراح (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۹۴۵ «وضأ»).

۶ . في المصدر: «أمت»، والتصويب من المصادر الأُخرى. قال الفيّومي: ماطَ: تَباعَدَ، وأماطَهُ غيرُهُ، ومنه إماطَةُ الأذىٰ عن الطريق؛ وهي التنحية (المصباح المنير: ص ۵۸۷ «ميط»).

۷ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۳ ح ۳۷، مسند زيد: ص ۷۶، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۰۴ كلاهما عن الإمام عليّ ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ۸۰ ص ۱۹۳ ح ۵۱.

۸ . المُغيريّة: هم أصحاب المغيرة بن سعيد العجلي، ادّعى أنّ الإمام بعد محمّد بن عليّ بن الحسين ﷺ محمّد بن عبد الله بن الحسن، وكان المغيرة مولى لعبد الله بن خالد القصري (هامش المصدر).

و ماده، به خدا پناه می‌برم».

۲۳۸۳ . **صحیح البخاری** ـ به نقل از اَنَس ـ: پیامبرﷺ هر گاه وارد مستراح می‌شد، می‌گفت: «بار خدایا! از شیطان‌های پلید نر و ماده، به تو پناه می‌آورم».

۲۳۸۴ . **پیامبر خداﷺ**: هر گاه یکی از شما به آبریزگاه رفت، از این که بگوید: «بار خدایا! از آلودهٔ ناپاکیِ پلیدِ پلیدگر، شیطانِ رانده شده به تو پناه می‌برم»، سستی نکند.

۲۳۸۵ . **کتاب من لا یحضره الفقیه**: پیامبر خدا هر گاه می‌خواست به آبریزگاه وارد شود، می‌گفت: «بار خدایا! از آلودهٔ ناپاکیِ پلیدِ پلیدگر، شیطان رانده‌شده، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! آزار [نجاست] را از من دور گردان، و مرا از شیطانِ رانده شده، در پناه خود دار».

۲۳۸۶ . **الکافی** ـ به نقل از ابو اسامه ـ: در خدمت امام صادقؑ بودم که مردی از مُغیریان[1] در بارهٔ پاره‌ای آداب، از ایشان سؤال کرد. فرمود: «هیچ چیزی نیست

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱ . مغیریان، به یاران مغیرة بن سعد عجلی، هم‌پیمان عبد الله بن خالد قصری، گفته می‌شود. او مدّعی بود که پس از امام باقرؑ، محمّد بن عبد الله بن حسن، امام است.

مِنَ السُّنَنِ فَقالَ: ما مِن شَيءٍ يَحتاجُ إلَيهِ أحَدٌ مِن وُلدِ آدَمَ إلّا وقَد جَرَت فيهِ مِنَ اللهِ ومِن رَسولِهِ سُنَّةٌ، عَرَفَها مَن عَرَفَها وأنكَرَها مَن أنكَرَها.

فَقالَ رَجُلٌ: فَمَا السُّنَّةُ في دُخولِ الخَلاءِ؟ قالَ: تَذكُرُ اللهَ، وتَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[1]

۲۳۸۷. **الإمام الصادق**ﷺ: مَن كَثُرَ عَلَيهِ السَّهوُ فِي الصَّلاةِ، فَليَقُل إذا دَخَلَ الخَلاءَ: بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، أعوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجسِ النَّجِسِ، الخَبيثِ المُخبِثِ، الشَّيطانِ الرَّجيمِ.[2]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱. الكافي: ج ۳ ص ۶۹ ح ۳، علل الشرايع: ص ۲۷۶ ح ۴، المحاسن: ج ۱ ص ۴۳۳ ح ۱۰۰۴، بحار الأنوار: ج ۸۰ ص ۱۶۴ ح ۴.

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۵ ح ۴۲.

که فردی از افراد آدمی به آن نیاز داشته باشد، مگر آن که آدابی از جانب خدا و پیامبرش در بارهٔ آن وارد شده است. برخی، آنها را می‌دانند و برخی نمی‌دانند».

مردی گفت: آداب وارد شدن به آبریزگاه چیست؟

فرمود: «[این که] خدا را یاد کنی و از شیطان رانده‌شده، به خدا پناه ببری».

۲۳۸۷. **امام صادق**ﷺ: هر که در نمازْ زیاد سهو می‌کند، باید هنگامی که وارد آبریزگاه می‌شود، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا. از آلودهٔ ناپاک و پلیدِ پلیدگر، شیطانِ رانده‌شده، به خدا پناه می‌برم».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفَصلُ السّادِسُ

الاِستِعاذاتُ المأثورَةُ

١/٦

الاِستِعاذاتُ المأثورَةُ عَنِ النَّبيِّ ﷺ

٢٣٨٨ . رسول الله ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عافِيَتِكَ، وفُجاءَةِ نَقِمَتِكَ، وجَميعِ سَخَطِكَ.[١]

٢٣٨٩ . عنه ﷺ ـ مِمّا دَعا بِهِ فِي السُّجودِ لَيلاً ـ: أعوذُ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وأعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، وأعوذُ بِرَحمَتِكَ مِن نَقِمَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنكَ، لا أبلُغُ مَدحَكَ وَالثَّناءَ عَلَيكَ، أنتَ كَما أثنَيتَ عَلىٰ نَفسِكَ، أستَغفِرُكَ وأتوبُ إلَيكَ.[٢]

٢٣٩٠ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ، وَالكَسَلِ، وعَذابِ القَبرِ.[٣]

---

١ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٧ ح ٩٦، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٥، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٤٦٣ ح ٧٩٥٥، الأدب المفرد: ص ٢٠٥ ح ٦٨٥ كلّها عن عبد الله بن عمر، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٠ ح ٣٦٣٤.

٢ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٤ ح ١٢ عن أبي بصير عن الإمام الباقر ﷺ، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٤٥ ح ١٤؛ سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٦١ ح ٣٥٦٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠٨ ح ٧٥١ كلاهما عن عبد الرحمن بن الحارث عن الإمام عليّ ﷺ عنه ﷺ، صحيح ابن حبّان: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ١٩٣٢ عن عائشة وكلّها نحوه، كنز العمّال: ج ١ ص ٤٨٦ ح ٢١٣١.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٣٥٠٣، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٥ ح ١٩٥٤ كلاهما عن مسلم بن أبي بكرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٣٧٦٣.

فصل ششم

پناه‌خواهی‌های نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام

۱/۶
پناه‌خواهی‌های نقل شده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

۲۳۸۸ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: بار خدایا! از زوال نعمتت، و از دست رفتن عافیتت، و فرود آمدن ناگهانی کیفرت، و همهٔ ناخشنودی‌ات، به تو پناه می‌برم.

۲۳۸۹ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله** ـ از دعای ایشان در سجده‌های نماز شب ـ: از کیفر تو، به گذشتت پناه می‌برم، از ناخشنودی تو، به خشنودی‌ات پناه می‌برم، از انتقام تو، به رحمتت پناه می‌برم، از تو، به خود تو پناه می‌برم. از عهدهٔ ستایش و ثنای تو برنمی‌آیم. تو چنانی که خود، در ثنای خویش گفته‌ای. از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، باز می‌آیم.

۲۳۹۰ . **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**: بار خدایا! از اندوه [و نگرانی] و تنبلی و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.

٢٣٩١ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ، وَالهَرَمِ، وفِتنَةِ الصَّدرِ، وعَذابِ القَبرِ.[١]

٢٣٩٢ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ، وَالهَرَمِ، وَالجُبنِ، وَالبُخلِ، وفِتنَةِ الدَّجّالِ، وعَذابِ القَبرِ.[٢]

٢٣٩٣ . سنن النسائي عن عمر: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ يَتَعَوَّذُ مِن خَمسٍ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الجُبنِ، وَالبُخلِ، وسوءِ العُمُرِ، وفِتنَةِ الصَّدرِ، وعَذابِ القَبرِ.[٣]

٢٣٩٤ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالفَقرِ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، لا إلٰهَ إلّا أنتَ.[٤]

٢٣٩٥ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ، وعَذابِ القَبرِ، وفِتنَةِ المَحيا، وفِتنَةِ المَماتِ.[٥]

٢٣٩٦ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ بَعدَ اليَقينِ، وأعوذُ بِكَ مِن مُقارَنَةِ الشَّياطينِ، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ يَومِ الدّينِ.[٦]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

١ . المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٨٤ ح ١٢٦١٤ عن ابن عبّاس، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٨١.

٢ . سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٧، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٠٠ ح ١٣٠٧٤ و ص ٤٠٩ ح ١٣١٣١ و ص ٤٧٠ ح ١٣٤٧٢ كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٧.

٣ . سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٧، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٣٩، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٤ وفيه «وأرذل العمر» بدل «وفتنة الصدر»، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٨ ح ١٤٥ وفيه «وسوء العمل» بدل «وسوء العمر»، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٣٠١ ح ١٠٢٤، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٣٩٧١.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣١٦ ح ٢٠٤٥٢، الأدب المفرد: ص ٢١٠ ح ٧٠١، سنن أبي داوود: ج ٤ ص ٣٢٤ ح ٥٠٩٠، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٩٠ ح ٩٩ وليس فيه ذيله وكلّها عن أبي بكرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨١ ح ٣٦٤٢.

٥ . المعجم الكبير: ج ٩ ص ٥٩ ح ٨٣٨٨، الدعاء للطبراني: ص ٤٠٩ ح ١٣٧٩ كلاهما عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٦.

٦ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٢٠ ح ٢٤ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٢١٩ عن البرّاء بن عازب نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢١٣ ح ٣٨١٧ نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن البراء.

۲۳۹۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و وسوسهٔ سینه و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.

۲۳۹۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و بُزدلی و بُخل و فتنهٔ دجّال و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.

۲۳۹۳ . **سنن النسائی** ـ به نقل از عمر ـ: پیامبر خدا، از پنج چیز به خدا پناه می‌بُرد. بار خدایا! از ترسویی و بخل و بدی عمر و وسوسهٔ سینه و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.

۲۳۹۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از کفر و فقر، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم. معبودی جز تو نیست.

۲۳۹۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! من، از فقر و عذاب قبر و فتنهٔ (رنج) زیستن و فتنهٔ مُردن، به تو پناه می‌برم.

۲۳۹۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از شکّ پس از یقین، به تو پناه می‌برم. از همدمی با شیاطین، به تو پناه می‌برم، و از عذاب روز جزا، به تو پناه می‌برم.

٢٣٩٧ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ، وغَلَبَةِ العَدُوِّ، وشَماتَةِ[١] الأعداءِ.[٢]

٢٣٩٨ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن غَلَبَةِ الدَّينِ، ومِن بَوارِ الأيِّمِ، ومِنَ الجوعِ؛ فَإنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ.[٣]

٢٣٩٩ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الجوعِ؛ فَإنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الخِيانَةِ؛ فَإنَّها بِئسَتِ البِطانَةُ[٤].[٥]

٢٤٠٠ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ النّارِ، وعَذابِ النّارِ، ومِن شَرِّ الغِنىٰ وَالفَقرِ.[٦]

٢٤٠١ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ جَهَنَّمَ، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَسيحِ الدَّجّالِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَحيا وَالمَماتِ.[٧]

٢٤٠٢ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ، وَالحَزَنِ، وَالعَجزِ، وَالكَسَلِ، وَالجُبنِ، وَالبُخلِ،

---

١ . الشَّماتَةُ: فَرَحُ العدوّ ببليّةٍ تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج ٢ ص ٤٩٩ «شمت»).

٢ . سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٨، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٨٤ ح ٦٦٢٩، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٥، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٣٠٣ ح ١٠٢٧ كلّها عن عبد الله بن عمرو.

٣ . الجعفريّات: ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٣٨٧ ح ١٥٦٧٨.

٤ . بِطانَةُ الرجل: صاحبُ سرِّهِ (النهاية: ج ١ ص ١٣٦ «بطن»).

٥ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٧، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١١١٣ ح ٣٣٥٤، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٣ كلّها عن أبي هريرة، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٦ ح ١٩٥٧ عن ابن مسعود نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٩؛ الجعفريّات: ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ عنه ﷺ وفيه «الجزع» بدل «الجوع»، مستدرك الوسائل: ج ٩ ص ٨١ ح ١٠٢٧٠.

٦ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٣، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ٣٥٠ ح ٤٦٤٦ نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٧٨.

٧ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٢ و ج ١ ص ٢٥٩ ح ٩٨٤، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٤، سنن النسائي: ج ٤ ص ١٠٤، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٢ ح ٣٨٤٠، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٢١ ح ٢١٦٨ كلّها عن ابن عبّاس و ص ٥٥٧ ح ٢٣٤٢ عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٣٦٩٥.

۲۳۹۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از چیرگی قرض و چیرگی دشمن و دشمن شاد شدن، به تو پناه می‌برم.

۲۳۹۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از چیره آمدن قرض و از بی‌شوی ماندن بی‌شوهر[1] و از گرسنگی، به تو پناه می‌برم، که گرسنگی، بد همخوابه‌ای است.

۲۳۹۹ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می‌برم، که گرسنگی، بد همخوابه‌ای است و از خیانت، به تو پناه می‌برم که خیانت، بد هم رازی است.

۲۴۰۰ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از گرفتار آمدن در آتش و عذاب آتش، و از شرّ توانگری و ناداری، به تو پناه می‌برم.

۲۴۰۱ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از عذاب دوزخ، به تو پناه می‌برم، از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم، از فتنهٔ مسیح دجّال، به تو پناه می‌برم، و از فتنهٔ زندگی و مرگ، به تو پناه می‌برم.

۲۴۰۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل

---

۱ . واژهٔ «أیّم» در متن عربی حدیث، به معنای زنان بی‌شوهر است، اعمّ از بیوگان و دختران.

وضَلَعِ الدَّينِ[١]، وغَلَبَةِ الرِّجالِ.[٢]

٢٣٠٣. عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن يَومِ السَّوءِ، ومِن لَيلَةِ السَّوءِ، ومِن ساعَةِ السَّوءِ، ومِن صاحِبِ السَّوءِ، ومِن جارِ السَّوءِ في دارِ المُقامَةِ.[٣]

٢٣٠٤. عنه ﷺ ـ مِن مُناجاتِهِ في طَلَبِ الحاجَةِ ـ: أعِذني اللّهُمَّ رَبَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الخَيبَةِ[٤] وَالقُنوطِ[٥]، وَالأَناةِ[٦] وَالتَّثبيطِ[٧]، بِهَنيءِ إجابَتِكَ وسابِغِ مَوهِبَتِكَ، إنَّكَ وَلِيٌّ، وبِالمَنائِحِ الجَزيلَةِ مَلِيٌّ، وأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، وبِكُلِّ شَيءٍ مُحيطٌ.[٨]

٢٣٠٥. عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن حُلولِ البَلاءِ، ومِن دَركِ[٩] الشَّقاءِ، وشَماتَةِ الأَعداءِ.[١٠]

٢٣٠٦. عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن سوءِ القَضاءِ، وسوءِ القَدَرِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي

---

١. ضَلَع الدَّين: أي ثقلُهُ. والضَّلَعُ: الاعوجاجُ؛ أي يثقله حتى يميلَ صاحبه عن الاستواء والاعتدال (النهاية: ج ٣ ص ٩٦ «ضلع»).

٢. صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٨ و ص ٢٣٤٠ ح ٦٠٠٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٠ ح ٣٤٨٤، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٥، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٥١ ح ١٣٣٦٤ و ص ٤٤٠ ح ١٣٣٠٣، الأدب المفرد: ص ٢٠٢ ح ٦٧٢ كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٦٣ ح ٣٩٧٤؛ مصباح المتهجّد: ص ٢٢٥ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٤٢ ح ٢٤.

٣. المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٢٩٤ ح ٨١٠، الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٣٨ كلاهما عن عقبة بن عامر، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٣ ح ٣٦٥١.

٤. الخَيبَةُ: الحِرمانُ والخُسران (النهاية: ج ٢ ص ٩٠ «خيب»).

٥. القُنوطُ: أشدّ اليأس من الشيء (النهاية: ج ٤ ص ١١٣ «قنط»).

٦. يُقال: لا تُؤنِ فَرَصَتَكَ، أي: لا تؤخّرها، وكلّ شيء أخّرته فقد آنيتَهُ (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٨ «أني»).

٧. التثبيطُ: هو التعويق والشُّغل عن المراد (النهاية: ج ١ ص ٢٠٧ «ثبط»).

٨. الدعوات: ص ٥٩ ح ١٤٧، مُهَج الدعوات: ص ٣١٧ عن الإمام الجواد عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص ٥٢٧ عن الإمام الرضا عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦٤ ح ١٧.

٩. الدَّرَكُ: اللّحاقُ والوصول إلى الشيء (النهاية: ج ٢ ص ١١٤ «درك»).

١٠. الدعاء للطبراني: ص ٣٩٨ ح ١٣٣٥ عن أبي هريرة.

و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به تو پناه می‌برم.

۲۴۰۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از روز بد و از شب بد، و از ساعت بد و از دوست بد و از همسایه بد در محلّ اقامت، به تو پناه می‌برم.

۲۴۰۴ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ از مناجات ایشان برای حاجتخواهی ـ: بار خدایا! ای پروردگار من! به بزرگواری‌ات مرا از ناکامی و نومیدی و کُندی و تأخیر در اجابت شیرینت و عطای سرشارت، در پناه خویش بدار، که به راستی تو حمایتگری، و در دَهِش‌های فراوان، توانگری، و تو بر هر چیزی توانایی و به هر چیزی احاطه داری.

۲۴۰۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از فرود آمدن بلا و دامنگیر شدن بدبختی و دشمن شاد شدن، به تو پناه می‌برم.

۲۴۰۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از بدی قضا و بدی تقدیر، مواجه شدن با منظرهٔ بد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ.[١]

٢٣٠٧ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ وَالقِلَّةِ وَالذِّلَّةِ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أظلِمَ أو أُظلَمَ.[٢]

٢٣٠٨ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الجُبنِ، وأعوذُ بِكَ أن أُرَدَّ إلىٰ أرذَلِ[٣] العُمُرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ الدُّنيا، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ.[٤]

٢٣٠٩ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ، وَالكَسَلِ، وَالجُبنِ، وَالهَرَمِ، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَحيا وَالمَماتِ.[٥]

٢٣١٠ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالهَرَمِ، وَالمَأثَمِ وَالمَغرَمِ، ومِن فِتنَةِ القَبرِ وعَذابِ القَبرِ، ومِن فِتنَةِ النّارِ وعَذابِ النّارِ، ومِن شَرِّ فِتنَةِ الغِنىٰ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ الفَقرِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ المَسيحِ الدَّجّالِ.[٦]

---

١ . جامع الأخبار: ص ٣٦٤ ح ١٠١٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦.

٢ . سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩١ ح ١٥٤٤، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦١ و ٢٦٢، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٧٣ ح ٨٠٥٩ و ص ٢١٤ ح ٨٣١٨، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧٢٥ ح ١٩٨٣ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٩ ح ٣٦٨٨.

٣ . أرذَلُ العُمُرِ: أي آخره في حال الكِبَرِ والعَجزِ والخَرَف (النهاية: ج ٢ ص ٢١٧ «رذل»).

٤ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٩ و ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٧، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٨٧ ح ١٥٨٥ و ص ٣٩٥ ح ١٦٢١، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ٢٨٤ ح ١٠٠٤ و ج ٥ ص ٣٧١ ح ٢٠٢٤، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٣٦٧ ح ٧٤٦ كلّها عن سعد بن أبي وقّاص، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣٧٤٨.

٥ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤١ ح ٦٠٠٦ و ج ٣ ص ١٠٣٩ ح ٢٦٦٨، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٩ ح ٥٠، سنن أبي داوود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٤٠، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٧ و ٢٥٨، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٢٧ ح ١٢١١٤ و ص ٤١٦ ح ١٣١٧١ كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٣٦٩٤.

٦ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤٢ ح ٦٠٠٧ و ص ٢٣٤٤ ح ٦٠١٤، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٨ ح ٤٩، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ٣٤٩٥، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٦٢ كلّها عن عائشة نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦١٨.

در بارهٔ زن و مال و فرزند، به تو پناه می‌برم.

۲۳۰۷. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از ناداری و کمبود و خواری، به تو پناه می‌برم، و به تو پناه می‌برم از این که ستم کنم یا ستم ببینم.

۲۳۰۸. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از بُخل، به تو پناه می‌برم، از ترسویی، به تو پناه می‌برم و از رسیدن به فروترین روزهای عمر (پیری و فرتوتی)، به تو پناه می‌برم. از فتنهٔ دنیا به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.

۲۳۰۹. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و بُزدلی و سالخوردگی، به تو پناه می‌برم. از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم و از فتنه [و رنج] زیستن و مُردن، به تو پناه می‌برم.

۲۳۱۰. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از سستی و سالخوردگی و گناهکاری و بدهکاری، و از فتنهٔ قبر و عذاب قبر، و از فتنهٔ آتش و عذاب آتش، و از شرّ فتنهٔ توانگری، به تو پناه می‌برم. از فتنهٔ فقر، به تو پناه می‌برم، و از فتنهٔ مسیح دجّال، به تو پناه می‌برم.

٢٣١١ . عنه ﷺ ـ أنَّهُ كانَ يَقولُ ـ : اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ ، وَالكَسَلِ ، وَالجُبنِ ، وَالبُخلِ ، وَالهَرَمِ ، وعَذابِ القَبرِ ، اللّهُمَّ آتِ نَفسي تَقواها ، وزَكِّها أنتَ خَيرُ مَن زَكّاها ، أنتَ وَلِيُّها ومَولاها ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لا يَنفَعُ ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ومِن نَفسٍ لا تَشبَعُ ، ومِن دَعوَةٍ لا يُستَجابُ لَها .[١]

٢٣١٢ . عنه ﷺ : اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ وَالبَكَمِ[٢] ، وأعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ ،[٣] وأعوذُ بِكَ مِنَ الجوعِ فَإنَّهُ بِئسَ الضَّجيعُ ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الخِيانَةِ فَإنَّها بِئسَتِ البِطانَةُ .[٤]

٢٣١٣ . عنه ﷺ ـ فِي الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ الأَمانِ ـ : أعوذُ بِاللهِ وبِعَظَمَتِهِ ، وبِعِزَّةِ اللهِ وقُدرَتِهِ ، وبِعِزِّ اللهِ وسُلطانِهِ ، وبِعِزِّ جَلالِ اللهِ ، وبِعِزِّ عِزِّ اللهِ ، مِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ ، ومِن شَرِّ ما تَحتَ الثَّرىٰ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها ، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ .[٥]

٢٣١٤ . عنه ﷺ : اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي ، ومِن شَرِّ كُلِّ سُلطانٍ شَديدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ[٦] ، ومِن شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ ، ومِن شَرِّ قَضاءِ السّوءِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ

---

١ . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٨٨ ح ٧٣ ، سنن النسائي : ج ٨ ص ٢٦٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٧ ح ٤ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ٢٠٢ ح ٥٠٨٨ وزاد فيه «وفتنة الدجّال» بعد «القبر» وكلّها عن زيد بن أرقم ، كنز العمّال : ج ٢ ص ١٧٧ ح ٣٦١٩ .

٢ . البَكَم : الخرس مع عيٍّ وبَلَهٍ (لسان العرب : ج ١٢ ص ٥٣ «بكم») .

٣ . زاد في كنز العمّال هنا : «وأعوذ من موت الغَمّ ، وأعوذ بك من موت الهَرَمِ ، وأعوذ بك من موت الهَدمِ» .

٤ . الدعاء للطبراني : ص ٤٠٥ ح ١٣٦٠ ، الفردوس : ج ١ ص ٤٦١ ح ١٨٧٤ ، كنز العمّال : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ٣٧٧٥ نقلاً عن ابن النجّار وكلّها عن أبي هريرة .

٥ . البلد الأمين : ص ٣٧٣ ، المصباح للكفعمي : ص ٣٦٤ .

٦ . المارِدُ والمريدُ من شياطين الجنّ والإنس : المتعرّي من الخيرات (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٧٦٤ «مرد») .

۲۳۱۱ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ پیوسته می‌گفت ـ: بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و سالخوردگی و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! به نفس من، پروا دِه و آن را پاک گردان، که تو بهترین پاک کنندهٔ آن هستی. تو، صاحب و سَروَر آن هستی. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از دانشی که سود نبخشد، و از دلی که خشوع نداشته باشد، و از نفسی که سیر نشود، و از دعایی که مستجاب نگردد.

۲۳۱۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از کَری و گنگی، به تو پناه می‌برم. از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می‌برم. از گرسنگی، به تو پناه می‌برم که گرسنگی، بدهمخوابه‌ای است و از خیانت، به تو پناه می‌برم؛ زیرا که خیانت، بد هم رازی است.

۲۳۱۳ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ در دعای معروف به «دعای امان» ـ: به خدا و بزرگی او، و به عزّت خدا و قدرت او، و به عزّت خدا و سلطنت او، و به ارجمندی شُکوه خدا، و به عزّتِ عزّت خدا پناه می‌برم، از شرّ آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از شرّ آنچه زیر زمین است، و از شرّ هر جنبده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن را پروردگارم در دست دارد، و به راستی که پروردگار من، بر راه راست است.

۲۳۱۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو، از شرّ نفسم، و از شرّ هر سلطان نیرومند و خشنی، و از شرّ هر شیطان گردنکشی، و از شرّ هر زورگوی خیره‌سری، و از شرّ قضای بد، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن،

أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّكَ عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ وأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ حَفيظٌ.[١]

٢٣١٥ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن غِنىً يُطغيني، وفَقرٍ يُنسيني، وهَوىً يُرديني، وعَمَلٍ يُخزيني، وجارٍ يُؤذيني.[٢]

٢٣١٦ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن كُلِّ عَمَلٍ يُخزيني، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ صاحِبٍ يُرديني، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ أمَلٍ يُلهيني، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ فَقرٍ يُنسيني، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ غِنىً يُطغيني.[٣]

٢٣١٧ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَلَدٍ يَكونُ عَلَيَّ رَبّاً[٤]، ومِن مالٍ يَكونُ عَلَيَّ ضَياعاً، ومِن زَوجَةٍ تُشيبُني قَبلَ أوانِ مَشيبي، ومِن خَليلٍ ماكِرٍ عَيناهُ تَراني وقَلبُهُ يَرعاني، إن رَأىٰ خَيراً دَفَنَهُ وإن رَأىٰ شَرّاً أذاعَهُ، وأعوذُ بِكَ مِن وَجَعِ البَطنِ.[٥]

٢٣١٨ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ وَالحَزَنِ، وَالعَجزِ وَالكَسَلِ، وَالبُخلِ وَالجُبنِ، وضَلَعِ الدَّينِ، وغَلَبَةِ الرِّجالِ، وبَوارِ الأَيِّمِ، وَالغَفلَةِ وَالذِّلَّةِ، وَالقَسوَةِ وَالعَيلَةِ وَالمَسكَنَةِ، وأعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، ومِن عَينٍ لا تَدمَعُ، ومِن دُعاءٍ لا يُسمَعُ، ومِن صَلاةٍ لا تَنفَعُ، وأعوذُ بِكَ مِن امرَأَةٍ تُشيبُني قَبلَ أوانِ مَشيبي، وأعوذُ بِكَ مِن وَلَدٍ يَكونُ عَلَيَّ رَبّاً[٦]، وأعوذُ بِكَ مِن مالٍ يَكونُ عَلَيَّ عَذاباً، وأعوذُ بِكَ مِن

---

١. مُهَج الدعوات: ص ١٠١ عن أنس، المصباح للكفعمي: ص ١٠٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣١٤ ح ٦٦.

٢. جامع الأخبار: ص ٣٦٤ ح ١٠١٢، العُدد القوية: ص ٣٠٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه ذيله، مُهَج الدعوات: ص ١٣٢ عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه ذيله من «وعمل ...»، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦.

٣. عمل اليوم والليلة لابن السنّي: ص ٤٧ ح ١٢٠، الدعاء للطبراني: ص ٢٠٩ ح ٦٥٧، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ٢٤٠ ح ٤٣٣٥، الفردوس: ج ١ ص ٤٦٢ ح ١٨٧٨ كلّها عن أنس.

٤. الرَبُّ: المَولىٰ والسيّد (النهاية: ج ٢ ص ١٧٩ «ربب»).

٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٥٥٨ ح ٤٩١٧، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٥٢٤ وليس فيه ذيله من «ومن خليل ...»، الجعفريات: ص ٢١٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه؛ الدعاء للطبراني: ص ٣٩٩ ح ١٣٣٩ عن أنس نحوه.

٦. في المصدر: «رباء»، والتصويب من بحار الأنوار.

در دست توست. به راستی که تو بر راه راستی و تو بر هر چیز، نگهبانی.

۲۴۱۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از توانگری‌ای که مرا به سرکشی وادارد، و از فقری که مرا به فراموشی [از تو و یاد تو] بکشاند، و از هوسی که مرا به تباهی اندازد، و از کرداری که رسوایم سازد، و از همسایه‌ای که مرا بیازارد.

۲۴۱۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از هر عملی که مرا، خوار و رسوا گرداند. به تو پناه می‌برم از هر دوستی که مرا به تباهی کشانَد. به تو پناه می‌برم از هر آرزویی که مرا، سرگرم [و از یاد تو غافل] سازد. به تو پناه می‌برم از هر فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد، و به تو پناه می‌برم از هر توانگری‌ای که مرا به سرکشی کشانَد.

۲۴۱۷ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از فرزندی که بر من سَروَری کند، و از مالی که مایهٔ تباهی من شود، و از همسری که پیش از فرا رسیدن زمان پیری‌ام، مرا پیر گردانَد، و از دوست نیرنگبازی که چشمانش مرا می‌بیند و دلش مرا می‌پاید که اگر خوبی [از من] دید، آن را می‌پوشانَد و اگر بدی دید، افشا می‌کند؛ و به تو پناه می‌برم از درد شکم.

۲۴۱۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و بخل و ترسویی و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اویاش)، و بی‌شوهر ماندن زنان، و از غفلت و خواری، و سنگ‌دلی و تنگ‌دستی و بی‌چیزی. به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نباشد، و از چشمی که اشک نریزد، و از دعایی که شنیده [و پذیرفته] نشود، و از نمازی که سود نبخشد. به تو پناه می‌برم از زنی که پیش از فرا رسیدن زمانی پیری‌ام، مرا پیر سازد. به تو پناه می‌برم از فرزندی که بر من، سَروری کند. به تو پناه می‌برم از مالی که مایهٔ عذاب من شود. به تو پناه می‌برم از [دوست] دغلکار اگر خوبی ببیند، آن را

صاحِبِ خَديعَةٍ، إن رَأىٰ حَسَنَةً دَفَنَها، وإن رَأىٰ سَيِّئَةً أفشاها، اللّٰهُمَّ لا تَجعَل لِفاجِرٍ عِندي يَداً ولا مِنَّةً.[١]

٢٣١٩. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ، وَالكَسَلِ، وَالجُبنِ، وَالبُخلِ، وَالهَرَمِ، وَالقَسوَةِ، وَالغَفلَةِ، وَالعَيلَةِ[٢]، وَالذِّلَّةِ، وَالمَسكَنَةِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ، وَالكُفرِ، وَالفُسوقِ، وَالشِّقاقِ، وَالنِّفاقِ، وَالسُّمعَةِ، وَالرِّياءِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالبَكَمِ، وَالجُنونِ، وَالجُذامِ، وَالبَرَصِ، وَسَيِّئِ الأَسقامِ.[٣]

٢٣٢٠. عنه ﷺ ـ مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ ـ: أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ ناصِيَتُها بِيَدِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الإثمِ وَالكَسَلِ، ومِن عَذابِ القَبرِ، ومِن عَذابِ النّارِ، ومِن فِتنَةِ الغِنىٰ، ومِن فِتنَةِ الفَقرِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ المَأثَمِ وَالمَغرَمِ.[٤]

٢٣٢١. عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ إذا سافَرَ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَعثاءِ السَّفَرِ[٥]، وكَآبَةِ المُنقَلَبِ، ومِنَ الحَورِ[٦] بَعدَ الكَورِ، ودَعوَةِ المَظلومِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي

---

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٥ ح ٩٨١ عن حفص بن البختري، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٨٦ ح ٤٩.

٢. عَالَ يَعيلُ عَيلَةً: إذا افتقر (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٠ «عيل»).

٣. المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٢ ح ١٩٤٤، الدعاء للطبراني: ص ٤٠٠ ح ١٣٤٣ نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٨٨ ح ٣٦٨١.

٤. المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٢٩ ح ٢٢١١ و ج ١ ص ٧٠٥ ح ١٩٢٢ نحوه وكلاهما عن أمّ سلمة، المعجم الكبير: ج ٢٣ ص ٣١٦ ح ٧١٧، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٢١٣ ح ٦٢١٨ وليس فيه «ومن عذاب النار»، تاريخ دمشق: ج ٥ ص ٤٥٦ ح ١٣٥٥ وزاد فيه «ومن فتنة العدوّ» بعد «عذاب القبر».

٥. وَعثاءُ السفر: أي شدّته ومشقّته (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٦. أي من النقصان بعد الزيادة، وقيل: من فساد أمورنا بعد صلاحها، وقيل: من الرجوع عن الجماعة بعد أن كنّا منهم، وأصله من نقض العمامة بعد لفّها (النهاية: ج ١ ص ٤٥٨ «حور»).

قال الشريف الرضي ﷺ: في هذا الكلام مجازان؛ أحدهما قوله ﷺ: «من وعثاء السفر» وهي فعلاء من الوعث، وهو ضدّ الجدد، والسير فيه يشقّ على القدم والمنسم، فجعل عليه الصلاة والسلام طول السفر وشقّته وتكاليفه ومشقّته بمنزلة الوعثاء التي قاطِعُها تَعِبٌ والساري فيها نَصِبٌ.

والمجاز الآخر قوله عليه الصلاة والسلام: «والحور بعد الكور» أي انتشار الأمور بعد انضمامها، وانفراجها بعد التئامها، وذلك مأخوذ من حور العمامة بعد كورها، وهو نقضها بعد لَيِّها، ونشرها بعد طيّها (المجازات النبوية: ص ١٤١).

می‌پوشاند و اگر بدی ببیند، افشا می‌کند. بار خدایا! مرا مدیون نیکی و احسانِ هیچ تبهکاری قرار مده.

۲۳۱۹. **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از ناتوانی و سستی و بُزدلی و بخل و سالخوردگی و سنگ‌دلی و غفلت و تنگ‌دستی و خواری و درماندگی، به تو پناه می‌برم. از فقر و کفر و کج روی و ناسازگاری و دورویی و آوازه‌خواهی و خودنمایی، به تو پناه می‌برم. از کَری و گُنگی و دیوانگی و خوره و پیسی و بیماری‌های بد، به تو پناه می‌برم.

۲۳۲۰. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعایی که ایشان می‌خواند ـ: از گزند هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به تو پناه می‌برم از گناه و تنبلی و از عذاب قبر، و از عذاب آتش، و از آزمایش توانگری، و از آزمایش ناداری، به تو پناه می‌برم. از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می‌برم.

۲۳۲۱. **پیامبر خدا**ﷺ ـ از دعای ایشان، هنگامی که به مسافرت می‌رفت ـ: بار خدایا! از رنج سفر، و افسردگی در بازگشت، و از کاستی پس از فزونی و نفرین

الأَهلِ وَالمالِ.[١]

٢٣٢٢ . عنه ﷺ: أعوذُ بِكَ يا رَبِّ أن تَبتَلِيَني بِبَلِيَّةٍ تَحمِلُني ضَرورَتُها عَلَى التَّغَوُّثِ بِشَيءٍ مِن مَعاصيكَ، وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ أن أكونَ في حالِ عُسرٍ أو يُسرٍ أظُنُّ[٢] أنَّ معاصِيَكَ أنجَحُ في طَلِبَتي مِن طاعَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِن تَكَلُّفِ ما لَم تُقَدِّر[٣] لي فيهِ رِزقاً.

وما قَدَّرتَ لي مِن رِزقٍ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وآتِني بِهِ في يُسرٍ مِنكَ وعافِيَةٍ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٤]

٢٣٢٣ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أفتَقِرَ في غِناكَ، أو أضِلَّ في هُداكَ، أو أُذَلَّ في عِزِّكَ، أو أُضامَ[٥] في سُلطانِكَ أو أُضطَهَدَ وَالأَمرُ إلَيكَ. اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أقولَ زوراً[٦]، أو أغشىٰ فُجوراً، أو أكونَ بِكَ مَغروراً.[٧]

٢٣٢٤ . عنه ﷺ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن الهَدمِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ التَّرَدّي، وأعوذُ بِكَ مِنَ الغَرَقِ وَالحَرَقِ وَالهَرَمِ، وأعوذُ بِكَ أن يَتَخَبَّطَنِي الشَّيطانُ عِندَ المَوتِ، وأعوذُ بِكَ أن أموتَ في سَبيلِكَ مُدبِراً، وأعوذُ بِكَ أن أموتَ لَديغاً.[٨]

---

١ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٩٧ ح ٢٠٨٠٧ و ص ٣٩٦ ح ٢٠٨٠٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩٨ ح ٣٤٣٩ وفيه «الكون» بدل «الكور»، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٣، صحيح ابن خزيمة: ج ٤ ص ١٣٨ ح ٢٥٣٣ كلّها عن عبد الله بن سرجس.

٢ . في المصدر: «ظنّ»، والتصويب من مصباح المتهجّد.

٣ . في المصدر: «لا تقدّر»، والصواب ما أثبتناه كما في مصباح المتهجّد وبحار الأنوار نقلاً عن المصدر.

٤ . فلاح السائل: ص ٢٥٥ ح ١٥٤ عن فاطمة بنت الحسن ﷺ عن أبيها، مصباح المتهجّد: ص ٤٣ ح ٥١، قرب الإسناد: ص ١ ح ١ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ ﷺ وفيه صدره إلى «معاصيك»، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٦٦ ح ١٩.

٥ . الضَّيمُ: الظُّلمُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٧٣ «ضيم»).

٦ . الزُّور: الكَذِب، وزوّر كلامه: أي زخرفهُ (المصباح المنير: ص ٢٦٠ «زور»).

٧ . مُهَج الدعوات: ص ١٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٤٢ ح ٩.

٨ . سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٢ ح ١٥٥٢، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٨٦ ح ١٥٥٢٣، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٣ ح ١٩٤٨، الدعاء للطبراني: ص ٤٠٦ ح ١٣٦٣ كلّها عن أبي اليسر نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٠٦ ح ٣٧٨٠.

ستم دیده و [رو به رو شدن با] منظرهٔ بد، در میان خانواده و اموال به تو پناه می‌برم.

۲۴۲۲ . **پیامبر خدا**ﷺ: به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ از این که مرا در چنان وضعیت دشواری افکنی که ناگزیر شوم به چیزی از معصیت تو پناه برم! به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ از آن که در حالت تنگی یا گشایش، گمان برم معصیت تو، در برآوردن خواستم مؤثّرتر از طاعت توست! به تو پناه می‌برم از آن که خود را برای چیزی به رنج افکنم که آن را برایم مقدّر نکرده‌ای!

بر محمّد و خاندان او درود فرست و آن روزی‌ای را هم که برایم مقدّر ساخته‌ای، به آسانی و عافیت برایم برسان، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۴۲۳ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، گم راه شوم یا با وجود عزّت تو، خوار شوم یا با وجود قدرت تو، با من بدرفتاری شود یا در حالی که فرمان با توست، من، مورد ستم واقع شوم. بار خدایا! پناه می‌برم به تو از این که دروغ بگویم، یا تَردامنی کنم، یا به تو غرّه شوم.

۲۴۲۴ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از زیرآوار ماندن. به تو پناه می‌برم از سقوط از بلندی. به تو پناه می‌برم از غرق شدن و سوختن و سالخوردگی! به تو پناه می‌برم از این که در هنگام مُردن، شیطان، آشفته‌سرم کند. به تو پناه می‌برم از این که در حال فرار از راه تو (جهاد) بمیرم. و به تو پناه می‌برم از این که با گَزیده شدن بمیرم.

٢٣٢٥ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِنورِ قُدسِكَ، وعَظَمَةِ طَهارَتِكَ، وبَرَكَةِ جَلالِكَ، مِن كُلِّ آفَةٍ وعاهَةٍ، ومِن طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ.

اللّٰهُمَّ أنتَ غِياثي فَبِكَ أستَغيثُ، وأنتَ مَلاذي فَبِكَ ألوذُ، وأنتَ مَعاذي فَبِكَ أعوذُ، يا مَن ذَلَّت لَهُ رِقابُ الجَبابِرَةِ، وخَضَعَت لَهُ مَقاليدُ الفَراعِنَةِ، أعوذُ بِكَ مِن خِزيِكَ، ومِن كَشفِ سِترِكَ، ومِن نِسيانِ ذِكرِكَ، وَالاِنصِرافِ عَن شُكرِكَ.

أنَا في حِرزِكَ[1] في لَيلي ونَهاري، وظَعني[2] وأسفاري، ونَومي وقَراري، ذِكرُكَ شِعاري وثَناؤُكَ دِثاري، لا إلٰهَ إلّا أنتَ.[3]

٢٣٢٦ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن مُلِمّاتِ نَوازِلِ البَلاءِ، وأهوالِ عظائِمِ الضَّرّاءِ، فَأَعِذني رَبٌّ مِن صَرعَةِ البَأساءِ، وَاحجُبني عَن سَطَواتِ البَلاءِ، ونَجِّني مِن مُفاجَآتِ النِّقَمِ، وَاحرُسني مِن زَوالِ النِّعَمِ، ومِن زَلَلِ القَدَمِ، وَاجعَلني اللّٰهُمَّ رَبٌّ في حِمىٰ عِزِّكَ، وحِياطَةِ حِرزِكَ، مِن مُباغَتَةِ الدَّوائِرِ[4]، ومُعاجَلَةِ البَوائِرِ.[5]

اللّٰهُمَّ رَبٌّ وأرضُ البَلاءِ فَاخسِفها، وجِبالُ السّوءِ فَانسِفها، وكُرَبُ الدَّهرِ فَاكشِفها، وعَوائِقُ الأُمورِ فَاصرِفها، وأورِدني حِياضَ السَّلامَةِ، وَاحمِلني عَلىٰ مَطايَا الكَرامَةِ، وَاصحَبني إقالَةَ العَثرَةِ، وَاشمُلني سَترَ العَورَةِ، وجُد عَلَيَّ رَبٌّ بِآلائِكَ، وكَشفِ بَلائِكَ، ودَفعِ ضَرّائِكَ، وَادفَع عَنّي كَلاكِلَ عَذابِكَ، وَاصرِف عَنّي أليمَ عِقابِكَ، وأعِذني مِن بَوائِقِ[6] الدُّهورِ، وأنقِذني مِن سوءِ عَواقِبِ الأُمورِ، وَاحرُسني مِن جَميعِ

---

١ . الحِرزُ: الموضعُ الحصينُ (الصحاح: ج ٣ ص ٨٧٣ «حرز»).

٢ . ظَعَنَ ظَعْناً: ذَهَبَ وسَارَ (تاج العروس: ج ١٨ ص ٣٦٢ «ظعن»).

٣ . مُهَج الدعوات: ص ٩٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٠٩ نقلاً من خطّ الشهيد نحوه و ص ٢١٢ ح ٨؛ تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ٣١٩ ح ١٠٨٩٨ عن عبد الله بن عمر نحوه.

٤ . الدائِرةُ: الهزيمةُ، يقال: عليهم دائرةُ السّوء (الصحاح: ج ٢ ص ٦٦١ «دور»).

٥ . بار فلان، أي: هلك، وأبارهُ الله: أهلكهُ، وقومٌ بورٌ: أي هلكىٰ (الصحاح: ج ٢ ص ٥٩٧ «بور»).

٦ . بَوائِقُهُ: أي غوائِلُهُ وشرورُهُ (النهاية: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).

۲۳۲۵ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! به نور قداست تو و عظمت پاکی تو، و افزونی شُکوه تو، پناه می‌برم از هر گزند و آسیبی، و از پیشامدهای شب و روز، مگر پیشامدی که به نیکی آید.

بار خدایا! تو یاری کنندهٔ من هستی. پس از تو کمک می‌خواهم. تو حامی منی. پس دست به دامن تو می‌شوم. تو پناهگاه منی، پس به تو پناه می‌آورم. ای کسی که گردن‌های زورگویان، تسلم اویند و مهار فرعونان، در اختیار اوست! به تو پناه می‌برم از این که خوار و رسوایم کنی و پرده‌ام را کنار زنی، و از این که یاد تو را فراموش کنم و از سپاسگزاری تو روی بگردانم.

من در شب و روزم، و کوچیدن و سفرهایم، و در هنگام خوابیدن و استراحت کردنم، در پناه تو هستم. یادِ تو، زیرپوش من است و ثنایت، بالاپوشم. معبودی جز تو نیست.

۲۳۲۶ . **پیامبر خدا**ﷺ: بار خدایا! از بلاهای سخت فلاکت بار و از مصیبت‌های بزرگ هراس‌انگیز، به تو پناه می‌برم. پس ـ ای پروردگار من ـ از این که سختی‌ها مرا به خاک افکند، در پناه خویش بدار و از ضربات بلا، نگه دار و از کیفرهای نامنتظره، بِرَهان و از زوال نعمت‌ها و از لغزیدن گام‌ها پاس بدار و مرا ـ بار خدایا! پروردگارا ـ از شبیخون بلاها و در رسیدن بی‌امان مهلکه‌ها، در پناه عزّتت و حصار نگهداشتت قرار ده.

بار خدایا، پروردگارا! زمین بلا را درهم فرو ریز و کوه‌های بدی را درهم شکن و رنج‌های روزگار را بزُدای و مشکلات کارها را برطرف ساز و ما را به حریم‌های سلامت برسان و بر مَرکب‌های کرامت، بر نشان و همواره، در لغزش‌ها دستم را بگیر و بر عیب‌هایم پرده در افکن و نعمتهایت را ـ ای پروردگار ـ بر من ببخشای و بلایت را از من، بگردان و گزندت را از من، دور ساز و سنگینی‌های عذابت را از من، بردار و کیفر دردناکت را از من، دفع کن. مرا از بدی‌های روزگاران، در پناه خویش بدار و از بدی فرجام کارها رهایی‌ام بخش و از هرگونه دشواری، نگاهم دار و خَرسنگ بلا را از کار من، بردار و

المَحذورِ، وَاصدَع صَفاةَ البَلاءِ عَن أمري، وأشلِل يَدَهُ عَنّي مَدىٰ عُمُري، إنَّكَ الرَّبُّ المَجيدُ، المُبدِئُ المُعيدُ، الفَعّالُ لِما يُريدُ.[١]

٢٣٢٧ . المعجم الكبير عن عائشة بنت قدامة بن مظعون: سَمِعتُ رَسولَ اللهِ ﷺ يَقولُ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ الأَعمَيَينِ، قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، ومَا الأَعمَيانِ؟ قالَ: السَّيلُ وَالبَعيرُ الصَّؤولُ.[٢]

٢ / ٦
الاِستِعاذاتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام

٢٣٢٨ . الإمام علي عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أفتَقِرَ في غِناكَ، أو أضِلَّ في هُداكَ، أو أُضامَ في سُلطانِكَ، أو أُضطَهَدَ وَالأَمرُ لَكَ.

اللّٰهُمَّ اجعَل نَفسي أوَّلَ كَريمَةٍ تَنتَزِعُها مِن كَرائِمي[٣]، وأوَّلَ وَديعَةٍ تَرتَجِعُها مِن وَدائِعِ نِعَمِكَ عِندي.

اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ أن نَذهَبَ عَن قَولِكَ، أو أن نَفتَتِنَ عَن دينِكَ، أو تَتابَعَ بِنا أهواؤُنا دونَ الهُدَى الَّذي جاءَ مِن عِندِكَ.[٤]

٢٣٢٩ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في قُنوتِ الوَترِ ـ: يا مَن كَرَّمَني وشَرَّفَني ونَعَّمَني، أعوذُ بِكَ مِنَ

---

١ . الدعوات: ص ٨٢ ح ٢٠٧، مُهَج الدعوات: ص ٣١٣ عن محمّد بن الحارث عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص ٣٣٠ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٢ ح ٤٥.

٢ . المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣٤٤ ح ٨٥٨، كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٩٩ ح ٥١٢٣ نقلاً عن الرامهرمزي عن ابن عمر وفيه «المغتلم» بدل «الصؤول» و ص ١٨٣ ح ٣٦٤٩.

٣ . أي إذا أردتَ أن تستردَّ منّي بعضَ أعضائي، فقبل أن تنتزع عقلي وبعض جوارحي التي عليها اعتمادُ بدني وقوامهُ وزينتُهُ، فانزع نفسي (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٦٥ «كرم»).

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ٢١٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٠ ح ٤.

دستش را در تمام عمرم، از من کوتاه کن، که به راستی، تو پروردگار بزرگواری، آغاز کننده و بازگرداننده‌ای (/آفریننده و باز آفرینی) و هر آنچه خواهی، انجام می‌دهی.

۲۳۲۷ . **المعجم الکبیر** ـ به نقل از عایشه دختر قدامة بن مَظعون ـ: از پیامبر خدا شنیدم که می‌گوید: «بار خدایا! از شرّ دو کور، به تو پناه می‌برم».

گفته شد: ای پیامبر خدا! دو کور چیستند؟

فرمود: «سیل و شتر مست».

۲/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از امام علی علیه‌السلام

۲۳۲۸ . **امام علی** علیه‌السلام: بار خدایا! پناه می‌برم به تو از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، در گم راهی به سر برم یا با وجود سلطنت تو، به من بیداد شود یا با وجود فرمان روایی تو، به من ستم [و بد رفتاری] شود.

بار خدایا! جان مرا نخستین عضو از اعضای گرامی من قرار ده که از من می‌گیری[1] و نخستین نعمتی بدار که به من سپرده‌ای و از من، باز می‌ستانی.

بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که از گفتارت، بیرون رویم یا از دینت، گم راه شویم یا هوس‌هایمان، ما را به غیر راهی ببَرَد که از جانب تو آمده است.

۲۳۲۹ . **امام علی** علیه‌السلام ـ از دعای ایشان در دعای قنوت نماز وَتْر ـ: ای آن که مرا گرامی

---

۱ . یعنی هرگاه خواستی برخی اعضای مرا باز گیری، پیش از آن که عقل مرا و اعضای اصلی مرا ـ که تکیه و قوام و زینت بدن من به آنهاست ـ بگیری، جان مرا بگیر.

الزَّقّومِ[١]، وأعوذُ بِكَ مِنَ الحَميمِ[٢]، وأعوذُ بِكَ مِن مَقيلٍ فِي النّارِ بَينَ أطباقِ النّارِ، في ظِلالِ النّارِ يَومَ النّارِ، يا رَبَّ النّارِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مَقيلاً فِي الجَنَّةِ، بَينَ أنهارِها وأشجارِها، وثِمارِها ورَيحانِها، وخَدَمِها وأزواجِها، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَ الخَيرِ: رِضوانَكَ وَالجَنَّةَ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ الشَّرِّ: سَخَطِكَ وَالنّارِ، هٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ.[٣]

٢٣٣٠ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ العِشاءِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، ومِن جَورِ كُلِّ جائِرٍ، وحَسَدِ كُلِّ حاسِدٍ، وبَغيِ كُلِّ باغٍ، اللّهُمَّ احفَظني في نَفسي وأهلي ومالي، وجَميعِ ما خَوَّلتَني مِن نِعَمِكَ.[٤]

٢٣٣١ . عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أقولَ حَقّاً لَيسَ فيهِ رِضاكَ، ألتَمِسُ بِهِ أحَداً سِواكَ، وأعوذُ بِكَ أن أتَزَيَّنَ لِلنّاسِ بِشَيءٍ يَشينُني عِندَكَ، وأعوذُ بِكَ أن أكونَ عِبرَةً لِأَحَدٍ مِن خَلقِكَ، وأعوذُ بِكَ أن يَكونَ أحَدٌ مِن خَلقِكَ أسعَدَ بِما عَلَّمتَني مِنّي.[٥]

٢٣٣٢ . عنه ﷺ ـ قَبلَ رَفعِ المَصاحِفِ يَومَ صِفّينَ ـ: اللّهُمّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الغَمِّ وَالحَزَنِ، وَالعَجزِ وَالكَسَلِ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ، وسوءِ الخُلُقِ، وضَلَعِ الدَّينِ، وغَلَبَةِ الرِّجالِ، وغَلَبَةِ العَدُوِّ، وتَوالِي الأَيّامِ، ومِن شَرِّ ما يَعمَلُ الظّالِمونَ فِي الأَرضِ، وبَلِيَّةٍ لا أستَطيعُ عَلَيها صَبراً، وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَيءٍ زَحزَحَ بَيني وبَينَكَ، أو باعَدَ مِنكَ، أو صَرَفَ عَنّي وَجهَكَ، أو نَقَصَ بِهِ مِن حَظّي عِندَكَ، وأعوذُ بِكَ أن تَحولَ خَطاياي أو

---

١ . الزقّوم: شجرة غبراء صغيرة الورق، ذفرة مرّة (لسان العرب: ج ١٢ ص ٢٦٩ «زقم»).

٢ . الحَميمُ: الماء الشديد الحرارة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٥٤ «حمم»).

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٩٢ ح ١٤١٢، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٠ ح ٦٧.

٤ . فلاح السائل: ص ٣٣٨ ح ٣٠٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١١٣ ح ١.

٥ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٢٨ ح ٩٩٣.

داشت و بزرگی بخشید و نعمت داد! از زقّوم[1] به تو پناه می‌برم، از آب جوشان [ـِ دوزخ] به تو پناه می‌برم و از خوابگاه نیم روزی در آتش در میان طبقات آتش، در سایه‌های آتش، در روز آتش، به تو پناه می‌برم، ای پروردگار آتش!

بار خدایا! از تو خواهم خوابگاهی نیم روزی در بهشت، در میان جویباران و درختانش، و میوه‌ها و گل‌هایش، و چاکران و همسرانش.

بار خدایا! بهترینِ بهترین‌ها را از تو خواهم: خشنودی‌ات و بهشت را. و از بدترین بدترین‌ها به تو پناه می‌برم: ناخشنودی‌ات و آتش. این جا کسی ایستاده که از آتش، به تو پناه آورده است (سه مرتبه).

۲۳۳۰ . **امام علی**ؑ ـ از دعای ایشان پس از نماز عشا ـ: بار خدایا! از پیشامدهای نامنتظرهٔ شب و روز، و از بیداد هر بیدادگری، و حسادت هر حسودی، و ستم هر ستمگری به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! مرا و خانواده‌ام را، و دارایی‌ام را و هر آن نعمتی را که به من داده‌ای، محافظت فرما.

۲۳۳۱ . **امام علی**ؑ ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که حقّی را نه برای خشنودی تو، که برای جلب خشنودی غیر تو بگویم! به تو پناه می‌برم از این که خویشتن را برای مردم به چیزی بیارایم که مرا در نزد تو، زشت می‌گرداند! به تو پناه می‌برم از این که مایهٔ عبرت خلق تو شوم! به تو پناه می‌برم از این که اَحَدی از خلق تو، به آنچه مرا آموخته‌ای، سعادتمندتر از خود من باشد!

۲۳۳۲ . **امام علی**ؑ ـ پیش از بالا بردن قرآن‌ها در جنگ صفّین ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و ناتوانی و سستی و ترسویی و بخل و بدخویی و فشار قرض و چیرگی مردان (اوباش) و چیره آمدن دشمن و در پی هم آمدن روزها،[2] و از شرّ کارهایی که ستمگران در زمین می‌کنند و از گرفتاری‌ای که تاب تحمّل آن را ندارم! به تو پناه می‌برم از هر چیزی که میان من و، تو جدایی افکند یا از تو، دور گرداند یا تو را از من، روی گردان سازد یا به سبب آن، از بهرهٔ من در نزد تو

---

۱ . درختی است در جهنم دارای میوهٔ بسیار تلخ که دوزخیان از آن خورند (لغت‌نامهٔ دهخدا).

۲ . شاید مراد از «روزها» جنگ و درگیری و روزهای دشوار باشد.

ظُلمي أو إسرافي عَلىٰ نَفسي، وَاتِّباعُ هَوايَ، وَاستِعمالُ شَهوَتي، دُونَ رَحمَتِكَ وبِرِّكَ وفَضلِكَ وبَرَكاتِكَ ومَوعودِكَ عَلىٰ نَفسِكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن صاحِبِ سَوءٍ فِي المَغيبِ وَالمَحضَرِ، فَإنَّ قَلبَهُ يَرعاني، وعَيناهُ تُبصِراني، وأُذُناهُ تَسمَعاني، إن رَأىٰ حَسَنَةً أطفاها[1]، وإن رَأىٰ سَيِّئَةً أبداها، وأعوذُ بِكَ مِن طَمَعٍ يُدني إلىٰ طَبَعٍ، وأعوذُ بِكَ مِن ضَلالَةٍ تُرديني، ومِن فِتنَةٍ تَعرِضُ لي، ومِن خَطيئَةٍ لا تَوبَةَ مَعَها، ومِن مَنظَرٍ سَوءٍ فِي الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ، وعِندَ غَضاضَةِ المَوتِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ وَالشَّكِّ، وَالبَغيِ وَالحَمِيَّةِ وَالغَضَبِ، وأعوذُ بِكَ مِن غِنىً يُطغيني، ومِن فَقرٍ يُنسيني، ومِن هَوىً يُرديني، ومِن يَومٍ أوَّلُهُ فَزَعٌ، وآخِرُهُ جَزَعٌ، تَسوَدُّ فيهِ الوُجوهُ، وتَجِفُّ فيهِ الأَكبادُ، وأعوذُ بِكَ أن أعمَلَ ذَنباً مُحبِطاً لا تَغفِرُهُ أبَداً، ومِن ذَنبٍ يَمنَعُ خَيرَ الآخِرَةِ، ومِن أمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ، وحَياةٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الجَهلِ وَالهَزلِ، ومِن شَرِّ القَولِ وَالفِعلِ، ومِن سُقمٍ يَشغَلُني، ومِن صِحَّةٍ تُلهيني، وأعوذُ بِكَ مِنَ التَّعَبِ وَالنَّصَبِ، وَالوَصَبِ وَالضَّيقِ وَالضَّنكِ، وَالضَّلالَةِ وَالغائِلَةِ، وَالذِّلَّةِ وَالمَسكَنَةِ، وَالرِّياءِ وَالسُّمعَةِ، وَالنَّدامَةِ وَالحَزَنِ، وَالخُشوعِ وَالبَغيِ وَالفِتَنِ، ومِن جَميعِ الآفاتِ وَالسَّيِّئاتِ، وبَلاءِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، وأعوذُ بِكَ مِن وَسوَسَةِ الأَنفُسِ مِمّا لا تُحِبُّ[2] مِنَ القَولِ وَالفِعلِ وَالعَمَلِ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ، وَالحَسِّ وَاللَّبسِ، ومِن طَوارِقِ اللَّيلِ

---

١. وفي نسخة: «أخفاها».

٢. في المصدر: «ممّا تُحِبُّ»، والتصويب من بحار الأنوار.

کاسته شود! و به تو پناه می‌برم از این که خطاهایم یا ستمم یا فزونکاری‌ام بر خویشتن، و پیروی از هوسم و به کار بستن خواهش نفسم، مانع رحمت و احسان و لطف و برکت‌های تو و وعده‌ای که بر عهده گرفته‌ای، [از من] شود.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از یار بد در غیاب و حضور؛ [یاری] که دلش مرا می‌پاید و چشمانش مرا می‌بیند و گوش‌هایش [سخنان] مرا می‌شنود که اگر خوبی [از من] ببیند، آن را می‌پوشاند و اگر بدی ببیند، آشکارش می‌سازد. به تو پناه می‌برم از طمعی که مرا به پستی کشاند. به تو پناه می‌برم از گمراهی‌ای که مرا به نابودی کشاند و از فتنه‌ای که برایم پیش آید و از گناهی که با آن، توبه‌ای نباشد و از پیشامد بد برای خانواده و دارایی و فرزندان، و در هنگام خواری مرگ! به تو پناه می‌برم از کفر و شکّ و ستم و تعصّب و خشم. به تو پناه می‌برم از ثروتی که مرا به سرکشی کشاند، و از فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد، و از هوسی که مرا به نابودی افکند. [به تو پناه می‌برم] از روزی که آغازش هراس باشد و میانش بی‌تابی؛ روزی که در آن روی‌ها سیاه و جگرها [از تشنگی] تفتیده می‌شود. به تو پناه می‌برم از این که گناهی مرتکب شوم که اعمال را بر باد می‌دهد و هرگز، آن را نمی‌بخشی، و از گناهی که مانع رسیدن به خیر آخرت می‌شود، و از آرزویی که از عمل نیک، باز می‌دارد، و از زیستنی که مانع خوبْ مُردن می‌شود. به تو پناه می‌برم از نادانی کردن و شوخی، و از گفتار و کردار بد، و از بیماری‌ای که مرا به خود، مشغول دارد، و از تندرستی‌ای که مرا [از یاد تو] غافل گرداند. به تو پناه می‌برم از خستگی و فرسودگی و رنجوری و تنگنایی و زندگی جانکاه، و گم راهی و تیره‌روزی و خواری و بینوایی و خودنمایی و شهرت‌طلبی و پشیمانی و اندوه و شکستگی و ستم و فتنه‌ها، و از همهٔ گزندها و بدی‌ها، و از بلای دنیا و آخرت. به تو پناه می‌برم از زشتکاری‌های آشکار و پنهان. به تو پناه می‌برم از هر گفتار و کردار و رفتاری که تو دوست نداری و نفس به آنها وسوسه می‌کند.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از جنّ و آدمی، و فریب و درهم آمیختگی، و از

وَالنَّهارِ، وأنفُسِ الجِنِّ وأعيُنِ الإنسِ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي، ومِن شَرِّ لِساني، ومِن شَرِّ سَمعي، ومِن شَرِّ بَصَري، وأعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، ومِن دُعاءٍ لا يُسمَعُ، وصَلاةٍ لا تُرفَعُ، اللّٰهُمَّ لا تَجعَلني في شَيءٍ مِن عَذابِكَ، ولا تَرُدَّني في ضَلالَةٍ، اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ بِشِدَّةِ مُلكِكَ، وعِزَّةِ قُدرَتِكَ، وعَظَمَةِ سُلطانِكَ، ومِن شَرِّ خَلقِكَ أجمَعينَ.[1]

٢٣٣٣ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في خُطبَةِ صَلاةِ الاِستِسقاءِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِنَ الشِّركِ وهَواديهِ، وَالظُّلمِ ودَواهيهِ[2]، وَالفَقرِ ودَواعيهِ.[3]

٢٣٣٤ . عنه ﷺ ـ أنَّهُ كانَ يَقولُ ـ: أعوذُ بِكَ مِن جَهدِ البَلاءِ، ودَركِ الشَّقاءِ، وشَماتَةِ الأَعداءِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ السِّجنِ وَالقَيدِ وَالسَّوطِ.[4]

٢٣٣٥ . عنه ﷺ: نَعوذُ بِاللهِ مِن سَيِّئاتِ الأَعمالِ.[5]

٢٣٣٦ . عنه ﷺ ـ مِن خُطبَةٍ لَهُ ـ: نَحمَدُهُ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلىٰ جَميعِ نَعمائِهِ كُلِّها، ونَستَهديهِ لِمَراشِدِ أُمورِنا، ونَعوذُ بِهِ مِن سَيِّئاتِ أعمالِنا، ونَستَغفِرُهُ لِلذُّنوبِ الَّتي سَبَقَت مِنّا.[6]

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ١٣١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩.

٢ . دواهي الدهر: ما يصيب الناس من عظيم نوائبه وحوادثه (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٤٤ «دها»).

٣ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٥٣ ح ٣٢٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٥٠١، مصباح المتهجّد: ص ٥٢٨ ح ٦١١، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٩٤ ح ٢.

٤ . كنز العمّال: ج ٢ ص ٦٧٨ ح ٥٠٥٤ نقلاً عن يوسف القاضي.

٥ . الأمالي للصدوق: ص ٧٢٢ ح ٩٨٨ عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٩٥ ح ١٣.

٦ . الكافي: ج ١ ص ١٤٢ ح ٧، التوحيد: ص ٣٣ ح ١ وفيه «سلفت» بدل «سبقت» وكلاهما عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٦٦ ح ١٤.

پیشامدهای شب و روز، و از چشم‌زخم جنّیان و آدمیان.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شرّ نفسم، و از شرّ زبانم، و از شرّ گوشم، و از شرّ چشمم.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نباشد، و از دعایی که مستجاب نشود، و از نمازی که [به درگاه خدا] بالا نرود.

بار خدایا! مرا به هیچ عذابت، گرفتار مساز، و در هیچ گم‌راهی‌ای میفکن.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم، به استواری پادشاهی‌ات، و شکست‌ناپذیری قدرتت، و بزرگی سلطنتت، و از شرّ همهٔ آفریدگانت.

۲۳۳۳ . **امام علی**ؑ ـ از دعای ایشان در خطبه نماز طلب باران ـ: بار خدایا! از شرک و پیشروان آن، و از ستم و پیامدهای مصیبت‌بار آن، و از فقر و اسباب آن، به تو پناه می‌بریم.

۲۳۳۴ . **امام علی**ؑ ـ همواره می‌گفت ـ: از بلای جانکاه، و دامنگیر شدن بدبختی [و رنج]، و شماتت دشمن، به تو پناه می‌برم! از زندان و زنجیر و تازیانه، به تو پناه می‌برم.

۲۳۳۵ . **امام علی**ؑ: از بد کُنشی‌ها به خدا پناه می‌بریم.

۲۳۳۶ . **امام علی**ؑ ـ در سخنرانی‌ای از ایشان ـ: او را با همهٔ ستایش‌هایش، سراسر، بر همهٔ نعمت‌هایش، یکسر می‌ستاییم و در رسیدن به درستی کارهایمان، از او راه نمایی می‌جوییم و از کردارهای بدِ خویش، به او پناه می‌بریم و برای گناهان پیشین خود، از او آمرزش می‌طلبیم.

٢٣٣٧ . عنه عليه السلام ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ : اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن بَياتِ غَفلَةٍ، وصَباحِ نَدامَةٍ.[١]

٢٣٣٨ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَيءٍ زَحزَحَ بَيني وبَينَكَ، أو صُرِفَ بِهِ عَنّي وَجهُكَ الكَريمُ.[٢]

٢٣٣٩ . عنه عليه السلام: اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ أن نَذهَبَ عَن قَولِكَ، أو أن نُفتَتَنَ عَن دينِكَ، أو تَتابَعَ بِنا أهواؤُنا دونَ الهُدَى الَّذي جاءَ مِن عِندِكَ.[٣]

٢٣٤٠ . عنه عليه السلام: نَعوذُ بِاللهِ مِن سُباتِ[٤] العَقلِ، وقُبحِ الزَّلَلِ، وبِهِ نَستَعينُ.[٥]

٢٣٤١ . الإمام الصادق عليه السلام: كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الاِحتِلامِ، ومِن سوءِ الأَحلامِ، وأن يَلعَبَ بِيَ الشَّيطانُ فِي اليَقَظَةِ وَالمَنامِ.[٦]

٢٣٤٢ . الإمام علي عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ المَعروفِ بِدُعاءِ الأَمانِ ـ : أنا يا رَبِّ مُستَكينٌ مُتَضَرِّعٌ إلَيكَ، عائِذٌ بِكَ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيكَ... لا تُهلِكني إن عُذتُ بِكَ، ولُذتُ وأَنَختُ بِفِنائِكَ، وَاستَجَرتُ بِكَ، إن دَعَوتُكَ يا مَولايَ فَبِذلِكَ أمَرتَني، وأنتَ ضَمِنتَ لي، وإن سَأَلتُكَ

---

١ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٨ ح ٩٩١.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٤ ح ٢٣٩ عن محمّد بن عليّ بن عبد الله عن الإمام الحسين عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٥٥٨ ح ٦٥٣، الإقبال: ج ١ ص ٣٢١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٢٨ ح ٣.

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ٢١٥، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٠ ح ٤.

٤ . السُّبات: النَّوم الثقيل. وسُبِتَ: غُشي عليه، وأيضاً: مات (المصباح المنير: ص ٢٦٢ «سبت»).

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٤، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٦٣ ح ٥٧، غرر الحكم: ح ٩٩٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٨ ح ٩١٧٤ وفيهما «سيّئات» بدل «سبات»، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٦٣ ح ٥٧.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٥٣٦ ح ٥ عن عبد الله بن ميمون، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٧١ ح ١٣٥٨ عن معاوية بن عمّار، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٦ ح ٢١٠٧، فلاح السائل: ص ٤٨٣ ح ٣٢٩ عن بكر بن محمّد وفيه «شرّ الأحلام» بدل «سوء الأحلام»، مصباح المتهجّد: ص ١٢٢ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها «كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٧.

۲۴۳۷ . **امام علی**ﷺ ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ: بار خدایا! از شام غفلت و بام پشیمانی، به تو پناه می‌بریم.

۲۴۳۸ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو از هر آن چیزی که میان من و تو، جدایی افکند یا روی گرامی تو را از من بگردانَد.

۲۴۳۹ . **امام علی**ﷺ: بار خدایا! به تو پناه می‌بریم که از گفتارت، بیرون رویم یا از دینت، گم راه شویم یا هوس‌هایمان، ما را به غیر راهی ببَرَد که از جانب تو آمده است.

۲۴۴۰ . **امام علی**ﷺ: از خوابیدن[1] خِرد، و زشتی لغزش، به خدا پناه می‌بریم و از او کمک می‌جوییم.

۲۴۴۱ . **امام صادق**ﷺ: امیر مؤمنان می‌گفت: «بار خدایا! به تو پناه می‌برم از محتلم شدن، و از خواب‌های بد، و از این که شیطان در بیداری و خواب، با من بازی کند.

۲۴۴۲ . **امام علی**ﷺ ـ از دعای ایشان معروف به «دعای امان» ـ: من ـ ای پروردگار ـ بیچاره‌ای هستم که به تو التماس می‌کنم و به تو پناه آورده‌ام. و بر تو توکّل کرده‌ام... مرا که به تو پناه آورده‌ام و به تو متوسّل گشته‌ام و در آستان تو، بست نشسته‌ام و دست به دامان تو شده‌ام، هلاک مگردان. اگر تو را می‌خوانم ـ سَروَرم ـ از آن روست که به این کار، فرمانم داده‌ای و خود [اجابتش را] برایم ضمانت کرده‌ای. از تو می‌خواهم، پس عطایم کن، و از

---

۱ . واژهٔ «سُبات» که در متن عربی حدیث آمده، به معنای بیهوشی، چُرت، خواب، رخوت و بی حالی است.

فَأعطِني، وإن طَلَبتُ مِنكَ فَلا تَحرِمني.[١]

٣ / ٦
الإستِعاذاتُ المأثورةُ عَن فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليها السلام

٢٣٣٣ . فاطمة عليها السلام: اللّهُمَّ افتَح لَنا خَزائِنَ رَحمَتِكَ، وهَب لَنَا اللّهُمَّ رَحمَةً لا تُعَذِّبُنا بَعدَها فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وَارزُقنا مِن فَضلِكَ الواسِعِ رِزقاً حَلالاً طَيِّباً، ولا تُحوِجنا ولا تُفقِرنا إلىٰ أحَدٍ سِواكَ، وزِدنا لَكَ[٢] شُكراً، وإلَيكَ فاقَةً وفَقراً، وبِكَ عَمَّن سِواكَ غِنىً ويَقيناً.

اللّهُمَّ وَسِّع عَلَينا فِي الدُّنيا، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ أن تَزوِيَ[٣] وَجهَكَ عَنّا في حالٍ ونَحنُ نَرغَبُ إلَيكَ فيهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأعطِنا ما تُحِبُّ وَاجعَلهُ لَنا قُوَّةً فيما تُحِبُّ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[٤]

٢٣٣٤ . عنها عليها السلام ـ فِي الدُّعاءِ ـ: رَبِّ أستَجيرُكَ مِنَ النّارِ فَأَجِرني، رَبِّ أعوذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَأَعِذني، رَبِّ أفزَعُ إلَيكَ مِنَ النّارِ فَأَبعِدني... أفِرُّ إلَيكَ هارِباً مِنَ الذُّنوبِ فَاقبَلني، وألتَجِئُ مِن عَدلِكَ إلىٰ مَغفِرَتِكَ فَأَدرِكني، وألتاذُ[٥] بِعَفوِكَ مِن بَطشِكَ فَامنَعني.[٦]

٢٣٣٥ . عنها عليها السلام: أعوذُ بِكَ يا رَبِّ مِنَ الحَورِ[٧] بَعدَ الكَورِ.[٨]

---

١ . مصباح الزائر: ص ٩٤ـ٩٥، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٢٢ ح ٦٩.

٢ . في المصدر: «ذلك»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . زَوَيتَ عَنّي: أي صَرَفتَهُ عنّي وقبضتَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٢٠ «زوى»).

٤ . البلد الأمين (طبعة طهران ـ مكتبة الصدوق): ص ١٠١ ذكره في الحاشية، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٣٨ ح ٤٨.

٥ . لاذ يلوذُ: إذا التجأ إليه وانضمّ واستغاث (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٦ «لوذ»).

٦ . فلاح السائل: ص ٤٢٢ ح ٢٩٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٤ ح ٨.

٧ . في المصدر: «الجور»، والتصويب من بحار الأنوار.

٨ . كفاية الأثر: ص ٢٠٠، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٣٥٤ ح ٢٢٤.

تو می‌طلبم، پس محرومم مکن.

۳/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از فاطمهٔ زهرا علیها السلام

۲۴۴۳ . **فاطمه علیها السلام**: بار خدایا! گنجینه‌های رحمتت را برای ما بگشا و به ما ـ ای خدا ـ چنان رحمتی ارزانی دار که از آن پس، ما را در دنیا و آخرت، عذاب نکنی، و از فضل گسترده‌ات به ما روزی پاک و پاکیزه روزی کن، و ما را محتاج و نیازمند احدی غیر از خودت مگردان، و بر سپاس گزاری ما از خودت، و نیازمندی و درویشی ما به تو، و بی‌نیازی ما از غیر تو و یقینمان به خودت بیفزای.

بار خدایا! در دنیا، برای ما گشایش قرار ده. بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که در هیچ حالی، روی خویش را از ما بگردانی؛ بلکه همواره توجّه تو را خواهانیم.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و آنچه را تو خود دوست داری، به ما عطا کن و آن را نیروی ما برای آنچه تو دوست داری، قرار ده، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

۲۴۴۴ . **فاطمه علیها السلام** ـ در دعا ـ: پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ]، از تو درخواست حمایت می‌کنم. پس مرا در حمایت خویش بدار، و ـ پروردگارا ـ از آتش، به تو پناه می‌برم. پس مرا پناه ده.

پروردگارا! از آتش به تو متوسّل می‌شوم، پس مرا از آن، دور بدار.... از گناهان به درگاه تو می‌گریزم. پس مرا بپذیر. از عدالت تو به آمرزش تو پناه می‌آورم، پس مرا دریاب. از سختگیری تو، به گذشت تو پناهنده می‌شوم، پس مرا حفظ کن.

۲۴۴۵ . **فاطمه علیها السلام**: پروردگارا! از کاستی پس از فزونی، به تو پناه می‌برم.

٤ / ٦

الاستعاذات المأثورة عن الإمام زين العابدين عليه السلام

٢٣٣٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام ـ في مُناجاةِ العارِفينَ ـ : إلٰهي ما ألَذَّ خَواطِرَ الإلهامِ بِذِكرِكَ عَلَى القُلوبِ، وما أحلَى المَسيرَ إلَيكَ بِالأَوهامِ في مَسالِكِ الغُيوبِ، وما أطيَبَ طَعمَ حُبِّكَ، وما أعذَبَ شِربَ قُربِكَ، فَأَعِذنا مِن طَردِكَ وإبعادِكَ، وَاجعَلنا مِن أخَصِّ عارِفيكَ وأصلَحِ عِبادِكَ، وأصدَقِ طائِعيكَ، وأخلَصِ عُبّادِكَ.[1]

٢٣٣٧ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءِ الرِّزقِ ـ : اللّٰهُمَّ سَألتَ عِبادَكَ قَرضاً مِمّا تَفَضَّلتَ بِهِ عَلَيهِم، وضَمِنتَ لَهُم مِنهُ خَلَفاً، ووَعَدتَهُم عَلَيهِ وَعداً حَسَناً، فَبَخِلوا عَنكَ، فَكَيفَ بِمَن هُوَ دونَكَ إذا سَألَهُم؟ فَالوَيلُ لِمَن كانَت حاجَتُهُ إلَيهِم، فَأَعوذُ بِكَ يا سَيِّدي أن تَكِلَني إلىٰ أحَدٍ مِنهُم، فَإنَّهُم لَو يَملِكونَ خَزائِنَ رَحمَتِكَ لَأَمسَكوا خَشيَةَ الإنفاقِ بِما وَصَفتَهُم، وكانَ الإنسانُ قَتوراً[2].[3]

٢٣٣٨ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ : أعِذني مِمّا يُباعِدُني عَنكَ، ويَحولُ بَيني وبَينَ حَظّي مِنكَ، ويَصُدُّني عَمّا أُحاوِلُ لَدَيكَ، وسَهِّل لي مَسلَكَ الخَيراتِ إلَيكَ، وَالمُسابَقَةَ إلَيها مِن حَيثُ أمَرتَ.[4]

٢٣٣٩ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ فِي المَوقِفِ ـ : هٰذا مَكانُ البائِسِ الفَقيرِ، هٰذا مَكانُ المُضطَرِّ إلىٰ رَحمَتِكَ، هٰذا مَكانُ المُستَجيرِ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ، هٰذا مَكانُ العائِذِ بِكَ مِنكَ، أعوذُ

---

١ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥١ نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

٢ . إشارة للآية ١٠٠ من سورة الإسراء.

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٨ ح ١٧ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٤ . الصحيفة السجّادية: ص ١٩٦ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٦، المصباح للكفعمي: ص ٨٩٦.

۶/۲

پناه خواهی‌های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام

۲۳۴۶ . **امام زین العابدین علیه السلام** ـ در «مناجات عارفان» ـ: معبودا! چه لذّتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل‌ها! و چه شیرین است رَه پیمودن به سوی تو با وهم‌ها در راه‌ها و گذرگاه‌های غیب‌ها! و چه خوش است طعم محبّت تو! و چه گواراست شراب قُرب تو! پس ما را از این که از خود برانی و دورمان کنی، پناه ده و ما را از ویژه‌ترین عارفانت و شایسته‌ترین بندگانت و راستین‌ترین فرمانبَرانت و خالص‌ترین پرستندگانت قرار ده.

۲۳۴۷ . **امام زین العابدین علیه السلام** ـ از دعای روزی ـ: بار خدایا! تو از آنچه خود به بندگانت بخشیدی، از آنان وام خواستی و جبران آن را برای ایشان ضمانت کردی و برای آن [وام]، وعده‌ای نیکو به ایشان دادی، و آنان، از تو مضایقه کردند. پس چه رسد به این که غیر تو از آن، درخواست [وام] کند؟ بیچاره کسی که نیازش به آنان باشد! پس به تو پناه می‌برم ـ سَرورم ـ از این که مرا به کسی از بندگانت وا گذاری، که آنان، اگر گنجینه‌های رحمت [و ثروت] تو را می‌داشتند، باز از بیم تهی دستی، بخل ورزیدند که آدمی، بسی بخیل است.

۲۳۴۸ . **امام زین العابدین علیه السلام** ـ از دعای ایشان در روز عرفه ـ: مرا از هر آنچه از تو دورم می‌سازد و میان من و بهره‌ای که از سوی تو به من می‌رسد، حایل می‌گردد و مرا از آنچه برای تو می‌کوشم، باز می‌دارند، در پناه خود دار و راه خوبی‌ها را که به تو می‌انجامد و پیشی گرفتن به سوی آنها را که تو خود، بدان فرمان داده‌ای، برایم آسان [و هموار] گردان.

۲۳۴۹ . **امام زین العابدین علیه السلام** ـ از دعای ایشان در موقف ـ: این جا، جایگاه بینوای درویش است. این جا، جایگاه نیازمند به رحمت توست. این جا، جایگاه کسی است که از کیفر تو به گذشت تو پناه می‌آورد. این‌جا، جایگاه کسی است که از تو

بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، ومِن فَجأةِ نَقِمَتِكَ.[١]

٢٣٥٠ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ بِالعافِيَةِ ـ: أعِذني وذُرِّيَّتي مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، ومِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ، وَاللّامَّةِ وَالعامَّةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ سُلطانٍ عَنيدٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ مُترَفٍ حَفيدٍ[٢]، ومِن شَرِّ كُلِّ ضَعيفٍ وشَديدٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَريفٍ ووَضيعٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ صَغيرٍ وكَبيرٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ قَريبٍ وبَعيدٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ مَن نَصَبَ لِرَسولِكَ ولِأَهلِ بَيتِهِ حَرباً مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّكَ عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.[٣]

٢٣٥١ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: أعِذني مِن شَماتَةِ الأَعداءِ، ومِن حُلولِ البَلاءِ، ومِنَ الذُّلِّ وَالعَناءِ، [و][٤] تَغَمَّدني فيمَا اطَّلَعتَ عَلَيهِ مِنّي بِما يَتَغَمَّدُ بِهِ القادِرُ عَلَى البَطشِ لَولا حِلمُهُ، وَالآخِذُ عَلَى الجَريرَةِ[٥] لَولا أناتُهُ، وإذا أرَدتَ بِقَومٍ فِتنَةً أو سوءاً فَنَجِّني مِنها لِواذاً بِكَ، وإذ لَم تُقِمني مَقامَ فَضيحَةٍ في دُنياكَ، فَلا تُقِمني مِثلَهُ في آخِرَتِكَ.[٦]

٢٣٥٢ . عنه عليه السلام ـ مِن مُناجاتِهِ في أسحارِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: أنَا يا سَيِّدي عائِذٌ بِفَضلِكَ، هارِبٌ مِنكَ إلَيكَ، مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِكَ ظَنّاً....

اللّهُمَّ اشغَلنا بِذِكرِكَ، وأعِذنا مِن سَخَطِكَ، وأجِرنا مِن عَذابِكَ، وَارزُقنا مِن مَواهِبِكَ، وأنعِم عَلَينا مِن فَضلِكَ....

---

١. مصباح المتهجّد: ص ٦٩٥ ح ٧٧١، المزار للمفيد: ص ١٦١، المزار الكبير: ص ٤٥٣ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ٢ ص ١٠٨، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٣٢.

٢. الحفدُ: الخدمةُ والعَمَلُ، ورجل محفود: أي مخدوم (لسان العرب: ج ٣ ص ١٥٣ ـ ١٥٤ «حفد»).

٣. الصحيفة السجّادية: ص ٩٨ الدعاء ٢٣.

٤. أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال ومصباح المتهجّد.

٥. الجَريرةُ: الجِناية والذنب (النهاية: ج ١ ص ٢٥٨ «جرر»).

٦. الصحيفة السجّادية: ص ١٩٩ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٨، المصباح للكفعمي: ص ٨٩٩.

به تو پناهنده می‌شود. از ناخشنودی تو و غافلگیری خشم و انتقامت، به گذشت تو پناه می‌برم.

۲۳۵۰. **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در طلب عافیت ـ: مرا و فرزندان مرا از شیطان رانده شده و از گزند هر جانور زَهردار کُشنده و غیر کُشنده، و از چشم بد[1] و از گزند همه چیز و همه کس، و از گزند هر شیطان سرکش، و از گزند هر پادشاه ستمگر، و از گزند هر مرفّهِ دارای خَدَم و حَشَم، و از گزند هر ناتوان و زورمند، و از گزند هر بلندپایه و دون‌پایه، و از گزند هر خُرد و کلان، و از گزند هر نزدیک و دور [و خویش و بیگانه]، و از گزند هر آن کس که به جنگ با پیامبر تو و خاندانش برخاسته است، از پری (جِن) و آدمی، و از گزند هر جنبنده‌ای که زمامش در دست توست، در پناه خویش بدار، که تو بر راه راستی.

۲۳۵۱. **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز عرفه ـ: مرا از شماتت دشمنان، و از گرفتار آمدن در بلا، و از خواری و رنج، در پناه خودبدار، و از خطاهای من که خود از آنها آگاهی، درگذر، چونان کسی که می‌تواند انتقام گیرد، امّا بردباری‌اش مانع می‌شود، و می‌تواند بر گناه کیفر دهد، لیکن شکیبایی‌اش نمی‌گذارد. و هرگاه خواستی مردمی را عذاب کنی یا به آنها گزند رسانی، مرا که به تو پناه جسته‌ام، از آن رهایی ده، همچنان که در دنیایت، مرا در جایگاه رسوایان، بر پا نداشتی، در آخرتت نیز در مقام رسوایان بر پا مدار.

۲۳۵۲. **امام زین العابدین**ﷺ ـ از مناجات ایشان در سحرهای ماه رمضان ـ: سَرورم! من به فضل تو پناه آورده‌ام، از تو به خود تو گریخته‌ام و بی‌گمان، تو به وعدهٔ گذشت از کسی که به تو گمان نیک بَرَد، جامهٔ عمل می‌پوشانی ... .

بار خدایا! ما را به یاد خودت، مشغول بدار و از خشمت، پناه ده و از عذابت، نگاهمان مدار و از موهبت‌هایت، روزی‌مان کن و از فضل خویش، ارزانی‌مان دار ... .

---

۱. یا: نوعی جنون که عارض انسان می‌شود؛ یا: هر چیزی که موجب بیم و هراس شود.

اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالفَشَلِ، وَالهَمِّ وَالحَزَنِ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ، وَالغَفلَةِ وَالقَسوَةِ، وَالذِّلَّةِ وَالمَسكَنَةِ، وَالفَقرِ وَالفاقَةِ، وَكُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالفواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، وأعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ، وبَطنٍ لا يَشبَعُ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ، وعَمَلٍ لا يَنفَعُ، [وصَلاةٍ لا تُرفَعُ][1]، وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلىٰ نَفسي وديني ومالي، وعَلىٰ جَميعِ ما رَزَقتَني، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، إنَّكَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ.[2]

٢٣٥٣. عنه عليه السلام ـ مِمّا كانَ يَقولُ بَعدَ صَلاةِ اللَّيلِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن نارٍ تَغَلَّظتَ بِها عَلىٰ مَن عَصاكَ، وتَوَعَّدتَ بِها مَن صَدَفَ[3] عَن رِضاكَ، ومِن نارٍ نورُها ظُلمَةٌ، وهَيِّنُها أليمٌ، وبَعيدُها قَريبٌ، ومِن نارٍ يَأكُلُ بَعضَها بعضٌ، ويَصولُ بَعضُها عَلىٰ بَعضٍ، ومِن نارٍ تَذَرُ العِظامَ رَميماً[4]، وتَسقي أهلَها حَميماً، ومِن نارٍ لا تُبقي عَلىٰ مَن تَضَرَّعَ إلَيها، ولا تَرحَمُ مَنِ استَعطَفَها، ولا تَقدِرُ عَلَى التَّخفيفِ عَمَّن خَشَعَ لَها وَاستَسلَمَ إلَيها، تَلقىٰ سُكّانَها بِأحَرِّ ما لَدَيها مِن أليمِ النَّكالِ[5]، وشَديدِ الوَبالِ[6]، وأعوذُ بِكَ مِن عَقارِبِها الفاغِرَةِ[7] أفواهُها، وحَيّاتِها الصّالِقَةِ[8] بِأنيابِها، وشَرابِها الَّذي يُقَطِّعُ أمعاءَ وأفئِدَةَ سُكّانِها ويَنزِعُ قُلوبَهُم، وأستَهديكَ لِما باعَدَ مِنها وأخَّرَ عَنها.[9]

---

١. أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار.

٢. الإقبال: ج ١ ص ١٥٩ ـ ١٧٤ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٨٤ ـ ٩٣.

٣. صَدَفت عنه أصدِفُ: أعرَضت (المصباح المنير: ص ٣٣٥ «صدف»).

٤. الرميم: العظم البالي (النهاية: ج ٢ ص ٢٦٧ «رمم»).

٥. النَّكال: العقوبة (النهاية: ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٦. الوَبالُ: الثِّقَلُ والمكروه (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبل»).

٧. فَغَرتُ الفمَ: فَتَحتُه (المصباح المنير: ص ٤٧٨ «فغر»).

٨. صَلَقَ نابُهُ صَلْقاً: حكّه بالآخر، فحدث بينهما صوت (تاج العروس: ج ٣ ص ٢٧٥ «صلق»).

٩. الصحيفة السجّادية: ص ١٣٣ الدعاء ٣٢، مصباح المتهجّد: ص ١٩١ نحوه، المصباح للكفعمي: ص ٨٥، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٢٤ ح ١٠٠.

بار خدایا! من از تنبلی و سستی و نگرانی و اندوه و ترسویی و بخل و غفلت و سنگ‌دلی و خواری و بیچارگی و نادانی و تنگ‌دستی و از هر بلایی، و از زشتی‌های آشکار و نهان، به تو پناه می‌برم. و به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نباشد، و شکمی که سیر نشود، و دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و دعایی که شنیده نشود، و عملی که سود نبخشد [و نمازی که بالا نرود]، و از گزند شیطان رانده شده به خودم و دینم و اموالم و همهٔ آنچه روزی‌ام کرده‌ای، به تو پناه می‌برم ـ ای پروردگار من ـ که به راستی، تو شنوا و دانایی.

۲۳۵۳ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان بعد از نماز شب ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از آتشی که با آن، بر کسی که نافرمانی‌ات کند، درشتی نموده‌ای و آن را که از خشنودی تو دوری گزیند، بدان، تهدید کرده‌ای. از آتشی که روشنایی آن، تاریکی است و آسان آن، دردناک است و دورش، نزدیک؛ از آتشی که زبانه‌هایش یکدیگر را فرو می‌خورند و بر یکدیگر می‌تازند؛ از آتشی که استخوان‌ها را خاکستر می‌کند و اهل خود را آب جوشان می‌نوشانَد؛ از آتشی که نه بر آن که به او زاری کند، ابقا می‌کند، و نه بر آن که به او التماس نماید، رحم می‌آورد، و نه به آن که در برابرش کُرنش کند و تسلیمش شود، می‌تواند تخفیف دهد؛ بلکه با ساکنان خود به سوزناک‌ترین عذابی که نزد خویش از کیفر دردناک و مجازات‌های سخت دارد، برخورد می‌کند. به تو پناه می‌برم از کژدم‌های دوزخ که دهان‌های خویش را گشوده‌اند، و از مارهای آن که نیش‌هایشان را به هم می‌سایند، و از نوشیدنی آن که احشا و امعای ساکنانشان را تکّه تکّه می‌کند و قلب‌هایشان را بر می‌کَنَد! از تو می‌خواهم مرا به راهی ببری که از این آتش، دور گرداند و از آن، بر کنار دارد.

٢٣٥٤ . عنه ﷺ ـ مِن مُناجاتِهِ ـ: رَبَّنا فَداوِنا قَبلَ التَّعَلُّلِ، وَاستَعمِلنا بِطاعَتِكَ قَبلَ انصِرامِ[١] الأَجَلِ، وَارحَمنا قَبلَ أن يُحجَبَ دُعاؤُنا فيما نَسأَلُ، وَامنُن عَلَينا بِالنَّشاطِ، وأعِذنا مِنَ الفَشَلِ وَالكَسَلِ، وَالعَجزِ وَالعِلَلِ، وَالضَّرَرِ وَالضَّجَرِ وَالمَلَلِ، وَالرِّياءِ وَالسُّمعَةِ، وَالهَوىٰ وَالشَّهوَةِ، وَالأَشَرِ[٢] وَالبَطَرِ، وَالمَرَحِ وَالخُيَلاءِ[٣]، وَالجِدالِ وَالمِراءِ[٤]، وَالسَّفَهِ وَالعُجبِ، وَالطَّيشِ وسوءِ الخُلُقِ، وَالغَدرِ، وكَثرَةِ الكَلامِ فيما لا تُحِبُّ، وَالتَّشاغُلِ بِما لا يَعودُ عَلَينا نَفعُهُ، وطَهِّرنا مِن اتِّباعِ الهَوىٰ، ومُخالَطَةِ السُّفَهاءِ، وعِصيانِ العُلَماءِ، وَالرَّغبَةِ عَنِ القُرّاءِ، ومُجالَسَةِ الدُّناةِ... وأعِذنا مِنَ المَيلِ إلىٰ أهلِ الدُّنيا، وَالتَّصَنُّعِ لَهُم بِشَيءٍ مِنَ الأَشياءِ.[٥]

٢٣٥٥ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ فِي الاِستِعاذَةِ مِنَ المَكارِهِ وسَيِّئِ الأَخلاقِ ومَذامِّ الأَفعالِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن هَيَجانِ الحِرصِ، وسَورَةِ الغَضَبِ، وغَلَبَةِ الحَسَدِ، وضَعفِ الصَّبرِ، وقِلَّةِ القَناعَةِ، وشَكاسَةِ الخُلُقِ، وإلحاحِ الشَّهوَةِ، ومَلَكَةِ الحَمِيَّةِ، ومُتابَعَةِ الهَوىٰ، ومُخالَفَةِ الهُدىٰ، وسِنَةِ الغَفلَةِ، وتَعاطِي الكُلفَةِ، وإيثارِ الباطِلِ عَلَى الحَقِّ، وَالإِصرارِ عَلَى المَأثَمِ، وَاستِصغارِ المَعصِيَةِ، وَاستِكبارِ الطّاعَةِ ومُباهاةِ المُكثِرينَ وَالإِزراءِ بِالمُقِلّينَ، وسوءِ الوِلايَةِ لِمَن تَحتَ أيدينا، وتَركِ الشُّكرِ لِمَنِ اصطَنَعَ العارِفَةَ[٦] عِندَنا، أو أن نَعضُدَ ظالِماً، أو نَخذُلَ مَلهوفاً[٧]، أو نَروِمَ ما لَيسَ لَنا بِحَقٍّ، أو نَقولَ فِي العِلمِ

---

١ . إنصرام أي انقطاع وانقضاء (النهاية: ج ٣ ص ٢٦ «صرم»).

٢ . أشِرَ أشَراً: بَطِر وكفر النِّعمة فلم يَشكُرها (المصباح المنير: ص ١٥ «أشر»).

٣ . اختال الرجُل، وبه خُيلاء، وهو الكبرُ والإعجاب (المصباح المنير: ص ١٨٦ «خيل»).

٤ . المِراءُ: الجدالُ، والتّماري والمماراةُ: المجادَلةُ على مذهب الشكّ والرِّيبة (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).

٥ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢٥ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٦ . العارِفَةُ: المعروف (الصحاح: ج ٣ ص ١٤٠٢ «عرف»).

٧ . المَلهوفُ: المَظلومُ يستغيث (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٢٩ «لهف»).

۲۳۵۴ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از راز و نیاز ایشان با خداوند ـ: پروردگارا! ما را پیش از دچار آمدن به بیماری، درمان کن و قبل از سرآمدن عمر، ما را در طاعت خود، به کار گیر و پیش از آن که دعای ما برای آنچه می‌خواهیم، از درگاهت محجوب مانَد، بر ما رحم آور و شادی و خرّمی را به ما ارزانی دار، و از سستی و تنبلی و ناتوانی و ناخوشی‌ها و زیان و آزردگی و دلگیری و خودنمایی و شهرت‌طلبی و هوس و شهوت و ناسپاسی و سرمستی و نازش و تکبّر و کشمکش و ستیزه‌گری و نابخردی و خودپسندی و سبُک سری و بدخویی و خیانت و نیرنگ و پُرگویی در آنچه تو دوست نداری، و پرداختن به آنچه برایمان سودی ندارد، ما را در پناه خویش بدار، و از دنبال هوس رفتن و آمیختن با نادانان و نافرمانی از دانایان و بیزاری از قاریان و همنشینی با فرو مایگان... پاکمان گردان و از گرایش به دنیاپرستان و ظاهرآرایی برای آنان به چیزی از چیزها، در پناه خود بدار.

۲۳۵۵ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان در پناه جستن به خدا از ناخوشایندها و خوی‌های بد و رفتارهای نکوهیده ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از برانگیختگی آز، و تندی خشم، و چیره آمدن حسد، و سستی شکیبایی، و اندک بودن قناعت، و بدی خُلق و خوی، و پافشاری شهوت، و مسلّط شدن تعصّب، و پیروی از هوس، و سرپیچی از طاعت، و [فرو رفتن در] خواب غفلت، و افتادن در رنج و زحمت، و برگزیدن باطل بر حق، و پای فشردن بر گناه، و خُرد شمردن معصیت‌ها و بزرگ شمردن طاعت، و نازیدن توانگران و خوار داشتن درویشان، و سوء سرپرستی نسبت به کسانی که زیردست ما هستند، و سپاس نگزاردن از کسی که به ما نیکی کرده است، یا این که ستمگری را یاری دهیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم یا چیزی را بخواهیم که حقّ ما نیست، یا دَم

بِغَيرِ عِلمٍ.

ونَعوذُ بِكَ أن تَنطَوِيَ عَلىٰ غِشِّ أحَدٍ، وأن نُعجَبَ بِأعمالِنا، ونُمَدَّ في آمالِنا، ونَعوذُ بِكَ مِن سوءِ السَّريرَةِ، وَاحتِقارِ الصَّغيرَةِ، وأن يَستَحوِذَ عَلَينَا الشَّيطانُ، أو يَنكُبَنَا الزَّمانُ، أو يَتَهَضَّمَنَا[1] السُّلطانُ.

ونَعوذُ بِكَ مِن تَناوُلِ الإسرافِ، ومِن فِقدانِ الكَفافِ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَماتَةِ الأعداءِ، ومِنَ الفَقرِ إلَى الأكفاءِ، ومِن مَعيشَةٍ في شِدَّةٍ، ومِيتَةٍ عَلىٰ غَيرِ عُدَّةٍ، ونَعوذُ بِكَ مِنَ الحَسرَةِ العُظمىٰ، وَالمُصيبَةِ الكُبرىٰ، وأشقَى الشَّقاءِ، وسوءِ المَآبِ، وحِرمانِ الثَّوابِ، وحُلولِ العِقابِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأعِذني مِن كُلِّ ذٰلِكَ بِرَحمَتِكَ، وجَميعَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

٢٣٥٦. عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ لِلمُهِمّاتِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أتَقَرَّبُ إلَيكَ بِالمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفيعَةِ، وأتَوَجَّهُ إلَيكَ بِالعَلَوِيَّةِ البَيضاءِ، فَأعِذني مِن شَرِّ ما خَلَقتَ، وشَرِّ مَن يُريدُ بي سوءاً، فَإنَّ ذٰلِكَ لا يَضيقُ عَلَيكَ في وُجدِكَ، ولا يَتَكَأَّدُكَ[3] في قُدرَتِكَ، وأنتَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ....

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الرِّياءِ وَالسُّمعَةِ، وَالكِبرِياءِ وَالتَّعَظُّمِ، وَالخُيَلاءِ وَالفَخرِ، وَالبَذَخِ وَالأشَرِ وَالبَطَرِ، وَالإعجابِ بِنَفسي، وَالجَبرِيَّةِ، رَبِّ فَنَجِّني.

وأعوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ وَالبُخلِ، وَالشُّحِّ وَالحَسَدِ، وَالحِرصِ وَالمُنافَسَةِ وَالغِشِّ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالطَّبَعِ[4]، وَالهَلَعِ وَالجَزَعِ، وَالزَّيغِ وَالقَمعِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ البَغيِ

---

١. هضمه حقّه واهتضمه: إذا ظلمه وكسر عليه حقّه (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٥٩ «هضم»).

٢. الصحيفة السجّادية: ص ٢٥ الدعاء ٨؛ شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ١٨٥ عن الإمام عليّ ﷺ نحوه.

٣. يتكأدُكَ: أي يصعُب عليك ويشقُّ (النهاية: ج ٤ ص ١٣٧ «كأد»).

٤. الطَّبَعُ: بالتحريك الدَّنس (النهاية: ج ٣ ص ١١٢ «طبع»).

از علمی بزنیم که نمی‌دانیم.

به تو پناه می‌بریم از این که در سر، خیال فریب کسی را بپروریم و به کردارهای خویش، مغرور شویم و به آرزوهای دور و دراز، گرفتار آییم. به تو پناه می‌بریم از بدیِ نهاد و ناچیز شمردن گناهان کوچک، و از این که شیطان بر ما چنگ افکند یا روزگار، ما را پایمال کند یا پادشاه، به ما ستم ورزد.

به تو پناه می‌بریم از اسرافکاری و از نداشتن کفاف. به تو پناه می‌بریم از شماتت دشمن، و از نیازمند شدن به همگِنان، و از زندگی در سختی، و مُردنِ بی‌آمادگی و بدون توشه. به تو پناه می‌بریم از بزرگ‌ترین دریغ، و سخت‌ترین مصیبت، و بدترین [رنج و شوربختی]، و بدی بازگشتگاه، و محرومیّت از پاداش، و گرفتار شدن به کیفر.

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و به رحمت خویش، مرا و همهٔ مردان و زنان باایمان را از همهٔ اینها [که گفته شد] در پناه خود، نگه دار، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۲۲۵۶. **امام زین العابدین**ؑ ـ از دعای ایشان در گرفتاری‌های بزرگ ـ: بار خدایا! به مقام (/دین) بلند محمّدی به تو تقرّب می‌جویم و به طریقت درخشان علوی، به تو روی می‌آورم؛ پس مرا از گزند آنچه آفریده‌ای، و از گزند هر آن کس که بخواهد به من بدی رساند، پناهم ده، که این کار در برابر توان تو، بر تو تنگ نمی‌آید و در برابر قدرت تو، بر تو دشوار نیست، که تو بر هر چیزی توانایی ... .

بار خدایا! از خودنمایی و آوازه‌خواهی و تکبّر و خود بزرگ‌بینی و غرور و فخرفروشی و گردن‌فرازی و ناسپاسی و سرمستی و خودپسندی و نخوت، به تو پناه می‌برم! پس ـ ای پروردگار ـ مرا [از این همه] بِرَهان.

از ناتوانی و بخل و تنگ‌چشمی و حسد و آزمندی و همچشمی و دغلی، به تو پناه می‌برم! از طمع و پَستی و ناشکیبی و بی‌تابی و کج روی و جلوگیری [از

وَالظُّلمِ، وَالاِعتِداءِ وَالفَسادِ، وَالفُجورِ وَالفُسوقِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الخِيانَةِ وَالعُدوانِ وَالطُّغيانِ.

رَبِّ وأعوذُ بِكَ مِنَ المَعصِيَةِ وَالقَطيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ، وَالفَواحِشِ وَالذُّنوبِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الإِثمِ وَالمَأثَمِ، وَالحَرامِ وَالمُحَرَّمِ، وَالخَبَثِ وكُلِّ ما لا تُحِبُّ.

رَبِّ وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ الشَّيطانِ ومَكرِهِ، وبَغيِهِ وظُلمِهِ، وعَداوَتِهِ وشَرَكِهِ، وزَبانِيَتِهِ وجُندِهِ وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ مِن دابَّةٍ وهامَّةٍ، أو جِنٍّ أو إنسٍ مِمّا يَتَحَرَّكُ. وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ ما ذَرَأَ فِي الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ كاهِنٍ وساحِرٍ وراكِزٍ[1]، ونافِثٍ وراقٍ.

رَبِّ وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ حاسِدٍ وطاغٍ، وباغٍ ونافِسٍ[2]، وظالِمٍ ومُعتَدٍ وجائِرٍ، وأعوذُ بِكَ مِنَ العَمىٰ وَالصَّمَمِ، وَالبَكَمِ وَالبَرَصِ وَالجُذامِ، وَالشَّكِّ وَالرَّيبِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالفَشَلِ، وَالعَجزِ وَالتَّفريطِ، وَالعَجَلَةِ وَالتَّضييعِ وَالتَّقصيرِ وَالإِبطاءِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما خَلَقتَ فِي السَّماواتِ وَالأَرضِ، وما بَينَهُما وما تَحتَ الثَّرىٰ.

رَبِّ وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ وَالحاجَةِ، وَالفاقَةِ وَالمَسأَلَةِ، وَالضَّيعَةِ وَالعائِلَةِ[3].

وأعوذُ بِكَ مِنَ القِلَّةِ وَالذِّلَّةِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الضّيقِ وَالشِّدَّةِ، وَالقَيدِ وَالحَبسِ، وَالوَثاقِ وَالسُّجونِ وَالبَلاءِ، وكُلِّ مُصيبَةٍ لا صَبرَ لي عَلَيها، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.

اللّٰهُمَّ أعطِنا كُلَّ الَّذي سَأَلناكَ، وزِدنا مِن فَضلِكَ عَلىٰ قَدرِ جَلالِكَ وعَظَمَتِكَ،

---

١. الرِكزُ: الصوت الخفي، أي لا يُرى لهم عينٌ ولا يُسمع لهم صوت (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٢٧ «ركز»).

٢. النَّفسُ: العين، يقال: أصابت فلاناً نفسٌ: أي عين، ويقال للعائن: نافس (النهاية: ج ٥ ص ٩٦ «نفس»).

٣. العائل: الفقير، وقد عالَ: إذا افتقر، ومنه الحديث: «ما عالَ مقتصدٌ ولا يعيلُ» والعالَةُ: الفقراء، جمع عائل (النهاية: ج ٣ ص ٣٣١ «عيل»).

حق]، به تو پناه می‌برم! از زورگویی و ستم و تجاوزگری و تباهی و فسق و فجور، به تو پناه می‌برم. از خیانت و دشمنی و سرکشی، به تو پناه می‌برم!

پروردگارا! از معصیت و جدایی و بدی و زشتکاری‌ها و گناهان، به تو پناه می‌برم! از بزه و بزهکاری و ناروا و قدغن شده‌ها، و از پلیدی و هر آنچه که تو دوست نمی‌داری، به تو پناه می‌برم!

پروردگارا! از گزند و نیرنگ شیطان، و زورگویی و ستم او، و دشمنی و دام او، و گَزْمه‌ها و سپاه او، به تو پناه می‌برم! از گزند هر آنچه آفریده‌ای، از چارپا و گزنده، و از هر جنبنده‌ای از جِن و اِنس (پری و آدمی)، به تو پناه می‌برم! از گزند آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به آسمان بَر می‌شود، و از گزند آنچه در زمین آفریده شده و آنچه از زمین برون می‌آید، به تو پناه می‌برم! از گزند هر پیشگو و جادوگر و وسوسه‌گر و افسونگر و طلسم کننده‌ای به تو پناه می‌برم.

پروردگارا! از گزند هر بدخواه و سرکش و یاغی و شورچشم و ستمگر و متجاوز و منحرفی، به تو پناه می‌برم. از کوری و کَری و گُنگی و پیسی و خوره و دودلی و تردید، به تو پناه می‌برم. از تنبلی و سستی و ناتوانی و کوتاهی کردن و شتابکاری و ضایع کردن و تقصیر و کُندی، به تو پناه می‌برم. از گزند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنها و آنچه زیر زمین آفریده‌ای، به تو پناه می‌برم.

پروردگارا! از درویشی و نیازمندی و تهی‌دستی و خواهش و تلف شدن و عیالواری (/بینوایی) به تو پناه می‌برم.

از کمبود و خواری، به تو پناه می‌برم. از تنگی و سختی و زنجیر و حبس و بند و زندان و گرفتاری و هر مصیبتی که مرا بر آن شکیب نباشد، به تو پناه می‌برم. آمین، ای پروردگار جهانیان!

بار خدایا! همهٔ آنچه را از تو خواستیم، به ما عطا فرما و به فراخور شُکوه و بزرگی‌ات، از فضل خویش بر ما بیفزای، به حقّ این که «معبودی نیست،

بِحَقٍّ لا إلٰهَ إلّا أنتَ العَزيزُ الحَكيمُ.[١]

٢٣٥٧ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ إذا ذُكِرَ الشَّيطانُ فَاستَعاذَ مِنهُ ومِن عَداوَتِهِ وكَيدِهِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّا نَعوذُ بِكَ مِن نَزَغاتِ[٢] الشَّيطانِ الرَّجيمِ، وكَيدِهِ ومَكائِدِهِ، ومِنَ الثِّقَةِ بِأُمنِيَّتِهِ ومَواعيدِهِ، وغُرورِهِ ومَصائِدِهِ، وأن يُطمِعَ نَفسَهُ في إضلالِنا عَن طاعَتِكَ، وَامتِهانِنا بِمَعصِيَتِكَ، أو أن يَحسُنَ عِندَنا ما حَسَّنَ لَنا، أو أن يَثقُلَ عَلَينا ما كَرَّهَ إلَينا. اللّٰهُمَّ اخسَأهُ[٣] عَنّا بِعِبادَتِكَ، وَاكبِتهُ بِدُؤوبِنا في مَحَبَّتِكَ، وَاجعَل بَينَنا وبَينَهُ سِتراً لا يَهتِكُهُ، ورَدماً مُصمِتاً لا يَفتُقُهُ...

وأعِذنا وأهالِيَنا وإخوانَنا وجَميعَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ مِمَّا استَعَذنا مِنهُ، وأجِرنا مِمَّا استَجَرنا بِكَ مِن خَوفِهِ، وَاسمَع لَنا ما دَعَونا بِهِ، وأعطِنا ما أغفَلناهُ، وَاحفَظ لَنا ما نَسيناهُ، وصَيِّرنا بِذٰلِكَ في دَرَجاتِ الصّالِحينَ ومَراتِبِ المُؤمِنينَ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.[٤]

٢٣٥٨ . عنه عليه السلام ـ في حِرزٍ مُستَخرَجٍ مِن كِتابِ اللهِ عزّ وجلّ، وهُوَ الحِرزُ الكامِلُ الَّذي يُقرَأُ كُلَّ صَباحٍ ومَساءٍ ـ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، اللهُ أكبَرُ، وأعَزُّ وأجَلُّ وأعظَمُ مِمّا أخافُ وأحذَرُ، أستَجيرُ بِاللهِ، عَزَّ جارُ اللهِ، وجَلَّ ثَناءُ اللهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وسَلَّمَ كَثيراً.

اللّٰهُمَّ بِكَ أُعيذُ نَفسي وديني، وأهلي ومالي، ووُلدي ومَن يَعنيني أمرُهُ، اللّٰهُمَّ بِكَ

---

١ . الأمالي للمفيد: ص ٢٤١ ـ ٢٤٣ ح ٣، الأمالي للطوسي: ص ١٦ ـ ١٨ ح ١٩ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٨٢ ـ ١٨٤ ح ١.

٢ . النَّزغُ: هو الطَّعن والفساد، نزغ الشيطانُ بينهم: أي أفسد وأغرى (النهاية: ج ٥ ص ٤٢ «نزغ»).

٣ . خَسَأتُه: أي طردته وأبعدته (النهاية: ج ٢ ص ٣١ «خسأ»).

٤ . الصحيفة السجّادية: ص ٧٣ و ٧٥ الدعاء ١٧، المصباح للكفعمي: ص ٣١٠.

جز تو که نیرومند و استواری».

۲۴۵۷ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ از دعای ایشان، هرگاه که نام شیطان برده می‌شد و ایشان، از او و از دشمنی و نیرنگش به خدا پناه می‌برد ـ: بار خدایا! ما به تو پناه می‌بریم از اغواگری‌های شیطان رانده شده، و از نیرنگ و دسیسه‌های او، و از تکیه کردن به آرزوها و وعده‌ها و فریبندگی‌ها و دام‌های او، و از این که در از راه به در بردن ما در طاعت تو و به خواری افکندمان با معصیت تو طمع ورزد، یا آنچه را [از گناه] در نظر ما نیکو نموده است، به راستی در نزد ما نیکو آید، یا آنچه را [از طاعت تو] برای ما ناخوشایند گردانیده است، [انجام دادنش] بر ما گران آید.

بار خدایا! در پرتو بندگیِ [ما نسبت به] تو، شیطان را از ما بران و با خوگرفتن ما به محبّتت، او را درهم شکن، و میان ما و او پرده‌ای بیفکن که هرگز نتواند آن را بِدَرَد، و سدّی چنان محکم که هیچ‌گاه نتواند در آن، رخنه افکند.

ما را و خانوادهٔ ما را و برادرانمان را و همهٔ مردان و زنان مؤمن را از همهٔ آنچه از گزندش به تو پناه آوردیم، در پناه خویش دار، و از همهٔ آنچه از بیم آن از تو زنهار طلبیدیم، در زنهار خویش دار، و آنچه را دعا کردیم، از ما بشنو [و بپذیر]، و آنچه را هم از یادکردش غفلت ورزیدیم، به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم، برایمان نگهدار و بدین سان، ما را به درجات شایستگان و مرتبه‌های مؤمنان برسان. آمین، ای پروردگار جهانیان!

۲۴۵۸ . **امام زین العابدین**ﷺ ـ در حِرزی استخراج شده از کتاب خداوندﷻ که حرزی کامل است و هر صبح و شام، خوانده می‌شود ـ: به نام خدای مهرگستر مهربان. خدا، بزرگ‌تر است. خدا، بزرگ‌تر است. خدا، بزرگ‌تر و نیرومندتر و شکوهمندتر و با عظمت‌تر است از آنچه می‌ترسم و بیم دارم. به خدا پناه می‌برم که پناهندهٔ به خدا، نیرومند است، و ثنای خدا، بِشکوه است، و معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انباز است، و درود خدا بر محمّد و خاندان او، و درود بسیار بر او باد!

بار خدایا! من خودم را و دینم را و همسرم (/کسانم) را و اموالم را و فرزندانم

أعوذُ، وبِكَ ألوذُ، وبِكَ أصولُ، وإيّاكَ أعبُدُ وإيّاكَ أستَعينُ، وعَلَيكَ أتَوَكَّلُ، وأدرَأُ بِكَ في نَحرِ أعدائي، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِم، وأستَكفيكَهُم فَاكفِنيهِم بِما شِئتَ، وأنّىٰ شِئتَ وكَيفَ شِئتَ، وحَيثُ شِئتَ، بِحَقِّكَ لا إلٰهَ إلّا أنتَ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ ٱللَّهُ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ﴾[1]، ﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلْغَٰلِبُونَ﴾[2]، ﴿قَالَ لَا تَخَافَآ إِنَّنِى مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ﴾[3]، ﴿قَالَتْ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا﴾[4]، ﴿ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ﴾[5]...

اللّٰهُمَّ احرُسنا بِعَينِكَ الَّتي لا تَنامُ، وَاكنُفنا[6] بِرُكنِكَ الَّذي لا يُرامُ، وأعِذنا بِسُلطانِكَ الَّذي لا يُضامُ، وَارحَمنا بِقُدرَتِكَ يا رَحمٰنُ. اللّٰهُمَّ لا تُهلِكنا وأنتَ حَسبُنا يا بَرُّ يا رَحمٰنُ....

اللّٰهُمَّ إنّي أصبَحتُ في حِماكَ الَّذي لا يُستَباحُ، وذِمَّتِكَ الَّتي لا تُخفَرُ[7]، وجِوارِكَ الَّذي لا يُضامُ، أسأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِقُدرَتِكَ وعِزَّتِكَ، أن تَجعَلَني في حِرزِكَ وجِوارِكَ، وأمنِكَ وعِياذِكَ، وعُدَّتِكَ[8] وعَقدِكَ[9]، وحِفظِكَ وأمانِكَ، ومَنعِكَ الَّذي لا يُرامُ، وعِزِّكَ الَّذي لا يُستَطاعُ، مِن غَضَبِكَ وسوءِ عِقابِكَ، وسوءِ أحداثِ النَّهارِ، وطَوارِقِ اللَّيلِ،

---

١. البقرة: ١٣٧.

٢. القصص: ٣٥.

٣. طه: ٤٦.

٤. مريم: ١٨.

٥. المؤمنون: ١٠٨.

٦. الكَنَفُ ـ بالتحريك ـ: الجانب والناحية، وهذا تمثيل لجعله تحت ظلّ رحمته (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

٧. أخفرتَ الرَّجلَ: إذا نقضتَ عهده وذمامه (النهاية: ج ٢ ص ٥٢ «خفر»).

٨. يقالُ: عِدادُهُ في بني فلان؛ أي يعدُّ منهم ومعهم، والعدّة: الجماعة، قلّت أو كثرت (تاج العروس: ج ٥ ص ٩٧ «عدد»).

٩. العَقْدُ ـ بفتح فسكون ـ: الضَمانُ والعهد (تاج العروس: ج ٥ ص ١١٥ «عقد»).

را و هر آن کس را که کارش به من مربوط می‌شود، در پناه تو در می‌آورم.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم، و به تو متوسّل می‌شوم، و به یاری تو یورش می‌برَم، و تو را می‌پرستم و از تو یاری می‌خواهم، و بر تو توکّل می‌کنم، و به کمک تو دشمنانم را دفع می‌کنم، و در برابر آنان، از تو یاری می‌طلبم. پس به آنچه خواهی و هرگاه که خواهی و هرگونه که خواهی و هرجا که خواهی، شرّ او را از من، دور گردان، به حقّ خودت که معبودی جز تو نیست، و به راستی تو بر هر چیزی توانایی. ﴿زودا که خداوند، تو را در کارشان بسنده شود، و او شنوا و داناست!﴾. ﴿گفت: بازوی تو را به برادرت، نیرو بخشیم و برایتان پیروزی‌ای می‌نهیم. پس به سبب نشانه‌هایمان بر شما دست نمی‌یابند. شما دو تن و کسانی که از شما پیروی کرده‌اند، چیره‌اید﴾. ﴿گفت: مترسید که من با شما دو تن هستم، می‌شنوم و می‌بینم﴾. ﴿[مریم] گفت: من از تو به خدای مهربان، پناه می‌برم، اگر پرهیزگار باشی﴾. ﴿در آن (دوزخ) گم شوید و با من، سخن مگویید﴾....

بار خدایا! ما را با چشمت که هرگز نمی‌خوابد، پاسداری کن و در پناه تکیه‌گاهت که کسی نمی‌تواند بدان آسیب رساند، محافظت نما، و ما را در پناه پادشاهی‌ات که هرگز گزندی بدان نمی‌رسد، در آور و به قدرتت بر ما رحم آور، ای مهربان! بار خدایا! ما را به هلاکت میفکن که تو ما را بسنده‌ای، ای نیکوکار، ای مهربان!... .

بار خدایا! خود را در قُرُق و حریم تو که روا شمرده نمی‌شود، و در زنهار تو که شکسته نمی‌گردد، و در حمایت تو که کس بدان تعدّی نمی‌تواند کرد، در آوردم. بار خدایا! به حقّ قدرت و عزّتت، از تو می‌خواهم که مرا از خشمت و کیفر سختت و رخدادهای بد روز و پیشامدهای شب، مگر پیشامدهای نیک آن، در پاسداشت و حمایت خود و امنیّت و پناهت، و مراقبت و پیمانت، و نگهداشت و زنهارت، و دژ دست نایافتنی و قدرت

إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ، يا رَحمٰنُ.

اللّٰهُمَّ يَدُكَ فَوقَ كُلِّ يَدٍ، وعِزَّتُكَ أعَزُّ مِن كُلِّ عِزَّةٍ، وقُوَّتُكَ أقوىٰ مِن كُلِّ قُوَّةٍ، وسُلطانُكَ أجَلُّ وأمنَعُ مِن كُلِّ سُلطانٍ، أدرَأُ بِكَ في نُحورِ أعدائي، وأستَعينُ بِكَ عَلَيهِم، وأعوذُ بِكَ مِن شُرورِهِم، وألجَأُ إلَيكَ فيما أشفَقتُ عَلَيهِ مِنهُم، وصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأجِرني مِنهُم يا أرحَمَ الرّاحِمينَ....

أُعيذُ نَفسي وأهلي ومالي ووُلدي وجَميعَ ما تَلحَقُهُ عِنايتي، وجَميعَ نِعَمِ اللهِ عِندي، بِبِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، بِاسمِ اللهِ الَّذي خَضَعَت لَهُ الرِّقابُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي خافَتهُ الصُّدورُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي نَفَّسَ عَن داوود كُربَتَهُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي وَجِلَت مِنهُ النُّفوسُ، وبِاسمِ اللهِ الَّذي قالَ بِهِ لِلنّارِ كوني بَرداً وسَلاماً عَلىٰ إبراهيمَ، ﴿وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ﴾[1]....

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن أضغاثِ[2] الأحلامِ، وأن يَلعَبَ بِيَ الشَّيطانُ فِي اليَقظَةِ وَالمَنامِ، بِاسمِ اللهِ تَحَصَّنتُ بِالحَيِّ الَّذي لا يَموتُ، مِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ، ورَمَيتُ مَن يُريدُ بي سوءاً أو مَكروهاً مِن بَينِ يَدَيَّ، بِ«لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ»، وأعوذُ بِاللهِ مِن شَرِّكُم، وشَرُّكُم تَحتَ أقدامِكُم، وخَيرُكُم بَينَ أعيُنِكُم، وأُعيذُ نَفسي وما أعطاني رَبّي، وما مَلَكَتهُ يَدي، وذَوي عِنايَتي، بِرُكنِ اللهِ الأَشَدِّ، وكُلُّ أركانِ رَبّي شِدادٌ.

اللّٰهُمَّ تَوَسَّلتُ بِكَ إلَيكَ، وتَحَمَّلتُ بِكَ عَلَيكَ، فَإنَّهُ لا يُنالُ ما عِندَكَ إلّا بِكَ، أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وأن تَكفِيَني شَرَّ ما أحذَرُ، وما لا يَبلُغُهُ

---

١. الأنبياء: ٧٠.

٢. ضغث: عمل مختلط غير خالص، ومنه قيل للأحلام الملتبسة أضغاث (النهاية: ج ٣ ص ٩٠ «ضغث»).

چیره ناشدنی‌ات قرار دهی، ای مهربان!

بار خدایا! دست تو، بالای هر دستی است و عزّت تو، برتر از هر عزّتی است و نیرویت، نیرومندتر از هر نیرویی است و سلطنتت، بشکوه‌تر و مستحکم‌تر از هر سلطنتی است. به یاری تو، دشمنانم را دفع می‌کنم و در برابر آنان، از تو کمک می‌جویم و از گزندهایشان، به تو پناه می‌برم و در آنچه از ایشان بیمناکم، به تو پناه می‌آورم. درود خدا بر محمّد و خاندان او بادا مرا از آنان (دشمنانم) در حمایت خویش گیر، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!

خودم را و همسرم را و اموالم را و فرزندانم را و همهٔ آنچه را به من تعلّق دارد و همهٔ نعمت‌هایی را که خداوند به من عطا کرده است، در پناهِ «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» در آوردم. به نام خدایی که گردن‌ها در برابرش فرود آمده‌اند. به نام خدایی که سینه‌ها از او هراسان‌اند. به نام خدایی که از داوود، اندوهش را برطرف کرد. به نام خدایی که جان‌ها از او ترسان‌اند. به نام خدایی که به آن نام به آتش فرمود که بر ابراهیم، سرد و بی گزند باش «و [نمرودیان] خواستند به او نیرنگی بزنند، ولی ما آنها را زیانکارترین، قرار دادیم»....

بار خدایا! از خواب‌های آشفته و از این که شیطان، در بیداری و خواب مرا بازی دهد، به تو پناه می‌برم. به نام خدا، خود را از گزند آنچه می‌ترسم و بیمناکم، در سنگر آن زندهٔ نامیرا در آوردم و آن را که بخواهد از رو به رویم به من، بدی یا صدمه‌ای رساند، با تیر «لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلیّ العظیم؛ هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» هدف قرار دادم. از شرّ شما به خدا پناه می‌برم. شرّتان، زیرگام‌هایتان و خیرتان، فرا چشمتان بادا خودم را و آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده است و آنچه را دستانم به دست آورده‌اند و کسانی را که مورد عنایت من هستند، در پناه استوارترین رُکن خدا ـ که همهٔ ارکان او استوار است ـ، در آوردم.

بار خدایا! تو، خود را وسیلهٔ خویش به درگاهت قرار می‌دهم، و تو، خود را شفیع خویش در پیشگاهت می‌آورم؛ زیرا به آنچه نزد توست، جز به وسیلهٔ تو نمی‌توان رسید. از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و مرا از

حِذاري، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، وهُوَ عَلَيكَ يَسيرٌ، جَبرائيلُ عَن يَميني، وميكائيلُ عَن شِمالي، وإسرافيلُ أمامي، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ.[١]

٥ / ٦

الاِستِعاذاتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ الباقِرِ عليه السلام

٢٣٥٩ . **الإمام الباقر عليه السلام** ـ فِي الدُّعاءِ المُسَمّىٰ بِالجامِعِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وأنواعِ الفَواحِشِ كُلِّها، ظاهِرِها وباطِنِها وغَفَلاتِها، وجَميعِ ما يُريدُني بِهِ الشَّيطانُ الرَّجيمُ، وما يُريدُني بِهِ السُّلطانُ العَنيدُ، مِمّا أحَطتَ بِعِلمِهِ، وأنتَ القادِرُ عَلىٰ صَرفِهِ عَنّي.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن طَوارِقِ الجِنِّ وَالإنسِ، وزَوابِعِهِم وبَوائِقِهِم ومَكائِدِهِم، ومَشاهِدِ الفَسَقَةِ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ، وأن أُستَزَلَّ عَن ديني فَتَفسُدَ عَلَيَّ آخِرَتي، وأن يَكونَ ذٰلِكَ مِنهُم ضَرَراً عَلَيَّ في مَعاشي، أو يَعرِضَ بَلاءٌ يُصيبُني مِنهُم لا قُوَّةَ لي بِهِ، ولا صَبرَ لي عَلَى احتِمالِهِ، فَلا تَبتَلِني يا إلٰهي بِمُقاساتِهِ فَيَمنَعَني ذٰلِكَ عَن ذِكرِكَ، ويَشغَلَني عَن عِبادَتِكَ، أنتَ العاصِمُ المانِعُ الدّافِعُ الواقي مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ.[٢]

٢٣٦٠ . **الإمام الصادق عليه السلام**: كانَ أبي عليه السلام يَخزُنُ هٰذَا الدُّعاءَ ويُخَبِّئُهُ ولا يُطلِعُ عَلَيهِ أحَداً «أعوذُ بِدِرعِ اللهِ الحَصينَةِ الَّتي لا تُرامُ، وأعوذُ بِجَمعِ اللهِ مِن كَذا وكَذا» وقولوا: كَلِماتِ الفَرَجِ.[٣]

---

١ . مُهَج الدعوات: ص ٢٤ ـ ٢٧، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠٧ ـ ٣١١ ح ٦٣.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، مُهَج الدعوات: ص ٢١٧ كلّها عن أبي حمزة الثمالي، مصباح المتهجّد: ص ٥٤٩ ح ٦٤٠ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣.

٣ . الدعوات: ص ٤٦ ح ١١٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٦٣ ح ١٧.

گزند آنچه اندیشناکم و آنچه اندیشناکی‌ام به آن نمی‌رسد، نگه دار، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی و آن، بر تو آسان است. جبرئیل﵇ در سمت راست من، میکائیل﵇ در سمت چپ من و اسرافیل﵇ پیشِ روی من بادا هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ.

۵/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از امام باقر﵇

۲۲۵۹. امام باقر﵇ ـ در دعای نامیده شده به «دعای جامع» ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شرّ و از همهٔ انواع زشتی‌ها، پیدا و نهانش و آنچه از سرِ غفلت سر زند، و از هر آنچه [از شرّ و گزند که] شیطان رانده شده، بدان، آهنگ من کند، و از هر گزندی که سلطان کینه‌توز بخواهد بر من بزند، از آنچه علم تو بدان احاطه دارد و تو بردور کردنش از من، توانایی.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از شب روان[1] جن و اِنس (پری و آدمی)، و توفان‌ها و مصیبت‌ها و نیرنگ‌هایشان، و از بزم‌های تبهکاران جِن و اِنس، و از این که از دین خود، لغزانده شوم و در نتیجه، آخرتم بر من تباه گردد، و از این که در امور معاش و زندگی‌ام، از جانب آنان به من زیانی برسد، یا بلایی از ایشان به من برسد که بر آن، توانایی ندارم و تاب تحمّل آن را نمی‌آورم. پس ـ ای معبود من ـ مرا به رنج آن، گرفتار مساز که در نتیجه، مرا از یاد تو منع کند و از عبادتت، باز دارد. تویی نگهدار و باز دارنده و جلوگیرنده و محافظت کننده از همهٔ اینها.

۲۲۶۰. امام صادق﵇: پدرم [امام باقر﵇] این دعا را پنهان و پوشیده می‌داشت و اَحَدی را از آن، آگاه نمی‌ساخت: «به جوشن محکم آسیب‌ناپذیر خدا، پناه می‌برم و به جامعیّت خدا پناه می‌برم از چه و چه» و کلمات گشایش را بگویید.

---

۱. واژهٔ «طَوارق» که در متن عربی حدیث آمده، جمع طارق است، به معنای: به شب آینده، حادثهٔ شدید، شب رو و شب گرد، دزد و ساحر.

٢٣٦١ . عنه ﷺ: كانَ أبي ﷺ يَقولُ إذا أصبَحَ: بِاسمِ اللهِ وبِاللهِ، وإلَى اللهِ وفي سَبيلِ اللهِ، وعَلىٰ مِلَّةِ رَسولِ اللهِ ﷺ....

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ ومِن ضَغطَةِ القَبرِ ومِن ضيقِ القَبرِ، وأعوذُ بِكَ مِن سَطَواتِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، اللّٰهُمَّ رَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ، ورَبَّ البَلَدِ الحَرامِ، ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ، أبلِغ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلامَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِدِرعِكَ الحَصينَةِ، وأعوذُ بِجَمعِكَ، أن تُميتَني غَرَقاً أو حَرَقاً أو شَرَقاً، أو قَوَداً[1] أو صَبراً[2] أو مَسَمّاً[3]، أو تَرَدِّياً في بِئرٍ، أو أكيلَ السَّبُعِ، أو مَوتَ الفَجأةِ، أو بِشَيءٍ مِن ميتاتِ السَّوءِ، ولٰكِن أمِتني عَلىٰ فِراشي في طاعَتِكَ وطاعَةِ رَسولِكَ ﷺ، مُصيباً لِلحَقِّ غَيرَ مُخطِئٍ، أو في الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّهُم في كِتابِكَ: ﴿كَأَنَّهُم بُنْيَـٰنٌ مَّرْصُوصٌ﴾[4].

أُعيذُ[5] نَفسي ووُلدي ومـا رَزَقَـني رَبّـي بِـ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ﴾ ـ حَـتّىٰ يَـختِمَ السّورَةَ ـ، وأُعيذُ نَفسي ووُلدي وما رَزَقَني رَبّي بِـ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ ـ حَتّىٰ يَختِمَ السّورَةَ ـ. ويَقولُ:

الحَمدُ لِلّٰهِ عَدَدَ ما خَلَقَ اللهُ، وَالحَمدُ لِلّٰهِ مِثلَ ما خَلَقَ [اللهُ][6]، وَالحَمدُ لِلّٰهِ مِلءَ ما

---

١. القَوَدُ: القِصاص وقتل القاتل بدل القتيل (النهاية: ج ٤ ص ١١٩ «قود»).

٢. قتل الشيء صبراً: هو أن يمسك شيء من ذوات الروح حيّاً ثمّ يرمى بشيء حتى يموت (النهاية: ج ٣ ص ٨ «صبر»).

٣. قال المجلسي ﷺ: في بعض النسخ: «سُمّاً» وهو أظهر (مرآة العقول: ج ١٢ ص ٢٤٦).

٤. الصفّ: ٤.

٥. زاد في مكارم الأخلاق هنا: «أُعيذ نفسي وديني وأهلي ومالي وولدي وما رزقني ربّي بالله الواحد الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد».

٦. ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الأخرى.

۲۴۶۱ . امام صادق﵇: پدرم [امام باقر﵇] هرگاه صبح خود را آغاز می‌کرد، می‌گفت: «به نام خدا، و به یاری خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر دین پیامبر خدا....

بار خدایا! من از عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر، به تو پناه می‌آورم. از شبیخون بلای شب و روز، به تو پناه می‌برم. بار خدایا، ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار شهر حرام (مکّه)، و ای پروردگار حِلّ و حرم![1] از من به محمّد و خاندان محمّد، درود رسان.

بار خدایا! به جوشن محکم تو پناه می‌برم و به جامعیت تو پناه می‌برم از این که مرا با غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا زجرکُش شدن یا زهرخور شدن یا افتادن در چاه یا طعمهٔ درندگان شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مُردن‌های بد، بمیرانی؛ بلکه مرا در بسترم، در حالی که فرمان بُردار تو و فرمان بُردار پیامبر تو و بر حق هستم، و نه بر خطا، بمیران، یا در صف کسانی قرار ده که آنان را در کتابت چنین وصف فرموده‌ای: ﴿گویی بنایی از سُرب هستند﴾.

خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه ﴿بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم...﴾ (تا آخر سوره فلق را می‌خوانْد) در می‌آورم. خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه ﴿بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم...﴾ (تا آخر سوره ناس را می‌خوانْد) در می‌آورم.

و می‌گفت: «ستایش، خدای را به شمار آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به مانند آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به اندازهٔ آنچه آفریده است.

---

۱. حریم مکّه و خارج از حریم آن.

خَلَقَ اللهُ، وَالحَمدُ لِلّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ زِنَةَ عَرشِهِ، وَالحَمدُ لِلّهِ رِضا نَفسِهِ، ولا إلٰهَ إلَّا اللهُ الحَليمُ الكَريمُ، ولا إلٰهَ إلَّا اللهُ العَلِيُّ العَظيمُ، سُبحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ، وما بَينَهُما ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن دَرَكِ الشَّقاءِ، ومِن شَماتَةِ الأَعداءِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ وَالوَقرِ[1]، وأعوذُ بِكَ مِن سوءِ المَنظَرِ فِي الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ. ويُصَلّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ.[2]

٦ / ٦

الاِستِعاذاتُ المأثورةُ عَنِ الإمامِ الصادِقِ عليه السلام

٢٣٦٢ . الإمام الصادق عليه السلام: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالهَرَمِ، وَالجُبنِ وَالبُخلِ، وَالغَفلَةِ وَالقَسوَةِ، وَالفَترَةِ وَالمَسكَنَةِ، وأعوذُ بِكَ يا رَبِّ مِن نَفسٍ لا تَشبَعُ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، ومِن دُعاءٍ لا يُسمَعُ، ومِن صَلاةٍ لا تَنفَعُ، وأُعيذُ بِكَ نَفسي وأهلي وذُرِّيَّتي مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، اللّٰهُمَّ إنَّهُ لا يُجيرُني مِنكَ أحَدٌ، ولا أجِدُ مِن دونِكَ مُلتَحَداً[3].[4]

٢٣٦٣ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ لَهُ ـ: أعوذُ بِكَ مِنَ الفِتَنِ كُلِّها ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ، ومِن رَفيعِ المَطعَمِ وَالمَشرَبِ، ومِن شَرِّ ما أعلَمُ ومِن شَرِّ ما لا أعلَمُ، وأعوذُ بِكَ مِن أن أشتَرِيَ

---

١ . الوَقرُ: الثِقلُ في الأُذن (الصحاح: ج ٢ ص ٨٤٨ «وقر»).

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٥ ح ١٣ عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٦ ح ٢٠٥٩ وليس فيه صدره، مصباح المتهجّد: ص ٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ونحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦٣ ح ٣٤.

٣ . المُلتَحَدُ: الملجأ (الصحاح: ج ٢ ص ٥٣٥ «لحد»).

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور، مصباح المتهجّد: ص ١٤٤ نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٧٢ ح ٦٨.

ستایش، خدای را به گسترهٔ کلماتش. ستایش، خدای را به وزن عرشش. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. معبودی جز خدای بردبارِ بزرگوار نیست. معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست. پاکا خدایی که پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها و بین آنها و پروردگار عرش بزرگ است!

بار خدایا! از درافتادن به [رنج] و بدبختی و از شماتت دشمن، به تو پناه می‌برم. از ناداری و سنگینیِ گوش، به تو پناه می‌برم. از پیشامد بد برای زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می‌برم».

و [پدرم] ده بار بر محمّد و خاندان محمّد، درود می‌فرستاد.

۶/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از امام صادق علیه‌السلام

۲۲۶۲ . امام صادق علیه‌السلام: بار خدایا! من از تنبلی و فرتوتی و کم‌دلی و بخل و غفلت و سنگ‌دلی و سستی و بیچارگی، به تو پناه می‌برم! و به تو پناه می‌برم ـ ای خداوندگار من ـ از نفسی که سیر نشود، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از دعایی که شنیده نشود، و از نمازی که سود نبخشد. خودم را و همسرم را و فرزندانم را از شیطان رانده شده، در پناه تو در می‌آورم! بار خدایا! هیچ کس مرا در برابر تو پناه نمی‌تواند داد. جز تو هیچ پناهی نمی‌یابم.

۲۲۶۳ . امام صادق علیه‌السلام ـ در دعایی از ایشان ـ: به تو پناه می‌برم از تمامی فتنه‌ها (گناهان)، آشکار یا نهانش، و از خورد و نوش‌های اشرافی، و از شرّ آنچه می‌دانم و از شرّ چیزهایی که نمی‌دانم. به تو پناه می‌برم از این که دانایی را به نادانی بفروشم،

الجَهلَ بِالعِلمِ، وَالجَفاءَ بِالحِلمِ، وَالجَورَ بِالعَدلِ، وَالقَطيعَةَ بِالبِرِّ، وَالجَزَعَ بِالصَّبرِ، وَالهُدىٰ بِالضَّلالَةِ، وَالكُفرَ بِالإيمانِ.[١]

٢٣٦٤ . عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ لَولا رَجائي لِعَفوِكَ لَصَمَتُّ عَنِ الدُّعاءِ، ولٰكِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ يا إلٰهي غايَةُ الطّالِبينَ، ومُنتَهىٰ رَغبَةِ الرّاغِبينَ، وَاستِعاذَةِ العائِذينَ، اللّٰهُمَّ فَأنَا أستَعيذُكَ مِن غَضَبِكَ، وسوءِ سَخَطِكَ، وعِقابِكَ ونَقِمَتِكَ، ومِن شَرِّ نَفسي، وشَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، وأستَغفِرُكَ مِن جَميعِ الذُّنوبِ، وأسألُكَ الغَنيمَةَ فيما بَقِيَ مِن عُمُري بِالعافِيَةِ، أبَداً ما أبقَيتَني.[٢]

٢٣٦٥ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ الظُّهرِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَةِ، ومِن عاجِلٍ يَمنَعُ خَيرَ الآجِلِ، وحَياةٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ، وأمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ.[٣]

٢٣٦٦ . عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاةِ المَغرِبِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ، وبَطنٍ لا يَشبَعُ، وعَينٍ لا تَدمَعُ، وقَلبٍ لا يَخشَعُ، وصَلاةٍ لا تُرفَعُ، وعَمَلٍ لا يَنفَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ، وأعوذُ بِكَ مِن سوءِ القَضاءِ، ودَرَكِ الشَّقاءِ، وشَماتَةِ الأعداءِ، وجَهدِ البَلاءِ، ومِن عَمَلٍ لا يُرضىٰ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ وَالقَهرِ، وَالكُفرِ وَالوَقرِ وَالغَدرِ، وضيقِ الصَّدرِ، وسوءِ الأمرِ، ومِن بَلاءٍ لَيسَ لي عَلَيهِ صَبرٌ، ومِنَ الدّاءِ العُضالِ[٤]، وغَلَبَةِ الرِّجالِ، وخَيبَةِ المُنقَلَبِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي النَّفسِ وَالأهلِ وَالمالِ وَالدّينِ وَالوَلَدِ،

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٩٢ ح ٣١ عن عبد الرحمٰن بن سيابة وفي ذيله عن جميل بن صالح أنّه ذكر أيضاً مثله وذكر أنّه دعاء عليّ بن الحسين ﷺ، وزاد في آخره «آمين ربّ العالمين»، مصباح المتهجّد: ص ٢٧٧ ح ٣٨٣، جمال الأسبوع: ص ١٤٣ كلاهما نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٢ ح ١٠.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٢٦٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٨١ ح ٣.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٦٤ ح ١٠١، فلاح السائل: ص ٣٢٠ ح ٢١٥ كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧١ ح ٥.

٤ . العُضالُ: الشديدُ المُعجِزُ. ويُقال: داءٌ عُضالٌ: لا طِبَّ له (المعجم الوسيط: ج ٢ ص ٦٠٧ «عضل»).

و بردباری را به درشتی، و دادگری را به ستم، و نیکی کردن [به ارحام و بستگان] را به قطع رابطه و بدرفتاری، و شکیبایی را به ناشکیبی، و هدایت را به گم‌راهی، و ایمان را به کفر.

۲۴۶۴ . **امام صادق**ﷺ: بار خدایا! اگر امید من به گذشت تو نبود، بی گمان، دم از دعا فرو می‌بستم؛ امّا تو ـ ای معبود من ـ هماره، مقصد جویندگانی، و خواست نهاییِ خواهندگان و پناه پناهجویانی.

بار خدایا! پس من از خشم تو و از شدّت ناخشنودی و کیفر و انتقامت، و از شرّ خودم، و از شر هر شرّرسانی به تو پناه می‌آورم و از همهٔ گناهان، از تو آمرزش می‌طلبم و از تو می‌خواهم که در باقی ماندهٔ عمرم، تا زمانی که مرا زنده بداری، از عافیت برخوردارم داری.

۲۴۶۵ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعای ایشان بعد از نماز ظهر ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از دنیایی که مانعِ خیر آخرت شود، و از اکنونی که مانعِ خیر آینده گردد، و از زندگی‌ای که مانع خوبْ مردن شود، و از آرزویی که مانعِ کردار نیک گردد.

۲۴۶۶ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعای ایشان پس از نماز مغرب ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از نَفسی که قانع نباشد، و از شکمی که سیر نشود، و از چشمی که اشک نریزد، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از نمازی که [به درگاه تو] بالا نرود، و از کرداری که سود نبخشد، و از دعایی که شنیده نشود. و به تو پناه می‌برم از قضای بد و دچار شدن به [رنج و] بدبختی، و شماتت دشمن، و بلای جانکاه، و از کرداری که پسند [تو] نیفتد! و به تو پناه می‌برم از ناداری و مقهور شدن و کفر و سنگینیِ گوش و پیمان‌شکنی و دل تنگی و بدحالی، و از بلایی که مرا بر آن شکیب نیست، و از درد بی درمان و چیره آمدن مردان (اوباش) و ناکامی در بازگشت [از سفر، یا بازگشتگاه قیامت]، و [مواجه شدن با] منظرهٔ بد نسبت به خودم

وعِندَ مُعايَنَةِ مَلَكِ المَوتِ.

وأعوذُ بِاللهِ مِن إنسانِ سَوءٍ وجارِ سَوءٍ وقَرينِ سَوءٍ ويَومِ سَوءٍ وساعَةِ سَوءٍ، ومِن شَرِّ ما يَلِجُ فِي الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها، وما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ طَوارِقِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، إلّا طارِقاً يَطرُقُ بِخَيرٍ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾[1]، الحَمدُ لِلّهِ الَّذي قَضىٰ عَنّي صَلاةً كانَت عَلَى المُؤمِنينَ كِتاباً مَوقوتاً.[2]

٢٣٦٧. عنه ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ حُسنَ الظَّنِّ بِكَ، وَالصِّدقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيكَ. وأعوذُ بِكَ أن تَبتَلِيَني بِبَلِيَّةٍ تَحمِلُني ضَرورَتُها عَلَى التَّعَوُّذِ بِشَيءٍ مِن مَعاصيكَ، وأعوذُ بِكَ أن تُدخِلَني في حالٍ ـ كُنتُ أو أكونُ فيها في عُسرٍ أو يُسرٍ ـ أظُنُّ أنَّ مَعاصِيَكَ أنجَحُ لي مِن طاعَتِكَ، وأعوذُ بِكَ أن أقولَ قَولاً حَقّاً مِن طاعَتِكَ ألتَمِسُ بِهِ سِواكَ، وأعوذُ بِكَ أن تَجعَلَني عِظَةً لِغَيري، وأعوذُ بِكَ أن يَكونَ أحَدٌ أسعَدَ بِما آتَيتَني بِهِ مِنّي.

وأعوذُ بِكَ أن أتَكَلَّفَ طَلَبَ ما لَم تَقسِم لي، وما قَسَمتَ لي مِن قِسمٍ، أو رَزَقتَني مِن رِزقٍ، فَائتِني بِهِ في يُسرٍ مِنكَ وعافِيَةٍ، حَلالاً طَيِّباً.

وأعوذُ بِكَ مِن كُلِّ شَيءٍ زَحزَحَ بَيني وبَينَكَ، وباعَدَ بَيني وبَينَكَ، أو نَقَصَ بِهِ حَظّي عِندَكَ، أو صَرَفَ بِوَجهِكَ الكَريمِ عَنّي.

وأعوذُ بِكَ أن تَحولَ خَطيئَتي أو ظُلمي، أو جُرمي وإسرافي عَلىٰ نَفسي، وَاتِّباعُ هَوايَ وَاستِعجالُ شَهوَتي، دونَ مَغفِرَتِكَ ورِضوانِكَ، وثَوابِكَ ونائِلِكَ، وبَرَكاتِكَ

---

١. البقرة: ١٣٧.

٢. مصباح المتهجّد: ص ١٠٥ ح ١٧٢، فلاح السائل: ص ٢٢٦ ح ٢٩١، المصباح للكفعمي: ص ٥٩، البلد الأمين: ص ٣٠ كلّها عن معاوية عن عمّار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٠٩ ح ٩.

و همسر و مال و دین و فرزند[م]، و در هنگام دیدن فرشتهٔ مرگ!

به خدا پناه می‌برم از انسان بد و همسایه بد و همدم بد و روز بد و ساعت بد، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می‌رود و آنچه از آن، بیرون می‌آید، و آنچه از آسمان، فرود می‌آید و آنچه به آسمان، بالا می‌رود، و از شرّ پیشامدهای سخت شب و روز، مگر پیشامدی که خیر به همراه داشته باشد، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، که پروردگار من، بر راه راست است. ﴿و زودا که خدا، شما را از آنان، بسنده کند! و او شنوا و داناست﴾. ستایش، خدایی را که به کمک او نمازی را که در اوقاتی معیّن بر مؤمنان واجب کرده است، گزاردم.

۲۴۶۷. **امام صادق**ؑ: بار خدایا! گمان نیک بردن به تو، و توکّل راستین بر تو را از تو درخواست می‌کنم. پناه می‌برم به تو از این که مرا به بلایی گرفتار سازی که ناچار شوم به چیزی از معصیت تو پناه ببرم. پناه می‌برم به تو از این که مرا در وضعیتی، دشوار یا آسان، در آوری که گمان برم معصیت‌های تو برایم کارسازتر از طاعت توست. پناه می‌برم به تو از این که سخن درست از طاعت تو بگویم و قصدم از آن، غیر تو باشد. پناه می‌برم به تو از این که مرا درس عبرتی برای دیگران قرار دهی. پناه می‌برم به تو از این که دیگران از آنچه به من داده‌ای، بهره‌مندتر از خود من باشند.

و پناه می‌برم به تو از این که در طلب آنچه قسمت من نکرده‌ای، خویشتن را به رنج افکنم؛ بلکه آنچه را قسمت من کرده‌ای، یا رزقی را که روزی‌ام نموده‌ای، به آسانی و با عافیت و حلال و پاک به من برسان.

و پناه می‌برم به تو از هر آنچه میان من و تو جدایی بیفکند و مرا از تو دور کند یا بهرهٔ مرا در نزد تو بکاهد یا روی گرامی‌ات را از من بگرداند.

و پناه می‌برم به تو از این که خطایم یا ستمم یا جرمم و زیاده‌روی‌ام در بارهٔ خودم، و پیروی از هوسم، و در پیِ شهوت دویدنم، مانع آمرزش و خشنودی

ومَوعودِكَ الحَسَنِ الجَميلِ عَلىٰ نَفسِكَ.[١]

٢٣٦٨ . عنه ﷺ ـ فيما يُقالُ فِي اليَومِ السّادِسِ وَالعِشرينَ مِن كُلِّ شَهرٍ ـ: أعوذُ بِكَ مِن نارِ جَهَنَّمَ، وأعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ المَحيا وَالمَماتِ، وأعوذُ بِكَ مِن مَكارِهِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وأعوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ الدَّجّالِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالفُجورِ وَالكَسَلِ وَالعَجزِ، وأعوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ وَالسَّرَفِ وَالهَرَمِ وَالفَقرِ....

اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم، وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم، وأسألُكَ اللّٰهُمَّ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ ما أدَعُ وما لَم أدَع، اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ خَيرَ ما أرجو، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ، وشَرِّ ما لا أحذَرُ....

وأعوذُ بِكَ أن أُغتالَ مِن بَينِ يَدَيَّ أو مِن خَلفي، أو عَن يَميني أو عَن شِمالي، أو مِن فَوقي أو مِن تَحتي.[٢]

٢٣٦٩ . عنه ﷺ ـ مِمّا يُقالُ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ وبِوَجهِكَ الكَريمِ ومُلكِكَ العَظيمِ، أن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومي هٰذا أو يَنقَضِيَ بَقِيَّةُ هٰذَا اليَومِ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتي هٰذِهِ أو يَخرُجَ هٰذَا الشَّهرُ، ولَكَ قِبَلي مَعَهُ تَبِعَةٌ أو ذَنبٌ أو خَطيئَةٌ تُريدُ أن تُقايِسَني بِذٰلِكَ[٣]، أو تُؤاخِذَني بِهِ، أو تَقِفَني بِهِ مَوقِفَ خِزيٍ فِي الدُّنيا

---

١ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٤ ح ٢٣٣، مصباح المتهجّد: ص ٥٢٦ ح ٦٣٦، الإقبال: ج ٢ ص ٢٩٩ نحوه، المصباح للكفعمي: ص ٧٥٢ كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٧٢.

٢ . العدد القوية: ص ٣٢٤ ـ ٣٢٧، مصباح المتهجّد: ص ٣٣٤ من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، الدروع الواقية: ص ١٥٢ ـ ١٥٤ وليس فيهما ذيله من «وأعوذ بك أن أغتال...» وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٢٩٢.

٣ . أي تجزيني بمقداره، وأصل القياس تقدير الشي على مثاله (بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٤). وفي طبعة دار الكتب الإسلاميّة: «أن تقابلني بذلك».

و پاداش و دَهِش و برکات تو و وعدهٔ نیکو و زیبایی که بر عهده گرفته‌ای، شود.

۲۴۶۸ . **امام صادق**ﷺ ـ در دعای روز بیست و ششم هر ماه ـ: از آتش دوزخ، به تو پناه می‌برم. از عذاب قبر، به تو پناه می‌برم. از بدی زندگی و مرگ، به تو پناه می‌برم. از ناملایمات دنیا و آخرت، به تو پناه می‌برم. از فتنهٔ دجّال، به تو پناه می‌برم. از دودلی و هرزگی و تنبلی و ناتوانی، به تو پناه می‌برم. از بخل و گزافکاری و سالخوردگی و ناداری... به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! هر چه خوبی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و آنچه را می‌دانم و نمی‌دانم، از تو درخواست می‌کنم. و از هر چه بدی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و از آنچه می‌دانم و نمی‌دانم، به تو پناه می‌برم.

بار خدایا! هر چه خوبی است، چه آنهایی را که برایشان دعا کنم یا دعا نکنم، از تو درخواست می‌کنم.

بار خدایا! خیر آنچه را بدان امیدوارم، از تو می‌خواهم، و از شرّ آنچه از آن اندیشناکم و از شرّ آنچه از آن اندیشناک نیستم، به تو پناه می‌برم....

به تو پناه می‌برم از این که از پیش رویم یا از پشتِ سرم یا از سمت راستم یا از جانب چپم یا از بالای سرم یا از زیر پایم، غافلگیر شوم.

۲۴۶۹ . **امام صادق**ﷺ ـ از دعایی که هنگام فرا رسیدن ماه رمضان، خوانده می‌شود ـ: بار خدایا! پناه می‌برم به تو و روی گرامی تو و پادشاهیِ باعظمتت، از این که خورشید این روز، غروب کند یا باقی ماندهٔ این روز بگذرد، یا سپیدهٔ این شب بر دَمَد یا این ماه، سپری شود و در برابر تو، کوتاهی یا گناهی و یا خطایی کرده باشم که بخواهی برای آن، از من حساب بکشی یا سرزنشم کنی یا در دنیا و آخرت، رسوایم کنی یا در روزی که دیدارت می‌کنم، به سبب آن، عذابم نمایی، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!... .

وَالآخِرَةِ، أو تُعَذِّبَني بِهِ يَومَ ألقاكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ....

اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن يَكونَ جَزاءُ إحسانِكَ الإساءَةَ مِنّي، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُصلِحَ عَمَلي فيما بَيني وبَينَ النّاسِ وأُفسِدَهُ فيما بَيني وبَينَكَ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن تَحولَ سَريرَتي بَيني وبَينَكَ أو تَكونَ مُخالِفَةً لِطاعَتِكَ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن يَكونَ شَيءٌ مِنَ الأَشياءِ آثَرَ عِندي مِن طاعَتِكَ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِكَ قَليلاً أو كَثيراً أُريدُ بِهِ أحَداً غَيرَكَ، أو أعمَلَ عَمَلاً يُخالِطُهُ رِياءٌ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن هَوىً يُردي مَن يَركَبُهُ، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أجعَلَ شَيئاً مِن شُكري فيما أنعَمتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيرِكَ، أطلُبُ بِهِ رِضا خَلقِكَ.

اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أتَعَدّىٰ حَدّاً مِن حُدودِكَ أتَزَيَّنُ بِذٰلِكَ لِلنّاسِ، وأركَنُ بِهِ إلَى الدُّنيا، اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وأعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ، وأعوذُ بِطاعَتِكَ مِن مَعصِيَتِكَ، وأعوذُ بِكَ مِنكَ، جَلَّ ثَناءُ وَجهِكَ، لا أُحصِي الثَّناءَ عَلَيكَ ولَو حَرَصتُ، وأنتَ كَما أثنَيتَ عَلىٰ نَفسِكَ سُبحانَكَ وبِحَمدِكَ....

أعوذُ بِكَ مِن هَوىً قَد غَلَبَني، ومِن عَدُوٍّ قَدِ استَكلَبَ عَلَيَّ، ومِن دُنيا قَد تَزَيَّنَت لي، ومِن نَفسٍ أمّارَةٍ بِالسّوءِ إلّا ما رَحِمَ رَبّي، فَإن كُنتَ سَيِّدي قَد رَحِمتَ مِثلي فَارحَمني، وإن كُنتَ سَيِّدي قَد قَبِلتَ مِثلي فَاقبَلني.[1]

٢٣٧٠. عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ النِّسيانِ وَالكَسَلِ وَالتَّواني في طاعَتِكَ، ومِن عِقابِكَ الأَدنىٰ، وعَذابِكَ الأَكبَرِ، وأعوذُ بِكَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَةِ، ومِن حَياةٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ، ومِن أمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ، وأعوذُ بِكَ مِن

---

١. الإقبال: ج ١ ص ١١٩ ـ ١٢٨ عن أبي محمّد هارون بن موسى التلعكبري، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٢٧ ـ ٣٣٣.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که نیکی تو را به بدی پاداش دهم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که در رفتارم با مردم، درست عمل کنم و در رابطه‌ام با تو، بد عمل کنم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که باطنم میان من و تو حایل شود یا برخلاف طاعت تو باشد. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که چیزی از چیزها را بر طاعت تو ترجیح دهم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که طاعت تو را، کم یا بسیار، به جا آورم و قصدم از آن، غیر تو باشد یا عملی آمیخته با ریا انجام دهم. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از هوسی که هر که از آن پیروی کند، به نابودی می‌افکند. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که برای نعمتی که تو به من ارزانی داشته‌ای، دیگری را سپاس گویم و با این کار، خشنودی خلقت را بجویم.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که برای جلب تحسین و خوشایند مردم، و میل به دنیا، از حدّی از حدود تو تعدّی کنم. بار خدایا! از کیفر تو به گذشت تو پناه می‌برم. از ناخشنودی تو به خشنودی‌ات پناه می‌برم. از نافرمانی تو به فرمانبَری‌ات پناه می‌برم و از تو به خود تو پناه می‌برم. بِشکوه است ثنایِ روی تو! ثنای تو را شماره نمی‌توانم کرد، هر چند در آن کوشم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای. پاکا تو، و ستایش، تو را بادا....

به تو پناه می‌برم از هوسی که بر من، چیره گشته است و از دشمنی که بر من، حمله‌ور شده، و از دنیایی که خود را برایم آراسته، و از نفسی که همواره به بدی فرمان می‌دهد، مگر آن که پروردگارم بر من رحم آورد. سَرور من! اگر بر همانند من رحم آورده‌ای، پس بر من نیز رحم آور. سَرور من! اگر امثال مرا پذیرفته‌ای، پس مرا نیز بپذیر.

۲۳۷۰. **امام صادق**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز عرفه ـ: بار خدایا! من از فراموشی و تنبلی و سستی در طاعت تو، و از کیفر نزدیک‌ترت و عذاب بزرگ‌ترت، به تو پناه می‌برم. به تو پناه می‌برم از دنیایی که مانعِ خیر آخرت شود، و از زندگی‌ای که مانعِ خوبْ مُردن شود، و از آرزویی که مانعِ کار نیک شود. به تو پناه می‌برم از

نَفسٍ لا تَشبَعُ، ومِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، ومِن دُعاءٍ لا يُرفَعُ، ومِن صَلاةٍ لا تُقبَلُ....

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِهِ، وَاكفِني ما أهَمَّني وغَمَّني، ولا تَكِلني إلىٰ نَفسي، وأعِذني مِن شَرِّ ما خَلَقتَ وذَرَأتَ وبَرَأتَ، وألبِسني دِرعَكَ الحَصينَةَ مِن شَرِّ جَميعِ خَلقِكَ، وَاقضِ عَنّي دَيني، ووَفِّقني لِما يُرضيكَ عَنّي، وَاحرُسني وذُرِّيَّتي وأهلي، وقَراباتي وجَميعَ إخواني فيكَ، وأهلَ حُزانَتي[1]، مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ، وشَياطينِ الإنسِ وَالجِنِّ، وَانصُرني عَلىٰ مَن ظَلَمَني.[2]

٢٣٧١. عنه عليه السلام ـ في الدُّعاءِ المَروِيِّ عَنهُ في الصَّباحِ ـ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، أصبَحتُ بِاللهِ مُمتَنِعاً، وبِعِزَّتِهِ مُحتَجِباً، وبِأسمائِهِ عائِذاً مِن شَرِّ الشَّيطانِ وَالسُّلطانِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ....

أعوذُ بِاللهِ وبِما عاذَت بِهِ مَلائِكَتُهُ ورُسُلُهُ، مِن شَرِّ هٰذَا اليَومِ وما يَأتي بَعدَهُ، ومِنَ الشَّيطانِ وَالسُّلطانِ، ورُكوبِ الحَرامِ وَالآثامِ، ومِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ، وَالعَينِ اللّامَّةِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.

وأعوذُ بِاللهِ وبِكَلِماتِهِ، وعَظَمَتِهِ وحَولِهِ، وقُوَّتِهِ وقُدرَتِهِ، مِن غَضَبِهِ وسَخَطِهِ وعِقابِهِ، وأخذِهِ وبَأسِهِ، وسَطوَتِهِ ونَقِمَتِهِ، ومِن جَميعِ مَكارِهِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ، وَامتَنَعتُ بِحَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِ خَلقِهِ جَميعاً وقُوَّتِهِم، وبِرَبِّ الفَلَقِ[3]، مِن شَرِّ ما خَلَقَ، ومِن شَرِّ غاسِقٍ[4] إذا وَقَبَ[5]، ومِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي العُقَدِ، ومِن شَرِّ حاسِدٍ إذا

---

١. الحُزانَةُ: عيالُ الرَّجُلِ الذين يُتحزّنُ بأمرهم (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٩٨ «حزن»).

٢. الإقبال: ج ٢ ص ١٤٦، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٠.

٣. الفَلَقُ: الصُبح، والفلق: شقّ الشيء (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٦٤٥ «فلق»).

٤. غَسَقُ الليل: شدّة ظُلمته (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٦٠٦ «غسق»).

٥. وَقَبَتِ الشمسُ: غابت (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨٧٩ «وقب»).

نفسی که سیر نشود، و از دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و از دعایی که بالا نرود، و از نمازی که پذیرفته نگردد... .

بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و تو خود در همّ و غم، مرا بسنده باش، و مرا به خودم وا مگذار، و مرا از شرّ آنچه آفریده‌ای و پدید آورده‌ای و ایجاد کرده‌ای، در پناه خویش بدار، و زره خود را ـ که از گزند همهٔ آفریدگانت نگه می‌دارد ـ، بر من بپوشان، و دَینم را بپرداز، و در آنچه تو را از من خشنود می‌سازد، توفیقم ده، و مرا و فرزندانم و همسرم و نزدیکانم و همهٔ برادران دینی‌ام و بستگانم را از شیطان رانده شده و از شرّ تبهکاران عرب و عجم و شیاطین اِنس و جِن، محافظت فرما، و مرا در برابر آن که بر من ستم کند، یاری رسان.

۲۳۷۱. **امام صادق**ﷺ ـ در دعای صبحگاهِ هر روز ایشان ـ: به نام خدای مهرگسترِ مهربان. صبح کردم در حالی که خود را در حمایت خدا درآوردم و در پسِ پردهٔ عزّت او قرار دادم. به نام‌های او پناه بردم از شرّ شیطان و سلطان، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من، بر راهی راست است.

به خدا و به آنچه فرشتگان و فرستادگان به او پناه برده‌اند، پناه می‌برم، از شرّ این روز و آنچه پس از آن می‌آید، و از شرّ شیطان و سلطان، و از دست یازیدن به حرام و گناهان، و از شرّ زَهرداران کُشنده و غیر کشنده، و چشم حسود، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من بر راه راست است.

به خدا و به کلمات او، و به بزرگی و نیروی او، و زور و توانایی او پناه می‌برم از خشم و ناخشنودی و کیفر او، و مؤاخذه و عذاب او، و یورش و انتقام او، و از همهٔ ناملایمات دنیا و آخرت. خود را در پناه نیرو و توان خدا در آوردم از نیرو و توان همهٔ آفریدگانش، و در پناه پروردگار سپیده‌دم [در آوردم] از شرّ آنچه آفریده است، و از شرّ شب، آن گاه که همه جا تیره و تار شود، و از شرّ دَمَندگانِ درگِرِه‌ها، و از شرّ حسود، آن گاه که حسادت بورزد، و در پناه پروردگار مردم،

حَسَدَ، وبِرَبِّ النّاسِ، مَلِكِ النّاسِ، إلٰهِ النّاسِ، مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاسِ[١]، الَّذي يُوَسوِسُ في صُدورِ النّاسِ، مِنَ الجِنَّةِ وَالنّاسِ، فَإِن تَوَلَّوا فَقُل حَسبِيَ اللهُ لا إلٰهَ إلّا هُوَ عَلَيهِ تَوَكَّلتُ، وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ.[٢]

٢٣٧٢. عنه ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ عَرَفَةَ ـ: يا رَبِّ أعوذُ بِكَ مِن هَولِ المُطَّلَعِ[٣]، ومِن شِدَّةِ المَوقِفِ يَومَ الدّينِ، فَإِنَّكَ تُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيكَ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، اللّٰهُمَّ لا تُعرِض عَنّي حينَ أدعوكَ، ولا تَصرِف عَنّي وَجهَكَ حينَ أسأَلُكَ، فَلا رَبَّ لي سِواكَ، وأعطِني مَسأَلَتي، وآمِن خَوفي يَومَ ألقاكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ فَأَعِذني، فَإِنّي ضَعيفٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ بائِسٌ فَقيرٌ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، اللّٰهُمَّ اكشِف ضُرَّ مَا استَعَذتُكَ مِنهُ، وألبِسني رَحمَتَكَ، وجَلِّلني عافِيَتَكَ، وآمِنّي بِرَحمَتِكَ، فَإِنَّكَ تُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن وَحشَةِ القَبرِ ومِن خَلوَتِهِ، ومِن ظُلمَتِهِ وضيقِهِ وعَذابِهِ، ومِن هَولِ ما أتَخَوَّفُ بَعدَهُ، يا رَبَّ العالَمينَ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ....

اللّٰهُمَّ مَا استَعفَيتُكَ مِنهُ وما لَم أستَعفِكَ مِنهُ، وتوجِبُ عَلَيَّ بِهِ النّارَ وسَخَطَكَ، فَاعفُني مِنهُ، وما عُذتُ مِنَ المَخازي يَومَ القِيامَةِ وسوءِ المُطَّلَعِ إلىٰ ما فِي القُبورِ، فَأَعِذني مِنهُ....

---

١. الخنّاس: أي الشيطان الذي يخنس أي ينقبض إذا ذكر الله تعالى (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٠٠ «خنس»).

٢. مصباح المتهجّد: ص ٢٣٠ ـ ٢٣٢ ح ٣٣٨ و ٣٣٩، البلد الأمين: ص ٦١ ـ ٦٣، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٧٩ ـ ١٨١ ح ٤٦.

٣. المُطّلع: المأتىٰ. يقال: أين مُطّلع هذا الأمر، أي مأتاه، وهو موضع الاطّلاع من إشراف إلى انحدار، وفي الحديث: «من هول المطّلع» شبّه ما أشرف عليه من أمر الآخرة بذلك (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٥٤ «طلع»).

پادشاه مردم، معبود مردم، از شرّ وسوسه‌گرِ نهان؛ آن که وسوسه می‌کند در سینه‌های مردمان، از جِن و انس. پس اگر روی گرداندند، بگو: خدا، مرا بس است. معبودی جز او نیست. بر او توکّل کردم، و او پروردگارِ عرش بزرگ است.

۲۴۷۲. **امام صادق**ؑ ـ از دعای ایشان در روز عرفه ـ: ای پروردگار من! از هراس مشاهدهٔ صحنهٔ قیامت، و از سختی توقّفگاه روز جزا، به تو پناه می‌برم؛ زیرا که تو پناه می‌دهی و از تو به کسی پناه نمی‌توان برد، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

بار خدایا! آن گاه که تو را می‌خوانم، از من اعراض مکن، و آن گاه که از تو درخواست می‌کنم، رویت را از من مگردان؛ زیرا که مرا پروردگاری جز تو نیست. خواسته‌ام را برآوَر و در آن روز که دیدارت می‌کنم، ترس مرا به آرامش بدل فرما.

بار خدایا! من به تو پناه می‌برم. پس پناهم ده؛ زیرا که من، ناتوان و ترسان و پناهخواه و بینوا و درویشم، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

بار خدایا! گزند آنچه را از آن به تو پناه جستم، برطرف فرما، و جامهٔ رحمتت و ردای عافیتت را بر من بپوشان و به رحمتت، مرا در امان دار؛ زیرا تو پناه می‌دهی و از تو به کس پناه نمی‌توان برد.

بار خدایا، به تو پناه می‌برم از وحشت و تنهایی قبر، و از تاریکی و تنگی و رنج و عذاب آن، و از هراس‌های پس از آن، ای پروردگار جهانیان، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!...

بار خدایا! از آنچه در باره‌اش از تو عفو خواستم و از آنچه در باره‌اش از تو عفو نخواسته‌ام و به سبب آن، مرا مستوجب آتش و خشمت می‌گردانی، مرا عفو کن و از خواری‌ها و رسوایی‌های روز رستاخیز و مشاهدهٔ صحنه‌های بد و هولناک قبرها که از تو پناه خواستم، پناهم ده....

وأعِذنا مِنَ الأَذىٰ وَالعِدىٰ وَالضُرِّ، وسوءِ القَضاءِ وشَماتَةِ الأَعداءِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي المالِ وَالدّينِ، وَالأَهلِ وَالوَلَدِ، وعِندَ مُعايَنَةِ المَوتِ....

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أُوالِيَ لَكَ عَدُوّاً، أو أُعادِيَ لَكَ وَلِيّاً، أو أسخَطَ لَكَ رِضىً، أو أرضىٰ لَكَ سَخَطاً، أو أقولَ لِحَقٍّ هٰذا باطِلٌ، أو أقولَ لِباطِلٍ هٰذا حَقٌّ، أو أقولَ لِلَّذينَ كَفَروا هٰؤُلاءِ أهدىٰ مِنَ الَّذينَ آمَنوا سَبيلاً.[1]

٢٤٧٣. عنه ﷺ ـ مِن حِرزِهِ الجَليلِ الَّذي رَواهُ عَن آبائِهِ ﷺ ـ: أُعيذُ نَفسي وشَعري، وبَشَري وديني، وأهلي ومالي، ووُلدي وذُرِّيَّتي، ودُنيايَ وجَميعَ مَن أمرُهُ يَعنيني، مِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ يُؤذيني.

أُعيذُ نَفسي، وجَميعَ ما رَزَقَني رَبّي، وما أُغلِقَت عَلَيهِ أبوابي، وأحاطَت بِهِ جُدراني، وجَميعَ ما أتَقَلَّبُ فيهِ مِن نِعَمِ اللهِ عَزَّوجَلَّ وإحسانِهِ، وجَميعَ إخواني وأخَواتي مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ، وبِأسمائِهِ التّامَّةِ الكامِلَةِ، المُتَعالِيَةِ المُنيفَةِ، الشَّريفَةِ الشّافِيَةِ، الكَريمَةِ الطَّيِّبَةِ، الفاضِلَةِ المُبارَكَةِ، الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ، العَظيمَةِ المَخزونَةِ المَكنونَةِ، الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ ولا فاجِرٌ، وبِأُمِّ الكِتابِ وفاتِحَتِهِ، وخاتِمَتِهِ وما بَينَهُما مِن سورَةٍ شَريفَةٍ، وآيَةٍ مُحكَمَةٍ، وشِفاءٍ ورَحمَةٍ، وعوذَةٍ وبَرَكَةٍ، وبِالتَّوراةِ وَالإنجيلِ، وَالزَّبورِ وَالقُرآنِ العَظيمِ، وبِصُحُفِ إبراهيمَ وموسىٰ، وبِكُلِّ كِتابٍ أنزَلَهُ اللهُ ﷻ، وبِكُلِّ رَسولٍ أرسَلَهُ اللهُ ﷻ، وبِكُلِّ بُرهانٍ أظهَرَهُ اللهُ ﷻ، وبِآلاءِ اللهِ، وعِزَّةِ اللهِ، وقُدرَةِ اللهِ، وجَلالِ اللهِ، وقُوَّةِ اللهِ، وعَظَمَةِ اللهِ، وسُلطانِ اللهِ، ومَنَعَةِ اللهِ، ومَنِّ اللهِ، وحِلمِ اللهِ، وعَفوِ اللهِ، وغُفرانِ اللهِ، ومَلائِكَةِ اللهِ، وكُتُبِ اللهِ،

---

١. الإقبال: ج ٢ ص ١٢٨ ـ ١٤٠ عن سلمة بن الأكوع، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٤٦ ـ ٢٥٥.

ما را از آزار و دشمنی و گزند، و قضای بد و شماتت دشمن، و مشاهدهٔ صحنهٔ بد نسبت به مال و دین و زن و فرزند، و هنگام دیدن مرگ، در پناه خویش بدار....

بار خدایا! من به تو پناه می‌برم از این که با دشمن تو دوستی کنم، یا با دوست تو دشمنی ورزم، یا پسند تو را نپسندم، یا آنچه را ناپسند توست، بپسندم، یا به حقّی بگویم: «این، باطل است»، یا به باطلی بگویم: «این، حقّ است»، یا در بارهٔ کسانی که کافرند، بگویم: «اینان، از مؤمنان ره‌یافته‌ترند».

۲۴۷۳. **امام صادق**ﷺ ـ از حِرز مهمّ ایشان که از پدرانشﷺ روایت کرده است ـ: خودم و مویم و پوستم را، و دینم را، و زن و اموال و فرزندان و ذریّه‌ام را، و دنیایم را، و همهٔ کسانی را که به من مربوط می‌شوند، از شرّ هر شررسانی که آزارم برساند، در پناه تو در می‌آورم.

خودم را و همهٔ آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، و آنچه را که درهای [خانهٔ] من بر روی آنها بسته می‌شود، و [آنچه را] دیوارهای خانه‌ام آنها را در میان گرفته‌اند، و همهٔ نعمت‌ها و احسان خداوندﷻ را که در آن غوطه‌ورم، و همهٔ برادران و خواهران مؤمنم را در پناه خدایِ بلندپایه و بزرگ و در پناه نام‌های تامّ و کامل و والا و بالا و شریف و شفابخش و بزرگوار و خوب و برجسته و خجسته و پاک و پاکیزه و بزرگ و اندوخته و نهفتهٔ او که هیچ نیکوکار و بدکاری (/مطیع و نافرمانی) از حیطهٔ آنها بیرون نیست، و در پناه اُمّ الکتاب و همهٔ سوره‌های گرامی و آیات استوار و شفابخش و مهرآمیز و محافظت کننده و برکت‌آمیز آن از آغاز تا پایانش، و در پناه تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ، و در پناه صُحُف ابراهیم و موسی، و در پناه هر کتابی که خدایﷻ نازل کرده، و در پناه هر فرستاده‌ای که خدایﷻ فرستاده، و در پناه هر برهانی که خدایﷻ آشکار ساخته، و در پناه نعمتهای خدا و عزّت خدا و قدرت خدا و شکوه خدا و نیروی خدا و بزرگی خدا و سلطنت خدا و توانمندی خدا و لطف خدا و بردباری خدا و گذشت خدا و آمرزش خدا و فرشتگان خدا و کتابهای خدا و پیامبران خدا و

وأنبياءِ اللهِ، ورُسُلِ اللهِ، ومُحَمّدٍ رَسولِ اللهِ ﷺ.

وأعوذُ بِاللهِ مِن غَضَبِ اللهِ وعِقابِهِ، وسَخَطِ اللهِ ونَكالِهِ[1]، ومِن نَقِمَةِ اللهِ وإعراضِهِ، وصُدودِهِ وخِذلانِهِ، ومِنَ الكُفرِ وَالنِّفاقِ، وَالحَيرَةِ وَالشِّركِ، وَالشَّكِّ في دينِ اللهِ، ومِن شَرِّ يَومِ الحَشرِ وَالنُّشورِ، وَالمَوقِفِ وَالحِسابِ، ومِن شَرِّ كُلِّ كِتابٍ قَد سَبَقَ، ومِن زَوالِ النِّعمَةِ، وحُلولِ النَّقِمَةِ، وتَحَوُّلِ العافِيَةِ، وموجِباتِ الهَلَكَةِ، ومَواقِفِ الخِزيِ وَالفَضيحَةِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ.

وأعوذُ بِاللهِ العَظيمِ مِن هَوىً مُردٍ، وقَرينِ سَوءٍ مُكدٍ، وجارٍ مُؤذٍ، وغِنىً مُطغٍ، وفَقرٍ مُنسٍ، وأعوذُ بِاللهِ العَظيمِ مِن قَلبٍ لا يَخشَعُ، وصَلاةٍ لا تَنفَعُ، ودُعاءٍ لا يُسمَعُ، وعَينٍ لا تَدمَعُ، وبَطنٍ لا يَشبَعُ، ومِن نَصَبٍ وَاجتِهادٍ يُوجِبانِ العَذابَ، ومِن مَرَدٍّ إلَى النّارِ، وسوءِ المَنظَرِ فِي النَّفسِ وَالأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ، وعِندَ مُعايَنَةِ مَلَكِ المَوتِ ﷺ.

وأعوذُ بِاللهِ العَظيمِ مِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، ومِن شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، ومِن شَرِّ ما أخافُ وأحذَرُ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ، ومِن شَرِّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالإِنسِ وَالشَّياطينِ، ومِن شَرِّ إبليسَ وجُنودِهِ، وأشياعِهِ وأتباعِهِ، ومِن شَرِّ السَّلاطينِ وأتباعِهِم، ومِن شَرِّ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها، ومِن شَرِّ ما يَلِجُ فِي الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها، ومِن شَرِّ كُلِّ سُقمٍ وآفَةٍ وغَمٍّ وهَمٍّ، وفاقَةٍ وعُدمٍ، ومِن شَرِّ ما فِي البَرِّ وَالبَحرِ، ومِن شَرِّ الفُسّاقِ وَالفُجّارِ، وَالدُّعّارِ[2] وَالحُسّادِ وَالأَشرارِ وَالسُّرّاقِ وَاللُّصوصِ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.

اللّٰهُمَّ إنّي أحتَجِزُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ شَيءٍ خَلَقتَهُ، وأحتَرِسُ بِكَ مِنهُم، وأعوذُ بِاللهِ

---

١. النَّكال: العُقوبة التي تنكِّلُ الناسَ عن فعل ما جُعلت له جزاءً (النهاية: ج ٥ ص ١١٧ «نكل»).

٢. الدُّعارَةُ: الفَسادُ والشرّ (النهاية: ج ٢ ص ١١٩ «دعر»).

فرستادگان خدا و محمّد پیامبر خدا، درمی‌آورم.

به خدا پناه می‌برم از خشم و کیفر خدا، و از ناخشنودی و تنبیه خدا، و از انتقام و روی‌گردانی خدا، و از پشت کردن و یاری نرساندن خدا، و از کفر و نفاق، و سرگردانی و انبازآوری، و شکّ در دین خدا، و از شرّ روز رستاخیز و توقّفگاه [قیامت] و حسابرسی، و از شرّ نوشته‌ای [و تقدیری] که پیش‌تر رقم خورده است، و از زوال آمدن نعمت، و فرود آمدن عذاب، و از دست رفتن عافیت، و از آنچه موجب نابودی می‌شود، و از جایگاه‌های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت.

به خدای بزرگ، پناه می‌برم از هوس نابود کننده، و دوست بدِ مضایقه‌گر، و همسایهٔ آزاررسان، و ثروت طغیان‌آور، و فقر از یاد برنده[ی خدا]. به خدای بزرگ، پناه می‌برم از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از نمازی که سود نبخشد، و دعایی که شنیده نشود، و دیده‌ای که اشک نریزد، و شکمی که سیر نشود، و از [زحمت و] تلاشی که موجب عذاب شوند، و از بازگشت به سوی آتش، و صحنهٔ بد نسبت به خودم و زن و دارایی و فرزند[م]، و هنگام دیدن فرشتهٔ مرگ.

به خدای بزرگ پناه می‌برم از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، و از شرّ هر صاحب شرّی، و از شرّ آنچه می‌ترسم و اندیشناکم، و از شرّ نابه‌کاران عرب و عجم، و از شرّ نابه کاران جنّ و إنس و شیاطین، و از شرّ ابلیس و لشکریانش و پیروان و دنباله‌روانش، و از شرّ سلاطین و پیروان آنها، و از شرّ آنچه از آسمان، فرود می‌آید و آنچه در آن، بالا می‌رود، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می‌رود و آنچه از آن، بیرون می‌آید، و از شرّ هر بیماری و آفت و غم و اندوه و فقر و ناداری، و از شرّ آنچه در خشکی و در دریاست، و از شرّ فاسقان و فاجران و هرزگان و اشرار و سارقان و دزدان، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، که به راستی، پروردگار من در راه راست است.

بار خدایا! از شرّ هر چیزی که آفریده‌ای، خود را در پناه حمایت تو در می‌آورم و از تو می‌خواهم که مرا از آنها محافظت کنی. به خدای بزرگ پناه

العَظيمِ مِنَ الحَرَقِ وَالغَرَقِ، وَالشَّرَقِ وَالهَدمِ، وَالخَسفِ وَالمَسخِ وَالجُنونِ، وَالحِجارَةِ وَالصَّيحَةِ وَالزَّلازِلِ، وَالفِتَنِ وَالعَينِ وَالصَّواعِقِ، وَالجُذامِ وَالبَرَصِ، وَالأَمراضِ وَالآفاتِ[1]، وَالعاهاتِ وَالمُصيباتِ، وأكلِ السَّبُعِ وميتَةِ السَّوءِ، وجَميعِ أنواعِ البَلايا فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ.

وأعوذُ بِاللهِ العَظيمِ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ المَلائِكَةُ المُقَرَّبونَ، وَالأَنبِياءُ المُرسَلونَ، وخاصَّةً مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُكَ ورَسولُكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، أسأَلُكَ أن تُعطِيَني مِن خَيرِ ما سَأَلوا، وأن تُعيذَني مِن شَرِّ مَا استَعاذوا، وأسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم.[2]

٢٣٧٤ . عنه ﷺ ـ فيما عَلَّمَهُ أبا يَحيىٰ لِيَدعُوَ بِهِ في لَيلَةِ النِّصفِ مِن شَعبانَ ـ: اللّٰهُمَّ وَاخصُصني مِن كَرَمِكَ بِجَزيلِ قِسَمِكَ، وأعوذُ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وَاغفِر لِيَ الذَّنبَ الَّذي يَحبِسُ عَلَيَّ الخَلقَ، ويُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزقَ، حَتّىٰ أقومَ بِصالِحِ رِضاكَ، وأنعَمَ بِجَزيلِ عَطائِكَ، وأسعَدَ بِسابِغِ نَعمائِكَ، فَقَد لُذتُ بِحَرَمِكَ، وتَعَرَّضتُ لِكَرَمِكَ، وَاستَعَذتُ بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ، وبِحِلمِكَ مِن غَضَبِكَ، فَجُد بِما سَأَلتُكَ، وأنِل مَا التَمَستُ مِنكَ، أسأَلُكَ بِكَ لا بِشَيءٍ هُوَ أعظَمُ مِنكَ.[3]

٧/٦

الاِستِعاذاتُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ الكاظِمِ ﷺ

٢٣٧٥ . الإمام الكاظم ﷺ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِنَ العَديلَةِ[4] عِندَ المَوتِ، ومِن شَرِّ المَرجِعِ فِي

---

١ . في المصدر: «والعافات»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٢٥٠ و ص ٣٤ نحوه، المصباح للكفعمي: ص ٣٢٠، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠١ ح ٦٢.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٨٣٢ ح ٨٩١، الإقبال: ج ٣ ص ٣١٦ كلاهما عن أبي يحيى، البلد الأمين: ص ١٧٤، المصباح للكفعمي: ص ٧١٩، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٤١٠ ح ١.

٤ . العَديلَة: أي العُدول عن الحقّ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٧٦ «عدل»).

می‌برم از سوختن و غرق شدن و گلوگیر شدن و زیر آوار ماندن و در کام زمین فرو رفتن و مسخ شدن و دیوانگی و سنگسار شدن و غریو [عذاب] و زمین‌لرزه‌ها و فتنه‌ها و چشم [زخم] و صاعقه‌ها و خوره و پیسی و بیماری‌ها و آفتها و معلولیت‌ها و مصیبت‌ها و صدمات و طعمهٔ درنده شدن و مُردن بد و همهٔ انواع بلاهای دنیوی و اخروی.

به خدای بزرگ پناه می‌برم از شرّ آنچه فرشتگان مقرّب و پیامبران مُرسل، از آن [به او] پناه برده‌اند، بویژه از آنچه بنده‌ات و فرستاده‌ات محمّدﷺ از آن پناه برده است. از تو می‌خواهم که خیر آنچه را آنها از تو درخواست کردند، به من نیز عطا کنی، و از شرّ آنچه از آن به تو پناه آوردند، مرا نیز پناه دهی. هر گونه خیر را در دنیا و آخرت، چه آن خیری را که می‌دانم و چه آن را که نمی‌دانم، از تو می‌خواهم.

۲۳۷۴ . **امام صادق**ؑ ـ در دعایی که به ابو یحیی آموخت تا آن را در شب نیمهٔ شعبان بخواند ـ: بار خدایا! از کَرَم خویش، بهره‌های فراوانت را نصیب من گردان. از کیفر تو، به بخشش تو پناه می‌برم. گناهانی را که خلق را از من دور می‌کند و روزی را بر من تنگ می‌گردانَد، بیامرز تا رضایت تو را به درستی جلب کنم و از دَهِش بسیار تو برخوردار شوم و از نعمت‌های سرشار تو بهره‌مند گردم؛ زیرا به حریم تو پناه آورده‌ام و خود را در معرض کَرَم تو قرار داده‌ام، و از کیفر تو به گذشتت، و از خشم تو به بردباری‌ات پناهنده گشته‌ام. پس آنچه را از تو درخواست کردم و آنچه را از تو تقاضا نمودم، ارزانی‌ام دار. به حقّ تو، از تو درخواست می‌کنم، نه به چیزی که از تو با عظمت‌تر باشد.

۷/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از امام کاظمؑ

۲۳۷۵ . **امام کاظم**ؑ: بار خدایا! از برگشتن از حق در هنگام مرگ و از بدی بازگشت در

القُبورِ، ومِنَ النَّدامَةِ يَومَ الآزِفَةِ[١].[٢]

٢٣٧٦ . عنه عليه السلام ـ فيما عَلَّمَهُ لِعَلِيِّ بنِ رِئابٍ أن يَدعُوَ بِهِ في شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلاً دُخولَ السَّنَةِ ـ: أعوذُ بِكَ يا إلٰهي أن تُحيطَ بي[٣] خَطيئَتي، وظُلمي وإسرافي عَلىٰ نَفسي، وَاتِّباعي لِهَوايَ وَاشتِغالي بِشَهَواتي، فَيَحولَ ذٰلِكَ بَيني وبَينَ رَحمَتِكَ ورِضوانِكَ، فَأَكونَ مَنسِيّاً عِندَكَ، مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ ونَقِمَتِكَ.[٤]

٢٣٧٧ . **الكافي عن زياد بن مروان:** كانَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ في سُجودِهِ: أعوذُ بِكَ مِن نارٍ حَرُّها لا يُطفَأُ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ جَديدُها لا يَبلىٰ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ عَطشانُها لا يَروىٰ، وأعوذُ بِكَ مِن نارٍ مَسلوبُها لا يُكسىٰ.[٥]

٢٣٧٨ . **الإمام الكاظم عليه السلام** ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ الأَربِعاءِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ أن أضِلَّ أو أُضَلَّ، أو أذِلَّ أو أُذَلَّ، أو أظلِمَ أو أُظلَمَ، أو أجهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيَّ، أو أجورَ أو يُجارَ عَلَيَّ، أخرِجني مِنَ الدُّنيا مَغفوراً لي [ذَنبي، ومَقبولاً][٦] عَمَلي، وأعطِني كِتابي بِيَميني، وَاحشُرني في زُمرَةِ نَبِيّي مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ وسَلَّم كَثيراً، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.[٧]

---

١. أزِفَ: اقتربَ. والآزِفَة: القيامة؛ لقُربها وإن استبعَدَ الناسُ مَداها (لسان العرب: ج ٩ ص ٤ «أزف»).

٢. مصباح المتهجّد: ص ٧٩٩ ح ٨٥٩، الإقبال: ج ٣ ص ١٨٧ كلاهما عن عليّ بن حديد، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٨٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٨١ ح ٢.

٣. في المصدر: «به»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.

٤. الكافي: ج ٤ ص ٧٣ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٨ ح ٢٦٦ كلاهما عن عليّ بن رئاب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٤ ح ١٨٤٨، مصباح المتهجّد: ص ٦٠٦ ح ٦٩٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٤٢ ح ٢.

٥. الكافي: ج ٣ ص ٣٢٨ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٣٨ ح ٦٠.

٦. ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار وبقيّة المصادر.

٧. مصباح المتهجّد: ص ٥١٠ ح ٥٨٨، المصباح للكفعمي: ص ١٧٠، البلد الأمين: ص ١٣٢، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٢ ح ٣٢.

قبر و از پشیمانی در روز قیامت، به تو پناه می‌برم.

۲۳۷۶ . **امام کاظم**ﷺ ـ در دعایی که به علی بن رئاب آموخت تا در ماه رمضان و استقبال از حلول سال[1]، آن را بخواند ـ: معبودا! به تو پناه می‌برم از این که گناهم و ستمم و زیاده‌روی‌ام در حقّ خویشتن و پیروی‌ام از هوسم و پرداختنم به خواهش‌های نفسانی‌ام، مرا در میان گیرند و میان من و رحمت و خشنودی تو، حایل شوند و در نتیجه، نزد تو از یاد بروم و در معرض ناخشنودی و کیفر تو قرار گیرم.

۲۳۷۷ . **الکافی** ـ به نقل از زیاد بن مروان ـ: ابوالحسنﷺ[2] در سجده‌اش می‌گفت: «به تو پناه می‌برم از آتشی که شعله‌اش فروکش نمی‌کند. به تو پناه می‌برم از آتشی که تازهٔ آن، کهنه نمی‌شود. به تو پناه می‌برم از آتشی که تشنهٔ آن، سیراب نمی‌شود. به تو پناه می‌برم از آتشی که برهنهٔ آن، پوشیده نمی‌شود».

۲۳۷۸ . **امام کاظم**ﷺ ـ از دعای ایشان در روز چهارشنبه ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که گم راه باشم یا به گم راهی کشانده شوم، خوار باشم یا خوار داشته شوم، حق کُشی کنم یا نسبت به من حق‌کُشی شود، نادانی کنم یا بر من نادانی شود، بیداد کنم یا بر من بیداد شود. مرا در حالی از دنیا ببر که گناهم آمرزیده و عملم پذیرفته شده باشد و نامه [ی اعمال] مرا به دست راستم دِه و مرا در گروه پیامبرم محمّد و خاندان او ـ که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش باد ـ محشور فرما، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری.

---

۱ . یعنی در هنگام حلول سال قمری؛ زیرا احتمال دارد که ماه رمضان، آغاز سال قمری باشد.

۲ . منظور از ابوالحسن، در این جا، امام کاظمﷺ است.

٢٣٧٩ . عنه عليه السلام ـ مِن دُعائِهِ في يَومِ الخَميسِ ـ: أصبَحتُ أعوذُ بِوَجهِ اللهِ الكَريمِ، وَاسمِ اللهِ العَظيمِ، وكَلِمَتِهِ التّامَّةِ، مِن شَرِّ السّامَّةِ وَالهامَّةِ وَالعَينِ اللّامَّةِ، ومِن شَرِّ ما خَلَقَ وذَرَأَ وبَرَأَ، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن جَميعِ خَلقِكَ فَأَعِذني، وأتَوَكَّلُ عَلَيكَ في جَميعِ اُموري فَاحفَظني مِن بَينِ يَدَيَّ، ومِن خَلفي، ومِن فَوقي ومِن تَحتي، ولا تَكِلني في حَوائِجي إلىٰ عَبدٍ مِن عِبادِكَ فَيَخذُلَني، أنتَ مَولايَ وسَيِّدي، فَلا تُخَيِّبني مِن رَحمَتِكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ، وتَحويلِ عافِيَتِكَ، استَعَنتُ بِحَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ مِن حَولِ خَلقِهِ وقُوَّتِهِم، وأعوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِن شَرِّ ما خَلَقَ، حَسبِيَ اللهُ ونِعمَ الوَكيلُ.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٨/٦

الاِستِعاذَةُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ الرِّضا عليه السلام

٢٣٨٠ . الإمام الرضا عليه السلام ـ مِن دُعاءٍ كَتَبَهُ لِأَحَدِ أصحابِهِ ـ: اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ، وتَحويلِ عافِيَتِكَ، ومِن فَجأَةِ نَقِمَتِكَ، ومِن شَرِّ كِتابٍ قَد سَبَقَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسي، ومِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، وإنَّ اللهَ قَد أحاطَ بِكُلِّ شَيءٍ عِلماً، وأحصىٰ كُلَّ شَيءٍ عَدَداً.[2]

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٥١١ ح ٥٨٩، المصباح للكفعمي: ص ١٧٥، البلد الأمين: ص ١٣٩ وليس فيهما «فأعذني»، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢١٢ ح ٣٨.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٦٢ ح ١٩ عن الحسين.

۲۴۷۹. امام کاظمﷺ ـ از دعای ایشان در روز پنج شنبه ـ: صبح خود را آغاز می‌کنم، در حالی که به رویِ گرامی خدا و نام بزرگ خدا و کلمهٔ تامّ او پناه می‌برم از گزند جانوران سمّی کُشنده و غیر کُشنده، و از چشم بد، و از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از گزند هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، پروردگار من بر راه راست است.

بار خدایا! از همهٔ آفریدگانت به تو پناه می‌آورم، پس پناهم ده، و در همهٔ کارهایم بر تو توکّل می‌کنم، پس مرا از پیشِ رو و پشتِ سر و از بالای سر و از زیر پایم محافظت فرما و در حاجت‌هایم، مرا به بنده‌ای از بندگانت حواله مده که دستم را نگیرد. تویی سَروَر و آقای من! پس مرا از رحمتت، نومید مساز.

بار خدایا! از زوال آمدن نعمتت و گرفتن عافیتت از من، به تو پناه می‌برم. به جای نیرو و توان خلق خدا، از نیرو و توان او کمک می‌گیرم و از گزند آنچه آفریده است، به پروردگار سپیده‌دم، پناه می‌برم. خدا، مرا بس است و نیکوْ کارگزاری است.

۸/۶
پناه خواهی نقل شده از امام رضاﷺ

۲۴۸۰. امام رضاﷺ ـ از دعایی که برای یکی از یارانش نوشت ـ: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از زوال آمدن نعمتت، و برگشتن عافیتت، و از فرود آمدن ناگهانی خشمت، و از شرّ نوشته‌ای که پیش‌تر مقدّر شده است.

بار خدایا! از شرّ نفسم، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست، به تو پناه می‌برم، که تو بر هر چیزی توانایی. خداوند، بر هر چیزی احاطهٔ علمی دارد و آمار هر چیزی را می‌داند.

٩ / ٦
الاستعاذات المأثورة عن الإمام الجواد عليه السلام

٢٣٨١ . الإمام الجواد عليه السلام: أُعيذُ نَفسي بِاللهِ الَّذي ﴿لَا إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَـٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَـٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾[1] ....

أُعيذُ نَفسي ومَن يَعنيني أمرُهُ بِاللهِ مالِكِ المُلكِ، يُؤتِي المُلكَ مَن يَشاءُ ويَنزِعُ المُلكَ مِمَّن يَشاءُ، ويُعِزُّ مَن يَشاءُ ويُذِلُّ مَن يَشاءُ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ، يولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهارِ، ويولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيلِ، ويُخرِجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ ويُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَيِّ.[2]

٢٣٨٢ . عنه عليه السلام ـ مِن عوذَتِهِ في يَومِ الإثنَينِ ـ: أُعيذُ نَفسي بِرَبِّيَ الأكبَرِ، مِمّا يَخفىٰ ومِمّا يَظهَرُ، ومِن شَرِّ كُلِّ أُنثىٰ وذَكَرٍ، ومِن شَرِّ ما رَأَتِ الشَّمسُ وَالقَمَرُ....[3]

٢٣٨٣ . عنه عليه السلام ـ مِن عوذَتِهِ فِي يَومِ الثُّلاثاءِ ـ: أُعيذُ نَفسي بِاللهِ الأكبَرِ، رَبِّ السَّماواتِ القائِماتِ بِلا عَمَدٍ، وبِالَّذي خَلَقَها في يَومَينِ وقَضىٰ في كُلِّ سَماءٍ أمرَها، وخَلَقَ الأَرضَ في يَومَينِ وقَدَّرَ فيها أقواتَها، وجَعَلَ فيها جِبالاً أوتاداً وجَعَلَها فِجاجاً سُبُلاً، وأنشَأَ السَّحابَ وسَخَّرَهُ، وأجرَى الفُلكَ وسَخَّرَ البَحرَ، وجَعَلَ فِي الأَرضِ

---

١ . البقرة: ٢٥٥.

٢ . البلد الأمين: ص ١٠٢، المصباح للكفعمي: ص ١٤٧ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٥.

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٤٦٠ ح ٥٦١، البلد الأمين: ص ١١٨، المصباح للكفعمي: ص ١٦٠، الدعوات: ص ١٠٠ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٠٢.

۹/۶
پناه خواهی‌های نقل شده از امام جواد علیه‌السلام

۲۴۸۱ . امام جواد علیه‌السلام: خویشتن را در پناه خدایی در می‌آورم که: ﴿معبودی جز او نیست. آن زندهٔ پاینده که نه چُرتش می‌بَرَد و نه خواب، او را می‌گیرد. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. در نزد او، شفاعت، جز به اذن او که کند؟ آنچه را که در پیشِ رو و در پشتِ سرشان است، می‌داند. از دانشش به چیزی دست نمی‌یابند، جز آنچه خود بخواهد﴾ ....

اُورنگ [سلطنت] او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری‌شان بر او گران نمی‌آید و او والا و بزرگ است ... .

خودم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط است، در پناه خدای صاحب مُلک در آوردم. مُلک را به هر که خواهد، می‌دهد و از هر که خواهد، مُلک را می‌ستاند. هر که را خواهد، عزّت می‌بخشد و هر که را خواهد، خوار می‌گرداند. خوبی‌ها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. شب را در کامِ شب فرو می‌برد و روز را در دلِ شب، و زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و مُرده را از زنده بیرون می‌کشد.

۲۴۸۲ . امام جواد علیه‌السلام ـ از تعویذ ایشان در روز دوشنبه ـ: خویشتن را در پناه پروردگار بزرگ‌ترینم در آوردم از [گزند] آنچه ناپیدا و پیداست، و از گزند هر ماده و نری، و از گزند هر آنچه خورشید و ماه، دیده است ....

۲۴۸۳ . امام جواد علیه‌السلام ـ از تعویذ ایشان در روز سه‌شنبه ـ: خودم را در پناه خدا درآوردم که بزرگ‌ترین است. پروردگار آسمان‌هایی است که بی‌هیچ ستونی بر پایند، به خدایی که آنها (آسمانها) را در دو روز آفرید و برای هر آسمانی فرمانش را نوشت. زمین را در دو روز آفرید و روزی‌هایش را در آن، به اندازه نهاد و در آن، کوه‌هایی میخ‌سان قرار داد و در آن، درّه‌ها و راه‌ها پدیدار ساخت. ابرها را ایجاد کرد ورامشان نمود. کشتی را روان ساخت و دریا را آرام گردانید. در زمین،

رَواسِيَ وأنهاراً، مِن شَرِّ ما يَكونُ فِي اللَّيلِ وَالنَّهارِ، وتَعقِدُ عَلَيهِ القُلوبُ وتَراهُ العُيونُ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ....[1]

٢٣٨٤ . عنه عليه السلام ـ مِن عَوذَتِهِ في يَومِ الأَربِعاءِ ـ: أُعيذُ نَفسي بِالأَحَدِ الصَّمَدِ، مِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي العُقَدِ، ومِن شَرِّ ابنِ قِترَةَ[2] وما وَلَدَ، أستَعيذُ بِاللهِ الواحِدِ الأَحَدِ الأَعلىٰ، مِن شَرِّ ما رَأَت عَيني وما لَم تَرَهُ، أستَعيذُ بِاللهِ الواحِدِ الفَردِ، الكَبيرِ الأَعلىٰ، مِن شَرِّ مَن أرادَني بِأَمرٍ عَسيرٍ.[3]

٢٣٨٥ . عنه عليه السلام ـ مِن عَوذَتِهِ في يَومِ الخَميسِ ـ: أُعيذُ نَفسي بِرَبِّ المَشارِقِ وَالمَغارِبِ، مِن كُلِّ شَيطانٍ مارِدٍ، وقائِمٍ وقاعِدٍ، وعَدُوٍّ وحاسِدٍ ومُعانِدٍ.[4]

١٠/٦
الاِستِعاذَةُ المأثورَةُ عَنِ الإمامِ الهادي عليه السلام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٢٣٨٦ . الإمام الهادي عليه السلام ـ مِمّا دَعا بِهِ في قُنوتِهِ ـ: يا مَن تَفَرَّدَ بِالرُّبوبِيَّةِ، وتَوَحَّدَ بِالوَحدانِيَّةِ... بِكَ اعتَصَمتُ وتَعَوَّذتُ مِن نَفَثاتِ العَنَدَةِ ورَصَداتِ المُلحِدَةِ، الَّذين ألحَدوا في أسمائِكَ ورَصَدوا بِالمَكارِهِ لِأَولِيائِكَ، وأعانوا عَلىٰ قَتلِ أنبِيائِكَ وأصفِيائِكَ، وقَصَدوا لِإِطفاءِ نورِكَ بِإِذاعَةِ سِرِّكَ، وكَذَّبوا رُسُلَكَ، وصَدّوا عَن آياتِكَ، وَاتَّخَذوا مِن دونِكَ

---

١ . مصباح المتهجّد: ص ٤٦٨، البلد الأمين: ص ١٢٥، المصباح للكفعمي: ص ١٦٦، الدعوات: ص ١٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٩٠.

٢ . قِترة: اسم إبليس (النهاية: ج ٤ ص ١٢ «قتر»).

٣ . مصباح المتهجّد: ص ٤٧٩ ح ٥٧١، البلد الأمين: ص ١٣٣، المصباح للكفعمي: ص ١٧١، الدعوات: ص ١٠١ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٣ ح ٣٤.

٤ . مصباح المتهجّد: ص ٤٨٩ ح ٥٧٦، البلد الأمين: ص ١٤١، المصباح للكفعمي: ص ١٧٧، الدعوات: ص ١٠٢ والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢١٤ ح ٣٩.

کوه‌ها و جویبارها پدید آورد. [به چنین خدایی پناه می‌برم] از شرّ آنچه در شب و روز است و دل‌ها بدانها باور دارند و چشم‌ها آنها را می‌بینند، از جنّ و انس ....

۲۴۸۴ . امام جواد علیه السلام ـ از تعویذ ایشان در روز چهارشنبه ـ: خویشتن را در پناه یگانهٔ بی‌نیاز در آوردم از شرّ دَمَندگانِ در کوه‌ها، و از شرّ ابن قِتره[1] و بچّه‌هایش. به خدای یکتای یگانهٔ والا پناه می‌برم از شرّ آنچه چشم، آن را ببیند و آنچه نبیند. به خدای یکتای تکِ بزرگِ والا پناه می‌برم از شرّ آنچه بخواهد مرا به کاری سخت افکند.

۲۴۸۵ . امام جواد علیه السلام ـ از تعویذ ایشان در روز پنج شنبه ـ: خویشتن را در پناه پروردگار خاورها و باخترها در می‌آورم، از شرّ هر شیطان سرکشی، و هر ایستاده و نشسته‌ای، و هر دشمنی و حسودی و کینه‌توزی.

۱۰/۶
پناه‌خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۴۸۶ . امام هادی علیه السلام ـ از دعای ایشان در قنوتش ـ: ای آن که در پروردگاری، تک هستی و در یگانگی، یکتا! ... به تو چنگ آویختم و به تو پناه آوردم از وسوسه‌های حق‌ستیزان و کمین‌های کج‌روان؛ همانان که در نام‌های تو کج‌روی کردند، برای آزار رساندن به دوستانت کمین کردند، در کشتن پیامبران و برگزیدگانت کمک کردند، با فاش ساختن راز تو، آهنگ خاموش کردن نور تو را کردند، فرستادگانت را تکذیب کردند، از نشانه‌های تو چشم پوشیدند و به تو پشت

---

۱ . قِتره: نام ابلیس است. در فرهنگ لاروس آمده است: ابن قتره، مار خطرناکی است که هر کس را نیش بزند، جان به سلامت به دَر نمی‌بَرَد.

ودونِ رَسولِكَ ودونِ المُؤمِنينَ وَليجَةً[١]، رَغبَةً عَنكَ، وعَبَدوا طَواغيتَهُم وجَوابيتَهُم[٢] بَدَلاً مِنكَ....

أعوذُ بِكَ مِن كُلِّ لَبسٍ مَلبوسٍ، ومِن كُلِّ قَلبٍ عَن مَعرِفَتِكَ مَحبوسٍ، ومِن كُلِّ نَفسٍ تَكفُرُ إذا أصابَها بُؤسٌ، ومِن واصِفٍ عَدلٍ عَمَلُهُ عَنِ العَدلِ مَعكوسٌ، ومِن طالِبٍ لِلحَقِّ وهُوَ عَن صِفاتِ الحَقِّ مَنكوسٌ، ومِن مُكتَسِبِ إثمٍ بِإثمِهِ مَركوسٌ[٣]، ومِن وَجهٍ عِندَ تَتابُعِ النِّعَمِ عَلَيهِ عَبوسٌ، أعوذُ بِكَ مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ، ومِن نَظيرِهِ وأشكالِهِ وأشباهِهِ وأمثالِهِ إنَّكَ عَلِيٌّ عَليمٌ حَكيمٌ.[٤]

١١ / ٦
الاِستِعاذَةُ المَأثورَةُ عَنِ الإمامِ المَهدِيِّ عليه السلام

٢٣٨٧ . الإمام المهدي عليه السلام ـ مِمّا عَلَّمَهُ لِلعَلَوِيِّ المِصرِيِّ ـ: يا قَريبُ أسأَلُكَ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأن تُعيذَني مِن شَرِّ خَلقِكَ، وتُقَرِّبَني مِن عَفوِكَ....

اللّٰهُمَّ بِكَ أعوذُ وبِكَ ألوذُ، ولَكَ أعبُدُ وإيّاكَ أرجو، وبِكَ أستَعينُ وبِكَ أستَكفي، وبِكَ أستَغيثُ وبِكَ أستَنقِذُ، ومِنكَ أسأَلُ أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ....

إلٰهي وهٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ، وَالهارِبِ مِنكَ إلَيكَ مِن ذُنوبٍ تَهَجَّمَتهُ، وعُيوبٍ فَضَحَتهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَانظُر إلَيَّ نَظرَةً رَحيمَةً أفوزُ بِها إلىٰ جَنَّتِكَ، وَاعطِف عَلَيَّ عَطفَةً أنجو بِها مِن عِقابِكَ.[٥]

---

١ . وليجَةُ الرجل: بطانته ودخلاؤه وخاصّته (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٤ «ولج»).

٢ . الجِبْت: قيل: هو كلُّ معبودٍ سوى الله. ويقال: الجبتُ والطاغوتُ: الكهنةُ والشياطينُ، وفي الدُّعاء: «اللّهمّ العن الجوابيت والطواغيت» (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٦٥ «جبت»).

٣ . ركستُ الشيء: قلبتُهُ ورددتُ أوّلهُ على آخره (المصباح المنير: ص ٢٣٧ «ركس»).

٤ . مُهَج الدعوات: ص ٨٢، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٧.

٥ . مُهَج الدعوات: ص ٣٤١ ـ ٣٥٠، البلد الأمين: ص ٣٩٦ ـ ٤٠٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٧١ ـ ٢٧٨ ح ٣٤.

کرده، جز تو و پیامبر تو و مؤمنان، کسی را [یار و] هم راز خویش گرفتند و به جای تو، طاغوت‌ها و بت‌ها را پرستیدند....

به تو پناه می‌برم از هر شبههٔ پوشیده‌ای، و از هر دلی که از شناخت تو، باز داشته شده است، و از هر نفسی که هرگاه به فقر افتد، به کفر می‌گراید، و از هر دم‌زنندهٔ از عدالتی که کردارش به وارونهٔ عدالت باشد، و از هر جویندهٔ حقّی که خود، بر خلاف صفات حق باشد، و از مرتکب شوندهٔ گناهی که بر اثر گناهش تباه و نگونسار شود، و از هر چهره‌ای که چون نعمت‌ها پیاپی بر او رسد [در برابر نیازمندان و فقرا] اخم‌آلود شود. از همهٔ اینها و از مثل و مانند و شبیه و نظیر اینها، به تو پناه می‌برم، که به راستی، تو بلندمرتبه و دانا و فرزانه‌ای.

۱۱/۶
پناه‌خواهی نقل شده از امام مهدی علیه‌السلام

۲۴۸۷ . امام مهدی علیه‌السلام ـ از دعایی که به عَلَوی مصری آموخت ـ: ای نزدیک! از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و مرا از گزند آفریدگانت، در پناه خویش داری و به بخشایشت، نزدیکم گردانی....

بار خدایا! به تو پناه می‌برم و دست به دامن تو می‌شوم، و تو را می‌پرستم و به تو امید می‌بندم، و از تو یاری می‌جویم و از تو می‌خواهم که مرا بسنده باشی، و از تو فریاد می‌طلبم و درخواست نجات می‌کنم، و از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی....

معبود من! در این جا کسی ایستاده است که از آتش، به تو پناه آورده است و از گناهانی که بر او یورش آورده‌اند و عیب‌هایی که رسوایش کرده‌اند، از [عذاب] تو به سوی تو گریخته است. پس بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و به من با چنان نگاه مهرآمیزی بنگر که به سبب آن، به بهشت تو دست یابم، و بر من چنان توجّهی فرما که با آن، از کیفر تو بِرَهَم.

١٢ / ٦

جَوامِعُ الاِستِعاذاتِ

٢٣٨٨ . رسول الله ﷺ: قولوا: اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ مِمّا سَأَلَكَ مُحَمَّدٌ عَبدُكَ ورَسولُكَ، ونَستَعيذُ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ مُحَمَّدٌ عَبدُكَ ورَسولُكَ.[١]

٢٣٨٩ . عنه ﷺ ـ بَعدَ أن دَعا بِدُعاءٍ طَويلٍ ـ: ألا أدُلُّكُم عَلىٰ ما يَجمَعُ ذٰلِكَ كُلَّهُ؟ تَقولُ: اللّهُمَّ إنّا نَسأَلُكَ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ، ونَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ، وأنتَ المُستَعانُ، وعَلَيكَ البَلاغُ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[٢]

٢٣٩٠ . عنه ﷺ ـ لِعائِشَةَ ـ: عَلَيكِ بِالكَوامِلِ... قولي: اللّهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم، وأعوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم، و أسأَلُكَ الجَنَّةَ وما قَرَّبَ إلَيها مِن قَولٍ أو عَمَلٍ، وأعوذُ بِكَ مِنَ النّارِ وما قَرَّبَ إلَيها مِن قَولٍ أو عَمَلٍ، وأسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ ما سَأَلَكَ عَبدُكَ ورَسولُكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وأستَعيذُكَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُكَ ورَسولُكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وأسأَلُكَ ما قَضَيتَ لي مِن أمرٍ أن تَجعَلَ عاقِبَتَهُ رَشَداً.[٣]

٢٣٩١ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق ﷺ: تَقولُ إذا أصبَحتَ: أصبَحتُ بِاللهِ مُؤمِناً، عَلىٰ دينِ

---

١ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢٤٠ ح ٧٣٨٦، الدعاء للطبراني: ص ٤٢٦ ح ١٤٤٤ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج ٢ ص ٢٢٢ ح ٣٨٥٢ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق عن أبي هريرة.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٧ ح ٣٥٢١، المعجم الكبير: ج ٨ ص ١٩٢ ح ٧٧٩١، مسند الشاميّين: ج ٣ ص ٢٨٦ ح ٢٢٧٨ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي أمامة، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٩٣ ح ٣٧٠٨.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٤٨١ ح ٢٥١٩١، سنن ابن ماجة: ج ٢ ص ١٢٦٤ ح ٣٨٤٦، الأدب المفرد: ص ١٩٢ ح ٦٣٩، صحيح ابن حبّان: ج ٣ ص ١٥٠ ح ٨٦٩ كلّها عن عائشة نحوه، كنز العمّال: ج ٢ ص ١٧٣ ح ٣٦١٠.

۱۲/۶
پناه خواهی‌های جامع

۲۴۸۸ . **پیامبر خدا**ﷺ: بگویید: «بار خدایا! از تو آن می‌خواهیم که محمّد، بنده و فرستاده‌ات، از تو خواست، و از آن به تو پناه می‌بریم که محمّد، بنده و فرستاده‌ات، به تو پناه برد».

۲۴۸۹ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ پس از خواندن دعایی طولانی ـ: آیا شما را به دعایی ره نمون نشوم که جامع همهٔ این دعا باشد؟ می‌گوییم: «بار خدایا! آن خیری را که پیامبرت محمّد از تو خواست، از تو می‌خواهیم، و از شرّ آنچه پیامبرت محمّد به تو پناه آورد، ما هم از آن به تو پناه می‌آوریم، که یاری از تو باید خواست و بر عهدهٔ توست رساندن، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا.

۲۴۹۰ . **پیامبر خدا**ﷺ ـ به عایشه ـ: بر تو باد دعاهای کامل!... بگو: «بار خدایا! همهٔ خوبی را، زود یا دیر آن را، آنچه را از آن می‌دانم و آنچه را نمی‌دانم، از تو درخواست می‌کنم، و از همهٔ بدی، زود یا دیر آن و آنچه را از آن می‌دانم و آنچه را نمی‌دانم، به تو پناه می‌برم، و بهشت را و هر گفتار یا کرداری را که موجب نزدیک شدن به آن شود، از تو درخواست می‌کنم، و از آتش و از هر گفتار یا کرداری که مایهٔ نزدیک شدن به آن باشد، به تو پناه می‌برم، و هر آن خیری را که بنده و فرستاده‌ات محمّد از تو خواست، از تو می‌خواهم، و از هر آنچه بنده و فرستاده‌ات محمّد به تو پناه برد، من نیز از آن به تو پناه می‌برم. از تو می‌خواهم که هر کاری را که برایم مقدّر کرده‌ای، عاقبتش را نیک و درست قرار دهی».

۲۴۹۱ . **امام باقر یا امام صادق**ﷺ: چون صبح کردی، می‌گویی: «صبح خویش را آغاز کردم، در حالی که به خدا ایمان دارم، و بر آیین محمّدﷺ و آیین علیﷺ و آیین

مُحَمَّدٍ وسُنَّتِهِ، ودينِ عَلِيٍّ وسُنَّتِهِ، ودينِ الأَوصِياءِ وسُنَّتِهِم، آمَنتُ بِسِرِّهِم وعَلانِيَتِهِم، وشاهِدِهِم وغائِبِهِم، وأعوذُ بِاللهِ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ رَسولُ اللهِ ﷺ، وعَلِيٌّ ﷺ، وَالأَوصِياءُ، وأرغَبُ إلَى اللهِ فيما رَغِبوا إلَيهِ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ.[1]

٢٣٩٢ . الإمام الصادق ﷺ ـ مِن دُعائِهِ الَّذي كانَ يَقرَؤُهُ عِندَ دُخولِهِ عَلَى المَنصورِ ـ : أعوذُ بِاللهِ العَظيمِ مِن شَرِّ مَا استَعاذَ مِنهُ المَلائِكَةُ المُقَرَّبونَ، وَالأَنبِياءُ المُرسَلونَ، وخاصَّةً مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عَبدُكَ ورَسولُكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، أسأَلُكَ أن تُعطِيَني مِن خَيرِ ما سَأَلوا، وأن تُعيذَني مِن شَرِّ مَا استَعاذوا، وأسأَلُكَ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ عاجِلِهِ وآجِلِهِ، ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم.[2]

٢٣٩٣ . عنه ﷺ ـ فيما يُدعىٰ بِهِ بَعدَ الفَراغِ مِن صَلاةِ جَعفَرِ بنِ أبي طالِبٍ ـ : اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن كُلِّ ما سَأَلَكَ بِهِ مُحَمَّدٌ وآلُهُ، وأستَعيذُ بِكَ مِن كُلِّ مَا استَعاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وآلُهُ، اللّٰهُمَّ أعطِني مِن كُلِّ خَيرٍ خَيراً، وَاصرِف عَنّي كُلَّما قَضَيتَ مِن شَرٍّ أو فِتنَةٍ.[3]

٢٣٩٤ . عنه ﷺ: تَقولُ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ في صَلاةِ العيدَينِ: اللّٰهُمَّ أهلَ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَةِ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَةِ، وأهلَ التَّقوىٰ وَالمَغفِرَةِ، أسأَلُكَ في هٰذَا اليَومِ الَّذي جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً، ولِمُحَمَّدٍ ﷺ ذُخراً ومَزيداً، أن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلىٰ عَبدٍ مِن عِبادِكَ، وصَلِّ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ

---

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٤ عن يزيد بن كلثمة، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٤٠، المزار الكبير: ص ٦٣٩، مصباح المتهجّد: ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ و ص ٦٥٥ ح ٧٢٦، الإقبال: ج ١ ص ٤٦٩ كلّها نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٨ ح ٤٩.

٢ . مُهَج الدعوات: ص ٢٥١ و ص ٣٦ نحوه وكلاهما عن محمّد بن عبد الله الإسكندري، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٠٢.

٣ . الفقه المنسوب للإمام الرضا ﷺ: ص ١٥٦ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢١٠ ح ١٣.

اوصیا (امامان معصوم) هستم. به نهان و آشکار آنان و پیدا و پنهانشان، ایمان دارم، و از آنچه پیامبرﷺ و علی‌ؑ و اوصیا به خدا پناه بردند، من نیز به او پناه می‌برم و آنچه آنان از او خواستند، من نیز می‌خواهم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا.

۲۴۹۲ . **امام صادق**ؑ ـ از دعای ایشان که هنگام وارد شدن بر منصور، آن را می‌خواند ـ: به خدای بزرگ پناه می‌برم از شرّ آنچه فرشتگان مقرّب و پیامبران مُرسَل، از آن پناه بردند، بویژه از آنچه بنده‌ات و فرستاده‌ات محمّدﷺ از آن به تو پناه برد. از تو می‌خواهم که هر خیری را که آنان از تو خواستند، به من نیز عطا کنی، و از شرّ آنچه به تو پناه آوردند، مرا نیز در پناه خود داری. همهٔ خوبی را، زود یا دیر آن را و آنچه را از آن می‌دانم و آنچه را نمی‌دانم، از تو درخواست می‌کنم.

۲۴۹۳ . **امام صادق**ؑ ـ در دعایی که پس از پایان نماز جعفر بن ابی طالب، خوانده می‌شود ـ: بار خدایا! هر آنچه را که محمّدﷺ و خاندان او از تو خواستند، من نیز از تو می‌خواهم، و از هر آنچه محمّدﷺ و خاندان او از آن به تو پناه جستند، من نیز به تو پناه می‌جویم. بار خدایا! از هر خوبی‌ای خوب‌ترش را به من عطا فرما و هرگاه بدی یا فتنه‌ای را مقدّر فرموده‌ای، آن را از من، دور بدار.

۲۴۹۴ . **امام صادق**ؑ: ما بین هر دو تکبیر در نماز عیدین (عید فطر و قربان) می‌گویی: «بار خدایا! ای اهل بزرگی و عظمت، و ای اهل بخشش و قدرت، و ای اهل گذشت و مهربانی، و ای اهل پروا و آمرزش! در این روزی که آن را برای مسلمانان، عید و برای محمّدﷺ اندوخته و افزونی قرار داده‌ای، از تو می‌خواهم که همانند برترین درودی که بر بنده‌ای از بندگانت فرستاده‌ای، بر محمّد و خاندان او بفرستی، و بر فرشتگان مقرّبت و فرستادگانت نیز درود فرست، و مردان

المُقَرَّبينَ ورُسُلِكَ، وَاغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ، الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ، اللّٰهُمَّ إنّي أسأَلُكَ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ عِبادُكَ المُرسَلونَ، وأعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما عاذَ بِكَ مِنهُ عِبادُكَ المُرسَلونَ.[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٣٩ ح ٣١٤ عن محمّد بن عيسى بن أبي منصور و ح ٣١٥ عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليه السلام، مصباح المتهجّد: ص ٦٥٤ وفيه «الصالحون» بدل «المرسلون» في كلا الموضعين، المقنعة: ص ١٩٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ١٣٢ كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٣٨٠ ح ٣٠.

و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زنده و مُرده‌شان را بیامرز. بار خدایا! هر آن خیری را که بندگان فرستاده‌ات از تو درخواست کرده‌اند، من نیز از تو درخواست می‌کنم، و از هر آن شرّی که بندگان فرستاده‌ات از آن به تو پناه آورده‌اند، من نیز به تو پناه می‌آورم».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست تفصیلی

بخش ششم: تکبیر (گفتنِ «الله أکبر»)

درآمد ۹

واژه‌شناسی «تکبیر» ۹

تکبیر، در قرآن و حدیث ۱۰

تفسیر «تکبیر» ۱۱

اهمّیت ذکر «تکبیر» ۱۳

جایگاه تکبیر ۱۴

فصل یکم: تفسیر «الله أکبر» ۱۷

فصل دوم: فضیلت «الله أکبر» گفتن و تشویق به آن ۲۷

فصل سوم: جایگاه‌های گفتن «الله أکبر» ۳۳

۱/۳ اذان ۳۳

۲/۳ نماز ۳۳

۳/۳ جهاد ۳۷

۴/۳ کسب پیروزی ۳۹

۵/۳ شب عروسی ۴۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۶/۳ اعیاد ۴۳
۷/۳ دیدن ماه نو ۵۱
۸/۳ هنگام سوار شدن ۵۳
۹/۳ هنگام بالا رفتن بر بلندی ۵۳
۱۰/۳ هنگام رَمْی جَمَرات ۵۷
۱۱/۳ روزهای تشریق ۵۷
۱۲/۳ هنگام دیدن جنازه ۶۱
۱۳/۳ هنگام ترس ۶۱
۱۴/۳ هنگام زیارت آرامگاه‌های اهل بیت ۶۳
۱۵/۳ هنگام به چشم آمدن چیزی ۶۵
۱۶/۳ هنگام نگریستن در آینه ۶۵
۱۷/۳ هنگام خرید کالا ۶۵
۱۸/۳ هنگام خارج شدن از خانه ۶۷

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز ۶۹

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت ۷۵

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوة إلّا بالله» و «إن شاء الله»)

درآمد ۸۳
واژه‌شناسی «حوقله» ۸۳
حوقله، در قرآن و حدیث ۸۳
۱. معانی «حوقله» ۸۴
۲. استثنا به مشیّت الهی ۸۶
۳. نقش ذکر «حوقله» در زندگی ۸۷

فهرست تفصیلی ۵۹۱

۴. خطر برائت از حول و قوّة الهی ۸۷

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّة الّا بالله» ۸۹

۱/۱ خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت، جز با یاری خودِ خدا نیست ۸۹

۲/۱ تنها مالک چیزی هستی که خداوند، ما را مالک آن کرده است ۹۳

۳/۱ واگذاشتن کار به خدا ۹۳

فصل دوم: ویژگی‌های «لا حول ولا قوّة إلاّ بالله» ۹۵

۱/۲ گنج سخن ۹۵

۲/۲ سخن اهل آسمان‌ها ۹۵

۳/۲ دری از درهای بهشت ۹۷

۴/۲ نهالی از نهال‌های بهشت ۹۷

۵/۲ گنجی از گنج‌های بهشت ۹۹

۶/۲ گنجی از گنج‌های عرش ۱۰۳

۷/۲ تسبیح حاملان عرش ۱۰۵

۸/۲ گوناگون ۱۰۵

فصل سوم: برکت‌های «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» ۱۰۹

۱/۳ پایندگی نعمت‌ها ۱۰۹

۲/۳ آمرزش گناهان ۱۱۳

۳/۳ برآوردن حوایج ۱۱۵

۴/۳ از بین بردن وسوسه و خیالات ۱۱۷

۵/۳ فرو نشاندن خشم ۱۲۱

۶/۳ ایمن ماندن از اندوه و نگرانی ۱۲۱

۷/۳ از بین بردن فقر ۱۲۵

۸/۳ دفع چشم زخم ۱۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹/۳ گرداندن انواع بلا ۱۲۹

فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا ۱۴۱

فصل پنجم: مهم‌ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوّة إلّا بالله» ۱۴۷

۱/۵ هنگام اذان ۱۴۷

۲/۵ پس از نماز صبح ۱۴۷

۳/۵ هنگام بیرون رفتن از خانه ۱۴۹

۴/۵ هنگام وارد شدن به مسجد ۱۵۳

۵/۵ در بازار ۱۵۳

فصل ششم: «لا حول ولا قوّة إلّا بالله»های رسیده از اهل بیت ﷺ ۱۵۵

فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد» ۱۶۵

۱/۷ گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار ۱۶۵

۲/۷ نوشتن «اگر خدا بخواهد»، در نوشتار ۱۷۱

۳/۷ نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد» ۱۷۳

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن ۱۷۷

فصل نهم: گوناگون ۱۸۳

بخش هشتم: استعاذه (گفتنِ «أعوذ بالله»)

درآمد ۱۹۱

واژه‌شناسی «استعاذه» ۱۹۱

استعاذه، در قرآن و حدیث ۱۹۲

۱. حقیقت استعاذه ۱۹۳

۲. نقش استعاذه در زندگی ۱۹۴

۳. مهم‌ترین ادب استعاذه ۱۹۵

فهرست تفصیلی ۵۹۳

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او ۱۹۷

۱/۱ پناه خواستن برای خود ۱۹۷

۲/۱ پناه خواستن برای دیگران ۲۰۵

فصل دوم: آداب پناه بردن ۲۱۱

۱/۲ شناخت کسی که به او پناه بُرده می‌شود ۲۱۱

الف ـ خدا، دژ پناهندگان ۲۱۱

ب ـ پناه درماندگان ۲۱۳

ج ـ پناهی جز خدا نیست ۲۱۹

د ـ زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید ۲۲۳

۲/۲ خواستن و کوشیدن ۲۲۵

۳/۲ ترک شهوت ۲۲۷

۴/۲ متوسّل شدن به این نام‌ها ۲۲۷

۵/۲ گردهم آمدن ۲۳۳

۶/۲ عبارت پناه خواهی ۲۳۳

۷/۲ چگونگی پناه بردن ۲۳۵

فصل سوم: برکت‌های پناه بردن به خدا ۲۳۹

۱/۳ جای گرفتن در دژ خداوند ۲۳۹

۲/۳ بهره‌مند شدن از رحمت خدا ۲۴۷

۳/۳ ایمن ماندن از شیطان ۲۴۹

۴/۳ بستن درهای گناه و نافرمانی خدا ۲۵۵

۵/۳ مصون ماندن از توطئهٔ دشمنان ۲۵۷

۶/۳ دفع بلا ۲۵۹

۷/۳ فرو نشاندن خشم ۲۵۹

۸/۳ رفع غم و اندوه ۲۶۱
۹/۳ درمان بیماری‌ها ۲۶۳
۱۰/۳ دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان ۲۷۱
۱۱/۳ رفع ترس و بی‌خوابی ۲۷۷
۱۲/۳ دفع گزند هر گزندرسانی ۲۷۹
۱۳/۳ رهیدن از آتش ۲۸۱
فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد ۲۸۳
۱/۴ شیطان ۲۸۳
۲/۴ شیطان‌های اِنس و جِن ۲۹۱
۳/۴ نفس بد فرما ۲۹۵
۴/۴ پیشوایان ستم و کجروی ۲۹۹
۵/۴ نادانی ۳۰۳
۶/۴ دانش بی‌سود ۳۰۵
۷/۴ شِرک ۳۰۷
۸/۴ فتنه‌های گم راه کننده ۳۰۷
۹/۴ گم راهی پس از ره یافتن ۳۱۱
۱۰/۴ خوی‌های زشت ۳۱۳
الف ـ تکبّر ۳۱۳
ب ـ ریا ۳۱۳
ج ـ آزمندی و فزون‌خواهی ۳۱۷
د ـ بُخل ۳۱۹
هـ ـ سرمستی توانگری ۳۱۹
و ـ دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او ۳۲۱

فهرست تفصیلی ۵۹۵

ز ـ چند خصلت دیگر ۳۲۱

۱۱/۴ کردارهای زشت ۳۲۳

الف ـ ستم و حق‌کشی ۳۲۳

ب ـ انواع گناهان ۳۲۳

ج ـ پافشاری در گناه ۳۲۷

۱۲/۴ بهره‌مند نشدن از کارهای نیک ۳۲۹

۱۳/۴ گزند هر گزند رسانی ۳۳۱

الف ـ دوست بد ۳۳۱

ب ـ همسایهٔ بد ۳۳۱

ج ـ همسر بد ۳۳۳

د ـ ستم هر ستمگری ۳۳۳

هـ ـ گزند دشمنان ۳۳۵

و ـ شرّ بندگان ۳۴۱

ز ـ گزند چشم ۳۴۳

ح ـ شرّ اعضا و اندام‌ها ۳۴۵

ط ـ گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آن ۳۴۵

ی ـ گزند دنیا ۳۴۷

ک ـ بیماری‌های بد ۳۴۹

ل ـ بلای طاقت‌فرسا ۳۵۱

م ـ تاراج شدن ۳۵۱

ن ـ ناداری ۳۵۳

س ـ چیره شدن بدهکاری ۳۵۷

ع ـ خواری و رسوایی ۳۵۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ف ـ این چند چیز ۳۶۱
ص ـ بدفرجامی کارها ۳۶۵
ق ـ همهٔ بدی‌ها ۳۶۷
۱۴/۴ ناخشنودی خدا ۳۷۳
۱۵/۴ مرگ بد ۳۷۷
۱۶/۴ عذاب قبر ۳۷۹
۱۷/۴ عذاب آتش ۳۸۵
فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا ۳۹۱
۱/۵ هنگام خواندن قرآن ۳۹۱
۲/۵ هنگام خواندن آیات عذاب ۳۹۳
۳/۵ آغاز نماز ۳۹۷
۴/۵ پس از هر نماز ۴۰۱
۵/۵ دعای قنوتِ نماز وَتر ۴۰۷
۶/۵ دعای قنوتِ نماز عید فطر و قربان ۴۰۹
۷/۵ پس از لبّیک‌گویی [در حج] ۴۰۹
۸/۵ پس از زیارت اهل بیت ۴۰۹
۹/۵ و هنگام این چند کار ۴۱۱
الف ـ سخنرانی ۴۱۱
ب ـ خرید دام ۴۱۵
ج ـ وارد شدن به بازار ۴۱۵
د ـ شستن دست‌ها ۴۱۷
هـ ـ روغن زدن ۴۱۷
و ـ ازدواج ۴۱۷

ز ـ آمیزش ۴۱۹
ح ـ زادن فرزند ۴۱۹
ط ـ عقیقه کردن ۴۲۱
ی ـ پوشیدن جامهٔ نو ۴۲۳
ک ـ بیرون رفتن از خانه ۴۲۳
ل ـ رفتن به سفر ۴۲۷
م ـ فرود آمدن مسافر ۴۲۹
ن ـ وارد شدن مسافر به شهر یا روستا ۴۳۱
س ـ بازگشت مسافر ۴۳۳
ع ـ دیدن ماه نو ۴۳۵
ف ـ دیدن گرفتاران و آسیب‌دیدگان ۴۳۷
ص ـ خاکسپاری مرده ۴۳۷
۱۰/۵ و هنگام این چند حالت ۴۳۹
الف ـ حالت خشم ۴۳۹
ب ـ حالت خفتن ۴۳۹
ج ـ بیدار شدن از خواب ۴۴۵
د ـ دیدن خواب ناخوش ۴۴۷
هـ ـ ترس و دلهره ۴۵۳
و ـ مصیبت ۴۵۳
ز ـ بیماری ۴۵۵
ح ـ فرا رسیدن مرگ ۴۵۹
۱۱/۵ و در این چند وقت ۴۵۹
الف ـ پیش از طلوع و غروب خورشید ۴۵۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب ـ هر بام و شام ۴۶۱
ج ـ هر روز ۴۶۷
د ـ روز جمعه ۴۶۹
هـ ـ شب شنبه ۴۶۹
و ـ روز دوشنبه ۴۶۹
ز ـ ماه رمضان ۴۷۱
ح ـ روز عرفه ۴۷۳
ط ـ روز جنگ ۴۷۵
ی ـ هنگام وزیدن تندبادها ۴۷۷
ک ـ هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران ۴۸۱
۱۲/۵ و این چند مکان ۴۸۳
الف ـ عرفات ۴۸۳
ب ـ کعبه ۴۸۵
ج ـ مسجد ۴۸۷
د ـ گرمابه ۴۸۹
هـ ـ بازار ۴۹۱
و ـ مستراح ۴۹۳
فصل ششم: پناه خواهی‌های نقل شده از اهل بیت ۴۹۹
۱/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از پیامبر ۴۹۹
۲/۶ پناه‌خواهی‌های نقل شده از امام علی ۵۱۹
۳/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از فاطمهٔ زهرا ۵۲۹
۴/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از امام زین العابدین ۵۳۱
۵/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از امام باقر ۵۴۹

فهرست تفصیلی ۵۹۹

۶/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از امام صادق‌ﷺ ۵۵۳

۷/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از امام کاظم‌ﷺ ۵۷۱

۸/۶ پناه خواهی نقل شده از امام رضاﷺ ۵۷۵

۹/۶ پناه خواهی‌های نقل شده از امام جوادﷺ ۵۷۷

۱۰/۶ پناه خواهی نقل شده از امام هادی‌ﷺ ۵۷۹

۱۱/۶ پناه خواهی نقل شده از امام مهدی‌ﷺ ۵۸۱

۱۲/۶ پناه خواهی‌های جامع ۵۸۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی